





سید الشهدا

۴۷۰

کتابک درو تنده و قو عبولان خطا صواب جزد و لیدر

صوب	خطا	مطر	صیفه
مقل	مختل	۰۸	۰۷۷
مخزوله	مخزوله	۰۸	۰۸۹
الوهبة	الوهبة	۰۸	۱۰۰
هذبان	مزبان	۱۴	۱۰۱
ایلدیکه	ایلدیکی	۰۲	۱۰۸
سپسالار	سپسار	۲۵	۱۱۵
شرجیل	شرجیل	۱۹	۱۱۷
جیقمامغه	جیقمامغه	۱۷	۱۱۷
ناخری	ناخیری	۰۲	۱۲۴
نخوستلری	نخوستلری	۱۸	۱۲۴
هزیلدن	هزیلدن	۲۹	۱۳۳
مرادنه	مرادنه	۱۱	۱۳۴
نیرون	نیروب	۲۱	۱۵۱
قالدیلر	قلدیلر	۱۲	۱۶۴
نکس	نکث	۰۲	۱۶۶
لعین	لعین	۰۶	۱۸۰
استبعاد	استفقاد	۱۰	۱۸۱
ساقیلک	صاقیلک	۱۶	۱۸۷
مهادهینه	مهادهینه	۲۶	۱۸۸
تزییر	تذیر	۲۸	۱۸۹
وادیسنده	ودایسنده	۰۹	۲۱۰
کذارشدنصکره	کذارشدنصکره	۲۹	۲۱۰
عقارلری	اعقارلری	۱۸	۲۲۰
سادسه	ساده	۲۴	۲۳۸
مستلزم	مستلزم	۱۵	۲۴۵

فهرست کتاب سیر حلبی		
رضاعت نبوی ۱۰	ولادت نبوی وقصه فیل که بر تخریب کعبه آمده ۹	خلق نبوی علیه الصلوة والسلام ۸
شق صدر آن پدر عالیقدر ۱۳	ثانیه ارضاع نبوی علیه السلام ۱۲	فضیلت قرأت مولد شریف ۱۱
وفات مادر نجی ذیشان علیه السلام ۱۶	ولادت صدیق اکبر و ذی النورین رضی الله عنهما ۱۵	بدیعه شق سینه سید حضور ۱۵
استسقای عبدالمطلب جدالنبی علیه السلام ۲۳	احوال بحمله عبدالله بن عبدالمطلب ۲۰	مهمه در باره ابوبن برگزیده ثقلین ۱۷
لا یحیه حضانت نبوی ۲۹	وفود عبدالمطلب باملاک ملکت یمن ۲۵	کفالت عبدالمطلب بخدمت خلاصه آل غالب ۲۵
موت حاتم طائی وفوت کسری و بعض احوال ۳۰	وفات عبدالمطلب و کفالت ابی طالب عم نجی غالب ۳۰	رمد چشم صاحب سعادت ۳۰
بخار ثانی و سفر بصری ۳۳	وقعه بخارا اول در مبانیه عرب ۳۲	استسقای ابی طالب و شق ثانی صدر نبوی ۳۰
شق ثالث ۳۹	سفر یمن و بخارا رابع ۳۷	ولادت عمر بن الخطاب و بخار ثالث و حلف الفضول ۳۶
ولادت علی بن ابی طالب کرم الله وجهه ۴۳	سفر ملک و تزویج خدیجه الکبری ۴۲	سفر جرش و سفر بصری ۴۰

صفحه	سطر	خطا	صواب
۴۴۸	۴۱	ولیدی	ولید
۴۴۹	۵۸	هلمستان	عالمستان
۴۵۴	۳۱	رکون	رکود
۴۵۶	۴۹	بالکی	بلکه
۴۷۱	۳۱	مشتقلو	مشتقلو
۴۷۷	۱۱	هیکال	هیکل
۴۰۱	۴۸	ازرقه	ازرو
۳۴۲	۳۱	الاالا	الی الا
۳۵۱	۱۰	خوبه	خوله
۳۶۳	۳۱	ولادغدنبرو	ولادتندنبورو

بنای بیت الله الحرام ۴۴	سماع صوت و رؤیت ضیا ۴۸	مهمه نخویه در اسماء اعداد ۴۹
تعریف رؤیا و حی منام و شق رابع ۵۰	بداء وحی ۵۱	فتور جبریل ۵۲
نزول اسرافیل ۵۳	مهمه در نزول جبریل ۵۳	اظم اردعون ۵۴
ولادت عائشه و هجرت الی الحبشه ۵۵	عود مهاجرین و امنیت شیطان اعیان ۵۵	اسلام حمزه ۵۶
اسلام فاروق اعظم ۵۷	مبدء عقوق ۵۸	مجزه شق القمر ۵۹
موت ابی طالب و وفات خدیجه الکبری ۶۰	نکاح عائشه و سوده و سفر طائف ۶۰	وفد طائفة جن و فائده در اکل و شرب اجنه ۶۱
مبدء اسلام انصار و بعض احوالشان ۶۲	شق خامس و معراج ۶۵	بیعه اولی ۶۶
بیعه ثانیه و هجرت ۶۷	بنای مسجد قبا و مسجد مدینه ۷۰	بدیعه در باره سعادتخانه نبوی ۷۱
حنین جذع و مواخات و بداء اذان ۷۳	قلم رباعی صلوة و خدمت انس ۷۴	مهر لبید و زفاف عائشه ۷۵
اسلام عبدالله بن سلام و امر جهاد ۷۶	مهمه در تعریف غزا و سریه و بعث ۷۸	سریه حمزه و عیدیه ۷۸

سریه سعد و غزوة ابوا و صورت صلحنامه ۷۹	غزوة بواط و عشیرا و بدر اولی ۸۰	سریه عبدالله بن جحش ۸۱
تزوج امام علی ۸۲	اكتنايش علی بابی تراب ۸۳	تحويل قبله و مهمه در شان قبله ۸۳
فرضیت صوم و زکوة و صدقة فطر و تقصیه ۸۴	وفات رقیه بنت النبی علیه السلام ۸۴	قتل عصماء الیهودیة ۸۵
وفات عثمان بن مظعون ۸۶	و مشروعت صلوة عبد و تجدید مسجد قبا ۸۶	غزوة بدر ۸۶
امداد ملائكة کرام ۹۳	مهمه در تزئین مذهب جبر ۹۵	فائده در اسماع قتلای بدر ۹۷
غریبه ۱۰۲	غزوة کدر و غزوة سوبق ۱۰۳	غزوة بنی قینقاع ۱۰۴
بعث سالم ۱۰۶	غزوة غطفان ۱۰۷	غزوة بجران و غزوة احد ۱۰۸
مجزه ۱۲۰	حکمت در سرانجام وقعه احد ۱۲۳	غزوة حمر الاسد و سریه محمد بن مسلمه ۱۲۴
سریه فردیه ۱۲۹	سریه رجیع ۱۳۰	سریه بئر معونه ۱۳۲
سریه عبدالله بن انیس ۱۳۵	سریه ابوسلمه ۱۳۷	نکاح زینب و حفصه ۱۳۸
نکاح ام کلثوم بنت النبی علیه السلام ۱۳۹	ولادت امام حسن و امام حسین رضی الله عنهما و غزوة بدر الموعده ۱۴۰	غزوة بنی النضیر ۱۴۱

غزوة ذات الرقاع ١٤٥	غزوة دومة الجندل ١٤٦	غزوة بني المصطلق ١٤٧
غزوة خندق ١٤٨	صورت مکتوب هم ایون وغزوة بنی قریظه ١٥٧	نزول آیت حجاب وفرضیت حج شریف وحادثه افک عائشه الصدیقه ١٦٣
انجیام کار مفتریان ١٦٧	نزول آیت تیمم ونکاح زینب ١٦٩	نکاح جویریہ ١٧١
سریہ زید بن حارثہ ششبار ١٧٢	سریہ محمد بن مسلمہ دوبار ١٧٥	سریہ عکاشہ ١٧٦
سریہ ابو عبید بن الجراح وکرز بن جابر ١٧٧	سریہ عبد الرحمن بن عوف ١٧٨	سریہ عبد الله بن عتيك ١٧٩
سریہ عمرو بن امیة الضمری ١٨٠	سریہ عبد الله بن رواحه ١٨٢	سریة امام علي بن ابي طالب وغزوة حدیبیہ ١٨٣
فایحه در انصراف از مکہ مکرمہ ١٨٥	نیزه در باره مرتضی ١٨٩	غزوة بنی الحیان وغزوة غابہ ١٩٢
وقعه ظہار ١٩٩	نکاح ام حبیبہ ٢٠١	منع و تحریم شراب ٢٠٢
غزوة غرای خیبر ٢٠٥	اذن عالی برار جوزه ٢٠٦	فائده در تعریف نجیس ٢٠٨
جواز اقتباس قرانی ٢٠٩	مہمہ نفیہ در تقسیم اموال غنیمت ٢١٣	بدیعه شجاع بن غلاظ ٢١٦

غزوة فدلہ وغزوة وادی القری ٢١٩	عمرة القضاء واحکامش در مہمانہ حنفی وشافعی ٢٢٠	سریہ بشیر دوبارہ ٢٢٣
سریہ خرم ٢٢٤	سریہ ابو بکر الصدیق وعمر بن الخطاب وغالب ٢٢٥	اتخاذ خاتم ومکتوب قیصر ٢٢٧
مکتوب مقوقس مصر ٢٢٩	مکتوب کسرای عجم ٢٣٢	مکتوب حارث ٢٣٤
مکتوب نجاشی ٢٣٦	مکتوب ہودہ ٢٣٩	نکاح زینب ٢٤٠
نکاح برہ ٢٤١	زفاف رملہ ٢٤٢	وقعه تسمیم ٢٤٣
نہی اکل لحم حمار ٢٤٤	نہی نکاح منعمہ ٢٤٥	ورود مہاجرین ٢٤٧
اسلام خالد بن ولید ٢٤٨	غزوة غرای مکہ مکرمہ ٢٥٣	فایحه در حق قیس بن سعد ٢٦٦
نیزہ از حلم احنف ٢٦٨	غزوة حنین ٢٧٤	امداد ملائکہ کرام ٢٧٩
فائده در کلام نبوی بصورت شعر کلام موزون وعبرت ٢٨٠	غزوة طائف ٢٨٤	بدیعه در شان مصطفوی ٢٨٧
مہمہ در بیان مؤلفہ القلوب ٢٨٩	قصہ فارون ٢٩٠	نیزہ در بیان اصل الخوارج ٢٩١
سریہ شجاع ٢٩٦	سریہ کعب ٢٩٧	سریہ اشہل و ابو عامر الاشعری ٢٩٧
سریہ طفیل و سریہ عبد الله بن ابی حذرہ ٢٩٩	سریہ زید بن حارثہ ٣٠٠	سریہ قیس و سریہ ابو عبیدہ بن الجراح ٣٠٥

فایحه ماهی که نامش عنبر بود ۳۰۶	سریه خالد بن ولید دوباره ۳۰۶	فائده در تعریف مد ورطال ۳۰۹
سریه ابوقناده دوباره ۳۱۰	سریه غالب دوباره ۳۱۲	سریه عمرو بن العاص دوباره ۳۱۵
اتخاذ منبر ۳۱۸	لطیفه لاحق ۳۱۸	سفارت علاء بن الحضری ۳۱۹
سفارت عمرو بن العاص ۳۲۰	سفارت شجاع ۳۲۳	قصه سدمارب ۳۲۵
قصه عجیه جبله ۳۲۶	وفد قبیلہ هوازن ۳۳۰	وفد مالک بن عوف النضری ۳۳۰
وفد قبیلہ صداوی ثعلبه ۳۳۱	ولادت ابراهیم بن النبی علیه السلام و وفات زینب بنت النبی علیه السلام ۳۳۱	غزوة تبوک ۳۳۲
بدیعه در شان ابوذر الغفاری ۳۳۶	تخت جنی در اتنای راه ۳۳۹	سریه عیینه و ضحاک وخالد بن الولید ۳۴۱
سریه ولید ۳۴۱	سریه قطبه و علقمه ۳۴۴	سریه عکاشه و علی بن ابی طالب ۳۴۵
هلم مسجد ضرار ۳۴۶	وقعه ایلا ۳۴۷	امیر الحاج شدن صدیق اکبر ۳۴۸
قصه لعان ۳۵۰	مهمه در حکم لعان ۳۵۲	قصه رجم ۳۵۲

وفات

وفات معاویه اللیثی ۳۵۴	مردن کسری و وفات ذوالجنادین ۳۵۵	هلاک رئیس المناقبین ابن ابی بن سلول ۳۵۵
بدیعه در حق مرسوم ابن سلول ۳۵۷	وفات ام کاوم بنت النبی علیه السلام ۳۵۸	وفات نجاشی و مکتوب قبصر ۳۵۸
احوال مختلفون ۳۶۰	بیان وفود و وفد قبیلہ ثقیف ۳۶۴	وفد قبیلہ بنی عامر ۳۶۶
وفد بنی تمیم ۳۶۶	وفود فرود المرادی ۳۶۹	وفود سفیر فرود الجذامی وضام ۳۷۰
اسلام کعب بن زهیر صاحب القصیده ۳۷۱	فایحه در شان برده نبوی ۳۷۳	وفد بنی عذره و داری ۳۷۴
بدیعه در قصه دجال ۳۷۵	وفد اهل بصری و وفد بنی عبد القیس ۳۷۶	وصورت تمکیمه نبوی ۳۷۵
وفد بنی مره و عبس ۳۷۷	فایحه در شان خالد بن سنان و وفد اهل اذرح و جریاء و ابلة ۳۷۸	وفد بنی کلاب ۳۷۸
وفود رسول ملوک حیر ۳۷۸	وفد بنی اسد ۳۷۹	فائده در تعریف عیانت و ککھانت ۳۷۹
وفود ملک دومة الجندل ۳۷۹	وفد بنی زبید ۳۷۹	وفد بنی الحارث ۳۸۰

وفد قبيله نجيب ٣٨٠	وفد كنده وفسارای بخران ٣٨٢	آمریف مبااهله ٣٨٢
وفد غسان و اسلام عدى بن حاتم الطائي ٣٨٣	وفد بنی قزاره ٣٨٤	وفد همدان و خولان وبلي ٣٨٥
وفد رفاعة و صورت مكتوب شريف ٣٨٦	وفد طارق و وفد بنی سعد ٣٨٦	وفد صرد و وفد بنی بجيله ٣٨٧
وفد بنی عامر و ازد ٣٨٨	وفد اهل جرش ٣٨٨	وفد بنی حنيفه و قصه مسيله الكذاب ٣٨٩
وفد متفق و وفد بنی محارب و بنی مزينه و بنی طی ٣٩٠	وفد سلمان و فتح ٣٩١	روای زراره ٣٩١
وفد عمامه و حجة الوداع ٣٩٢	وفات ابراهيم بن النبی عليه وآله السلام ٣٩٣	سريه علي بن ابی طالب ٣٩٣
سريه خالد بن الوليد و ابو موسی و جریر و اسامه ٣٩٤	ادعای نبوت طلحه ٣٩٦	ادعای نبوت عجله العنسی ٣٩٦
ادعای نبوت - بجاح ٣٩٨	ادعای نبوت مسيله الكذاب ٣٩٨	اطيفه درميانه بجاح ومسيله ٣٩٨
انتقال النبي صلي الله تعالى عليه وعلى اله وصحبه وسلم		



۴۷۵



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سبحان من علم الانسان بالقلم * وزادهم بسطة بالعلم والحكم
فابتهوا ما تلقوا من ماثر من * اني بحكم حكم العادل الحكم
محمد نور الافاق طلعت * لما تجلي كبد في دجى الظلم
لولا تقسم بالاقبال نسخته * لما تقف نور الاله من عدم
تقوم عنصره قد كان منطبع * من جوهر الحسن والتوبة والعظم
محسن صورة مستحسن سيرة * مستفجع لكرم الخلق والشيم
اختص كف نداه للخصاصة ان * يكفها ويفك الكرب والالم
صلى عليه اله العالمين كما * جلا وحلاه بالاحسان والكرم
واله الغر والحب الكرام فهم * خير الحماة له واقدّم الخدم
اما بعد اصحاب دريت ودرایت * وارباب رويت وروایت * عند نده امر مقرر
ومانه دمهر انور * اظهر وازهر دركه * فن سري سيرا احكام شريعت غرابي
حاوي * وامور ملك وملت سمعاني محتوي * اولوب خصوص مصالح غزو
وجهادي حافل * وظفر ونصر في منج اولان مقدمات مرتبة سعي واجتهادي
كافل * وسبب نزول اياتي مشتمل * ومنشا ورود احاديث سيد الكائنات
متكفل * اولديغندن بنقه * توغل وانهماكي * شاه سربارنا اعطيناك *
وبادشاه كشور وما ارسلناك * عليه الصلوة والسلام * مادارت دوائر الافلاك
حضر تاري طرف تابنا كثرته علقه تعلق وانجذاب * ووصله توصل وانساب
اولغله منهج ايج عاليله انسلال وانتهاجله * اجل وما جل ابتهاجني
احتيازه طريفة مثلي * وفريضة عليا * اولق ملابسه سي * جملة فنون علميه دن

معتبر * وجه علوم متداوله دن برتر * اولمغين اشبو اواره تيه مثالب ومائم *
السيد احمد عاصم * عصمه الله تعالى عما يشينه * وجعله معصما بمبارينه
مدت مديده * وازمنه عديده * دنبر وازدل وجان * متني وجويان * ايديكه
امداد نفس رحاني * واسعاد نفس زماي ايله * اول فن جليل الافنان *
روضة اريضة سنده * ماتند هزار دستان كوي * يعني علم مزبوره متعلق
براز ايداعنه تشبيله * خدمت پر مخبرت نبوي مجالنده پوي اوله * بوامنيه
نيجه زمان * خاطر فائزده جولان * ايدوب آخر قرار داده ذهن قاصر
اولديني اوزره * اسوة العلماء المتأخرين * قدوة الفضلاء المتبحرين * سيوطي
الزمان * زيلعي الاوان * نخل الفحول * سعد المعقول والمنقول * موشي
غرا لا نار * محشي در المختار * يعني ابراهيم الحلبي كه * بين الافاضل
راغب باشا خواجه سي ديتمكه متعين * ذات عديم الاما تندر * نغمده
الله بفقرانه * ومهدده في مجبوحه جناحه * سال عمر سيد الاربابه
همشعار * الشمس اوج بيت بلا غشعار * ضمتده معظمت وقايع * وحالات
نبوي * ومهمات سرايا وغزوات مصطفى في درج ونضين * وفي ذاته
نخريرقاقد الاقران * وحكم وترجيج واديسنده مطلق العنان * اولغله
مشغله اختلافدن ساده * ودغدغه اعتسافدن ازاده * خير الكلام
مادّل وان قل * مؤداسي مفيد ومختصر * عبارت براعت پرور التراميله
شرح وتبيين ايدوب * لكن اول شاهد حلبي حله پوش عربي اولق
تقري هر كسه ابراز جمالندن استغنا كار * وايصال صله وصالندن
سروسهي وار * دامنكش عز ووقار * اولغله لباس لباس تركي ايله * جلديه
عرض ديدار * وحقايق ودقايق عشوه لرين اظهار * ايلمي خصوصنه
نصب تقص همت * وربط جبل عزيمت * اولنوب لكن بعض عوايق علايق
سييله * وابسته عقده تسويق اولغشيدى وقتا كه بادشاه اسلام * وشه نشاه
انام * خلد الله سلطته الى يوم القيام * حضر تلي نك * همت شاهانه
وحيت شهر بارانه لريله * اعداي دين اوزره * سوق كتيبة موحدين اولغله
بعد الاستخاره تقالا لنصرة المسلمين * وتوسلا الى النبي الامين * الفتح
المبين * بي سكتة توقف وبى وقفة تسوف * مستعينا بالله تعالى بترجة
مصممه يه * وضع خامه ابتدا اولندي * قالديكه عمدة مرام * ضبط وقايع
حضرت سيد الانام * واقاده واستفادة عامه خواص وعوام اولغله
مرحوم ويسى وبالي كبي تكلفات منشيانه * وتشدقات سمنورانه واديلندن
صرف لجام وهر كس شناس اولان زبازد وما نوس عبارت التراميله

ترجمه سنه اعمال براعه اهتمام * ويعون الله الملك العلام * ايسر ايامه قرين
حسن ختام * اولشدر * ورابطه كلكاني تقرير * وضابطه افاده مفهوماني
تيسير * ايجون هر بيتك ذيلنده * تراكيب عربيه سي تصريح * ولوايح
وفوايح وفوائده تقسيم * وحسب المناسبه * بر قاج محلده لاحقه وسيله
چند فقره ترقيم * اولمغله * حقا كما سلوب حسن * ونهج مستحسن * اوزره
ترشح وتوشيح * اولمغدر * بعدذا * وتيرة مشروحه اوزره * اعلاي لواي اسلام
وتكيس رايت اعداي خسران انجام * تقاليله شروع وابدا اولنديغندن
يشقه * اول غزاي غرايه تجهيز جنود * وتسير مهمات نامعدود * خصوصنده
صرف كنجينه مجهود * ايدوب وهر حالده مستغرق بجز تيار عنايت
شاهانه * ومستفيض ابرمد رار عاطفت پادشاهانه لري * اولديغز ولي نعم
عالميان * روح جسد جهانيان * شاه اسلام * ظل الله على الانام * نور بينش
مسلمين * قوة الظهور مؤمنين * معزز سلطنت * مقوم دين ودولت * خليفه
روى زمين * ذريعه عزت دين ميين * دره درج جلالت * غره برج نبالت *
نقاوه ملوك جهان * خلاصه دودمان ال عثمان * صباحت صبح دولت *
صرامت سيف شريعت * معنى نص جهانباني * مفهوم آيت حكمراني *
جشيد تهن دل كنجسرو سام آيين * اسكندر كسرى راى داراي فريدون فر
خورشيد فلان هيت كردون قضا فرمان * نيسان مخاياران * درياى جهان نكر
السلطان بن السلطان بن السلطان * ناشر البر والعدل والاحسان * قاهر
الكفر والفجور والطغيان * حافظ بلاد الله * بالرأى المنير * ناصر عباد الاله
بالسيف الشهير * نير سپهر مكارم * سپهر نجوم مراحم * عمان عنايت *
عيلم عطايت * قدردان هنرمندان * حيثيت شناس دانشوران * الكرم
ابن الكرم بن الكرم * زيبنده ملك وتاج وديميم * السلطان سليم الثالث
سلمه الله تعالى عن كوارث الحوادث * حضر تلى طرف مستجمع
المجد والشرف ملوكانه لرينه خير دعا * وحسب اليسور جانب بر ابادن دخی
استدعا * طريقه هم واعتنا * جله مسلمينه واجب * وكافه مؤمنينه اهم
رواتب * اولمغله جانب جلى المناقب خسرو بليزته * محضاجمله دعاوشنا *
اولمغ عزم صادقته مبنى نام نامى * واسم سامبلى * اكليل بافوخ اثر وقة
ترجمه به مدار زيب وفر * قبلتمشدر جناب آفريننده ككون ومكان *
وروزى دهنده جله انس وجان * جل شانعه عن طروق الحدوث والامكان *
اول فرماينده كشور دين * وپراينده تاج ونكبين * شهر باركزين * تاجدار
عرش نمكين * خورشيد طلعت * عطار د فكريت * قرتوير * مشترى تدبير

تمت * ما تحت * رسم حساست * فهرمان صوات * نرمان سطوت * پادشاه
اعظم * ملين معظم * كاشف الغمه * ملاذالامه * محي المملكه * مؤيد
السلطنة * فامع الجبابرة المتردين * قانع اصول المجدين * والمشير كين *
غيت سماه الجلالة * ليت غايه البسالة * الملك المؤيد * القدموس المعبد *
حامي الغزاة * ماحي الطغاة * غرة ايام الملوك والاكارم والاغالي * بهجة جمال
الممالك والمكارم والمعالى * اجل ملوك الحاققين * اعدل سلاطين المشرقين
حضر تلىك وجود همايون * وذات هماهال مسعد تمقرون ملوكانه لرين *
حدوث احداث حدثان دن مصون * وعروض عارضة اعراض ملواندن
مأمون * وعمر وشوكت وفرو شمت خسروانه لرين افزون * بسكه حوزة
حساب حسايدن برون * وفي كل الاحوال مظهر تاييدات سبحاني *
ومنظر عين عنايت صيداني * ايلديكي حالده * منهل طبع لطافتبع
داور بليز كدره كرد كردن مصنى * وسنجمل ذهن تراهنلع خديوبلرين
* مصقلة مسرت ايلد دائما مجلى * ايلبوب وشقه لواي فلان فرسارين *
اراجه عساكر مسلمين ايجون * مشروحه نسيم نصرت * ومهجة رايت سدره
رسارين احراق قلوب كافرين ايجون * برتوسوز نكابت ونقمت وكنجينه
سرع شربلرين * مالا مال جواهر شرو وروزي * وخزينة نلب ميفلرين *
ابر برنتو دابساط وجبور ايليه آمين * بجاه النبي الامين * اللهم اجعل
انحاء ممالككم * يوفود النصر والتأييد مسموره * وحافاتهم بسجبال اللطف *
والافصال مسموره * ورياض سلطنته * به طال الاقبال مسموره
واعلام دولته * بريح الظفر منشوره * وانواع بغيته
بتوفيق محصلة ميسوره * واجعل رايات باسه
شهيت في الاقطان والاقطار * وايات
استيفاسه * منيرة في افاق الصين
والبلغار * بحرمة النبي المختار
واله الابرار * وصحابه
الاخيار * آمين
ثم آمين

ابد ايسم الله والرحمن * ثم الرحيم منزل القران
 ابدأ * کلمه سی شروع وابتدا معنای اولان بدأ لفظندن فعل مستقبل
 منکلم وحده در و متعلق بای یا اسم الله در بای مزبوره نل مدلولی
 عند البیضاوی استعانت و عند الزحمری مصاحبت در * اسم * لفظنک
 اصلی خصوصند میانه اعلام بصیرانده تخالف ارأ واقع اولشدر
 بصیر ابصره علوم معنای سیمو اولنی اختیار و کفا کوفه علامت معنای
 وسم اولنی تلقی بالا اعتبار ایلدیلر * لفظه جلالة نل * عدم اشتقاقی
 مرضی امام اعظم در * رحمن * اسماء صفات الهیه دند رعایتی مراد
 رحمتن ماخوذ اسم مبالغه در حضرت حق سبحانه و تعالی نل
 شان الوهیتنه مستحیل الثبوت اولان اسماء صیه مبادی انه مال
 وغایات افعالن اولنی ملائسه می باعتبار الغایات اخذ و اعتبار اولنور
 و لفظه جلالة اوزرینه عطفی عطف انشئی علی مرادفه قیلندندر کذلک
 رحیم * دخی اسم مبالغه در لکن اکثری زیاده مبانی فزونی معانی به دلالتی
 مطرده سته مبنی رحیمن باعتبار الکم و کیف اباع در بناء علیه ثم ایلد که
 ترتیب و تدرجه دالدر عطف صحتی مصون شایسته اعتلادر که چسه
 عند الاصولیین و اودن مستعار اولنی دخی جواز در * منزل القران *
 وصفی مرتب علی الرحمة اولنی نکتته بدیعیه می مشتملدر * قران * فعلان
 وزنی اوزره جمع و ضم ایتل معنای اولوب بومناسبتله سور شریفه و آیات
 منیفه بی جامع منزل علی الرسول مکتوب فی المصاحف منقول عنه بالتواتر
 تعریفله معرف کتاب مستطاب و تنزیل بی اریابده علم اولشدر منزل القران
 عنوانی براعت استهلالی متضمن اولدنی ارباب بداعت و استیاله عیاندر
 و اشوب منظومه رجزنددر عند الخلیل رجز شمردن معدود اولوب بلکه
 انصافی و اثلاث ایاتدر و جهم و رعدنده شعردن بر نوعدردرت عروضی
 بش ضربی مشتملدر یات مرقومک صدری مطوی و عروض و ضربی
 مقطوع و حشو و مصرع ثانی مخبوندر * ناظم علیه الرحه بر موجب حدیث
 شریف از اسم رب لطیفله ابتداء بعد حدیث جدی به ده اعتنا و اقتدایدوب
 پیورر که

و حمد من علمنا علم السیر * و صلواته علی خیر البشر
 و حمد * قوی اسم اوزرینه معطوفدر بصیر بونه کوره اعاده جارتقدیریه
 و کوفیونه کوره بلا اعاده جارتدر * من کلمه سی موصول اسمی در
 و صلواته

و صلواته * قوی دخی مجروردر و حمد اوزرینه معطوفدر جمع صلواتدر
 ضمیر اسم موصوله عائددر * بشر * انسان معنای در اشوبو بیتلک صدری
 و حشو اخیری مخبون و ابتداء می مخبوندر * ناظم مر حوم اذا صلیتم فعمموا
 امر شریفه امتثال امر اقدال و اصحاب کرامه ده انحراف کادسته
 صلوة و سلام ایدوب پیورر که

و صبحه نجوم الاهندأ * و اله رجوم الاعداء
 و صبحه قوی مجرور اخیر البشر اوزرینه معطوفدر صاحب صاحبک جمعیدر که
 عرفده لقای سعد التقای حضرت رسول الله شرفیاب اولان مؤمنندن
 عبارتدر * نجوم الاهندأ * وصفی اصحابی کالنجوم بایهم اقتدیتم اهتدیتم
 حدیثه تلخیصدر * و اله * قوی و صبحه اوزرینه معطوفدر اصلی اهل اولدیفته
 مصغری اولان اهل دالدر اشرف و اخطارده مخصوص بالاستعمال
 اولشدر * رجوم * رجول جمعیدر قتل و اهل لاله بچون ایلان طاشلره
 دینور منلا ابلیس رحیم و کواکب رجوم در
 و بعد فالسیر ذو تیسیر * للفقه و الحدیث و التفسیر

فالسیر * قلم السیر تقدیرنده در و هو علم باحث عن سائر احوال المباح
 من مبدأ امره الی انتهائه من افعاله و اخلاقه و انسابه و اصحابه و غیر ذلک *
 و موضوعی ثبوت شرعی متوقف اولدنی احوال حیثیتنه ملائیس ذات
 مباح در و مبنای تواندر در و غرضی احوال مرقومه بی ضبط ایلدکر
 و قایده سی اکثر من ان یخصی در خصوص علم فقه و حدیث و تفسیره موقوف
 علیه در جبه سنده در غزوات و سربایا و بوث احوالی مشتمل اولوب اولدخی
 اسباب نزول آیات قرانیه و دواعی ورود احادیث نبویه بی حاوی * و تشریح
 احکام و تعیین حدود کبی اهم مهامی محتوی در

و الحمد لله و الثناء * و الحمد لله المصطفی سنیما
 ضمیر علم سیره راجعدر الثالث و التثنی فی الثلث و التثنی تقدیرنده در
 الف اطلاقیه در سنین و ستین بیتده جناس ناقص وارد سنین جمع سته در
 و هانا ایدوه مفوضای * لله امری طالیبانه الرضا
 ها * کلمه سی اداة تلمیذ در ترکیده بومقامده ایدن ایشته ایلد تعبیر اولنور
 ها انا ایدوه * ایشته بن شروع اید بوم معنای در مفوضا ضمیر فاعلندن
 حالدر طالیب حال متداخلددر رضا قصر ایلد مصدر در مدایله ایددر بوراده
 مقصوددر
 ولدطه عام قبل و رضع * فی الجیم شق وضع صدیق وقع

ولد * کله سی ماضی مجمل ولد * طبه * اسماء نبویه دندر * عام * سنه
معنا سنه ظرفدر * قبل * حیوان معروفدر * رضع * باب رابعدر
ماضی معلومدر * مصدری رضا عتدر * اهل نجد لغتده باب نایندن *
ومصدری رضع در * فی الجیم * مقدر وقع کله سنه متعلقدر * جیم حرفی که
مراد در * اوج عدده * دالدر * شق * مؤخر مبتدادر * وضع صدیق
* عاطف تقدیر به شق اوزرینه معطوفدر * صدیق * فعلیل وزنی اوزره *
اسم مبالغه در * ابوبکر رضی الله عنه حضرت تلمیذ لقیدر * بیت
مر قومه درت لایحه مندر جدر * ولادت * رضاعت * شق صدر سعادت
* وضع صدیق * صاحب اصل مر حوم * کرچه بو مختصرده * ولادت
علیه دن بد ایلدی * لکن قوطئه و تیره سی اوزره * افرینش نور بنو تن
بعض احوالی * بطریق الاجال * بیان ایلک مناسب سکور لکله *
بر صیغه قدر * کتب معتبره سیردن نقل والحاق اولندی * جابر بن عبد الله
رضی الله عنه * روایت ایلشدر که * بر کون سلطان انبیا علیه افضل التحایا
حضرت تلمیذ * یارسول الله * اول مخلوق ندر دیو سوال ایلدم * پیوردیلر که
* سنل پیغمبر کات نوریدر با جابر * حق جل وعلا اول نوری خلق ایدوب *
بجمله خیرات وبرکاتی اندن ایجاد ایلدی * سائر مخلوقات صکره صورت
خلقت بولدی * اول نور که رخصت ظمور بولدی * اون ایکی ییل سنه *
مقام قدیده ارام ایلد کد نصکره * درت قسم ایدوب * برندن عرش *
وایکنجیدن کرسی * و اوچنجیدن حله عرش * وخرنه کرسی فی خلق ایلدی
* قسم رابعی اون ایکی ییل سنه * مقام محبتده حفظ ایلوب * بعده * درت
قسم ایلدی * اوج قسمندن جمله خلایق * ولوح * وپشت * ابداع
اولند قد نصکره * قسم رابع کذلک * اون ایکی ییل سنه مقام خوفده قیام
ایدوب * سنه درت قسمه منقسم اولدی * برندن ملائکه کرام * وایکنجیدن
شمس * و اوچنجیدن * قمر و سائر کواکب مخلوق اولوب * قسم رابع تکرار
* اون ایکی ییل سنه تمام رجاده قرار ایلدی * سنه منوال اول اوزره * تربیع
اولنوب * ربع اولندن جوهر عقل * و نایندن علم * وحلم * و نالندن
عصمت * و توفیق خاق اولندی * قسم رابع سنه اواقدر مدت مقام حیاده
اقامت ایدوب * بانقضای زمان * اقامتده حق جل وعلا * اول نوره نظر
ایدوب * بامر الله تعالی * وجودندن یوزیکرمی درت ییل قطر دغرق
ترشح ایلدی * هر بری بری پیغمبره ماده تعین اولوب * وهر بری تنفسندن
آخر زمانه قدر * کاشمیرای عالمه خرام اوراوله چی اولیا * و سعادت * و شهدا

* ارواحی منکون اولدی * پس عرش و کرسی * و بالجملة ذکر اولمان مخلوقات
* بنم نورمدن ظمور ایلدی * پیوردیلر * بعده حق سبحانه و تعالی کرامت *
وسعادت * و هدایت * و رحمت * و رأفت * و علم * و حلم و وقار * و سکینه *
و صبر * و صدق * و یقین * نام اون ایکی حجاب خلق ایدوب اول نور هر برنده
یکسر سنه خدمت عبودیتی اکمالدن صکره * اذن باریله روی زمینه ایزال
اولنوب * میانه خافقینده آفتاب وار * نشر انوار * ایلدی * حضرت آدم
علیه السلام * خلق اولند قد اول نور تابان * جبین میبندده رخشان اولوب
* اندن پیشانی شیتده باهر الیمعان * اولدی * بومنیوال اوزره حیا با و ایهاماته
ایتهقال ایدر لک صلب عبد الله بن عبدالمطلبه بعده رحم آمنه به * شرفخشا
اولوب * اندن افاق وجوده ماده روشنا اولدی * حضرت حق جل شانہ نبی
سید المرسلین و خاتم النبیین و رحمت عالمیان * واسوه اهل ایمان ایلدی *
لایحه ولادت اول مهر سپهر لولالک * و ماه سماء و ما ارسلمالک * علیه الصلوة
و السلام مادارت الافلاک حضرت تلمیذ * طغوز ماه مدت برج مشیقه آمنه ده
اقامت نصکره رسته قطار عام الفیل اولان شهر و عربیه دن * شهر ربیع
الاولک اون ایکنجی دوشنبه کونی که ماه احسان اولان ماه نیسانک ابتدای
اولوب * تیرا عظیم برج حلاک مجاوره شرف اولان * یکرمی درجه سنه و قر
مقر سعادت اولان غفر منزلنده تابان ایدی * علی السحر آفتاب جمال
انور لیل * ساهره غبرایی منور پیوردیلر * صلی علیه وسلم الرحمن * مادارت
الازمان والاحیان * ذکای ذات مکرملرینه بیت الشرف * یعنی *
سرای عالمه وضع قدم میسامن مؤتلف پیوردیلر * خانه آسمان استانه
شعب بنی هاشمندن * حجابک برادری محمد بن یوسف الثقفی به انما لیل *
شهر نیاب بر خانه کرد و نقیاب * اولدی بنی رسیده * صحتدر * قصه قبل جناب
خیر المولود * اول وقعه دن الی کون مرورنده * بر توبخش عالم وجود
اولشدر در * تفصیلی بودر که * چون ابرهه بن صباح الاشرم * شه نشاء
اقلیم حبشه اولان * اصحمة النجاشی طرفندن سر عسکر اولوب * بمن
مملکتی استیلا ایدی * و فرما تفرمایان اقلیم فرسیدن نزاع واسترداد ایلدی
خلق موسم مجده ملت حنیفه ابراهیمیه اوزره * حج بیت الحرام قصدیل
مکه به عزیمتدن کوروب * وجهه و توجهم لرندن سئواله واقف حال
اولد قد * اول مغرور بی شه ور * زعم فاسد ورای کاسدی اوزره * بر کعبه
بناسنه طرح اساس نیت * و دارالملک عن اولان صنعنا نام بلده ده تکلفات
کنیه بی حاری بر کایا بنیادینه مبادرت * ایدوب بعد الاتمام * قنیس ایل

بنام ایلدی * وزان بیت الحرامی جبر و اکراهه * انک زبانت و طوافنه
 صرف و تحویل ایتمک بشادی * بنو کانه قبیله سندن برکنه که سائر اهل
 سیرت عینی اوزره نفیل بن حبیب خنمی ایدی برکون انده واروب خلقل
 اول خانه ضلالتیه توقیر و حرمتلرین کورد کده غیرت علیه ایدوب برکیجه اول
 جای نایجابی همعال بیت الخلا * وسکان سکان و مسکنلری لوت محض
 اولدیفنی کندیلره اشراپ و اعیال ایلدی * ابرهه تهکار و بد مذبه بوقضیه
 فروزیه آتش خشم و غضب او اعلیه * اخذ انتقام قصدیه زعجه کعبه بی
 تخریب ایتک باینده عین ایدوب * عسکر بحساب * و محمودی نام فیلی دخی
 استعجابله * مکه جانیته عزیمت ایلدی * یقین وارد قده دخوله اماده *
 و کعبه بی یایمال فیل و فیل ایتک جسارت مستقیم الحسارته دل نهاده
 اولوب * لکن فیل من یورتدیر ایدوب * ابرهه تباشعور کی حرکتدن
 روگردان * و حرم طرفنه سوق اولند قده بردل ایدوب * غیرتی جانبه اماله
 اولند قده عزم و سلو کده شنایان * اولور ایدی بو حالده اول کروه مستحق
 التکبیل * اوزر لرینه قبل جبار جلیلدن طیراییل تعیین و ترسیل اولنوب *
 هر برینک بری متقارنده و ایکیمی پنجه لنده اوچردانه بین العدسه و الحصة
 طاش * و هر طاشده باشده ووشجک کسنه نل اسمی مسطور اولقله * کفار
 خاکساری سنکسار حجاره سجیل * و مظهر عذاب و یل ایدوب * بامر الله
 تعالی هر برینک فرقدن کبر و مقعدندن خروج ایدرایدی * وزیرندن غیرتی
 بر فرد نجات بولموب * اولدخی هول جانله جانب نجاشی به کریران اولدی
 * اما باشی اوستندن بر مرغ آبرلموب بیله کیدرایدی * تا که حضور
 نجاشی به واروب * سرفلاکت اثر لرینه نازل اولان آفتل کیمیتی نقل و اخبار
 ایلد کد نصره * مرغ من یورل بر سنکباره سیله انکدخی قوشجه جانی *
 قوشخانه جیم طرفنه طیران ایلدی * لایحه رضاعت * پیرایه آغوش
 بشریت اولان * اول عنصر عالی طینتل ابتدا درستان مادر لری * اوج
 علی روایه یدی کون غذای ذات مطهر لری اولمشدر * لکن شهر روایات اوزره
 نویسه نام جاریه که * عتیقه ابواب در مروح نام اوغلنک سودی برکاتیه
 محرز سعادت ارضاع اولوب سید الشهداء جزء بن عبدالمطلب مقدم * شیر
 خویه دن مستقیم او اعلی نازل شرف اخوت رضاعیه او اشدر * مرویدر که
 نویسه ابوالهیکل جاریه سی اولوب * خضر عالم صلی الله علیه وسلم حضرت تلیس
 * ولادت با سعادت لر فی ابولهبه تبشیر ایلد کده مرز کانه زنجیر قیدرقین قطعه
 اطلاق و اعتاق ایلشدی * ابولهب مرد اولد قده نکره برکنه سائر

کتب سیرت عینی اوزره حضرت عباس آفی واقعه سنده کوروب * خالندن
 استفسار ایلدی * جواب ایلدیکه حالم بغایت مکدر درجیده گرفتار عذاب
 الیم اولوب همه آن لکد خوار مؤکلان نیران اولده یم انجق حضرت محمد
 ولادت لر فی اثنین کیجه سی نویسه کلوب بکا تبشیر ایلد کده * ازاد ایلدیکم
 انجقون اول کیجه عذایم تخفیف او انوب * اشبو وسطی و سبابه بر مقلرمک
 اراسنده صونع ایتمکله * اما متصاصیه تسکین حرارت ایدرم * فائده
 بو مقامده علامه زمان ابن الجزری علیه الرحمة والرضوان * یور ۳۴ اظهار
 جز و مد بحر بیان ایلشدر که * ابولهب نابذهب * که دوزخی اولدیفنی
 منصوص بت ید الی لهب در * لیله مرقومه ده مصدر اولدیفنی فعل جیل
 مقابلی مظهر مکافات جلیل اولنجه * مؤمن مخلصرشب ولادت نیویده
 هیچان حب مصطفویه * اظهار شادمانی و مسرت * وادار صدقات
 و مروت ایلد کده * یوم اللقانه درجه متلاقی حسن جزا اوله جقلری ازاده قید
 انهادر * منقولدر ابتدا رسم قرائت مولد شریف صاحب اربل ملک افضل
 مظفر الدین * حضرت تلیسک اثر منقلیدر * ملک مشارالیه * اسبغ الله
 غفرانه علیه * التیوز درت سنه سی ماه ربیع الاول انک اون ایکسینده بو آیین
 مبینی وضع و اختراع ایدوب * بهر سال روزمر قوم حلولنده اجر استه
 ابتدار * و ایام عید و سورکی اطعمه و اشربه احضار ایدوب * بالجله اهالی
 شهر و قرای ضیافت و اقرا * و صلوات و صدقاتله مسرت بخش قلوب فقرا *
 اولور ایدی * یو یابده علمای زمانی * رسائل عدیده تألیف * و شعرای دورانی
 قصائد نصیده ایله اصدا ف مسامع عالمبانی * تشنیف * ایلار یلر بحمد الله
 تعالی الی هذا الان * بلاد اسلامیه ده * خصوصاً حرمین محترمین و مصر
 و قسطنطنیه ده بوقاعده حسنه مرغی و مستعرا لجریان * اولوب اول هنکام
 خسته انجامده * بالجله اهل اسلام * ابدای مرورتام * وادای حق ادب
 و اعظام له دمساز قراءت مولد خیر الانام * اولمیرله اول شهر شرف اشهار *
 بین الاخبار * اقبیکیر ربیع الا برار * او اشدر ابن حجر هیمتی فتاوی
 خدیجه ده که * فی الحقیقه کان جواهر انار سنه در * بوکونا کهرپاش
 بیان او اشدر که * اشبو مولد شریف قرائت ضمیمه اهالی مصر لبدل
 و اشار ایلد کلری خرج کثیر * داخل عداد تبذیر * اولموب بلکه شان
 محمدی به نسبت بسیر * و رکن ایمان اولان مهر و محبت احمدی به مقایسته
 بغایت حقیر در * قالدیکه مدخل مؤلفی ابن الحساکل بوماده ده صورت
 انکار اظهاری انشای عصرینک بعض الات محرمه و اسباب محظوره

اضافه لرینه دینی اولاد بی نفس ماده به رضا و اقرار لرینه متانی اولدی بی *
 هر آیت اذهان ذوی الابصار به پدید آرد بی * ثانیة ارضاع * اول حضرت عالی
 منزلتک * مرتبه ثانیة ده شرف ارضاع لرله مستعد اولان * سعدی کهر
 ام کبشه حلیه بنت ابی ذؤیب عبد الله بن الحریث بن شجعه بن جابر بن رزام
 ابن ناصر بن سعد بن بکر بن هوازن بن منصور بن عکرمه بن خفصه
 ابن قیس بن غیلان بن مضر * پوشینوما یله شیردوش پستان خبر اولشد که
 بر سنه باهر الله تعالی * مقرر و ما و امز به یازده آسیب خط و غلا اولغله *
 قبیله سعدیه دن * بر بلوک مرضعاته بالا تعاق * مکة مکرمه به شد نطاق
 عزیمت ایلدم * برلنک ولا غرم کیمز و اریدی * زوجم و فرزندم ایل *
 نوبچه سوار اولوب * اما هر بندیکه جائز دن بیرار اولنور ایدی * غایت
 ناتوانلیقندن * جمله قافله دن کیر و قالوب * منزله هزار رحمت و عنایله
 واصل اولور ایدی * و حسب الامکان * سودندن اعتدای * ملا حظه سیه
 بر ناقة ضعیفه دخی استعجاب ایشیدل * تخافته عارضه پیری و هرم دخی
 سر بار اولغله * پستانلری قوری چشمه دن نشان اولوب * کف بخیل مثال
 بر قطره افاضه سی غمتع الاحتمال ایدی * بر زردخی تپی جراب * و اجلفدن
 بی تاب * و ایشیدل * بی کونه اسباب ناتوانیله آفتان و خیران * دنباله دو
 ره روان اولوب * نه حال ایسه مکة به وصولز میسر اولدی * لکن رثابت
 ظاهره من * ظهور بطنان امنیتمزه * حائل اولوب * یعنی فقر و حقارتمزه بنا
 متولان فریشتدن بر فردینم طرفه * اما له لحظه التفات و رغبت ایتمکله
 * حزن و خبیثله شکسته دل قالمشیرم * اما * بیسی مراد که در ضمن
 نامرادیماست * لایحه سنجه پیکر شاهدا مید * زیر قناع نومیدیده * مستور
 اولوب * بوجهله مشاهده دن معجزه ایش * مکر اول در درج نباهت *
 علیه افضل التحیه حضرتلری * بکان بکان * همزه ها زه عرض و ارات
 اولنوب و تپی بهانه سیه * اول بد بختلر * بوسعادتدن امتناع ایتلرله *
 اول همای همایونسل * بنم فرقه سایه اندازفر و اقبال اولدی * اول سنه
 زیاده سیه خط اولوب * تأثیر چو غله * ثیده * سودا نری معصوم اولغله
 کندی فرزندم دخی محروم ایدی * اول کوهر عالیقدری * و شاح الصدر
 ایلدیکم انده * هر پستانم بر چشمة سرشار شیر اولوب * ترنجه باشلیدی *
 ندی یمینه اقبال ایدوب * یسارندن ابا * و بالهام خدا * شریکند ایشا *
 ایلدیلر و همیشه عادت علیه لری * بویله ایدی * زهی محببه رضیه که *
 هنوز طفل شیر خواره ایکن * حلیه عدل و صفته * اراسته وزیر مرععات

حق اخوت برله * پیراسته اوله * و پستان ایفی اختیارک محاسنی * اشنای
 حقایقه متبییند * پس اول غزوة غرای سپهر عز و علای آلوب * نزد شوهرمه
 کلدن * و جمال فائض الکمال لرله * انکدخی چشم جاننی قرر ایلدم *
 بوخالده زوجم اول زار و ناتوان ناقه دن * چند قطره سودا لقی قصدیله *
 به لرینه ال آورد قیده اول منیع مکارمک * قدوم بر کتلر و ملرله * هر بری
 بر منشک شیر بولوب * همان استعجاب * و نوشا نوش شیر ناب * ایلدک زوجم
 بو حال مشاهده اید بیلک * کتانی باینده بکا * توصیه بلیغ ایلدی * بعد از آن
 اول روح روانی آلوب * مرکب مز نوره راکب * و طرف وطنه آیب اولدی
 اول خرسست اندام * زندگانی نام * بولوب آب روان کی جریان به شدی *
 شویله که * بالجه رفقا * سایه اسای * کیروده قالوب * هر کس بو حاله متعجب
 اولدی * منزلزه و صوا زده * اول حضرت بر میشتک مقدم مسعد تلی *
 خاتمانزه مقدمه نجاح امال و امالی * و طلعت بخسته لمعتاری * طلیعه
 طلوع اقبال و کامرانی اولغله * دمیدم رفاه و رفاهت مرز داد * و اغنام
 و حاصلات انا فانا زیاد اولدی * اول خشکسالده قبیله مرز خلعنک * پستان بر
 و کوسفندلری * که وادام موسی فارخ و تپی * و برزم غلر مز قمرین سن
 و فریبی اولدی * چون ایکی سنه مدت * اول زیب کم واره نجابتک مهمه
 رضاعنه اهتمام * و بعد الفطام * حسب العاده * والده محترمه لرینه اعاده
 یبون * مکة به اعترام اولنوب * والده لری کورد کد نصکره * و حامت
 هوای ام انقرا دن محافظه بهانه سیه * نه آلوب قبیله مرزه انصراف *
 و کاف الاول عین عشرت چشمة خورشید صفت * کرد عسرتدن با کبره
 و صافی اولدی * لایحه شقی صدران بدر عالیقدر * سنه حلیه کریمه دن
 منقولدر که * قبیله مرزه وصولدن ایکی و علی روایه اوج ماه صکره * بر کون
 اخ رضاعیلری ضمیره نام او غلم ایل * قیونلری و رای بیونمزده واقع چراگاه
 سورمشلر ایدی * وقت نصف نم سارده نا کم سان او غلم * خو بچکان * چال
 کریان * فریاد کان * کاوب مددای پدر و مادر * برادر و الا کهر قرشی به
 التحیافه اقدام ایلده سز که * غالباً بیجان اولدی بی حالده ملحق اولور سز
 دید کده * سینندن استفسار ایلدک * ناگاه بر شخص دهشتناظم و رایدوب
 حضرت محمدی قایدی * و ذروه جیلده با تروب سینه بر سکنه سن شق ایلدی
 دی بیلک بن و زوجم کمال اضطرابله * اول جانبه شتاب ایدوب * کوردک که
 لونی متغیر اولوب * بر جانیده طور بور * همان زوجم اول در بکتانی *
 ساحل اسای * در کار ایدوب * چگونگی حال و بالندن استخبار ایلدی *

یوردیلرکه * بر علی قول ایکی و علی روایه اوج شخص سبید پوش * کلوب بی
 یانوردیلر * وسینه صافی * بر خنجر شفا فله شق ایدوب * دروغدن برزسته
 چیقاروب ایلدیلر * بعله اللرن موضع شقه سوروب * کالاول * ملتئم
 ایلدیلر * روایت دیگرده * بعد الشق بر قطعه علقه سودا بی بر باره پوشش
 سیاه قان * چیقاروب دیدیلر که * یا حبیب الله * اشبو علقه مطروده *
 وجود یهود کزده * علقه علاقه شیطانی * و علی روایه مغز و سواس
 نفسا نیدر * یعنی شیطانی و سوسه القا ید جل محلیدر * انکیون جو فکزدن
 از عاج ایلد * خصیه * حضرت حی حکیم * اجزای انسانی بی تقیم *
 حکمته مبنی * اول علقه بی خلق ایدوب * بعده اول جامع خلق کریم
 و مستجمع خلق عظیم حضرت تهرینه تکریم * قطعه مزبور بی قلع و ازاله
 یوردیلر * بوماده اول وجود یهود کزده * حیوان کالات باطنی
 اولد یقنه * بالاستقلال محل استدل لدر * قالدیکه * ملت حنیفه نظیفه
 اقتضاسی * قلقه که * حالت خنانه قطع اولنه حق دریدر * اهل اسلامده
 قطعی لازم اولوب * ایکن موجب کشف عورت اولغله * اول وجود کامل
 الموجود * بوقدرجه تقیصه شائیه سندن دخی مصون یوریلوب * مختونا
 شرف ارای عالم نمود * اولدیلر * تله حال انشقاق * پس اول ذات فرشته
 صفاتی * خاتمه کنوروب * شوهرم حارث بومعنی بی خفت ملا حظله ایله
 ظل ثقیل اصابتنه جل ایلکله * والده سنه ایصاله ارشاد ایتکین * ینه آلوب
 والده ماجده لینه کتوردل * آمنه جنابیلر * بو ذات محترمه در کار اولان
 مهر و محبت کز جوهر ذات کزده * عرض لازم کی * مفارقتی عمتا ندن
 ظن اولنورایدی * تعدی بی طلب مسارعت ارجاعه سبب ندر * دیو سوال
 ایلد که * ارامکا همز بادیه اولغله * بعض احداث روز کار اصابتندن
 قحاشی ایلد * دیو * بعض وجوه بیان ایلدیکم زده * بر در لوبجاب اولما غله
 انجام کار واقع حالی نقل و اخبار ایلد * آمنه ای حلیه جن طائفه می *
 یوفرزند سعادتمنده * بروجه لکزند ایصالنه قادر کالدر * یونل قدری
 عالی * و شانی عنایدردیوب * اول غنچه نوخیز لطافت اناری * زیب شیشه
 کار ایلدیلر * مهمه * صدر شریف محمدی * بش دفعه شق اولنوب * مره
 اولی انفا بیان اولندی * دفعه ثانیه می * اول نیر تافته مطالع سینندن *
 درجه عشره واصل اولد قده * وقوع یافته اولمدر * ثالثه می عشرینده
 نو ما * رابعه می شب معراجده * خامه می بدو حی هنگامده واقع اولدی
 مجموعی اشبو بینده مندر * شق لرضع العشر ضعف و سری * وحی

و نالت ره آه فی الکرا * ضعفدن مراد عشریندر ضعف عشردر * کرا و بقو
 معنایه در بدیهه * شق سینه سید حضور * ذکر اولنان اوقات خسته به محصور
 اولق خصوصنده خاطره بونکته لطیفه خطور * ایلدیکه ابتدا بره موجب
 شریعت غرایط طفل شیر خواره ذمتنه رضاعت ملا سیمه * ضمان
 تلاف کرده سنک * کندی مالنه تعلقی کی * خطاب وضع شرعی ترتیب ایدوب
 و خطاب تکلیفه ده متی اولد یقنی زمان * بعده اعداد سجه سنینی *
 رسیده عقد عشر اولد قده * حسب المراهقه بهض احکامی متغیر * و نوعا
 وایح تکالیف خفیفه ایله متاثر * اولد یقنی اوان اولغله تقدیسه مفتقر اولمدر
 و چونکه عنصر انسانیده در کار اولان * حرارت غریزیه * عنفوان
 جوانیده قوی اولغله * بدل دائم غالب * ورطوبت غریبه نل قلتندن
 ناشی متخل مغلوب اولوب * و هنگام پیریده حرارت غریزیه به ضعف طاری
 اولغله * بدل مغلوب ورطوبت غریبه نل قوتندن ناشی * متخل غالب اولغله
 انسان یکرمی باشنه قدرتش و نماده اولوب * یکرمی باشنه که موطن و قو قدر
 بالغ اولدند نکره کموانه متوجه اولغله * زبول و انحطاطه میلاندن
 بشقه * هنگام شباییده عقل اوزره طبیعت غالب * و زمان شیخوخته
 امر بر عکس اولغله * یواکی تحول جهتیه * سن مرقوم دخی موقع
 خطاب اولوب * لکن بالغل تجددا حکام اولما غله * اضعف اقسام خسته
 اولد یقنه بنا شق سینه * حالت منامده * واقع اولمدر * لیسه معراجده
 ویده وحی هنگامنده واقع اولان شق و تصفیه نل * دقیقه می بیاندن
 مستغنیدر * و علقه مزبور سائر اجزا و اعضاء بدن انسانی کی * کبفا و کمالایق
 و ملائمی اولان * نصیب ملازمی استفا * ایلدیکه دمیدم نشو و نما * بولوب
 بعد الا لقا * متعلق اولان غذا کندی مقامنه قائم اولغله * غذای مزبور ایله
 اولدخی * مقتدی اوله رق غیا بولغله * انکدخی ازاله می لازم کلدیکی *
 اعاده از عاجه داعی اولمدر * پس هر دفعه ده از عاج علقه اوامله * ایهام
 تعددی متدفع اولدی * انسان العیون صاحبی علی بن برهان الدین الحلی
 مرحومک * علقه اخرا بی اجزای اولی دن باقی جزو دریمسی * یا خود
 علقه به شبیه برقی دیگره جل ایلدی * بی محلد * لایحه وضع صدیق *
 سنه مزبورده ابوبکر الصدیق رضی الله عنه * خرام آور ساحت وجود
 اولمدر * و وضع عثمان و موت آمنه * فی الواووهی کایه آمنه *
 و اوحرفی که الی عدده دالدر * مراد سنه سادسه ولادتدر * اتران ایچون
 هاهو می سکونله قرأت اولنور * ضمیر آمنه به راجعدر * و احوالیه در *

هی مبتدادر * کایه قوی مؤخر آینه کله سی تختده مستر اولان ضعیف
 مؤثندن حالدی * آینه اسم فاعل در خبر تله مرفوعدر * یا خود کایه لفظی
 مبتدائی خبری و آینه لفظی مجرورده مستتر ضعیفدر * حالدی * قلی کلا
 ترکیب * حرکت مقدره ایلله که ظهورندن ضروب ایساتده ملتزم اولان
 سکون وقف مانع اولشدی * متحرک در زیر * اصول عروضیه دندر که *
 هر تقدیر ضرب اوزره وقف اولمز اینده * حکما * موقوف اولور * ته که
 عروض اوزره هر تقدیر وقف اولور سهده * حکما * موصول اولور *
 بیت مرقوم ایکی لایحه بی متضمندر * ولادت عثمان وفات مادر نبی ایشان
 لایحه ولادت عثمان * ولادت با سعادت تک النبی سینه سنده حضرت عثمان
 ابن عفان * قدم نهادن سخن جهان اولشدی * لایحه وفات مادر نبی ایشان
 سادسه ولادته آینه جناب لری حضرت قی الوب * مدینه ده ساکن بنوعدی
 ابن النجار خزر جمیدن * احوال سید الکائناتی زیارت قصیده * مدینه
 طر فنه عزیمت ایادی * حضرت تک قابله سی اولوب اول خلایده *
 متکمل خدمت حضراتی اولان ام ایمن * برکه حبشیده هم ره لری ایدی *
 ام ایمن پدر سید البشر دن * بحسب الارث اتقال ایدوب * واصل سن
 شباب اولد قارنده * رقیبه سنی رقیقه رفیقیدن ازادی ووروب * زید بن حارثه که
 خدیجه الکبر ارضی الله عنهما جنابندن * طرف نبوی به جا کر مو هوب
 ایدی تزویج پیوردیلر * خدیجه حضرت لری زیدی حضرت هبه
 ایلد کد نصره * زیدک پدری حارثه کاوب * استقد ایلد کده * حضرت
 علیه السلام فدائی قبول پیور میوب * مکث وعزیمت بیستنده زیدک
 بد استقلالنه تسلیم زمام اختیار پیوردیلر * زید دخی پدر یله کتمیوب
 زید رسول الله اقامتی اختیار ایادی * پیور وضعدن حارثه منفعل اولوب *
 زید طرفنه ابراز صورت رد و تبری ایادی * همان حضرت نبی ایشان
 حجر حطیم اوزره قیام * وزیدی مظهر شرف نبی پیور دقلمنی * اعلام
 ایلدیلر * وزیدک برکه فراشندن * اسامه که حب بن حب حبیب
 رب العالمین در * حاصل اولوب * واسامه صلیبندن عبدالله که * اشهر
 صحابه کرام در متولد اولدی * بین الاصحاب قرن واحدده فرایند منظومه
 کبی * سلسله وجودده مجتمع و منتظم * موحی الیه مدن غیری واقع اولما مشدر
 تنه * چون مراقت توفیق رب العزله * مدینه به واصل * و دار النافعه
 نام منزله برای ارام ایدوب * بترعدی بن النجار ده تعلیم سیاحت پیوردیلر
 برکون اطفال مدینه ایلله بر محله اقامت ایدر کنی * بر قاج پیودی گذرایدوب

برسی سائر لره حضرت قی کوستوب * بوصفی آخر زمان پیغمبری اوله بقدر
 او بو بلده کا هجر تکاه اولسه کر کدر دیو تعین ایلدی کنی * ام ایمن نقل
 یا شدی * هجر تند نصره اول نتیجه افتران * حرا وادم * صلی الله علیه وسلم
 حضرت لری * خانه مز یورده نور پاش تکاه اولوب * انده نزل * و شاورلک
 هنری تحصیل پیوروب * و پیودرلک جایجا ککند و لرینه * امامان نظر
 ایلد کارنی * و سائر مشاهده پیور دقلمنی خالقی * اصحاب کرامه نقل
 پیور لری * پس بر ماده مدت اقامت نصره * ام القر اجانبه عوده
 وقف و له مبادرت ایلدیلر * هر حله ابوا * محطار حال عز و علا * اولد قده میند
 علیا آینه عفت ارا * هر دجران سبت بقا * اولوب اول در تیم * علیه اسم
 التسلیم * دستیار خدمت ام ایمن برله * موضوع حقه حرم حرم رب رحیم
 اولشدی * مهمه در یار ابوبن بر کزیده نقلین * غول فضائل احتوادن *
 حافظ محمد بن عاشق پاشا علیه الرحه * الخمسة المحیة * الخمسة النجیة نام
 کابنده ابوبن سید الکوین حقه * علمای اعلام ملک آقاویل مبسوطه لرینه
 پیور سه مهر زن تلخیص اولشدی که * زمان فزنده دین خالک دلال اولان
 شخص حلقه که * پیور ماد رسید البشر دخی * اول زمره دده داخلدر *
 بعض علما نجابت لرینه متسلک * و بعضی سبت خلافه متسلک * اولوب
 خلاصه سی اوج فرقه ده قرار یولشدی * فرقه اولی * اهل فترت * باره کلینی
 متجول اولد یقنه ذاهب * و فرقه ثانیه * تحت تکلیفده داخل اولد یقنه *
 و فرقه ثالثه * توقفه راغب اولدیلر * پس فرقه اولی اهل فترت کفاردر *
 و اصولک کفر و ضلالتی * فرو عدا برات نقص و مذلت ایلز دیوب * حضرت
 ابراهیم پدری آزرلک کفر یله * سند مد عارفی تو بر ایلدیلر * و حتی
 مفسرین کرام * و بارکنا علیه و علی الحق و من ذریتم ما محسن و ظالم لنفسه *
 کریمه سنک تفسیرنده * نسیک قطع اضلال و هداده تأثیری اولوب * و اصول
 و فرو عین هر برینک ظلم و مسائلی * آخره رساتده عار * و کذلک محبوب
 غیر مهتدی طرف محب هدایتنده مورث عیب و شمار * اولز ملک * انک
 لاتهدی من احییت * مصداق محب مهتدی * محبوب معتدی بی بی توفیق
 رب هادی * شرعه رشاده هدایت ایتمکه مقتدر د کادر * و اگر کراهی اصل
 نقیصه بخش فرغ اولسه * ضروری عکس نقیصه لازم کاور * زیرا اصل
 در کار اولان عیب و عار * علل عارضه دن داه الثعلب علتیه عدیل اولمعه *
 ذات الجنب مرضه مثیل اولان * نقیصه فرعون اعظم د کادر * لکن ارباب
 ادب و درسته پوشیده د کادر که * اشوب مذهبی احاد ناسه تعلیم ایتمیوب *

وعلى وجه المثل * اراد ان يترك دنى مجانب واجبة فمقدري * حتى خلفاه
امويه بن * عمر بن عبد العزيز عليه الرحمة * يشكر انك بريته * عربى
الاصل ترك كاتيب تدارك له امر سوروب * حاضر بالجلس كاتيب بريته *
مقام استجابه * يدر سيد البشر كقرنى * وتيرة بمثل اوزره تفوه بتمسكه
در ساعت كاتيب دن عزل رت كبل * ورا نده دور باش طرد و نذال ايلدى *
طرا زنده قلم بديع الرقم اولد بى اوزره * اهل قترنك مكاف بالايمان اولد قريته
ذاهب اولان * علمادنى اوج فرقه اولوب * فرقه اولى * قبل رجائندن
كشيدة معرض امتحان اولد بى ذاهب اولد بى * ومد عالى اشبو خديت
شريفه اثبات ايلد بى * وهو هذا قد اخرج البرار * عن نوبان * رضى الله عنه
ان النبي صلى الله عليه وسلم قال * اذا كان يوم القيمة جاء اهل الجاهلية
يحملون اوثانهم على ظمورهم فيسألهم بهم فيقولون ربنا لم ترسل اليك رسولا
ولم ياتنا منك امر ولو ارسلت اليك رسولا لكاننا اطوع عبادة فيقول لهم بهم
ارايتم ان امرتكم بان تطيعوني فباخذ على ذلك موافقة فيقول لهم بهم
ان ادخلوا النار فيطلقون حتى اذا راوها فارقوا فرجهم وافقوا رايها فقاموا
ولا تستطيع ان تدخلها فيقول ادخلوها فادخلوها فادخلوها فادخلوها فادخلوها
لودخلوها اول مرة كانت عليهم بردا وسلاما * مفهوم منبى بودر كه * برزخ
جاهليت اصحابى * روز محشر ده صملى بى ارقه لريته يوكا نوب * حضور
ربانى به مشول ايلد بى * حضرت حق جل شانہ * سبب اشرا كارندن ستوال
بيورد قد * يارب العالمين * هرزه كرد باده حبات اولد بى * طرف
شريف كردن * رهنماي رشد و صواب اولان رسل واوامردن حرمانه باعث
خرى وخسرا نغز اولد بى * اگر برزله ده بريته برارسال بيوراسه ايدى * بجه
قوللرندن زياده مطيع اولور ايدى * ديوا غنذار ايدى جبار * اول وقتده
امتحان ايجون * حكيم على الاطلاق جل شانہ طرفندن * سطر ناموزون
اعمال لريته * ضرب قلم نسخ و محاق اولنوب * بوندن صكره بر تكايف
نميشده فرمان ايلسم * انقياد ايدرميسر ديوسوال بيورد قد * انلد بى
سرفرو بردا طاعت رامتال اونه * مذهب اولد بى * بكونه اخذ ميثاق
اولند قد صكره * اشكده بجه دخوللرى بانه * امر الهى صادر اولوب
حسب الامر * حافة حفرة نيرانه ورودلرند * هول طاقتة رساى سعيره تحمل
ايدى منسوب عودت و دخولدن انصرافلى خصوصنده * بسط مغذرت
ايلد بى * رهنماي رشد و صواب * يكسر د داخل دار البوار اولد بى * اگر
اول طائفه روگردان اولوب دخوله اقدام ايلسه لرايدى * كند بى برد

وسلام اولور ايدى * علامه عالى كهر * ابن حجر بوجه معتبر اوزره جوهر
باشن تحقيق اثر اولد بى كه * ديد به بعثت محمدى * ولوله بخش طاق زبرجدى
اولمزدن مقدم انوطاليدن ماعد اوقات ايدن اقارب و متعلقات سلطان
الانبياء زمان امتحانده تكرىما للرسول * توفيق لا يراله امره امتثال ايدوب
فرقه حاجيه دن اوانق ظن اولنوب * فرقه ثابته كه شيعه طائفه سيدى *
مساول قدم اختيار ايلد بى كبرى مذهب بودر كه * حضرت ادم عليه السلامه
منتهى اولجه * بالجه اصول سيد المرسلين * اهل ايمان و دين در * و آزر
حضرت ابراهيم عميد زديو بود عالينه * برقاج و جوهله احتجاج ايلد بى
از جمله حديث لم ازل انتقل من الاصلاب الطاهرين الى الارحام الطاهرات
بود عوايه اقوى البينات ذر * زيرا انما المشركون نجس * نص ميبى اوزره اهل
اشرا لوب نبال اولد بى * طاهر ايله ينلرند تضاد اولد بى ظاهر در ديد بى *
فرقه ثالثه نل مسائل معتبر لرى بودر كه * كچه پدر و مادر حضرت خير الوراء
نجم جاهليت اوزره عازم دار البقا اولد بى رايسه ده * دعائى رسول الله
حيات تازه بولوب * بيلل افسرده نواي زبانلرى نغمه پيراي توحيد ربانى
اولد بى * بومذهب ابو شاهين و حافظ ابوبكر الخطيب البغدادى و سبيل
و قرطبي و محب طبرى و ابن المنبر و حفاظ محدثين دن اكثر نل مخنارى
اولوب * واشبو حديث شريفه استدلال ايلد بى * عن عائشة رضى الله عنها
حج بنار رسول الله صلى الله عليه وسلم حجة الوداع فرقى عقبه الحجون * وهو باله
خرين * فستزل فيكمت عنى طويلا ثم عادالى وهو فرح متبس * فقلت له
فى ذلك فقال ذهب لغيرى فسات الله ان يحيا فاحياها فامنت بى * وردها
الله تعالى عنها * ايضا * انه عليه السلام * سأل ربه ان يحيى ابويه فاحياهما له
فامنت به ثم اماتهما * مضمون شريف لرى بودر كه * حضرت عائشه دن
مرويدر كه * سلطان هر دو منرا عليه افضل التحايا حضرت لرى * اداى حجة
الوداع بيورد قلى مسنة عاشره هجرية ده * بى دنى عمارى نشين همراه
بيور مشرايدى * عقبه حجون نام محلدن كذا و شلرند * كابل رخسار لرند
اثر ملالت غودار * و نرسك مس ديد لرى اشك تبار اولوب اول محلدن نزول
بيوروب * بر مدت نمان اولد قد نصكره كشاده و خندان عود و قول بيورد بى
استفسار كيفيته اجتناسار مده * رانده ملك قيريه واردم و حياى ايجون
در كه محي الامواته نياز مند اولدم * حضرت بارى عزوجل احيا ايدوب
بكر ايمان ايلد كند نصكره * بيه عالم بقاء ردا ايدى * و بيه صديقته دن
مرويدر كه * حضرت رسول عليه السلام در كه رب الانامدن * پير

ومادر لرینک حیاتلرین رجا ایتمکله * اذن باریله حییات تازه بولوب ایمان
 واقرار ایلد کد نصکره * ینه واصل دارالقرار اولدی * سلیمان بن مقاتل
 ضحا کدن روایت ایدر که * حضرت خالق بیون و چرا * تقدس شانه و تعالی
 ابون سلطان الانبیای آخر زمانده احبایدوب حضور مسجاده اسلامه
 کلد کد نصکره * بر مدت درگاه * بر پایه عبادت ایدوب * ینه عازم عقبا
 اوله جقلدر * عیسی علیه السلام نزل لر ینه ماتی اولان حکم الهیه *
 جمله سندن بر حکمت دخی بودر * پس اهل فترت مکلف اولد قاری قوله
 کوره که مذهب اشاعره در * وما کما معذبین حتی نبعث رسولا کره *
 موجنبجه * جمله سی اهل نجات اولوب * شکجه پنجه عذاب و عقابدن
 مامو نلدر * قول ثالث که توفقه در * حکم قضادن عاری اولغله * تطرق
 قبل و قالدن مصون * و محول اراده مرید بیچوندر * بنابرین * ابون سید
 المرسلین * اقوال خسه مری قومه نل * بر یله محکوم بالعذاب دکلدر * زیرا
 تفصیل اولندیغی اوزره * اهل فترت حقهده بعضلر توقف ایلدی * و بعضلر
 مکلف دکلدر دیدیلر * و بعضلر مکلفدر لکن اصول رسول الله مؤمنلدر
 دیدیلر و بعضلر امتحانده امره امتثالله ناجی اوللر ینه ذاهب اولدی *
 و بعضلر دعای رسول الله حییات بولوب ایمان کتورد کار ینه قائل اولدی *
 ولله در الشهاب *

لوالدی طه مقام علی * فی جنه الخلد و دار الثواب *
 فقطرة من فضلات له * فی الجوف نجی من الیم العذاب *
 فکیف ارحام له قد غدت * حامله تصلی بشار العقاب *
 اول دردری ضیا * علیه لوا مع التحایا حضرت نلری * دو ماهه درج ارای
 رحم مادر لری ابکن * پدر لری عبدالله بن عبدالمطاب تجارت ایچون طرف
 شامه غزیمت ایدوب * عودتده مدینه ده اخواللری بنوعدی بن النجاره
 مهمان * و اول او انده اجل و عودی حلول ایدوب * کشور بقایه روان
 او اقله * دارالناغه نام خطیره ده دفن ایلدی * احوال مجله عبدالله بن
 عبدالمطلب * چون برکت مقدم اسمیل علیه السلام * ایله مکه مکرمه ده
 چشمه زمزم محترم ظاهر او اقله * ساهره ام القراچا گاه طوائف جرم
 و تذر اولدی * حضرت اسمیل واصل لقای رب جلیل اولد کد نصکره *
 ایالت مکه و توایت کعبه و ریاست قبیل * مضاض بن عمرو الجرمی به
 اتقال ایدوب * کیدر لر بنو جرم عنود طقیان * و خطیره حرم محترمه
 انهم ارصاد و عدیان ایلملر * ماه زمزم ناضب اولوب * مضاض در چند

ممانعت قیدنده اولد پنجه * کارکر * او ابوب * کد پنجه آتش بغی و شقاوتلرین
 اشغال ایلدی * مضاض ناچار بر کجه * خزینه بیت اللهده مجتمع اولان *
 اموال فاخره بی چاه زمزمه القا ایدوب * و سنل و خاکله انباشنه ایتمکله *
 اول چاه بر برکات * مانتد عین الحیات * متواری عینون کاشنات اولدی *
 و کندوسی جیقوب بر طرفه غیبت ایلدی * بعده جرمیلر اوزر ینه قوم
 خراعه مسلط اولوب * جمعیترین هرج و مرج ایلدی * بناء علیه * چاه
 مزبور عبدالمطلب زمانته قدر او پنجه مستور قالوب * بر کجه عبدالمطلب
 عالم رویاده * حفر زمزم ایله مامور اولوب * و محانی دخی تعیین ایلدی *
 فرداسی او علی * حارث ایله واروب * اشارت اولنان موضعی حفر و چاهی
 اظهار ایلدی * مقدما نصاب اولاد ذکور و اون عدده بالغ اولنجه * برنی
 قربان ایتمکله نذر ایدوب * فیض ربانیه ثلاث عشره قرار ینه واصل اولد قده
 زمان وفای نذر حلول ایتمکله * بالجله اولادنی جمع و قضیه بی کندیلر ینه
 افاده ایلد کده * جمله سی راضی اولوب * رسم عرب اوزره اقراغ ایلدی
 نقش قرعه عبدالله اینه ظهور ایتمکله * ذبح عبدالله ایچون تشعیر آستین
 و تشعید سکین ایلد کده * بکار قریش تعویق ایدوب * صورت حالی
 عطارقه عربدن * سیاح نام کاهنه به عرض ایلدی * اولدخی دیت عرب
 اولان اون دوه ایل * عبدالله میان سنه قرعه انداز اوله سز * اگر قرعه
 قبول دوه لرک نامزدی اولور سه فیها * والا * ربک راضی اولنجه قدر
 اوزر اوزر زیاده ایدم سزدیدی * عبدالمطلب دخی مزبوره نل تعیین اوزره *
 عبدالله اون دوه بیتده قرعه زن اولوب * هر قرعه ده عبدالله نامنه
 جیقوب * بومنه وال اوزره اوزر زیاده ایدرک * اعداد شتر عشر اتدن مائه به
 بالغ اولنجه * نقش مراد جانب شتره متعلق او اقله * عبدالله ذبحدن نجات
 بولوب * اول یوزدوه کندوسنه قربان اولدی * پنجه ایام انس و وحوش
 و طیوره مایه طعام اولشدر * انابن الذبیحین * حدیث شریفی اکا
 اشارتدر * بریسی حضرت اسمیل علیه السلام * و دیگر بر وجه محرر
 پدر سید الانامدر * بعضلر حضرت اسمحق علیه السلام اولدیغنه ذاهب
 اولوب لیکن بکر میدان زیاده و جوه ایله مردود و مزیددر * پس بر ادمل
 دیتی یوزد آس دوه اولقی * عبدالمطلبدن مأثوردر * و عبدالله ذاتده
 بغایت حسن و صباحت صاحب اولوب * خصوصاً جبین دلاراسنده
 ملتاع الضیا اولان * نور خورشید فروغ محمدی سیمبله طاقب شکن نظار کان
 بر محبوب عذیم الاقران ایدی * اون سکر یاشند بالغ اولد قده * عبدالمطلب

کند و سنی بر تن کارناز برورایله همسر ابلک داعیه سبله * آلوب قبائلی کشت
و گذار ایلدی * هر کورل زن و دختر * اول در دردی بیکر * کندی صد خه
نصینه زبور اولغه خواهشگر * اولور ایلدی * ورقه بن نوقلک همشیره سی
رقیه کاهنه * مقدمه برادر ندن عنقریب * پیغمبر اخرا زمان تشریف ایلدوب
نور نبوتی بدری چیمه سنده ماتمه مهر رخشان لامع و تابان * اوله جفنی
استماع ایشیدی * عبد اللهی کوزد کده * مطلع افتاب نبوت اولدیغنی *
ناصیه سندن استدلال ایتمکله * اول غره غرا کندی برج رجمده
بر تو بخش اولق هوا سبله * عبد اللهی عرض جمال و تکلیف وصال ایلدی
عبد الله با کدامن دخی

اما الحرام فالسمات دونه * والحل لاحل فاستینه *
فکلیف بالامر الذی تبغینه * یحیی الکرم غرضه و دینه *
قطعه سبله ابراز صورت امتناع ایلدی * بعده تقدیر بر چی ندیر ایلد آمند بنت
و هب بن عبد مناف بن زهره * اول ذات پاکیزه سماته بهره اولوب *
نور نبوته و اول امانته محمل اولدی * مریدر که لاله زفافده * قتی وافر زنان
قریش اول شرفی کند و لری * احراز ایلد کار ندن ناشی * تأثیر تحسیر ایلد
خسته اولدیله * زفافل اوچغنی کونی رقیه عبد اللهی مصادف اولوب *
جیبینده نور نبوتدن اثر کوریمسکین * جانب عبد اللهی صورت نمای استغنا
اولغله * عبد الله سبیدن استقصا ایلد کده * ذهب ذلک النور منک و لست
ذات ربه * مقابله جواب ویردی

فی الزاسنی الجدمه وفده * برکه قد حضرت و رمد *
فی الزاقولی قصر ایلد در مد ایلده جائز در اسماء حروف ثنائیه دن سائر الف
لینه کبی * لکن اوائل سور قرآنیه اولان حروف مزبوره * قصر ایلد در
کیمیمص * کبی و حرف زایدی عدده دال اولغله * ولادتل بدنی سنه سنه
اشارت در سنی کلمه سی ماضی مجمل و لدر * اتران ایچون فتحه ظاهره سنه
سکون عارضی مانع اولغله * فتحه مقدره اوزرینه مبنی در * الجدمه نائب
فاعلید رفاعلی معلومدر * حرف تعریف مضاف الیه عوضیدر * جدمه
تقدیرنده در * کفل فعلنک ضمیر فاعلی جدمه راجع * و ضمیر مفعولنه
حضرت رسول مر جدمدر * کذلک وفد فعلنک ضمیری جدمه راجعدر * برکه
قد حضرت جدمه خبریه در جمله لرده عاطف مقدردر * رمد قولی و اصابه رمد
تقدیرنده در * رمد کوزا غریبیدر * بویته دیش لایحه مندر جدمدر *
استغنا * کفالت * وفود * حضانت * رمد چشم صاحب سعادت

لایحه استغنا * زوجه عبد المطلب رقیه دن مر ویدر که * میلاد شفیع
روز معادل یثربی سنه سنده * بر خط عظیم اولوب * سوسو خلق جهان
تنور اضطر ایلده بریان * و بریان دیو پیرو بریان * قریاد کر محیر لریله سوز
شفکن قرص مهر تابان اولشیدی * بر کیچه عالم زویاده گوش جانمها تفدن
برند ای بشارت ابر شدی که * ای معشر قریش سیزه بشارت اولسون که *
تشریف میامن ردیف لرینه جمله نل منتظر و نیکران اولدیغنی پیغمبر اخر
زمان که * وجه و دفااض الجود و البر کتلی محض رحمت و عین عنایتدر *
زمان ظم وری قریب اولغله * بمن مقدمه لریله بلیه خط و غلا زائل * و دست
امید کردامن خصب و رخایه و اصل اوله جقددر * الحاله هنده کر کدر که
میان کردن شرف و نسب صاحب اولوب * حلیه جلوه لری * طوال *
وعظام * وایض * و مقرون الحاجین * اهدب الاشعار * اسبل الخدین
رقیق العرین اوله * پوشکل و شاملده اولان کسنه جمیع اولادنی الوب *
و هر بطندن برکته دخی اکامعیت ایلد لری * و جمله ننی بد نلرین تطیف
و نظمیر * و انواع عطریاتله تطیب و تعطیر ایلد کد نصکره * استلام رکن
ایدوب ابوقیس نام جبل ذروه سنه صعود * و شخص معمود و تقدم ایلدوب
درگاه دعیوددن استغنا ایلد * و سیار لری امین کویا اوله لری * نا که باران
رحمت بران * و تشنکان زمین و زمان ریان اوله * رقیه خوابدن بیدار اولوب
محضر قریشده صورت واقعه بی تقریر ایلدی * هر کس بوحلیه انجق
بیرایه محاسن عبد المطلب در بواضعا ایتمکله * عبد المطلب دخی وفقی الاشاره
مهمه شرائطی اداره ایلد کد نصکره * اول منبع ذلال رحمت * علیه افضل
النیمه دخی میان خلقده * قرکی تابان اوله رق * شاهقه جبل ابی قیسسه
عروج ایلدیلر * موقف مناجاته وارلد قد * عبد المطلب وجهه توجه
و نیازی * وجهه چاره سازه طوئوب * ای افریننده جهان * و روزی
دهنده انس و جان * محاط علم عالیدر که * بوضع فایده بیان یکسره
برستار و جا کرانکدر * نیجه زماندر آتش خط و غلا ایلد سوزان * و صغیر
و کبیر من محتاج دیدار نان اولوب * مزارع و مر تعهه هیولای نامیه *
صور نوعیه نیاندن متجردد * و نشانه اغدیه و اقوات جنس حیوان * جزء
لاینجزی ایلد بکرنل و متحد اولغله * اکثر دواب و مواشی زهلاک اولوب *
بالجمله سکان حرم دخی علت مجاعله جان براب * و مشرف عطف اولدیله
لطف عظیم و فضل عظیمدن مر جودر که * محاب شجاع رحمت باران بر
عنایت اولوب * بوافسریده لیان بادیه مسکنتری ذلال عاطفکله سیراب

ونخل غنای ایاری رأفتکله شاداب * پیوره سن دیوسوزو کدازایله
دعایه دمسازیه اولدجه سائرلی یکدهن تأمینه انازا یلدیر * بمن وجود
محمدیه * همان اول آنده طرف طرف روی آسمانده بولنر عیان اولوب *
لحظه واحده ده جوانب ام انفراده جویورلر روان * وعالم وعالمین غرقه
برواحسان اولشدر * بوقیضا فیض عالم بالا * برکت وجود سلطان الانبیا
اولدیفنی * رقیقه اشبوا بیاتیه ایما باشددر *

بشیه الحمد استی الله بلدتا * وقد عد منا الحیا واجلوز المطر *
بغناء بالماء جونیله سبل * دان فداشت به الانعام والشجر *
منامن الله بالیمون طائر * وخیر من بشرت یوما به مضر *
مبارک الاسم یستسقی الغمام به * مافی الانام له عدل ولا خطر *
عنوان مطلع نشید اولان شیه الحمد عبدالمطلب در * حین ولادته
کیسورنده بر قاج دانه موی سفیدار لعل * شیه ایله تسبیح اولنوب * بعد
البلوغ ذاتده نسخه محمد مختار * ومجموعه محاسن ثنائیل اولمغین * تعظیما
له مضاف شیه الحمد عنوانله معنون اولدی * وعبدالمطلب اشتهارک باعنی
بودر که * پدر لری هاشم ولایت شامدن غزه نام قصبه ده وفات ایدوب *
شیه یدی یاشنه بالغ اولنجه قدر * مدینه ده والدیه سیله قاشیددی * برکون
بنو حارث بن عبد منافدن برکسه * حال زارشیه دن خبردار اولوب *
سکه به ورودنده * مطلب بن عبد منافه * احوال برادرزاده برکسته
روزکاری افاده و اشعار ایلد کده * علاقه رحم و قرابت برهمزن ارام مطلب
اولوب * علی جناح الاستیصال مدینه طرفنه بال کشای عزیمت اولدی *
وصولنده مادر لری اذینله شیه بی ردیف بارة بادرعت ایدوب * مکه
جانبته مراجعت ایلدی * شیه الحمد * کراول فرزند کیم اول بی پدردر * کرک
شهرزاده اولسون در پدردر * مفه ومخه محروم پدر و خرسند زند کائی مادر
اولغله * خاندان عبد منافه مناسب جامه دن ازاده اولد یفتدن نانی اثنای
راهدن من هذا دیواستنباید نلره هذا عبدی ایله جواب ویرمکه عبدالمطلب
ایلده مرتباب اولدی * وقد عد منا الحیا اولنده * حیاقصر ایله خصب ورخا
ومطر معناسنه در * واجلوز ذهاب مطر معناسنه در * جونی فتح جیم
وسکون راو کسرتون ویای تبتله جونه منسوب دیمکدر * چون اسود
مه مناسنه * اولغله * مراد سیاه بواندر که عادتاً بمطر اولور * سبل فتح سین
وبای موحد ایله مطر معناسنه در * دان دنودن اسم فاعلدر قریب
معناسنه در * انعام جمع نم در * فتح نون وعینله دوه واوکوز و قیون *

وکی به شاملدر * به ضرر دویه تخصیص ایلدی * لیکن قول اول زعیمترینک
مختاریدر * من فتح میم وتشید فوله انعام معناسنه در * میمون الطائر
مسعود الفال دیمکدر * مراد حضرت محمد محمود الخصالدر * مضر ضم میم
وفتح ضاد مجمه ایله ابن زاهر بن معد بن عدنان بن اسمعیل علیه السلامدر که
سید العرب والجم صلی الله علیه وسلم حضرت تدرینک * فراند متظومه نسب
مهدی لری * عقد سابع عشرده انلاره منتهی اولور * قیله مضر تقدیرنده در
انعام بولت معناسنه در * عدل کسر عین وسکون دالله مثل وماتند
معناسنه در * خطر مطر وزنده قدر ومنزلت معناسنه در * لایحه کفالت *
کذارشید بر اولدیفنی اوزره والدیه حضرت دیم ارای لولاک * مر حله ابواده
غنوده پسترخال اولدقد نصکره * اول در بنیه دایه شمر فوایه لری ام ایمن
کافل حضانت اولوب * بالامن والسلامه بش کونده حریم بیت الحرامه
ایصال * وجد امجد لری عبدالمطلب جنابنه تسلیله عهدیه ماتندن افرایع بال
ایلدی * عبدالمطلب دخی دائمارضای سعداقتضای اوزره حرکت *
ونوازش ورعایتلرنده بذل قدرت ایدوب * وجود همایونلرین جانی کبی
صیانت ایدرایدی * مرویدر که عبدالمطلب میمانه قریشده مجد و تساهله
متعین و ممتاز * واعظم قبائل سائر دن برگزیده و سمر افرار اولغله * بواندیفنی
مجلسده صدر نشین اولوب * نشین مخصوصنه بر فردقین اولمیرایدی *
سایه بیت اللهده کندیلره تعیین فراش استقلال اولنوب * بالجلسه اولاد
واقارب واتراب * اطرافنی احاطه واستیعاب ایدوب * جواهر برتره کلمات
بلاغت عنوانته * دامن کشای کنوش جان اولور لرایدی * احسانا هوای
مکمل چشم حرم * صلی الله علیه وسلم حضرت لری * اول جایگاه خرمی
تشریف ایدوب * فراش مخصوص عبدالمطلب اوزرینه قعوده مبادرتلرنده
رعایت جلال شان عبدالمطلب خعنده * اعمامی دست دراز محاممت
قیدنده اولدجه * عبدالمطلب النی ظهر شریف محمدی به وضع * ودعوا
ابنی فوالله ان له لسانا تعبیرله اعمامنی منع ایدوب * حضرت قیایته الورایدی
ودست نطفله مبارک ارقه لری صغارایدی * ودائمایدی در ضیامدار لریله
مسرور و منبسط اولورایدی * تنبیه * حضرت علیه السلامک مادر مهر
بانلری * سنه سادسه و اخرنده وفات ایدوب * کفالت عبدالمطلب سابعه
اولننده واقع اولغله * اتحاد سال ستوالی مندفع اولور * لایحه وفود *
اقایم عن فی الاصل حکومت حمیری داخاندن اولوب * بعده مملوک حبشه
افتراع * ویمش سنه مدت اول دیارده موجه رایات تغلب لری التماع *

ایلد کد نصکره * سیف ذی بزن چیری ضرب شمشیر ایلد ینه اول ملکتی
تسخیر واسترداد ایلدی * هر طرفدن قبائل عرب تهینه ایچون تواردا یتکله
مکه دن قریش جماعتی دخی کادیلر * آنلک متعینلری عبدالمطلب وامیه بن
عبد الشمس و عبد الله بن جدعان التیمی واسد بن عبد العزی و وهب بن عبد
مناف و قصى بن عبد الدار ایدی * اول کون سیف ذی بزن دارالملاک بن
اولان صنعنا نام بلده * قصر غمدانده متکاپیرای سلطنت اولوب * قصر
مرقومک درود یواری اندوده مسلک ازفر * وانواع زینتله پرزب و فراتدر
مشیدی * باشنده اقلیم خراجی دکر بر مرصع تاج * وزانوسنده بر مجوهر سیف
میریچی که * شعاعی خیره ساز دیده سراج و هاجدر * و کندیزی اسکندر وار
برزین سمر بر اوزره قرار ایدوب * عین و یسارنده التون صندیلر اوزره
ملوک حیر * واعیان و اشراف عین او توروب * صدف کوشلرین رشحات
کلماته برداشته اتمش ایدی * اکابر قریش دخی رخصت دخوله پیشگاهنه
مشول ایدوب * هر بری بالاشاره بر رصندلی اوزرینه قعود ایلدیلر *
عبدالمطلب او ترمیوب ایلر و واردی و تکلمه استبدان ایلدی * حضور
ملوکده ارباب کلامدن اولدیغنی بعد الاستفسار مرخص گفتار اولدقده *
یو عبارت بلاغت احتواء ایلد ایستایش و ثناء ایلدی * ان الله تعالی احلک
ایها الملك * محلا رفیعاً شایخاً باذخاً * و انبتک نباتاً طابت ارومته * و عظمت
جرثومتیه * و ثبت اصله * و بسق فرعه * فی اطیب موطن * و اکرم معدن
وانت ایت اللعن ملک العرب الذی له تقاد * و عودها الذی علیه الاعتماد
و کم فم الذی الیه تلجأ لعباد * سلفک خیر سلف * وانت لنا منهم خیر خلف
فلن یهلاک ذکر من انت خلفه * و لم یخمد ذکر من انت سلفه * نحن اهل حرم
الله و سدنه بیته * اشخصنا الیک الذی ایهجنا من کشف الکرب * الذی
فدحنا فنحن و قد التهنئة لا وفدا المرزقه * انتهى عبارت مرقومه ده احلک
کلمه می احلالدن ماضی در * احلال قورندهق معناسنه در * شاخ عالی
معناسنه در * باذخ ذال مجمه ایلد شریف معناسنه در * ارومه فتح همزه
و ضم رای مهمله ایلد و جرثومه ضم جیم ایلد کلاهما اصل معنایه در *
بسق کلمه می بسوقدن ماضی در * بسوق اغاج نشو و نما یوای معناسنه در *
فرع برنسنه نل اعلاسنه دیور * ایت اللعن کلامنده ایت ابادن ماضی
شیم لدر * زمان جاهد ایدده عرب لکملوک که مخصوص دعا ایدر *
ابن الکیت قولی اوزره لعن ایهجاب ایدر افعالدن بری اولدیکدر *
تناد کلمه سی اتقباددن مضارعدر * ضمیر مؤنثی جماعت عرب را جعدر *

کهمف ملاذ و لملاً معناسنه در * لم یخمد خوددن مستقبل منفیدر خود
انظفا معناسنه در * سدنه فتحینله جمع سادندر سادن کعبه یه اطلاق
اولنور * اشخصنا اشخاصدن فعل ماضیدر * اشخاص عزم و حضور
معناسنه در * ایهجنا ایهجندن ماضی در * ایهج مسرور ایلک معناسنه در
کرب ضرب و زنده غم و تاسه معناسنه در * قدحنا قایلده قدحندن ماضی در
قدح ثقات و یرمک معناسنه در * و قد فتح و اووسکون قایلده جمع و انددر *
صحت و صاحب کبی ایلدی معناسنه در * مرزقه فتح میله مصدر در مصیبت
و عزامعناسنه در * تته * چون عبدالمطلب بورعه دعا و ثابله خدام
بیت الحرامدن اولوب * تهینه و تبریک ایچون کادکار فی اشعار ایدیلک *
ملک استمدن سوال ایلدی * عبدالمطلب اولدیغنی ییلد کده * مادر عبد
المطاب خزرجی مائی اولقله * این اختاناته میریله آشنایانه ترحیب و قرینه
دعوتله دوبالا تلطیف و تطیب ایلدی بعده عبدالمطلبه و سائر رفقاءسنه
توجیه روی التفات ایدوب مر حبا و اهلا و ناقة رحلا و مستنفا خاسم لا و ملکا
ربحلا یعطی عطا جزلا * قد سمع الملک مقالتکم و عرف قرابتکم و قبل
وسیلتکم فانتم اهل اللیل و انتهار لکم الکرامه ما انتم و الحباء اذا طعنتم
عبارتیه رعایت و دلنوازی ایلدی * مستنخا میرک ایل معناسنه در *
ربحل فتح رای مهمله و بای موحد ایلد کثیر العظام معناسنه در جزل عظیم
معناسنه در * حبا کسر حا ایلد عظام معناسنه در * طعن سیر و عزیمت
معناسنه در * تکلمه * بعده جمله سنی دار الضیافه یه کوندروب * برای قدر
انواع اعزاز و اسرار ایلد انده توقیف اولدیلر * بردخی ملاقاته و عود
و انصرافه رخصت ایلدیلر * برکون ملکک خاطرینه خطور ایدوب
تم اجه عبدالمطلبی حضورینه دعوت و مجلسی خلوت ایلدی * و دیدی که
ای عبدالمطلب حقه سیریم در و نمده بر کوهر کرانهای راز و اردر که *
سن انک معدنی اولدیقل ایچون استرم که سکا ابراز ایلیم * اما حکیم مطلق
جل و علی ظاهر اید فجه کتم و اخفا ایلک اهم مهمادر * معلومک اولسون که
کندی نفسلرمزه مخصوص و یسکانه دن محبوب اولان کتاب مکنون و علم
مخزون قوتیله * بر خبر عظیم و خطر جسیه واقف اولدم که * انده جمله
کائناته و عموما قوم و متعلقاته و خصوصاً جنابنه شرف حیات و فضیلت
عمات در کار اوله جقدر * عبدالمطلبک مشام جانی بویام مشکفام ایلد
بویان اولیجی * مثلاً ایها الملك سرور برقا هو قد الازل الوبرزمر ایدر
تعبیر یله * دعا و استطلاع خیایای زوایا ایلدی * ملا دیدیکه تمامه ده

بر فرزند سعادتمند ظهور ایدوب * کتفینی پیشده بر شهدانه خال اوله *
 بجه به پیشوا و سرور اولوب انک شریفله سزدخی تا بمحشر جلالت شان
 و ایت قدر و عنوانه مظهر اوله سز * تکرار عبدالمطلب ایها الملك ایت بخیر
 ما آب بمنله * و اقد قوم لولا هیبة الملك واجلاله واعظامه اسألته من ساره
 ایای بما ازداده سرور * اشبوس سر برسته نک ایضا حنی ناز کانه نیاز کار
 اولدی * پس ملک دیدی که ای عبدالمطلب حالا اول وقت ابر شدی که *
 محمد نام بر ولد امجد مانند نور محمدیه طلوع ایلدی * به همان ایلده جکدر *
 پدر و مادری اولما مغل جدد و عی تربیه سنده نشو و نما بوله * و برانی بالذ فعات
 تولید ایلد * حق سبحانه و تعالی انی اشکاره * بعث ایدوب و خدمت
 عالیترینه بزدن انصار و اعوان تعیین اولنه جقدر * انلار ایلده لوی اولیاسنی
 ترفیع و ترفیل * و انوف اعداسنی ترغیم و تذلیل ایده جکدر * و انلار ایلده
 جمیع کفاری قهر و تدمیر * و کرائم و بقای فنی و تسخیر ایلده جکدر
 رحانه عبادت ایدوب شیطان زجر و ادحاض ایدر آشکده لری خراب *
 و اصنام و اوثانی شکست ایلر سوزی فصل خطاب * و حکمی عدل و صواب
 اوله جقدر * دایما امر و فعلی معروف اولوب * منکر رانی نهی و ابطال
 قبله جقدر * بنه عبدالمطلب همشوه راحه الارواح اولان اشبو * جد
 جد و دام ملک و علا که ملک فهل الملک ساری بافصاح * فقد اوضح لی
 بعض ایضاح * فقرات ایلده اداره جام دعا و استیضاح خفایا ایلدی * ملک کعبه
 و ارکان حقیقی * ای عبدالمطلب سن انک جسدی سن بوسوزم راستدر
 دیدی * عبدالمطلب فی الحال رخسای زمین ایتال اولدی * ملک ای
 عبدالمطلب باشی قالدر * قبلن مطمئن و کعبن عالی اواسون * بوسوزی
 مؤید سنده دخی بر اثر و ارایسه سوله دیدی * عبدالمطلب بوجه اوزره بسط
 مقال ایلدیکه * ای ملک بنم عبدالله نام بر فرزند دلبندم و ارایدی * انی بجه
 اولاد منن زیاده سور ایدم * بعد البلوغ کرائم قریشدن آمنه بنت وهب نام
 کند و سینه بر خاتون الموردم * براوغلی ظهور ایلدی محمد * ایلدم *
 باسم الله تعالی پدر و مادری * و بر راه جانب عقب اولوب * انک خدمت
 لازمه سنه بن و عی ابوطالب متکفل اولدی * حالا بزم تربیه مزده در دیدی
 سیف ذی یزن بو تقریری ایشید یجل * ایشته بنم سکا دیدیکم سنک سیاتنه
 موافق * پس امر محافظه سنه قیام ایدوب * خصوصاً یهود اشقیاسندن
 صیانتی بایند جدد و اهتمام ایلده زیرا انلار اول حضرت نه دشمن جاندر * لکن حق
 جل و علا اول ذات شریفه حافظ و نسکبباند * اول طائفه بی بروجمله اکا

ظفر باب ایلز * و بومیری رفیق بزدن * کم ایلده زیرا خوف ایدر مسکه
 حب ریاست سبیل اول حضرت نه حسد و کین ایدوب * کند لری یا خود
 اولاد لری نصب شیکه خدعه و احتیال ایتکله * نقص و ضرر ایصالی
 قیدنده اوله * اگر بن انک زمان به نیت ایشیک محمل اولیدی * بر آن
 تاخیر ایتوب بجه عسکر مده مدینه به وارردم * زیرا کتاب ناطق و علم سابق
 قوتیله معلومدر که * یثرب زمین انک دارالملکی اولوب * امر نبوی انده
 قوت بوله حق * و اهالیسی کند و لری نه نصرت ایده جکدر * و ملک بقایه
 عزیمت لری انده اوله جقدر * اگر طرف اشرف لری نه آفات و عاهات تطرق
 ملاحظه سی اولسیدی * اشبوه شکام جدد ایتلنده امر نبوت لری اظهار
 و اکابر و اشراف عربدن بیعت آلوب عیلم عالمستان رسالت لری ترفیع
 و اعلاسی خصوصنه صرف و سع و اقتدار ایدردم * لکن الحاله هذه
 بو خدمتی سنک عهده عهد و اتمامه احاله ایلدم دیدی * و عبدالمطلب ایلده
 ورود ایدن متعبان قریشی حضورینه دعوت ایدوب * هر برینه اوزر حبشی
 غلام و جاریه * و ایکیش خلعت فاخره * و اوزر طل النون و اوزر طل کوش
 و یوزر دوه * و بر رخیک بر عتیر اعطا * و عبدالمطلب بونلک اوزر ضعیفی
 احسانله مقتضای شان طرفینی اجرا ایلدی * و هر سنه کاوب حضرت
 محمد اکا و الی اعلام ایلده سن دیوتنیه ایلدی * لکن تیرند بیر شصت
 تقدیردن کشاد بولما مغل * سنه آتیه دن مقدم سیف ذی یزن * تختگاه
 بقایه زخت افکن اولدی * عبدالمطلب اکثر اوقات خللال محاوراتده
 رفقای اولان * اکابر قریشه خطاب ایدوب ملک مشارالیهل بکا ارزانی
 ایلدی کی عطیه جزیه شایان غبطه دکلدر * بلکه کینج دل و جانمه ایداع
 ایلدی کی وابسته طلسم عهد و پیمان * جواهر عالمهای تیشیرات بی پایان که
 الی یوم القرار بکا و کافه اعقاب و ذریاعه مایه افتخار * و رابه اعتبار
 اوله جقدر * شایسته رشک و عتی بودرد ارایدی * انلار استکشاف برفع
 امرا ایلدیکه * عنقریب معلوم اولوردی و وقتنه ترهین ایلرایدی * لایحه
 حضانت * مر سوم براعه تحریر اولدیغی اوزره * زهره زهرای سپهر نزاهت
 یعنی مادر رسول رب العزت * آمنه جناب لری ابوانام مر حله ده برج بقایه
 سپر و رحلت * ایلدکد نصکره * بر کدام ایمن متعهد خدمت حضانت اولوب
 بش کونده اول حمامه کعبه اجلالی * حریم حرم ذوالجلاله ایصال ایلدی
 تنبیه * مقدمه کاهالت ماده سنه اختلاف زمان موهمه سبله * وارد اولان
 اعتراضده اشبو امر حضانت دخی مورد مشرک اولوب * لکن ماده کفالتنه

ترتیب اول نشان جواب * یوحنا حمله جاری اولیه جتی بی اریساید * زرا
حضرت علیه السلام * مجرد مادر لرینک و فانیله برکه نیک استعجابنده
قالشدر * مکر که مکه به وصولد نصکره ماعدای برکه نیک احتمال احتضانی
اولغله * حکم حضانت برکه مکه به بعد الورود منقر راودی دیمکله
منذفع اوله * رمد چشم صاحب سعادت * سنه من پوره ده اول قره عین
عالیمان * علیه صلوة الرحمن حضرت تریک * ترکس دیده لرینه رمد عارض
اولغله * بعض کسبه لر دلالت برله عبد المطلب اول حضرت فی آلوب * مکه
ومدینه بیننده مقیم * بررقه خوان راهب اولغله * طرفنه کوتردی * راهب
مرسوم جمال فائض الکمال مصطفوی بی کور یجیل * همان صومعه سنه
کیروب اغتسال ایلدی * بعده بر صیغه اخراج ایدوب پیدری بیکر
رسول الله تطبیق ایلدی * تمام اماند نصکره خدا حق یو خاتم الانبیادر
ودوایی کنیدی آب دهان لیدر دیدی * عبد المطلب دخی بر موجب اشارت
راهب * رشحه عین الحیات اولان راق سرور کائنات دن آلوب * کوز لرینه
القا ایلد کده دوا ی بره الساعه اولغله * فی الحال شغایاب اولدی * راهب
مزبور عبد المطلبه تالله یوانه قدر بنم انقاسمل تأیری * بو ذات شریفین
دامن توسل و تشفع لرینه تشیت مسایسه سبیله دردیو * سنک قسم باللهله
تاسیس بنیان جواب ایلدی *

ومات فی الحاحیه و کفلا * عمه و خاتم و کسری انتقال *
فی الحاکمه سی مقصود در حاکم زنده دالدر * حیده فاعل مات در *
ضمیر بار زخر عالمه را جمد * الف کفل اطلاقیه در عمه فاعل کفل در *
انتقال تنیه در بویتده درت لایحه مندر جدر * وفات عبد المطلب *
کفالت ابوطالب * موت حاتم * فوت کسری * وفات عبد المطلب حضرت
رسول عرب شاه امی لقب * هشت ساله اولدده عبد المطلب ترک مطلب
ایدوب دارالبقا طرفنه عنایت ایلدی * حضرت علیه السلام کرمان
و نالان جنازه فی تشییع و چونده جسدی قصی فرسته تودیع ایلدی
کفالت ابوطالب عبد المطلب وصیتی اوزره * تحقیق عبدالله ابوطالب
منصوب خدمت سلطان سنی المناقب اولشدر * موت حاتم * چود و سماجی
السنه عالمیایده دائر * و بین العرب مثل سائر اولان حاتم طایی سنه
مزبور ده طی سباط خبات ایلدی * فوت کسری * فرمانفرمای کشور
ایران * کسری نوشیروان دخی * بوشنه ده اقلیم عدمه روان اولدی * لاحق
بعض کتب سیرده * ولدت فی زمن الملك العادل کلامی صورت حدیده

ایراد بتخلیه الحاقی مناسب کورلدی * علامه زمان ابن حجر * و سخاوی
وزر کشی * و سیوطی * و حاکم ابو عبد الله * موضوعیتنه امضا ایدوب
حتی بعض اجله دن منقولدر که * ابو عبد الله کلام مزبور حدیث
اولد یغنه حکم ایلدی کی کونک کیجه سنده * بذات شریف حضرت رسول
اللهی واقع سنده کوروب * بار رسول الله ایستد مکه ولدت فی زمن الملك
العادل پیور مشتمل * حاکم ابو عبد الله موضوعدر حدیث صحیح دکلدر
دیدی * پیورر مزید کده * ابو عبد الله راست سویلش یوحنا نیک
اصلی یوقدر پیوردر * بدیعه * شب ولادت باسعادتده مسفور کسرا نیک
ایوانی * مستزل اولوب * اون درت شرفه سی ساقط اولدی * سطح نام
کاهن * بعد الیوم ساسانیان دن شرفات ساقطه عدد نجه اون درت مردوزن
پادشاه اولوب * بعده کشور ایران نصیب بیگانگان اوله جغنه اشارت در دیدی
واقع اون تقری درت سنه ده طی بساط ساطنت ایدوب * دردی دخی زمان
خلافت ذی النورینه قدر جالس سر بردوات اولوب * اون درت نجیلری که
برذ جردین شهر یاردر * سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه پنجه سندن
تخلیص مرغ جان ایچون * جانب خراسانه فرار * و هجرت نبویه نیک
او تونر بی سنه سنده * بر دکر منی بدیله حبه حیاتی مطعون سنک دمار
اولغله * اول سلسله بالکلبه منقضى اولوب * ملکک عجم ایدی اسلامیه
مسلم اولدی *

کذلک استسقی به وفی البیا * شق بخار اول قدا تیا *
کاف کذلک ادات تشیه در * ذالسم اشارتدر * کاف خطاب ایچوندر * لام
اشارت بعیده دالدر * مشار الیه غائب غیر بعیده اولسه ذالذینور * بعیده اولسه
ذلک دینور * یوم مقامده مشار مشیه سنه ثامن ده تکفل ابوطالبدر *
استسقا یله تکفل بیننده بعد مناسبت اولقی مصحح ماده در * استسقا
ضمیری ابوطالبه را جمد * به ضمیری رسول اکرمه عاندر * وفی البیا
مقصوددر * با حرفی اون عدده دالدر * حرف جراتیافه ملنه متعلقدر * شق
مبتدادر * بخار کسرفایله فاجره ملندن مصدردر * بحذف العاطف * شق
اوزرینه معطوفدر * قدا تیا فعلی تشیه در * جمله سی خبردر * یوبیت اوج
لایحه بی مشملدر * استسقا * شق ثانی بخار اول * لایحه استسقا * سنه
کفالتده واقع اولشدر * جلیمه بن عرفطه دن منقولدر که * بر سنه مکه به
عنایت ایلدم * اهل مکه نیک شدت خط و غلادن حالاری بغایت دیکر کون
اولغله * بعضری لات و عز انام صغردن استمداد * و بعضر منات نام صغردن

استغاثه واستجاده * سوق واغرا ایدر لایدی * حضاردن بر پیر بشوش *
 بونسلاره خطاب ایدوب * راه صوابدن نیچون عدول ایدر سوز * حالا
 میان کزده بقیه سلاله ابراهیم موجود ایکن * دامن دیگره تثبیت بیهود
 دگمیدر دید کده * اشراف قریش ابوطالب بدن کایه ایلدیکنی تفرس ایتلریله
 عمو ما القوب باب ابوطالبه واردیلر * قیوی دق ایدوب ابوطالبی دعوت
 ایلدیلر * ابوطالب طشمره چقد فده * داهیه خط وغلادن بختله استغایه
 همتمنی نیازتدیلر * ابوطالب دخی رشتنه رجالین پیوند حلقه قبول ایدوب
 یاتنده بواتدن چقمش کوش کی بر طفل دلارا * واطرافنده برفاج اطفال
 مه سیایله حرم جانبند عزم ایلدی * ارقه سنی کعبه به ووروب طفل مشارالیه
 بر دقلمیله افاق آسمانه طوف و اشارنه بیلدی * جو سمداده بولندن اثر اولموب
 آینه صفت صاف و براق ایکن * در ساعت طرف طرف بولندر طهور
 ایدوب * اولقدر یغور یاغدی که بطون اودیه و جبال صوایله مالامال اولوب
 باله شهر و قرارهین خصب وز خا اولدی * ته که ابوطالب بویتنده ایما
 ایشدر * وایض یستقی الغمام بوجه * ثمال الینامی عصمه لارامل *
 ورب ایض تقدیرنده در * ثمال وعصمه جرایله در * زیر ایض کله سنل
 صفقریدر * غمام بوات معناسنه در * ثمال کسرنای مثلته ایله ملجاء و غیاث
 معناسنه در * ارامل مساکین نساده مخصوص بالاسمه حالدر * شق ثانی
 ولادتک اونی سینه سنده * شق سینه بی کینه سیدالور * متکرر اولمشدر *
 لسان مجزیا نلرندن مر ویدر که * ایکی کسه کاوب بریسی امر دیگر ایله
 بنی ارقه م اوزرینه یاتروب * صدری شق ایلدیلر * یانلرنده برالتون لکن
 ایله صوا و لغله * بریسی صودوکوب آخری جوفی غسل ایلدی * بعده
 قلبی شق ایدوب غل و حسدی اخراج ایلدی * رفیقی دخی علقه بی ازعاج
 ایلدی علقه دن مراد بقیه در * ته که شق اول خلانده ذکراولندی *
 بخار اول بین العرب درت * که ره حرب القبار واقع اولغله * ایلداسی که
 بخار القفاری در * ولادت باسعادتک اونی سینه سنده صحیفه الوقایع
 روز کاره ثبت اولمشدر * ایکنجیسی بخار الشوکه * اوچنجیسی بخار الدین *
 در دنجیسی بخار البراض در * ذکراولنان محاربات شهر حرمده واقع اولغله
 خبر نادید کلرندن ثانی بخار ایله تسبیح اولندی * سبی بودر که * بدرین معشر
 القفاری * سوق عکاظده مجلس مخصوص ترتیب ایدوب * انده قبائل عرب
 کلا فروش خرومبها ت اولور ایدی * برکون انبساط نحو ته ایاغنی اوزادوب
 بن عز و نهاله کافه عربدن مریبلندم * بکانه فوق زعمنده اولان اشبوا یاغنی

قلبه اورسون دیود مکش دعوی مغرورانه اولیحق * همان برکسته
 صحرایوب تیغله فرانوسنه برمه لک زخم اجدی * ایکی طرفل هوا دارلری
 بری برینه دوشوب * کند که آتش حرب و قتال اشتعال بولوب * شراره سبله
 نیجه رخا کستر زوال اولدیلر * ثانی القباریب لبصری سافرا * مع عمه به
 بحیرا بشر * حیث غمامه له اطلت * شجرة کذا علیه اخضلت * بیت ثانی
 بیت اوله من هون اولغله * مقر و ناخبر بر اولندی * ثانی القباریب قولی وقع
 فی السنة الثانیة عشره تقدیرنده در * لبصری کله سنده لام سافر فعلنه
 متعلقدر * الی معناسنه در * کل یجری لاجل مسعی نظم شریفنده
 اولدیغی کی * الف سافر اطلاقیه در * ضمیر فاعل و عمه و به ضمیر لری خذ عالم
 راجعدر * کذلک الف بشر اطلاقیه در * مفعولی محذوفدر *
 به بشر باطالب تقدیرنده در * پای به بشر فعلنه متعلقدر * جمله سی
 مبتدئیل که بحیرا در خبریدر * حیث تعلیلیه در * بشر فعلنه متعلقدر * لام له
 اطلت فعلنه متعلقدر * اطلت اطلاقن ماضی در * کول که لندر مل
 معناسنه در * اخضلت وزن ایچون وصله قرأت اولتور اخضلالدن
 ماضی در * اعاج طراوت بولوب اوراقی متکثر اولق معناسنه در بصری
 ضم بای موحد و سکون صادممه له والف مقصوره ایله اعمال شامدن
 برقریه در * بوا یکی بیت اوج لایحه بی متضمندر * ثانی القباریب سفر
 بصری * تبشیر بحیرا * وایکی ارها صبی مشتملدر * اطلال * و اخضلال
 ثانی القباریب * اول افتاب سپهر رسالت * بروج سنیدن اون ایکنجی برجده
 بر تو بخشش جم ت اولدقده * بخارات اربعه دن ایکنجی بخار که بخار
 الشوکه ایله نامدار * و وقوع عیاب اولمشدر * سبی بودر که بنو کانه دن بر مرد
 قرشی * قبایله عامر دن برزن مستوره نل نقابنی رفع سودا سنده اولوب *
 اولدخی امتناع ایلد * کده * خائن مزبور بر تقریب اول خاتونل دامن
 پسینی پیچیده خارا تمکله * بیچاره فالقرکن یقیلوب مقعدی کشاد اولدقده
 باد هوا سیر و صفایه اماده اولان باد کارلر دخی طرف طرف خنده ایتلریله *
 زن مزبوره به عار استیلا تمکله * بابنی عامر دیوقومنه استصراخ ایلدی *
 کافی دخی بنو کانه به استغاثه ایتمکین * رجال طرفین اهتل حرب و قتال
 ایلدوب * تیرلر هوای و غاده عقاب اساطیر * ونیزه لر میدان معرکه ده
 مثل سائر کی داترا اولدی * سفر بصری * سودا کران بندر سیروایتی اوزره
 ابوطالب اول تاریخنده آرزوی تجارت له جانب شامه اعترافه مبادرت ایدوب
 مزاحم سفردن صیانت ملاحظه سبله اول نازنین ناز پروری * مکده

قیوب گفت که خوابه ضعیفی اولدیفنی * معلوم سعادت شیرلی اولیجق *
 ابوطالب نایقه سنی زمانه پاشوب * ای عم مهربان بنی بویه بی پدر و مادر
 مکده کیمه سبارش ایدوب کیمدرسن دید کده * ابوطالب بوکلام رقت اثر
 تیرخارا کذر کبی پوتنه دل و جانده کارکر اولوب * اول نیر صبح سعادت
 رفاقتله عازم طریق شام اولدیلر * قطع نشیب و فراز ایدرلر * بصرای شامه
 واصل اولوب * انده جرجیس نام و بچیرالقب بر راهب مر تاض صومعه سینه
 قریب محله نابت بر درخت سایه سینه نازل اولدیلر * بچیرا فتح بای موحده
 و کسرهای مملعه ایلدر * اوصیای عیسی علیه السلام دن مستفیض
 و ماثور اولان علم نصرا نیت کند و سنده منتهی بر راهب ایلدی * نظری
 قافله به متعلق اولوب کوردیکه * برابر باره سپید خنارت آفتاب دن حیات
 ایچون * کاربانیان دن برینک باشنه سایه سالوب انکاه برابر حرکت ایدر *
 تا که اول صاحب سعادت واروب بر درخت التمه قرار ایلدی * کما کان اول
 ابرپاره انک باشی اوزرنده باید ارا اولدیفندن ماعدا * اول درخت خشکین
 نصارت و طراوت بولوب اغصانی سرسبز و خرم اولغله * کاربانیان سایه سینه
 شتابان اولدیفنه * افغانی اول با کوره دوجه عز و شان طرینه میلان
 ایتمکله * بوحالت خارقه لرمش و بچیرا اولیجق * در ساعت ترتیب مهمات
 ضیافت ایلوب کانه کاربانیانی دعوت ایلدی * راهبک بوضع خلاف
 عادت اولغله اهل قافله متعجب سیمندن سوال ایلد کارنده * مرام مجرد
 اکرام اولدیفنی اعلام ایلدی * ابوطالب اول امین کنج اسراری بارخانه ده
 قیوب کندیبی کاربانیانله ضیافت بچیرایه روان اولدی * جمله می سفره
 طعمه حاضر اولیجق * بچیرا یکان یکان هر برینه دقت و امان ایدوب *
 برینک ناصیه حالده اینه ثبوت مشاهده ایلدیکندن بشته * منزلگاه لری
 طرفنده هنوز اول ابرپاره برهما کبی سایه سای بالای درخت اولدیفنی
 کورد کده * مقصودل تخلفی معلومی اولغله اهل قافله به خوف و امیدر
 دیو سوال ایلدی * انلردخی بر طفل اندلسه قلدی دیچک * بچیرا
 انکدخی تشریفنی نیازا بتمکله عم دیگر لری حارث واروب آغوشنده مجله
 کتوردی * راهب بود فیه نظرا ایلدی کوردیکه اول ابرپاردخی باشی
 اوزرنده برابر کاور * چون حضرت خیرالوراد اخل چاس بچیرا اولد فده *
 اجرای رسم تعظیم ایدوب خلال طعام و کلامده دیباچه کتاب نبوت اولان
 صفحه جمال صاحب جلالت و وجودیم بودرنده اولان بعض علامه نکه
 اندازدقت اولوب * خاطر نشانی اولان شواهد و دلایلی بالجله مجموعه ذات

مستجمع المختار نلنده مکمل اولغله * غائله طعام بر طرف اولد قد نصکره
 امتحان وجهیلده ای مخدوم کزین سکالات و عزایه عین و بر مرک * هر نه
 سوال ایدر رسم راست وجه اوزره جواب و بره سن دیدی * حضرت علیه
 السلام بیوردیلر که ای پیر بنسندن لات و عزایه عینله بر سنه سوال ایلر که
 عندمده انلاردن مبعوض نسته یوقدر * بود فیه بچیرا حضرت خدای
 بیهمتنایه عینله تصدی کلام ایدوب جمیع احوالندن استقصا ایلدی *
 جمله سنی کتب سماویه دن مضبوطی اولان اوصاف شریفه به مطابق بولغله
 پیغمبر اخر الزمان اولدیفنی تحقیق ایلدی * بعده مبارک ارقه لری اچوب
 خاتم نبوتی کورد کده * لب ادب و بیخیل برله تقیل اندی * حاضر اولان
 اشرف قریش بچیرا نلر بوضعندن متعجب اولوب * بری برینه محمدل نزد
 بچیراده قدر عنایه وارد دیدیلر * بعده بچیرا ابوطالب دن سوال ایلدیکه *
 بو مخدوم معالیوسومل چنابک تعلق نسبیبی نه وجهله در * ابوطالب
 دخی ثمره نهال صلیدر دید کده * بچیرا تصدیق ایتموب بو ذات محترم
 پدری زنده اولیه جقدردیدی * پس ابوطالب برادر زاد مدرمادری حامل
 ابکن پدری وفات ایلدی دیدی * بعده بچیرا مادرندن سوال ایلدی *
 ابوطالب اولدخی بویقینده وفات ایلدی * دیچک * بچیرا نمدی راست
 سوبلدل منتظر اولان پیغمبر آخر زمان بوجود جلیل العواندر * حالا
 لازمه احتیاط اولدر که بو مخدوم مکر می شامه کوتر مکدن فراغت ایدوب
 همان بومزلدن مکیه مر اجعت ایلیه * مز * زیرا بیهود شامانی کوروب
 و بنمیلدیکم کبی یلور رایسه * لا محاله اعدامه قصد و اقدام ایدر دیدی
 بناء علیه ابوطالب شامه عزیمندن فارغ اولوب * امر تجارت اول محله
 تمشیت و بر مکله مکله جانبینه عطف مہار عودت ایلدی *

بیچ عمر ولدید بشارنا * اث کذا حلف الفضول حدثنا *

بویست مره و ندر بیچ کله سی سکون جیلده مؤخر ولد کله سنک طرفیدر *
 عمر منو نامبتدادر برابچور جزد مستفعلن جزئک آخری و ند اولغله * کندن
 مکفوقدر * ولد ماضی مجمل ولد بر جله سی مبتدائل خبریدر * عمر ولد
 فی السنة الثانیة عشره تقدیرنده در * بد سکون دالسه ظرفدر خبر مقدم
 محذوفه منه علقدر * بخار مؤخر مبتدادر اتران ایچون غیره منصرف صورتنده
 مسوغ ابتدا تا خریدر * کذا کله سنده اسم اشارتله حدوث حرب الفجار
 الثالث مشاردر * حلف کسر حاوسکون لامه عین معنایسته در * بیه قامده
 معنای مجاز سی اولان عمدمر ادر فضول ظما اخذ اولنان امواله دینور

بیت مر قومه اوج لایحه مندر جدر * ولادت عمر بن الخطاب * بخار
ثالث * حلف الفضول * ولادت عمر بن الخطاب * رضی الله عنه بیت
سلطان رسل پناه عالم * شاهنشاه کل حبیب اکرم * صلی الله علیه وسلم
حضرت تری نزد بان زرین پایه عمر عزیر تدن * اون او چنی قدمه به بالمرز
والسعاده قدمه داده اولد قدمه * جناب عمر بن الخطاب * رضی الله عنه دوحه
وجودی پر آب و تاب ایلدی * بخار ثالث که بخار الدین در فتح دالله ولادت
علیه نل اون در دخی سنه سنده واقع اولم شد * سیدی بودر که بنوع عامردن
بر کسه نل بر شخص کافی ذمتنه جهت قرضدن مطلبوایی اولوب ادا ده
مما طله ایتمکله * بینارنده نایره مختاصت فروزان اولوب * رفته رفته مستند
اولد قری قبیلته سربان ایتمکله محاربه به استدار ایلد * انجام کار عبد الله
ابن جدعان دین مزبوری منحل اولده * آنش دار و گیران طفا پذیر اولدی *
حلف الفضول باغی بودر که * زید بن اهلایسندن بر کسه تجارت شمتنه
بر مقدار بضاعتله مکه به کوب * اشراف مکه دن عاص بن وائل مال
مر قومی اشترای ایلدی ثمنی ادا ده تعلل ایتمکله مال صاحبی دخی بری برینه
تاسرو و تعاون اوزره متخالف اولان * عبدالدار * و مخزوم * و جح * و سهم
و عدی بن کعب طرفلرینه نظم واستعدا ایلد کده * انلارا غاثة ایتمیوب
آخر کار بر صباح جبل ابو قیس اوزرینه حقیقوب * جماعت قریش پیرامن
کعبه ده حلقه بندانچمن ایکن * بوا یساتله استغاثه ایلدی * شهر *
* یا آل فهر لمظلوم بضاعته * بیطن مکه نانی الدار والنفر *
* و محرم اشعث لم یقض عمرته * بالرجال و بین الحجر والحجر *
* ان الحرام لمن تمت مکارمه * ولا حرام لثوب الفاجر القدر *
انظوم اغیو المظلوم تقدیرنده در * نانی بعید معناسنه در * اشعث
مقبرالأس معناسنه در * لام للرجال استغاثه ایچوندن حجر کسمر حایله
حطیم کعبه در * حرام احترام معناسنه در * غدر ضم غین
و فتح دالله عادر معناسنه در * همان زید بن عبد المطلب و عبد الله بن
جدعان و برقاج متعینان قریش * قالقوب حرم محترمه من بعد بر کسه به
جور و طلم تد رمل بایندیکدل و یکجمت اواق اوزره * عهد و میثاق
ایلد کد نصره * عاصه واروب مال مزبوری نزع وصاحبنه رد و تسلیم
ایلدیلر * حلف مزبور عبد الله بن جدعان خانه سنده اولوب * خرق عالم
صلی الله علیه وسلم حضرت تری دخی * اول مجاسده حاضر ایلدیلر * حتی
عبد الله بن جدعان خانه سنده بر عین مجاسده بولندم * انل تقیض و نوائی

مقابلنده بکر رمزی تو بلی دوه ویراسه * قطعه امیل و محبت ایلم * حالا بال
حلف الفضول دیوبکانه ایلسه لاجابت ایدرم دیوبور دیلر * تنیه * بوگونه
دعوت و ندا عادت جاهلیت اولوب * کرچه اسلامه هر قوع اولدی لکن
ندای مر قوم اقامت حق * ونه مرت مظلوم ضمتنه اولمغه مستنادر *
* برینجامع الزبیر سافرا * کافا بخار رابع شق السکرا *
بر سکون زایله طرفدره وخر سافر فعلنه منمقددر * بنایزع خافضیت اوزره
منصوبدرالی بمن تقدیرنده در بودخی سافر فعلنه متعلقدر * الف سافرا
اطلاقیه در ضمیر فاعل رسول الله را جعدر * تقدیر کلام سافرا النبی علیه
السلام مع الزبیر فی السنة السابعة عشره دیکل اولور * کافا کلمه سی بخار
رابع قوللک خبر مقدمیدر فی السنة العشرین تقدیرنده در * کاف بکرمی
عده دالدر شق السکرا تقدیر عا طفله بخار اوزرینه معطوفدر * اضافت کرا
ظرفیه در کرا نوم معناسنه در بوییتنه اوج لایحه مندر جدر * سفرین *
بخار رابع * شق ثالث * سفرین * ولادت باسعادتک اون یدخی سنه سنده
جناب رسول اکرم صلی الله علیه وسلم حضرت تری * عم محترم تری شقیق
عبد الله زید بن عبد المطلب ایلد جانب ینه سفر بر اولدیلر * انشای راهده
بر وادیه اوغرا یوب مکرانده شیرد زنده کبی بر مسیب اشتر غرنده قطع طریق
و آینده و رونده بی بولندن منیع و تعویق ایلر ایدی * خرق عالم حضرت تری
کورد کده همان زانوزده زمین خضوع و ضراعت * و کلکافی یعنی سینه سنده
اولان مهره سنی ساییده خالک استکانت ایلدی * شمسوار میدان نبوت
حضرت تری سوار اولد قری دوه دن ایتمیوب اشترمنز پوره سوار * و اول وادی بی
کدار ایلدیلر * بعده ینه تبدیل رکاب ایلیمیوب اشترمنز سومه رخصت ایاب
ارزانی بیوردیلر * اول سفر دن قضای و طرایلد کد نصره ینه مکه طرفنه
رجعت بیوریلوب * انشای طرفنه مامنه فقهه علو برنهر مهمیه اوغردیلر *
رفقاری عبور دن اظهار عجزا بملرله همان بی پروا اولاب سهمناک ایچوره
مطیبه ران اقتضام * و امر و ارشاد لرله همراهی دخی عقیقیر اولوب یاذنه
تعالی اول دریا کبی صوغا تر * اولمغه سلامته اول وادیدن عابر اولدیلر
مکه به کد کد نصره ذکرا و لسان خوارق مشهوده لری همراهی نقل
ایتمکله * هر کس ان لهذا الفلام لساناد یوعلمو مکانت رسول اللهی تحدث
ایلدیلر * بخار رابع * ولادت باسعادتک بکر مینی سنه سنده در دخی حرب
الفتح که بخارات سائر نل آخر و اعظمی واقع اولم شد * سیدی بودر که کسمرای
عجم طرفندن خیره و ایسی نعمان بن منذر جاباندن بر سنه موسم عکا طده

طیب واسلحه و سائر امتعه دن قافله تجهیز اولوب * اشراق عربدن برینک
جوار و خاینده بازار من بوره بعث و اسرا * و انده فروخت اولوب غنله
طائف مختیانی اشتر اولور ایدی * سال مر قومه دخی علی العاده بر قافله
اماده ایدوب * اول ائنده نزدنمانده عربدن برکروه بولنوب اشمیری براض
کنانی و عروۃ الرجال هوازنی اولغله * براض قوم کانه دن اجاره به متعهد
اولد قده نعمان باجله اهل نجد و تهامة دن درجوار اولق مطلوبه دریدی *
عروه بو خصوصه منکفل اولغله براض بوکونه جسات عروه دن منفعل
اولوب * علی طریق المزل بنو کانه دن اجاره سنی تعریض ایلد *
عروه دخی جله اهل بادیه بی تعیم کایه سیله * بلکه اهل شیخ و قبصوف دن
دیو دلیرانه دمدمه ساز تهاهی عاقبت تهاهی اولدی * پس عروه قافله بی
استحباب ایدوب عکاظ طرفنه عزیمت ایلدیلر * لکن بیشه دل براضه
کند که شجره ملعونه حقد و کین * ریشه ساز است حکام اولغله * عروه به
عقبکیر اولرق جویونده فرصت اولدی * عروه ایسه براضل مکر
و مکیدتدن بخیبر قافله بی سایه جوارنه آلوب لاابالی کیدر ایدی * تا که
ذی طلال نام محله ورود لرند استرواح ایچون انده نزول و اول شب آرام ایلدیلر
عروه نل سبیلاب جنبشی جوشان و نهر سرخاب کفی طغیان ایدوب *
اول محله برفاج زهره لقا * مطربه دلا رایله * عقد بزم عشرت و صفا
ایلدی * بروفته قدر نعمات عمر دایله نوشانوش و حقی مصفا اولوب
بیچاره رنل روز کردن ذاهل * و نقش براض فتنه کردن غافل * بو مجلسی
دست آخر جمالس اولدیغنی جاهل * و حفته لسان زمانه جسد بل الدهر
وانت تلعب مثلنی قائل زعیمجه صفادن استیغای حظ اوفی ایدوب * دربی
اولان رطل کران خوابله مست و لایعقل اولدی * در کین کین اولان براض
مکر این فرصتی غنیمت بیلوب همان کابوس اساسیلا * و رو بای فاسده کبی
دماغ حضور عروه بی شور شمایلدی * عروه هر تقدیر عروه وثقه بای رجا
و اعتذاره تشبث ایلدیه قطع قبول و اصفا ایتمیوب * عاقبت رهزن شمشیر
براض اول دردمندی جامه حیات متعاردن عاری ایلدی * بود قه
بخارات سائر کبی شهر حرامده واقع اولغله * واقف حال اولان برکسنه بازار
عکاظه کلوب قبیله کانه بی اکاه ایلدی * همان جله بی سمت ماوالرینه
برزده دامان اولوب بعده هوازنیلر دخی خبردار اولمیلر * تعقیب ایلوب
حرم حرمه دخول لرند * مقدس حرمه یاشدیلر * همان سل سیف هجمه
و استیصال * و اخشامه قدر بری بریله عظیم حرب و قتال ایلدیلر * اخشام

ا برشد کده کانیلر داخل حرم اولغله رشته منازعه منقطع اولدی * بعده بینه
سوق من بورده التقای فریقین واقع اولوب مجدد امهاله هیجهاها بیج *
و بازار کار زارده کالای مرک و عدم رایج اولدی * او چنی دفعه ده قریش
قیبله بی قوم کانه به معاونت ایدوب بوکره عظیم جنگ ایلدیلر * حتی
سد راه قرار اولق ایچون رئیس قریش و کانه اولان حرب بن امیه و برادری
سفیان کندیلر بی زنجیر ایلدیلر * ایلدیلر * بعده برد قه دخی محاربه اولوب
شاهد فیروزی و ظفر * بر طرفنده جلوه کراولما غله * بازار کاه مر قومی
موعد عام قابل ایلدیلر * حلول میعادده بینه دار و کیره تشمیر شاعر اجتهاد
اولور ایکن * عتبه بن ربیعہ دوه سنه بنوب بین الصقین بلند اواز ایلد *
یا معشر مضر علی مه تفانون اما تقبلون دیوندا ایلدی * هوازنیلر دخی
قبولانی عرض ایلدیکي ماده بی استنطاق ایلد کده * صلح صلاح انجنامه
دعوتکار اولدیغنی اخبار ایدوب * و دیت مقتول لرینه متعهد واد اید فجه
قدر ارهان متهبره وضع و ایداع و کندی خونهارندن مسامحه بی مصلحت
مصالحه به اساس ایلدیکي اشعار ایلدی * انلاردخی بوماده به کیم متوسط اولور
دید کده * عتبه دخی ذاتی اعلامله امر توسطه اقدامی افاده ایدوب بوجه
اوزره بیلنرنده کار مساله قرار داده اولدی * حسب المقاوله قرق نفر کسنه بی
علی طریق الرهن سپرده سوی هوازن ایدوب * حتی بریمی خدیجه بنت
خوبلدک برادر زاده بی حکیم بن حزام ایدی * هوازنیلر ارهان مر قومه بی
کوزیمچک حبت عربانه لری متبیج اولوب جله سنی عفو و اطلاق ایلدیلر *
بو وجه له مصافلری مصافاته مبذل اولدی * سید الانام علیه الصلوة والسلام
حضر تلمی یوم نائنده اعمامی استعجابیلر اول هنکامده حاضر اولوب *
بالذات اعمال حرب و قتاله اشتغال بیور میوب * لکن طرف مقابلدن
آنیلان تیرلری جمع و اعمامنه ایصال بیوررلر ایدی * فائده * عتبه نل علی مه
تفانون قولنده علی کلمه سی تعلیلده در * و لتکبروا الله علی ما هداکم
نظم شریفنده اولدیغنی کبی * و مدخولی اولان مال فظی که مه صورتنده
محرر در استغفامیه در * مجرور اولدیغنه بناء خطا و افظانی ساقط اولوب
هاه و فقه الحاق اولغله در * حالت وقفه تلفظ اولنور * و داخل اولان حرف
جرانغله مر سوم اولق دخی جائزدر * علی مه الامه کبی * شق ثالث *
مواهب صاحبی عدم ثبوتیه ذاهب اولوب * انسان العیون مؤلفی حالت
منامده و قوعنی تحریر * و نور النبراس علی سیره سید الناس مصنفی حالت
منامده و قوعنی جزم و تقریر ایتمکله * بر دخی انسلاره اقتضایا روایه

اضافه ایلدی *

فی که سری جرش منی میسر * به فیصری و نعام ستره *

فی که قولی مؤخر سری به متعلق در * فی السنة الخامسة والعشرين
موقعه در * سری فعل ماضی در فاعلی میسر در * جرش نزاع خافضیت
اوزره منصوب در الی جرش تقدیرنده در * عدل و علمیتله غیر منصرف در *
منی کله سی مفعول مطلق در فعلی سری در * سری منی متنی تقدیرنده در
به ضعیفی خیر کائناته راجعه در * فیصری کله سنده قانعیه در جرش
اوزرینه معطوف در * سافر میسر عقب هذا السفره بالنبی علیه السلام
الی بصری سبکده در * یوینده ایکی لایحه مندر جسد در * سیر جرش *
سفر بصری * سیر جرش * جرش ضم جیم و فتح رای مهمه ایلد مکه به
القی من حله مسافه ده مضافات مندن بر بازار کاهدر * انده اطراف
وا کاندن کاوب اوج کون بیع و شرا ایدر لر * وا کاجاشه دخی دیر لر *
اول امین کجینه امرالد نیه علیه افضل الصلوات * واکمل التحیه
حضرت تلی مدارج ستیندن بکرمی بشنی درجه به واصل واتجه * طریق
من غوب اکتسابه رغبت * و امره شاش تحصیلنه توجیه ضعیف سعادت
بیورمه * خدیجه بنت خویلد جنابنک مسعودی اولد قده * هر دفعه سنده
براشتر جوان قدم رنجبه سلطان جهان اوانی اوزره * میسر نام غلامی
ترقی ایدوب * بر مقدار بضاعتله بازارگاه جرشه ارسال ایلدی * انده
بر مقدار بقدای اشترا ایدوب مکه به کنوردیلر * ریح معتبرله فروخت
ایلدی * دیگر باره دخی نه یوم نوال اوزره کیدوب استریاح ایلدی * سفر
بصری * بر کون ابوطالب جناب جلیل المنایب حضرت تلی نه خطاب
ایدوب * ای نور دیده حالا معلوم کز در که بنم بغایت شکستلکم وارد *
اول وجه له امر معاشده عسرتم اولوب * خط و غلا ایدو عن غیر
مفارق کبی ماهیت زمانه ملازم * وحسب البشر به روزمره تدارکی لازمدر
مناسبید طبع سعید اولور سه * یواننده تجارت ایچون شام طرفنه قافله
موجه اوا * خدیجه بنت خویلد مالیه انای عشیرتزدن نیجه کسنه لر
سودمند اولد * جناب شریفه کزدخی حسب الاقضاء بوکافت سفره
چم ردغای تحمل وارثا بیورسکر * موجب منت و مستوجب محظوظ طینر
اولور ایدی دیدی * بوخبر سمع خدیجه به واصل اولیچ اظم ارسرور ایدوب
فی الحال اول شهنشدر صدق و امانت طرفنه سداد و استقامت * و مکارم
خلق و محبتلری معلوم اوافله * اگر اختیار زحمت سفر بیورر لر سه غیره

ویردیکم سرمایہ نک کندیلر ضعیفی ویره یم دیوپیام ارسال ایلدی *

حضرت علیه السلام دخی اظم سارروی رضا بیورده * وافر مال و بیروب
خدمت علیه لرینه نه میسر نام غلامی تعیین و تسویغ * و هر حالده
فرمانبر محمد الامین اولدی باینده تنیه بلیغ ایلدی * و انبای عبدالمطلب
دخی کاربانیانه اسباع مواسات ایتمک ضمیمه توصیه ایلدی * پس اول
قافله سالار انبیا علیه تحف النجایا حضرت تلی * ماتند نسیم سحر برزده دامان
سیر و سفر اولوب * نه علی العاده برابره شمسیه فرق باهر السعاده لر
اولدی * یولده خدیجه نک ایکی دوه سی ضعیف اولوب حرکتدن قافله *
میسره قافله دن تخلف ایدوب بریه و حشتمه قالدی * نظم بر در ماندگان
حضرت تلی ایلورده اولغله استماع ایلد کده * همان دو نوب مبارک اللریله
اول دوه لرک ایقلرک صغایوب دعا ایلدی * در ساعت ضعیف لری مبدل قوت
اولوب قافله ده اولان بجه دوه بی یکدیله * چون قطع مر احل ایدرک *
بصرای شامده مقدمه ما نازل اولد قلری دیریش کاهنه واصل اولوب *
حضرت علیه السلام بر درخت سایه شرف نزول ارزانی بیوردیله *
مکر بحیرای دانادامتنکش صومعه دنیا اولوب * نسطور انام بر راهب
جانشین اولمشیدی * اول اناده روزنه صومعه دن طرف قافله به سیر و تماشا
ایدرا بکن * اول ابرپاره نک فرق محمدی اوزره حرکت نابعانه سنی کور یچل
بودرخت سایه سنازل اولان ذات شریف کیدر دیو میسر دن سوال
ایلدی * اول دخی قریشدن برکسنه در دیدی * نسطور ادخی ذاتده مرد
عارف اولغله * ای میسر بودرخت الته انجی پیغمبر اولان نزول ایدر *
بوزات شریفک کوزلرنده حیرت وارمیدر دیدی * میسر دخی بی اصلا
مفارقت ایلر دیچل * نسطور اهو و هو و هو اخرالا نبیادیوب زمان بعثت لر نه
ادرا ککی تمنا ایلدی * حضرت علیه السلام بر مقدار اسایش و آرام
ایلد کد نصکره * سوق بصرایه کیروب داد و ستده مبادرت بیوردیله * انای
معامله ده بر تخلصه میانه لرنده اختلاف واقع اولغله نسطورایه مراجعت
ایلدیله * نسطورالات و عزایه بین تکلیف ایلد کده * حضرت محمد الامین
صادق القول المبین * علیه الصلوة فی کل حین * مدة العمر من انلاره بین
ایلد یم یور یچق * شخص من بور القول قولک دیو جانب رسولی تصدیقله
منازعه به فیصل ویردیله * بعده نسطور اخفیه میسر به حضرت علیه
السلامک پیغمبر اولوب * احبارک کتب سماویه ده اوصافی کورد کوری ذات
فعالی اتصاف بودر دیدی * چند روزا قامنک نصکره نه قافله ایلد جانب

مکدیه رجعت پیور دیر * خلال راهده تب افتاب کرمیتاب اولدخه *
ایکی فرشته عیان و فرق سعادتلی اوزره چنا حلین سایان ایدر لایدی *
و میسره بوحالی رأی العین مشاهد ایدر لایدی * وادی فاطمه نام منزله
وصولر نده اشارت میسره ایله محکوب بالسلامه عودت * و قدوملری
تبشیر ایچون حضرت علیه السلام تقدم پیور دیر * خدیجه اول انشاده
سعادتخانه لرنده اولان قصر عالیه بر قاج خاتونلر ایله اوتوروب * روزنه دن
سیر صحرای بطحا ایدر لایدی * ناگاه راه شامدن اول افتاب صبح صباحت
شعشه بخش ظهیر اولوب * بالای فرق فرق دانسار لرنده ایکی دانه فرشته
فرخنده بال * چنا حلر ایله اطلال خدمتده ارله رق کلدیر * خدیجه
بوحالی مشاهده ایلد کده هم نشینلرینه ده ارات ایلدی * و دقت ایدوب
حضرت محمد علیه السلام اولد یغنی تحقیق ایلد کده * بیت * کاور شاه خیالک
دیو سیر چشم کرانه * تماشایه چبقار طفل سر شکم دوش مژگانه * مضعونی
ایراد ایدر لک دل و جانی استقباله ارسال ایلدی * چون ملاقات میسر
اولوب ضعیفه ریح حاصل اولد یغنی خبر و بر دکار نده * مقدمدن طرف
نبوی به علاقه درونلری اولغله * بایم ماستر بفتح خیبر ام بقدم جعفر
مؤداسی * دوبالا مسرور اولوب میسره نل حالندن سئوال ایلدی *
قافله ایله بادیه ده تخلف ایلد یکنی افاده پیور یحیی مشهودی اولان حالتی
امتحان ایچون * میسره نل تعجیلی بهانه ایدوب حضرت فی اعاده ایلدی *
بنه حالت سبایه منظور و معانی اولد قده * اطمینان درون حاصل اولوب
میسره وزودنده اول خالی نقل ایلدی * میسره دخی حالت مرقوم ذهاب
وایا بده منفک اولوب * و سائر مشاهده ایلدی کی خوارق و نطور انل
کلامی یکان یکان نقل و بیان ایلدی * پس طرف شریفلرینه اعطا
اولنه جتی مبلغی سائرک مستاسندن ایکی قات زیاده اعطا ایدوب * و جانب
سعادت لرنه مهر و محبتی زیاد بر زیاد اولدی *

و ملکان تم قد تزوجا * خدیجه ذات الجمال والجمال *
و ستره ملکان تقدیر نده در * الف تزوجا طلاقیه در * ضمیر فاعل نقرعاله
را جعدر * ذات الجمال صفت خدیجه در * حاکم کسر حایله عقل معناسنه در
چین تزوجده خدیجه فرق باشند اولد یغنه تلح لطیفدر * بویتنده ایکی
لایحه مندر جدر * ستر ملک * تزوج خدیجه * ستر ملک * بیت اوله متعلق
اولغله اول خلایه بیان اولندی * تزوج خدیجه * بنت خویلد بن اسد
ابن عبدالمزی بن قصی روایت اولنور که * خدیجه جنابلر نل حضرت

نبوتاب طرفنه کمال مرتبه تعلق وانجذابلری اولغله * نفیسه بنت منبه نام
بر خاتونه کشف راز و در درونی ابراز ایلد کده نصر کرده * بو مرامل تمشینی
انل عهده اهتمامنه احاله ایلدی * اولدخی بر موجب اشارت نهانی حضرت
صاحب سعادت طرفنه تزوجلری خصوصتی در میان مناسبت ایلد کده
حضرت علیه السلام دخی عله العدم عدم العله قاعده سی اوزره * مایه نل
معدومیتی مانع وجود تاهل اولد یغنی ایما پیور دیر * نفیسه یا محمد عقل و ادب
و علونسب و مال و نشب صاحبه سی * بر خاتونی بی کافت مؤنت سیرنه
تزوج ایتسه لاجابت پیور و میسر دیکده * حضرت علیه السلام دخی اول
کیدر دیو سئوال پیور یحیی * خدیجه اولد یغنی اشعار ایلدی * نقرع عالم
علیه السلام ظاهرا استبعاد ایلد کده * نفیسه متعهد اولوب فی الحال
خدیجه نل خریطه قلبی جواهر بشارتله مالامال ایلدی * پس خدیجه
جانب رسول الله خبر کوندروب * حضرت بالذات و ابوطالب و سائر اعمام
و اقارب لرله خانه خدیجه بی تشریف پیور دیر * خدیجه نل بدر لری خویلد
و عمری عمر و دخی حاضر بالمجلس اولغله * ابوطالب بر خطبه نکاح اوقیوب
انشای خطبه ده طرفینک تمایل و تراضیلر فی اشعار ایلد * خویلد دخی
قبول ایدوب همان اول مجلسده اون ایکی یحیی اوقیه التون مهر مهمل
و مؤجل مقابلی عقد و نکاح ایلدیر هر اوقیه فرق در همدرا منکاح
تمام اولد قد نصر کرده خدیجه خلوق ایله یعنی زعفرانله مخلوط طیب ایله معطر
بر قاجر جامه چبقاروب پای انداز سید الانام ایلدی *

لاما بکعبه ولادة علی * فی الد معاویه و ابن جبل *
لاما قولی فی السنة الثلثین سبکیله مقدم خبردر * بکعبه خبر بعد خبردر *
ولادت علی مبتدادر * کذلک فی لد قولی مقدم خبردر * ولادة معاویه مؤخر
مبتدادر * و ابن جبل معطوفه در * علی لفظی تخفیفه در * ابن جبل
اشباعه در * بویتنده اوج لایحه مندر جدر * ولادة علی بن ابی طالب
رضی الله عنه * ولادة معاویه * ولادة ابن جبل رضی الله عنهم * ولادت علی
اسد الله غالب * علی بن ابی طالب * کرم الله وجهه ولادت با سعادت
او تو زنجی سنه سی کعبه مکر مهده پوشیده کسوت وجود اولدیر * ولادت
معاویه * و ابن جبل * او تو زدر دنجی سنه سنده معاویه بن ابی سفیان *
و معاوی بن جبل رضی الله عنهما متولد اولدیر *

له بنی البیت لسیل هدمای * لایحه الصوت بری الضوء *
له سکون هایله * طرفدر * فی الخمسة و الثلثین تقدیر نده در * بنی کله سنه که

ماضی مجمل و در متعلق قدر الیه بیت نائب فاعله در لسیل لاجل حدوث سبیل
تقدیرنده در * هدماجله می صفیدر * الی اطلاقه در * لیسکون زایله
کذلک ظرف قدر * فی السنة السابعة والثلاثین موقعه در * یسمع کله سینه
متعلق قدر * ضمیر فاعل رسول اکرمه راجع در * الصوت مفعولیدر * بری
الضوء جله می تقدیر عطفه معطوف در * سما کله می سمودن ماضیدر فاعله دن
حالد در * حال کونه علیه السلام قد علی قدر اعن ان یکون کاهنا کما خطر
فی باله الشریف قوه سنده در * با خود مفعول دن که صوت وضوء در حالدر
مذکور تا ویله تقدیر کلام * حال کون ماذ کرنا من الصوت والضوء علی قدر
عن ان یکون * الاول * صوت شیطان * والثانی * عن ان یکون ملکما
بل هو ملکونی دیم اولور * بوییت اوج لایحه می مشتلدر * بنای بیت
الحرام * سماع صوت * رؤیت ضیاء * بنای بیت الحرام * اساس افکن
بنیان سیر اولان اصحاب اثر * بوزمه طرح بنای خیر ایلدیلر که * قدما
حضرت ابراهیم علی نبیا وعلیه السلام حضرت تلیس بنایور در تلی اوزره
حیطان کعبه معظه نل طقوز ذراع شرعی ارتفاعی اولوب لکن تسقیف
اولتاشیددی * ویت شریف در و تنه دخول اولند قد * قویه متصل صاع
طرفه بر چاه اولوب * استانه کعبه به اتحاف اولنان تحف و یاد کارانده حفظ
اولنور ایدی * جرهم زمانده بر مفسس هی بازار بر دزد ناب کار * اغوای
شیطانی زاغرای طبع نفسانیه اول کنج شایکانه قوغنی داعیه سنده و شوب
بر کعبه فرصتله مار کبی اول چاه ایچره سوزلدی * هیچ بیله که رشته
حیاتی اوزلدی * ما حصل اول کنج نهائی اخراج قیدنده ایکن * ناکاه
اوزرینه چاه یقیلوب بنای حیاتی مه دوم هادم اللذات اولغله میانی از عاج
ایلدیلر * بعد ذلک حضرت مالک الممالک طرف عزتدن * بدنی بیاض باشی
وقویر غی سیاه و باشی اوغلاق باشی قدر بر مذهب اژدر * اول کنج خرم
حرمت پروره پاسبان تعیین اولنوب * دامن امن کعبه به اطاله دست تعرض
ایدنلری منع ایلر ایدی * احسانا تاب اقتساده جدار کعبه اوزره چیقوب
اکنور ایدی * ورنسکی اتش کبی برق و لسان ایلر ایدی * ستمه بر کسه
توجه ایلسه غار کبی اغرنی اچوب جلدندن غریب و مهمناک صد اظهار
ایلر ایدی * تمام بشیور سینه بوسال اوزره مهم حراستده قیم اولدی * بزکون
زیارت کعبه تصدیله برخاتون کلوب کعبه می بخیر ایدر کن * ناکهان بچره دن
بر شراره اصابتیه جامه می سوزان اولوب جدران کعبه به ده سیران ایتمکله
ارکانه و هن و خل طریان ایلدی * آمده بر سبیل عظیم ظمهور ایدوب

کذر کاهنده اولان بندی هدمله داخل حرم خدا اولغله * از فالد بکه * ع
بای بونس سبیل ازینا فکند دیوار را مضبوطی هویدا اوله * بوند نصکره اشرف
قریش اندیشه ناله اولغله * تشییدی خصوصه مبادرت و تشییر بازی
غیرت ایلدیلر * هر بری امور زریله طاش چکوب کتور دیلر * حتی باقی
مبانی دین اسلام علیه الصلوة والسلام حضرت تلی * دخی بالذات قدم اقدام
اوزره ایلدیلر * خدمته اولنلر از لرین چوزوب طاش امور لرین رنجیده
ایتماک ایچون التنه وضع ایدر لر ایدی * عباس اشارتیه حضرت علیه
السلام دخی بوضعه مبادرت مراد ایلدیلر کونده * کل نهالی کبی نقش
زمین اولوب * اول انده طرف اسماندن با محمد خرعورنک * تعبیریه
ستر عورت ایملک باینده ندای غیبی ظمهوریه عنوع اولغین * ازاری ازاری
دیو اضطرار و زاری ایدر لر ازار مکرملرینه یا شوب * من بعد اول خاطر بی
فراغت ایلدیلر * عباس بو حالی کور یچل همان در کار ایدوب کیفیتلرندن
استفسار ایلدی * سیدالابرار حضرت تلی دخی ندما ماده سنی اخبار یو دیلر
مهمه * مسعود عالیلری اولان ندای غیبیلرک اولی ندای مر قوملدر *
ومن بعد مکشوف العورة کورلدی * خصائص الصغری نام کایده
مسطور در که * من کرامتی علی ربی ان احدا لم یعورنی * حدیث شریفی
موجبجه بدایت و نهایتلرنده جای عورتی فردا فریده کورمیشدر * متعلق
النظر اولان بصر نورینشدن دور اولقی مقرر در * قالدیک که ذکرا و لنان
وقعه نقل حجرده انکشاف وقوعندن رؤیت لازم کلز * نه که حضانت
و تربیت و محاسنات هنکاملرنده دخی رؤیت لازم کلیوب * کذلک حال
ولادنده دخی کورنی لامسه ایلد محسوس اولغله * مستند رؤیت لازم
کلدیکی غایبان اهل رؤیتدر * تبه بنا * القصة کمال مهمات نصکره هدی
خصوصه شروع اولنوب * لکن ذکرا و لنان ازدها بروجه له تقریه
رحمتها و لسانه * عاجز اولوب درگاه باری به تضرع و زاری ایلدیلر *
برکون اول ازدها عادی اوزره جدار کعبه اوزره چیقوب نکهبانلق ایدر کن
جو هوادن چنده عقابدن اکبر بر مرغ نیز بر ظمهور ایدوب * اول ازدهای
قاپوب ججونه القابلدی * وفی الحال زمینه غائر اولوب نابید اولدی *
جماعت قریش اجابت دعا لرینه شادمان اولوب بوباید اذن ربانی صدورنی
اذعان ایلدیلر * همان یکسر امر تعمیر و ترصینه برزده استین اولدیلر *
استدارکن رکین ماده اولان مصارف اداره سینه استدار و بطریق التوزیع
ینلرنده مبالغه بی شمار جمع ایلد کد نصکره * جلد دن مقدم اشرا فندن

ابو وهب عمرو بن عائد که خال پدر نبی ذی الحامد در قیام و مصلحت هدمه
اقدام بر طاش قویاردی * همان لندن صحرا یوب بنه محله و ارمقه
یا معشر قریش مصارف بنای چون جمع اولیان ماله حرام ادخال ایلمکز
دیوندا ایتمکله * بود فعه وجه حلالدن اکتساب ایلمد کیری مالی احضار
ایلمد یلم * اما این عائد که وقعه سی مشهور دلی اولمغه * شاید ممکن اولمیه
یا خود بر بلتیه نازل اوله دیوهر کس متردد اولوب هدمه بر کسه دن جسارت
ظهور ایتمدی * آخر ولید بن مغیره ای جماعت قریش * سزا اصلاح
اراده سنده سز حضرت حق سبحانه و تعالی مصلحینی هلاک ایلمد یوب *
همان بی پروا دیوار اوزره جیقوب کلنل ایله رکین طرفندن هدمه
مباشرت ایلمدی * قریش بر کون دخی صبرایدوب * ولید لشوائب
نوابدن مصون اولدیغنی کور یجیل * جمله می هدمه شروع ایلیوب
حضرت ابراهیم علیه السلام وضع ایلمدی کی اساسه وارنجه هدم ایلمد یلم *
اول اساسن طاشری زمرد کی یشل و براق اولوب * هر بری دوه اوربکی
مقدارنده ایدی * بریسی ایکی طاش یشته کلنل ادخال ایدوب تحریک
ایلمد کده * مکه نل جمیع بیوتی متزلزل اولوب و تحت جبردن بر شعله باصره
زبارق و لمان ایتمکله * ایلمدی وارمغه هر اسان اولوب * اول اساس اوزره
بنایه بشلد یلم * این عائد رأیله ارکان اربعه بی بینلرنده بوجه اوزره اقسام
ایلمد یلم که * یکسر الحاء حجر ایله بفتح الحاء حجر اسود میانه سی * که *
قبو طرفیدر * بنو عبد مناف و بنو زهره به حصه اولوب * ورکن بمایندن
رکن حجر اسود قدر بنو مخزوم ایله قریشدن بر قاج قبیله به * و یکسر الحاء
حجر ایلمد رکن بمائی مابینی که ظمهر کعبه در * بنو سحیح ایلمد بنو سحیح * و میران
طرفی بنو عبد الدار و بنو اسد و بنو عدی عمده سنه احواله اولندی * فائده *
رکن بمائی بی مقدمه اهل بمندن غلام سعید بن العاص با قوم قبیطی نام معمار
بنایتمکله * بمائی ایله تسمیه اولندی * تکلمه بنا * اتفاقا تندر که ولایت
حیده بین النصاری بر معتبر کلیسا اولوب * مقدمه اهل فرس اتی احراق
ایتمشیدی * تعمیر ایچون قبضه روم طرفندن مقدار وافر آهن و رخام
و کراست و سایر مهمانله مشحون بر قلیون تسمیر اولوب * سواحل مکه دن
شعبیه نام محله شکست اولمغه * ولید بن مغیره بر قاج نفر قرشی ایلمد
واروب انده اولان کراسته بی اشترا * و قبضه طرفندن تعیین اولنان با قوم نام
رومی * که * صنعت دروگری و بناده بکانه روز کار * و مسلم جمله بخار
و معمار ایدی * اتی دخی برابر کنورد یلم * ذکر اولنان با قوم قبیطی ایلمد بالمعنه

امر بنایه مباشرت ایلمد یلم * بری ساچدن و بری سنک خارادن ایکی استوانه
اوزره سقف معلا خانه بیت الحرام وضع اولوب * طقوز ذراع دخی ارتفاع
و برلکین قامت موزون اندام بیت الحرام * جمعا اون سکر ذراع باله
اولمدر * و عتبه عایه به دخی طرق سیل ملا حظه سنه مینی بر قاج قدمه
ارتفاع و برلدی * اول اثاده مؤنت بنایه قلت و مضایقه طاری اولمغه *
حجر اسود بی کعبه دن طشره جیه یارب لکن داخل کعبه اولدیغنی اشعار
ایچون اوزرینه بر دیوار قصیر طرح ایلمد یلم * چون بنیان عقیدت اهل
سنت کی وفق المرام قرین تشید و استحکام اولدی * کند یلمه عنوان منشور
افتخار اولتی ایچون * هر قیله حجر اسودی محانه وضع ایلمد شرفتی احرازه
ادعای استحقاق ایدوب * کند کجه محاوره لسان مشاجره سیف و سنان
مبدل اولمغه یوز طوطی * حتی بر دلان قیائلدن بنو عبد الدار و بنو عدی
بویاده فدای جان ایتمک اوزره عین ایدوب * و میانه ده صورینه فان روان
اوله جفته اشارت اولتی ایچون الارین بر طشت بر خونه ادخال ایتمد یلم *
اول طائفه لعه الدم ایله تلقیب اولندی * القصه بش کون بینلرنده بوجه
اوزره اسباب اختلاف داترا اولوب * انجام کار مسجد حرامده جمیت
و بو خصوصده آهنگ مشورت ایلمد یلم * ابوامیه حذیفه بن مغیره که
قریشک کرک بارانیده و کرم و سر دکشیده لرندن اولدیغندن بشقه *
بین العرب جوانمردلکه نامدار بر ذات سماحت دثار * اولوب حتی
بولندیغنی قافله خلقنک بنون زاد و ذخیره سی کند و سنه منحصر اولمغه *
زاد الرکب ایلمد ملقب اولمشیدی انل ارشاد یلمه بورای اوزره قرار و برلدی که
صبحدم جمله دن مقدم باب شیه دن که حالا باب السلام عنوانله معروفدر
هر کیم داخل اولور رایسه بو خصوصده حکم اولوب جمله می انل حکمنه
راضی اوله لر * اول وقتده باب مر قومدن حضرت نبی مکرم داخل حرم
محرّم اولمغه * هذا محمد الامین رضی الله عنه دیوب جمله می رایسه امتثال
کوستور د یلم * محبیه زکبه لری ممارات و مداراتدن پاکیزه تراولدیغنی
آرموده که تر ممتراولمغه * مقدمه دخی بعض عقد اشکالک اختلاقی *
ناخن حکم حکمت اشتغال لرینه تفویض ایدرلر ایدی * صورت حال
منه کس ایینه بال صفوت اتصال لری اولدقده * برردا کنوردوب ید مؤید لر یلم
حجر اسودی اورنه سنه وضع یوزد یلم * و اشارت لری اوزره دزت قیله نل
منه یلرندن * عتبه بن ربیع و زمعه و ابو حذیفه بن مغیره و قیس بن عدی
اول ردانل دزت گوشه سنه با شوب کورتد یلم * مقرینه قریب اولیغنی

حضرت علیه السلام ردادن دست مکرملریله الوب محله وضع بیوردیلر
 فسبحان الله تعالی بومنت عظمی وموهبت کبری * اشراف قریشدن
 مصروف وجانب جلیل المنقاب همایونلرته معطوف بیوردی * امین
 شیطانل دین حسدی غلبان یتکله شیخ نجدی صورته مثل ایدوب *
 اشراف قریشی تسمیه وتحصیق ایدرله * الحب که بودر کاردوی الاعتبار
 بر ماده بسیره ده عاجز قالوب * بر طفل خردسال پریشان حالی حکم تعیین
 وانل رأیه تسهیل وتموین ایلیر * البته لات وعزاسری تفریق وجدا
 ایلیر * جکدر * دیوطن وتشفیع ایتمکله * از قالدیکه بینلرنده حرب و قتال
 رونما اوله * سماع صوت * ورویت ضیا * سن شریف تیوی او توییدی به
 بالغ اولنجه درجه کله یعنی اربعینه تقریرلری اولغله انا قانا علامات نبوت لایح
 اولغله بشلیوب * از جمله بعض تنها اولدقلری حینده مرادفات غیبیه دن
 یا محمد یا محمد دیوند از استماع ایتمکله * زوجه بیجیه لری حضرت خدیجه
 رضی الله عنهما به * یا خدیجه بعض خلوتده غایب دن یا محمد یا محمد دیوند از
 استماع اید یورم * علی روایه نور مشاهده ویکونه صوت استماع اید یورم *
 لکن صف زده حرم اولان صغردن اصوات شیاطین اولق طنبله * خاطره
 که انت مورت دغدغه و خداشت اولیور بیوردنجه * حضرت خدیجه دخی
 رأسمانی که انت اولان ادای امانت و صلاه رحم و صدق متعال مثلاً
 خصال علیه لرب * تعداد ایلر تسلیم و دفع حلمان ذاب سعادت ایدر ایدی
 ابن مسعود رضی الله عنه روایتی اوزره مکرمه ده اوج سنه مدت صدای
 غیبی ایشیدوب * ونورمه ساینه ایدرلر ایدی لکن حقیقی معلوم شریفلری
 اولما مشیدی * مهمه * حضرت رسول الله ص ماده مزبوره بی طرف دیگره
 جل ایلر حضرت خدیجه به عرض واستکشاف بیورملری * جز ما و ظنا
 بلکه شکا اولیوب انجی * ولکن لیمطش قلبی * و تیره سی اوزره بالا مرتبه
 یقین واطمینان تحصیلنه مبنی اولدیفی مستغن عن الیساندر * زیرامولد
 سعادت نلرندن مقدم * وحین ولادت نلرنده واقع اولان خوارق عادات بالذات
 مسعود معالی ایا تلی اولوب * خصوصاً تطلیل صحاب و ملک و اختلال
 و میلان شجر و بشیر و غیر امثال و احصایات و علامات مشهوده لری اولغله
 حقایق ذات شریفلری وجدان منیه لرنده مستقر و ثبت اولماشیدی *
 روایه قبل المیم نصف سنه * و فیه شق الصدر مع نبوة *
 روایه قولی مبتدادر ضمیر رسول اکرمه راجعدر * قبل المیم کلمه سی کائنه
 کله سبله که خبر بخند و قدر منصوبدر * روایه کائنه قبل اخر الاربین

من المواله الشریف تقدیر نلرنده در * نصف سنه قولی قبل دن بدل بعض
 من الكل ترکیبی اوزره بدلددر * مهمه نخویه * معلوم اوله که اسماء عدد ایلر
 کاه اولور که جمله معدود داراده اولنور * اگر مت اربعین رجلا و عشت اربعین
 عامای کبی * و بهضامعدود مر تب دن جزء اخیر مراد اولور * ولد زید لاربین
 من الهجرة کبی * یوکاید * ثبت اولنسان جمیع اسماء عدد درده معنای ثانی
 مقصوددر * زیرا انات زمان عمر نبویدن موقع اولیات وقایع اولانی
 بیان ایچون وضع اولندی * و ذکر اولنان قاعده عشریندن تسعینه وارنجه
 اسماء عقودده کذلک مائه والقه جاریدر * اما عشره اسم جمله اولغله انده
 ممتشی دکلدر * عشره دن جزء اخیر عشر ایلر معبردر * کذلک اثیندن
 تسعه وارنجه کرک منقردا و کرک عقودک بریلر * کجا اولسون عشر کبی در *
 که اسم جمله در جزء اخیر لرنده ثانی و ثالث و ثانی عشر و ثالث عشر ایلر تعبیر
 اولنور * و هلم جزا و اشبو قبلت طول وقصر زمانی محتمل اولدیفندن ناشی
 مقدار امیم اولغله تعیینی ایچون نصف سنه ابدال اولندی * پس نصف سنه
 قولی جزئی من الكلی در جزء من الكل دکلدر * و جل هنگامه و جلدن
 مقدم و مؤخره محتمل اولدیفیچون وضعا دخی مبهم در * لکن جل هنگامی
 و جلدن مقدمه احتمالی ایکی جهته باطلدر * برامقصود میانه ولادت
 و وفات محمدیده واقع اولان حوادثی بیانه مختصردر * وجه ثانی اول ایکی
 هنگامه روایا متصوردر * اما قبل الحمل روح نبوی هر تقدیر
 موجود ایلیر ده روح بدنه تعلقندن مقدم روایا حالته عادت الهی جاری
 اولما مشدر * و زمان حمله دخی والله اخر حکم من بطون امهاتکم
 لا تعلمون شیتانص مبینی اوزره * نور علم و عرفان بر توافر و زده ماغ انسان
 اولما مقله * فرع العلم اولان روایا متصور اولمز بر محله مقرر در که * انسانل
 عالم منامده مشاهده ایلدیکی صورت سابقا معلومنک عینی یا نظیری
 یا اجزائی اولور * پس شق ثالث که بعدا حمل در متعین اولدی * لکن بودخی
 مبهم در زبرانه و قنده حادث اولدیفی متعین دکلدر * و اخر حالت روایا اخر سال
 اربعینه منطبق اولق مراددر * زیرا مقدار حالت روایا نصف سنه ایلر مبین
 اوقله امتداد زمانی مبدأ و منتهی ایلر محدود و معین در * واحد همانل
 تعیینله آخر متعین اولور * ما نحن فیه منتهی ذکر اولنان انطباقله متعین
 اوقله مبدأ جهت ده تعین کلددر * اگر انطباقل آخر جزء سال اربعیندن
 اولان جزو دیگره تماس و انطباق مقصود اولسه * تبیین و تعیینی جهتی
 مسکوت قالوب البته بیان اولنور ایدی * ما حصل مدت روایا فرقنی سنه دن

نصف ثانی اولدیغی مقرر اولمشدر * و مؤلف کتاب الهدی دخی کانت الرؤیا
 ستة اشهر عبارتیه مدت رؤیا نیک نصف سنه اولدیغی تقریر ایلدی * خصوصاً
 ان الرؤیا جزء من سنة واربعة جزء من النبوة * حدیث شریفندن بالاشارة
 ایام وحی منام الی ای تمام اولدیغی استدلال اولنور * زیرا مدت نبوت
 سید الانام علیه الصلوة والسلام جمعاً بکرمی اوج سنه اولغله * التیشرا به
 تقسیم اولندقدن فرق الی جزا اولوب بر جزا ایام وحی منام اولان الی ای اولور
 مدت رسالتی بکرمی سنه اولغله من الرسالة عنوانیه تعبیریوراندی *
 محشی بیضاوی سعدی چایی مرحومک تفسیر فاتحه خلانده * سورة
 فاتحه الیه سورة ناسدن هریری بکرمی اوج حرفی مشتمل اولماری * مدت
 نبوته اشارتدردن یحیی بر لری مقصوده مناسب و مرای مؤیددر * رحمه الله
 تعالی * و فیه قولی و فی اخر المیم تقدیرنده مقدم خبردر * شق الصدر مؤخر
 مبتدادر مع نبوة مع وحی نبوة تقدیرنده خالد * حال کون الشق مع وحی
 نبوة قوه سنه در * فائده * رؤیا شول مثالدر در که انلری رانی قلیندن نوم
 افتی استیلا ایتمین بر جزا الیه مشاهده ایدر * اجزای قلبیه اوزرینه استیلا
 آفت نوم قلیل اولدیقه رؤیا مضاف اولور * بعده هذا بیت مر قوم ایکی لایحه بی
 مشتملدر * وحی منام * شق رابع * وحی منام * سرور انام علیه انمی السلام
 حضرت تلی * سعادتله اربعیننه واصل اولدقدن الی ماه مدت عالم رؤیاده
 مظهر تشریف وحی رب العزت اولدیله * صحیح بخاریده مثبت در که خرقه عالم
 صلی الله علیه وسلم حضرت تلی نیک * ابتدای وحیلری نومده رؤیای صادقه
 اولوب مشاهده یوردقلری رؤیا * عالم طاهرده روشنائی صبح اساهویدا
 اولورایدی * شق رابع * کذلک تقرقنی سنه نیک آخرنده بقظه حالنده
 جبرائیل و میکائیل علیهما السلام مباشر تلیله * سینته پرسکینه تی بالحق
 منشی اولوب * عقبنده جبریل امین اقرأ امر مبینله وحی کنوردیلر *
 باقرأ وجبریل بوخی قدقر * الی مع بدله اسرافیل قر *

اولمشدر * وجبریل مبتدادر قدقر حله سی خبردر * بوخی کلمه سی ضمیرندن
 خالد * الی مع الی نهاية السنة الثالثة والاربعین تقدیرنده در * بدله
 کلمه سی ظرفیتله منصوبدر عاملی مؤخر قر فعلیدر ضمیر جبریله راجعدر *
 اسرافیل کلمه سی اتران ایچون موصولاً قرأت اولنور * قر کلمه سی قراردن
 ماضی در ثبات معناسنه در * بویتنده اوج لایحه مندر جدر * بدله وحی *
 فتور جبریل * نزول اسرافیل * بدله وحی * آنفاذ کرا اولندیغی اوزره قرقنی
 سنه نیک نصف ثانیسنده وحی منام ظمور ایلمکه بشلیوب * اول اثناده خاطر
 فاخر لری وحدته مبال اولغله * کفایت مقداری زاد و زواده ایله غار حرایه
 تشریف ایدوب * تنهادرگاه واحدیه حنایه عبادت ایدر لرایدی * مهمه *
 خرقه عالم صلی الله علیه وسلم حضرت تلی نیک قبل البعثة عبادت تلی خصوصنده
 اختلاف علما واقع اولمشدر * بعضلری عبادت علیه لری تفکر مصنوعات
 الهیه ایددی * وبعضلر تکرایدی دیدیلر وده ضلع عندنده شریعت موسی
 علیه السلامدن شرعزده منسوخ اولیان اعماله متفلسف * وبعضلره کوره
 شریعت ابراهیم علیه السلامه متمسک ایددی * وبعض علما مطلقاً صحیحی
 ثابت اولان شریاع سالفه اوزره عبادت تلی نه ذاهب اولدیله * قته *
 ما حصل استصحاب ایلدکاری ذخیره به نقاد کلجه غار من یورده طاعت
 و عبادته اشتغال یورور لرایدی * اول اثناده حضرت جبریل باقرمان جلیل
 نزول ایدوب تبلیغ نبوت ایلدی * یوم من یورا کتر عمل نیک نصحه یحاری
 اوزره ماه ربیع الاول سکزنجی اثنین کونی اولوب کیجه سی اولدیغی دخی
 مرویدر * ولادت باسعادت تلی دخی ماه ربیع الاولده اولغله رأس اربعینده
 مبعوث اولدقلری روایتی قول مر قومی مؤیددر * قالدیکه شهر رمضان
 الذی انزل فیه القرآن کریمه سنه دفعه سماء دنیاده کائن بیت العزیه نزولنه
 محمولدر * مرویدر که حضرت جبریل حضور سید نبیلده متمسک اولوب *
 سینته بی کینه لرین وجه مسطور اوزره شق ایلد کدنصکره * اقرأ یا محمد دیوب
 حضرت نبی دخی ما ابایقاری یورینجی * جبریل امین اول حبیب
 رب العالمینی اغوشنه بصوب بروجه صقیدیلر که * بیان حال صد دنده حتی
 بلغ منی الجهد یوردیلر * اوج دفعه بومعامله دنصکره حضرت امین وحی
 سبحانی * اول دانای بی مدانی به کشاینده یرلیغ صمدانی اولوب *
 اقرأ باسم ربک الذی خلق الانسان من علق * اقرأ وربک الا کرم الذی
 علم بالقلم * علم الانسان ما لم یعلم کریمه سنی صحیفه حافظه لرینه ثبت ایلدیله
 نکته * آیات مر قومه ایجاد و امدادنه منلری متضمن اولغله * معارفی مشتمل

اولد یغندن مضمون شریفی نیوتدر * لکن سورة مدثر امر و نهی مشعل
اولفله انل مضمون منینی رسالتدر * تکمله * بعده حضرت جبریل اسمانه
عروج ایدوب نخر عالم صلی الله علیه وسلم حضرت تری * تأثیر مهبات وحی
ایله لرزان و هراسان خانه خدیجه به کاوب * زملونی زملونی دیه رل یاتد یلر *
خدیجه دخی اوزرنی اورتوب بر مقدار تنفس واستراحتندن صکره * وقعه بی
خدیجه به نقل و بیان ولقد خشیت علی نفسی مقال خیر تعالی له نوعا اظهار
خداش و حلیجان پیوردیلر * حضرت خدیجه مسرور اولوب قطعاً منهل
العذب مشرب بکزنوعاً رضه دن تیره ناله اولسون * خدا حق جناب حق جل
وعلا سنی قطعاً مفتضح و رسوا الیلز * زیر اسن صله رحم و اقرا ی ضیف
ایدوب و غیر ایچون مختل اعیاء متاعب اولورسون * راست زبان و یار و یاور
بیدرمان سن دیوتسلیم ایلد کد نصکره * قلب شریف یارینه کمال اطمینان
حاصل اولق ایچون حضرت فی آلوب ورقه بن نوفله کلد یلر * ورقه خدیجه نل
عم زاده سی اولوب زمان جاهلیتده تصبر و انجیلی عبرتندن عربی به ترجمه
ایتمشیدی * و اول اثناده بغایت پیر و نابینا اولمشیدی * سرور عالم صلی الله
علیه وسلم حضرت تری اشارت خدیجه ایله وقعه بی ورقه به نقل و افاده
پیور یحیی مرده سکا با محمد اول سکا نازل اولان حضرت موسایه نازل *
ناموس اکبردر * بی شبهه سن پیغمبر اخر زمان سن * کاشکی جوان اولوب
اعلان دعوت کز وقتی ادراک ایدیم و اول غدار قومل سنی تکذیب ایدوب
مکه دن اخراج ایلد کتری هنکامده * راه معاوتنده اجرای سربازی بلکه
سرف نقدینه حیات مجازی ایدیم دیوتنما ایلد کده * خاطر نبی دیشان
کرچه کسب اطمینان ایدوب * لکن مکه دن اخراج اولمق خبری نوعاً
درون خیر اندیشلرک تخدیش ایلکین * قوم بنی مکه دن اخراج ایدر لر
پیور مغله * ورقه دخی بلی سنی اخراج ایدر لر * برکسنه به منصب نبوت
احسان اولندی الا که قومندن اکاد شمنظر ظاهر اولوب اول نبی اکر می هدف
تیر جور و ستم ایتیه لر * اکر اظمهار رسالتک ایامنی ادراک ایدر سم سکا کمال
معاونت ایدرم دیدی * چوق زمان یکمدین ورقه نل ورق حیاتی خزا
ندیده اولوب * کاشنمیرای زند کاندن دامن چیده اولدی * ورقه رسالتدن
مقدم وفات ایتکاه مسلم اولوب لکن مؤمنان ایلدی * انل حقنده
حضرت رسول الله لقد رأیت قسافی الجنة و علیه ثياب الحریر پیوردیلر *
قس نسیم قافله رئیس نصارادر * فتور جبریل * و نزول امیر اقبال * تقیم دائرة
شوق روداد * و تکمیل حوصله تحمل واستعداد * حکمته مبنی اوج سنه

مدت جبریل امین نازل اولوب وحی الهی منفصل اولدی لکن انل بدله
امیر اقبال علیه السلام نازل اولوب * عن ظهر الغیب شینا بدشی تعلیم ایدر
ایدی * بر روایتده بعلمه الکلمه والشی وارد اولمغه انسان العیون صاحبی
تعلیم اولسان نه اولدیغنه واقف اولدم دیوانطهار اشکال ایلدی * کله دن
مراد اقوال و شیندن مراد افعال اولمق غالب احتمالدر *
وفیه جابریل بالمدثر * رساله و دام کل العمر *
وفیه قوی و فی اخر عام مج تقدیرنده در * جا کله سی اتران ایچون مقصوددر
مدثر سورة مخصوصه اسمیدر * رساله حال کون مضمون تلك السورة رساله
سیکننده در * دام کل العمر دام کل الباقی من العمر تقدیرنده در * العمر
کله سینده حرف تعریف مضایف الیه دن عوضدر کل عمره المکرم دیکدر
مضمون بیت بودر که ولادت با سعادتک فرق اوچنی سنه سی او اخرنده
حضرت رسول الله * بر کون کیدر کن طرف اسماندن براوا زایشه دوب نظر
ایلد کده کوردیکه * جیل خراده نازل اولان ملک زمین و آسمان بیتنده
قعودا یلن * اندامنه لرزه دوشوب شهابله خانه خدیجه به کاوب یاتد یلر
خدیجه اوزرنی و افریابله اورتدی اول حالده جبریل امین * بالیم المدثر قم
فاندر و ربک فیکبر و ثیابک فظهر و الرجز فاهجر * کریمه سبله که مضمون شریفی
رسالتدر نازل اولوب * بقیه عمر عن برتری که بکرمی سنه در وحی الهی
متابع اولوب من بعد منقطع اولدی * مهمه * معلوم اوله که خازن کنجینه
احکام دین جبریل امین علیه السلام * سرور عالم مفخر نوع بنی آدم
صلی الله علیه وسلم حضرت تری نه * بکرمی درت بیل دفعه نازل اولوب * آدم
صنی الله حضرت تری نه اون ایکی * و ادريس نبی به درت * ونوح نبی الله الی
و ابراهیم خلیل الله قرق ایکی * و موسی کلیم الله در تیز * و عیسی
روح الله حال صغرنده اوج * و زمان کبرنده یدی دفعه نازل اولمدر *
علیهم الصلوة والسلام * بین تفاوت ره از یکجاست نابکجا *
موت ورقه کذا و فی مد * اظمهار دعوة لکل مهتد *
کذا قولی فی السنة الثالثة والاربعین سیکننده در * وفی مد مقدم خبردر
مد کله سی با ایله مشبعه در * مهتدی طالب الهدایه بلسان القطرة دیکدر
بیت مرفوم ایکی لایحه بی متضعدر * موت ورقه اعلان دعوت موت ورقه
کلار شیزر اولدیغی اوزره ورقه بن نوفل زمان بعثت محمدی به ادراکی از دل
و جان متنی اولوب * لکن زمان منتظر حلولندن مقدم که ولادت علیه نل
قرق اوچنی سنه سیدر و روح روانی برج بدندن طیران ایلدی * اظمهار

دعوت * داعی راه جنت علیه اجل التوبة حضرت تری * ابتدای حالده امر
نبوتلین پنهان ایدوب * ولادتک فرق دردنی سالنده فاصدع بماتامر
کریمه سی که * تکلم بالحق جهارا وافر قین الحق والباطل ایله مفسر در
نازل اولقله * حسب الامر مجامع و منازل فریسه واروب * بالیه الناس
ان الله یامرکم ان تعبدوه ولا تشرکوا به شیئا مدعائیه کراهان بغی وضلالی
طریق مستقیمه دعوتیه بشلدیلر * بتلره وبت پرستلره سب و دشنام ایلدیکه کفار
کند یلرندن مباعدت وازار وازیت ایتمیوب * تا که انکم و ماتعبدون
من دون الله حصص جهنم انتم لهما واردون کریمه سی مصداقی * اصنامی
وعبدوا اصنامی قدح و تعبییه مبادرت بیوردقلرنده * اسلامله معصوم
اوللردن ماعدا بالجله کفار * طرف نبوی به عداوت انطهارایلدیلر *
ابولمیدن ماعدابنوهاشم و بنوعبدالمطلب خصوصاً ابوطالب اول حضرتنک
حمایلرنده اهتمام اوزره اولقله * کرجه دست تعرض اشرا مشرکیندن امین
ایدی * لکن فرصت بولدجه لسانلرله ازار و خصوصاً اهل اسلامه تعذیب
واضراردن خالی اولمزرایدی * حتی چند دفعه بنوعبدالمطلب ایله میانلرنده
مشاجره عظیمه واقع اولمشدر * منقولدر که برکون متعینان قریش ابوطالب
خانه سنه کلوب یا اباطالب قرن دائل اوغلی محمد بزم اصنام مزه سب و دشنام
ایدوب بزنی و اباواجداد مزی دوزخه لایق کورمکله * انی بزه تسلیم ایده
سن تا که قتل ایدوب آلهه مزمه نصرت ایتمش اوللم * اشته عماره بن ولیدی
انک برینه آلوب بتنی ایله دید کارنده * ابوطالب انلاری تسفیه ایدوب ارایتم
نافه تحن الی غیرفصلتها مقالیه روی ملتعلرینه سددریحه قبول ایلدی *
بعده اشبوا بیاتله معنای حمایتک تا کیده اشارت و خاطر عاطر نبوی بی
تسلیمت ایلدی * وهی هذا *

والله ان یصلوا الیک یجمعهم * حتی اوسد فی التراب رهینا
فاصدع بامرک ما علیک غضاضة * وابشر وقربذا لمنک عبونا
ودعوتی وزعت انک ناصی * ولقد صدقت وکنت ثم امینا
لولا الملامة او حذاری سببه * لوجدنی سمحاً بذلضمینا
وعرضت دینا لالمحالة انه * من خیر ادیان البریه دینا
غضاضة ذلت ومنتقصت معنایه در * زعت قلت معنایه در * قرکله سی
قره دن امر در * قره فی الاصل کوزبارد اولمق معنایه در * بعده لازمی
اولان سرورده استعمال اولندی * زیراحالت سرورده کوزیاشی برودنه
کوره پس قر بذالعبونا سروراول دیمک اولور *

* وفی مہ ولادة عائشة * والهجرة الاولى الی الحبشة *
وفی مہ مقدم خبردر * ولادة عائشة مؤخر متدادر * والهجرة الاولى
معطوفدر * یویت ایکی لایحه فی محموددر * ولادت عائشه * هجرت
الی الحبشة * ولادت عائشه رضی الله عنهما ولادت باسعاد تک فرق بشنی
سنه سنده حضرت عائشه بنت ابی بکر الصدیق رضی الله عنهما وعن ابیها
که واره وجوده پیرایه پخش اولدی * هجرت الی الحبشة * مرسوم خامه
بدیع البیان اولدیغی اوزره * حضرت پیغمبر ذیشان امر نبوی اعلان ایلدوب
اصلا قریش طرفندن صورت انکار کستوریلدی * وقتاً که اصناملر فی
قدح وازدرایور یحقی ازیته اغاز ایدوب کمدیکه طرف مسلمینه جور و ستاری
مزداد و مستند اولدی * حتی بعضلری اسلامنی سترا ایدوب باقی اهل اسلامکه
اون بر مرد و بش زن ایدی * رخصت سیدالارایله سنه من بوره رجینده
نهایی مبانه قریشدن حیقه ووب دیار حبشه به کافت هجرتی اختیار ایلدیلر *
* وعود من هاجر للتلاوة * ثم اتوا بهجرة ثانية *
وعود رفعله والهجرة اوزرینه معطوفدر * وفی مہ عود من هاجر دیمکدر *
عود رجوع معنایه در من هاجر صله و موصول مضاف الیه در * اتوا
جمع غائب ماضی در ضمیر فاعل لفظ عام اولان من کله سنه راجعدر *
یویننده ایکی لایحه مندر جدر * عود من هاجرین * ثانیه مهاجرت * عود
من هاجرین * چون دستور سیدالانامله ذکر اولانان اصحاب کرام حبشه به
هجرت * واثمة النجاشی به النجاشیله اساس و استراحت ایلدیلر * اول
هنگامده سورة کریمه و النجم انا هو نازل اولوب * امام محراب دین علیه
الصلوة فی کل حین حضرت تری * مجمع قریشه نماز ایجره اول سوریه
تلاوت بیورمهله * افرایم اللات والعزی ومنات الثالثة الاخری آتی زبان
مجهز بیانلرینه جاری اولیجی * شعبده باز مکر و تبلیس امین ابلیس القاسبله
تلك الغرائق العلی وان * شفاعتھن اترنجی
قره سی لسان شریفلرینه سبقت ایتمکله * منتظم سلاک ایات اولمق زعمیه کفار
قریش فرحناک اولوب * آخر سورده حضرت علیه السلام سجده ایدیمک
کروه سر بهوای شقاوت دخی صملرینه خضوع بیوردیلر ظنیه بالجله
سجده ده افتدایلدیلر * اول مجلسده چون حضرت محمد بزم آلهه مزی
مدح و ذم عظیم ایلدی * بعدالبوم زدن کنده سنه تعرض ایتمه لم دیو عهد
ایلدیلر * حضرت نبی کامل یوم معامله دن غافل * سعادتخانه لرینه تشریف
بیوردقلرنده جبریل امین نازل اولوب * کیفیت حالدن اگاه ایدیمک بغایت

نمکین اولدی * فی الحال تسلیت بال والقای شیطانی بی ابطال ضمتده *
 وما ارسلنا من قبلك من رسول ولا نبی الا اذا غنی الی الشیطان فی امنیته
 فیمنح الله ما یلقی الشیطان ثم یحکم الله آياته والله علیم حکیم * کریمه سبله
 نازل اولدی * قوله تعالی الا اذا غنی ای قرأ فی امنیته ای فی تلاوته ما لیس
 من القرآن * وفی البخاری الا اذا غنی ای حدث وفی امنیته ای فی حدیثه *
 فیمنح ای یعطی ثم یحکم ای یتبعه باو الله علیم بالقضاء الشیطان ماذ کر حکیم
 فی تمکینه من ذلك الفعل ما یشاء لیمیزه الثابت علی الایمان عن المترزل فیه
 فقره من یورده غرائق غرقه فیکدر ضم غین مجیه وسکون رای مهمله
 وفتح نوله * یا خود غرقه فیکدر سکون پای تحتانیله مرغاب نوعندن
 نور کیده قوغودید کاری قوشدر * ویاض ونازل جوانه ده دیور * وجه
 شبه ایض اولوب یا خود محل رفعه منسوب اولدی یغی وندر * تمه * حقیقت
 حال قریش بر ضلالت معلوملری اولیجی * تکرار ستمکاراغه ایتدار
 ایدوب وسعاری مرتبه جفا واضرارده اصرار ایلدی * معامله سابقه
 حبشه ده مهاجرینک مسعودلری اولیجی حضرت سیدالابرار ایلد مشرکین
 بد کردار * مصالحه ایتشردیومکه به کلوب خلاف ماملرلی ظمور
 ایدیلجی * تکرار اذن نبی مختار ایلد حبشه به رجعتکار اولدی * بودغه
 اولاد صغار دن ما عدا سکا سان اوج رجل واون سکر عورت ایدی * حتی
 جعفر طیار دخی داخل زمرة مهاجرین اولدی *

اسلام حزة مع الفاروق * فی موقوف مزید العقوق *

اسلام حزة مبتدائی موخیریدر * وفی مزه مقدم خبر * مبده مؤخر مبتدادر
 عقوق قطع رحم در * بیت مرقوم اوج لایحه بی مشتملدر * اسلام حزة
 ابن عبدالمطلب * اسلام عمر بن الخطاب * مبده عقوق * اسلام حزة
 ابن عبدالمطلب * کیفیت اسلام حزة سیردیکردن منقول خاصه مترجم
 احقر اولشدر * برکون حضرت مصطفی علیه اصفی الخایا * صفاده او تور
 کن فرعون امت محمدی اولان ابوجهمل دیدکری ماعون ایدی * اول
 محلدن کجوب طرف سیدالورایه انواع از اوج فایه اجتر ایلدی * مفخر ملک
 و ماکوت حضرت تری مقابله بالسکوت یوردیلر * ابوجهمل کند کد نصکره
 حضرت حزة شکار دن کلوب خانه منه وارمزدن مقدم عادتی اوزره
 طرافه کتدی * مکر مقدا ابوجهملک بووضع جهمولانه سنی عبدالله
 ابن جدعانک بر جاریه سی کورمش ایدی * طوافده حضرت حزة بی بعض
 عین انکیر کلامه کلام ایدیلر * نوح ایدوب همان مجمع ایدیلر

توجه ایلدی * واروب ابوجهملک کریانک بنجه رستقانه ایلد طنوب بنم برادر
 زاده سی اوزده ایدن سن ملعون سی دیو * اولقدر ضرب ایلدی که کافرن
 استخوانلری حزد اولدی * بو حالده وجوه قریش تخلیص مراد ایلد کارنده
 ابوجهمل فریاد ایدوب مدد مانع اولسکر حزه مرادی اوزره بی دوکمون
 بوخسه بوغضبله واروب مسلمان اولوردیدی * حضرت حزه ایسه شرف
 اسلامه مستعد تام ایدی * ابوجهمله داغ برداغ اولقی ایچون اواز بلند ایلد
 کلمه شهادت کتوروب مسلمان اولدی * ابوجهمله حضرت حزه اسلامه
 اظه سار ایدیلجی * سورت مشرکینه انکسار کلوب * مسلمان ریجیده
 ایتکدن بر مقدار فارغ اولدی * اسلام عمر بن الخطاب * لسان فاروقیدن
 مرویدر که همشیره فاطمه نل اسلامی مسعودی اولیجی * ختم وکیلله
 خانه سنه واروب ایتستد مکه سن مسلمان اولمش سن دیواسانه ایلد ازار
 ایلد کد نصکره * غرق خون اولنجه باشنه چهره منه ضرب ایلدم * فاطمه
 کلام درشت ایلد با بن الخطاب کف اقتدار دن کلان اذا واشکجه بی دریغ
 ایلد که * تحقیق بن دین حنیف محمدی قبول وره بری توفیقله دارالسلام
 اسلامه دخول ایلدم دیدی * اول هنگامه ده نظرم بر صحیفه به دوش
 اولوب الیه الدم اچوب ابتدایج مرفرفان کریم * بسم الله الرحمن الرحیم
 بجلا ی بصرمده جلوه نما اولقله * نوبت تلاوت الرحمن الرحیم * اسم
 شریفلرینه کلد کده درونه رعب ودهشت عارض اولغین * همان صحیفه
 مرقومه بی القای ایلدم * بعده نه آلوب کورد مکه یسبح الله ما فی السموات
 وما فی الارض سورة کریمه سی مسطور در * تلاوت ایدوب آمنوا بالله ورسوله
 کریمه سنه واصل اولیجی همان کلمه شهادت کتوروب مسلمان اولدم *
 اسلامی کوریلجی فاطمه نل زوجی سعد و مقدمه تعلیم قرآن ایچون کلوب
 ورودمده گوشه کیراختفا اولان خنیاب بن ارت گوشه خفادن جیفوب
 اواز بلند ایلد تکبیر ایلدی * ودلا لیلرله مسافله صفاده واقع حضرت علیه
 السلام اولدقلری سعاد خضانه به توجه ایدوب * دق باب ایلدم اذن رسول
 الله ایلد قبولی اچوب نبی ابجرویه الیلر * ایکی کسسه ساعد مدن طنوب
 حضور هما یونه اولنجه ایصال ایلدی * پیشگاه قلل دستگاه عالیرینه
 مثولده * ساعدلری اطلاقله امر یوروب بندخی هزار شرم و حجابله حضور
 شریفلرینه قعود ایلدم * الاریلد مجمع تیسامدن طنوب طرف اشرفلرینه
 جذب ایلد کد نصکره * اسلام با بن الخطاب اللهم اهد قلبه یوردیلر * بندخی
 همان کلمه شهادت کتوروب تجدید اسلام ایلدم * حاضر اولان اهل اسلام

بلند و از ایله تکبیر ایلد یلر * شویله که تکبیر صداسی بتون طرف مکه به
غلغله بخش اولدی * مقدم اصحاب کرام حضرتانی اسلامین خذله قریشدن
کتیم ایدوب * بن شرفیاب اسلام اولد قد نصکره حضور رسیدالانامدن
چیقوب دلال حوادث اولان تب کاران کفاردن برینه اسلامی سویلدم
همان مجمع قریشه صوت اعلا ایله الاین الخطاب قد صیاد یوندا ایتمکله
سفهای قریش کلاب اساورمه غلو و هجوم ایدوب بر برلر منزله و اخر زمان
مشاجره و مضاربه ایلدک * عاقبت خالم کلوب بعدالاستفسار بنی بیلد کده
برطاش اوزره چیقوب الای قدا جرت ابن اختی نداسیله احتما ایلدیکنی
اعلام ایتمکله * غراب اساطاغیلوب کتدی یلر * بعده لوای ملت اسلام
قرین رفعت تام اولنجه قدر یوکونه زدو خورد ایله امر ارایام اولندی *
میده عقوق * ولادتک قرق یدنجی سنه سی محرم الحرامی غره سنده بنو
نوفل و بنو عبد شمس ایله بنو عبد المطلب و هاشم یلنلرنده قطیعه رحم واقع
اولشدر * موقعی بیت ثانی اولغله ذکر اولنور

اذنوفل و عبد شمس عادت * مطلبارها شفافادت

اذنوفل بیت اولده میده العقوق کله سنه متعلق و مضحک بنو نوفل و بنو عبد
شمس و بنی مطلب و بنی هاشم تقدیر ندره در * عادت معاداتدن که عداوتدن
مفاعله در ماضی در اصلی عادت ایدی * و اولک تشریک و ما قبلنک افتتاحی
الفه تقلیه علت اولوب * اجتماع سنا کمنین مخدوری دخی سقوط نه بادی
اولدی * بادت بیوددن ماضی در ملک معناسنه در * ذکر اولان قبائل
اربعه عم زاده لر در جمله سی عبد مناف اولاد لیدر * عبد مناف حضرت
پیغمبره عالی اتصافک او جینی جد لیدر باعث معادات بودر که * چون سابقه
عنایات ربانی و لاحقه ناییدات سبحانیله فرو شوکت دین مبین یومافیوما
افزون * ولوای کفر و ضلالت مشرکین سر نکون اولوب * خصوصاً بنیان
رصین الارکان اسلام دستماری حزه و فاروقله کمال استحکام بولغله *
و مهاجرین حبشه دخی نجاتی طرفندن معزز و مکرم اولدقاری مخازیل
کفارک مسعود علی اولغله * غیظ و حسد لرندن اول بد کیش محال اندیشلر
زعم فاسد لرنجه حاشا * روح عالم اولان وجود رسول اکرمی اعدام ایتمک
سوداسته دوشدی یلر * بوخبر ابو طالبه منعکس اولنجه بنو عبد المطلبی و بنو
هاشمی جمع ایدوب * کتند و سنه مخصوص شعبه کیردی یلر * و جمله سندن اول
قدان نخل نبوتک تدبیر کزنده اهل شفا و تدن صباخی باینده استداد ایلد کده
کیکی غیرت دینیله و کیکی حجت قرابه سببیلر بو خصوصه اتفاق * و بکدل

و تکبیرت اولاق اوزره کتند عهد و میثاق اولدی یلر * بنو نوفل و بنو عبد شمس
قطع رحم ایله تخلف ایدوب * حضرت رسول کریمی کند ولره تسلیم ایتمکله
یلنلرنده مفتوح اولان باب مناکه و مبارزه و مخالطه بی قید تأیید ایله سد
ایلد یلر * و بو موضعی حاوی بر قطعه عهد نامه تمیق و درون که به به تعلیق
ایلد یلر * اول مزخرفنامه نل کاتی منصور بن عکرمه نل دست شمامت
سیوستنه سکنه تعطیل ابریشوب عمل و حرکتدن محروم اولدی * ایکی سنه
علی روایه اوج سنه بو حال اوزره مر ورا یلدی * لاحقه * امر الهی ایله
اول ایامده ارضه که اتاج قوردی دید ککری جانوردر * اول مزخرفنامه به
مسلط اولوب لفظه جلاله دن غیری حروفی قلمتراش دندانیله حن ایلدی
بواشاده هشام بن عمر و العاصری * و زهر بن ابی امیه المخزومی * و مطهم
ابن عدی بن نوفل * و ابوالجتر بن هشام * و زمعه بن اسود اتفاق اتدی یلر که
صیادم اول ورقه بی پاره لیوب سفهای قریشک سدا یلدکاری رعایت
مراهم قرابت بابخی کشاد ایلدیر * علی الصباح مجمع قریشه واروب قطع
رحمک و خامت عاقبتی بیان * و اول عهد نامه نل الفاسنی در میان ایلدی یلر
ابو جهمل ممانعه اصرار ایدرکن ابوطالب مجاسه حاضر اولوب * پیوده
زاع ایلمک کز حضرت محمدیکا خبر و بر دیکه امر الهیله اول صحیفه صحیفه به
ارضه مسلط اولوب امری تمام ایلدی * اگر بوسوزده خلا فی ظهور ایدر سه
بندخی حیاتندن دست کش اولورم دیدی * مجلسدن بریسی قاقوب اول
صحیفه بی کتوردی ابوطالبک نقلنه موافق اولغله * جمله سی شرمسار
اولوب اما ابو جهمل بد کردار عنادنده پایدار اولدی *

وفی مطکان انشقاق القهر * فی الذون موت الم والزوج استقر *

بویتنده اوج لایحه مندر جدر * مجهزة انشقاق قر * موت ابی طالب *
وفات خدیجه الکبری * مجهزة انشقاق قر * ولادت باسعادتک قرق
طه و زنجی سنه سنده طائفة مشرکین بر مهمتاب کیجه ده * حضرت رسول
الامیه با محمد اکرم صبح پیغمبر ایلک اشارت ایله آی ایکی پاره اولسون * اگر
اولور سه سکا ایمان کتوره لم دیو عهد اتدی یلر * صاحب الایات الیشات *
علیه افضل التحیات حضرت ناری * مسجحه بر مغبله اشارت ایلدی * بامره
تعالی همان ای ایکی پاره اولوب بر روایتده بر پاره سی حراطا غنک اوکته و دیگر
پاره سی ارقه سنه نازل اولدی * روایت دیگرده بر پاره سی جبل ابی قیس
اوزرینه و بر پاره سی جبل قعیه هان اوزرینه نزول ایلدی * بو مجهزة باهره
اقرب الساعه و انشئ القهر نس مبینله ثابت اولشدر * و انشئ القهر یعنی

عالم دنیاده منشق اولدی دیکدر * یو خسه یوم قیامتده واقع اوله جق دیکل
دیکدر * وان پروایه برضوا و یقولوا سحر مستر * صکره سی یومده عابه
دایل و اختدر زیر کفار دن روز قیامتده یو کلام صدور ایده جکی مقتضای
عقل دن دوردر * و مجهزه مرقومه احادیث متواتره ایلده ثابت اولشدر *
بعض ملاحده نل اگر خارقه مزبوره واقع اولیدی جمیع اهل اقطار رویت
و معرفتده مشترک اولیق لازم ایدی * دیو جای انکارده ایراد اندکاری
مقال خطیب منبر غفل و کمال خطیبانی علیه الرحمه طرفندن یو وجهله
تراشیده سیف ابطالدر * که مجهزه مزبوره بی نوع انسان دن فرقه مخصوصه
طلب ایدوب و شهنشام اولغله * اولوقنده خلقل کیی نام و کیی بیدار اولوب
و بیدار اولنلرندخی مشغولیت احتمالنن بشقه لحظه سیره ده واقع *
و خصوصاً تفاوت افاق اقتضای افق دیکدرده بولنا نلرده رؤیت امکان
اولماق جائز اولوب * مع هذا افاقی اقطار دن مکیده وارد اولان
مسافرین لیلله مرقومه ده انشاق قری بالمعاینه کوردکار فی اهل مکیده
خبر و بر مشلدر * موت ابی طالب * ولادت با سعادتک الانبی سنده سنده
عم نبی اکرم اولان تفاوت غالب ابوطالب مطالب دنیویه سی نا تمام *
یعنی انقاس معدوده سی رسیده انجام اولدی * وفات خدیجه الکبری *
فوت ابوطالب دن اوج کون مرورنده حلیله جلیله سلطان الانبیاء * خدیجه
الکبرار رضی الله عنها * خرامنده جانب بقا اولدی *

* عائشه و سوده قد نکح * جن عقیب طائف له نحا *

عائشه و سوده کلدلری مفعولیت اوزره منصوبلدر * الف نکح اطلاقیه در
ضمیر فاعل نحر عالمه راجعدر * جن کله سی مده نحا فاعلک فاعلیدر *
مذکور مفسر در تخصیص و تدبیر له مبتدا اولیق دخی ممکندر * نحا کله سی
نخودن ما خود ماضی در قصد معنائیه در * یو بیتده اوج لایحه مندر جدر
نکاح عائشه * و سوده * سفر طائف * و رود جن * نکاح عائشه و سوده *
سنه مزبوره عائشه بنت ابوبکر الصدیق * رضی الله عنها و عن ابیها *
و سوده بنت زمعه رضی الله عنها * مضطرط سلاک امهات مؤمنین اولوب *
لکن حضرت عائشه نل صغر سنلری حبیبله امر زفاف وابسته عقده
تاخیر اولوب * مدینه منوره ده صورت کیر اولدی * سفر طائف * ابوطالب
وفاتد نکره خله قریش میدانی خالی بولغله * طرف رسالتیناهی به
جو روایتی مزداد انکله * ناچار زید بن حارثه ایلده مکه دن حبیبوب
طائف طرفه حزیبت اختیار ایلدیله * اول تاریخده طائفده سفیر نبیله سی

ساکن اولغله حضرت علیه السلام اول قبیله به واروب * اشراق فی اسلامه
دعوت ییوردیلر * اجابت ایلد کاردن بشقه سفهای قومی تحریک و اغرا
ایدوب * طرف رسول الله جور و ازدر ایلدیله * محملدر که کبدلر
ایچیزدن بعضلری مسلمان اوله دیو حضرت نل انده اقامتنه ده راضی اولموب
ناچار * حضرت سیدالابرار کمال حزن و انکسار ایلده طرف مکیده
مراجعتکار اولدیله * اول سفینه بد طینت یومرته ایلده قناعت ایتموب
حاشا ولوله سب و استهزا ایلله * حضرت نل ارقه سنه دوشوب جابجیاقدم
مکرملرین سنکساره اجترای ایلدیله * طاش کلدیکه حضرت علیه السلام
فعود ایدوب اراق بولدیکه قیام و تحریک پای اعترام ییوررلایدی *
مبارک قدملری برقاج برده مجروح اولوب نعل شریفلری شیشه لعلینه
دوغمشیدی * زید حضرت نلری دخی چنه الوقایه اولیق ملا بسه سی باشندن
برقاج برده زخمال اولمشیدی * ما حصل بو حال اوزره اول گروه شقاوتسیردن
نکاره کیر اولوب جانب ام القریبه متوجه اولدیله * مکیده برمر خله مسافه
بطن نخله نام مقامه برتواند از شریف اولوب * اول کیجه انده قرش مجاده
ارام ییوردیلر * حضرت یدشوا ی جماعت انبیاء علیه من الصلوات از کاهای
اول محله تحریمه بند نماز اولوب جهر اسوره جن تلاوته آغاز ییوردیلر *
مکرملادشامدن نصیبین نام بلده جنلرندن یدی نفر جن اول وادیدن کران
ایدرلایدی * اواز تلاوت سیدالابرار گوشکذارلری اولیق بی اختیار
طرف شریفلرینه توجه اتدیله * و حضرت ملاقی اولوب اسلامه مشرف
اولدیله * و اول باسطایادی جسمانی و روحانی طرف بر شرفلرندن زادالتاس
ایتمیلد اسم الله ذکرینه مقارن اولوب و اوزرنده ات بقیه سی اولان ککار
الکره کیرد کده سزه رزق و طعمه و سرکین دواب انسانی * دوابکره علف
اولسون دیو تعین ییوردیلر * مهمه * علامه سیوطی علیه الرحمه لفظ
المرجان فی احکام الحسان نام کتابده صحیح مسلم * و زمره بدین طائفه چنه
اسم الله ذکرینه مقرون اولمیان ککارلر زرق تعین ییورلدیغنی نقل ایتمکله
اصحاب تحقیق میانه روایتی بووجه اوزره توفیق ایلدیله * که اسم الله
ذکرینه مقرون اولان ککار جنک مؤمنلرینه * و منابلی کافرلرینه تعین
اولمشدر * فائده * بعض علما طائفه جنک اکل و شرب و تباکح و تناسل
و موت حالاتدن ازاده اولدقلرینه ذاهب اولوب * و به ضلر مطلق طائفه
مرقومه ایکی جنس اولورلر * برجنسی ریح در که خالص اجنه بونلاردر
قیودات مزبوره دن مجردلدر * و دیگر جنسی انسان کی اکل و شرب

وتما كح وتما سل ايله مقيد لر در * انلار غيلان وسعالي ديد كلر يدر ديد يدر *
 غيلان جمع غول * وسعالي جمع سلا تدر * اخيت اجنه در سيا بانلرده
 تشکل ايدوب * بالکز اولان انسانه استبلا ايدر لر * لکن اصح اقوال اوزره
 جمله سي نوع انساني کي تکلفات مرقومه ايله متقيد لر در * وبعض علما
 طائفة جنگ اکل و شرب لر ين همان استشمامه حصرا ايلدي لر * لکن اکثر علما
 انسان کي مضغ و بلع ايله تساول ايلد کاريني اضا ايلدي لر *

* ومبداء الاسلام للانصارنا * وفي نب خامس شق علنا *

ومبداء الاسلام مبتدادر * واقع في السنة الحادية والخسين خبر يدر * وفي نب
 اي في الثانية والخسين مقدم خبر خامس مؤخر مبتدادر * علنا حال كونه
 بقطة سيکنده در * بيت مزبورده ايكي لايحه مندر جدر * مبداء اسلام
 انصار * خامس شق سينه سيد الا برا * مبداء اسلام انصار * خوانسا لار
 نعم پروردگار * عليه الصلوة الى يوم القرار حضرت لري * هر سته موسم
 حجه افاق واقطار دن وارد اولان قبائله واروب * مائدة بر فائدة اسلامه
 دعوت و نبوت لر ين عرض له تبليغ احكام رب العزت ايدر لر ايدى * ولادت
 با سعادتك التي برنجي سالنده يته اطراف دن قبائل كنيره كاوب مكده
 مجمع اولدي لر * عادت عليه لري اوزره انلاره كند ولر ين عرض ايدر كن عقبه
 قريشده خزر جدن مستعد نور هدايت بر كروهه مصادفت ايدوب *
 بعد الاستفسار كيملر اولد قلري معلوم معالي شعار نبوي اولد قده * بر مقدار
 مكالمه ايچون بر جلسه خطيبه ايتزميسر بيوردي لر * خزر جيان دخی
 اجابت ايدوب او توردي لر * حضرت انلاري طريق حقه دعوت ايدوب
 كند يله اسلام عرض ايلدي * وقران عظيم الشان دن بر مقدار ايات كره
 تلاوت بيوردي * حكمت يزداني وطنلري اولان يثرب زمينده يهود
 طائفه مي اولوب اوس و خزر ج قبيله لر يله بعض منافسه خلا لنده *
 يغمير منتظر كن زمان ظهوري متقرب اولغله * اكا تساءله سزي طعمة
 تسع دمار ايدر زديو اجراي ضغن و كينلر ين وقت مرقوم خلونله تر هينله
 دندان فشار اخذ نار اولور لر ايدى * خزر جيان يغمير مشارالیه بواو ذات
 جليل الشان اولدي قني اذعان ايدوب * بعض يهود مدینه متتابعه برزي
 سبق ايلسونلر ديوانظم اريكر مطاوعت ايتكمكه التي تقرى مسلمان اولدي
 بعده حضرت نبي مطاعه و داع ايدوب ديكر باره شرف ملاقاتي سال
 آينده به تعلیق ايلدي لر * مهمه * لفظ انصار في الاصل جمع ناصر در *
 اول كروه ابرار و السابقون الاولون من المهاجر ين والانصار كرمه سي

موجبته * طرف رب العالمين دن علم اسلامي تعيين بيورلشدر * ومعلوم
 اوله كه اوس و خزر ج قبيله لري جدلري اولان اوس و خزر ج نامان برادر لر
 متقيد لر در * وانلار اينسا حارثة بن ثعابه بن عمرو بن يقيا بن عامر بن ماء
 السماء بن حارثة الغطريف بن امرئ القيس البطريق بن ثعلبة العنقاء
 ابن مازن غسان بن ازد بن غوث بن نبت بن مالك بن زيد بن كهملان
 ابن سبا بن يشجب بن يعرب بن قحطان بن هود عليه السلام در * سبا بن
 يشجب كه ملوك حيردن سد مأربك بانيدي در * ومأرب قرارگاه قبيله ازد
 اولان ناحيه اسيدر * مقدمه اول ناحيه ده عظيم سيل اولور ايدى * ذكر
 اولنان سبا سيل كجك يره صخره و قيرايه برسد متين يابوب * صوبي خارج
 سده قودي * وپوسده اعلا واسفل اوج مشعب وضع انديكه خلق اكا
 محتاج اولد قده انلاردن اخذ ايدوب غرس و زرع له عمارت ايدر لر ايدى *
 و عمرو بن يقيا آخر ملوك مأرب در * علوم غريبه به اشنا اولوب دلالت
 عليه ايله عن قريب الزمان * سد مرقومك منهدم و ويران اوله جفته
 مطلع اولغله * جميع قبائل ازد ايله جلای وطن ايلدي لر * وفاتند نصكره
 اوغلي ثعلبه جانشين اولوب بونل ايامنده بالجله عشا و روقبائلكن خيام
 جمعيتلري پریشان اولغله * شانلرنده تفرقوا ايدى سبا منلى مضرب شايان
 اولد در همدان و دوس قبيله لري عراق طرفنه و جفته بن عامر شام جانبنه
 و سائر قبائل شراة قبلته نقل بارخانه كفت اندي لر * و ثعلبه مو كينده اولان
 خلقله جفته به بعده شامه رحلت ايلدي اولدخی سيراب ذلال زندگاني
 اولد قده نصكره * اوغلي حارثه امير اولدي * اولوقت ملكت شام حكومتكاه
 قيصروم اولوب بر ماده ضمتده قيصر طرفندن استعمار ايتكمكه *
 قومن و اوغلاري اوس و خزر ج الوب يثرب جانبنه عزيمت ايلدي *
 وصولنده حاكم يهود اولان شريف بن كعب ايله معاهده ايدوب اول
 خطه ده ارام ايلدي لر * بعده بر حادثة نا كه ظهور يله ميانلرينه منافرت
 دوشوب * فصل مدعا حكم حسام نافذ القضاءيه حواله اولندي * اول
 معر كه ده قتي وافر يهود قتل اولنوب شيرازة جمعيتلرينه خلل طاري اولغله
 حارثه بالاستقلال خطه يثربده مسنداراي حكومت واجلال اولدي *
 و طائفة يهوده كفایت مقدار محل تعيين و خواه نا خواه انده تمكين ايلدي
 پس از ان * حارثه دخي اقليم بقايه روان * اولد قده نسلاندن * بحملان بن
 عوف بن خزر ج بن حارثه جالس مسند حكومت اولدي * انل زمانده
 يهود طائفه سي اقدام انتقام اوزره قيسام ايدوب اوس و خزر جدن چوق

کسنه لری هلاک ایلدیلر * انلاردخی شعبه تبارلرندن اولوب شام دیارنده
ساکن غسان قبیله سندن دادخواهان اولمیلر * ملک ال جفنه لشکر
بیکرانله کاوب شریف بن کعبی ومقدار وافر یهودی قتل * ومالارین
نهب واولاد و عبداللرین سبی واسیر ایلد کد نصرکه وطنلرینه عودت
ایلدی * بعد زمان بنه طائفه یهود کینه دیرینه لرین اجرایه اقدام ایدوب
مالک بن عجلانی قتل واعدام ایلدیلر * عجلان عجله ایتموب خرم واحب الله
یهودی اغفال ایلدی * ومجدد اعقد رسته مسالمة ایچون یوز نفر یهودی بی
طرفنه جلب وسکساندن زیاده سنی قتل ایدوب بقیه سی فرار ایلدیلر *
قیطون بن شریف واقف حال اولدقه قوه نی استغفار ایله عسکر یشمار
جمع ایدوب * عجلانله محاربه ایلدی * عجلان مغلوب اولغله طی قبیله سندن
استمداد ایدوب یودف سه قیطونک طومار حیاتی طی ایلد کد نصرکه *
قتی وافر یهودی کشته تیغ تبار ایلدیلر * من بعد یهود طائفه سی قعدوا
علی استهم قاعده سی خاله نشین خاری ومذلت اولوب قالدیلر * یوحال
اوزره بر زمان گذران ایدوب کیدرک دودمان اوس وخرزج تکثر شعبایله
خطه یثربه کنجایش مرتبه سندن بیرون اولغله * قبائل غسان مأرای
قدیم لری اولان شام دیارینه ارتحال ایلدیلر * یهود حمله کار یوفر صتی غنیمت
بیایوب همان بنو ملتری اولان طسم وجدیس قبیله لرندن استنصار ایله
خاتمان اوس وخرزجی * تار مار ویا مال شتر ذل و خسار ایلدیلر * تا که مظهر
شرف اسلام اولوب من بعد عز و رفعت جاودانیده بردوام اولدیلر * و یثرب
خطه سی یهود طائفه سندن مقدم مقر عمال بق ایدی * وعمال بق علیق
اولادندن بر قومدر * وعلیق سام بن نوح اولادندن یثرب نام کسنه نسلندن
بر شخص در * خطه مر قومه ده اول من یور یثرب ساکن اولغله اسمیله
همی اولدی * منقولدر که حضرت موسی علیه السلام ملوک حبیره
اوزره سرایا تسیب ایدوب * بر سر به دخی مدینه طرفنه توجیه و قتل عام
ایتمک باینده امر و تنبیه یوردیلر * انلاردخی حسب الامراول خطه سکانتک
مجموعه طعمه شمشیر قهر ایدوب * انجیق بر امیر زاده لری غایت حسن
وصباحه صاحبی اولغله * قتلنه بر فرد اقدام ایتمک قادر اولماغله * اول
طائفه دن فقط امیر زاده مر قوم نجات بولدی * چون اتمام مأموریتله جانب
کلیم الله عودت ایلدیلر * مکر اول خللده جناب کلیم واصل لقای رب
رحیم اولمشیدی * وصولارنده بنی اسرائیل سز عاصی اولدیکر من بعد
سز لری قبول ایتمز دیورد واستقال ایلدیلر * انلاردخی مدینه طرفنه رجعت

ومن بعد آنده اقامت ایلدیلر * بعد زمان روم طائفه سی بنی اسرائیل اوزره
تغلب ایتمکله بنو نضر و بنو همدل و بنو قریظه و بنو قینقاع مدینه طرفنه
فرار ایدوب عالیله به نزول ایلدیلر * بنو نضر بطحان نام وادیده و بنو قریظه
مهر زور نام وادیده و بنو قینقاع مباءه طیبه سی وافر اولغین بلاد عسیده ده
اقامتکرین اولدیلر * بواج قبیله نل سلسله نسلی هرون علیه السلامه
منتهی در * سانحه * گذارشیدیر اولدیغی اوزره خزر جیان شرف اسلامی احرازده
حاضر قصب السبق اولوب لکن اوسیا نه مسابقه لری امرنده خاطره بوکونه
بر تکتد دقیقه لایح * ولطیفه انیقه سانح اولمشدر که * جدته ثانیه نخر عالم که
سلمی بنت عمرو بن زید بن لید بن خدش بن عامر بن غنم بن عدی بن تیم
النخار بن ثعلبه بن عمرو بن خزر ج در * شعبه بنی خزر ج اولان بنی النخار دن
اولغله * علت قرابت موجب مسابقت بیعت اولمشدر * اول وقت که
جد ثانی حضرت سید ستوده اوصاف اولان هاشم بن عبد مناف تجارت
قصد یله شام طرفنه عازم اولوب * حسب الطریق مدینه به اوغراد قده *
هاشم ذاتده * صاحب حسن و جمال اولغله مهر و محبتی شعله شار دل سلمی
اولوب * هاشم دخی جانب سلمایه مائل اولغین اهل واقاری عندنده تولیدی
شرطیه لره تزویج ایدوب * جانب مقصوده روان اولدی * عودتده محرم
شبهستان وصال اولوب به ده مکّه به کوتردی * زما وضع جملی تقرب
ایلد کدینه مدینه به نقل ایدوب کندوسی عازم دیار شام اولدی * غزه ده غره
حیاتی آفل و صبح زندگانی سی شام ممانه متحول اولدی * بعد وفاته مودوع
مشیه سلمی اولان جنین دلارا * سر بر اورده عالم دنیا اولوب * کیسوی عنبر
بو یلرنده موی سپید بید اولغله شیشه ایله تسویه ایلدیلر * بنابران * حضرت
یغیر دیشان سلمی طرفندن انصاری خزر جی نجاری اولوب * پدر لری
جهتندن قرشتی هاشمی مهاجری اولمشدر * خامس شق سینه سید الابرار
ولاد تک الی ایکنی سته سنده حالت بیداریده خامس شق صدر رسول
عالیه قدر واقع اولمشدر * لیله اسمراده واقع اولغله شق الاسرا ایله مشهر
اولمشدر *

کذالته اسراء و معراج جری * حسا و جل کان فی حال الکری *
کذالته قولی کالشق فی کونه واقعا فی السنة الثانیة و الحسین تقدیرنده در *
اسراء مبتدا در * اسراء من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی تقدیر یله
ومعراج اسراء اوزرینه معطوقدر * جری وقع معنایه ماضی در * ضمیر
فاعل اسراء و معراج راجع در * مذکور اعتبار یله یا خود کل واحد یا خود

ایکسی شیء واحد اولی اوزره جمله سی مبتدا نل خبریدر * حسا بقطة
معنا سته ظرف در * وجل کلمه سنده و او حالیه در جل مبتدا در جل الاسرائیل
الاربعة واثنتين تقدیرنده در * کان فی حال الکری جمله سی خبر در یا خود
و او استثنایه بیایه در * و او اعتراضیه اولی دخی محتمل در جل معترضه نل
آخر کلامه و قوعی مذ هینه مبنی * معلوم اوله که مایه شرف زمین و زمان
اولان پیغمبر ایشان * علیه الصلوة ما کرا الجدیدان حضرت تری * او تیز در
دفعه معراجله مظهر ابتهاج اولشدر * بردفعه سی حالت یقطعه ده جبریل
امین کاوب سینه بر سینه لرین شق ایلد کد نصرکه * مسجد حرامدن براقه
سوار اولوب اولا مسجد اقصی به تشریف * و اندن دعای ابرار آسا آسمانه
عروج ایدوب محرم سرا پرده اوادی * و مظهر سرفاوحی الی عبده ما اوحی
اولوب * میانه دن پرده مجازی بر طرف * و رأی العین وجود حقیقی
مشاهده سبله حائز نهایت شرف اولدیلر * صلوٰة پنجگانه اول شب بر طریقه
مفروض اولوب * ینه اول کیجه آیت رحمت کبی زمینه نازل و دار
العباده لرینه واصل اولدیلر * فردا سی خبرشانه بی نقل پیور دقلرنده ابتدا
حضرت صدیق و بعده باب الحله مؤمنین تصدیق ایدوب * معتدلان کفار
اظهار صورت انکار ایلدیلر * و معراجن او توراوج دفعه سی حالت منامده
روح بر فتوح لرینه واقع اولشدر * ته که بیت مر قومه جل کلمه سی اکا
اشارت در زرا او توراوج عده ده دالدر خصوص معراجن تفصیلانه
بو مختصر ک حوصله تحلی اولما مغله مطولاته خصوصاً ما واهب اللدینه ده
اغنا ایده جن مرتبه میسوط در انلاره مراجعت ذریعه حصول امنیتدر
* و بیعة العقیبة الاولى کذا * و بیعة ثانیة فی بیح خدا *
و بیعة مبتدا در کذا خبریدر * مثل هذا المتقدم فی کونها واقعة فی عام نب
موقعنده در * و بیعة ثانیة مبتدا فی بیح ظرف مستقر خبریدر * الف خدا
اطلاقیه در اخذدن امر در * بویات ایکی لا یجذب متعذر در * بیعة عقبه
اولی * بیعة عقبه ثانیة * بیعة عقبه اولی * بند ولادتک الی ایکنی سنه سی
حضرت بر کزیده نام علیه الصلوة و السلام * رسم قدیلمری اوزره موسم حجه
قبائل عربی اسلامه دعوت * و طریق مستقیم هدایت ایچون خارج مکده
تشریف ایشلر ایدی * بودفعه انصار دن اون ایکی کسبه عقبه ده حضرت
رسول الله مشرف اولوب اسلامه کادیلر * و روجه آتی فتح مکه کونی
نازل اولان بیعة النساء و فی * حبل المتین یعنی منعقد ایلدیلر * صورت
یعنلری شریک بالله و سرق و زنا و قتل اولاد * و حال و استقباله بر کسبه به

بهتان و افترا و امر شارع عصبانه اجترای تمیوب * و عسر و یسر و منقسط
و مکره ده فرمان جلیله امتثال * و حضرت پیغمبری نفساری اوزره اختیار
ایلیوب * و بر ماده ده اهل واریایله نزاع ایتمامک * و هر حاله حتی
سو بلیوب صدق و صوابه لوم بلائدن اجتناب ایتمامک اوزره منعقد
اولمشیدی * حضرت علیه السلام اگر سزلر بوعیده و فایدر سکز جنت
مزه میسر اولور * اگر بونلردن برینک سترنده اولور سکز امری الله ذوالجلاله
مفوضدر * مراد شریقلری اولور سه عفو و استرسه عفویت ایدر پیور دیلر *
بعده اذن عالیه مدینه به عودت ایدوب * یوما فیوما مدینه ده دین اسلام
شایع و نمایان اولغه بشلدی * امر نبویه اول سعادی اثنا عشر دن اسعد بن
زراره ناقل شرف اسلام اولان انصار کرامه جمعه نمازی قیلدر رایدی *
تعلیم قران کریم ایشل ایچون طرف نبویدن التماس لرینه مبنی مصعب بن عمیر
تعمین پیورلدی * بیعة عقبه ثانیة * ولادت با سعادتک الی اوچینی
سنه سنده ینه عادت علیه لری اوزره خارج مکده به حقیقوب قبائلی دعوت
مشغول ایکن * ایام تشریف ایلکنی کونی انصار دن یتیم مرد و ایکی زن
شعب عقبه ده خاکای سعادت اخنوا ی نبویه شرفیناب اولوب * ابتدا
براهن معروف مباشرتیه یووجه اوزره بنیان میبایعته متانت و بر دیلر که *
جناب رسول الله مدینه به بر تواند از اجلال اولدقلرنده * عرب و عجم ایل
محاربه ایدر لر ایه معاوضلری باینده صرف نیروی قدرت ایدوب اولاد
وازا جلاری حفظ و حمایت ایلد کوری حادثه دن ذات کریم الصفات نبوی بی
دخی صون و حمایت ایلدیلر *
ند هجرة بناء مسجد قبا * فطیبة الجذع الا خالاذان با *
ند کلمه سی ظرف در سکون خفته ممنوع الظهور اولان فتحه مقدره ایل
منصوب و محلا مر فوع مقدم خبردر * هجرة الانحاب ثله مؤخر مبتدا در
بناء مسجد تقدیر عاطفه معطوفدر * فطیبة کلمه سنده فانهقیبیه در * فبناء
مسجد فطیبة تقدیرنده در * طیبه اسم مدینه در * الجذع مقدار حنین
کلمه سنل مضاف الیه در * حنین حذف عاطفه بنا اوزرینه معطوفدر *
الا خا و زن ایچون مقصود در بودخی عاطفه مقدرا یله معطوفدر * الاذان
مبتدا در * با کلمه سی اصلی باء اولغه جمله سی خبر در بودن مأخوذ ماضی در
رجع معنا سته وزن و فاقیه ایچون قصر اولمشدر * بوینده الی لایحه
مندرجدر * هجرة * بنای مسجد قبا * بنای مسجد مدینه * حنین جذع
مواخات * بده اذان * هجرة * چون سنه سالفه ده کروه انصار حضرت

سیدالابرار ایلہ بیعتہ منانت و بروپ * حضرت علیہ السلام دخی مدینہ به
 هجرة قرار ویردیلر بوماده کفار قریشدن مستورایدی * ولادتك اللی
 در دخی سنه سی حلولنده اصحاب کرام حضرتانی اذن سرور انامله متوالیا
 هجرة مبادرت ایلدیلر * مکة مکرمه ده انجیق حضرت رسول الله و ابوبکر
 الصديق و علی بن ابی طالب جنابیلری قالدی * بوکیت خذله قریشدن
 معلوملری اولیجی زنکبار درون مکر و هلمری باعمال خیل اندوه اولوب *
 بوامر خطیرکندارکی باینده دارالندوده عقد انجمن مشورت ایلدیلر *
 تها میون طرفدار حضرت سیدالابرار اولغله * اول مجلس شیاطین
 میا نسدن ممنوع اولدقلرندن ناشی * مکر و تلبیس لعین ابلیس جلله نل معلومی
 اولان ابومر نام بیرنجدی صورته متئل اولوب * اول مجلسه حاضر اولدی
 قدومنی تر حیب ایدوب مقدمات مشاوره به آغاز ایلدیلر * بیلر نده قی وافر
 مقالات مزخرفه کذران ایدوب * عاقبت ابلیس لعین صوابدیدی اوزره
 حاشا اول کلبن باغ افضالی بریده منشار زوال ایتمک اوزره قرار ویردیلر * اول
 حالد حضرت جبریل نازل اولوب صورت شورای قریشی حضرت رسول
 الله اعلام * و هجرة قیام ایله مامور اولدقلرین افهام ایلدی * اخشام
 اولدقده حاشا قتل رسول الله خصوصنه تعیین اولسان ملاعین بدایینلر
 سعادتخانه نبوی اطرافنه جمع اولوب * حضرت نل نومنه مترقب اولمیرله
 تا که خوابه وارد قده مخافه اوزرینه هجوم ایلدیلر * حضرت علیہ السلام
 دخی جناب مرتضایی جامه خوابلرنده جانشین بیوردیلر * حضرت
 مرتضی جامه خواب رسول الله کیروب و باشنه بر برده سبز چکوب
 بی پروا خوابه واردیلر * طریق حضرت نبویه ابتدا اجرای قاعده جانبیاری
 ایدوب * نفس نفیس مصطفوی به خریدار اولان حضرت کراردر * ته که
 بوقطعه لرنده اشعار بیوردیلر

وقیت بنفسی خیر من و طی الثری * ومن طاف بالبيت العتيق و بالبحر
 رسول الله خاف ان یمکر وابه * فنجاء ذوالطول الاله من المکر
 حضرت رسول الله دخی سعادتخانه لرندن حقیقوب برقبضه خالک اوزره
 سورة يس اولندن * و جعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا
 فاغشیاهم * هم لا یبصرین کریمه سنه دله قرأت * و کفار خا کسارک باشنه
 صاحبوب اوزره لرندن غار ثوره عزیمت بیوردیلر * بامره تعالی جلله نل بصر
 و بصیرتلی بند اولوب بر فرد حضرت روح عالمی کورمکه قادر اولدیلر *
 بر زمانه نکره خارجدن برک سنه سائر کتب سیر تعینی اوزره * ابلیس

لعین صورت بشرده اول محله کلوب خواب غفلت سر کرانلری بیدار
 ایلد کس نکره * بوراده کیه منتظر مز دیوسوال ایلدی * انلر دخی
 مترقب نوم حضرت محمد اولدقلری اشعار ایلد کده خنده زن استمزا اولوب
 طبراق باشکزه باسبانلغی تمام ایلدیکز حضرت پروردکاری شمه سزلی
 خا کسار خیت و خسار ایلدی * خدا جی محمد سزلی باعمال ایلرک نسیم
 مهر کبی کذر ایدوب حتی اوزر بکره صاحب دینی طبراق حالا باشکزه در
 دیدی * انلر دخی باشلرک یوقلیوب واقف حال اولیجی حیرت واضطر ایله
 حجرة سعادت شتاب ایدوب حضرتی بولیجی * دو دست تأسف وندامنله
 مشت زن چهره ادبار و نکبت اولدیلر * مهمه * حضرت صاحب سعادتک
 مدینه به هجرة تله ماموریتلری تشریف بقاع ظهوری حکمتنه مبنی اولوب
 حتی امام مالک علیه الرحمه عندنده مدینه مکه دن افضل * و جسم مکرم
 نبوی به ملتصق اولان تراب اتفاق ائمه کرامله جمیع بقاعدن اشرف
 واجل در * مکة مکرمه ده برقرار اولدقلری صورته اول خطه منقعه
 حضرت ابراهیم و اسمعیل علیهما السلام * طرفلرینه استناد برله مسبوق
 الشرف اولغله * حضرت خیرالوراجانینه اضافه شرف مجاورت مکه دن
 نشئت ایتمک و همدن بشقه * تعلیق الحکم بالمشقة بالمشقة ما خذ
 الاشتقاق ضابطه سی دخی معلومدر * بومقالیه بعضلر بوجه اوزره اعتراض
 ایلدیلر که * جامه وردامقوله سی بعض سنه لزواردر که بدن رسول الله
 نجوار اولوب * مع هذا کراولسان افضلیتدن بی بهره در * بعض مشایخ
 کرام اعتراض مرتومه بواسلوب اوزره جواب ویردیلر که * علت افضلیت
 مطلقا ملاصقت اولیوب بلکه اندن اخس اولان جزیندر * زیرا ما ثوردر که
 مامور شرت انسانی اولان فرشته هر شخصک خالک طبیعتی اوج قسم
 ایدوب * برینی سقوط نطفه دمنده رحم مادرینه وضع * و قسم ثانی سی
 مدت حیاتده مواد تعیشک منافی اولان اراضی به نشر ایدوب * دیگرکی
 مدقنی اوله جی موضعه القا ایدر * پس اعضاء مکرمه لرینه ملتصق اولان
 خالک روضه مطهره وجود تابنا کلرندن جزء اولغله * شرفیت بوجهتدن
 متجلی اولمشدر * ته هجرت * کذر شیدیر اولدیقی اوزره حضرت
 سیدالانام علیه الصلوة والسلام * شهنشام کفار لئام اوزره طبراق صاحبوب
 میا نلرندن بی پروا کذر و مقدماتی * اصابت اثرلری اوزره * ابوبکر
 الصديق رضی الله عنه دخی اماده اولغله رفاقتله غار ثوره تشریف ایلدیلر *
 حضرت مرتضی امر سلطان الانبیاء برله طرف رسول الله بنده اولان بعض

اما ان اصحابه تسلم اليك ايچون متخلف اولدي يار * كتب مطوله ده مبسوط
اولديني اوزره چند روز غارمز بوردده مختفي اولوب * بعده سعادتله مدينه
طرفنه متوجه اولدي يار * مکه دن خروج جاري اسلاميانل مسعودي اولغله
احراز شرف استقبال اميديله هر صباح مدينه دن چيقوب حره نام محله
توقف وقرار وراه مکه به اجاله دورين نظر انتظار ايدر ايدی * تاب افتاب
کرميت بولچه مدينه به عودت ايدر ايدی * مکرر يهودی روز
تشریف محموديده حصن مخصوص صلي سطحندن اطرافه ارسال جاسوس
نگاه ايدر کن * ناکاه بياض جامه لايه حضرت رسول اللهی رکاب
مستطابنده اولان اصحابله طرف مکه دن تشریف ايدر کورد کده * رشته
تالک النندن کيدوب ياي قبيله هذا جدم ديوفرياد ايلدی * بني قبيله دن
مراد اوس وخرجد * جد فتح جياله حظ و مطلوب معناسته در * همان
اوس وخرج سرور و شادمانی برله جله سی سلاحچوش اولوب استقباله
شباب * و تقبيل رکاب شرف انتسابله اکتساب سعادت بحساب ايلدي يار
موکب همايون محله قبايله عمرو بن عوفه سایه عزت روز افزون
اولوب کند ياری متعینان عرب دن کاتوم بن هدم خانه سنه نزول يوردي يار
بنای مسجد قبايله بني عوفه اقامت ياری هنکامده قول صحیح اوزره
مسجد اسس علی اتقوی من اول يوم احق ان تقوم فيه کريمه سنه مظهر *
ودولت اسلاميه ده اول بنا اولوب * وپيشواي گروه اصفياعليه اصنی
التحيا حاضر تليزل ابتدا علنا اصحاب کراميله نماز قیلديني * مسجد قبا
بناسنه اساس افکن بنیان شروع اولوب * بعد الا تمام صحابه کرامله
درونده صلوة قیام ايلدي يار * تحویل قبله ماده سنده مسجد من یورجديد
اولندی انشاء الله تعالی بیان اولنور * بناء مسجد مدينه * حضرت سلطان
الانبيا عليه افضل التحيا * چند روز قبايله اقامت يوردد نصکره جمعه
کونی ناقة خالصينه سوار اولوب مدينه به توجهم کار اولدي يار * رکاب
همايونده اولان بوزنقر اصحاب عز و علايله صلوة جمعه بي بنو سالم بن عوف
مزلنده ادا يوردي يار * بعده يه ناقة لرينه سوار اولوب داخل ازقه مدينه
اولدنده ارخای زمام يوردي يار * بیوت انصاره اوغراد بچه مهمسانداراق
شرفني احراز اميديله ناقة نل زمانه بایشوب * تکلیف نزول ايلدي يار
تعرض ايلکرت ناقة مامور در نزول مشيت الهی متعلق اولديني منزلي ياور
يورمغين * انصار کرام کف ايدر ايدی * اول ناقة انيقه الاطوار نظر انداز
عين و سار اوله رق خانه ملک بن النجار پیشگاهنه کاوب * حالا معمر اولان

مسجد شريف بنو نل قبوسى محله چوکدی * بعده اول محلدن قالدوب
بر مقدار کندی تا که ابوايوب انصاری قبوسنه واروب انده چوکدی *
بعده اندن دخي قالدوب يه اولسکی محله چوکوب بود فعه کردني اوزادوب
صد ايلدی * حضرت عليه السلام هذا المنزل انشاء الله تعالی يوروب
اوزرندن نزول ايلدي يار * ابوايوب انصاری زيد بن حارثه ايله دوه اوزرنده اولان
اوابي خانه سنه نقل ايلدي يار * حضرت عليه السلام دخي ابوايوب خانه سنه
تشریف يوردي يار * ابوايوب دن مرويدر که خانه من فوقانيه و تحتانيه بي
مشقل اولوب بن اهل و عيالله طبقه فوقانيه ده ساکن اولديقم ايچون
حضرت عليه السلام تحتانيه ده قرار يوردي يار * کيجه اوليقي زوجه مام
اوبه ديد مکه محفل شريف بنوي مهيض وحي و تنزيل اولغله تحتانيه ده
تمکين ياری بروجله مناسب دکل ایدی * عليابه هر وجهله بزدن احق
واحرى درام ابوب دخي تصديق ايدوب صباحه قدر تأسف وندامتدين
کوزمزه اوينجو کيرمدی * صبحدم حضور رسول اکرمه واروب کيجه
اوبو مد يغمزی نقل ايلد کد نصکره يار رسول الله سنی حق پيغمبر بهت ايدن
خدای ذوالمنن حتی تحتنده اقامت يوردي يار کز سقيه ده ارام ايلم ديومين
ايتديکم حسيده حضرت سيد جليل قبول تحویل يوردي يار * بديعه *
تبايعه يندن تبع اول که سيرد يکرک تعيینی اوزره حير بن دروع ایدی *
بروقنده مدينه منوره برينه کاوب اول مقام لازم الاحترام هجر تبکاه
سيد الانام اوله جفي رئيس حکماي اعلاميله معلومی اولدنده * انده
در تيزوز حکماي اسکان ايدوب و خاکای رسول الله بر قطعه ضراعتنامه
ترقيم ورئيس حکمايه تسليم ايلدی * واقامتگاه رسول الله اولقي ايچون
برخانه بناورئيس مزبوري انده ايو ايلد کد نصکره مقرر سلطنتنه عزيت
ايلدی * ع * رفت منزل بد يکری پرداخت * مداوله سيله خانه مرسوم
رئيس مرقوم نسلندن ابوايوبه منتقل اولغله * حضرت رسول کندی خانه
مخصوصه لرينه نزول يوردي يار * بالجله اهل مدينه اول در تيزوز حکماي نسلندن
منتشع اولدي يار * ومنه ولد رک خانه بني النجار مجموع خانمهای انصارک
کریده می اولوب * ذکر اولسان مستناخ ناقة رسول الله که حالا مسجد شريف
بنا اولسان عرصه منيفدر * بني النجار دن که اخوال عبدالمطلبدر رافع
ابن عمروک اوغلری اولوب * معاذ بن عفر ايجرنده پروریده سمل و سميل
نامان يتيمک ملاکی ایدی * حضرت عليه السلام خانه ابی اوبده يدی
آي ارام ايلد کد نصکره * اول يتيمکری ککنوردوب اگر بوخطيره بي

بیع ایدر سگز اشترایده لم بیوردیلر * انله بهیه صورتنی عرض ایلد کده
حضرت علیه السلام قبول بیور میوب معاذین عفرانی احضار و د کردن
زیاده به ایله خریدار اولدی * قیچی اون التون اولغله * اشارت علیه لایله
صدیق اکبر رضی الله عنه کندی مالندن ادا ایلدی * اول عرصه ده
بعض قبور کفار و بر قاج اشجار اولغله نبش و تنقیه و اشجار لر قلع اولنوب
* زمینی تسطیح و تسویه اولند قد نصکره کفایت مقدار کر پیج و کراسته
تمیته و احضار اولنوب مسجد شریف بناسنه ایتدار اولندی * بالجله
صحابه کرام مقام خدمته قیام ایلدی * هر بری بر کر پیج کو تر و ب
عمار بن یاسر رضی الله عنه برنی کنندی حصه سیچون و دیگر فی
حضرت رسول الله نبی اکبر کو تر ایدی * حضرت سید الا برار
عمل عمار له معرض قبولده در کار اولدی غنی بشارت و بدل اجرت اوله رق *
لناس اجر و لک اجران و اخر زادک من الدنیا شریبه ابن و ثقیلک الفیئة الباغیة
بیوردیلر * لا حقه * واقعا صغیر و قعه سنده امام بالحق امیر المؤمنین
علی بن ابی طالب رضی الله عنه طرفنده بولنوب * روز شهادتده الله
بر مشربیه سود و بر دیلر * سودی کور یجلی خنده سرور ایدوب حضاره
بو حدیث شریفی قرأت ایلدی * و اول کون معاویه عسکرندن ابوالعادیه
یدنده شهید اولدی * غریبدر که مرقوم ابوالعادیه * قاتل عمار فی النار
عمار تیل بر حدیث نقل ایدر ایدی * اول معرکه ده معاویه طرفنده بولغله
عمار له هدم عمارت عمری کندی یدیه واقع اولدی * قعه بنا * مسجد شریف
قبله سی بیت المقدس جهته طر ح اولنوب مؤخرنده محرابه مقابل بر باب
وضع اولندی که خلق اندن مسجده داخل اوله لر * و بر دخی باب الرحه
و حجره خاصه دن ذات همایونلر بنه مخصوص بر باب دخی وضع اولغله
بعما اوج باب اوزره بنا و تر صیف و جریده ایله تسقیف اولندی * جانب قبله دن
مؤخرینه قدر طولایوز ذراع و عرض دخی اولغله دار یا خود جزئی ناقص اولوب
اساس جدرالی اوج ذراع قریب ایدی * بعده بر جانبنه جذوع نخل و جریده
ایله مسقف حجرات علیه ترتیب اولنوب حضرت صدیقه ایچون بر حجره
سعادت و بر شارع وضع و سوده بن زمه ایچون قیو طرفنده خانه ذوالنورین
ارقه سنده بر حجره طر ح اولندی * ما حصل خاطر خواه رسول الله اوزره
مسجد شریف و خانه منیف رسیده حد ختام اولد قده * بالعز و الاقبال
خانه ابی ایوب دن نقل و ارتحال بیوردیلر * مقدحجه زید بن حارثه ایله
غلامی ابورافعی مکده توقیف اولنان کریمه مکرملری حضرت فاطمه

الزهرا و ام کلثومی و ام المؤمنین سوده بنت زمعه و اسامه بن زید و ام ایمن
حضراتنی کنور مل ایچون ارسال بیورمشر ایدی * اول خلایده مصحوبا
بالسلامه و رود ایلدی * حنین جذع * مسجد شریف تکمیل اولوب
حضرت امام محراب اسلام علیه الصلوة والسلام * صلوة پنچکانه فی
درونده اصحاب کرامله ادا یه قیام بیوردیلر * خطیره ده بر قطعه شاخ
خرما اولغله جمع لرده کاتک ایدر له خطبه قرأت ایدر لرایدی * انشای
قیامده قدم مکرملری رنجیده اولغله امر عالی لری اوزره اوج قدمه بر منبر
طر ح اولنوب حالا بایدار اولان محله وضع ایلدی * وقتا که خطیب منبر
لا هوت * علیه الصلوة مادام الناسوت حضرت لری ابتدا اول منبر اوزرنده
خطبه به مبادرت بیورد قلدنده * اول شاخ خرما عاشق هجر اندیده اسا
نالان اولغله * حضرت علیه السلام منبر دن اینوب در اغوش بیورد قلدنده
نال و اضطرابی ساکن اولدی * بحیه * بومناسیله انسان العیون مؤلفی
نقل ایدر که اعجب منابر مساجد عالم * تحتکاه ملک اندلس اولان قرطبه
جامعینک منبریدر که * اخشابی بتون ساج و آبوس و عود قافلی در *
یدی معمار بدیع الانار متصل یدی سنه بنای خصوصنده در کار اولدی *
هر برینه یومیه یارم مثقال التون اجرت و بر بیور ایدی * و جامع مرقوم
درونده بر مصحف شریف ایچره حضرت عثمان رضی الله عنه خطبه
درت ورق اولوب جابجیا انلرده خون مظلومانه سی خالیسایاندر * و اول
جامعه ده یکبار قرمزی مرقوم دن مصنوع اوج ستون عظیم وارد * برنده
قلم قدر نه اسم محمد و دیگر نده صفت موسی و عیسی و اصحاب کهف مرقوم
واوچنچیسنده صورت غراب نوح علیه السلام مرقومدر * و بعض ثقات دن
مجموعه در که قاهره مصرده بر جامده بر سنل خارا اوزرنده خلقة یعنی قلم
قدر نه به عله شریفه بی کلفت قرأت اولندی یعنی مشهور دلی اولشدر * احا *
وسنه مز بورده حضرت سید الکائنات علیه افضل الصلوات امر یله *
کروه مهاجرین و انصار دن قرق بشر کسینه میا تنده حالت عسار و یسارده
حق اوزره مظاهر و مواسات ایمل اوزره عقد مواخات اولنوب * حتی
غزوه بدر عقیبنده راولو الارحام بعضهم اولی یمض فی کتاب الله کریمه سی
نازل اولنجه * اخوة نسبه کی ینلرنده حکم توارث دخی جاری اولدی *
لا یحیه اذان * حضرت پیغمبر ذیشان مقدمالیه معراجده اذان شریفی
آسمانده استماع بیوروب * لکن تلقینه جل بیور لیا مقله مسکوت قالمشیدی
هجر تند نصکره بحمدہ تعالی روز بروز صفوف صفوف موحیدین متر اید

اولوب * اقتضای بعد از ایله و بعضی دخی حلول وقتدن اگاه اولما مقله
حضور جاعتدن محروم قالمقین * حضرت امام المسلمین اعلان صلوة یچون
بر علامت تعیینی خدمته اصحاب کرامله مشاوره ییوردیلر * به ضلری یوری
چالسون تا که خلق ایشیدوب جمع اوله لریدی یهوده مشایقی اولوردیو
قرین سمع قبول ییورلیدی * و بعضی ناقوس چالغنی رأی ایتمکله انده دخی
نصارایه مشارکت هجغنی اولمقله اکادخی توجیه سامعه اعتبار ییورلیدی *
و بعضی آتش یاغنی مناسب کوروب محوس آیینی اوله یغندن اکادخی
رضا کوستورلیدی * خلاصه بر ریاده قرار داده اولوب باذنه تعالی
اول کجه عبدالله بن ثعلبه رؤیاسنده برکسته کوروب اول کسنه
وقت صلواته بر مرتفع محله جیقوب بولجیه ندا اولمقله مناسب دردیو
متعارف اولان لذان شریفی واقامتی تعلیم ایلیدی * صباح اولدقده
حضرت رسول الله عرض ایدوب رؤیای صالحه دردیو بلایه تعلیمه
امری یوردیلر * بو واقعه نلی عینی لیله هر قومه ده حضرت ابو بکر و
و بعضی اصحاب کرام دخی مشاهده ایلدیلر *

* تم رباعی الصلوة حضرا * خدمت انس ایلدیم *

تم کلمه سی تمامدن فعل ماضی در * حضرت اخی الحضر تقدیرنده در * خدمه
انس * و فیها کانت خدمت انس تقدیرنده در * لیدمبتدا محرجله سی
خبر در * النی اطلاقیه در * بوینده اوج لایحه مندر جدر * تم رباعی
صلوة * خدمت انس * سحر ایلدیم * تمام رباعی صلوة * صلوة پنجگانه
ایکیشر رکعت مامور اولوب سنه هر قومه ده ایام حضرتده ظمهر * و عصر
و عشاء * ایکیشر رکعت دخی ضم و زیاده * و هنگام سفرده دفعا لخرج
حال اصلسی اوزره ایضا و اتقی یا بنده فرمان الهی صادر اولدی * صلوة
نفرده کلفت طول قرأت اولوب صلوة مغرب ایسه و ترنم بار اولفله اصل
فرموده اوزره ابقا ییورلیدی * ظمهر * و عصر * و عشاء مطلق در در رکعت
مغروض اولوب بعده دفعا لخرج مسافر دن شطری اسقاط اولندیغنی *
دخی مر ویدر * ابن عباس رضی الله عنهما دن حضرتده در در سفرده ایکیشر
مشروع اولدیغنی ثبات بر اعه ثقات رواتدر * خدمت انس بن مالک *
رضی الله عنه چون سلطان الانبیاء علیه اهل النجایا حضرت تری سعادتله *
مدینه یه تشریف لرنده رجال و نساء انصار حسب المقدار خا کجای سید
الابراره پیشکشله تقدیم ایدوب * حضرت انسک آنه سی بغایت شکست
اولمقله اول خدمتدن محروم اولغین * برکون همان انسک الدن طنوب

حضور رسول الله کادی * هذا یخمد مل یار رسول الله تعیر یله انسی خدام
سدره مقام کروه بر شکوهنده مظهر انتظام ایلدی * سحر ایلدیم * چون
توفیق الله تعالی ساعت بساعت اقتباب ملت بیضا افاق واقطاره شعشه
بخشا اولمقله * یهود مردودل کانون درون لرنده آتش حسد شعله نمون اولوب
زعلرجه طرف ارجند حضرت سید البشره ایصال کزند و ضرر داعیه سنه
دوشمکله * بقعه شمرده کرباشی ایدی * بازی فتنه ده ارباشی ایدی *
مغمغنی ماهیت وارونی اولان لیدن اعصم یهودی * بر وتری افسون
ایدلک اون بریندن منعقد ایدوب هر عقده سنه بر قاج سوزن غر زانده نکره
برکهنه کوره دفن یعده قبر و برروایتلرین توفیق یچون انسان العیون
صاحبیل تحریری اوزره اول کوردن چبقاروب برزروان ایچره بر طاش
الله وضع ایلدی * بامر ه تهالی وجود شریف سلطان الانبیاء متاثر اولوب
بعض ایشلر یکی افعال مرآت مخفیه علیه ده صورت فعلده نمودار اولمقله
بشلیدی * برکون جبریل امین اون برایتی مشتمل سورة معوذتینه نازل
اولوب کیفیت سحر و ساحر و مدفنی اخبار ایتیمکله * حضرت رسول الله
دخی جناب هر قضای ارسالی ییوروب اول وتری محندن اخراج و حضور
شریف لرنه اراد ایلدی * هر برایت کریمه ارفند قجه بر عقده منحل اوله رق
جمله سی اشلال بولدقده وجود سعادت اشتیال لری قید کراندن رهاس بولاش
کی کسب خفت و انبساط ایتیمکله مدترح البال اولدیلر * اول خلایه
بر طر فیدن جبریل علیه السلام دخی * بسم الله ارقبل و الله یشفیل
من کل داء قبل دعاسیله مباشر خدمت رقیه خوانی ایدی *

دنی علی عائشه واسلا * ابن سلام و قتال علما *

بنی کلمه سی دخول علی الزوجه معنای سنه اولان بنیادن ماضی معلومدر *
ضمیمه رسول اکرمه راجع در الف اسما اطلاقیه در * عبدالله بن سلام قاعلیدر
و قتال کلمه سی قتال اهل الکتاب و المشرکین تقدیرنده در * علما ماضی
محمد و لدر النی اطلاقیه در * بوینده اوج لایحه مندر جدر * زفاف عائشه
اسلام عبدالله بن سلام * امر جهاد * زفاف عائشه * رضی الله عنها مقدمه
تحریر اولندیغنی اوزره * حضرت صدیق رضی الله عنه امکه مکرمه ده مختلط
سلات امهات مؤمنین اولوب صفر سنلری سیدله امر زفاف تا خیر اولمشدی
مشار الیه لیاقتدن مر ویدر که برکون خیر عالم حضرت تری خانه مزه شریف
ییوروب و رجال و نسوان انصار دن جمع کثیر کلوب مجتمع اولدیلر * بن اول
انشاده ایکی نخله یه مربوط بر صال بقعه آسوده بستر راحت اولشیدم *

مادر م کلوب بنی صا الحقدن اندردی و صوايله یوزمی سیلوب بنی حضرت
رسول الله اولدینی حجره قیوسنه قدر کتوردی * آنده خفقان قابیه سکون
کافیه توقیف ایدوب بعده درون حجره به ادخال ایلدی * کورد مکه اول
شهر بار کشور رسالت بر سر بر اوزره جالس * و مجلسارنده انصار دن جمع
کثیر مجالس اولوب صحبت ایدر لر * مادر م بنی حجره عالیبرینه اجلاس ایدوب
هؤلاء اهلک فیما رکه الله لک فیهم و بارک لکم فیهم تعبیریه دعاوتیه
ایلد کد نصکره بالجله جیقوب کندیلر * اسلام عبدالله بن سلام * یهود
علماسندن عبدالله بن سلام که سلسله نسبی حضرت یوسف علیه السلامه
پیوسته * ورشته نسبی بنو قی قاعه وابسته در * حضرت رسول الله علیه
الصلوة الاله * خانه ابی ایوبه شرفخش قدوم اولد قلی کون حضور عالیبرینه
کلوب ملمع انوار اسرار رحمانی اولان بیکر نورانی نبوی به امعان نظر
ایلد کده * هذا الوجه ليس بوجه کذاب دیوب همان مسلمان اولدیلر * مقدم
اشمی حصین اولوب شرفند اسلام اولد قده حضرت علیه السلام عبدالله ایل
بنام ایلدیلر * لا حقه * انس بن مالک رضی الله عنه روایت ایدر که عبدالله
ابن سلام حضور سید الانامه کلوب اوج شتوالم وارد در خواب و بر سر کز ایمانه
کاورم دیدی * حضرت علیه السلام دخی سویله بیوردیلر * ابن سلام
اول اولد کاه پدیره و کاه مادریه مشابه اولغه سبب ندر * تا نیا اهل جنتک ابتدا
طعامی ندر * تا انا قدم علایم قیامت ندر دیدی * حضرت مشکلی کشا
علیه اشکل التحایه بیوردیلر که * اگر ارا دمل منبسی اول نازل اولورسه
ولد پدیره مشابه اولور * و اگر عورتک اول نازل اولورسه مادریه عائل اولور *
واهل جنتک ابتدا تا اول اید جگری طهام حامل ارض اولان بالفق جگری
پاره سیدر * و اقدم علایم قیامت طرف مشرقین بر آتش ظهوریدر که
خلایقی مشرقین مغربیه سورر * بیور یحیی عبدالله بن سلام بی ترددا سلامه
کادی * بعده یار رسول الله طائفة یهود بغایت مفتزیدلر دینم اسلامدن اگاه
اولورلر * حقیقه نیجه افترا ایدلر نیاز ایدرم که * بنی بر محله اخفا ایدوب
احبار یهودی احضار و بین حاملدن استفسار بیوریه سزدیدی * حضرت علیه
السلام دخی احبار یهودی کتوردوب ابن سلامک حال و شاتندن استعلام
بیور قده جمله مزک اعلم و افضلیدر پدیری دخی پدیر مزدن اعلم و افضل
ایدی دیدیلر * حضرت علیه السلام یا شادی مسلمان اولورسه نه دیر سز
بیوروب انتر حاشا که اول مسلمان اولد دیدیلر * پس امر رسول الله علیه عبدالله
و رای برده دن ظهور و علنا کلمه شهادتی قرأت ایلد کد نصکره * ای گروه

یهود نیچون ایمانه کلمه سز معلوم کزددر که بو ذات جلیل الخطر * اول پیغمبر
منتظر در دیدی * طائفة یهود یوسوزی ایشید یحک سن کذب ایدرسن
ایچم زده سن اجهل اوغلی اجهل و شر بر اوغلی شر بر سن دیدیلر * عبدالله
یار رسول الله بن سزه مقدحجه بونلر مفتزیدلر در دیدیکم بوایدی دیوب اول گروه
مکروهی طشره سور دیلر * امر جهاد * سروریا کیزه نه یار علیه الصلوة
الی یوم الشاد حضرت تیری امر نبوتدن اون سنه دخی زیاده جه همان خلقی
اندر ارایله دعوتیه مشغول * وقاصیر و اعرض عنهم امر لایله مکده عربک
و مدینه ده یهودید مذمیل قول و فعل ادا و ستلرینه مختل اولوب * نزاع
وجد الدن محتجب و فتح مبین و عیدیک ظهورینه مترقب ایدیلر * حتی مکده
اولد قلی ایشاده بعض اصحاب کرام مشیت اذای کفار لثامله بر زده و خنجر
جفای قریش ضلالت انسام برله زخم خورده حضور عالیبرینه کلوب
دادخواه اولد قده * بر مقتضای حکمت الحاله هذه قتاله عیدم
ما موریتلرین افاده ایدرک دستمال تسلیمه اشک دیده لرین مالیده بیور ایدی
و خصوص جدال یتشدن زیاده آیات کریمه ایلله ممنوع ایدی * تا که امر
رسالت مستقر اولوب اتباع و انصار رسول الله علیه و آله و هی * نمایان *
و قلوب اسلامیه مده مهر و محبت محمدی ابا و اولاد و ازواج لری اوزره غالب
اولدینی عیان * و اهل کفر و عدوان پاینده مقام اصرار طغیان اولد قده *
ثانیة هجریه نیک صفر اخیرنده اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا و ان الله علی
انصرهم لقیدر * کریمه سیدله عز و وجهاده اذن الهی صادر اولوب لیکن
فان قاتلوکم فاقتلوهم حکم متضمن الحکمی موجبیه * مادام طرف کفار
ایامدن * آغاز مقاتله و خصام اولد قده شمشیر اهل اسلام در نیام اولشیدی
تا که عرب یکبار اهل اسلامه عداوتلرین اعلان و اشاعت * و طرف طرف
اعدام گروه موجودیه بذل مقدرت ایدوب * حتی اهل اسلام صبح و شام
نمیانلرندن سلاحلرین چوزیه یوب ایا بر کیمیه اولورمی که مخلوق طرفیندن
توجشمز بر طرف اولوب همان قلوب مزده خوف الهی قالد دیو نمنا ایدر ایدی
برای تسلیم و عدا الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات ایستخلفتم
فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم ولیکن لهم دینهم الذی ارنضی لهم
ولیلد لهم من بعد خوفهم امنا کریمه سی نازل اولدی * بعده فاذا انسلخ
الاشهر الحرم فاقتلوا المشرکین کریمه سی اوزره * رجیب و ذوالقعدة و ذوالحجه
و محرمدن عبارت اولان اشهر حرمندن ما عدا * از مننه عموم کفار ارایله
مقاتله به رخصت ربانی صدور ایلایوب بعد فتح المکه اشهر حرمده اولان

حکم فیصل شرط زماندن مطلق نص محکم وقاتلوا المشرکین کافه برله
منسوخ العمل اولمشدر * دستور مسطور اوزره امر قتال کافه ازمنه بی
مستوعب اولدیغی کبی حرم شریفدن ماعداجله ازمنه بی دخی * محیطدر
نهایه الامر روز فیروز فتح مکّه ده وقت ضحان زمان عصره قدر رخصت
صادر اولوب * بعده الی یوم القیام ینه حرمتی غاندر بردوام اولدی * مهممه
بر سفر فیروزی اثرده ذات سیدالکائنات علیه الصلوات موجودایسه کاغزا
الطلاق اولنور * واکر ذات شریفعلی موجود اولوب طرق عالیرندن
تعیین یوریلان عسکر اوج نغردن ناقص اولورایسه * بعث و اوج و اوجندن
زیاده اولورسه سربه ایله تعبیر اولنور *

وحزة عیبه و ابن ابی * وقاص قدسرواغزا الیوا النبی *
وحزة مبتدادر عیبه تقدیر عطفله معطوفدر * و ابن ابی وقاص اثران
ایچون غیر منصرف قبلندی * قدسرواجله سی خبردر * ابوا فی الاصل
عمدود دروزن ایچون قصر اولندی * النبی عزرا فعلنک فاعلیدرمفعولی مقدم
الابوا در * بویتنه درت لایحه مندر جدر * سربه حزه * سربه عیبه *
سربه ابن ابی وقاص * غزوه ابوا * سربه حزه * بن عبدالمطلب رضی الله عنه
کذارشیدر اولدیغی اوزره سنه مر قومه ده که ولادت یاسه عیسی الی درغنی
سنه سیدرحمادایله امر اولنوب کفار ایله قتاله رخصت و برلکاه * سنه
من بوره مضانده فاتح میدان شجاعت * شیرینشه شهامت * بعم نی غاب
حزه بن عبدالمطلب رضی الله عنه * مهاجریندن اوتوز نغردلا وایله طرف
شامدن عزم جانب بیت الحرام ایدن قریش کاربانی نهب و غارت ایتمک
ایچون تعین یوریلوب * ارض جمینه دن ساحل بحره تلاق قمتین
وقع بولدی * خشرات دشمن اوجیوز نغرا اولوب اوجمهل لهین دخی خبت
نفس کبی درون قافله ده ایدی * طرفیندن ترتیب صفوف اولنوب جنکه
مباشرت اولتیق اوزره ایکن مجدی بن عمرو و جمعی حائل اولوب * طریقه
مصالحه ایله اهل اسلامی مدینه به وقافله بی مکّه به ارسال ایلدی * بوسربه
ایحای جوله مهاجریندن ایدی * انصار کرام مقدما به معتزنده ذات حضرت
سیدالابراری دارلنده یعنی مدینه ده نسکمدار اولتیق اوزره قول وقرار
ایتملرله * غزوه بدره قدر برانصاری معرکه جمهاده حاضر اولغنه اذن
رسالتشعاری صدور بولدی * سربه عیبه بن حارث * رضی الله عنه سنه
من بوره شوالنده شیخ المهاجر بن ابن عم سیدالمرسلین * عیبه بن حارث
التش نفر مرد جنکاور اوزرینه سر عسکر تعین * وید بیضاء سلطان

الانبا ایله معقودلوی سفید سعادت التوا مسطح بن اثانه نل بد اقتدار ینه
تسایم اولنوب * بر مهم ایچون مکّه دن حقیقان مخاویل مشرکین اوزرینه
ارسال یورماغله * بطن رابع نام محله تصادف ایلدی * انلارایکبوز کسسه
اولوب سرکرده لری ابوسهیمان ایدی تقابل صفین واقع اولوب * کذلک
بونده دخی مقاتله اولدی * انجق سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه طرف
کفار بر قاج اوق اتوب عودت ایلدی * جانب کفار اول اوق اتان سعد بن
ابی وقاص حضرت تلی اولمشدر * سربه سعد بن ابی وقاص * رضی الله عنه
سنه مر قومه ذی القعدة سنه قریش کاربانی نهب ایچون مهاجریندن
یکرمی نفر مرد پر جکر اوزرینه سعد بن ابی وقاص حضرت تلی سردار نصب
ولوی بیضای اسلام مقداد بن اسودک دست اقامنه تسلیم اولنوب * طی
مر احل ایدرک مامور اولدقلری قرای حجازیه دن حقه قریبنده خای مجمه
ورای مهم ملتن مشدده الاولى ایله خرار نام وادی به نازل اولدقلرنده *
برکون اول قافله مرو را یتش بولغله مدینه به عودت ایلدی * غزوه ابوا
ابوا مینانه مکّه و مدینه ده برقریه اسمیدر * بوغزوه به غزوه و دان دخی دیرلر
فتح و اوونشدیدال مهمله ایله ابوا به التی میل مسافه ده برقریه در * سنه
مر قومه صفرا خیرنده قریش کاربانی و قبیله بنی ضمره بی تاخت و تاراج نیتله
حضرت رفیع الجناح بالذات مقتل کافه رکاب اولوب * سعد بن عباد بی
مدینه ده استخلاف و کندیلری التمش نفر مهاجرین شجاعت انصافله سوار
ولوی بیضادوش حزه به بر توشار اولدیغی حاله متوجه سمت کارزار اولدی
ابوا نام محله وصوللرنده کاربانیان کسه کورلبوب سرکرده بنی ضمره
مجدی بن عمرو الضمری موکب همایونی استقبال * و خاکبای اجلاله فرش
خین ایتال ایلد کد نصرکه * من بعد اعدای دینه اعانت ایلبوب واقعهضا
اندیکه خدمنده بولتیق اوزره صلحه طالب اولغله * اشارت علیه ایله برقطعه
امانتاسمه ترقیم ویدنه تسلیم اولندی * صورتی بودر * بسم الله الرحمن الرحیم
هذا کتاب من محمد رسول الله لبني ضمرة انهم آمنون على اموالهم
وانفسهم وان لهم النصرة على من رامهم الا ان يحاربوا في دين الله ما بل
بحر صوفة وانه اذا دعاهم الى نصره اجابوه عليهم بذلك ذمة الله وذمة رسوله
ای امانما

* فی نه غزا ابواط و العشیرا * ویدرا الاولى ابن جحش قدسرا *
فی نه غزا فعلنه متعقددر فی الخامسة والحسین موعنده در * بواطضم بای
موحده و تحقیف و اوایله جیل ینبع اسمیدر * عشیراعین مهمله و شین

مجه ايله بنیه تصغیر اوزره در * بعضی سمن مهمله وها ايله عسیره ضبط ایشدر
اولدخی ینبع ناحیه سنده بر محل اشد که انده بنو مدیح قبیله سی متککن
اولور * یویت درت لایحه بی مشعلدر * غزوه بواط * غزوه عسیرا * غزوه
بدر اولی * سریه عبدالله بن جحش * غزوه بواط * ولادتک الی بشخی
سنه سی که ثانیة هجریه در شهر ربیع الاولنده واقع اولشدر * صورنی
بودر که امیه بن خلف سر کرده اولدیغی یوز نفر قریش کاربانتک بر بار ایکی
یلک بشیوز شتره وارا ايله طرف شامدن متوجه بیت الحرام اولدقلری
خبری واصل سمع سید البشر اولدغین * پیوند مهملر اخیر ایلک نیتله ایکی یوز
مهاجر نیتله تحریک مهملر استعجال یوز یلوب سائب بن مطعون * متولی
خلافت عظمی * وسعد بن ابی وقاص حامل لوای بیضا اولدی * بواط نام
مقام مرکز ایت ربانظام اولدقد که کاربانیان مقدسجه کذران ایتش بولغله
منزل من یوردن صوب طیبیه اماله انجام یورلدی * غزوه عسیرا * قریش
طافه سندن حویطط بن عبدالعزاد ن ماعدار جال و نسوان کندی ینلرنده
ماملک تعمیر اولنان ییلک مهار شتره واره واللی ییلک عدد دینار جمع ویکرمی
یدی کسه به ابوسفیان ییشوانصب و تجارت ایچون طرف شامه ارسال
ایلد کلمی خبری واصل سمع صف و تلغ تیوی اولدقد * ابوسلمه بن
عبدالاسدی مدینه ده مباشر خدمت خلافت ایدوب مهاجر بندن یوزاللی
نفر مرد جلادت کهر ايله عنم سفر یوردیلر * او توزراس دوه استعجاب
اولغله معتق با سوار اولور لایدی * وعلم عالستان سید کون دوش حضرت
جزده شعشه نمون اولوب عسیرانام محله وصول لرنده کاربانیان میور
اندکاری معلوم معالیم مصور نبوی اولیچق * محل مر قومه متوطن بنو
مدیح ايله مصالحه اولوب بنو ضمره به اعطا اولنان اماننامه کبی انلاره دخی
بر طعه اماننامه اعطا اولندقد نصکره جانب مدینه به مر اجعت اولندی
غزوه بدر اولی * غزوه عسیران تقریباً اون کون مر ورنده کرز بن جابر
فهری چرا که مدینه ده ری وچرا ایدن سوانی غارت ایتکل * زید ابن
حارثه منکا کرزین خلافت اولوب لوای بیضا سابه سای دوش مر تضا اولدیغی
حاله * حضرت سیدالابرار مهاجر بندن بر حمله کرز بن جابر اردنجه
الغار یوردیلر * نواحی بدر دن فتح سمن مهمله و سکون فاه یا خود فتح فایله
سفوان نام وادی به قدر واریلوب اول شقی بدکاره ابر شملک نامکن اولغله انده
عدانکس ارام و طرف طیبیه اماله انجام یورلدی منتهای سیر و سفر ناحیه
بدر اولغله غزوه سفوان تسخیر اولندیغی کبی بو غزوه بدر اولی دخی

دینا شد * بدر کبری و بطشه کبری اولان بدر ثانیة به و بدر موعده اولان
بدر ثالثه به نسبتله اولی ایلد توصیف اولندی * سریه عبدالله بن جحش *
سنه من یوزه رجب المرجبنده عبدالله بن جحش سر دار ایدوب مهاجر بندن
سکر نفر مرد مقدامله قریش کاربانی و رودنده تمب و غارت ایتکل ایچون
مکه به بر مر حله مصافحه بطن نخله به ارسال یوردیلر * محل من یوز
وصول لرنده طائف طرفندن کاور قریش قافله سنه تصادف ایلدیلمر * یوکاری
زیب ایل طائف سختیانی اولوب سر کرده لری عمرو بن حضرمی ایدی
اول کون رجبک سلمی اولوب حرمت اشهر حرم هنوز باقی اولغین تعباطی
امر قتال اولسه هتک حرمت لازم کلور * اعمال ادوات جدال دن کفاید
اولنده داخل حرم اوللرله عتیمت فرصت غنائم قوت اوله جتی در کار اولغله
بر مقدار تردد اولندقد نصکره * سیکبار اول شیران بلنک شکار کران کفار
بدر کردار اوزرینه هججه رستخانه ایدوب * اثنای معرکه ده عمروی قتل و عثمان
ابن عبدالله و حکم بن کیسانی اسیر و جمله مال مناعی آورده قبضه تسخیر
ایدوب مدینه طرفنه عودت ایلدیلمر * اهل اسلامک ابتدای قریاب اولدقلری
بو غنیمتدر شهر حرامده یوکاره اقدام اذن سرور انامله اولماغله احکاب سریه
مظهر نوازش اولوب * بلسکه متفرع مقه مد سرزنش اولدیلمر * و توزیح
مال واسیر غزوه بدر کبری غنائمی تقسیمه قدر مطروح گوشه تأخیر یورلدی
مشرکین مکه بوقضیه دن خبردار اولدقلرنده حضرت محمد حرمت شهر
خرامه رعایت ایلوب قتال و غصب اموال ایلدی دیو جانب اسلامیه
سنک انداز طعن و تشنیع اولدیلمر * احکاب سریه بو خصوصده نادم
و عتوبت الهیه ظمهوری خوفیه حائرو سادم ایکن * یستلونک عن الشهر
الحرام قتال فیه قل قتال فیه کبیر و صد عن سبیل الله و کفر به و المسجد الحرام
واخراج اهل منه اکبر عند الله و القتله اکبر من القتل * کریمه سی نازل اولنجه
متسلی و منبسط اولدیلمر * عبدالله بن جحش حضرت تلرینک لسانبری اچیلوب
یونشیده بی انشاد ایلدیلمر *

* تعدون قتلا فی الحرام عظیمة * واعظم منه لویری ذالراشد *

* صدودکم عما تقول محمد * و کفر به والله راء و شاهد *

* سقینا من ابن الحضرمی رما حنا * بنخله لما اوقد الحرب واقد *

یا چار کفار خا کسار اسیر لری اولان حکم و عثمان ایچون فدیة ارسال ایدوب
حکم بن کیسان طوع و رغبت جنانله مسلمان اولغله مدینه ده قالدیلر *
تا که بر معونه حمله سنده شهید اولدیلمر * اما عثمان مکه به کیدوب عاقبت

کفر و طغیانله عازم نیران اولشدور *

* بنا علی کنبته قبله * صوم زکوة فطره تخمیه *

بنا کلبه سی وزن ایچون قصر اولندی مبتدادر * علی کلبه سیده کذلک تخفیف اولندی * کنبته تقدیر عاقله معطوف قدر * کقبله کتخویل قبله * فی وقوعهما فی هذه السنة تقدیر یله خبر در * صوم * زکوة * وفطره * و تخمیه * دخی حذف عاقله معطوف قدر * بویتده یدی لایحه مندر جدر تزوج علی بن ابی طالب * وضع کنبه علی بن ابی طالب * تحویل قبله * فرضیت صوم * فرضیت زکوة * مشروعت فطره * مشروعت تخمیه تزوج علی بن ابی طالب * رضی الله عنه سنة من یورده که نایه هجره در حضرت مرتضایه حضرت زهرا رضی الله عنها نکاح اولمشدر * حضرت مرتضایک اولوقنده عمرندن یکرمی برو حضرت زهرا تک اون بش سنه و بش یحقی آی گذران ایتمشدی * وفات زهرا یه قدر او زیننه زوجه دیگر کتورمدی * مریدر که حضرت مرتضی هزار شرم و حبس ایلد بالذات حضور مرور کاتنا تده اختطاب زهرا یی مناسبت ایلد کده قرین قبول اولوب * قابل صدق اوله حق دستایه دن استنطاق یوردیلر * حضرت مرتضی دخی براسب و اشتره مالک اولدیغنی اعلام ایلد کده غزا ایچون اسبلن لزومنی اشعار ایلد شترک یعنه اشارت یوردیلر * بعد الیسع غنی اولان در تیوز سکسان درهمی کتوروب تسلیم ایلد کده حضرت رسول الله اول میلانی حجر عالیلرینه وضع و اندن برقبضه آلوب طیب اشترایتم ایچون بلاله اعطا ایلدیلر * کمال مهامد نصکره حضور اصحاب کرامده عقد نکاح یوروب تجنیزی خصوصنه امر یوردیلر * حضرت مرتضادن مریدر که بزم ایچون بشم ایلد کنده بر فراش و ایف خرما ایلد محشوا دمدن بریصدق ترتیب اولنوب حضرت زهرا یانکه کلد کده قدومه منتظر اوله سن دیوامر یوردیلر * بعده حضرت زهرا ام ایمن ایلد کلوب خانه تل بر طرفنده و بند دخی بر طرفنده قعود ایلد * بر زماند نصکره حضرت رسول الله تشریف ایدوب ام ایمندن قرتداشم بونده میدردیو سوال یوردیلر * اولدخی بونده در کریمه کریا کاتر و یچ یورجه سزدیواسف سارا ایلد کده حضرت خرقه عالم دخی نم یوردیلر * بعد با یجرو کوروب فاطمه دن بر مقدار صو طلب یوردیلر فاطمه دخی بر چناق ایلد صو کتوروب اول صوبه یچ ایلد کد نصکره فاطمه یه تقدیمه امر یوروب * اللهم انی اعینک هایل و ذریتم من الشیطان الرجیم دعاسله و یزاید اول صو یی فاطمه نل طرف قدومه و فرقه دو کدیلر

بعده ارفه سنی دوتوروب میانه کتفیه نه ده دو کدیلر * یکادخی امر یوروب بدشگاهنه مشولده فاطمه یه اولان معامله حرز و تعویذ یکادخی ارزانی یوردیلر کد نصکره ادخل با هلال باسم الله والبرکه امر شریفله رخصتمای خلوت اولدیلر * کنبه علی بن ابی طالب * کرم الله وجهه برکون حضرت سلطان الانبیا خانه زهرا یه تشریف ایدوب این ابن عمل تعبیر یله جناب مرتضای سوال یوردیلر * حضرت زهرا دخی منفعلامسجده عزیمتدری خبر وورد کده سعادتله مسجده تشریف ایدوب کوردیلر که * اول جوهر تابناک اغشته خال اولوب سروروی و کسوی عنبر بوی بر عیار اولمش با نور ید نواز شله غیار بن سبل کوب اجلس یا ایاتراب یوردیلر * من بعد ابوتراب ایلد حضرت علی مکی اولدی * شیعه مرتضوی یورسمه ایلد که یخن حسب البشیریه زهرا ایلد میانلرنده بر منافسه واقع اولسه قطعاشق شفه عتاب و خطاب * ایللیوب همان کندی باشنه طبراق تشار ایدر ایدی * حضرت علیه السلام سر مرتضویه طبراق اثری کور یچک طرف زهرا یه مفر الخاطر اولدیغنی یلورلر ایدی * تحویل قبله اول مقتدای جماعت اسلام علیه اجل السلام حضرت تارینه قبل الهجره و بعده ها قبله جهت بیت المقدس اولوب لکن مکه مکرمه دن استدیار * خصوصاً یهود ایلد مشترک اولان قبله یه توجه ایتل طبع شریفلرینه کرانبار کلد یکنندن * بغایت متالم اولوب طرف ربانیدن قبله کعبه اولغنی دائماً آرزو ایدرلر ایدی * برکون مسجد شریفلرنده جا عتله صلو فطره شروع یوروب ایکی رکعتی ادا ایلد کد نصکره رکوعه وارد قلرنده حضرت جبریل نازل اولوب * قول و جهل شطر المسجد الحرام * کریمه سنی سمع همایونلرینه واصل ایلد کده همان میل قبله نما کی حالت رکوعده جانب کعبه یه متحول اولوب اقتدا ایدن اصحاب کرام دخی * فی تردد صفر یله تحول ایلدیلر * هنوز امر تحویل تمام شایع اولماغله اول کونک فرداسی بعض صحابه کرام مسجد قیاده صلو فطره قبله قدومه یه متوجه اقیامده ایکن پیام تحویل قبله رسیده سامعه لری اولغله در ساعت روی توجیهی جهت کعبه یه توجه مسارعت ایلدیلر * مهمه * محل نزول رخصت تحویل عند البیضاری مسجد ابی سلمه در * لکن شهاب خفاجی حاشیه سنده یو کلامی تخطئه ایتمشدر ملخصی بودر که * عند الجمهور قبل الهجره قبله معظمه کعبه مکرمه و عند ابن عباس حجره الله اولوب نهایت الامر جوانب بیت الحرامدن اول جانبده تشریمه بند نماز اولور ایدی * که کعبه مکرمه بیت مقدس ایلد ذات اقدس نبوی میا تده قالور ایدی *

بعد الهجرة برسته درت آی مدتینه صخرة الله طرفه متوجه عبادت
ایدوب بعده وقعه بدردن ایکی آی مقدم شهر رجب المرجبه زوالد نصکره قول
وجعل امری حکم اوله ضرب قلم نسخ ایتمکله * حضرت صاحب رسالت
منبر اوزره تلاوت برله حکم جدیدی اشاعت پیورد قد نصکره صلوٰه طهری
ادا پیورد یلر * خبر تحویل اهل قبا به روز دیگرده صلوٰه فجر اداسته قیامده
ایکن واصل اولغله در ساعت تحوله مبادرت ایلد یلر * اما یهود طائفه سنک
قبله می تبه صخر اسنده تائه و سرگردان اولد قلمی وقتده امر موسی علیه
السلام ایله تابوت السکینه اولوب نه محله اولسه لرا کامقابل ادای صلوٰه
ایدر لرایدی * قدس شریف فتح اولند قد نصکره تابوتی صخرة الله اوزرینه
وضع ایدوب یته کامتوجه اولور لرایدی * تابوت رفع اولند قد نصکره
صخرة به متوجه اولد یلر * و صخرة الله حضرت عیسانک دخی قبله سیدراسمانه
رفع اولند نصکره اشیاخ نصاری زعملر نجه جانب مسیحان اختیار ایلد کاری
جهنمه مآذون اولق ادعاسته مبنی مشرق جهتی قبله اتخاذ ایلد یلر * و یهود
قومندن سامره طائفه می حج و غازی نابلس ناحیه سنده واقع جبل طوره
تخصیص ایلد یلر * فرضیت صوم * سنه مزبوره شعبانده بعد تحویل القبلة
صوم شهر رمضان فرض اولشدر * فرضیت زکوة * و فرضیت زکوة
اموال بوسال فرخنده قال اثار حسته سندن معدود اولشدر * صدقه فطر
سنه مزبوره رمضانک یکر می سکرنجی کوفی صدقه فطر لزوجوبیتی ثبت
جریده اعمال مسلمین اولشدر * تخمیه * امر تخمیه دخی اول سنه اثار
مستحسنه سندن در *

* رقیه عصماء ابن مظعون نووا * صلوٰه عید مسجد قبا بنوا *

رقیه مبتدادر * عصماء وزن ایچون قصر اولنوب بعده التقای ساکنین ایچون
تلفظدن الی دخی اسقاط اولندی تقدیر عا طفله رقیه اوزرینه معطوفدر * ابن
مظعون دخی تقدیر عا طفله معطوفدر * نووا ما توامعنا سنه جمعدر ضمیرنده
تغلب وارد در جله می خبردر * صلوٰه عید مقدر شرعت فعلک فاعلیدر
یا خود مبتدادر خبری شرعت جله سندر * مسجد قبا مفعولیه منصوبدر
فعلی مؤخر بنوا کلمه سندر وزن ایچون قصر اولشدر * بنوا کلمه سنک ضمیر
جمعی حضرت پیغمبر علیه السلام ایلد اصحاب کرامه را جمعدر * بویتمده بش
لایتمده در جدر * وفات رقیه * قتل عصماء * وفات عثمان بن مظعون
مشروعیت صلوٰه عید * تجدید مسجد قبا * وفات رقیه * بنت النبی
علیه السلام حضرت رقیه بنت نبی دیشان مقدمه بن ابولهبه و همشیره

مختر مری ام کاتوم دخی عتبه بن ابولهبه تزویج اولنوب * بنت یدا
ابی لهب کریمه می نزولنده ابولهب نامده ب مر قومله مفسار قتل یله امر
وازام ایتمکله میانلرنده تفرقه واقع اولشیدی * بعده حضرت رقیه عثمان
ابن عفان رضی الله عنه حضرت نلرنه تزویج اولنوب و برابر حبشه به هجرت
ایتملرایدی * سنه مر قومه ده حضرت سلطان الانبیاء مر که بدر کبراده
ایکن وفات ایلد یلر * زوج مختر مری کی حسن و جماله علم ایدی *
حتی حقلرنده اشو بیتله مدیحه خوان اولد یلر *

* اعجب شخصین بری انسان * رقیه و بعلم با عثمان *

قتل عصماء بنت مروان الیهودی * اول ملعونه ابدی خطمی قبیله سندن
برکسه نل ز بر ازدواجنده اولوب همیشه طرف اسلامه سنک انداز سب
ودشنام * و خصوصاً اول وقاحه بیحیا و سلیطه هرزه در * جانب سلطان
الانبیاء کلام ناموزون و بی معنایله حاشا هجومه اجتر * و همواره اهل
اسلام اوزره کفاری تحریض و اغرا ایلد یلر * بوجهتمله حضرت
علیه السلام اول ملعونه دن بضایت از رده خاطر اولغله * غیرین عدی
الخطمی که کرچه ظاهرا نایبنا ایدی لکن حقیقتده کوزی اخقلردن ایدی
قبیله مر قومه دن حائز قصب السبق اسلام اولشیدی * مکارة مسفوره نل
قتلنه طرف سلطان الانبیاء دن نامزد اولغله * برکیجه اول بریده کیسولنک
سر رفته دخوله فرصت باب اولوب حساس ایلر * سنه برکینه می اوزره
بر طفل شیر خوار و کندیمی اولادی میبائنده مار خفته وار مغلوب خواب
کرانبار اولد یغنی ادرالک ایلد کد نصکره * آهسته آهسته رضیعی سینه سندن
الوب بر طرفه وضع و سر شمیر عدد و تدبیری کاف نافه القایلیدی *
بعده قوت بازو ایلر اول تختنه پاره کنیف خذلانی زمینه میخلوب بردخی
مجال حرکت حسمت ایلدی * اول کیجه یته عودت ایدوب صلوٰه فجر
یشوای انبیاء رقه سنده ادا اندی * بعد الصلوٰه حضرت سید الکائنات
عمیره خطاب ایدوب دختر مروانی قتل اتد کی پیورد یلر * اولد دخی فم
بارسول الله اما عجبا بو خصوصه یکا بر ضرر اصابت ایدری اوله دید کده
حضرت پیغمبر دیشان لایتنطع فی اعزان پیورد یلر * یعنی انک ایچون
ایکی یکی یا خود ایکی آهونه ماطحه ایلر مرام دی هدر در * کسه فانی
دعوا ایلر بو کلام بلیغ المال * می الوطین مقال بدیع الانجالی کی
فم رسول اگر بدن رسته رسته جوامع الکام اولان جواهر زواهر دندر *
اول خلاده حضرت عمر طریقه استهجاب اوزره کورک بواغی کی کیجه

راه اطاعت الهیة نه کونه سیر بلیغ و سعی پیدریغ ایلدی * دیجل
حضرت علیه السلام باعمر را کاغی دیه بلکه بصیردر پیوردیلر * بعده
عمر خطمی قبیله سندن اولغله منزله مراجهت ایدوب ملعونه نل دفن
نجیفة کتیفه سنه تصادق ایتکله * اهل قبیله دن باعمر بوخیشه بی سنی
قتل ایلدک دیواستفسار ایدنله * اول سر یازدین نعم فکبدون * ثم لا تظرون
والذی نفسی بیده لو قلتکم باجمکم مثل ما قالت لا قتلکم بسنی هذا حق
اموت اراقتکم شمشیر جوابیله رشتنه خطابلرین قطع ایلدی * من بعد قبیله
من پیورده سراج و هاج اسلام لامع الانوار اولوب * اخفای دین ایدن
مسلمانلر اظهار ایلدیله * وفات عثمان بن مظعون * رضی الله عنه سنه
من پیورده اصحاب کرامدن عثمان بن مظعون ضاعن سوی و فی امانتتمون
اولشدر * مشروعت صلوة عید * سنه مرتومه ده صلوة عید نظر واضعی
مشروعیتی رونما اولشدر * تجدید مسجد قبا تحویل قبله خصوصی مستقر
اولدقدنصرکه حضرت سلطان الانبیا عازم محله قبا اولوب * قبله سنی
جانب کعبه یه تحویل و دیوارنی حالا اولان موضعه تقدیمه امر تجدیدی
تکمیل پیوردیلر *

* بدر اغزا کدر اوسویقا فیتقاع * وبعث سالم نوغزالاطاع *

بدر اقولی مفعول غزادر کدر اوسویقا و بنی قینقاع تقدیر عاطفه معطوفلردر
وبعث سالم ووقع بعث سالم تقدیر نده در * نومنونانی السنة السادسة والخمسين
تقدیر نده در * مؤخر غزافعلنه متعلقدر * المطاع ضم معیله محذوف النبی
لفظنک صفتدر * بویلت بش لا یجھ فی محتویدر * غزوة بدر * غزوة کدر *
غزوة سوبی * غزوة بنی قینقاع * بعث سالم * غزوة بدر * نکاریده کال
بدیع الاثار اولدیغی اوزره غزوة شیراده تلاقی قریقین واقع اولوب جانب
شامه اعترام ایدن قافله قریبک مال و منالی داخل حوزة انقال اولماشیدی
اول قافله قافله نل طرف ام القرابه قفول ورجعتلری زمانی متقرب اولیجی
حضرت علیه السلام طلحه بن عبد الله ایلد سعید بن زید نامزد خدمت
نجس پیورملریله * طرف کاربانه اب روان اساجریان ایلدیله * انشای
راهنده حسب الاقتضا منعوق اولملریله بعد الرجوع حضرت پیغمبر ذیشان
مدینه ده بولدقلری جهنندن عقبلر نجھ شتابان اولوب غزوة بدردن سالما
غافا عود و انصرافلرینه مصادفت ایتکله * خلال طریقده معسکر همایونه
ملحق اولدیله * حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم طلحه و سعیدی
ارسال پیوردقدنصرکه بجای قحلی وحی خدا اولان ذهن عالمنازنده

صورت نهضت جلوه پیر اولغله * ولادت با سعادتک الی یسبحی و تاریخ
هجریه نل ایکنجی سنه سی ماه رمضانک اون ایکنجی مبارک سبت کونی
الشمس درت نفر منساجرین * وایکیموز قرق برنفر انصاردن بهما و جیموز
بش عدد مبارز ایلد مدینه دن حرکت وزیب زین مطیة عزیمت اولدیله *
سکر کسنه حسب العذر مختلف اولوب لکن صفوف اهل بدره ادراج اولغله
مهم ثوابلرندن حصه مند اولدیله * بریسی ابوالبابه درکه مدینه ده *
استخلاف پیورلدی * وبری ابن ام مکتوم درکه امامت خدمته تعیین ایلد
توقیف اولندی * و اوچنجیسی عاصم بن عدی الجعفی درکه سامعه
حضرت سیدالابراره اصحاب مسجد ضراردن بعض حوادث واصل اولغله
طرف عالیارندن قبا و عالیه خلقنه حاکم نصب اولندی * دردیجیسی
حضرت عثمان درکه اول ائشاده علت جدی ایلد منحرف المزاج اولد یقندن
بشفه حلیله جلیله لری رقیبه بنت رسول الله پیار اولغله تخلفه رخصت ارزانی
پیوردیلر * بشنجیسی حوات بن جبردرکه وادی صفرا ده دوه دن دوشوب
قدم مکرملری ازرده صدمه حیر اولغله بالضروره مدینه یه ارجاع اولندی
التنجیسی ابوامامه درکه مادرلری خسته اولغله تخلفه مآذون اولدی *
طلحه و سعید ایسه جاسوسلق خدمته تعیین اولمشلر ایدی یوسف زعفر
احتواءه لوی بیضا که ازار صدیقه دن ایدی * دوش مصعب بن عیبه
سایه بخشش اولوب * پیشگاه رسول الله ده افراشته اولان ایکی علم سیاهل
بریسی که عقاب ایلد معمار * حضرت مر قضا یه و دیگر سیب الاوس
سعد بن معاذه نسایم اولندی * مهمه * بعض اصحاب سیراسته اصحاب
رایت فیروزی پیکر ملحه خمیره حادث اولدیقنه ذاهب اولدیله * لکن
مذهب مزبور ابن عباس رضی الله عنهما حضرت تلبیندن روایت اولنان
اشبو * انه صلی الله علیه وسلم اعطی علیا الراية يوم بدر وهو ابن عشرين
سنة حدیثله مر دود اولدیغی نمایان اصحاب شعوردر * تته * یوسف زعفر
غایت مرام قافله بی نمب و اغتنام اولغله مهمات قویه ایلد چیتایوب
حتی لشکر نصرت پرورده بالکراوج راس آت و تیش دوه بوانغله * بالمناوبه
والمراذه سوار اولدیله * فته مشرکین تمام یل نفر اولوب یوز راس آت
ویدی یوز دوه لری واریدی بوجه تله میانده مشعل اولان آتش حرب
وجهم ادولتواعدتم لا خلتفتم فی المبعاد و لکن ایقضى الله امر اکان مفعولا
کریمه می مصداقی من غیر قصد ولا مبعاد واقع اولشدر * و تقابل صفین
و تقابل صفین رمضانک اون یکنجی جمعه کونی وقوع بولشدر * والحاصل

ظمی من اجل ایدرک منزل روح منصب رایت تفرقة اولدقده * طائفة
قریشک عموما مکة دن چیه قوب قافله بی استقباله مسارعتی موع نبوی
اولشدر * تفصیل قصه بودرکه مقدم حضرت پیغمبر ذیشانک نهیب کار
بانیان ایچون من حله عشیرایه سوق موکب جلاله عنوان بیوردقاری
ابوسفیانک مسعودی اولغله هنکام عودتده متبصرانه حرکت ایدوب
دمیدم تجسس و اخباردن خالی اولمزایدی * حالیا قافله نل شامدن ققوله
انتظار و باجمله اصحاب کرام استغفار بیورلدیغنی تحقیق ایلدکده * قبیله
غفار دن ضمضم بن عمرو ی بکرمی مثقال التونه استیجار ایدوب یونیم
وحشت انجای صنادید قریشه ابلاغ و اخبار * وعامة اهل مکة بی استغفار
ایچون بروجه استعمال طرف ام القرایه ارسال ایلدی * اولدخی یاد صبادن
استعاره سیر و سیر ایدوب سبارش ابوسفیان اوزره هنکام استغفازده رسم
معمود عربانه ایلدیش و پس پیراهنک دریده و شیرین کوش و انقی بریده
ایدوب اول قیافله مکة به داخل اولدی * مکر ضمضم مرسومک وصولندن
اوج کیجه مقدم عاتکه بنت عبدالمطلب واقعه سنده کوردیکه بر شتر سوار
کوب وادیده طور دی و او از بلند ایلدیاال عذر اوج کونه قدر سیاستکا هکزه
ایر شکه اقدام ایلدیه سزدیو فریاد ایلدی * خلق اطرافنه جمع اولوب اول
ادی اوزنه به الدیلر بو حلاله اول کسنه مسجد حرامده داخل اولدی خلق دخی
منابعت ایلدیلر * یوار القده دوه سی اول کسه ایلدیاام کعبه به منصب اولدی
انده دخی نه بویله ندا ایلد کدنصر کوه جبل ابی قبیسه چیقوب انده دخی ندا
ایلدی * بعده بر جترة عظیمة قویاروب اشاخی پرناب ایلدی * اول صخرة کوه
یکر پایان جبلة ولوله کستر اولدقده پاره لنوب جبلة بیوت مکة به بر پاره
اصابت ایلدی * بیدار اولیجی صورت واقعه بی برادری عباسه نقل ایلدی
واحد هما آخره وصیت کتبی تقدیم نصر کوه عباسک نور و یا مناع صبر
و نهجانی سپرده دست یغما ایتکله * بی اختیار عقد موافقت کتبا لله صدیق
غنکساری اولان و امده * اولدخی اوغلی عتبه به نقل و اخبار ایلدی * روزفته
رفته روای عاتکه شهره شهر و بازار اولدی * روزدیگر عباس طواف ایچون
حرم شریفه واروب اول اناده صنادید قریش فهای حرمده روای عاتکه بی
درمیان ایتشلا ایدی * ابو جهمل ملعت استیناس حضرت عباسی
کریل طواف نصر کوه الحرامه و رودی الناس ایتکله * عباس دخی
بیت المقدس و اوق کوب جلاله داخل اولدی * و انان ابو جهمل ملعت عباسی
منزله اولوب ای بی عبدالمطلب سیزده بونیه نه وقت حادث اولدی دیدی

حضرت عباس دخی اصلندن شوال ایلدکده روای عاتکه بی بسط ایدوب
رجالکزله ادعای نبوته قانع اولوب شمدی نسوانک زده اول دعوا به دوشمش
اوج کون مرفرو بزرده کریمان صبر اولوب اگر فی الحقیقه صدق ظاهر
اولورسه قیبالا کذب قیبال عرب بنوعبدالمطلب درد یو بر کاغذ یازوب
سزنی غامه رسوا ایدرز دیدی * کرچه عباسه ملعونک بوسنک پاره هزیانی
وجود نادان قدر کران کوب * لکن مصلحت وقت اقتضای چهره شاهد
حاله برده کش انکار اولوب دفع مجلس ایلدی * اخشام اولدقده باجمله زنان
بنوعبدالمطلب عباسه کوب بوملعون مخزوله بوقدر رخصتله قرشوسنده
سکوت ایلدیکر زجالکزی قیوب شمدی نسوانکزی دخی نشانه تشابه
طعن و اذا ایتکله بشلدی * دیو طرف طرف * سرزنش و عتاب ایلدیلر *
عباسه غیرت غلبه ایدوب حلف بالله ایلدیکه اول ییدین بد اینه تعرض
ایلده * فرداسی که موعدر روای عاتکه اولان یوم نالندرا بوجهمله مقداری
بلدرمل ایچون مسجد و واروب انده اول نفس اماره دن اشرا بوجهمل
بد کهری کوردکده * دونکی کلامی اعاده ایلده که باعث هیجان انتقام اوله
دیو اوزرینه توجه ایلدکده * ابو جهمل همان قاتل قوب سنابل حرمدن طشره
کتدی * عباس گندودن فرار ایلدی ملا حظه سنده اولوب مکر اول امین
بد کردار ایلده وادیده ضمضم بن عمرو کفریادی ایشیدوب اکاپویان اولمشیدی
بعینه بروقی روای عاتکه ضمضم وادیده طوروب بامعشر قریش اللطیمة
اللطیمة یعنی مستحب ابوسفیان اولان بزوطیله بر بار قافله کزه امداد
ایلده * مزکه محمد و اصحابی انی غارت ایدرلر * اگر بر دقیقه تسکاسل و اهمال
ایدر سکر چهره فلاحی روایده دخی کورملک تمتع الاحتمال و القوت القوت
دیو فریاد ایلدی * کیفیتمال عباسک معلوی و ایجی ساکت اولوب جبلة
قریش تشویش واضطرابه دوشدیلر * روای عاتکه دن هر کس ملا حظه
و خامت عاقبتله مستغرق بحر دهشت اولدیلر * یوحادنه نل تدبیری ایچون
برارایه جمع اولوب محمد و اصحابی بونیده قافله ابن حضرمی کبی سهل المنالی
ظن ایدرلر * والله انلر بودقعه مقابلی کوررلر دیولاف و کذا فلر ایدوب کبی
بالنفس عزیمت و کیمدی بدل ارسالنه مبادرت ایلدیلر * اقویاسی ضعیفا سنه
امداد و اعانت ایدوب اشرا فی ایلده بیدری استغفار شکر رض و اغر ایدرلر
ایدی * خذله قریشدن سهیل بن عمرو امداد کار بانیان ایچون تعبیرات غیرت
انکیر ایلدیمدم بال غالب محمد و اهل بیثیدن اکاتبیع اولنلر بولجه مالک
اولدیکر مالی تاراج ایدوب سیرزنه کونکزه طوره سزقنی غیرت و ناموس

مال و قوت استغفار استه مال و قوت عرضه متد در دبه رگ جیختن اولور
ایدی * ما حصل نصرت قافله ضمتده جمله سی همدست اتفاق اولوب بر فرد
برات معاف ویرمد یلر * انجی رزای عاتکه دن خوفله ابولهب متخاف
اولوب بریته عاص بن هشام بن مغیره بی بدل تعین ایلدی * وهنگام
مخاربه ده تشجیع کفار و قدح و تقطیع لشکر ابرار ایتل ایچون ایچه
مغنیه لدخی استعجاب ایدوب ماتد باد نسکا قافله طرفه ره پیا اولد یلر *
دستور مسطور اوزره سرور انبیا علیه افضل التحایا حضرت نری روحیه نازل
اولد قلزنده * قریشک مهم مات و قیره ایل کاربانیانه امداد ایچون مکه دن
جیق قدری معلوم شیر نلری اولد قده * وجوه مهاجرین و انصار ایل طلب
عبود و حرب تغیر خصوصند عقد انجمن مشورت پیوروب * ان الله تعالی
وعدکم احدی الطائفتین العیر * احب الیکم من النفره تعبیر یله استطلاع
سیریه تغیر پیور دقلزنده * بی یار رسول الله الحاله هذه نهب کاربان حرب
دشمنان دن من جحد ربو کونه قتال احتمالی مدینه ده ایکن اشعار پیورلش
اولیدی علی السکال تقدیم اهیه جدال و انور ایدی * دیوغمه مقدمه
اعتذار ایلد کارنده خاطر عاطر سیدالابرار قرین انفعال و اغیرار اولغله *
بشره بریشم و لطافتلرینه تغیر عارض اولدی * ته که کما اخرجک ربک
من بینک بالحق وان فریقنا من المؤمنین اسکارهون کریمه سنک سبب نزولنده
ابو ایوب دن بووجه اوزره مرویدر * همان یار عار صدیق حضرت صدیق بعد
جراغ منبر و محراب جناب عمر بن الخطاب رضی الله عنهم * قدم رجا اوزره
قالقوب یار رسول الله امر شیر یفکزه نه کونه ایسه انقیاد و اطاعت واجبه
ذمت ضراعتزدردید یلر * بعده مقداد بن اسود رضی الله عنه ماتد اسد
قالقوب یار رسول الله امر ربانی هر نه ایسه تنفیذ نه امضا پیورلش مستعد عادر
جمله من جان در میان مطیع فرمانر بر سره بن و امرا ایل حضرت موسی به
دید کاری کبی اذهب انت وربک فقاتلا انا ههنا قاعدون دیمرز * بلکه
اذ هب انت وربک فقاتلا انا معکم مقاتلون دیمرز * سنی حقه بعث ایدن
خدای بیچون حقیچون اکر بزی اقصای ملکیت حبشه ده اولان برک العباد
نام شهره کونر سکر ماتد عز و علا رکاب دستطاب معلا دن یکقدمه منفک
وجد اولوب ظفر باب اولیجه حرب و وعاده جد بلیغ و سعی بیدریغ ایدرز
دید * حضرت رسول اللهمک جالنه کشایش کلوب مقداده تحسین و دعا
ایلد یلر مریه انصار مقدما دیار لنده معاونت ایتل اوزره یعتدار اولملریله *
حسب العهد یو باید روگردان اولتی خاطره سته بنی حضرت جامع النبوة

والولایه بطریق السکایه تکرار اشیر و اعلی تعبیر یله استکشاف ضمیر انصار
پیور دقلزنده * اول قوم کرام مرام سید الانام کند یلر اولدیغنی تفرس ایتلریله
همان سعد بن معاذ رضی الله عنه قدم ضراعتنه قالقوب یار رسول الله
مکر بره پیور رمزید کده * حضرت نبی اکمل لدخی اجل پیور دیلر * بود قعه
سعد سوزه کلوب یار رسول الله بر سکا ایمان کنوروب نبوتی تصدیق ایلدک
و جانب الهیدن تبلیغ پیور دیفکزه احکامک حق اولدیغنه شهادت ایلدک
وسنک فرمانته اطاعت و امتثال ایتل اوزره کرشد عهد اولدق * مراد
همایون کز نه کونه ایسه انفاذ پیورک اول خدای بیهمتا حقیچون که قامت
لباقت سکرزی شایسته خلعت رسالت ایلدی * بر در بای سکرانه انعام
پیور سکر بریز و قفه زرد کوسر محبوب در عتب زور پنه وجود منری اول
در بایه صالغنه جان اتارز * عدو ایله مقاتله دن قطعاً بالذو پروا منر یوقدر *
هنگام خصامده اقدامز بنیان اسلام کبی متانت و استحکام اوزره در
و کلامز همیشه نقیصه کذب و تلویذن میرادر * مامولدر که باعث روشنائی
دید امد کز اوله جق مساعی جمل مزید اوله * همان سمت مقصوده توجه
پیورک کیده لم دیدی * حضرت علیه السلام بوکلامدن منبسط نام اولوب
سیر و اعلی برکه الله * ای اصحاب سیره بشارت واسوتکه جناب رب الارباب
یوایکی طائفه دن بری بکا وعد ایلدی * والله العظیم کروه مشرکینک
مصارع و مقاتلی حالانظر کا همده منقل در * و حضرت رب الانام شق محاربه
و اختصاصی بعد الایهام بکا تعین و اعلام پیور مشلر دزدید یلر * پس انسگاه
التحیاد قلب ایل عزم راه اولندی * قریش مقدحجه کلوب عدوه قصوایه
قوغله لشکر اسلام بالضروره بدره قریب برقه و مسال محله نزول ایلد یلر *
اول محله انسان و حیوان بروجهله حرکتنه جای امکان اولوب مایدی
لدخی چند اعدا احراز ایلد کدن ماعد اجمدد اقبول حفر ایتلکاه *
انار صوجهم تندن آسوده حال اولوب ارامگاه عسکر اسلامده قطره آب و قای
احباب کبی ناباب اولغله * کند یلر و جمله دوا یلری صومر قالد یغندن بشقه
اول کیجه بعضلیده احتلام اولغله ازاله و نسخ حدث ایلیه جلک صوبو لیجی
خیال باز مکر و تبلیغ یعنی لعین ابلیس فرجه بولوب * خاطر لرینه بووجه
اوزره القای و سوسه شیطانی ایلدی که * سز کند یکرزی سالت سبیل حق
اعتقاد ایدوب پیغمبر صادق الوعد بزمله در و بر اولیای خدای بره ظفر
و نصرت موعود در زعم ایدر سز لکن هنوز دفع حرارت و ازاله دتس جنابت
ایده جلک در بر ایز سز دیشکر زده نرض ارلان نمازدن محزوم سز دیشکر یکرز

صوبی ضبط ایدوب آتش کر مخیر عطش وجود کزی مختل و مشوش ایتمکه
دمبدم تاب و توانکز قالمیوب سل شمشیر قتال دکل حرکتی بمجعال اولمکزه
منتظر لر در که اول وقتده دلخواه لری اوزره سیری تپاه ایلسه لر کر کدر *
دیو قلوب اسلامیه دغدغه بخش پریشانی ایکن * ناکاه سحاب رحمت
الهی ظمور ایدوب اولقدر بغور یا غدی که هر وادیده جو بلر روان اولغه
باشلدی * هر کس توضع و اغتسال و ازاله تاب عطش ایله ترویج بال
ایلد کد نصره * قریه و مطهره لر دخی طولدر دیر * اول قوملق دخی
تاصیق بارانله متلب و مستحکم اولغه حرکت دخی اسان اولدی * بوجده له
قلوب لرندن اولکونه خلیجان شیطانی زائل اولوب قوت قلبه جنگ وجداله
بر زده دامان اولدی * وینزل علیکم من السماء ماء لیطه رکم به وید هب عنکم
رجز الشیطان وایرط علی قلوبکم ویتبیت به الاقدام کریمه سی بوحالی حکایه
نازل اولدی * حضرت شاه رسالتینش ایچون شاخساردن بر عریش
ترتیب اولنوب سعادتله انده منکا کزین و سادۀ ارام اولدی * لشکر کفاره
اوج علم و ارایدی بر فی ابی عزیز بن عمیر و بر فی نصر بن حارث و بر فی طلحه
ابن طلحه اولوب میدان مقاتله به متوجه اولدی * اشرای مشرکین فحوت
و کینه له عرصه جنگه شتابان اولد قلمی غزات دینک منظوری اولیجی
انلاردخی شیرزکی غران اولوب اول قوم شومه مقابل واردیلر * صفوف
طرفین اراسته اولیجی مغروران قریش بر کبر و طیش طرفندن ابتدا میدان
قتاله ابراز هیئت شیععه ایدن عتبه بن ربیعہ ایدی * که برادری شیهه و اوغلی
ولید ابکی طرفنده کاوب جانب اسلامدن مبارز طلب ایلدی * شیعیان
انصاردن عوف و معاذ ابی الحارث ایله عبدالله بن رواحه انلره مقابل
اولدی * عتبه اول سر بازله کیم سرزدیوسه و ال ایلدی انلاردخی انصاردن
اولد قلمی اشعار ایلد کده * انلار ایله محاربه به تفرل ایچوب با محمد میدانمزه
شرف و نسب و حسبده بزه همتا و انلری ارسال ایله دیوند ایلدی * سرور
خیل مسلمان دخی کمیته موحدینه متوجه اولوب قم با عییده بن الحارث
قم با حزه قم با علی امر ایله اوج شهباز لری اول غراب ناسازله مقابل ارسال
پیوردیلر * مندرع اولد قلمی جهندن نثار حفاذه تشخیص ایلد کلرندن
کیم سرزدیو استعلام ایلد کد نصره * نعم اکفاه کرام دیوب هر بری
بر شیر ایله آهنگ دار و کیم ایلدی * پیر سالخورده عییده همسالی اولان
عتبه به و حزه شابه به و علی المرتضی ولید بن عتبه به مقابل اولدی * بر ر ضرب

بینلرنده * نیجه حله خطا کدی اخر کار عتبه فرصت بولوب عییده تل
زانوسنی زخمدار ایتمکه در حال حضرت حزه و علی ایریشوب عتبه بی دخی
رفیق قلمیه ایصال ایلدی * و عییده بی حضور لامع النور نبوی به کتوردیلر
اول اوج بلید سفاکت کریبان حیالتلری بوکونه چالچال اولدیغنی مخازیل
اهل اشراک کورد کده * یکبار لشکر ابرار اوزره هجوم ایدوب دایران
موجودین دخی انلاری قارشولدی * و شراره فشانی آتش شمشیر ایله خرمن
هستی اعدای خا که ستر راه فنا ایلدی * و نیجه ستر انداز عرصه بسالت اولان
مردان میدان نبات رحیق مختوم شهادتله نشو منند کیفیت رحمت
اولدی * سرور کائنات علیه اسبغ الصلوات حضرت لری بار صدیق ابوبکر
الصدیق ایله عریش عرش فرساده دست رجایی برداشته درگاه کبریا و سوز
و کداز ایله آغاز دعا ایدوب انجیاز و عد نصرت استدعا سبله * اللهم ان تهلك
هذه العصاة من اهل الايمان اليوم فلا تبدي في الارض ابداد بوسکر به
وزاری به آغاز پیوردیلر * حضرت صدیق رضی الله عنه حضرت رسول
الله ک بوکونه تلاش واضطر ایله الحاح لری کور یجیل * یا رسول الله
فرع باب نیاز و سوا ل بیرون دعا اعتدال اولدی * اول وعد کریم که فرموده
رب رحیم در پی شبهه رهین انجیاز اولق مقرر در دیو تسلیم بخش خاطر انور
مید البشیر اولور ایدی * اول حالده دیده حقایق دیده رسول الله جزوی
خواب عارض اولوب همان اول لحظه ده متبسمه ایدار اولدی * مرده سکایا
ایا کدین اسلامی اعزاز و تقویت ایچون طرف رب العزتدن مدد و نصرت
ایرشدی * ایشته سپهسالار جنود ملائکه کرام جبریل علیه السلام کلدی
حالی ثنایای اسب ملکوت پیچوده سی غبار الوده در * پیشگاه جند اسلامده
صف چکوب طور دیلر پیوردیلر * بعده سرادق هریشدن سپهرم الجمع
ویولون الدبر کریمه سنی تلاوت ایدرک حقیقوب غزاة مؤمنینه اشاعت
بشارت ایلدی * جهاد نبی عظیم الانداد همان دعا اولغه اهل اسلام قتال
و خصامه مبادرت ایلد کلرنده کدی لری دعا ایله امداد ایدر لرایدی * اول
حالده اذ تستغیون ربکم فاستجب لکم انی بمدکم بالف من الملائکه مردقین
کریمه بی نازل * و قلوب غزاة موحدینه کمال تثبت و اطمینان حاصل اولدی
مهمه * بومبخت طویل الذیل اولوب اکثر مفسرین عندنده امداد ملائکه
بر وجه محرر یوم بدرده واقع اولغه * ایت من قومیه نل و ثلثة الاف
من الملائکه منزلین * و اذ تقول للمؤمنین ان یکفیکم ان یمدکم ربکم *
ثلثة آلاف من الملائکه منزلین * و بلی ان تصبروا و تتقوا و یا توکم

من فورهم هذا بمددکم ربکم بحمسة آلاف من الملائكة مستومين *
 کریمه لیتک تفسیر بر زنده اش و آیات کریمه لک مضامین علیه لری متحد اولوب
 جله سی ملحه بد زده اولان امداد ملائکه به متعلق در دیو امضا ایلدی *
 و عبارت تفسیر لری بود که بعین ثابت و تقریر اولندی * وقوله تعالی
 اذ تستغيثون ربکم فاستجاب لکم انی بمدکم بالف من الملائكة مردفين * ای انی
 منرسل الیکم مدد انکم الفامن الملائكة متتابعین بعضهم فی اربعه علی قرأه
 فتح الذال * وقوله تعالی ثلثة آلاف من الملائكة منزلین * وسمائة
 مع جبریل * وسمائة مع میکائیل * ثم زید والفقین الفین * وقوله تعالی
 اذ تقول للمؤمنین ان یکفیکم ان بمدکم ربکم ثلثة آلاف من الملائكة منزلین
 ای الف مع جبریل * والف مع میکائیل * والف مع اسرافیل * وقوله تعالی
 بلی ان تصبروا وتتقوا ویا توکم من فورهم هذا بمددکم ربکم بحمسة آلاف
 من الملائكة مستومین * ای معین اسم مفعول من الرباعی ای جعل لهم
 علامة بیدیعه حضرت شدید القوی یعنی امین وحی خدا جبریل علیه السلام
 اتم سالقه دن قوم لوط و نمود کی نیچه زورمند طائفه بی کتر ریشه سنه الوب
 زیروز برایشیکن * روز بد زده تدبیر کفار عهده اقتدار نه محول اولسیدی
 سپاه کشور ملکوتله تأییده حاجت اولدیقتدن بشقه عسکر اسلام دخی
 کافه نزاع و اختصاصه محتاج اولزایدی * بوشیوه نل حکمتی بودر که *
 اعدا اوزره غلبه و ظفر سید البشره منسوب اولق ایچون بو خدمت جلیله
 بالکزد مت جبرائیله تفویض اولمیبوب * بلکه چند اسلامه تشریف
 یورلدی * غایت الامر شان نبوی بی توقیر و فیما بعد قلوب اسلامیان
 تطمین و تقریر و دشمنانی تهیب و تحسیر ایچون معیتلرینه بشیک ملائکه
 کرام دخی تعیین یورلدی * ابن عباس رضی الله عنهم مادن مرویدر که
 بنو غفار دن برکنه بکانتقل ایلدی که * بن و عم زادم روز ملحه بد زده
 رزمگاهه ناظر بر جبل اوزره جیقوق تماشا کی بودار و طرف مفلوبل
 تهب و غارنه شعیر سا عدا بتداریدردل * ناکاه بر قطعه محاب ظنم ورایدوب
 قله کوهه قریب اولد قده در و تندن دمبدم ضعیل فرس استماع اولمغله
 دمبسته حیرت اولمشیکن * اقدم حیزوم دیو بر صوت سهمنال دخی ایشتدل
 اول سونک دهشتندن عم زادمک زهره سی چالوفی الحال افتاده خال
 ملاز اولدی * بنم دخی بر رمق قالمشیدیکه مرغ روحم نفس تندن طبران
 ایلنه هله غماسل جلادت قلبی حفظ ایدوب نه حال ایشه رها بولدم *
 اللهم انی اطلب فی کل شیء من الملائكة من الملائكة المستومين

فرس جبریلدن * قته * اول کون قاعد الخیل شیاطین یعنی ابلیس امین
 مراقبه بن مالک المدلی صورته مثل ایدوب زیر ایتنده چند شیاطینله
 میدان معرکه به حاضر * ولا غالب لکم الیوم وانی جار لکم فویذله تقویت
 قلوب مشرکینه مبتدرا یکن * جبریل علیه السلامی و معیتنده اولان
 ملائکه کرامی کورد کده دست بدست مصاحبتده اولدی یعنی کسنددن
 همان الی چکوب عونه سبله بی سپر راه ادبار اولدی * اول کسندنه باسرافه
 روا میدر که انی جار لکم دیولاف و کذاب ایدرکن بویله بی سبب کربزان
 و آب روی ناموسنی خالک فذلته ریزان ایلنه سن دید کده امین مفسد نقاب
 انی اری مالانرون انی اخاف الله والله شدید العقاب دیو غایبه قدم بصدی
 قائده * اولکون جنود مجنده فرشتگان سپید و سرخ و سبز و سیاه و زرد کون
 دستار لر صارینوب میانه دوشلرینه طیلسان اسدال ایتمشیرایدی *
 و کفار ایله قتال لری بو غزوه به مخصوص اولوب غزوات سائر ده محض مدد
 و تکمیل عدد ایچون مبعوث اولد قری مذهب مختار در * و امام نوویدن
 عدم اختصاص لری مقولدر زیر اصحیح مسالده اخذ معرکه سنده دخی
 مجاهدین دینله برابر محاربه ایلد کاری مبتدر * صاحب اصل دخی
 عبون الانسان صاحبی کی مسالک نووی بی اختیار ایدوب مقادله ملائکه
 وری حصی بد زده مخصوص اولمیبوب احد و حنین مغر که لرنده دخی اولدیفته
 ذاهب اولمشدر * رمی حصی ماده سی بودر که دستور مسطور اوزره حضرت
 علیه السلام سیهزم الجمع نظم شریفنی تلاوت ایدرک حضرت ابوبکر ایلله
 عریشدن جیقوب و زمیندن بر قبضه قوم آلوب شاهت الوجوه دیوب
 کفار خا کسار طرفنه صا جلدی * یاذنه تعالی اول پریشان ایتد کاری
 قوملر صر و اشرا بر کشته روز کاره بشوب کوزلرین و دماغلرین مالا
 مال ایتمکله بی اختیار آهنگ فرار ایدوب نیچه صنادیدی طعمه شمیر
 و نیچه لری اسیر اولوب حقیقت فلم تقتلوهم ولیکن الله قتلهم و مار میت
 اذ رمیت ولیکن الله رمی ظاهرو و تعالی اولدی * مهمه * بعض کسندلر
 اشبواب کریمه نل ظاهرینه نظر ارمی فعلنی بالکلیه جانب پیغمبر دن
 سلب و جانب الهی به تمیض ایتملرله بوماده بی اساس بنیان متعطل
 الارکان مذهب جبریل ایلدی * قالدی که بوقول مخیفه کوره و ماصلیت
 از صلیت کلای دخی ثابت اولوب خلاصه سی بنی ادم دن صادر اولان جله
 افعاله کندیلرینک مدخلی اولمیبوب مجوعنک فاعلی حق جل و علی اولق
 اقتضا ایتمکله * حضرت حق مطیع و عاصی اولق لازم کلور * تعالی شانه

عما يقولون بلکه مفهوم شریفی بود که حضرت باری عز شانه رسو اندن
ابتدای ایصالی نئی ورمی خدنی طرف رسالت برین اثبات ایلد کد نصکره *
رمی ایصالی قدرت بشریه دن خارج خارق عاده اولغله جانب الوهیت برینه حصر
و تخصیص بیوردیلر بعینه صدق عبدی فیما تبلغ عنی منزله سنده اولور *
و علم کلامده متقرر اولدیغی اوزره غیرله فعلی بروجه له حضرت حقل فعلی
منزله تنزیل اولمز * تته * خلال قتالده عکاشه بن محسن الاسدی رضی
الله عنه حضرت تباریک قلمی شکست اولغله حضرت رسول الله کلوب
ارأت ایلد کده الله برهین مباره صوندیلر * عکاشه انی قبضه اقتدارنه الوب
اعمال ایلد کده طویل القامه شدید المتن بیاض الحديد برشمیر عدد و تدبیر
اولوب * انکاه نیجه سربازله ایلدی * واکاعون ایلد تسعینه اتدی * وینه
اشای و غاده قاتل ابوجهمل معاذ بن عمروک بازوسی بریده تیغ عکرمه بن
ابوجهمل اولغله رابطه اتصال الحق برجلد رقیق قالوب حضور سید الوریاه
کلد کده ابدهان حیات افزالریله کالاول درست اولدی * ما حصل تصادم
امواج افواج اسلامیه انکه کثر جنود بد بود کفر و طغیانک خیاره
وجودری نابود بحر فنا و مقدمات سعی و کوشش لری منتج رنج و عنا اولوب
وا کثر صنادید لری خصوصاً سرکرده مشرکین شکل مختل کبرو کین
ابوجهمل امین فریسه شیر شیر اولغله یکباره منهنزم و اهل اسلام فوق
نایتصو ردا و همام مقتنم اولدی * خصوص دق جیف کفارده زمرة
ابرار زجنگش اولماق ایچون اجساد دوزخ معاده مشرکین حسب الامر
العالی برجاه ایچره متواری ایلدی * پیغمه امیه بن خلف زره ایچره
منتفخ اولغله چاهه * نقلی ناممکن اولدیغندن کشمکاهنده بریده سنک
و حال ایلدی * بعد قضا الوطرمیدینه طرفته تحویل رایت ظفر یکز
اولند قده * حضرت رسول الله کار چاهده عنانکش اولوب هر برینه
اسلمیله یا فلان یا فلان دیوند ایلد کد نصکره * هل و جسدتم ما وعدکم الله
ورسوله حضا فانی وجدت ما وعد فی ربی حقا بئس العشرة کنتم کذبتم و فی
و صدق فی الناس * یعنی منزل جزای سوری اعمال کز ایچون سببی ایدن
وعد الهی بی حق بولد یکز می * هله بن ریم بکا ایلدیکی وعد کریمی حق
بولدم و انجازه منظم اولدم * ای طائفه منزل نهیب بدترین عشار
اید یکز که بنی سز تکذیب ایلدی کز سائر ناس تصدیق ایلدی بیوردیلر *
عمر بن الخطاب رضی الله عنه یا رسول الله اشباح بی ارواحه می خطاب
بیوردی دید کده * یا عمر بن کلامی * من انزل دن زیاده ایستمر من انزل

ایشیدر لر لکن رد جوابه استطاعت لری یو قدر بیوردیلر * فائده * کیفیت
سماع لری اکثر اهل سنتک مسلت مختاری اولوق اوزره بعد الوفات روحک دم
سؤال منکر بنده اولدیغی کبی کلا او بعضا عودتیه مبنی اذان رؤس لریله
واقع اولشدر * یا خود توجه سؤال برزخ من غیرد بالکزر روحه اولوق
مذهبنه کوره کوش قبله یا صماخ جاتله * و علری اولشدر * لکن ظاهرا
و مانت بهمع من فی القبور ان انت الانذ بر نظم منیر بنه منافات محسوس
اولغله * ائمه تحقیق افانت تسع الصم اوتهدی العمی کریمه سنه تمثیل ایلد
توفیق ایلدی * یعنی کفار بد کردار مرده دل اولوب کلام حق قبول
و صورت صدق و صوابی مشاهده دن نکول ایلد کلری حبسبله موتی
واصم و اعنی منزل لرینه تنزیل اولندیلر * خلاصه می توفیق و هدایت
و اذان قبول لرینه ایصال موعظت منحصر اراده رب العزتدر * بدیعه *
علامه زمان ابن جابر علیه الرحه ملحه کبرای بدری یو کونه نظمیه بیان
ایتمکله بعینه ثبت اولندی

بدایوم بدرو هو کالیدر حوله * کواکب فی افق المواکب تجلی
و جبریل فی چند الملائک دونه * فلم یفن اعداد العد و المخذل
رمی بالخصی فی اوجه القوم رمیه * فشردهم مثل النعام المجل
و جادلهم بالمشر فی فسلوا * فجادله بالنفس کل مجندل
عبیده مل عنهم و حزة واستمع * حد بشهم فی ذلک الیوم من علی
هم عتبوا بالسيف عتبة اذعدا * فذاق الولید الموت لیس له ولی
و شیهة لملا شاب خوفا تبادرت * الیه العوالی بالخضاب المجل
و جال ابوجهمل خفق جهله * غداة تردی بالردی عن تذلل
فاضحی قلبی فی القلب و قومه * یومونه فیها الی شر منزل
و جاهم خیر الانام مو یحنا * مفخ من اسماء هم کل مقفل
واخبر ما انتم باسمع منهم * و لکنهم لایستدون لقول
سلا عنهم یوم السلا اذ تضاحکوا * فساد بکاء عاجلا لم یوجل
الم یعلموا علم الیقین بصدقیه * و لکنهم لایرجعون لمعقل
فیما خیر خلق الله جاهل مجانی * و حبک ذخری فی الحساب و موئلی
علیک صاوة یسمل الال عرفها * و اصحابک الاخبار اهل الفضل
عنوان قصیده اولان بداکله می ظهر معناسنه * مواکب جمع موکب مزین
و محتشم اولان سوارانه اطلاق اولنور * دونه عنده معناسنه در * مخذل
تخذیلدن اسم مفعولدر * شردهم فرقههم و طردهم معناسنه * نعمام

جمع نعامه در که دوه قوشیدر * مجمل جیان و مسرع فی الفرار معنایه در
 مشرق میکل و رانک فتی و یانک تشدید یله قلع معنایه در * ابو عبید دیدیکه
 مشرقی مشارقه منسوب اولان قلعدر مشارف شول قریه لر در که ارض
 غربدن ریفه قریب برلده در * لکن سیف مشارقی دیمک جاتزد کلد زبرا
 علم اولد یقه صیفه جمعه نسبت اولمز * مجندل قوی و عظیمه اطلاق اولنور
 و جادلهم بخادله کله لری جود وجدال دن مأخوذ اولمغه متعل جناسی
 مشتلدر * عتب حشم ایتک معنایه در یوم مقامده لازمی اولان جمله
 و هجوم ایتک مراد در * عوالی عالیه نل جمیدر نیزه معنایه در *
 خضاب بویه معنایه در * قلب فعیل و زنده مقلوب معنایه در قلب
 ثانی چاه قدیم معنایه در * یومون یقه دون معنایه در * مقول کسر میم
 و فتح و اویل لسان معنایه در * سلا عنهم کشف الحزن عن جمهم با خود
 فرغ و تسلی و تخلف عن کریم معنایه در * قفائیل قیلندن اواق دخی
 مختلدر * یوم السلا یوم الامر العسیر دیمکدر * انقطع السلا فی البطن مثلته
 اشارت در * عرف فتح عینلدر ایحه معنایه در * تکله * حضرت عباس
 دخی اول معرکه ده حاضر اولمغه ابو البسر نام برضه یف البینه کسندیده
 اسیر اولمغه ابو البسر پنجه عصفور کی پنجه که المی ممکن ایکن عجب که
 اکامغلوب اوامش سن دیو کند و دن سئوال اولد قده تصدیق ایدوب واقعا
 حال بویه در اکن بکا مقابل اولد قده نظر مده جنال مکه دن خندمه نام
 جبل کی کورنگاه * مقار و منته قادر اولدم دیدی * و حفظ و حراست اسارایه
 حضرت عمر مأمور اولمغه ابتدا حضرت عباسک بندنی برکونه
 بوثیق ایلدی که حرکتی بیجبال اولوب المندن کیجه ناله و فریاد ایتکله
 حضرتک خواب حضورینه مانع اولدی * انصار کرام واقف اولنجه طرف
 نبوی به احترام او وروب عباسک بندینه کشاد و بریدلر * انعام استرضای
 نبوی ضمتده ترک فدیبه سی چون نیاز ایتلریله معرض قبولده جلوه کراولدی
 روایت اولنور که حضرت علیه السلام اسیر لر خصوص صند و جود اصحاب
 کرامله مشاوره ییورمغه حضرت فاروق یار رسول الله اذن شر یفکرایله
 بوقوم انسانی مظهر حسام ایده یم دیدی * حضرت علیه السلام کلام
 فاروقه توجیه سامعه اصغای یورمدیلرینه ایکی دفعه قالوب کلام اولی
 تکرار ایلدی لکن سنجیده میزان اعتبار ییورلدی * بده ابو بکر رضی
 الله عنه قالوب یار رسول الله اول بدنه دلهر نقد رملت و عقیدت جمته ل
 یکنانه لایسه تعلق نسب ملاسه می اقربا اولد قلدن بشقه بعونه تعالی

الار غالب و مظفر اولد یکر مناسب کور یلورایسه خونیه ایلله ماده
 حیوانلری تعدید اولنوب یووجهله سپاه اسلام بئاله الوقت بر مقدار تحصیل
 ثروت و امور لر زنده اکتساب قوت ایلله چکارندن ماعدامر جودر که بعد
 زمان هدایت حضرت منان ایل اول طائفه ده اسلامه کوب برمله همساعد
 اتحاد و اعتضاد اولمغه رواج دین محمدی مزداد اوله دیدکده * بشره
 رسول الله منجلی اولوب قول صدیقی ترجیحله اخذ فدیبه خصوصه جنبشهای
 ابروی اشارت اولدی * فرداسی حضرت عمر حضور رسول عالی خطر
 کاب کوردیکه حضرت صدیقله بکا ایدر لر یار رسول الله سیی ندر بکاده
 اشرا ب ییوراق مستند عادر اکر بکا یولور سم بنده برابر بکا ایده یم والا تباکی
 ایده یم دیدکده یا عمر خصوص افتد موافق رضای خداد کل ایش
 ییوروب اولیابده نازل اولان * ما کان لئی ان تکون له اسری حتی
 یخن فی الارض تریدون عرض الدینا والله یرید الاخرة والله عزیر حکیم
 لولا کتاب من الله سبق لم سکم فیما اخذتم عذاب عظیم * کریمه سنی تلاوت
 ییورده نصکره * اکر یوامنه اخذ فدیبه ایتون صرصره رالمی وزان
 اولسه ابن خطاب دن غیری برکسینه آسوده دارالامن سلامت اولده جنی
 غمنا باند ییوردی * اند نصکره اقتضای فضل صمد ایلله فکا و انما غنمتم
 حلالا طیباً و اتقوا الله ان الله غفور رحیم قریده سی منتظم سلك اللال نظم
 کریم اولمغه * عقده اندوهه انحلال کاب النان فدیبه و غنائم حلال اولدی
 مرویدر که مشرکیندن اخذ اوانسان فدیبه تمام قرق اوقبه التون اولوب
 یوز اوقبه اولدی یغی دخی رفته اصحاب سیردر * و تمش تقری قتل اولنوب
 تمش تقری دخی اسیر اولمشیدی * میانه اسیرانده حضرت عباسه دخی
 الزام فدیبه اولمغه بن مسلما غمی جبر و اکراهله همراه ایلدی لر یوز منته
 ایجاب ایدن مالی تسلیمده صورت اجتناب وایا کوستردیلر * واقعا
 مسلمان اولوب و مستکره ها معرکه به حاضر اولمشرایدی * مقدمه مکه دن
 اخبار کفاری قله الوب داتما طرف نبوی به اعلام و انبادن خالی اولمازایدی
 هجرت باینده استیذان ایلدیکه ان مقامک بمکه خیرک جوابیله نقل وارتحاله
 رخصت ارزانی ییورمازایدی * حضرت علیه السلام باعباس ظاهر حالده
 برمله متصدی کارزار اولان کفار طرفنده بولندیقل تقریبی لازمدر که
 ادای خونیه برله فل رقبه ایده سن ییوردی * عباس بردر لومکت
 واقندارم یوقدر دیو عرض باس ایدوب مکه دن خروجنده اعانت مشرکین
 قصد یله استصحاب بده فتاده ایدی غنیتمداران اصحاب اولان یکر می اوقبه

التوفی خونیهاسنه حساب اولغنی رجامند اولغله قرین سامعه قبول
اولدقدنصره یا عباس عسکر اسلامه ایصال رخنه ضمتده اعدای دینه
اعانت ایچون استعجاب اولنان نسنه سزه ایقا اولغنی یوردیلر * عباس
یو صورتده بنی قریشدن جروشواله محتاج ایدجکسز دید کده حضرت علیه
السلام یا عباس یوسفه * عزیمت هنکامنده دم احتیاج ایچون احتیاطا
زوجه لایم فضل ایداع ایلدیکالتون نیجه اولدی یور ییچق * عباس یومر
سربسته یه سزی کیم مطلع ایلدی دیدی حضرت علیه السلام دخی دانتده
سرا ترغیب جلت الوهیه عن وصه الرب اکاه ایلدی یور ییچق * حضرت
عباس خلوص بال صفوت استیناسله اشهد انک صادق فانه لم یعلمه الا الله
تعالی اشهد ان لا اله الا الله وانک عبده ورسوله عبارتیه تثبت ایمانی اعلان
ایلدی * اسلام عباس فتح خیبردن مقدم اولدیغنی دخی مرویدر * فتح
مکه ده حضرت نبی باهر الاقبالی ابوانام مرحله دن استقبال ایتملدر *
وخاتمه مهاجرین کرامدر * چون وقعه بدر بروفق دلخواه نبی عالیقدر قام
اولغله * اول منزلدن زید بن حارثه بی اهل مدینه به مرزده فتح وظفر ایصالی
ایچون ارسال یوردیلر * کندیلری دخی عن وسعاده عقیقه * تحریک
رکاب عزیمت یوروب موصکب همایون صفرایه نزولارنده کردن بسته
غل ذل اسراولان مشرکین رؤسامندن عقبه بن معیطل کله بدن خذلان
اولان کله نکبت نشانلری با امر نبوی * بردلیرل دستباری شمسیله خندق
بعید الغور جهنمه غلطان اولدی * سیاستگاهه قدومنده یا محمد کوچان
قزلرم اولغله انلاری کیمه سفارش ایده یم دیدی * حضرت علیه السلام
جهنمه سفارش ایلد یوردیلر * هجرتدن مقدم مسفور عقبه ملازم مجلس
نبوی اولوب دائم اطراف عالیبرنه اظهار مهر و ولا ایدر ایدی * برکون
حضرت رسول الله ترتیب ضیافت ایدوب خانه سنه دعوت ایلدی
نقر عالم دخی کافه اجابتی تصدیق نبوته تعلیق یور مغله برای خاطر صورت
ظاهرده زیارت کله شهادت اولمشیدی صدیق ناخلفی ابی بن خلف واقف
اولدقه عقبه به سرزنش ایدوب اولدخی برای مصلحت ضیافت اولدیغنی
افاده ایلدی * ابن خلف اینا غمیوب حاشا مر سعد افسر محمدی با یمال ووجه
کریم لک الوده بزاق لوت اشتغال ایدوب * در خسارت تابدارین آزرده مشت
ازاریمدیکه بکا اطمینان بال حاصل اولمزومن بعد میاغمزده رشته کسته تار
محبته وصالیدر اوقی عمتع الاحتمالدر دیدی * اول بدیخت بدکار دخی
حضرت سیدالابرار دارالندوده سرزمین سجود ایکن شقاوت مشروطه

معهوده به اجتناسار ایلد کده جناب رسول الله باعقبه لا القال خارج مکه
الاعلوت راسل بالسیف یور مشرایدی * انجم کار بروفق خبر صادق
الاخبار جزای سراسنی بولوب وجود خبیثی ملقاء مزبله دارالبوار اولدی *
بعد ذاتوفیق خدا ایلد طایفه طرفته غنائر بر عزیمت یوریلوب بالجه مال
غنائم سبارش کرده عهده عبدالله بن کعب المازنی اولغله مضیق صفرا دن
جقلدقه جمله مال غنیمت غزات امت بینلرنده قسمت اولندی * ومنزل
مز یورده بر موجب فرمان نبوی سربی دولت نصر بن حارث بریده تیغ
مر تضوی اولدی * دم قتلنده حضرت رسول الله اول کراهه نکایا تمکله
همر تخییر اولدیغنی اسیرل برینه محمد والله قاتلی فانه تبار بعینین فیه الموت دیو
کشته تیغ محمدی اوله جغنی متیقن اولدیغنی ایما ایلد کده ما سیر مز یور خوفندن
بولدظن ایدرسن دیو تقریع ایلدی * بعده مصعب بن عمیره خطاب ایدوب
سنگ جلودن زیاددیکه قرآن اولغله حضرت محمد بن بنی ده سائر اسیرلر
معامله سنه تشریک ایتلری باینده رجایله دیو نیاز کار اولغله * مصعب سن
قرآن مبین ورسول کریم حقارنده کونا کون * هرزه وهرزانه جسارت
واصحاب کرامه شتم واذیت ایلدیکل حنبیله کندی سوء صنیعکدر دیو چهره
نیازنه طبعه زن رد و تعقیف اولدی * معرکه مز یورده داسپردست اسلامیان
اولان دشمنانندن من بعد سپاه اسلامه اختصام ایتماک معاهده سیله ابو عزه
الشاعر نام مرد در ذیل محاسناتخلیه سبیل اولندی * بعده تحریک یخت بدیه
نقض عهد اجدی ایدوب احد معرکه سنده اول کشتی بی بال جزای مایلدقنی
ادرال ایلدی * پس اقبال واجلاله معموره مدینه به تشریف وقدوم میامن
ازوم عالیبرله اول بلده طیبه بی کافی الاول تکلیف یوردقننده بر من حله
کیورده قلان اسارانی اصحاب کرامه توزیع ایدوب اول کرده اشراره ووجه خیر
وصوابی ارشاد و حکیمانه سوق طریق سداد ایتلری باینده صیابه کریمه تنیه
یوردیلر که * مرویدر که اهل اسلام غالب و مظفر و کفار تمام مغلوب و مدمر
اولدقنری خبری مکه به جلودن اقدام ابوسفیان بن خارث ایصال ایلدی
زخم خورده بسمل نیم مرده کبی نه حال ایسه مکه به واصل اولوب ابوامر
ناجده بکورد کرده احوال تریشی سئوال ایلدی * ابوسفیان برون
غیری اولدیکه معشر اسلامه مقابل اولدیغمرزده همان ارته مری وپردل
دلخواه لری اوزره استدکارین قتل واسیر ایلدیلر * والله یوباید برکسه به
لوم ایتیم زیرابین السمله والارض قتی وافر سپید پوش ابلق سوار کس و کلوب
برمله جنگ ایلدیلر بر فردل انلره قساوتی حوزة امکانده دکل ایدی دیدی *

بر مسلمانان قتل و بر مقدار خرما اشجار فی احراق بالنار ایدوب بومر نه ایل
 رقبه سی رقبه عهد و نذر دن خلاص اولدی ملا خطه سیله طرف مسکبه
 تحویل عنان ادبار ایلدی * بو خبر بالغ سمع سید البشر اولد قده ابولبابه بی
 مسند خلافتنه اجلاس بیوروب مهاجرین و انصار دن ایکبوز سوار ایل
 ابوسفیان عقب بندن الغار بیوردیلر ابوسفیان تعقیب لشکر رجاندن خبردار
 اولغله سبکدار اولق ایچون زادر اهلری اولان سویق انبانلرین دوکوب جنود
 اسلام انلاری برآورده قبضه اغتنام ایدر ایلدی * تلاق کریمختکان دور
 وادی امکان اولغله قرقره الکدر دن صوب طیه به عطف عنان اولندی *
 سویق ترکیده قاور تعبیر اولنور بیچکدر * غزوة بنی قینقاع * ضم توله
 اشهر در یهودیتنه شجاعته متصف برقیله در وزر کراهل مدینه در * عبارة
 ابن الصامت و عبدالله بن ابی بن سلول ایل حلیف در هجر تدنصر کره یثرب
 زمین خلقی الی صنف اولمشلر ایدی * بر صنفی مؤمنین ایکنجیسی منافقین که
 ظاهر لری اسلام و باطن لری کفار ایله التیام اوزره ایدی * اوچنجیسی اهل
 کتاب که یهود طائفه سندن بنو قریظه و بنو نضیر و بنو قینقاع در
 حضرت رسول الله محاربه ایتمیوب واعدای دینی اهل اسلام اوزره *
 تحریک و اغرایل مامل اوزره مصالحه و معاهده ایتمیشلر ایدی * در دنجیسی
 مشرکون محاربون در که مخاذیل قریشدر * بشنجیسی مشارکون در که
 عواقب احواله ناظر اولوب لکن صمیمی غلبه رسول الله خاطر خواهلری
 ایدی بنوخزاعه کبی * التنجیسی نه مشارکون منتظر و ندر لکن ظهور
 اعدادن محظوظ و ممنونلر در بنو بکر کبی * و یهود طائفه سندن اول نقض
 عهد ایدن بنو قینقاع اولمشدر سینی بودر که بر مسلمه خاتون دوه و قیون صامق
 ایچون مدینه ده بنو قینقاع بازارینه کاوب بعد البیع بعض مصلحتی ختمنده
 قیله مسفور زکراندن برینک دکاتنده وقفه جلوس ایلدی زر کرمر سوم
 زکات و صدقات و غیره در دست ایلد و قیاسی کشف ایلد قییدنده اولیجی
 خاتون امتناع ایدوب بعده بر تقریب دامننی ارقه سنه بندا یتیمکله حین قیامده
 جای عورتی منکشف اولغین اطرافده اولان یهود ملعنت مفاق خنده زن
 طغزو مذاق اولیجی اول مخدره پاکیزه نهاد اهل اسلامه استغاثه و فریاد ایلدی
 اول محله حاضر بر مسلمان بر مقتضای غیرت دینه اول یهودی بی قتل ایدوب
 یهود دخی تجمیع و اول مسلمان عرصه تیغ طغیان ایتلرله اوزر لرینه
 سفر اقتضای تمسدر * بنابرین حضرت شه نشاه کشور دین علیه الصلوة
 فی کل حین مدینه ده ابولبابه بی خلیفه تعیین بیوروب لوای بیضادوش حمزده

سایه بخشا اولدیغی حالد حصار بنی قینقاع اوزره عنان عزیمتی ارخابیوردیلر
 و صوللر زنده لشکر ابرار اول حصار استواری دایرا مادار احاطه ایدوب
 لکن یهود ملعنت اعتیادک حصانت حصاره اعتماد لری اولغله مثبت
 معقل عناد اولوب اون بش کون لیل و نههار بالای قلعه دن اتش و سنک
 و ناول و خندنک ایله مقام مقاومنده پایدار اولدیلر * کیدرک صفحات
 حاللر زنده امارت خبیث و خسران عیان و وجنات امللر زنده کدرت نکبت
 و خذلان نمایان اولغله ناچار مدت محاصره نک اون بشنجی کوفی بعض
 شروطی مشتل طالب زینهار اولدیلر * حضرت سلطان الانبیا وجه
 مستد عاری اوزره امانه رضا و برمیوب بن حکم اوزره جقه و نلرا استرسیم
 عفو و استرسیم قتل ایدرم بیورملرله * بالاخره بوقضای قدر مضایه صورت
 تسلیم و رضا کوسنوروب اوچبوز تغری زره پوش و در تیوزی برهنه
 جمعیله یوز کشتی بد کهر درون حصار دن یدر اولدیلر * حسب الامر
 الشریف الالربین قفارینه بنیاد یوب سیاستگاهه توقیف ایلدیلر *
 کذا رشید بر اولدیغی اوزره عبادت بن صامت و عبدالله بن ابی بن سلول
 انلر ایله همسو کند اولغله عبادت تبری ایدوب یار رسول الله بن یونلرک حلف
 و موالاتدن ابرای ذمت والله ورسوله تولی و تبعیت ایلدم دیو یجا نلرندن
 کریبان افشان اولدی * لکن منافق و مخذول ابن ابی بن سلول اول قوم
 ذلولله یکر نک اتحاد باطنی اولغله یا محمد بنم محبدر بی بغشله دیو سیف
 سیاستدن خلاص لری رجایدوب قرین سمع قبول اولماغله لعین بیجا
 حضرت نک ظهیر سفادتده اولان ذات الفضول نام زره کریماته یاشوب *
 تکرار بووضع بی اصولله نفقه رجایی شعبه نمای ایلدی * حضرت رسول
 اللهم تاثیر بخار غضبدن رنک رخسار تابدار زنده اثر سمیت بدیدار اولوب
 و یحک ارسلنی بیوردیلر * ینه صالحه و برمیوب بونلاره احسان ایتدیکه
 صالحه بریم زیر بونلر هر حالده ینه اهل مظاهرت و عز و قدر و بن احداث
 فلک کیه دن مستشعر برکسته یم دیو ینه ساز نیاز و استرحامه شرب تازیانه
 ابرام ایلدی * اول کستاخ بداد انک ترهات کدر بخشاستدن تخلص
 سامعه ایچون جلوه هم انهم الله و اعنه معهم بیورده فلک سنک بندلرین
 الذیر قد نصکره خذهم لا بارک الله لک فیم تعبیرله یدنه تسلیم * و اوج
 کوندن زیاده اول مقامده ارام ایتمیوب طرف دیگره جلایاتک یاشنده
 امر عالی اصدار و نفی واجلاری خصوصنه عبادت بن صامت مباشر تعیین
 بیوردی اوج کوندنصکره یکسر خطبه یثرب زیدندن طرح سواد

تکذکر اول نور انشاء الله تعالی * بویته سکر لایحه مندر جدر * غزوه
 غطفان * غزوه بجران * غزوه احد * غزوه جرد الاسد * سریه محمد
 ابن مسلم * سریه زید بن حارثه * سریه رجیع * سریه قرأ * غزوه غطفان
 غطفان بنو محارب بن بطن در ارباب سیر بوغزایه غزوه انمار و غزوه ذی
 امر دخی در بفتح الهزمه والمیم وتشدید الراء دیار غطفانده بر صوبا خود
 بر موضع اسمیدر * سبی بودر که عصفور و زنده دعشور غطفانی نام شر بر
 بد فرجام تحریر یکله بنو محارب و بنو نعلبه دن بر جمع ذی امر نام محله
 محشد و اطراف مدینه فی غارته متر صد اولد قلمی و اصل سمع همایون اولغین
 حضرت ذی النورین مدینه ده خلیفه سید الکونین اولوب در تیوزالی
 نفر صف شکنان مهاجرین و انصار ایل به بالنفس اول طرفه توجه کار اولد یلر
 انشای راهده بنو نعلبه دن یکسر الحاء المهمله حباب نام بر شخصه تصادق
 اولوب * احوال خسران مال ارباب ضلالت دن سوال اولند فده انلار سزه
 ملاقی اولزلر و منزلی ایشید یجک شواقی جباله فرار ایل به جکری در کار
 اولغله * بر حال دوچار صعوبت اولمکز اغلب احتمالدر سز کله بن برابر
 کیدوب اول قوم مستحق الاوی سزه اراءت ایده یم دیدی * حضرت
 سید الانام اکا عرض اسلام ایدوب هدایت باری باری اولغله همان ایمان
 کتوروب مسلمان اولدی * حضرت رسول الله انی بلاله همراه پیوردیلر
 دلالت جباله اول طائفه شفا و تقاب اولد قلمی محله و اریلوب جنود اسلامیه
 تاب اور مقارومت اولیه جقلمی تحقیق و اذعان ایتلمیه * صعب المنال
 شواقی جباله ککریران و کوشه یکوشه پنهان اولدیلر * بر کزیده عالم
 صلی الله علیه وسلم حضرت نوری ذی امر نام مقامه شرف نزول ارزانی پیوروب
 امر بر ذانی ایل اول کون بر شدید باران اولغله * هر کس اثواب و اسبابی
 قورنقه مشغول اولدیلر حضرت صاحب سعادت دخی مبارک جامه لربن
 براغاچه سروب التنده تک و تنهافرش غبار و زره وضع یه لوی استراحت
 ایلدیلر * قله که ساره التجا ایدن روبه منشان قرص تجویبان بو حالی کورد کده
 بینلرنده شجاعته ممتاز اولان دعشور فتنه پردازه * مصرع * بویله
 فرصت هر زمان دو شمع البینه آدمک فواستی تلقین ایل حاشا سید المرسلین
 حضرت نوری قتل ایتکه اغرا ایلدیلر * دعشور عاقبت خالدن پیعشور اولغله
 اول شماره اجتناسار برله تیغنی میسانه جائل ایدوب بالای کوهدن
 سر وقت نیوی به نازل اولدی * ومن یمنعک الیوم منی دیو حضرت شمشیر
 حواله ایلدی حضرت جلیل الخطر بنی سندن خیر الحافظین اولان

تکذکر اول نور انشاء الله تعالی * بویته سکر لایحه مندر جدر * غزوه
 غطفان * غزوه بجران * غزوه احد * غزوه جرد الاسد * سریه محمد
 ابن مسلم * سریه زید بن حارثه * سریه رجیع * سریه قرأ * غزوه غطفان
 غطفان بنو محارب بن بطن در ارباب سیر بوغزایه غزوه انمار و غزوه ذی
 امر دخی در بفتح الهزمه والمیم وتشدید الراء دیار غطفانده بر صوبا خود
 بر موضع اسمیدر * سبی بودر که عصفور و زنده دعشور غطفانی نام شر بر
 بد فرجام تحریر یکله بنو محارب و بنو نعلبه دن بر جمع ذی امر نام محله
 محشد و اطراف مدینه فی غارته متر صد اولد قلمی و اصل سمع همایون اولغین
 حضرت ذی النورین مدینه ده خلیفه سید الکونین اولوب در تیوزالی
 نفر صف شکنان مهاجرین و انصار ایل به بالنفس اول طرفه توجه کار اولد یلر
 انشای راهده بنو نعلبه دن یکسر الحاء المهمله حباب نام بر شخصه تصادق
 اولوب * احوال خسران مال ارباب ضلالت دن سوال اولند فده انلار سزه
 ملاقی اولزلر و منزلی ایشید یجک شواقی جباله فرار ایل به جکری در کار
 اولغله * بر حال دوچار صعوبت اولمکز اغلب احتمالدر سز کله بن برابر
 کیدوب اول قوم مستحق الاوی سزه اراءت ایده یم دیدی * حضرت
 سید الانام اکا عرض اسلام ایدوب هدایت باری باری اولغله همان ایمان
 کتوروب مسلمان اولدی * حضرت رسول الله انی بلاله همراه پیوردیلر
 دلالت جباله اول طائفه شفا و تقاب اولد قلمی محله و اریلوب جنود اسلامیه
 تاب اور مقارومت اولیه جقلمی تحقیق و اذعان ایتلمیه * صعب المنال
 شواقی جباله ککریران و کوشه یکوشه پنهان اولدیلر * بر کزیده عالم
 صلی الله علیه وسلم حضرت نوری ذی امر نام مقامه شرف نزول ارزانی پیوروب
 امر بر ذانی ایل اول کون بر شدید باران اولغله * هر کس اثواب و اسبابی
 قورنقه مشغول اولدیلر حضرت صاحب سعادت دخی مبارک جامه لربن
 براغاچه سروب التنده تک و تنهافرش غبار و زره وضع یه لوی استراحت
 ایلدیلر * قله که ساره التجا ایدن روبه منشان قرص تجویبان بو حالی کورد کده
 بینلرنده شجاعته ممتاز اولان دعشور فتنه پردازه * مصرع * بویله
 فرصت هر زمان دو شمع البینه آدمک فواستی تلقین ایل حاشا سید المرسلین
 حضرت نوری قتل ایتکه اغرا ایلدیلر * دعشور عاقبت خالدن پیعشور اولغله
 اول شماره اجتناسار برله تیغنی میسانه جائل ایدوب بالای کوهدن
 سر وقت نیوی به نازل اولدی * ومن یمنعک الیوم منی دیو حضرت شمشیر
 حواله ایلدی حضرت جلیل الخطر بنی سندن خیر الحافظین اولان

رب العالمین حفظ اید و بیورید یلر اول حاله جبریل علیه السلام نازل اولوب
 سینته دعشوره برضربه کوه انداز حواله ایلدی کی بی اختیار خاله ادا باره
 معلق ساز اولدی * و قلیجی لندن صحرایوب بر طرفه دوشدی حضرت
 رسول الله تیر اول تیغ خونریزی الوب من بمنعک منی دیورمرد عشوره *
 حواله بیوره جتی انده دعشور حقیقت حاله واقف اولوب بودم بکاضربه
 تیغ کدن پناه یوقدر اشدان لاله الا الله و انک رسول الله دیوب خلوص
 تامله ملجی حرم اسلام اولدی * حضرت رسول کریم سینه قلیجی کند و سینه
 تسلیم بیور دیر طرف نبویدن رخصت باب انصراف اولوب قوم و قبیله سنی
 نعمت اسلامه داعی اولدی * انلاردخی کیفیتدن استنباط ایلد کده
 بر سپید چهره بالا قد کسه هویدا اولوب سینته مه اولیه اوردی که بی اختیار
 ارقم اوزره یققدم و یقینا فرشته اولدی بی معلوم اولغله ایمان کتوردم
 دیدی * یا ایها الذین امنوا اذکرو انعمه الله علیکم اذ هم قوم ان یسطوا الیکم
 ایدیم فکف ایدیم عنکم کریمه سی بو باده نازل اولدی * غزوه بجران *
 بجران فتح پای مو حده * ضم ایلده جائز دروسکون حایله مدینه به سکر
 برید مسافه ده بر موضع در برید دزت فرستل مسافه اولغله اتوزایکی
 فرستل ایدر بو غزایه غزوه بتی سلیم دخی دیر لاصلی بودر که * بنو سلیمن
 بر جمع کثرت بجران نام محله عقد جمعیت و بر فساد اجرا سته نکران سمت
 فرصت اولد قلمی معروض درگاه رسالت دستگاه اولد قده * مدینه ده ابن
 ام مکتوم استخلاف اولنوب حضرت سید البشر علیه الصلوٰه ما طلع الشمس
 والقمر اوجیوز دلا و رایله اول جانبه عثمان انکیز عزم و سفر اولد یلر *
 محل من بورم کزایت منصور اولد قده مقدسجه میا هارینه متفرق اولش
 یولغله اهنک راه قبول اولنوب عز و علایله دار الملک مخلد الا غنایه
 شرفختش اولد یلر * غزوه احد * لفظا حد ضمیمه جبال مدینه دن بر جبل
 اسمیدر جبال سائر دن متو حد اولغله احد ایلد تمعیه اولندی * سبی
 اولدر که مسلول قدم قلم اولدی بی اوزره فضاله قریسه شیر شمشیر مسلین اولان
 گروه مشرکین ملحه بدردن رجوع ایدوب مکّه به وصول لرند ا بوسفیانک
 سرفافله اولدی بی کاربانه مستحب اولان ائمه تجارت برهم و دیعت
 دارالدوده موضوع اولغله * متعینان قریشدن عبدالله بن ربیع و عکرمه
 ابن ابوجهم و صفوان بن امیه اتفاقا صاحب امواله واروب مشهود
 کردر که حضرت محمد بزری نه کونه گرفتار غل ذل و خساروا کثرا شرافری
 دوپارتیغ دمار ایلدی * بوند نصکره النار و لا العار و اخی اخذ نار اولغزایسه

هلاک اولتی هزار بار افضلدر * فالله بکه اشبورأ من المال تجارتدن اند و خنه
 اولان دیم که خالص الی سیک التون ایدی * بزه انکله اعانت ایلکیز نزدخی
 عسکر بیکران جمع ایدوب اهل اسلامدن اخذ ائمه مقام ایدر دیکده اولار
 دخی تحصیل ناموس عشیرت ایچون زاضی اولوب اول مالله مایه معاوت
 اولد لمران الذین کفروا یتفقون اموالهم لیضدوا عن سبیل الله فسینفقونها ثم
 تکون علیهم حسرة غم یقلبون کریمه سی بو خصوصه نازل اولدی * القصه
 بو عزیمته قرار و بر یلوب ترتیب مهمات و تجهیز عساکر و ادواته ایشدار ایلد یلر
 صفوان بن امیه شعرای عربدن ابو عزمیه بو خصوصه سیف اسانکله
 بزه امداد ایلد کر خیمت و سلامتله مناجعت تیسر اولورسه کبسه اما فی
 مالله مالا مال ایدرم * و لکر خال دیکر کون اولورسه دختر لک کنیدی
 دختر امله همزنگانی اوانی اوزره سحله پیرای اتحاد اولور دیدی * ابو عزمه
 ملحه بدردن انکاریده خایه بیان اولدی بی اوزره پیغمبر دیشانه میا لرند
 کدران ایدن عمه دو بیانی چرده روی سباز صفوان ایلدی و اخر کار ابرام
 بی شمار ایلد ازام ایدوب مسافع نام شاعر ناعرا یله استغفار قیائل و عسائر
 ایچون اطراف ام القریه ارسال ایلد یلر * مقدمه اوقمه بدردن طعمه تیغ
 حزمه اولان طعمه نل برادر زاده منی جبرین مطعم غم غم ایلد دائما نالان
 وزخم دلنه جبریه جویان اولغله * اول هنکا میده وحشی نام حبشی
 غلامنه که نیزه گذاران حبشه صکی حربه اندازاق صنعتده صاحب
 مهارت ایدی * اگر خلال حرب و قتالده بر تقرب حزمه بی قل ایدرسن
 رتبه کی قید رقتدن اطلاق ایدرم دیومطمنند عهد و میثاق اولدی *
 ما حصل دلتوا هری اوزره تدارک و عسکر لوی مکمل اولوب و اشراف قریشک
 بیورخی معسکر مخوش الا ترده حاضر اولد یلر * و هر منزلده کشتبان بدزی
 انتظار و تشجیع ارباب کبر و دلرا یتل ایچون * دیقوف و معافه قلیله نیجه
 خانه سات و جوارى مغنیات استعجاب * و بایند کر بر اولتی ایچون اشراف
 قریش کنیدی خاتونلری بی دخی هنر کلب ایلد یلر حضرت عباس روز بدردن
 دوچار اولدی بی رقیش و ازاری بسط ایلد دامنی کبر اعتذار اولغله مختلف اولوب
 و قطعاً بیعت ایتلرند دخی براندی * و بو نصیبی مشعر بر مکتوب تحریر
 و بر مرز دغفاری بی اوج کونه قدر مدینه به ایصال ایتل شریطیله استیجبار
 ایدوب طرف سیدالا براره تسیر ایلدی * مکتوب من بور محله قباده
 رسیدن عز حضور اولوب بعد فتح الحکم ابی بن کعب قرائت و مغمومی محاط
 علم سعادت ارایجی کماله امر و وصیت بیور دقد نصکره خانه سعد بن ربیع

نزول ایدوب وصیت کماله مضمون مکتوبین خبردار و والله انی لارجو ان
 یكون خیرا تعبیر به منانت چنان و حسن خیریت پایانی اشعار یسور دیر *
 سعادت له خانه سعددن همارقت ایلد کد نصکره سعدکد زوجه می خبر نبودن
 استعلام ایلدوب سعددخی سنک آموزندن د کلدردیو صورت رد و مدافعه
 کوسور د کده مکر بر کوشه دن استراقه ایتمش اولغله * سر سمر بمر نامه به
 رقوطنی سعدده اخبار ایلدی * سعد استرجاع ایدر دست زوجه سندن
 طوب حضور رسول الله کلدیر * وراز مریسته دن اسکاه اولدینی
 خبر وروب فور قمر مکه بر مقتضای تکلی حوصله زنان سر من یورقاش
 وغبان اولدیدی * حضرت سلطان الانبیا حل غیبا تعبیر به تخلیه سینه
 امر یسور دیر * واقعا واکون بو خبر دهشت اثر مدینه ده منتشر اولوب
 هر کوشه ده انجمن گفتگو پیدا اولدی * بری جانبدن سرخیل شقا کاران
 ابوسفیان مستحق اولان اوج بیکد قریب قریش و مسافله مکه ده واقع
 حبشی نام بخیل دام منده مقدمه قریشله همدست اتفاق اوقا اوزره شوکند
 و میثاق ایتمک علاقه سبله احابیش ایلد شهرتشار اولان بنوالمصطلق و بنو
 المون بن الحزیمه عشیرتله علم افراز عجب و غرور اولد رق شهر بند عن
 و سرور اولان مدینه طرفه توجه وجه شرو شور ایلدیر * ایچلر نده یسوز
 زره پوش اولوب ایکی موزات و اوج بیلد دوه لری واریندی طی مراحل ایدرک
 جذای مدینه ده ذوالحلیفه نام محله نازل اولدیر * یهود و منافقین میبانه
 مسلمیه کونا کون اراجیف القا ایدوب هر طرفه قسبل و قال ظهور
 ایتمک بشلدی * حضرت رسول الله ایکی جاسوس ارسال ایدوب کیمیت
 و کیفیت مشرکینی کرکی کبی تحقیق ایلد * کد نصکره واقع حالی عرض
 سده چاه و جلال ایلدیر * مشرکین پرکین ابوانام محله وصول لر نده مقدمه
 ملحه بدرده عقبه حضرت حزه نل داروی هو شرع شیرندن یکمکه طرف
 اسلامه جلد دن زیاده حقد و عداوتی اولان دختر بد اختری هند نام فاجره
 چمن که ابوسفیانک زوجه سیدر * کمال خصومتندن ناشی محل مر قومه
 اسوده اولان مادر با کیزه کم رسیده الشریک مر قدی یش واستخوانلری
 استعجاب اولانسه بزدن اقتاده دام امر اولان انحصارک هر برینه بر عضوی
 بدل خویشیا اولور ایدی دیو شیطانته اغا ایلد کده * بعض عقلای قوم
 اظم سار بیکر انکار ایدوب قبیله خراعه شوب اسلامه میان اوغله یونی
 ایشید بیلک بزم دخی موتامزی اخراج ایدر لر دیور ضا داده اولدیر * ذکر
 اولدینی اوزره خرکه کفار بد طینت مقابل مدینه به طرح سواد ثقات

ایلدی کاری کجه سعد بن معاذ واسید بن حضیر و سعد بن عبادده اراسته سلاح
 اولوب مسجد شریفده باب معاد نشانه نبوی اطرافنده تابصباح قائم
 خدمت یاسانی اولدیر * حضرت سید الزر اول کجه رو باده کوردیلر که
 مبارک ارقه لر نده بر مستحکم زره اولوب و میدانده بر کا و فربه ذبح اولندی
 و ذیابیه سینی رخنه دارا ویش ویدم ویدلری زره من یورک کر بیاتند اداخل
 یسور مشرور عظیم الحنه قویج ارداف یسور لر صباح اولد قده صورت منای
 صحاب کرامه تقر بر یسور یحیی نیاز مند تعبیر اولمیرله یسور دیر که اول کارکذبح
 اولغله فی بعض اصحابک شهادتیدر قلمک رخنه دارا ویشی اهل بیتدن برینک
 سوی بقایه عزیمتدرو ارقه منده اولان ذره حصینه حصن مدینه در و اول
 قویج ارداف بجایه مشرکیندن برینک قتل اولغله سیدردیو تاویل یسور دیر *
 یورقای صادقیه بنه حضرت سید الانام اصحاب کرامه علی وجه
 الانه اشاره توجه کلام ایدوب اگر مناسب ایه مدینه دن چقلوب زمره
 اعدا حلیه طرخ ثقلنری اولان مقامده اقامت ایدر لر سه شمر مقامله مقیم
 اولور لر * کراوزر مزه اقتحام و هجوم ایدر لر سه بز دخی مدافعه لری
 خصوصیتده صرف نیروی بازوی قدرت ایدر لر یسور دیر * و دستیار
 اهتمام مدینه نل هر طرفی کوجه بندر ایلد تحسین و دائر امداد تشبیل
 و فرضین اولغله یسور * کایر مهابرین و انصار حضرتانی دخی یورای ریزی
 ترجیح ایدوب حتی رئیس المنافقین ابن ابی بن سلول ایلد دخی یوبابده مشورت
 یسور لغله * اولدخی یونددیر دلپذیری معقول کوروب یار رسول الله زمان
 جا هلمتده اوزر مزه بردن ظهیر ایلد کده طشره چنقوب اهنک چنک
 ایلد بکیم صورتلرده دائر سواپی همزمت بزم طرفه رونما اولوب و مرکز
 منزه منطقه واریای افشار بیات واستقرار اولد یمن حاللرده فصاحت
 مغلونیت جانب دشمنده هویدا اولور ایدی * پس مصلحت بودر که حاللری اوزره
 ترک اولتوب اولدقلری محله مکث ایدر لر سه سوء منزلده مکث ایدوب
 اوزر مزه کلور لر سه و حال مزمو اجه لر ندن الات حر به کارزار و اطفالنر
 قیالرندن سبکسار ایدر لر عودت ایدر لر سه خضران و خیمت رفیق طریقلری
 اولور دیدی * اسکن غزای بدر دن محروم اولان جوانان جنگجویان
 یار رسول الله اگر بزم مدینه ده شخص ایدر لر سه مشرک کار خف و جهانتنزه
 حل ایدوب انلر باعث جرأت اولغله اوزر مزه مشرکیر اولور لر طشره چنقه
 رخصت ارزانی یسور یله که باالقابله اهنک مقابل ایده لم خدا حق طائفه
 عربی بروجمله اوزر دیا زمره داخل اولغله متشوق ایتمز یوانه قدر و لایتمزی

استیلا این اعدایه مذلوب اولم یوب شادی ایسه میانه زده جناب سعادت
 پانچای مقام صلابت نبوت در دیو دامنگیر نیاز و ابرام اولدی * حضرت
 حمزه دخی پور ایده انلاره موافقت ایدوب بار رسول الله سکا کتاب کریم
 انزال ایدن حضرت ذوالجلال حقیقون بیرون مدینه ده صک قمار ایله
 روبر و کارزار ایتمکجه لقمه تارول ایتم دیومین ایلدی * بالاخره حضرت
 صاحب رسالت دخی چهره نمای موافقت اولوب مع الکراهه طشمره چقمغه
 نصیم ایلدی * اولسون بومه اولمغه حضرت علیه السلام ادای صلوته
 قیام ایدوب ختام خطبه ده وعظ و نصیحت و مجاهدین مبادین ذبیق
 ترغیب عز و مجاهدت پیوروب اگر میدان کفاحه اظهار صبر و ثبات
 ایدر سکر حق جل و علی سیره فیر وری و فجاج روزی ایدر دیو بشارقه
 متانت ایملرینه اشارت پیورود قد نصکره * تهینه ادوات قتاله میناشرقه
 امر پیوریدی * انلاردخی فرحناک اولوب کار سازی کارزاره ساز کار اولدی
 بعد صلوة العصر شیخین مکر مینله حجرة مطهره لرینه داخل اولوب عمامه
 شریفه لرین سر سده افسر لرینه راست اندیلدی * و مبارک ارقه لرینه بری بری
 اوزرندن ذات الفضول و فضه نام ایکی زره داودی کینوب و حائل سیفندن
 بریندایله میاننی کر واری پیوند ایلدی * و مینانه کفنه بر سر صالوب
 سکیب ایله نامدار اسب ضبار قنار لرینه سوار و اللرینه بر فیرة طارا کذار اولوب
 سعادتله طشمره چقمغه یار * فایحه * ذکر اولنان ذات الفضول نام ذره شریفه لری
 ملحه بدره شریفه لری همکامده سعد بن عباد رسال ایدوب حضرت
 چیمبر ذیشان خرامان روضه جنان اولد قد بر پیودی عهد سنده من هون
 بولمغه حضرت صدیق یدیه افشکال اولندی * و فضه نام زره مینلری
 عتاسیم بنی قینقا عدن حصه عالیله نصاب ایتمشیدی * تهینه سعادتله
 خروج سید الا براره صفت بسته شاهراما تنظار اولان مهاجرین و انصاره
 سعد بن معاذ واسید بن خضیر لسان تو بیمله یو یابده کستاخلنه وضع تا یجا
 ایله حضرت رسول الهی طشمره چقمغه اسکر اه و الجا ایلدی * کرماسب
 اولان رسته اختیاری نه قبضه ارادت سعادتله اولرینه تسلیم ایلمکد و ذیلولم
 ایتملر یله جلوه سی منقبه اولوب * حضرت رسول سعید ما تئذ بخورشید
 سعادتخانه لرندن بیدار اولیجی * یکقدمه آغاز نیاز ایدوب بار رسول الله بوضع
 فتولانه دن بجه من ندامتکار و بیرون وظیفه منز اولان ثقلت ابرامدن
 شرمسار اولدی * من بعد امر من کدر قنقی طرف مسلول قدم توجه
 بر شرف پیوریلور ایسه صراط مستقیم در دیو فرمان عالیله رینه صورت

تسلیم کوسه و ردیلر * قائد الجیش اسلام علیه الصلوة والسلام حضرت تری
 بوجوابک محلی فوت اولدی بن سزی درون مدینه ده اقامته ارشاد ایلدم
 سز کربوه مخالفته قدم نهاده اولدیکنز بر پیغمبره لایق دکلدر که سلاحیوش
 اولد قد نصکره اعدای دینله جنگ ایدوب امر الهی نه ایسه ظهور ایتدی که
 اول سلاحی چیقاره پیوریدی * بعد اوج لوای نصرت التوا عقد ایدوب
 لوای اوسمانی اسید بن حضیره و لوای خزر جیبانی حباب بن منذر
 علی روایه سعد بن عبادیه و لوای مهاجرین حضرت مرتضایه تقویض
 پیوریدی * حامل لوای کفاری بعد الاستخبار زمان جاهلیتده اصحاب
 لول اولان بنو عبدالداردن طلحه بن ابی طلحه اولدیغی معلوم شریفه لری اولد قد
 لوای مهاجرین دست مرتضایان الوب فی الاصل ابنا ی قبیله من پوره دن
 اولان مصعب بن عمیره تسلیم پیوریدی * شماره جنود ابرار بالغ عقده
 هزار اولوب ید پیوز مهاجرین و انصار و اوجبوز ابن ابی بن سلول
 هوادار لری ایدی * منشور خلافت ابن ام مکتسوم عنوانه ترقیم
 اولند قد نصکره اقبال و سعادتله بابر کاب عزیمت اولدی * سعد بن معاذ
 و سعد بن عباد زره پوش دو ستاره سعادتله بابر کاب قر تاب اولد قنری
 حالد پروانه اولدی * رأس سنبه یه ورود لرند بر * کور و انبوه سواد
 منظره سید الا برار اولمغه یونلر کیلدر دیو استفسار پیورود قنرند ابن سلولک
 همسو کند لری اولان پیورید بوددن بر طائفه در که اعانت قصیده معسکر
 نصرت اثره ملحق اولد قنرین اخبار ایتد کارنده * حضرت سید الانام
 انلاره عرض اسلام پیوریدی * مظهر نعمت اجابت اولیجی سرور عالی هم
 صلی الله علیه وسلم حضرت تری انالاست نصیر اهل الکفر علی اهل الشریک
 پیوروب اول گروه ضلالت نهادی طرد و ابعاد ایلدی * یونلار این سلولک
 بنو قینقا عدن اولان همسو کند لری دکل ایدی زیر انلار باعمال خامه
 بدیع المقال اولدیغی اوزره شام طرفنه اجلا اولندی * چون موکب رسول
 الکوین ایکی جیلادن عبارت اولان سنجین نام بجه وارد قد سباه ظفر پناه
 مکان بکان شمره بنان نگاه رسول الله اولوب هنوز اون بش یاشنه بالغ اولمیان
 کودکان خرد سالانی صوب مدینه یه ارجاع پیوریدی * فرقه منصرفیندن
 رافع بن خدیج قادر انداز یغنی فن رمایه ده مختار اولدیغی بالا اعلام معلوم
 سید الانام اولیجی مرافقه مجاز اولدی * معرکه اقی الذکرده نشانه
 تیرکهار اولمغه حضرت باهر المجره و الکرامه انا شهیدله یوم القیمه پیوریدی
 سمره بن جندب رافعک ما ذون اولدیغنی کور بجل میدان مصارعده

بن کاغالب بنده شایان مراقت اولغی نیاز ایدرم دیکاه * حضرت رسول
الله امر ایلدی ایکیمی مصارعه ایلدیلر واقعا سمره غالب کلسکه انکدخی
رزمگاه حضور نه دستور ویرلدی * اول هنگامه اخشام دخی ایشمکه
ضرب خیام ارام یوریلوب حسب الامر بلال اذان محمد یله غلغله بخش
کیندز بر جدی اولوب جماعتله صلوٰه مغربی ادا یوردیلر * محمد بن مسلمه
اللی کسه ایله فراغل تعیین یورلدقد نصکره حراست خاصه خدمته ده
ذکوان بن عبد قیس نامزد یوریلوب * حضرت رسالتاب اسوده
پستر خواب اولدیلر * عالم منامده مشاهده یوردیلر که ملائکه کرام
حضرت حمزه بی غسل ایدر رهنکام ثلث اخیره بر موجب فرمان جلیل
ضرب کره نای رحیل اولنوب طلوع بخرده مدینه ایله احد میانشده شو طایله
مشت رحاط اطرافنه وارلدقد انده صلوٰه فجری ادا یوردیلر * بحیثیه ردیه
نفاقله مجبول ابن ابی بن سلول گذارشیدیر اولدیغی اوزره مدینه دن حرکت
اولنماقی طرفنده اولغله بنم رایحه مخالفت ایدوب اموردن بخیر اطفال
سوزله عامل اولدی میهوده کند مزی عرضه سیف حیف ایتکدن ایسه
سلامتله منزله عودت ایتک انسدردیوب کند وسیله هم طریق نفاق اولان
اوجیموز نفر اهل شقا و شقاقله فضاله معده کبی معسکردن افتراق و رجعتله
بند نفاق انفاق ایلدیلر * عبدالله بن عمرو بن حرام که پدر جابر در
وابن سلول کبی خزر جید راقه لرینه دوشوب اول بد ملتله اذکر کم الله
ان تخذلوا ای ان لاتصروا بیکم وقومکم عندما حضر من عدوهم دیه رل
لین کلامه نصیحت و سوق جانب رجعت ایلدیکه اول کراهان اگر محاربه
اولنه جفی تحتل اولیدی سزه البت معاونت ایدردل لکن بروجهله
محاربه اولغیه جفی مجذومدر دیوب طرف مدینه به شتابان اولدیلر *
عبدالله اول ضلالتا نوسل انصرافندن مایوس اولیق اهد کم الله
ای اهلکمکم اعدا الله قسیفه فی الله عنکم نبیه دعاسنی تعقیب ایدوب بعده
شتابله احد جانبته عنایتاب اولدی * چون شرمه شرمه شرمه شرمه
رجعتلندن نوعا نظام ارکان چند اسلامه خلل طاری اولوب میانلرینه
اختلاف عارض اولدی * حتی اوسباندن بنو حارثه و خزرجیساندن
بنو سلمه بین التزل و التمسال * ملائکی اوللریله از قالدیکه مؤدی جدال اوله
فما لکم فی المناقین فتین واللہ اراکمهم ما کسبوا کریمدی بو خصوصه
نازل اولدی * قوله تعالی اراکمهم ردهم الی فرهم ابن جوزی
روایت ایدر که نامزد جناحی لشکر اسلام اولان بنو حارثه و بنو سلمه نل

ابن سلول عقبندن پای نیاتلری متزلزل اولوب انصرافه مبادرت اوزره ایدکن
دستیاری عصمت پرورد کاری عنان کیر عزیمت اولغله بنه کما کان صدق
جنتانله حرب وقتساله برزده دامان اولدیلر * اذمت طائفتان منکم
ان تفشلا الایه کریمه می یونلر حقارنده نازل اولدی * ما حصل غش زرباب
منزلده اولان مکر و نفاق احتیاجی عسکر با کیره کهر دن ابریلوب بوجهله
جیوش نصرت اترید یوزنه فرقا لغله جله سنی چشمه خورشید اسایکرنل
اولوب عن صمیم البال جنود کفر و ضلاله جنک و قتساله اهنک ایلدیلر *
حضرت سید البشر برزهر بر لایز مدرسه که کفار اوزره اوغرا تمیزین
بر یقین یولدن بزنی تبرد کاهه حقیقاره یوز یجق اول خدمتی ابو خیمه
منعهد اولغله بنو حارثه حره سبله اموالدری میباندن مروارید رکن
ظاهری و باطنی نایبنا مریم بن قبطی الحارثی نام منافق بدسیرت و بدسیما
حاطنه داخل اولغله * اول کافر بیجیاهمان قالدوب عسکر اسلامن
یوزینه طبراق صاچدی * وحاشا سن اگر رسول خدا اولدک بنم حاطمه
دخوله طرف الهیدن رخسار تاب اولماز ایدک دیوب والنده برقبضه طبراق
اولغله اگر غیره اصابت ایتمه چکی یقینا معلوم اولیدی یا محمد یوزینه
ضرب ایدردم دیوهر زه فشان اولدقد * سعید بن زید بی اختیار سحر ایوب
کمانله اول بد کمانک باشی شق ایلدی * جنود ابراردخی یکبار قتلنه
ابتدارلنده حضرت جلیل الخطر لا تقنلوه فیهذا الاعی اعی القلب اعی
البصر دیو منع یوردیلر * بنو حارثدن اول بی بصیرتله همرنل نفاق
وغوایت اولان نیجه کوردلان که ابن سلول ایله رجعت ایتما مشیدی
مسفوره طرف کیر اولان قیدنه دوشمکه طرف نیوی به اطمینان غیور زباندرا
زی به * مبادرتلنده اسید بن خضیر رضی الله عنه اجرای مایلیقلری
ایچون اوزر لرینه عنان انکیر هجوم اولدقد * نه حضرت رسول مؤید
رضاداده اولما مغله کفیدا ایلدیلر * چون طلیعه توفیق اله ایله سپاه ظفر
دستگاه تبرد کاهه واصل اولدیلر * سپهسار موحدین بالنفس تسویه
صفوف مردان دین ایدوب مدینه مقابله ده وجبل احد و رای ظهر
اسلامده قالمق اوزره ترتیب نظام ایلدیلر * اول کیجه انده ارام اولنوب
علی الصباح منظره کفار ناولا حده جماعتله نماز بخرا دادا اولدقد نصکره
برخطبه بلیغه انشاد و لشکر اسلامی تشویق غزو و جهاد یوروب *
وانه قد نفث فی روح الامین انه ان تموت نفس حتی تستوفی اقصى
رزقها لا یتقص منه شی وان ابطا عنها فاتقوا الله ربکم واجلوا فی طلب الرزق

لا یستطیعون ان یتغلبوه بمعصیة الله والمؤمن من المؤمن کالرأس
من الجسد اذا اشتكى تداعی علیه سائر جسده والسلام علیکم کلام حکمت
انتظار امیدوار تر حبيب افندة اسلامیان و ترغیب موافقت همکنان پیوردیلر
یعنی جبریل امین بنم قلمه بگویند وحی والهام ایلدیکه برکسته نحن قسمنا
مطیعین حصه سنه اصابت ایدن رزقنا فیما بیننا استیفایا ایلدیکه دنیادن
ارتحال ایلمز * رزق معینی اول کسسه به هر تقدیر کیمه رله واصل اولور ایسه ده
بل ذره نقصانیدر اولوب بهر حال بروفق تعیین قسام ازل کند و سنه
رسید اولور * پس جمله کزی کتم عدمدن ساحه وجوده کتوروب
لیل و نهار ذمه تیله پرورده ایدن حضرت پروردگار دن انتقالیدوب رزق
معین کزی طلبده سالک راه رضای الهی اوله سز * و رزق بطاقت وصولی
سز و سبله معصیتله طلب و التماسه حمل و سوق ایلسون و بر مؤمن سائر
مؤمنه نسبت بدنده باش کید رصداغ و یا خود بر دیگر عارضه سبیلله
انسانل باشی در دنالک اولسه اعضای سائر دخی حصه مندر داولقی
در کاردر * غزاة پاکیزه سیرت بوفریده نصیحتی قرطه کوش قبول و رغبت
ایدوب شیرزه صفت دمدمه سازخوش و سطوت اولدیلر * طرف یسار
اسلامیسانده بر کوچن جبل اولغله شکافندن کتیبه موحدین اوزره بغنه
هجوم مشرکین احتمالی سدا یچون الای نفر تیراندازایله عبدالله بن
جبریل اول محلی محافظه تعیین پیوریلوب * عسکر اسلام فتح و نصرت
یا خود کسرو هزیمت مظهری اولدیفی صورته طرف نیویدن بی صدور
رخصت زنه بار برلندن بر خطوه حرکت ایتمیوب قطب فلکی کبی رکز
و تبتلاری باندن تنبیه اکید پیوردیلر * لشکر کفار کیمینه ناممونیله
خالد بن ولید * و میسره عسکر هونلرینه عکرمه بن ابوجهم نامن داولغله
حضرت علیه السلام زبیر بن عوای ازای خالده تعیین و برمه دار غزاة ابراری
مقابله عکرمه ده تمکین پیوردیلر * القصه بروفق مرام چار جهت خیس
اسلام ترتیب اولند قد نصکره ذات رسالتسمات عالی مانند نور ایمان قلب
شکر رسانده ثابت و رخشان اولدیلر * و دم تراحم کید و دارده غیر آشنا
و اغیارا یچون اهل اسلامه امت امت کلمه بی تعیین شعار پیورلدی *
امانه دن امر اولغله کفاری قتل و اهلاک ایله دیمک اولور * بعده پدمویدلرینه
برقی الدیلر که صفحه بجلاسندن *
* فی الجنب عاروفی الاقبال مکرمه * و المرء بالجنب لا یجوز من القدر *
* مرسوم ایدی * بوقلمن حقنی ادا ایتمک شرطیله بندن تلقی ایدن

کیدر پیوردیلر عجم و سر تخی و زبیر بن عوام و فیه تیغزنان ابطال قیام
واقبال ایلدیلر * انلاره و برمیوب ینه تکریر خطاب ایلدیلر * بود فیه
ابودجانه اول مردیکانه زمین بوس خدمت اولوب یارسول الله بونل حتی
ندریدی * حضرت نبی مطلق دخی منحنی اولنجه قدر اعدای بد کهری
بونکله اورمقدر پیوردیلر * ابودجانه شرط معمود اوزره قلمی الوب
ایکی صف میاندن - مردچان اسار بنمارایله روان ازمنه بشارت حضرت
علیه السلام خرام ابودجانه به اشارتله انما المشیة یغضها الله تعالی
الافی مثل هذا الموطن پیوردیلر * زبیر بن عوامدن مر ویدر که کوزه بم
ابودجانه نه شیوه ایله جنبش نمای مبارزانه اولوردیو عقبتدن روانه اولدم
برقر مزی عصابه جیقروب ناصبه سنه بند ایلدی * انصار کورد کده اخرج
عصابه الموت دیدیلر اول دلیریم متاعلاوه شوق توجه سلطان الانبیایله *
* انا الذی عاهدنی خلیلی * و نحن بالسفح لدی الخلیل *
* ان لا اقوم الدهر فی الکبیر * اضرب بسیف الله و الرسول *
ار جوزه سنی تکرار ایدیلر نوم کرانه حشر شیرانه ایدوب * راست کلدیک
کشتی * واجب التدمیر لری بدرقه شمشیرایله و براه جانب سعیر ایدر ایدی
کبول تشدید ایله فیعول و زنده کیدن ماخوذ در کبل چنماقتن آتش
چنماغه دینور * بقال کال انذنا لم یخرج نارا بعده محل قتال اولماق
مناسبتله مؤخر صفوف لشکرده استعمال اولندی * طرف کفار خاکاردن
ارطاه بن شرجیل و علمدار لری طلحه بن ابوطلحه میدان ات سوروب مبارز
طلب ایلدیلر * دلیر محارب حزه بن عیسدا المطلب ارطاهیه و شیر خدا
علی المرتضی طلحه به مقابل اولوب بر ر ضرب شمشیرایله معلق زن حفره
بنس المصیر ایلدیلر * بعده طلحه نل برادری عثمان ابوشیبه که بنوشیبه کا
منتیدر علی الوب حله ایلدی * حضرت حزه ایندخی برادر سه ملاقی
ایلدی بعده یکبار لشکر ابرار اوزرینه هجوم ایلدیلر عسکر اسلام دخی قرشو
واروب لحظه واحده ده صفوف دشمنانی برهم زده ایدوب * تازیانه تیغده
احمال واثق الالرنندن طرد و ابعاد و اطراف بیابانه مانند جراد منتشر و پریشان
ایلد کد نصکره بارو شکا هارین یغمایه متبادر اولدیلر * شکاف جبل
محافظه سنه مأمور اولان اهل اسلام مشرک لری انهم زام و غزاة دینک
اغتنامنی کور یجمل * طمعه دوشوب حضرتنک تبیین فراموش ایلدیلر *
هر چند که سردار لری اولان عبدالله بن جبریل منعه سعی ایدوب فرمان
مابونه مخالفتنک و خامت عاقبتی بیان ایلدی مفید اولوب یغما امینه سبله

اول سوبه صوکی اقل ایلدیلر * انجیق عبد الله بن جبیر و برقاج کسکه قالمغین
خالد بن ولید و عکرمه بن ابوجهمل فرار ایدرکن اول شکافی خالی کوروب
عسکر اسلام بیخبر تاراجه مشغول ایکن همسان ارقه لرندن سیل بلاکی
هیچوم اتدیلر * عبد الله بن مسعود لر فی شهید ایلد کد نصر کوه صفوف اسلامی
پراکنده و پریشان ایلدیلر * مصعب بن عمیر سمع رسول الله مدین برخطوه
منفصل اولموب عرصه جانسپاریده اجرای رسم کارزاری ایدرکن ناکاه
ماتد بلای سیاه ابن قثمه دید کاری کراه بر طرفدن ظم و رایدوب حضرت
رسول الله ظنیه اول مرد میدان جلادته اشراپ شربت شهادت ایلدی *
و دستور مسطور اوزره غلام طعمه وحشی دایما جوینده فرصت حزه اولوب
ناکه حضرت حزه شیرزکی خنازیر کفاری بری برینه قاتوب رستمانه
جنکه مشغول ایکن فرصت بولوب علی الغفله بر حربه ایله اول سرور بری
ندیدی شهید ایلدی * و شداد بن اوس یدیه حضرت حنظله دخی فائز
رتبه شهادت اولدی * حقهنده حضرت رسول الله ان حنظله لتغسله الملائکه
بیور ملرله زوجه سندن سوال اولند قدده احراز ثواب غزایه کمال استیصالندن
ناشی * تقدیم اغتساله توقف ایلدی بکنی اخبار ایلدی * مریدر ککه
ابن قثمه دید کاری پلید حنظله فی رسول الله ظنیه شهید ایلد کد نصر کوه
حاشا محمد قتل اولندی دیو فریاد ایدوب بر طرفدن ابلیس لعین دخی یا عباد
الله ارمیزی دشمن الی دیوانقاسی تشویشه نفرته داد اولمغه پیشروان
لشکر اسلام جانب قفایه تقلیب وجهه استطلاع ایلد کارنده در قفا اولان
دوستلری دشمن تصویریه اوزر لرینه سل سیف ایدوب من حیث لایشمر
میان لرنده نیجه کالای کرانیهای زند کافی هیجه صاندلی * و الحاصل اول
ملعونلرک اوز ناما از لری اصول کتیبه دینه خلل پرداز اولمغه جابجا انهم زامه
یوز طنوب بر طاقه طوغری طیبیه به پریان و سائر لر دخی بی سرو پا اطراف
واکافه پریشان اولدیلر * ابن قثمه نل کلامنی تحقیقه حمل اید نلرک بعضی
بری برینه لشکر دشمنانکه کندی اتراب و خویشا نمزد راقه مزدن کاوب
بزه ایصال سیف خسران ایتمکسزین منشبت دامن استیصال اولام دیدیلر
و کیمیی حضرت سلطان الانبیا خرامان جانب عقبای اولدیلر ایسه دیغز
ایچون جنل ایدر زیدیلر * اول زمرة خاص ظاهر الا خلاصدن بریسی
انس بن مالک بن نصر اولمغه بومقال حقیقت مالک کندودن صدورینه
بعد وقت - شوریدیده سعد بن مالک شهادت ایتمکد نزد نبویه حائز درجه
اختصاص اولمدر * نغمه حقه هنکامه بر طرف اولنجه قدر حضرت

خیر البشر مرکز لرنده ثابت اولوب * یدییسی مهاجریندن و یدییسی انصار
کریندن همان اون درت نفر جانسپاران میدان عشق مجدی ایله قالدیلر *
ابوسفیان صورتنا سیمطالال اسلامیان اصابت زخم چشم زمانه بورسمه
پریشان اولدیغنی کور ییچون بغایت مسرور و شادان اولوب اوج کره محمد
صانعیدر دیوا و از ایندایله پرسان اولدی اشارت رسالتا بله طرف مؤمنیندن
جواب الا حق السکوت برله مجاب اولمغه * اوچر دفعه دخی ابوبکر و عمر
ساحه حیاتده خرام اورمیدر دیوندا ایدوب ینه جواب ویرلیچون کندی
عسکرینه التفات ایدوب غالباً یونلردیار عدمه گذارا بتشدر درمن بعد شیرازه
جمعیت اسلامده صورت انتظام کور غمزدیوا طهار طرب و سرور ایلد کده *
حضرت عمر دائره صبر و تحملدن بدو اولوب ای دشمن خدا بیوده لیکشای
خنده صفا اولمکه یونلر حالاً متم نعمت زند کانیدر دیودماغ حضور و شاد
مانیسی تکدیر ایلد کده * ابوسفیان ظهور عکس قضیه تحیلدن بر زمان
اولوب بشقه وادیه امله عنان رخس هزیاتله اهل اسلامه خطاب ایدوب
یوم یوم و الحرب مجال یعنی یوکون بدو کونته مقابلدر جنل حالی بویه در
ظفرگاه سیزه و کاه بیزه میسر اولور دیوب سمت اخره منعطف اولدی *
حضرت خیر الناس اصحاب کرام لرین القاس ایچون هر طرفه فادمه جنبان
جستجو ایکن مشر کار استقبال ایدوب دفعه حمله واستیصال وحاشا اول مهر
منیر سالتی افکنده عقده زوال ایتمک استیصال ایلدیلر * عون صون
صمدانیه تقریه فرصتیاب اولد قلرندن ناشی * صفحه جمال با کمالرینه
قور ییچون الارمله برقاج طاش اتوب لب زبرین جان پرور لرین مجروح و جانب
اسفلدن طرف یمناده واقع اسنان رباعیه لرین شکست اتدیلر * و ابن قثمه نل
طاشی وجه و جیه لرینه اصابت ایتمکله رخسار تابدار لرندن خون لعل کون
روان اولمغه بشلدی حضرت برکزیده هر دوسرا گوشه ردای مشکسار یله
سپلدیکی حالده اول ملعون عاقبت تهاهی هدف تیر دعای اقاله الله ایلدیلر
اقا تحقیر و تذلیل معناسنه در مریدر که ناول دعای رسول نافذ پونه قبول
اولوب بعد حین اول کافر بیدین * بر جیل شاهقه سنده مشتعل سوق اغنام
ایکن طرف حضرت شدید الانتقامدن اوزرینه برطاع قوبچی تسلیم
اولنوب * شاخ لرله اول کستاخ مطاخی باره پاره ایلدی * و دندان سعادت
کسرینه جسارت ایدن کشتنی مخاذیل قریشدن عتبه بن ابی وقاص ایدی که
بنده خاص سعادت اختصاص اولان سعد بن ابی وقاصل برادریدر * بیت
سبوی میله ابریق وضو بر خاکدن اما * نه حکمتدر بلغز بری صالح بری

فاسق و ربه اول مادر بخطا نك شامت فعل شنيع مدی الزمان اعتبار
 و اخلافه عدو و مريان ايدوب باجله ذرية ليرينك اسنان رباعيه لری بر كنده
 كلابيب تقدیر او را ایدی * سر دفتر اهل شقا ابن قته دید کاری نابکار
 بچیانك صدمه سنك شقاوت اهنكیله سر سجد اخسر نبوده اولان
 مغفرك ایکی حلقه سی خلیفه رخسار نازنین سید المرسلین اولوب * اول
 مشغله ایله مقدمه ابو عامر الفاسق نام قاجر عمو ذقل شیران اسلامی افکنده
 دام ایتمك ایچون اماده ایلدیکی چاهك برینه بر توافه تاب اسافته
 اولدیله * و بیضه مغفرك مبارك باشلرینه کچوب اول ائنده بر قاج کافر ناسازلر
 طرف حضرت سنك انداز اولغله حضرت مرتضی و طلحه بن عبید الله
 ضرب تیغله اول ملاعینی بر طرف ایدوب مبارك اللرندن مرتضی اخذ
 و طلحه بغلکیری خدمته قیام ایدرك اول نخل باغ هدای * سر و سهی اسا
 پا بر جای استوا اولدیله * مالک بن سنان علیه الرضوان و جنات نورانی
 سمات سمیه دن روان اولان قانی مص و ابتلاع ایتمکله * من مس دمی دمه
 لم نصبه النار بشارتیه تشنه فاسماع ایلدیله * مجزه * هنکام اشتعال
 ناره قتاله قتاده بن نعمانك دیده سی مصاب اولوب رخسارینه دوشمکله
 حضرت رسول الله دست مجزه پیوست عالیه لریله الوب * اللهم اکسه
 جمالا دعاسیله محله وضع یوردیله * فی الحال مظهر شفا اولوب اولکیدن
 زیاده اعلا وینا اولدی * بعد زمان ابن قتاده دن ذاتی استعلام اولند قدده
 اشوق طعه ایله تعریف بنفسه ایلدیکی منق و لدر *

* انا بن الذی سالت علی الخدعنه * فردت بكف المصطفى اجمارد *

* فعادت كما كانت لا اول امرها * فباحسن ماعین و باحسن مارد *

خذه مشرکین خصوصانسان ماعت ایینلری شهدای مسلمینی منله ایدوب
 لاسیمار وجه ابوسفیان اولان هند نام بریده حیثانک بدری وقعه بدرده
 کشته تیغ حزه اولغله اول عداوت سبیلله حضرت حزه نك صدر فی یاروب
 جگرندن بر باره قطع و تا اول ایلک قصیده اغزیه الوب و اخره شمع ایلدی
 یوقی استدکجه بروجله بوغازندن کچموب اخر زمینه القا ایلدی * و گذار
 شیدرا ولدینی اوزره کذوبه ابن قته دن بشقه وجودیه بود جلیل العنوان
 درون حفرده چند خطه جان کبی کوزدن نهان اواق تقریبی اشرف
 اصحاب کرامله خرامان روضه دار السلام اولدی قیاس ایدر لرایدی لشکر
 اسلام دخی حیات سید الانامدن مایوس تام اولشرایدی * ناگاه نظر کعب
 این مالک دید ارضیا مدار سید الابراره دوش اولغله نفسه مقاتلک اولوب

صوت بلند ایله یامعشر المسلمین هتار رسول الله دیوندا ایتمکله * و سوسو
 ماتند جویو کای نموی بهشتیان اولن ابر * حضرت زین العابد صوابید
 اصحاب اوزره بر مقدار اسایش ایچون شعب احده متوجه اولدیله * غایله
 رهزنان بر طرف اولغله بر منزل سلامته و اصل اولیحق حضرت مرتضی
 سیر ایلله صوکتوروب لهر و روی دلجو بلرین الایش خوندن پالک ایلدی
 اول کون حضرت امام الانبیا غایت ضعف لرندن صلوة ظهری قاعد ادا
 یوروب اصحاب کرام دخی قعودا افتد ایلدیله * چون وضع الحرب اوزارها
 خوامی میدان قتال اعمال ادوات جدال دن خالی قلوب کروه کافر نك ثباتی
 انصرافه متحول اولیحق سر طوبیله اهل خذلان ابوسفیان اهل اسلام
 اوزره مشرف جبل زروه سندن اوزره لند ایلله انعت فعال ابن الحرب بحال
 یوم یوم بدر اهل جبل دیوز عجمه سنایش اصنام ایلدی * انعت بکنسر
 التیام خطاب لنفسه اوللار لام * لانه استقسم بهاعند خروجه الی احد
 خراج مهم نم * و التیام فی فعال مفتوحة و لیست من نبيه الکلمه * و هی
 امر تقول العرب عال * بمعنی از رفع عنی و دعنی * و یقال الحرب بحال
 ای بحال منها علی هؤلاء و آخر علی هؤلاء * اشارت سید البشیر ایلله
 حضرت عمر الداعی راجل لاسواء قتلا نافی الجنة و قتلاکم فی النار جوابیله
 مقایله ییوردیله * و کرا ابوسفیان ان لنا عزی و لا عزی لکم دیدی * ینه
 امور رسول الله لسلام طرفندن الله مولانا ولا مولی لکم تعبیرله جواب
 ویرلیدی * یومر نه مطیار حه قیل و قاله نکره ابوسفیان ان موعدهم بدر
 للقبال دیو کچمکس طرفینک فصلی خصوصیتی سنه آتیه ده صحرا بدرله
 موعدا اجتماع اولسینه تعلیق ایلدی * اشارت رسول الله لاجلین بری
 هو یتتام موعده دیو جواب ویردی * پس یومیشاق اوزره اتفاقله مفرق
 اولدیله * کدار شیدرا ولدینی اوزره سپاه اسلامه اصابت چشم روز کار ایلله
 صورت انکسار واقع اولوب ره پیمای انهزام اولنار مدینه به وصول لرنده
 اوزر ناساز این قته و ایلدیسی حقیقه جمل ایلله سکان طیبه فی شوریة شیون
 و احزان ایتلریله * انسان مسلمانان خصوصاً حضرت زهرا کسور بریشان
 ولوله فریاد و اغغانله بی اختیار * طرف معرکه کارزاره پویان اولدیله * المنه
 لاه تعالی صحت و سلامتله مظهر التقا اولد قدده خونا به نشان رخسای خاکای
 سرور عالیشان اولوب * حضرت سید الاراد دخی دودست مهر و شفقت
 پدرا نه ایلله در کار ایلدیله * وجودیه بود نبوده اولان جراحتلرین شسته
 و شوریه اهتمام ایدوب چشمه زخدن فوران ایدن جوی خسون متقطع

اولا مغله بر مقدار حصیر بار دیا قوب خاکه تریله سد خون ایلدی * اندنصر کرمه
شهادت احواله مشغول اولوب ابن سلیمان بن عبد بن ربیع بن نجسینه ارسال
بیوردیلر * میانته کشمکانه اوج دفعه ندایدوب اخرا ابن الربیع بن سکا
حضرت رسول الله ارسال بیوردی دیوندا ایدیلر * صوت ضعیفه
جواب کلمه دلالت اوارا یله واروب سعدی رمق اخیره بولدی * یاسعد
سنی رسول الله سؤال بیوردیلر دیکل کوزین اجوب بندن اول حضرت
معنی رتبه تقدیم غرضی تحت و تسلیم ایلد کدنصر کرمه * یارسول الله جا کر
اخلاص برورل سعد جزا الله عنا خیرا ما جزی نبی عن امتدیدی دیه سن *
واصحاب کرامه دخی سلام ایدوب سونیلنه سن که سزدن بزادم چشم زند کایله
تماشای جمال بجهان ایلدیکه یعنی حیاته اولدیکه * پیرامن حال سید
الابرار تعرض خارا کدار واقع اولور ایسه حنور حقه بروجه له عذر بکر
جلوه کرمعرض قبول اولزدید کدنصر کرمه وفات ایلدی * بعده حضرت
رسول الله عم مکرملری خزه دن سؤال بیور مغله بطن وادیده اول نهیل
بحر شهابی ساحل نشین شهادت اولمش بولدی * سر و قننه کلوب اندامی
اول حله کور بیلک بغایت منشا و محزون اولدیکه بی اختیار کرب ایدوب
رحمة الله علیه لفت کنت فعولا لاخیر و صولا لا رحم دیود عاوشادنصر کرمه
اکبر دفعه دخی قریش ایلد مطار حقه قرعه مکافحه اولنور ایسه انلاردن تمش
کسیدی مثله ایدیم دیومین ایلدی * فی الحال خواتیم سورة شمس که
وان عقیتم فعاقبوا بمنل ما عوقبتهم به و ان صبرتم لهو خیرا صابرین کرمه سی
نازل اولوب * تجارات بالمثل ایلد اکتفا و مصیبت دمنده اجر جزیل اقتضا
ایتمل ایچون صبر جمیل طرفه ارشاد بیور مغله کفار تله عهد یمیندن تخلص
ذمت بیوردیلر * پس فرمان واجب الادعان نیوی اوزره اجساد شهیدا
بربر جمع اولوب اول مست رحیق شهادت خنلر تله بلبل قدسی نوای
کزار رسالت حضرت تری * انا شهید علی هولا و ما من جریح یجرح فی الله
الا والله تعالی بیغته یوم القیمة ید فی جرحه اللون لون الدم و الريح ريح المسک
زملوهم بجر حنهم رمز مه سبله کوینده بشارت اولغله * هیتلری اوزره
جلسه سنی دفن ایلدی * حضرت جابر رضی الله عنه جانفدای رسول الله
اولان پدر و الا کهری عبد الله ایچون کربان اولدیفی مشهور و پیغمبر دیشان
اولدیکه * یا جابر مملو مکرز اولد و نسکه حتی جل و علا حضرت تری اشیر
شهیدانک بموعنی و رای چایدن منظم و خطاب ایدوب * لکن پدرله اول
شرفه و واجبه نائل اولد کدنصر کرمه حضرت باری عز شانه سانی اعطاک

کلامیه جمع مسئولاته مساعد علیه ظمورینی تشریح بیوردیلر * پدرله
دخی مرة بعد آخری محض اسید الهیده کارزار ایدوب جانسپار اولوق ایچون
نیاز مند حیات اولدیکه ماده من یوزده قرار داده جف القلم اولدیفی اخبار
بیوردیلر * پس پادشاه بولمست رحمت مستغرق اولدیفی عالم حیاته اولنلره
ابلاغ و انبیا و رافعی استدعای تمکله * ولا تحسبن الذين قتلوا فی سبیل الله
امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون کرمه سی نازل اولدی بیوردیلر * وقعه
مرفومه ده حائر درجه شهادت تمش نقر اهل سعادت اولوب دردی
منها جریندن التمش التمش انصار کزیندن ایدی * و داخل مطموره منجین
اولان بکرمی اوج نفر خذله مشرکین اولدیفی رقم زده ارباب یقین در *
وملا ثک کرام معرکه الخافه * حاضر اولوب لکن اهنک قتال ایلدکاری
مختار اکثر اصحاب کمالدر * مقاتله به مبارزتلی دخی روایتدر * طرف
طرف صحابه کزین نوحه واذین ایلدیکه منافقین و بیود اظهار سرور
ناحمد و دایتمکله بوقعه ده خبت طینتلی جله به معلوم و مشهور اولشدر
حکمت * متیقظ و صاحب عرفان اولان ارباب ابقانه عیان و مرایای
اذه ان اصحاب من ایا و اذعانه نمایاندر * بیت * خدای عزوجل را بضمی
هر چه بکنند * لطیفه ایست که کس را از ان خبر نبود * مؤدای
بعض قهر و شکایت جلیه صورتیده ابراز جمال ایدن شواهد شنوات
الهیة متضمن عنایات خفیه اولغله * اشیر وقعه جکر سوزا حد ضمتده
دخی نیجه حکم خفیه و لطائف غیبیه مندرج و تنبیهات سبحانیه مندر *
از جمله امر نبویدن مریج اطاعت اولوق نه رتبه ده مستوجب و خامت
عاقبت اولدیفی شعب جلیه تعیین اولنان تیراندازلر شیره باز کونه لرندن
جمله اهل اسلامه مدار عبرت اولشدر * نایب بر موجب عادت الهی
ایننه امتزار لا یتناهی اولان رسل کرام حضراتی احیانا بورسمه مظهر
ابتلائی رب الانام اولوب ینه عاقبت حیده کنیدی طرفلر تله زمین انتظام
اولور * زیرا دایما منصور الاولسه لربا لضمور و اسلامه علاقه سی اولمایانلر
دخی صورت ظاهرده هم شمار مسلمین اولوب اخلاط فاسده کبی اهل صدق
و دیانتله متمیز اولغله صادق و منافق مقیر و مفتقر اولماز * و علی الدوام
منکوس الاعلام اولسه لرمصلحت بعثت حاصل اولماز * ثالثا حول وقعه
مرفومه به قدر میانته ناسده طوزنفاق مستور و پنهان اولوب ملحه
من یوزده ظاهر و نمایان اولغله من بعد اهل اسلام دشمنلری قوی بی ایچره
اولدیفی تحقیق اتمکله انلردن متباعد اولوب رازینه محرم و امور لرینه

پیشتریم این کتب بشته بهمان اول غداران بد پیمانانند جز او زره
 اولوزلر را به بعضی موطنند فوز و نصرتک تا خیری شما جت نفسک
 که سرفی مستوجب اولوزلر را حالت امتحان و اختبارده تقدایانی کامل العیار
 اولوزلر بونه صبر و تحملده قال اولوب سکه یدیر احسان لا یرال اولوزلر
 اما جوهر نده غش اولوزلر اش جزع و فزع له بانوب یا قلوب سیکه ایمانی زبوف
 اولدیغی میدان چیقار * خامسا حضرت حق جل و علا عباد مکرمین
 ایچون مهیا ایلدیکی مقام اعلایه و صولی دلالت بدرقه سخن و بلا یاه
 منوط ایدوب خصوصا کلید منصفه زیات الجبال بهشتک فتح و کسایشنی
 دستیاری سیف مسلوله معلق و مشروط ایلشدر * سادسا اولیای رب العزته
 اعلائی منزلت رتبه شهادت اولغله اول و قعه ده نیجه سرباز اول دوزجه فی احراز
 ایشدر * سابع اول کونه اولیای رب العالمینه اذای مشرکین باعث تمجیس
 ذنوب مؤمنین و مورت محق مشرکین اولشدر بونلردن ماعدانیجه حکم
 خفیه بی مشرکدر که تیه اذعاند و عقول انسانی سرگرداند * غزوه جراه
 الاسد * اخذ غزاسندن تشریفک فردانی غزوه جراه الاسد واقع اولشدر
 جراه الاسد مدینه به سکر میل مسافه ده بر موضع اسمیدر سبی بودر که
 کفارید کردار اخذدن مکبه به عودت ایدر کد نصر کمره و عملر نیجه بیضه
 بیضای اسلامی رفع و مدینه بی غارت ایلد کار نه ند امله رجعتیه میادرتلری
 مسعود صاحب سعادت اولغله * هنوز قدم نحو تملری خطه طیبیه به ارات
 شامت ایتمزدن مقدم اول بد کیشله سدیش اونی ملا حظله سبله ارتکاب
 کافه عزیمت بیوریلوب حسب الامر حضرت بلال ایچق اخذ جنکند
 حاضر اولان غزاه تنید ایدوب قلوب اعدایه رعب و هراس القا و طرف
 اسلامیانده ضعف و پریشانیت کائنات ابطال و الفایچون * همان اول
 روز سعادت برورده متوکلا علی الله عزم راه اولندی * جراه الاسد نام
 مقام منصب رایات ثریا اعلام اولد قده * طرف کفاردن تجسس اخبار ایچون
 و رویدادن معاویه بن مغیره نام کافره دسترس اولغله حسب الامر
 العالی قتل ایلدیلر * کفار لثامن صولات اسلامدن خبردار اولوب مکبه
 جان اندقلری مسعود و محقق اولغین تلافی فریقین احتمالی بعد المشرقین
 اراچق بافر و شوکت طرف مدینه به رجعت اولندی * مریه محمد بن
 مسلم * سنه منوره و قایعندن بری دخی مریه محمد بن مسلمه در * یهود
 یهودی * یهودی * یهودی * یهودی * یهودی * یهودی * یهودی * یهودی
 یهودی * یهودی * یهودی * یهودی * یهودی * یهودی * یهودی * یهودی

ودینه متعلق بر ماده ده دوچار اولغله مدینه به کاوب بنو نضیر ایلد تخالف
 و عقیده بنت ابی الحقیق نام یهودیه بی تزویج ایتمکله فراشدن مرسوم کعب
 نازاش حاصل اولدی * کافر مسفور زعمجه فن شعرده صاحب سلیقه
 اولوب و احباردن معدود و سامان و ثروت نامحدوده مالک اولغله تعیین نمای
 قوم یهود اولمشیدی * ثخر عالم صلی الله علیه و سلم حضرتلری مکهدن دار
 المجریه تشریف لارنده اول خبر برفته و کبری بودلری باشنه جمع ایدوب باره
 محمدیده مقتضای عقل و علم لارندن سوال ایلدی * انلاردخی قدومنه منتظر
 اولدیفمز ذات جلیل السمات بود کلیدردید کده * امین بیدین برخشم و کین
 اولوب انلاری مجلسندن طرد و تبعید و رواتب معینه لرین قطعله معنای
 غیظنی تاکید ایلدی * یهودیلر دوتوب بوباید تانی و تأمل ایتمدیکمز
 ایچون غلطکار اولدق دیوبسطا اعتذارا تجلیله * کافر محذول عذر لرین قبول
 ایدوب بنه ادرارات سابقه لر فی اعطاء و مواعید کتیره ایلد اول بیدلاری مجدد
 کردن بسته انقیاد و اتقا ایلدی * روز کافر سوزیدرده منحت فیروزی طرف
 اسلامیان روزی اولدیغنی فرمان سرور جهان ایلد زید بن حارثه و عبد الله
 ابن رواحه مقدمه طیبیه به مرده رسان و اشراف قریشک افتاده مغالک
 هلاک اولدقلری انبا ایلد کده * کعب مرسوم شدت انفعالندن بو مثالو
 اشراف عرب و مسادات ناس اولان کینه لرک منظر شمشیر تد میر اولدقلری
 واقع ایسه برک الله اوستندن افضل اولدی دیو ترهاته اعزاز ایدوب * بعد
 تحقیق الخبر اول ملعون بد کهر بتمش تقریمود ملامت پرور ایلد بالتخالف
 قریش ایلد عقد اتحاد و تلافی ایچون مکبه به عزیمت ایلدی * وصولنده
 ابوسفیانه مهمان اولوب سبب قدومنی بیان ایلد کده * ابوسفیان یا کعب
 حضرت محمد اهل کتاب اولدیغنی کبی سزدخی اهل کتاب اولدیغکز سبیلله
 مکر و مکید تکرزدن امنیتله دعوا کره اعتقاد اولغز ایچق اشو هبل و عزری نام
 صخر منزه سجد و ایمان ایدر سکر بوباید صدق وصف و تکرزی تصدیق له
 مرکز که منطقه بند تلقیق اولور زدید کده * ملعون مضاعف اول صنم مهمل
 و من یفلر او کند مر و فرورده سجد و ضراعت اولد قد نصر کمره * جنب استار
 کعبه ده مخاذیل قریشله دست بدست قتال مسلمانده یکدل و یکجهت اولق
 اوزره بین ایلدی * بعد ابوسفیان کافر مرسومه خطاب ایدوب یا کعب
 برای و جاهل اولدیفمز سبیل نیک و بدی و حق و باطلی تمیزه قدر عزیز و قدر *
 لکن من علمای اهل کتابدن اولدیغک سبیلله بری علی وجه التحقيق اگاه ایلد که
 محمد یار تلقی و اهتمام ایلد کلری اسلام ملتبی اهدی و افضل یو خسه بزم

مسئله که مسفور را بنی محتوم المنة نك همشیره زاده سیدر * اول کشتی قنابل
 لوث وجود پلشتنا کردن سخن جهانی بالانک خدمتی در عهد همت
 ایدوب یعنی مرتبه دروغ مصاحبت امیر از نیکانه موقوف اولدیغنی اشعار ایل
 طلبکار رخصت اولغله * بعد الاذن کندی خانه سنه واروب ایابومهل
 غشینی حوزة مکتبه کنجیده اولور می ملاحظه سبله اوج کون صدیقه
 معده می دردانه غدادن تهی قالب * بعده قرار داده تدبیر اصابت
 اتعاشی اوزره کعبک اخ رضاعیسی ابونائله بی و اوج نفر سرباز جلاد
 تکمیری کندوسنه پاداش ایدوب * ابونائله به بعض مقدمه تعلیم
 ایلد کندنصره حصار کعبه تقدیم ایلدی * کعب ابونائله به ترحیب و اکرام
 ایدوب بر مقدار افاق مصاحبت و مناشدت ایلد کندنصره ابونائله مؤکدا
 وصیت کتائله سبب قدومی بیانه آغاز ایدوب * با کعب بوکسنه نك یعنی
 حضرت مصطفی نك مقدمی بر لر مولد بلا و مجله درد و عنا اولدی * ترک
 دین قدیم و اتباع ملت ابراهیم ایلدی بکمر زدن جله عرب بره خصم عظیم اولوب
 طر فزدن کلی متفر و بیزار اولمیرله طریق امد شد تجاری سد و بری سغبه
 رنج و کد بید ایلدی لر * امر معیشت ز غایه الفایه دشوار اولغله اطفال و عیال لر
 اچاقدن بچمال اولدی لر کند بیسی ایسه طور میوب بر دن مال و صدقه طلب
 ایدر بر خود تغدی ایدو جلک نان در دیله جان و پرورز خلاصه ماملک لر
 کندوسنه و احبابه صرف اولغله شویله اچ و توت و غدا به محتاج قالمشدر
 دیو ابراز بر نشانیات و اظہار شکایت ایلدی کعب بوسوزری ایشید بچون
 مقدمان سزما انجام کار بوککه مخبر اوله جفنی چند بار سو بدم اصفا
 ایتدی بکزدیه لر * اول زاغ زبان شمیر لسان عتابه زاغ و ربوب * چهره
 ابونائله به مانند نعبان زهر فشان اولد قدنصره * بی ایناندر که خلاصه
 مقصودک تدربو استنباط مافی الضمیر ایلدی * ابونائله دخی طرف نیویدن
 قطع رشته تعلق ایتمک اقضای مطالبی اولدیغنی افاده ایدوب هله شمیدی
 چنانچدن بنم و بوباید متفقلم اولان چند نفر بیچاره لر رهن معتبر ایل
 بر مشد ارغ و طعام اشتراکی نیاز من اولغله اسعاف و انجاش بیور مرکز
 مستدعا در دیدی * کعب انلارک احوال پر ملا لته صورت مهربانی
 کوستروب نیاز لر به مساعدت ایلد و عدا ایلدی * لکن نسوان لرینی استر هان
 ایتکله * ابونائله با کعب نسوان ارهانی بروجمله مرو نه شایان دکادر
 خصوص اسن عرب میبانه حسن و جمال و عذرا ایشمال اولدیغنی حسبله
 بر در لوا مینقی تصدیق بیله تصور ایلدی دیدی * کعب امدی اولاد کزی رهن

مسئله که مسفور را بنی محتوم المنة نك همشیره زاده سیدر * اول کشتی قنابل
 لوث وجود پلشتنا کردن سخن جهانی بالانک خدمتی در عهد همت
 ایدوب یعنی مرتبه دروغ مصاحبت امیر از نیکانه موقوف اولدیغنی اشعار ایل
 طلبکار رخصت اولغله * بعد الاذن کندی خانه سنه واروب ایابومهل
 غشینی حوزة مکتبه کنجیده اولور می ملاحظه سبله اوج کون صدیقه
 معده می دردانه غدادن تهی قالب * بعده قرار داده تدبیر اصابت
 اتعاشی اوزره کعبک اخ رضاعیسی ابونائله بی و اوج نفر سرباز جلاد
 تکمیری کندوسنه پاداش ایدوب * ابونائله به بعض مقدمه تعلیم
 ایلد کندنصره حصار کعبه تقدیم ایلدی * کعب ابونائله به ترحیب و اکرام
 ایدوب بر مقدار افاق مصاحبت و مناشدت ایلد کندنصره ابونائله مؤکدا
 وصیت کتائله سبب قدومی بیانه آغاز ایدوب * با کعب بوکسنه نك یعنی
 حضرت مصطفی نك مقدمی بر لر مولد بلا و مجله درد و عنا اولدی * ترک
 دین قدیم و اتباع ملت ابراهیم ایلدی بکمر زدن جله عرب بره خصم عظیم اولوب
 طر فزدن کلی متفر و بیزار اولمیرله طریق امد شد تجاری سد و بری سغبه
 رنج و کد بید ایلدی لر * امر معیشت ز غایه الفایه دشوار اولغله اطفال و عیال لر
 اچاقدن بچمال اولدی لر کند بیسی ایسه طور میوب بر دن مال و صدقه طلب
 ایدر بر خود تغدی ایدو جلک نان در دیله جان و پرورز خلاصه ماملک لر
 کندوسنه و احبابه صرف اولغله شویله اچ و توت و غدا به محتاج قالمشدر
 دیو ابراز بر نشانیات و اظہار شکایت ایلدی کعب بوسوزری ایشید بچون
 مقدمان سزما انجام کار بوککه مخبر اوله جفنی چند بار سو بدم اصفا
 ایتدی بکزدیه لر * اول زاغ زبان شمیر لسان عتابه زاغ و ربوب * چهره
 ابونائله به مانند نعبان زهر فشان اولد قدنصره * بی ایناندر که خلاصه
 مقصودک تدربو استنباط مافی الضمیر ایلدی * ابونائله دخی طرف نیویدن
 قطع رشته تعلق ایتمک اقضای مطالبی اولدیغنی افاده ایدوب هله شمیدی
 چنانچدن بنم و بوباید متفقلم اولان چند نفر بیچاره لر رهن معتبر ایل
 بر مشد ارغ و طعام اشتراکی نیاز من اولغله اسعاف و انجاش بیور مرکز
 مستدعا در دیدی * کعب انلارک احوال پر ملا لته صورت مهربانی
 کوستروب نیاز لر به مساعدت ایلد و عدا ایلدی * لکن نسوان لرینی استر هان
 ایتکله * ابونائله با کعب نسوان ارهانی بروجمله مرو نه شایان دکادر
 خصوص اسن عرب میبانه حسن و جمال و عذرا ایشمال اولدیغنی حسبله
 بر در لوا مینقی تصدیق بیله تصور ایلدی دیدی * کعب امدی اولاد کزی رهن

ایده سزیدی * ابونا ناله اولدخی بزه مثله عار و نام و سدر عالم بزی طعن
و تشنغ ایدر * اگر معقول ایسه سلاخری میزی رهن ایده لم دیوب اخشام
کمر و مل اوزره عودت و کلوب بارانه نقل ماجری و کیفیت ایلدی * بنه
علیه هر کس سلاخله الوب بعد المقلب احوالی عرض موقوف سرمدی
الاجلال ایلدی * حضرت علیه السلام دخی اول مجاهدین شرعه اسلامی
الی البقیع تشیع بیوروب * انطلقوا علی اسم الله اللهم انهم دعاسنی ترفیق
و محمد بن مسله نل شقه رایت ایاقنی حلیه امارتله تزویق بیورد قد نصکره
خانه سعادتله عودت بیوردیلر * پس اول درت نفر دلاور متوکلا علی
موصل الی طریای حصاره کلوب یا کعب یاران منتظر انجاز و عدا حساند
دیونده ایلد کده * کعب صداسندن بیلوب همان الحاقیه اشاغی ایان قصد
ایلد کده خاتونی که یاقینده منصفه پیرای ازدواج اولمشیدی * دامن کعبه
محکم صاریلوب سن بر مرد محارب و بسیار دشمن کسه سن بو وقتده
حصاردن بر خطوه حرکت ملایم عقل و رویت دکادر دیومنع ایلد جل
اولدی * اول خون گرفته بنی طلب ایدن شیر زادم محمد بن مسله ایلد
رضیم ابونا ناله در دیوب شتایله حصاردن طشمره جعدی ملعون رواج
طیبه ایلد شویله بویا اولمشیدی که پیشگاه حصاری بوی دلجوی ایلد بویادی
بری برینه عرض دستا و بر قیامت ایدوب بر مقدار مصاحبت اید کده نصکره
مستجاب وسیله سبله آهسته آهسته سیر ایدر لست حصاردن ایلدی * ابونا ناله
یا کعب عجب مستغرق عطر اوش سن بندخی فیقمنند اولیم دیونازگانه
دستسای سر کعب اولوب استنشام ایلدی * و مدته العر یونندن اعلا عطر شم
ایادم دیومده ایلد کعبی دلکرم ایلدی * اول ما صدق ازهی من ثعلب
دخی کیف و عندی اعطر واکل و اجمل نساء العرب دیوبانوی بدنیسی
طرفندن ظفره فروش میاهات اولوب * تکرار ابونا ناله یا کعب تعب اولمزه
بالذات سر معطرندن استنشام و کیسوی عنبر بوی که رخسای او قله استفاضة
نام ایده بم دیونیا ز مندا اولغله * اول سبک سرائس طماغ نخوت اثر ایلدی
لام و جیم باشی ابونا ناله نل * یدم متساوله سنه تسلیم ایلدی * ابونا ناله
بوغر صنه نائل اولیجی کیسولزندن محکم اخذوای نیمزنان عرصه ایمان
اشردن خدای سوله امان و بر مرکز دیوارانه قتل امینی تلقین ایلد کده
انلاردخی همان تیغزین عربان ایدوب اول سن جهمی اوزره حله شیرانه ایلد
وجود ایلدی * هندان حدید ایلدی * لکن عجله سیدل موف صاریلوب
بر صدام الی ناله که حضرت السید علی السید مودای العیال بدن

خیانت پرورینه بریسی کارکر اولدی * و هول جانله ابونا ناله به صاریلوب
برکونه فریاد ایلدی که حمله حصار سکانی ایشیدوب کیمی ایش و کیمی شمع
و مشاعل ایقاد ایلدی * محمد بن مسله تیر دست متقلدا اولدی بنی قلمی امین
واجب الاجلاقل کاف نافسه وضع ایدوب زور بازو ایلد عانه سنه قدر سق
ایلد کده نصکره فی الحال باشی کلوب صوب طیبه به قادمه جنبان
مسارعت اولدی * ملعونک زوجه سی کعب صیحه سنی ایشید بیلد ایکی
دفعه یال قریظه و النضیر دیواستصراخ ایشکله * یهودیلر جیقوب صدا
کلان طرفه پویان اولدی * لاشه سر بریده کعبی کورد کده * کربه کان
عقبیکر غازیان اولوب مخالف سمته عزیمت ایشکله خائب و خامر عودت
ایلدی * سر یازان دین اول لعین بدایینه قلع اوشورد قلزندن خطا ایلد *
حارث بن اوس حضرت تریسک سروپایی مجروح اولوب کثرت جریان دم سبیلد
نقل خطوه به بیحال اولغله طرف اوضح الشرف نبوی به سلام سپارش
ایدوب اولدی بنی مقامده قرار داده مقام اولدی * رفیقاری غیرت ایدوب اول
ناقانی نوبت نبوت دوش جیتلرنده ایصال سر منزل سلامت ایلدی *
بقیعه وصوللرنده زمزمه تکبیری رسیده سپهر اثیر ایشکله حضرت سید
الکائنات سجاده پیرای صلوة اولدی بنی حالد اوازه تکبیر واصل سمع خطیر
اولیجی * کعب نا تیرک خرزهره وجود شتوت امیزی بریده داره تیغ ظفر خیز
اولدی بنی معلوم همایونلری اولغله * درگاه رب مستعانه سجده گذار شکران
اولد قد نصکره پیشگاه مسجد سعادتله تجلی بخش طلعت اولوب غرات دین
دخی شرفیاب دیدار سید المرسلین اولدی * بحال وجه اسلام علیه الصلوة
والسلام حضرت تری اول مجاهدین بر شکوه افلحت الوجوه تمهیدله
برسان حال و شان اولوب * انلاردخی وجهک یارسلی الله دیو یوزلرین
فرسوده خاکای فلک فرسای ایلد کده نصکره سر کعبی غلطیده پیشگاه پیغمبر
عالی کعب ایلدی * فردای یهود طائفه سی طرف رسول الله کلوب
رئیس بر تلیساری اولان کعب مقهورک غیله هلاک اولدی بنی تعمر بشارنده
سیدالابرار حضرت تری دخی سبب استحقاق دماری اولان موادی بکان
بکان شمار بیوردیلر * بوند نصکره یهودید کردار جانب نبویدن استعمار
اوزره اولدی * سریه زید بن حارثه * کتب سیرده سریه قرده ایلد مقرر در
سنه من بوره یجاد الاخره سی غره سنده واقع اولمشدر * قرده فتح قاف
وسکون رای مهمله ایلد یا خود قای مفتوحه و رای مکوره ایلد نجد
صورلندن برص و اسیدر * سبی بودر که وقع بدرد نصکره قافله سافله قریش

شاهه کند کاری جاده ججاری تر ایدوب اسارای بدردن کریمته بردلیل
استیجاروانک دلالیه راه عراقی اختیار ایلدیلر * بوطریق اوزره اشراق
قریشدن ابوسفیان وصفوان بن امیه و عبدالله بن ابی ربیع و جویط
ابن عبدالعزی ایلد بر کرده کراه منیع عراقدن عزم طرف شام ایلد کاری
مسیح حضرت رسول الله اولیحق * زید بن حارثه بی سه سال از نصیب
و هیتنه یوز سوار نیزه گذارتمین و بوجه استیصال قافله اغارتیچون ارسال
بیوردیلر * قرده نام محله قافله به بتشوب رؤسای قافله فرارایتمسکه عسکر
اسلام کافه اموالارین برآورده ایدی اغتنام ایلد کد نصره سالما غامطیه
طرفنه توجیه لجسام ایلدیلر * یکرمی ییل درهم خمس اخراج اولوب
باقیسی بین الغزاة تقسیم اولندی * دلیل مرقوم مأسور اولغله بین السیف
والاسلام تخیر اولند قده هدایت هادی المضلین ایلد داخل زمرة موحدین
اولند * سریه رجیع * سنه مرقومه صفرا الخیرتده سریه رجیع واقع
اولند * رجیع بدیع و زتنده بنوه زیل صورلندن برصو اسمیدر اصلی
بودر که احد و قعه سند نصره حضرت رسول الله عاصم بن ثابتی طقوز
کسینه ایلد تجسس اخبار قریش ایچون مکة جانیبه ارسال بیوردیلر * شبروانه
عنیمتله رجیع نام محله وصولارنده اتفاق اول کون نسوان بنی الحیانندن
برمله ونه رعی اغتنام ایدرکن * اول صوکارنه کاوب خرما چکر دکاری
کور ییچک بومدینه خرما می چکر دکاری د یوب قومنه شیخون اولد یکر
دیو فریاد ایلدی * کفار دخی اراسته سلاح اولوب اهل اسلامی تعقیب
ایلدیلر * غزاه مساین هجوم مشرکینی کور ییچک بر جبل شاهقه سنه النجا
ایلدیلر * ملاعین کفار کاوب اول جبلی پرکار وارداتر امداد ارجاطه
ایتمسکه غزاه براردخی مستعد کارزار اولدیلر * ملاعین حیلله کار اول
شهباز لری افتاده شبکه شکار ایتلک دسیسه سنه اغاز ایدوب * ای اصحاب
محمد سزه هر وجهله اماندر مقصود مزیزی قتل ایتلک دکار بیوده
کندی بکزی عرضه تلف ایتمیوب تسلیم اولمکز حق کزده خیر در دیوندا
ایلدیلر * عاصم رضی الله عنه ای گروه دغا اعتیاد حاشا که ربقة امان
مشرکینه تسلیم رقبه انقیاد ایدلم * بر مقتضای غیرت ایمان فدای جوهر
جان اید فجه عرصه شهادتده سعی واجتهاد ایدرز دیوب یندن اولان کانه
کشاد و پردی * ملاعین تمکاران دخی هر طرفدن تیرباران ایدوب عاصمی
والی نفر مر دسعدی شهید ایلدیلر * خبیب بن عدی وزید بن دثنه
و عبدالله بن طارق امان مشرکینه تسلیم اولوب جیلدن نزول ایلدیلر *

کافر بن غدرا بین تقض عهد و عین ایدوب استیاد خبیب ایلد زیدل اوتار
کاترله الارین بند ایلدیلر * عبدالله بوحالی کوزد کده هذا اول الغدرو الله
لا ایچیکم دیوامتناع ایتمسکه * انیدیخی شهید ایلدیلر * بعده خبیب ایلد
زیدی ماه ذی القعدة ده مکة به کوزوب بیعه عرض ایلدیلر * ملحمة بدیده
حارث نام کافر دلالیت بیغ خبیب ایلد دارالبواره مسافر اولغله اوغلاری
خبیبی اشترا ایلدیلر * زیدی دخی صفوان بن امیه اشترا ایدوب اشهر حرم
مستغنی اولنجه اول مردان میدان ایمانی گرفتار زندان ایلدیلر * برکون
خبیب حضرت قری حلق عانه ایچون دختر حارثندن بر استره استهاره ایدوب
اول خاتون دخی استره بی بر صغیر فرزندله ارسال ایلدی * بعده خبیب اسیر
اولوب خیانتدن مایوس اولغله مبادا فرزندکی قتل ایدر دیواضطر ایلد
خبیب محبوس اولد یخی حجره به کاوب کوردیکه فرزندکی خبیب زانوسنده
اوتوزوب ملاطفه واستیناس ایدر لر * خبیب خاتونلک ماده تلاشی ند تاشی
اولد یخی تفرس ایتمسکه * ای خاتون بی فرزندکی قتل ایدر می قیاس
ایدرسن حاشا فرد واحد ایصال غدر ایدر مقوله سی دکام دیوب
صالی وردی * خاتون تعجب ایدوب خبیبدن افضل اسیر کوردم کندی
مانند شیر و ابسته زنجیر اولوب کله انسان قدر نازه اوزم خوشه لری تناول
ایدر کوردم مکة ده بوقت بردانه در شهادت کبی نایا بدر دیو خبیبدن مشاهد
ایلدیکی خارق عاده امور عجایبی تحدیث بنیبت ایدر ایدی * القصه * اشهر
حرم مستغنی اولد قد نصره خبیبی قتل ایچون تنیعه چیقاروب اول ذات
جلیل المقداری کشان کشان پای داره کتوردیلر * مکة نل رجال و نسوان
و اطفال و علمای جمله می تماشا ایچون برابر چیقیدیلر * خبیب استهاله
اندمایکی رکعت نماز قیلوب * اللهم احصهم عددا و لا تبق منهم احدا
واقبلهم بددا ای مفترقین دیو اول طائفة غیر خائفة نل اجرای مجازا لرن
درگاه رب المسکافاته حواله ایلدی * مهم صائب دعای خبیب مصیب
بونه اجابت لاریب اولوب ختام سنه به قدر اول معشر شردن هرری بردام
بلایه دوچار و گرفتار مضیق دارالبوار اولدیلر * بعده الهی بو مجلسده
اشنایان نبی ذیشاندن برکسه کورم که تحمیل دستا ویر سلام ایلیم کمال لطف
و کر مکن مستعدا در که * بونده سرافکنده دن تبلیغ صلوة و سلام
ایلیوب شاه راه صدق و رضاده جانفدا اولد یغنی اعلام پیوره سن دیدی *
مرویدر که اول انده جبریل امین نازل اولوب سرگذشت عاصم و خبیبی بیان
و خبیبک تحفه تسلیمی عرض حضور جلال تعنوان ایلدیلر * خبیب

جلادتها داول هنگام دهشت انجا مده بوقطعه بی نظم و انشاد ایلدیلر *
 * ولست ابالی حین اقلل مسلمان * علی ای جنب کان فی الله مصرعی *
 * وذلك فی ذات الاله وان بشأ * یبارک علی اوصال شلو منزع *
 الاوصال جمع وصل وهو العضو * والشلو یکسر الشین المجمة الجسد *
 والممنوع اسم مفعول من التمنیع وهو التفریق والتقطیع * حین قتله
 مقتولین ابکی رکعت نماز قلمی سنت خبیب در * اول انده ابوسفیان یا خبیب
 محمد سنک برنده اولوب سن اهل و عیالک ایچره متعم نم زند کافی اولقی
 وجداننده نه کونه درد یوسثوال ایلدکده * خبیب حضرت محمدک حاشا
 قیلاری دکل مقر سعادت مستقر لنده قدم مکرملری اذرد خارا اولوب
 بن خانمانده پسترنشین راحت و افعه راضی دکام دیومیدان عشق محمدیده
 درجه نبات و استقراری اظهار اید یجک تعجب کان اصحاب کرامک طرف
 سرور نامه در کار اولان علاقه خلوص انازلری میراننده بر علاقه و محبت
 دشم و دم اولما مشدردیدی * چون اشرا مشرکین خبیبک بورتد رساخت
 دینی کور یجک کبر و کینلری مشد اولوب همان اول وجود علوالا اعتباری
 منصور وار کشیده دارا ایلد بلررضی الله تعالی عنه * بعض دانشوران فن سیر
 قصه رجعی بوسمه ثبت ضمیمه اثرات تشر در که * باحد وقعه سند نصرکه
 فتح عین وضاد مجمله ایلد * عضل وقاره دن که ضم * هیا ایلد هون قبیله
 سندن ابکی بطن در * برجاعت در کاذر سالنه کلوب یا رسول الله بیزم قبیله
 مزده عصایه اسلام کثرت بولاله تعلیم احکام شریعت و تلبین امور دین
 و ملت ایلک ایچون برقاج نفر فقهای اصحاب کزین تعیین یورلای مر جودز
 دیونیا ز مندا اوللریله * حضرت رسول الله محرمان اسرار قرآنیه دن التي نفر
 ذوات فضائل اثره عاصم بن ثابتی امیر نصب ایدوب اول قوم کراهه همراه
 یوردیلر * رجیع نام محله وصول لنده اول بدظیفنلر اعلان خبت سیرت
 ایدوب اشقیای هذیله کیفیت اصحاب کرامی اخبار ایلدیلر * در حال برقاج
 یوز خنار پریشته کفر و ضلال اول سربازان اوزره هجوم ایدوب * بتقدیر
 متمتع التفریحی قدیر * کذار شید بر اولان واقعه فاجعه حیرتظمورده
 صورتکیر اولدی * سریه قراسنه مز بوره صفرا خیرنده سریه قرا که سریه
 بزم مونه ایلد شهر تنادر * مخفرط سلت الوقایع اولمشدر * مونه فتح میم
 و ضم عین مهمله ایلد مکه و عسفان یکنده بلاد هزیلدن بر موضع در *
 سبب وقعه بودر که رئیس بنی عامر و عم عامر بن طفیل اولان ابورأ عامر که
 ملاعب الاسنه لقبیه مشهور در * مدینه به کلوب برسم زیارت داخل

حضور سعادت اولدله حضرت هادی امت اتی خوان عنبر اسلامه دعوت
 یوردیلر * بین الرد و التقبول بر جواب و ربوب بعده یا محمد معلومدر که
 سنک دینک اشرف ادیاندر * اهل نجد دخی بواعقاده مائل و قبول فیض
 اسلامه امداد دل اوللریله صحابه کرامدن برقاج کسینه بی بنده ارسال یوره
 سز * امید وارم که جلده سی طرف کعبه اسلامه احرام بند توجه و اعزام
 اوله لردیدی * حضرت قائد الغر المحجلین نجد اهلندن امین دکام یوردیلر *
 ابورأ خاطر قاخره و جهندن قطعا دغدغه کلسون جلده سی بنم بنه اهمده
 دریدی * و کیدوب ارسال اولنه حق اصحاب ابرار در جوار ی اولدیغنی
 اهل نجد اخبار ایلدی اقتضای قضایله کلام ابورأ جلوه کر معرض قبول
 سید الوراء اولوب * امام بخاری روایتی اوزره قرای اصحابدن یتش علی روایه
 فرق و علی قول اوتوز کسینه تعیین و مقام ریاستده مندر بن عمر و تمکین
 اولندی * فایحه * ذوات مر قومه لیل و نه بار قرأت قران عظیم الشانه
 ملازمه کار اوللریله قرایله نامدار اوللر ایلدی * عادتلری بوایدیکه
 کیمیه اولیق مدینه نلک برجانبنده حلقه بند جمعیت اولوب تابصباح
 درگاه میسر النجاسه عبادت و دراست و قرآنه مواظبت ایدوب اهل
 و عیاللری انلاری مسجد شریفده و اهل مسجد کندی خانه لنده قیاس
 ایدرلر ایلدی * حلول هنگام سحرده سعادتخانه سلطان الانبیاء هرری
 نقل هیزم و اب خدمتی ادا ایلدکده نصرکه * بنه صحرادن احتطاب
 و بازارده فروخت ایدوب بهاسیمله اشترا ی طعام * و اهل صفه بی انکله
 اطعام ایدرلر ایلدی رضی الله عنهم * تمه * و رؤسای نجد و بنی عامری مائده
 عیم القائده اسلامه دعوتی متضمن بر مکتوب شریف دخی ترقیم و پذیرنه
 تسلیم یوردیدی * طی منازل ایدرلر بتر معونه نام منزله که بنوعامر ایلد حزه
 بنی سلیم اراسنده واقع در واصل اولد قلدنده حرام بن لمحانی مکتوب شریف
 عالیشانله ابورأ عامر بن مالک برادر زاده بنی عامر بن طفیل ارسال
 ایلدیلر * عامر مرسوم عامر بن طفیل اسلمی بخایینک غیریدر حرام حسب
 الرساله عامر بن عامر اوله حق نحو سبک کاهنه اعترام ایدوب وصولنده
 یا اهل بئر معونه اتی رسول رسول الله الیکم فامنوا بالله ورسوله نداسیمله
 اول سرکشتگان بادیه ضلالتی طریق سعادت رفیق هدایتده دعوت
 ایلدکده * عامر غدار و رای حرامدن کلوب بر نیره اهنه کذار برله اوله
 آوردی که بری طرفدن یلبان کوستوردی * حرام الله اکبر فزت ورب
 الکعبه دیوب عازم دارالسلام اولدی * اول کافر یحیی بالدم هکذا دیه رله

حرامی چهره تابناکی آغشته خون و خاله ایلد کد نصکره اصحاب سربیه بی
روبراه اقلیم معاد ایتل ایچون بنوعامردن استداد ایلدی * ائلار اویور
چوارنده اولنره * تعرض هتک ناموس اویور ایتیز دیو ایا ایتسلر بله بنو
سلیمدن مستدا اولدقده بعض اشقیار لیلرعل و ذکوان وعصیه قبیله لریتل
اهل بغی وعصیانلری اجابت ایدوب جمع کنیایا بتر معونه طرفند مزوجه
اولدیلر * وصوللر نده اصحاب کرامی ابرسیه فام اسال حاطه ایدوب سربازان
میدان دین دخی مخاذیل مشرکیتل بوکونه خروش آنکیز کبرو کین
اولدقلرین کوریکل * متوکلا علی الملائک المستعان تیغیرین عربان ایدوب
شیر غرنده کبی اول کلاب درنده اوزرینه حله ایلدیلر * اشتران اسلامه
میر عاده یولمان عمر و بن امیه الضمری برله رفیقندن ما عدا سی مست سلافه
شهادت اولنجه اقامت ناموس ملت ایچون مرادنه سعی وغیرت ایلدیلر *
کعب بن زید دخی بقیه مهجعه حیثاته قلوب غزوه خند قده حصه مند
جرعه جام شهادت اولمشدر * عمرو بن امیه رفیقیه مر عادن کلوب رحال
یاران اوزره هجمه مرغان مشهور لری اولیجق بوتهی دکلدردیو متبصرانه
کلوب واقف کیفیت اولدقده عمروه رفیقی یو بایدی بزه مصلحت ندردیو
سوال ایلدی * عمر درگاه رسالت پناهه واروب وقعه دن اکاه ایتل مناسبدر
دیجک اول سر انداز عرصه جان سپاری مقتل مندردن بر خطوه خارجه
حرکت ایتل مغایر غیرت وفاداریدردیوب اول کرازان سنک منشانه حیل
پلنکانه ایلدی * ضرب شمشیر لیلر قفاج لعین نکون سار حفره مجین
اولدقد نصکره کندوسی دخی بالار و مقام علیین اولدی * عمرو بن امیه
اسیر اولوب مضری اولدیغنی اخبار ایلدکده عامر بن طفیل الوب زعججه
مادری ذمتنه لازم کلان شرط عتی رقبه ایفا سیچون عمروی عادت جاهلیه
اوزره جزا نصیه ایلد کد نصکره اطلاق ایلدی * عمرو خلاص اولوب طرف
طیبه به عزیمت ایتلکاه انشای راهده بر شجر سایه سنده تحصیل تنفس
واسایشده ایکن ایکی شخص کلوب بعد السئوال بنوعامردن اولدقلری
معلوم عمرو اولیجق اغفال ایدوب سرکران رطل خواب اولدقلرنده اخذ
انتقام اصحاب داعیه سیله ایکی سنک دخی جکر کاهلرل قراپ تیغ تباب
ایلدی * لکن اول کسندر بر امان بویده اولدقده درگاه خلد الاقباله
رومال اولوب * وقعه منی بوری و اول ایکی عامری بی عمران حیاتدن دور
ایلدیکنی افاده ایلدکده * حضرت صاحب البر والافضال عمروی فخطئه
ایدوب دیتلرین ورته لرینه وعدایصاله تسلیمت بخش اولدیلر * حضرت

رسول کریم یوقعه دن بغایت تمکین اولوب هذا عمل ابی برأ * وقد کنت
لهذا کارها * متخوفا یوردیلر * اویور ادخی برادر زاده سنک اشعال ایلدیکی
اتش غدر و ضلالتن جاء مخرقه حزن و ملاله دوشوب اول نار عاز کندوسته
مرض دمار اولدی * انس بن مالک رضی الله عنه خضر نلرندن مریدر که
خبر عالم صلی الله علیه وسلم حضر نلرینک اصحاب معونه حقنده اولان
اندوده و تالری دیگر حق لرنده مشهور اولما مشدر * اوتوز کون صلوة
خبر د نصکره رعل و ذکوان وعصیه قبیله لرینه و بنو سلیم و بنو حنیان دن
یو بایدی متفق اولان اشقیایه بد دعا ایلدیلر * کرچه بنو حنیانک یوماده ده
مدخلی اولیوب لکن یوایکی وقعه تل خبر و حشت اثر لری بروقنده رسیده
سامعه سید البشر اولدقده متحدا سیف صارم تقریرین رسول الله مظهر
اولدیلر *

* وابن انیس وابو سلمة * نکاحه لزینب وحفصة *

وابن انیس مصراع ثانی بیت اولده واقع من قرأ اوزرینه معطوف اولدقده
تقدیر کلام ووقع فیها سیریه عبدالله بن انیس دیک اولور * نکاحه کله سی
مقدور وقع فعلنک فاعلیدر جمله سی تقدیر عطفله معطوف در * ضمیر خفر
عالمه راجعدر * یو یلنده درت لایحه مندر جدر * سیریه عبدالله بن انیس
سیریه ابو سلمه عبدالله بن عبدالاسد * نکاح زینب بنت خزیمه بن الحارث
الهلالیه * نکاح حفصة بنت عمر بن الخطاب * سیریه عبدالله بن انیس *
کرچه یوماده به مندر لکن دستماری ابطال کثیره ایلد حصو ایدیر اوله جق
امر خطیر اولدقده تغلیب سیریه ایلد تعبیر اولندی * سینی بودر که سفیان
ابن خالد الهزلی نام ملعون ازلی دار الملک رسالت اوزره هجوم قصدیه
عرنه ده که وادی عرفه در جمع سپاه بدشمار ایلدیکی بالغ سمع سید الابرار
اولدقده * دلیران معرکه دیندن عبدالله بن انیس حضر نلری لعین مسفورک
وجود خبیث اکیفنی ازاله ایتل خدمتته تعیین یوروب لکن سیما ی بدتمای
سفیان عبداللهک معلومی اولما مغه خواجه کائنات علیه افضل الصلوات
حضر نلری * اول ملعون بد طینتک شکل و هیئتتی تعریف یوردقد نصکره
علامت خارجیه می ابتدا روئیده درونکه رعب و دهشت عارض اولوب
خانه قلبیکه شعبده یازابلیس بر تللیس رهیاب دخول اولدقده دغدغه
افکار فاسده اعصاب عصبیکه قنور و رخاوت و زمکله بازمانده اقدام
وجسارت اولورسن یوردیلر * عبدالله یار رسول الله مدته العمر بر نسته دن هر
اسان اولدم دیدی * حضرت سید الابرار واقعا اولدقده در لکن بو خصوصده

مرتب اولوب بدنده افشعرا اولوق درکار در پیوردیلر * پس عبد الله
مستد ایه راه اولوب وحسبا مقتضیه المقام اداره کلام مدخی دستور ولاجل
التا کر * خراعه قبیلہ سنه اذ غای نسبتله مامورا ولد قد نصر کره عزم طریق
ایلدی * قطع مرا حل ایدر لبطن عربیه وصولنده برجاعت عظیمه
گوردیکه ایچلر نده بر مہیب المہیئة ومہول القیافه شخص وارد کره عصا
ایله خرق زمین ایدر لک کیدر * وارفا سندن احاییش وسائر اخلاط زم
متابعت ایدر لر * عبد الله فی اختیار مند هس اولوب امعان نظر ایلد کده
اشارت کره سید البشر اولان اوصاف وعلا می پیکر نحوست پرورنده تمامها
موجود بولغله سر کرده اهل خسران سفیان اولدیغنی ایقان ایدوب صدق
الله ورسوله کلامی زیب زبان ایلدی * اول هنکامده وقت عصر حلول
ایتمکله اشغالله فوت صلوٰۃ خوفندن طرف مرسومه خطوه بر توجہ وعزم
اولدیغنی حالده ایما ایلد ادا ایلدی * سفیانلک دخی نظری عبد الله متعلق
اولیحق دارود یارونام وشعارندن استفسار ایدی * عبد الله بنو خراعه به
متقی اولدیغنی بعد الاخبار محمد ایلد حرب وکارزار ایچون عسکر جمع
ایلدیکک کوشکدارم اولغله اول کارده معیتدار اولوق هوا سبله ملازمت
رکابنه شتاب ایلدم دیدی * سفیان دخی قدومنی ترجیب ایدوب اول امر
ناہمخبار قیدنده اولدیغنی اشعار ایلدی * عبد الله ذاتہ خلوا لفکاه اولغله
خوشاینده ودلنشین کلمات ایلد قریبانه ایلد اول ملعونی مغبون ومفتون
ایلبوب از جلہ محمد ابارا جدادی ایندی ترک ایدوب بر دین حادث ایجاد
وخلق بر تقریبله طرفنه جلب وایراد ایتمکله رفته رفته بونل ورامی جلہ به
شورشنا اوله جفی هویدا در دیومز اجنه کوره کلام ایلد کده * اول سر
کرده اچیلان محمد هنوزیم کی خصم قوی به ملاقی اولما مضلہ میدانی
خالی بولدم قیاس ایدر دیولاف وکذاف ایدر لک خیمه سنه واصل اولدی لر *
اخشام ایرشد کده سفیانلک هوا دار لر کیدوب همان درون خیمه ده
ایکیدی قالدیلر * عبد اللهی همینین ایدوب وافر مدت هر طرفدن
مسامرت ایلدی لر تا که اطرافده اولان کسسه لر خوابه واروب اللیل اخفی
لاویل سری ظهور ایلد کده عبد الله متقی فرصت اولوب سفیان دخی
سلافة خوابه سر کران اولغله همان اول نازا شک باشی کسوب در ساعت
جانب مدینه به توجیه قادمه مسامرت ایلدی * صبحدم خسران سفیان
وقعه شبانه دن اکاه اولیحق تعقیبه شتابان اولوب عبد الله دخی * عقبکیران
خوفندن بر غارتلک وتارہ التجار وپرکوشه سنده سر حیب اختفا اولدی *

بافرمان صانع بیست اولانده بر عنکبوت هویدا اولوب در غارده بر پرده
سینار تندیده ایتمکله ظاهر بینان کفارہ نسبت سداستوار کورندی * عقبکیران
اطراف واکانه پویان وجویان اولوب انجم کار خیمت بر عین وخسران
در بسار عودت ایلدی لر * اول دلیر بهمال دخی فراغ بالله غاردن حیقوب
شیرانه سالما وغانم مدینه به واصل ومسجد شریفده تقیل بساط شرق
مطاطه نائل اولد کده * حضرت رسول الله افلح وجهلک تعبیرله مال حال
سفیانلک استکناه پیوردیلر * عبد الله افلح وجهلک یار رسول الله دیوب سر
سفیانلک خاکای عرش پیما به غلطان وقصه بی کما کان عرض و بیان ایلد کده
حضرت مہید الکفار نوق الغایه کسب انبساط و مسار ایدوب * مختصر
بہذہ فی الجنة فان المتخصرین فی الجنة قلیل تعبیر دلپذیرله عبد الله
بر عسای شریف احسان پیوردیلر * عبد الله اول عصای الف جان کبی
حفظ ایدوب بعد وفاته وصیتی موجب خیمه اولادی کفیلہ بدنی میا سنده
مخوابه من اراد ایلدی لر * سرید ابو سلمه عبد الله بن عبد الاسد * سنه من پوره
محرم الحرامی غره سنده سرید ابو سلمه عبد الله بن عبد الاسد واقع اولمشدر
موی الیه ابو سلمه عمه رسول الله اولان برہ نام خاتونلک فرزند ی ولبان
نویسہ دن حضرتلک اخ رضا عیسیدر * سبب وقعه بودر که طی قینلہ سندن
برکسنه دختر برادرنی زیارت ایچون مدینه به کلوب بنواسدر و ساسندن
طلیحه وسلمه ابنا اسد قوم واشیاعنی تحریرلک ایدوب زعمالنجہ طرف اسلامیانہ
خسارت ایصانہ جسا سارنده اولد قری موقوف عزوجلالتہ اخبار ایتمکله
مہاجرین وانصار دن یوزاللی نامدار اختیار و ابو سلمه بی شریف امارتله
رہین افتخار ایدوب اشکرا عدای بدنہاد هنوز برخو شجہ احتشاد ایلزدن
مقدم اول زمینہ واروب باعمال سنابل الخیل اسلام * وطراف وتلاد
اموالری کشیدہ نطاق اغتنام اولوق مطلوب عالیبری اولدیغنی تنبیه واعلام
پیوردیلر * مجاہدین دین دخی بر موجب فرمودہ من یورطانی دلالتله
طریق دیگر دن رہ پیوده اولوب تا کہ بنواسد چرا کاهلرندن قید ناجیه
ستده قطن نام محلہ وصول لر نده * مر عاده بولتان دواب ومواسیلرین کشیدہ
قطار تخیرواوح نفر چوبانلرین اسیر ایلوب ماعدامی فرار ایلدی لر * ابو
سلمه عسکری اوج فرقه ایدوب بر فرقه سنی کندی یاشنده ایقا وایکی فرقه سنی
دو طرفدن تہب وغارت ایتمک ایچون امر ایلدی * فرار ایلر لک اخبار ایلد
قدوم لشکرا براردن خبردار اولمیرله کند ولری سبکبار فرار ایدوب قتی وافر
جہال واغنام بی کافت اعمال حسام نصیب غزات اسلام اولوب مظفر

و منصور دار السکینه به کاوب شرفیاب حضور سید حضور اولاد یلر * بو
عنیتدن صفی سلطان الاصفیایرینده اولوب باقی غنائیم بهداخراج الحس
بین الغزاة تقسیم اولمغله هر برینک حصه سنه یل بشمره بر اصابت ایلدی *
فائده * فن سیرده صفی جله عنیتدن اول سنه درکه * قبل التبعه حضرت
خیر البریه اختیار ایلده * و یا خود امیر سمریه یدله افرار کرده جانب معاد قرار
اوله * تکمله * من بور طایفه نفعنده مشاهیر ابطالدن اولوب حتی شجعان
عرب میاتنده بیل سواره معادل عدو اعتبار اوامور ایدی * بعد زمان وفاتله
رخسوده خاکای نبی دیشان اولوب رها یافته کفر و خذلان اولد قد نصکره *
معاذ الله تعالی افتاده ورطه ارتداد و ادعای نبوتله سازنا سازغوانی شعبه
کیراز دیاد اولدی * حضرت سلطان الانبیاء متوجه اقلیم بقا اولد قد نصکره
کوکبه حشمتی افزون و دید به کوس شوکتی ولوله غمون اولوب * حتی اوائل
خلافت صدیق اکبرده اسلامیان اوزره سپاه بی پایانه کاوب حرب و ستیز
و عاقبت نازیانه حدید خالدين ولید ایلده شام جانیله بی سپر راه کیر اولدی *
حضرت صدیق اکبر دار السلاهی مستقر ایلد قد نصکره هدایت هادی
المسلمین ایلد مجددا داخل عداد مؤمنین اولوب الی وفاته پابرجای مقام دین
وزمان خلافت فاروقیده ادای حج شریف ایدوب وقعه قادسیه ده بدرقه
شهادتله واصل درجه علین اولدی * برادری ساه نل اسلامی رسیده رتبه
تحقیق اولدی * نکاح زینب * و سنه من بورده زینب بنت خریجه بن حارث
الهلالیه مخترط سلتک ازدواج خیر البریه اولمشدر * زمان جاهلیته زینبیل
مخائل سنیه سی رحم و شفقت و محبه رضیه سی دائما محتاجینه بسط ساط
منکرمت اولمغله ام مساکین ایلده شهرت یافته اولمشدر * زوج اولی عبدالله بن
جحش احد وقعه سنه شهید اولمغله ازواج مطهره زمره سنه التحاق وانوب
ایکی باخود اوج آید نصکره وفات ایتکین بقعه دفن اولندی * نکاح حفصه
سال من بورده حفصه بنت عمر الخطاب سله اسماء مؤمنینده رونقیاب
اولمشدر * زوج اولی خنیس بن خزافه السهمی ایلد پیوسته صفوف صنوف
مهاجرین اولوب غزوه بدر کیراد نصکره بینلرین بینوت موت شوهر تغریق
ایتمکله * حضرت عمر اول کریمه پاکیزه کهری صدیق اکبر و ذوالنورین
جنا بلینه عرض ایدوب صورت رعیت مشاهده ایتمکله حضرت رسول
الله افادما ایلد کده کیدیلری قبول * و شرف ازدواجله سر مغرقلرین سپهر
انبیه موصول پیوردیلر *

ام کلثوم بنت عثمان ابیاح * اولاد یلر * اولاد یلر * اولاد یلر *

عثمان بن عفان مبتدادر اباح جله سی خبردر * ام کلثوم مقدم مفعول بدر
اباح عثمان الدخول علی ام کلثوم بسبب العقد علیماقوه سنه در *
جل الحسین مبتدادر لاج جله سی خبردر جله اسمیه تقدیر عاطفه معطوفدر
وجل الحسین بعد مالاح وضع الحسن لاح تقدیرنده در * لاح ظهر
معنا سنه در یویننده اوج لایحه مندر جدر * نکاح ام کلثوم * ولادت امام
حسن * نظم و رجل امام حسین * نکاح ام کلثوم * بنت رسول الله حضرت
ام کلثومک اسمای معلوم اولوب کینه من بوره ایلده شهرت یافته اولمشدر *
مقدما عتیقه بن ابولهبه نکاح اولوب قبل الدخول ابرام ابولهب ایلده
نظامی ایلد کد نصکره * اول مادر بخطادر که سلطان الانبیاء کاوب بن
سالك اولدیغک دین مبینی انکار و کریمه کزدن مفارقت اختیار ایلدم من بهد
میائزده طریق محبت مسدود اولمشدر دیوهرزه فشان اولد قد نصکره
حضرت رسول الله اوزرینه و نبی ادبانه ایلده اول کاب عقور و قتال
کریسان حیاسی کبی پیراهن شاه لولاکی چال ایلدی * امین مسفور اول
اشاده تجارت ایچون شام طرفنه عازم اولمغله حضرت سید منیع اللهم
ساط علیه کلسمان کلا بک دعاسیله تشیع پیوردیلر * ابوطالب حاضر
بالجلاس اولوب اول خیر تاغیرلک بور وضع و قاحت انکیرندن رقت امیر اولمغله *
ما کان اغشاک عن دعوة ابن اخی تعبیرله برزده سامان صدمه دعای
محمدی اوله جفنی تذکیر ایلدی * اول کشتنی واجب الاعدام قافله فریش
ایلده عازم طرف شام اولوب بر کیمه زرقانام مقامده خیمه زن ارام ایکن *
ناگاه بر شیر غرنده بیدار اولوب اطراف کاربانیانده کشت و کذاره
بشلدی * امین بیدین مرتعب اولوب یاویل ای هو واللہ کالی کادعا علی ابن
ابی کبشه و هو بمکة و انابا بالشام دیو سوق دعای سید البشر ایلده قریبه غضنفر
اوله جفنی تیقن ایلدی * واقعاشیر من بور بکان بکان وجوه کاربانیانی
استشمام ایدرلرلین مسفوری بولوب پاره پاره ایلدی * فایحه * مشرکار
حضرت رسول الله عبادت اونانده قریبه مخالفت ایدن ابوکبشه نام
مرد خراچی به نسبتله ابن ابی کبشه اطلاق ایدرلر ایدی * بهضرحمت
مادر لرندن جدری اولان وهب بن عبد منافک کینه سی باخود مرضه
رسول الله اولان حلیه سعیده نل زوجی کینه سیدردیدیلر * تکمله * مقدما
رقیه بنت رسول الثقیان تحت نکاح ذی النورینده اولوب حضرت رسول
عالیقدر غزوه بدرده ایکن خرامان روضه جنان اولمشدی * حضرت
پیغمبر ذیشان با عثمان تقسیم قبضه قدر تبده ناتوان اولان خدای بیخون

حقینون صلب والا کهر مدن یوز دختر سعد اختر بر تو بخش عالم
و جود اولوب جله سنی متعاقب وارو برآه جانب دار الخلد اولسه * واحدة
بعد واحدة سکا تزویج ایدرم والحالة هذه جبریل امین اخبار یله ام کلثومی
سکا تزویج ایتمکه طرف الی مدن مأمور اولدم بیوروب اول شیخ دودمان
عزو عنوانی محرم شبستان عثمان بیور مغله ذی النورین لقبه شایان
ایلد یلر * ولادت امام حسن * سنة مرقومه رمضانک اون بشنی کونی
سبط مکرّم رسول * با کورة باغ یتول * نور دیده زهرا * سید شبان
اهل ماوا * امام حسن رضی الله عنه پیرایه مهد وجود اولد یلر * ظهور
جل امام حسین * ولادت امام حسنن الی کون مرورنده که ذی القعدة نل
التی کونیدر * ذرة یکنای درج سعادت * غرة غرای برج سعادت *
امام معصوم * شهید مظلوم * قرّة العین رسول الثقلین * امام حسین
حضرت تلیک حلی روغود اولوب سنة آتیه شعباتک اوچینی کوتنده
ارایش قیاط شهود اولشد *

* نزع و موعده نضیر و الرقاع * شیخ دومة المصطلق الخندق رآع *
نظر قدر فی السنة السابعة والخمسين قوه سنده درو مقدم خبر در * غزو موعده
مؤخر مبتدادر * بنی نضیرة قدیر عاطفه معطوفدر * وذات الرقاع بنی
نضیر اوزرینه معطوفدر * كذلك شیخ کله بنی نظر قدر فی الثامنة والخمسين
موقعه درو مقدم خبر در * غزو دومة مؤخر مبتدادر * بنی المصطلق
والخندق قدیر عاطفه معطوفدر * راع کله بنی روعدن ماضیدر اخاف
معنا سته * جله بنی قدر راع الناس لاجتماع طوائف من المشرکین تقدیر یله
حالیه در * بویت الی لایحه بنی مشتلدر * غزوة بدر الموعده * غزوة بنی
النضیر * غزوة ذات الرقاع * غزوة دومة الجندل * غزوة بنی المصطلق *
غزوة خندق * غزوة بدر الموعده * من سوم رسام قلم بدیع الرقم اولد بنی اوزره
بازار کارزار احد پریشان اوله جفی هنگامه * حضرت پیغمبر ذیشان ایل
ابوسفیان عام قابلده پهنای بدرده مقابله و یکی باشند معامله مقابله اولتی
اوزره موعده مسبوق اولمغه بدر موعده ایله موسوم اولدی * و بدر صغری
و بدر اخیره ایله دخی معمار حلول وقت وعده متقرب اولنجه حضرت برکیده
اولی العزم مستعد اسباب رزم اولوب عبدالله بن رواحه بنی مدینه ده
استخلاف و یلک بشیر و زمر دیکر شکاف ایله عازم جانب مصاف اولد یلر *
عسکرا برارده بود فقه اون را من اسب رهوار استصحاب اولمشیدی * رهبری
خونی موصل المرام برله ساحه بدر مضرب خیام ارام اولوب طرف کفاره

چشم و کوش تربص و انتظار اولد یلر * سام ورود موسکب اسلامیان
واصل صوب ابوسفیان اولیجی خواه ناخواه بر اولد سپاه شجوست پناهله
مکه دن حقیقوب یقدم رجلا و یوز خراخری قادمه سبله من الظهران نام منزله
ورود لرنده معقل دل مدعوری جنود رعب و هراسله محصور اولوب عوق
و عودت ایچون وسیله جوی مناسبت ایکن * یومر رشته به دسترس اولد که
یوسنه قلیت باران سبیل حوالی و نواحی ام القراده تخط و غلامان اولوب زاد
و ذخا تر قلیل * و اشجار لر لرک و باری اولوب دواب و مواش لر من انعدام
اب و علفدن علیل و کلیل * و خصوصاً عمده غذا و ماده تعیش اغندامن
اولان شیر شتران همحال شیر مرغان اولمغه * یوسنه بر وجهله مطارحه
مکافحه نامعه ول اولمغن امر قتالی سال آینده به توقیف ایتمک مناسبدر
دیوب کند و بنی اهنل رجعت ایتمکله سائر لر دخی عودت ایلد یلر *
یوسفدره مشرکینک سو یقندن غیر طعمه لری اولما مغله اهل مکه من
مخصاص و یق تناول ایتمک ایچون غنیمت ایلش من دیوبطن و تعبیر و جیش
السویق لقبیله تشهر ایلد یلر * لشکر اسلامیان مستحضر لری اولان امتعه
تجارتی تقدایدوب رأس المال لری قدر فائده مند اولوب شکر کون اقامت
اندنصکره طرف طیبیه به عنانکرای مراجعت بیورد یلر * فائقه و ابانمه
من الله و فضل لم یسسم سوء و انبه وارضوان الله والله و فضل عظیم *
کریمه بنی بوخص و صده نازل اولدی * غزوة بنی النضیر * سنة من یورده ریح
الاولنده غزوة بنی النضیر واقع اولشد * بنو النضیر یهود قبائلندن بریول
قبیله در سیدی بودر که طرازیده خامه با کبیره صنعت اولد بنی اوزره بتر معونه
وقعه سنده یتش تفر اصحاب کریم حاضر درجه شهادت اولوب انجیق عربون
امیه الضمری تخلص کریم ان حیات ایدوب اثنای طریقه ایکی عامری بنی
قتل ایلد یکنی درگاه فلک استباهه نقل ایلد کده * طرف نبویدن مستامن
اولد قری حبیبیله عمروی خطایه نسبت و ورثه لر فی تادیبه دیتله تسلیت
بیورم لرایدی * حضرت صاحب رسالتله اقتضایدن دم و دیتده همهده
معاونت اولان قبیله بنی النضیر * بر موجب معاهده عمر و ذمتته ایجاب ایدن
دم و دیتده طهیر اولتی ایچون * حضرت صدیق و فاروق و مرتضی و مشاهیر
اصحابدن یدی نفر ذوات کرام امتحمایله قبیله من سومه جانبنه عزیمت
بیور دیلر * وصول لرنده طاغیه یهود واقف مقصود بنی یهود اولیجی * ظاهر
ابرار صورت رضایدوب تمشیت مهی عقب ضیاقته تعلیق برله ترتیب لوازم
قرايه مبادرت ایلد یلر * صاحب المقام المحمود دخی مبارک ارقه لرین برخانه

دیوارنه و ربوب سعادته نمود یورد یلر * خذله یهود بری برینه بوندن رفتن
فرست اله کبر من بر کسه یوقیدر که بالای بام خانه دن فرق محمد اوزره بر سنک
کران القایلیه دید یلر * عمر بن جاش بن کعب نام کشتی اول کار نام بخاره
متعهد و معنی اولوب * لکن سلام بن مشکم انلاره ای گروه سرسم شمعی
محمد طرف اماندن خبر کاوب افکار کامنه کرمعلومی اولغله نکت عهدا یش
اولوب سر بخوست از کزی کندی دست اختیار کز برله بلایه دوچار ایدر من
دیومنع ایلدی * همان اول انده جبریل امین نازل اولوب دسیسه یهود ملعنت
انجائی عز حضوره اعلام ایلدی * حضرت سید الانام دخی بعض ضروریات
بشریه اقتضای قیام ایش صورتنده میانہ اصحاب کرامدن فالقوب
صوب مدینه به اعترام یورد یلر * صحابه کرام خبلی دم انتظار ایله ارام
ایدوب استیطای تشریف لری نه بیا عقبرندن روانه اولدی * حین اقیانده
مکیده یهودی بیان ایلدی * یا ایها الذین امنوا اذ کروا نعمه الله علیکم اذ هم
قوم ان یسطوا الیکم ایدیم فکف ایدیم عنکم * الایه کریمه سی بوبابده
نازل اولدی * بوقعه نک سینده بعض نقادان فن سیر یورمه سبل جوهر
اثر ایشددر که * یهودی التضریرینلرنده افراغ کرده قالب تصویر ایلد کتری
من یقیدر مکیده سکدن صورت اولوب * درگاه دعوی الاقباله بویتره
اوزره خبر ارسال ایلدی * او توز نفر صحابه کرامله قرار داده اولان جای
معینه بر تواند از تشریف اولوب کندی لری دخی او توز نفر اخبار ارسال *
وانده مباحنه دینه ایدوب اگر انلار بنوتلرین تصدیق ایدر لایسه جمله می
کردن داده طوق امتثال اوله لری * بویسملری نه جانب اشرف انامدن صورت
رضا کورلد کده او توز نفر جانبیار میانده طرف سیدالابراه کز ند
ایساننه بیحال بلکه عریم الاحتمال اولدیغنه صکره دن انتقال ایتلریله *
کثرت سبی فهم و بین غیر اولور بهانه سبله تصیم از لدن عدول ایدوب
بود فطر فیندن اوچر کسه ملاقاتی اصل الاصول ایلدی * حضرت
صاحب الخوض المورود دخی اوچ نفر صحابه کز یله تشریف بخش محل
معهود اولوب حسب المقاوله اخبار یهود نابکاردن اوچ نفر ملعنت شعار
اول جای لطیفی وجود کشفلریله همحال کشف ایلد کد نصرکه * محاوره
سینه به شروع اولتوب برایکی نوبت معاطات کوئس مباحث اولند قد نصرکه
یورد یلر منظر اولوب اول ائشاده زبرد خفادن اظهار ایدر حکمری چهره
نا بهره مکرودسیسه به ابتدار اوزرما یکن * بنات قیلدن بر خانون طرف
اسلامبانه اولان قزندانکه که مقدمه اشرقیافته اسلام اولشیدی * یهود

ملعون انجیام قیافت و بره حکمری دخل ودغلی اعلام ایدوب اولدخی
حضرت رسول الاهی واقف ایشکله فی الحال مدینه به عنابر راستحال
اولدی * قالدی که جبریل امین اخبار یله من یورده نک اعلامی یلنده معانده
اجتماع اولدیغی بیاندن مستغنیدر * اند نصرکه خرقا نساب علیه اخر
للصواب حضرت لری نقص عهد لری نه مجازات ایچون اون کونه قدر * بنم
دیار مدن خجوب آخر ولایت طرخ سواد ثقت ایلده سزاون کوند نصرکه
کیم فالور سه قبل ایدرم دیو فرمان و محمد بن مسلم بی مباشرتین یورد یلر *
دیار سیدالابراردن مراد مدینه در زرا بنو نصر اعمال مدینه دن زهره نام
قریه ده متمکن ایدیلر * اول خونه بد مائده یاری مقاومت اولما غله
در ساعت اسباب سفر تدارکنه مباشرت ایلدی * زمرة منافقین خصوصا
سر کرده قوم مخذول ابن ابی بن سلول یهودی نصیره صافنوب بر کردن
حرکت ایتیمه سزجله من مرکزاه متعهد اولوب ظفر و هزمت صورتلرنده
یکقدخه سز دن مفارقت احتمالی یوقدر یلر * بنم ایکی یلک ادم وارد رینو قریظه
وغطفان دخی امداد و اعانت کز ده بر زده داماندرد یو خبر کوند رملریله * اول
ملعون لمغنون اولوب قوت قبله تصیم قتال و روجهله و طغری ترک ایشک
احتمالی یوقدر دیو درگاه ابدی الافضاله سیام ارسال ایلدی * اول ملاعین
بدا ایلدی * یورمه دلیرانه حرکتلری بارگاه رسانته منعکس اولجه اواز یلند
ایله تکبیر ایدوب اصحاب کز بن دخی غلغله تکبیر ایلد ولوله بخش کنبدر برجد
نقش اثر اولدی * یهودک بخار به به قیامی اصحاب کرامه اعلامله مهمات
سفریه تدارکنه اهتمام اولغی فرمان یورملریله * بالجه مهاجرین و انصار
ادوات کارزاره ابتدار ایلدی * بویخصوصه بنو نصرک صاحب کلبه
وتد بیلری حی بن احطب نام یهودی واجب العطب ایدی * سلام بن
مشکم دهاندن بر مر دعاقیت اندیش اولغله یو حرکتی استنکار ایدوب یاحی
سنک اقدام ایلد کل ماده رأسا باطل و حسن نتیجه دن عا طلد * ابن سلول
جهولک مرادی سنی غوطه هلاکه القایتمکدر * سن محمد ایلد اهنل کبر
ودار ایدوب اول دار بخوست مدارنده صفادار اوله جقدر * حتی بوندن اندم
کعب بن اسد قرطی به بنو قریظه سز امداد و انجاد ایده جکدر دیو خبر
کوندروب بنو قریظه ایه بر نقص عهد ایتلر یوقطعی جواب یاس
ارسال و همسو کندی اولان بنو قریظه دخی سز لکی وعد عرقوبله مقرر
و منکوب ایدوب بعد انجازه سکوت ایلدی * بی قیل و قالدر * یورمه
خلفا سنا عاتی اولیان غدار ملعنت پرور لری نه اعانی متصور میدر خصوصا

وس و خراج میبایستند محاربه واقع و ایچی بنو قینقاع خزر جیان و رزرا و سیان
طرفند بولند بفرز حسبه له انلار ایله مقابله ایدردل پس اول دغلباز فتنه
پردازله کلام بی انجای جایگیر مع قبول اولق بوجهله معقول دکلدر دیو
نصیحت * و یو خصوصدن فراغت شخص خیر اولدیغنی ارات ایلوبوب *

حی دید کلری بیجا بر در لواصفای تیموب محاربه به اجتر ایلدی * ینه سلام
اداره دولاب کلام ایدوب ای حی البته یو کار و خامت شعار له انجای ترک
دیار و نهب اموال و خط شرف و اعتبار و امرا و اولاد و عیال اوله جقه در کل
یوندن فارغ اول دیو تبااهی عاقبتی اشهار ایلد کده * امین بد کردار مقام
عتو و استکبارده اصرار ایدوب صمیمی آغاز کیر و دار ایلدی * حضرت
سلطان الانبیا اول ملاعین شقوت اتخائل بوجه اوزره تعصب و طغیان
اجتر ایلد کلری تحقیق ایدیلک * منشور خلافت مدینه بی این ام مکتوم
نامنه ترقیم * و دست مرتضایه بر علم عالم اراتسلیم بیوروب * مهاجرین
و انصار ایله اول فرقه نجار اوزره عن یمتنامه و صلوة عصری فتنای حصار لرنده
ادا ایلدیلر * ملاعین یهود حصار لرینه تحصن ایدوب وقت عشا به قدر
نیرو سنک ایله جنگ ایلدیلر * حضرت یشوای اصفیا علیه اصنی النجایا
صلوة عشا بی ادا ایلد کده نصره حضرت مرتضای فائقام ایدوب کندیلری
اون نفر صحابه کرامله سعادتخانه لرینه اعترام ایلدیلر * نبرد کاهده قلان
سباه ظفر دستگاه صبا حه قدر امر محاصره ده اقدام و اواز تکبیر ایله طنین
انداز قبه میثاقام اولدیلر * طلوع فجرده حضرت بلال اذان اوقیوب
یشوای اصحاب هدا دخی تشریف و جماعتله صلوة فجری ادا ایلد کده نصره
حسب الاشاره حضرت بلال شاخسار اشجار دن برسیایان ترتیب
ایدوب اوزرینه پلاس کشیده ایلدی * حضرت سید الانام سعادتله
اول سایبانه ارام بیوردیلر * تیر اندازان یهوددن عزول نام مردودله
طرف اسلامه برتاب ایلدیکی تیرک بریسی مقر عالی به داخل اولمقله
جای دیگره متحول اولدیلر * بر کجه حضرت شیر برزدان جان کبی
عیون عسکرنه نمان اولمقله درگاه رسالت پناهه عرض اولمقله سزه
منعلق بر مهم غنیمی ایچون غیبوت ایتل کر کدر بیوردیلر جوق بکمدین
کلوب عزول مسفور له کاه باروی طغیان اولان کاه نکبت بنیانی خاکای
فلک سای نبوی به غلطان ایلدی * مکر لعین مر سوملنه کونه دلاور
اولدینی معلوم جناب حیدر اواقله * شاید شهنکام جیقوب عسکر
اسلامه بر خسارت انقاع ایدر ملاحظه سیله کدر کاه اولان محله در کین

اولشیدی * وفق المخطوط لهین مسفور چند نفر بردلان نیم و دمقرور ایله
جیقوب کاورکن حضرت کرار اوکار بن الوب مسفوری قنطرة تیغدن
وادی عدمه امر ارا تیمسکه * ماعدامی بول اجل ادا بار اولدیلر * و هنوز
واصل حصار اولمقله قرین اخبار تیمسکه حسب الامر حضرت مرتضی
و ابود جانه سکر نفر مر دفر زانه ایله عقبگیر اولوب * هنوز بی سپر راه فرار
ایکن یشوب جله سنی ضرب شمشیر ایله داخل حصن سیر ایلدیلر * چون
سلام بن مشکمل دیدیکی کبی این سلول طرفندن و خلفاری اولان
غطفان جانیندن برمد و اعانت شائبه بنی ظهور ایتیموب * اول ملاعین
بد کردار کندی اختیار لر ایله دام بلایه گرفتار اولمقله * ارنش کون علی قول
دخی زیاده لیل و نهار عساکر جلاد تشهار مقابله حصارده برقرار اولوب *

و امطرنا علیهم حجارة ذواتی کاه سنک کرانبار ایله و اترانا الحیدیه به یاس شدید
نازله سی کاه ناوله اهنکذار برله حرب و قضیه به بدل نیروی اقتدار ایلدیلر * سعد
ابن عباد عسکر اسلامه تخلصناشدن دایما نقل خرما ایدر ایدی اول مله و نلره
جفا ایچون حضرت پیغمبر ذیشان خرما انا جالری قطع باینده فرمان ایلدیلر *

پس درون حصارده یهود عتیه هر طرفدن نومید اولوب مرانجام دخی ینه
منجر اوله جفی مجزوملری اولمقله ندامتکنان متشبث دامن استیجان اولدیلر *

حضرت نبی ذیشان دخی جله سلا حارین جیقاروب انجی پشتواره بار کشری
اوله جق اسبابله کنک شروطی اوزره امان احسان ایلدیلر * انلاردخی ناچار
یوشرطه راضی اولوب خفیف الحل اولان ذی قیمت اشبارین التیوزدوه به
تحمیل ایدوب خیبر طرفنه عزیمت ایلدیلر * حسب الطریق بازار کاه
مدینه دن زعمار نجبه الای ششمیل صورت ناسده اظهار خزن و وکایت
ایتمیه رله کذر ایلدیلر * حتی متوالرندن سلام بن ابی الحقیق استعجاب
ایلدیکی بریول پوست ایچره انواع حلیات فاخره و اجناس جواهر زاهره سینه
اشارتله * هذا ما اعدناه زرفع الارض و خفضه سادیه رله دفع خیاله ثقلت
ایلدیلر * با نوال و عقار و ضیاع بنی النضر مکسوب دستباری شمشیر اولمقله
فی مخصوص نبوی اولوب * لکن قاسم غنائم بر و انفضال علیه الصلوة الملك
المتعال حضرت نلری زمره انصار اوزرندن اعبای مؤتلی بر طرف اولق
ایچون خاصه مهاجرین بیتده تقسیم بیوروب انصار دن ابود جانه و سهل
ابن حنیف دخی جهت احتیاج لرینه مبنی اراده سید الانام داخل اصحاب
سهام اولدیلر * غزوه ذات الرقاع * سنه مر قومه ربیع الاولنده علی روایه
بهادی الاوایی اثنا سنده غزوه ذات الرقاع واقع اولمقله * پیادگان

غزایان بنظر نیل تاثیر نیک بیابانله اقدامی مجروح اولوب اول جرحه
خرقه زدن شد چیرا تملیله ذات الرقاعه وسیله تسمیه اولشد * بوغزایه
غزوه بنی محارب * وغزوه بنی تعلیه * وغزوه بنی انمار * وامور عجیبه بی
مستحل اولغله غزوه الا عاجیب دخی اطلاق اولندی * باعنی بودر که
بنو محارب و بنو انمار و بنو تعلیه نجدده عقد جمعیت ایدوب طرف اسلامیه
سنه یتنده اولد قبری واصل سامعه نیوی اولیحق * ع * علاج واقع پیش
از وقوع باید کرد * مؤداستجه لازمه احتیاطی در پیش ایدوب همان در تیز
نفر سر باز جهانله رکاب عزیمت وضع قدم مکرم پیوردیلر * طی مراحل
ایدولارام اند کبری محله واصل اولند قدده اول گروه پر مکر و آل بر جیل صعب
المالده متحصن اولغله عسکر اسلام مقابله ده صف بسته قرار اولوب اول
هنگامده وقت صلوة عصر حلول ایتمکله نمازه اشتغالده ایکن بغایت
مشرکین کات مسلمین اوزرینه هجوم ایتمک احتمالندن ناشی صلوة خوف
ادا اولندی * بعده سلطان کشور تحقیق حضرت قری بر شجر سایه سنه
شرف نزولله رشک روضه بهشت انیق * وسیع فی بر شاخ شجره تعلیق ایدوب
تنها چه راحت کزین ایکن * براعزای فضل سروق رسول ایدوب
همان انا جدن بیغی الوب من بمنع منی دیو حواله ایلدی * حضرت رسول اله
دخی اللهدیجک دست اعرابی مترزل اولوب الندن قلی بره دوشدی * تیز
حضرت رسالتدار اول شمشیر تباداری الوب من بمنع منی دیو سر نخوست
اثر اعرابی به خواله نیور یحیی کن خیر آخدمقالله استرحام ایلدی * حضرت
فائض الرحیم والا حسان اعرابی به عرض ایمان ایدوب نه باندیده جواهر
قایلیت اولیامغله نائل قبول شرف هدایت اولیوب لکن بعدالایوم طرف
رسول الله خصومت و ارباب معاداته دعیت ایتمک اوزره استعیان ایتمکله
تخلیه سبیل اولنوب * جئتمکم من عند خیر الناس خبریله لا حق قوم
وسواس اولدی * پس شهادیل مشرکینک جای پناه لرینه هجوم راقضام
موافق رضای خیر الانام اولیامغله بااقبال و سعادت طرف طیبیه به
غزاهت اولندی * غزوه دومه الجندل * ولادت باسعادتک الی
سکرتی سنه می که خامسه هجریه در ربیع الاولنده غزوه دومه الجندل
واقع اولشد * دومه الجندل دمشق شامه بش و مدینه به اون بش مرحله
مسافه ده بر شهر سنگین و حصن حصین در * سبی بودر که حصن مرقوم
اموالینک قطع طریق جسارت و اینده و رنده به ایصال خسارت ایلدکاری
واصل سمع سعادت اولدنده بیان نفر دل و رای اول فرقه شفا پرور اوزرینه

توجیه نجیب عزم و سفر ایدوب ماه شب ارا کبی شیروانه ره بیجا اوله رق
دومه به قریب وارلد قدده * اول اطراف قدده ری و چرا ایدن سوا تم اعدان صیب
عسکر خدا اولوب تخلص جیب حیات ایدن رعایتدن بر قاجی دومه
الجندل خلقی قدوم سپاه اسلامدن خبردارا تملیله * ذهبوا تحت کل
کوکب مثلی اختیار ایلد اطراف واکافه پریشان اولدیلر * بر تودید ارسید
المرسلین ایلد اول سرزمین رشک سپهر برین اولد قدده بر متفس کور لمیوب
چندر روز امدنصکره معبوره هجرت سر اجانبه اماله لجام اولندی * غزوه
بنی المصطلق * سنه من پوره شعباننده غزوه بنی المصطلق واقع اولشد *
مصطلق منطلق وزنده خزاعه قبیله سندن بر بطن در بوغزای بهشت اثر غزوه
مریسیع ایلده زبازده اهل سیدر * مر یسیع ضم میم و فتح رای *
وسکون پای تختانی و کسرین ایلد ماوای بنی خزاعه ده بر جاه اسمیدر *
بودقه بادی ارتکاب کلفه سفر بودر که رئیس قبیله اولان حارث بن ابی
ضمر طرف اسلامیه ابراث کزنده واضرار قصدیله کندی قومندن
وسائر قبائل عربانندن سپاه بی کران جمع ایلدیکی معروض سده معالی
بنیان اولد قدده * استطلاع حقیقت حال ایچون بریده بن الحصب الاسلی
ارسال پیوریلوب * حسب ما یقتضیه المقام بعض مرتبه دروغ مصلحت
امیر ارتکابه بالا التماس رخصتله جانب مأموره رفع قدم اعترام ایلدی *
قبیله مرسومه به وصولنده نام و شاندن استفسار اتملیله بریده دخی سیرک
طرفدار کزدن اولوب محمدیلر ایلد محاربه ایچون لشکر کش اولدیغکز
کوشنزدم اولغله کوره هم واقع ایسه بالجه قوم و هوادارمله کلوب شز که
هم دست اتحاد و اسلامیه بر خوشجه داد و ستاد ایلله لم دیجک جمله می
دلشاد اولدیلر * حارث ملعون کوره هم سنی غیرت دمیدر سرعتی در پیش ایلد
دیونبازمند اولوب بریده دخی ایشته جمع کترله کلد م دیوب جانب طیبیه به
عودت و کیفیتی معروض عتبه ثریا منزلت ایلدی * پس ترتیب اسباب
کارزار اولتی بایسته امر عالی اصدار اولنوب لشکر بیکرانله اول معشر
طغیان اوزرینه عزیمت پیورلدی * منافقیندن مثلی مسبوق اولیان
قی وافر حشرات امید اعتقادله ملازم رکاب خفر ستم اولدیلر * بر کشته
بختان مشرکین صولت و سطوتله توجه موکب موحدیندن آگاه اولیحق
صرصر رعب و هراسله ارکان جلاد قری مشرف اندراس اولوب اطراف
قیانلندن جمع اولان پریشان روز کارلر سامان عقول و افکار لر کی تار مار
اولوب حارثک یاننده همان کندی قوم و عشیرت قالدی * ناچار تصمیم مقابله

و ترکیب صفوف مقاتله ایلدی * جنود نصره و عود اسلامیان قطع سهل
و خزن میان ایدرک منزل مرسیعده رکز لوی فیروزی التوا ایلد کده
طرفیندن صفرا راسته اولوب بر زمان تیر و خدنگ ایلد جنگ اولنده دن
صکره * اشارت سید الانامله عسکر اسلام بیکار حمله ایدوب دستیاری
شمیر قاطع الحیاتله رشتنه نیاتلرین کسسته پذیرا ایلدی * اون نفر کافر
بد کهر افکنده حفره سقر اولوب بقیه می زراری و نسوانلریله گرفته سارقید
امر اسلامیان اولدی * طرف اهل توحیددن فقط بر مرد سعید شهید
اولشدر * سپاه اسلام فوق مایه صورده الا وهام استلاب و اغتنام ایدوب
شوق و مسرتله طیبه مطیبه طرفه عودت ایلدی * غزوه خندق * و سال
من بورشوالنده غزوه خندق واقع اولشدر بومر کده طوائف مختلفه
مشرکین مؤلفه اولغله احزاب ایلده زیان زده اهل خطاب اولشدر * احزاب
جمع خربدر طائفه معناسنه عند لیسان ریاض سیر بولمچه ایلد زمزمه ساز
خبر صحت اثر اولشدر در که * مقدمه سالسان خامه بدیع الیسان القای سوامع
اذهان اولندی بی اوزره یهودی نصیر اجتراند کاری ملعت و شقا سبیلدار
ودیار لرندن طرد و اجلا اولغله * مظهر عقوبت جزا اولوب اکثری خیبر
نواحیسنده جایگیر اولشدر ایدی * متعین لرندن حی بن احطب و انک امثالی
چند نفر یهودی بد مذہب اهل اسلامدن اخذ کینه و انتقام داعیه سبله
مکه به عزیمت * و قریش پر مکر و طیشی حضرت شاه کشور بنو تله حرب
و مکافه ده حث و اغرا باینده صرف انقاس مقدرت ایدوب * قریشدن
وجهه ملتمس لرینه توجه صورت اقبال مشاهده ایلد کدنصکره قبیله
غطفانه واروب خرما ی یکساله خیبری اجرت قدم و برمل شریطبله انلاری
دخی کندیلر امله و همحال ایلدی * یهودی قریطابه شتاب ایدوب
سر کرده قریط اولان کعب بن اسد فر از خصاردن اول خبیث بدکاری
کور بچک همان دروازه حصاری سد ایدوب یا حی بن اشام من طویس مثلنه
ما صدق بر شوم قدم لعین مطلق سن * وضع قاده بی میمنت ایلدی بکک
ملک کنانار عمارتدن دور و تاثیر نحو سنک سعدا کبری دخی خاصه معاد تندن
هجور ایدردیواستفصال ایلد کده * ملعون ماجرای افاده و بیان و بالجله
قریش و غطفان بوباید مدست عدوان اولدقرین اعلام و اعلان ایلوب
ماحصل کونا کون شعبده و دغل ایلدانی دخی مغبون ایلدی * تکمیل لوازم
مفرغ صوم اثر اند کدنصکره ابوسفیان درت یلک سپاه کینه خواهله
مکدن جیقوب دارالسکینه مدینه اوزره روان اولدی * خلال راهده

عیینه بن حصین فزاره و جارت بن عوف مره قبیله لر یله معسکر کفار ملحق
اولغله مجموع اعداد اعدای بد نهاد اون بیکه بالغ اولدی * بو خبر واصل
سمع سید البشر اولیحق ترتیب انجمن مشورت پیوروب سلمان فارسی
تدبیر یله خندق حفرینه قرار ویرلدی * اطراف مدینه کوچه بندلریله
تخصیص و ترصین اولنوب اوج یلک عسکر فرخنده قریله متوکلا علی الله
مدینه دن خروج و دامن جیل سلع لشکرگاه اولدی * اولجانب کشاده فزا
اولغله خندق سد اولغی باینده امر پیوروب اصحاب کرام بالجله تیشه زن
اهتمام اولغله وقت یسیره رسیده غور اتقام اولدی * ترغیبالله سلین خلاصه
ما و طین حضرت لری دخی موافقت ایدوب مظهر شریقله حمل تراب
ایلدی * بروقت نحو ستعمارده کفارتبه روزگار موج دریا وار فوج فوج
بیدار اولوب قریشیان مجمع السبول نام محله نزول و غطفان و سایر ملاعین
سیکاران احد جانبی مضرب خیام شامت شمول ایلدی * بنو قریظه
نقض عهد ایدوب قریش و غطفان دن ایکی یلک بغما کر ایلد مدینه بی شیخون
ایتمل فکر فاسدنده اولدقلری معروض درگاه نبوت دستگاه اولدقده *
سلمه بن اسلم ایکموزوزید بن جارنه اوچبوزدلا و رایله اعلان تکبیر ایدرک
نامزد حراست دروب و محلات اولدی * لشکر کفارک عبور لرینه خندق
حاجز اولغله علی التناوب هر کون بر منعینلری کندی اشباعبله و رای
خندقه کاوب مر امانت نبال و اجبار ایلد متصدی کارزار اولور ایدی *
برکون نوفل بن عبدالله بن مغیره تل عرق شجاعی نابض اولوب رخشنه
سوار و کار خندقه کاوب عبوره مساعد بر جای تکدن گذار ایتل سودا سبله
ضرب مهمیر اقدام ایدرکن رخشیله قهر خندقه غلطان * بیکه معلق زن
حفره تیران اولدی * مشرکار لاشه نوفل کندیلر و برمل رجاسنه تمام دیت
اداسنی ملترم اولوب سلطان استغنا مناج دخی اکارک مال خبیثنه نه احتیاج
دیوب اول لاشه مر داری انداخته کلاب کفار ایلدی * مر ویدر که
بر طرفدن استیلای خط و غلا و بر جابیدن زحام لشکر اعدادن ناشی عسکر
اسلام غایت الغایه مضایقه به گرفتار و صوری و معنوی اضطراب و اضطرار
ایلد بیقرار اولوب منافق لر میبائنده ایسه کونا کون اراجیف بیدار و بربر
بهانه جوی سمت فرار اولغله کیسی تنکنای خندقده محبوس اولنوب
مبرزه حقیقه قدر غزمه دوم ایکن محمد بزه کوز کسری و فیصر روی وعد
ایدردیوه زیانه اغازا تملریله * سرید و تملری * و اذیقول المنافقون والذین
فی قلوبهم مرض ما وعدنا الله ورسوله الا غرورا * مشت توبیخ و ملامت یله

گرفته ضربه قهر و مذلت اولوب * بعضی دخی یا اهل یثرب لا مقام لکم
 فارجمعوا تعبیر به تمزین عصابة دین اثیرایدوب * یعنی ای اهل مدینه
 معسکر همایونده سزده مقام یوقدر مدینه ده اولان منازل کزه عودایدک
 یا خود جاده مستقیم دین فورم محمدی اوزره * ثابت قدم اولورسکر عالمده
 سزل ایچون گوشه ارام و حضور یوقدر العباد بالله تعالی کریمه ارتداده
 سلولایدک دیکدر * و مخاذیل منافقیندن اوس بن فقطی وائل امثالی
 بعض منافق حضور فائز النوره کلوب دارنخوست مدار من خارج
 مدینه ده اعدای دینه یقین اولدیغندن بشقه محتاج تحصین اولغله تشید
 و ترصین بهمانه سبله استبدان ایتمکله فی الحقیقه فرار عن الرجف اند کاری
 جهندن * واذ قالت طائفة منهم یا اهل یثرب لا مقام لکم فارجمعوا
 ویستأذن فریق منهم النبی یقولون ان یوتنا عورة و ما هی بعورة ان یریدون
 الافرا * کریمه سی روکش اولدقلری مدعاده کاری تکذیبه نازل
 اولشدر * ما حصل بوغزای غزاده فراهم اولان اسباب پریشانی و الم
 برغزاده دخی مشهود اولماشدر * حضرت غمگسار امت سیاه اسلام
 حاله شفقت ایتمکله عطفان و فزازه قیلل لربک سر دارلری اولان عییند
 و حارث طرفنه اعانت قریشدن ال چکوب مقروما و الربه رجوع ایتمک
 شرطله بطریق الممانه ثلث محصول خرما ی مدینه کندیلره اقطاع اولتی
 وعدنی متضمن خبر کوندروب * انلار دخی جانلرینه منت بیلکله نهانی
 درگاه رسول ربانی به مشول ایلدیلر * بومنونال اوزره صلحنامه تحریر
 اولنوب هنوز موقع قیود و شهوده نارسیده ایکن سعد بن معاذ و سعد بن
 عبادیه بی مجلس شریفه احضار و ماده بی انلاره اشعار یوردیلر * سعد بن
 سماء شهادت زمینبوس خدامت اولوب یا رسول الله اگر بو خصوص مقارن
 حکم النبی ایسه جای تردد و توقف دکدر بهر حال امضازن تنفیذ اوائی امر
 محتومدر * اگر فریجه صبیحه همایوندن ایسه ینه * معنا و اطعنا * و اگر وجه
 استشاره ایله قیافتکیر اوله جق ایسه فالهم عندنا الا السیف دیدیلر *
 حضرت رسول الله اگر وحی ایله اولش اولسه سزکله مشورت اولمازایدی *
 نهایت مجموع قبائل عرب شصت واحددن اوزرکزه تیرباران عداوت
 ایتمکله شیرازه جمعیتلرین تفریق و فسخه اتفاق و الفتنلرین تمزین ملاحظه سند
 مبنی بومنا خاطربه ساخ اولشدر یور یحیی * سعد بن معاذ یا رسول الله
 * * * * * که و خلاص اولدیغوز و انلار برزم بر خرما مزه
 بی اجازت اطاله دست اغتصابه قادر اولمازایدی * مکرطریقه قراوا خود

و تیره اشتراک ایله اوله المنه لله تعالی حالیا حضرت جق جل و علا بری اسلامه
 مکرم و وجود شریف کز برله مؤید و محترم ایلدی * اول خاکسار بر خسار لر
 ایله ذلت مشارکتی اختیار منافی ناموس و عار دردیور رخصت نبویه اول
 صلحنامه بی شق ایلدی * و انلاره اواز بلند ایله قالقوب خیمه کاه بر خزی
 و تباه کزه کیدک ببنیزی انجق تفریق میانجی شمشیر توفیق ایدر دیوب
 مجلدن طرد ایلدی * فایحه * امام کابی روایت ایدر که مبانه عربده اوس
 و خرخرج غایله صاحب شهامت و عزیز النفس و عالیجناب قیلدر * قطعا
 بر طرفه خراجکذا اولدقلری واقع اولدی * حتی تباعه بمندن ابوکرب بر
 ماده ضمنتده بونلاره اکید و شدید تمید نامه ارسال ایتمکله جوابنده اشبو

قطعه بی کوندردی

* العبد لکم برید قناتسا * و مکانه بالمنزل المنذلل *
 * انا اناس لا تسام بارضنا * عض الرسول یظرام المرسل *
 قنات نیزه دینور بظرفخ بای موحده و سکون طای مجمه ایله فرجده
 اولان لحم زانده دینور * نته * برکون بردلان قریشدن عکرمه و هبیره
 و ضرار و عمرو بن عبدود که عمری سرحدتسمینه متناهن * و میان شیعیان
 عربده شماریده هزار مبارزایدی * خندقل برتک مجلدن کذرایدوب عمرو
 رفقا سنه تقدمله طرید و جولان و طلبکار مرد میدان اولدی * همان بپر
 یدشه مغازی و محارب اسد الله الغالب علی بن ابی طالب قیام و استبدان
 ایلدی * حضرت رسول الله اجلس انه عمر و تعبیر یله رخصت و بر محبوب
 تکرار عروک زهره عجب و غروری او جکبر و مقتولکزه ماوی و مصیر تعیین
 ایلدی بکز جنت قنده در نیجوب میدانم کلمکه جسارت ایتمز سزدیوهرزه
 و هزبانله زهرافشان عرصه دار و کیر اولغله ینه حضرت مرتضی قیام ایدوب
 خلاصه او جخی دفعه ده وان کان عمرواد یوب نائل دستورا ولدی * رسول
 اکرم صلی الله علیه وسلم کندی درع یا نبیلرین الباس و ذوالفقار نام شمشیرلرین
 میانه جائل و دستارلرین سر سعدا فر رینه راست ایلد کد نصکره * اللهم
 هذاخی و ابن عمی فلا تذرنی فردا وانت خیر الوارثین دعاسنی همراه یوردیلر
 شیر خدا صغدر روز و غا علی المرتضی رفتار رستخانه ایله پیاده چه میدان
 کیروب * اول امرده بر موجب حکم شریعت اول کافر بدعاتی سرخوان
 ضیافتخانه اسلامه دعوت توطئه سیله * یا عمرو برقرشی سنی ایکی امرک
 برینه داعی اولسه البته برینه اجابت ایتمک اوزره عمدا تشیدک حالا اول
 عمده مراعی سن دیدی * اولدخی تصدیق ایدیمکن حضرت مرتضی

یا عمرو سنی اولایمانه دعوت ایدرم دیدی * اول ثابت مرکز کفر و ضلال
 روگردان امتثال اولیجی امدی سنی جنکه تکلیف ایدرم دیدی * عمرو
 خنده زن استنزا اولوب هیچ منظمه ایتمزاید مکه بنمله داعیه کارزار ابطال
 عربدن برینک خاطر گذاری اوله * خصوصاً سن بنم برادر زادم مشابه سنده
 سن پدر کله میاغمزده علاقه اخوت اولغله سنی قتل ایتمک منفور طبعه قدر
 دیدی * حضرت مرتضی واقعا اولیجی در لکن سنی قتل و اعدام ایملک بنم
 عمده مرامدردیجک عمرو غضبندن برامه انش اولدی * بود فعه حضرت
 مرتضی یا عمرو و شمرط انصاف بودر که سندی بنم کبی پیاده اوله سن دیدی *
 عمرو صاعقه وارزمینه صحرایوب تیغ انش تابله حضرت مرتضی اوزرینه
 جمله ایلدی * سپاهین مرتضی ضرب شمشیر لعین زنجمله دونیم اولوب
 سر سعاد تلرینه بر مقدار زخم اصابت ایلدی * نوبت جمله دست اقتدار
 کرده قرار اید یجیل ذوالفقاره ال اروب حیل عاتق کافر عتیقه نه کونه
 اشارت ایلدیه سنک راه خذلان اولان کاه شقاوت اقتدائی خالک مذلت
 غلطان اولدی * حضرت مرتضی کلبانل تکبیر ایلد غلغله بخش طاق مینا
 اولوب * هر طرفدن جنود موحدین دخی اوازه تکبیر و تحسین برله طنین
 انداز زمان وزمین اولدیلر * حضرت شهنشاه کشور مجید و اجلال علیه الصلوة
 بالغدو و الاصال صدای عالمکیر تکبیردن عمرو کشته تیغ تد میر اولد یقنه
 استدلال بیورملرله بغایت منشرح البال اولدیلر * بعده هیبره اوزرینه زیر
 وضرا اوزرینه برادری عمر بن الخطاب و عکرمه اوزرینه حضرت کرار
 جمله ایدوب مقاومتی اقتدار اولملرله راه فراری طریق رها اعتبار اندیلر *
 اندنصکره کفار تمکاران نطق جیتی در میان ایدوب هوا دار لری اولان
 یهود نابکاران ایلد اسلامیانک حصر و تضییقه بر کونه اقدام و غیرت
 ایلدیلر که غزات موحدین تغلب باصره به و بر خطوه جای دیگر حرکت
 بحال فرصت بولدیلر * بامر تعالی نایبه نکدستی و عارضه کرسنکی و واهمه
 غارت و خوف جان و برودت هوا کبی اسباب متنوعه اضطرابه مبتلا
 اولاندیلدی * اذ اراد الله شیئا لم یکن شیئا * اسبابه ضابطه سی بوانقیاس عمرک
 انبساطی سره تبدلی زمانی حلول ایتمکله * اظهار سینه اراده علیه الهیه
 تعلق ایدوب فن جیلده دانا و طریق خدعه و دغله بهیمن اولوب لیل و نهار
 کفار خاکساره تعلیم فنون مکر و فسون ایدن نعیم بن مسعود الا شجعی
 الفطمانی با هدایت سحانی سلمان اولغله * بر کچه خفیه درگاه رسول الله
 کلوب اظهار اسلام ایلد کد نصکره یا رسول الله * بنم اسلامدن هنوز قوم

اکاه دکلدر * عهده مکنتده اولان خدمتده افراغ وسع طاقت ایتمک راتبه
 زمزم اولغین مراد شریف کزنه کونه ایسه امر بیورملق مستعد ادر دید کده *
 حضرت رسول الله دخی انما انت رجل واحد خذل غناما استطعت فان
 الحرب خدعة تعبیرله اول چیره دست صنایع مکر و خدیعتک دفع اعدای
 بد طبیعت یابنده کف مقدر سنده اولان خدمتی اجرا ایتمک مرخص
 بیور دیر فائده خدعه لفظی دفع خایله بنام مره بنیه سنده افصحدر بهی امور
 حرب خدعه واحد ایلد منقضی اولور * تکمله * نعیم بعض منصوبه احتیال
 اعمالده دستور الوب همان اول شب دیجورده بنی قریظه به کلدی *
 اشباه قبیله نعیم مقدمتی نعمت عدا ایتمکله ترجیب واستعداد و لازمه
 مر اسم مهمانداری بی پیشداد ایلدیلر * اثناء صحبتده ای بنی قریظه طر فکزه
 در کار اولان علاقه درون خلوص مقروم نه در چنده اولد یقنی اخطار
 و تذکیردن مستغندر * حقوق قدیمه به مراعتاسیرده ابر برانده خیر
 خواها نه نیجه کوتدر که باعث خدشه دل بی غل خالصانه مدرکت و اخفا
 شرطیه سیره افاده ایتمک ایچون کلدیم * قبول و عملی حقه کزده نه کونه
 موجب خیر و احسان اوله جتی سیره دخی لایح و نمایان اولور دیو حکیمانه بسط
 مقدمه ایلد کده * انلار دخی تصدیق و کتانی یابنده رشته عهد و سو کندی
 توثیق ایلدیلر * پس نعیم سوزه کلوب ای وجوه بنی قریظه بوندن اقدیمچه
 بنو قریظه باع و بنو نضیر کرفتار اولد قلمی جلای وطن و سائر کونه بلیه
 و محناری مشم و دکر اولمشدر * قریش و غطفان محمد یله جنکه کلوب سزدخی
 انلار امداد ایلد * کز سز کله انلار میا تیده نه مناسبت و اربو شهر سزک
 شهر بکزد * جمله اهل و عیال و رزق و مال کز بونده در دیار اخره نقل
 و ارتحالده مجالکز یوقدر انلار کد یاری بعید در و صورت ظفر هنوز نر طرفک
 مرآت حالده جلوه کراولما مشدر * اگر فرصت یوجانیده اولور ایسه قیها
 و نعمت و اگر نعمت فیروزی اسلامیه انه روزی اولور ایسه انلار کیدوب * بنیجه
 مسلمینده قالمکله باشکزه اوزمان قویار قیامت * و بیان عهدی بر رسمه ویران
 ایلدیلر که هر مت و اعماری خارج عهده * همار روز کاردر * امدی سزه
 طریق سلامت بودر که قریش و غطفانل کابروا شرافتدن بخش کشته بی
 رهن طر بقبله الوب بعده قراغ باله حرب و قتاله اشتغال ایلدیه سز صکره
 سزی برافوب کتمک قادر اولدیه لردیدی * قرظیلر کویا که ناام ایدی منته اولوب
 نعیم دعا و ثنا ایلد کد نصکره * یونیه عزم و جزم ایلدیلر نعیم اول مجلدن جمع
 قریشه کلوب ابوسفیان و سائر رؤسای اهل طغیانیه ای جماعت بنم اخلاص

و مودت کرده نه گونه باید ارادیدیم و راسته کافه اشعار در حال بر سره واقفم
انی سزای اعلام ایتم که لازمه ذمت صداقت در دیوب وصیت کتمانله * ای اکابر
قریش بنوقریظه منزله عقد اند کاری عهد و پیمان نادام اولمغه اشرا فکزدن
شمس کسینه بی برتقریه دامه دوشوروب محمد تسلیم و محمد دخی * بنونضیری
بنه وطنارینه ارجاع ایتم اوزره تجدید بنای صلح قویم ایتمشله * فی الحقیقه
بنوقریظه سزدن رهن نامیه ادم طلب ایدر لسه صاقنوب ساعده ایتمیه
سزیراهم کله کاوکیدرهم خم شکست اولوردیدی * انلاری دخی بو
افسونله مقتون ایلد کدنصکره بنوغطفانه واروب قریشه تاول اندردیکی
ورق الخیال مکر و احتیال الله انلارلد دخی دماغنه اختلال و پردی * ابو
سفیان و رؤسای غطفان تعین خبرندن بغایت متفعل اولوب تحصیل یقین
ایچون عکرمه ابن ابوجهللی هر قبیله دن بر قاج کسینه ایلد بنوقریظه به
ارسال ایلدیلر * انلاردخی واروب ای اشراف بنی قریظه خیملی مدتدرکه
بوحله کلدک یوانه قدر مقدمات سعی و همت مزمنج امنیت اولدی * اطراف
مدینه ده مرعا اولدیغی حبسیله روز بروز دوامز هلاک اولدی اوزره درود میدم
طرفه حادث اولان ضعف و فتور قوت و نشاط اسلامیه باعث اوله جفی
غیر مستوردر * کرکدر که یارین بالاتفاق محمد اوزرینه هججه استیصال
ایدوب یا تحت یا تحت لایحه می نه اوله جق ایسه جلوه نمای حیرت ظهور
اولسون دیدیلر * بنوقریظه یارین مبارک سبت کونی اولمغه سابقا بزدن
برکوه هتک حرمت سبت ایتملرله گرفتار دوشاخه مسخ اولدیلر * بوندن
یشقه بزم هنوز سزما اعتماد مز یوقدر محتملدر که فرصت جانب محمدیده اولورسه
بزی انل پنجه سطوتنده قیوب سز و طنکره فرار ایلدیه سز * امدی لاجل
الاطمینان اکابر و اشرا فکزدن شمس کسینه بی بزه ارهان ایلدیه سز و الا سز
بردرلوموافق ایتمل احتمال یوقدر دیوقطعی جواب و پردیلر * عکرمه
کاوب بو خبری قریش و غطفانه افاده ایدیمک تعین کلامنی تصدیق
و خیانت بنی قریظه بی تحقیق ایلدیلر * نهیم بنه بنوقریظه به واروب
عکرمه رهن خبرله ورودنده بن رؤسای قریش مجمعه حاضر ایدم
بنوقریظه بزدن بردیشی اوغلاق التماس ایلدیه لوریمک احتمال مز یوقدر
دیدیلر * دیو خبر و پردی * خلاصه کلام * بیت * کارها راست کند مردم
دانا بختی * که بصدک کر جزار میسر نشود * سانجه می تدبیر نعیم غطفانی
ناید تقدیر بر بانیله میانه کفاره تفرقه ساز اولوب بوجه تله قلوبلرینه قلق
و پریشانی مستولی اولدی * اولخلاله بر کیمه غایبه ظلمات و هواده برودت

اولوب فرمان مرسل الیاحله کفره عذیم الفلاح استیصالنه جند صبا
تعمین و ارسال اولوب خیاملری جو هواده پریده * وطنابلری رشته
پیمانلری کبی پریده اولوب قدور و صخاقلری بخت وارونلری کبی سرنکون
ورجال و رجال و امتعه و انقاللری برهمزده یکدیگر اولوب اتلری شیران
زنجیر کمر کبی بند و پیوندلرین شکست و روبراه کوه و هامون اولدیلر *
فرمان خداوند ذوالجلال ایلد جنود مجنده املاک اوج افلاکدن عزم
خطه خالایدوب طرف طرف اوزره هولناک برله زهره لرین چال ایلدیلر *
چرخ شعبده باز پس پرده خفادن ابراز ایلدیکی صور حکمت اثر عبرتکستر
مشاهده سیله اولبد مستان میکرده شر و شور ککشته راه شعور اولوب *
جمله سنک پای استقرار لرینه زلزله خوف و خشیت و دست اقتدار لرینه رعشه
بیم و دهشت عارض اولدی * بونلارک بو طوفان قیامت خیز ایلد احوال
فلاکت انکیزلری لایح خاطر نبوی اولوب * لکن گذار شیدیر اولدیغی
اوزره کروه منافقین خانه لرین تحصین بهانه سیله پراکنده اولوب غزات
موحیدین دخی شدت برودت و غلبه دردمچاعتدن بیتاب و طاق ورنک
ظلمت دخی بر مرسته ده ایلدیکه بر متقالی نیجه یوزیلک منافق بشره سینه مایه
سواد اولدقدنصکره یران امتحانده نه شوب نقصاندن مبراطهور ایدر
ایدی * اول کیمه موکب کواکب انتظامده انجق اوجیوز نفر صحابه کرام
قالمغه حضرت علیه السلام موجود اولان اصحاب عظامه کیمدرکه
کیدوب مشرکیمندن بزه برخبر کتوره دیو توجیه خطاب ایلد کده * بی تابی
وده شتمدن کسه ده قیام ایتمک یارای قدرت اولوب عاقبت * حذیفه
ابن الیمان تخصیص ندا و دعوت ییوردیلر * حذیفه دن روایت اولاندیغی
اوزره قیام واجبتدن غیر بی محال اولما مغه لیلک یارسول الله دیو بیزندن
صیحر ابوب یدشگاه عزت دستکاهلرنده منول ایلدی * حضرت رسول الله
باحذیفه نه مانع اولدیکه دعوت استماع ایدرکن اجابتدن امتناع ایلدک
ییوردقده * یارسول الله بی حق یغیر بیهت ایدن خدای ذوالمنن حق غلبه
بر دوکر سنکی تسویه قامت لیا قتمه مانع اولدی دیو اعتذار ایلدی * امدی
مخیم مشرکینه واروب تجسس حال ایلد لکن شهر سلاح ایلد و صبیله
اذه ب حفظک الله من امامک و من خلفک و عن عینک و عن شمالک حتی
ترجع الینادعاسنی همراه ییوردیلر * حذیفه دخی بر موجب امر رسول
الاهی کفار اردوسنه راهی اولوب عن همت نبویه کویا که حمام ایچره
کیدردی * میان قریشه داخل اولوب کوردیکه جمله بی غوطه خور

بحر حیرت واضطراب اولمشار * اولخالده ابوسفیان ای معشر قریش
هر کس همنشینان گاه اولقی ایچون دست بدست اولکزمنا سیدردیوندا
ایتمکله حدیفه دن منقولدرکه * بن ساکر ایچون نیمه له صباغ طرفده
اولان شخصلانی طوتوب نام وشانتدن سئوال ایلدم اول کسه بن معاویه
ابن ابی سفیانم دیدی * بعده صول الله یسار مده اولان کسینه تلانی الوب
استندن استفسار مده عمرو بن العاص اولدیغنی اخبار ایلدی * برقاج دقیقه
دفعه کرمه ابوسفیان بنه جلایه خطاب ایدوب ای جماعت قریش مکرمه
وحالز مشند اولدی * دوه لر من اجلقدن هلاک اولوب بقیه سی دخی عمل
واعمالدن در مانده اولدی * بنو قریظه ایسه بزه مخالفت ایلدی بوطوقان
رستخیزانار ایسه بری بویلمه سرکشته اضطراب ایدوب ایچون دن سنه کاز
اولدی * ما حصل بوورطه مهولدن کاه کیر سلامت اولقی معقولدرایشته
بن کندی دیوب کمال حیرت ونهایت مسارعندن زانوی شترنده اولان
عقاله انحلال ویرمکسین سوار اولدی * عکرمه یا ابوسفیان سن رئیس
القوم اوله سن لایقه بیدر خلقی بویله بادیه محنتده قیوب نفسکی تخلیص
قیدنده اوله سن دیونشانه سنک لوم وعذاب ایتمکله * ابوسفیان حجاب
ایدوب دوه دن نزول ایلدی ومهار فی الله الوب ندای الرحیل ایله جلایه
سوق سبیل اتدی * بنو غطفان دخی متابعت ایدوب بالجه رسته راه ادبار
اولدیلر * عمرو بن العاص وخالد بن الولید ایکیموز سواریلید ایله محافظه
ورای عسکر مشرکین ایچون قفادار تعین اولوب ماعدامی بالتسابق
بی سپر راه کیر اولدیلر * بوخبرایله قفول وحضرت سید الموجدات مشغول
صلوة اولدیغنی خالده موقف اجلالربنه منقول ایدوب مشهودم اولان
حالاتی معروض سده سعادت ایات ایلد کد نصکره بنه اندامه غارضة
برودت عودت ایلدی * حضرت نعم کسار امت ید عنایتلرله بکا اشارت
نیوروب نزد شریفلرینه واردیفنده مبارک ارقه لنده اولان شمله تل
بر طرفیلر بنی اورتوب یا تور دیر بندخی حضورایله خواب راحته واردم
انبلاج بخبرده قم بانومان خطایله بنی یدار یوردیلر * اول خالده پیشوای
اهل خذلان ابوسفیانک درگاهت عنوانه بر قلمه من خرفنامه سی
منهور ایدوب کشیده طالت سطور اولان خرمه تعبیرات بر هر زمه و هذیان
دیس در شنه ساروش اولمده شایسته ضرورتی بودر * یا علی الله فانی
حلف باللات والعزی واساف ونائلة وهبل لقد مرت الیلک فی جمع وانا اید
ان لا اعود دخی اسنا صلکم فرایتک قد کرمت لسانا واعتصمت بالحنندق

مکیده ما کانت العرب تعرفها وانما تعرف ظل رماحها وشبکات سیوفها
وما علمت هذا الا فرار من سیوفنا ولقاءنا اولک منی یوم کیوم احد * پس
مع حال هذیان محوم اولامه هوم نامنظومی محاط علم معالیوسوم نبوی
اولیغنی امر شریفیلرله خبر بر و تسبیح اولانان جوابنامه تل عبارت علیه لری
بودر که کتاب طاق اثر منیف اولمشدر * بسم الله الرحمن الرحیم * من محمد
رسول الله الی صخر بن حرب فقد اتانی کتابک وقد بعنا غرک بالله الغرور اما
استیصالا یا انا قامر یحول الله بینک و بینه ویجعل لنا العاقبة ولیدأ تین
علیک یوم اکمر فیہ اللات والعزی واسافا ونائلة وهبل حتی اذکرک یا سفیه
بنی غاب بچ انتی لات وعزی واساف ونائلة وهبل بر صنف مهمل اسمیلدر *

* قرینط حجب ج افل یمه * نکاح بنت جحش مع جوهریه *
ووقع فیما غزو قریظه * وکان حجب النساء * وقرض حج البيت * وحدث
افل المناقین * تقدیریلرله معطوفلدر * قرینط کلمه سی آخر کلمه به منتظر
اولیان یعنی بعد الترخیم اسم مستقل اعتبار ایدن شحاتک مذهبته کوره
ندانک غیرنده ضروره وزن ایچون مرخم وغیر منصرفدر * و آخر کلمه به
منتظر اولنلرلر لغته کوره فتحه حرف ناء فتحه بنیه کلمه در * یمه قوی دخی
تقدیر عاطفه معطوفدر ضمیر فاعل الله و ضمیر مفعول رسول الله
راجعه در تیممدن ماضی در تیم ویرمک معنای سنده در * بو مقامده تضمین فعل
امرایله وامر الله رسوله بالتیم سبکنده در * و فیها کان نکاح زینب بنت جحش
قد برنده در * جحش کلمه سی وزن ضرورتیلر صرفدن ممنوعدر * بو بنده
یدی لایحه مندر جدر * غزوه بنی قریظه * حجب نساء * فرضیت حج البيت
الحرام * افل عائشه الصدیقه * نزول ایت تیم * نکاح زینب بنت جحش *
نکاح جوهریه * غزوه بنی قریظه * سنه مرقومه ذی القعدة سنده غزوه بنی
قرینطه واقع اولمشدر * تخیلندن دو حقه سیر بو کونه نه الیرای اثر اولمشدر که
چون لشکر شیطان خبیث وخسرا نله روگردان اولوب هر قیلر کندی
دیار لر بنه رخای عنان اند کد نصکره حضرت سرور انام احجاب کرامله وقت
ظهمرده مدینه به عودت وحجره خاص صدیقیه تحلی بخش طلعت اولوب
ازاله غبار عرصه ککارزار ایچون سروروی دلجو بلرین شست وشوی
بیوردیلر * اولخالده بریدرب العالمین جبریل امین باشنده دستار استبرق
وزیر راتده دیبازین پوشلی براستر نازل وحضور فایض النورده متمثل اولوب
یار رسول الله قامت والانهم کنزی ادوات حرب وقتالندن ازاده بیور مشسر
بحق رب مجید کفار عنید طیبه اوزرینه طرح سواد ثقات ایلد کاری کوند نبو

عسکر اسلامه امداد و معاونت ایچون ورود ایدن جنود اسمانی هنوز
سلاحبوش اولوب کفارتهم کاره جراً الاسد نام محله قدر تازیانه زن طرد
وتبعید اولدقد نصکره اشته درگاه سدره اشتباهه مشول ایلدم قالدیکه فرمان
حکیم قادر بوجیه اوزره صادر اولدیکه بر لحظه توقف و تاخیر اولمیبوب
نقض عهد و میثاق و ارباب کفر و شقاقله عقد ربقه اتفاق ایدن بنی قریظه
اوزرینه توجیه رایت عزیمت پیوره سن * بن معجده اولان جنود سر و شله
مقدم واروب درودار و حصار لرینه زلزله اندراس ابراث ایلیم منزل دخی
سعادته قالفوب سلاح کزی بردوش و اول قوم مغشوش اوزرینه توجه
ایلیمه سزیم قسم بخدای جهان افرین که زمره عدا فدی بر زده رخام اولمش
بیضه ایلهمه حال ایده حکم دیوب اولقوم مستحق اللوم جانبندار خای لجام
اعتزام ایلدی * حسب الامر العالی حضرت بلال فرمان خدایه سامع
و حکم رسول مجتبا به مطاوع اولان کسینه صلوة عصری فهای حصار بنی
قریظه ده اذاللسون دیواسواق مدینه دند * و یا خیل الله ابرکی امریله
مسارعت عزیمت اغرا ایلدی * شیر غاب و غا حضرت مرتضی مقدمه
تسیر * و منشور خلافت ابن ام مکتوم نامنه تربیر اولندقد نصکره اوج بیل
میرد میدان شجاعته بافر و شوکت بنو قریظه بی وجهه عزیمت پیوردیلر *
بوسفر نصر نموده او قوزالتی راس اسب رهوار استعجاب اولمشیدی * جنود
نصر تو عود ما تند موج متسلل الورد متلاحق موکب مسعود اوله رق
بنی قریظه قبول نندن بر فیکاری نشانگاه رایت ظفر شمار اولوب * تدارک
مهام حرب و قتاله اشغال دامنگیر استیصال اولغله لکرگاهه بعد خروج
الوقت و اصل اولان بعض اصحاب کرام ظاهرینه نظر اصلوة عصری پیرامن
حصار بنی قریظه ده قضا و بعض آخر تنبیه شریفی حرکتده مبالغه به حمل ایله
رعایت وقت ایدوب بولده ادا ایتمش لرایدی * ایکی فرقه نلدخی اجتماعدی
صوابه محمول وصل صحیح المضمون عملاری قرین امضای قبول پیورلدی *
مقدم حضرت مرتضی الوای معلا ایله ارسال پیورلش اولغله دامن حصارده
کز علم نصر نمده از اید یجمل یهود خذلان انجام بالای حصار دن جرگاهه نشان
دشنام اولملر ایله موکب همایون یقین اولدقد * حضرت مرتضی خطوات
اجلاله استقبالی ایدوب بار رسول الله مخاذیل یهود شقا و غما نوس
جیانلندن مایوس اولدقلری جهندن المساله لسان هزیان ایتملر ایله یقین
وارلنی چند ان مناسب دکادر دیدی * صبه سالار کتیبه عز و اجلال
حضرت ناری یا علی اول کرده مکر و ضلال بنی کور یجمل دمسینه ولال اولملر ایله

مخالف طور ادب کلمات ضربه بچال اولور لریوردقد نصکره حصاره
مقابل واروب * یا اخوان للفرده هل اخر اکم الله و انزل بکم نعمته انشتونی
تعبیر ایله اولقوم محتوم التدمیری هدف تیر ملام پیوردقد * حاشا اولکونه
مذیانه جمار تمز اولدی دیوین ایلد کد نصکره یا بالقاسم ما کنت جهولا
ولا خفاشا کلامندن غیری بر حرف اداره سته قادر اولدیلر * پس اصحاب
کرام فرمان سیدالانامله حصار بنو قریظه بی احاطه ایدوب یکرمی بش
کون محاصره و ایل و نه سارینه ساد مقالت و مشاجره ایلدیلر * شدت حصر
و تضییق دن جمله بی جان رلب و مغلوب رعینو کرب اولغله رؤساری بریره
جمع اولوب مشورته آغاز ایلدیلر * کعب بن اسد جمله سته توجیه خطاب
ایدوب ای جماعت یهوداشته حالمز یومنون اولدیلر بحسب الاضطزار
اوج امر لک برنی اختیار ایتک لازمدر یا بودر که حضرت محمد بنیوتنی
تصدیق ایدوب مسلمان اولور سز اهل و عیال و مال و منال کز ساحه سلامنده
قالور و اسلم طریق بودر * زیر اخدای متعال حتی توراتده منسوب اولان بنی
مرسل بو ذات اکل در دیدی * جمله بی بردن بزین موسای نسیخ و حکم
توراتی فسخ ایتزد یومکابره طریقه جواب و بردیلر * کعب امدی پایند
سر بازی میدان قتال اولان اولاد و عیالی سر جمله قتل ایدوب کند مری بی
بر و اعسکر اسلامه اوروب فراغ باله جنگ وجدال ایلیمه مغلوب و مقهور
اولدیلر غرض و رنده اعقاب کز گرفتار امر و مذات اولوب غالب اولدیلر
حینده اهل و عیال سهل المنال در دیدی * یهود مردود یا کعب ید مزایله فلذات
اکباد اولان عیال و اولادی قتل ایتک بر وجهله مذهب عقل و رویت و قانون
مروتده جائز دکادر دیدیلر * اکادخی راضی اولمیبی کعب باری بوکیجه
لیله سبت اولغله عسکر مسلمین بزین تمام امین اولملر ایله حقیقوب مضافه
شیخون ایلیمه لم امید در که باعث رؤسیدی * ملت موسوی به اوله دیدی *
یهود بورانی دخی استیجان ایدوب بزین مقدم سبت کوفی بالی صید
اندکاری ایچون قرده و خنایر اولدقلری کبی بزین اول بلیمه بی دوچار اوله لم
دیو کعبی تسفیه و تعذیب و تدبیر ثلثه سنی تزییف ایلدیلر * بعد التیاراتی
درگاه ابدی الاجلاله نباش ابن قیسی ارسال و بنو نضیر و تیره سی اوزره
جلای وطن ایتک پاینده استیجان ایلدیلر * جانب فرمانفرمای کشور
رسالتدن اشارت بروی رضایه مظهر اولمیبوب باری جمله مامزی ترک ایدوب
همان اهل و عیال مزایله کیده لم دیو تکرار نباشی ارسال ایلدیلر * به رخصت
مساعده ظهور ایتقیوب اخر کار زمان جاهلیت قبیله اوس ایله بینلرنده

تخالف ومولات اولوب ابولبابه اوسى اولمله كندى خصوصى انكه
مشورت ايتك ايچون طرف باهر اشرفدن ابولبابه يي نيمارمند اولمليه
اشارت عليه ايله ابولبابه عازم حصار اولدى * بنوقريظه ابولبابه يي
كوريجك غريويودانه ايله رجال ونسوانى قوشو واروب كيه وزارى ايدرك
كندولرك برون برون برون * يا ابابابا حقه سئل رايك نيمه در حضرت
محمدك حكيمى اوزره حصار من دن نزول ايتك مناسيمدريد يلد * اولفته
انكيزلرك تعبيرات رقتيز لري ضمير ابولبابه يه تاثير ايتككك تدبير صواب
حكيم عالى رسالت ابوزره نزول ايتكك در ديون نصريح ايتكك كن القاي
شيطانيه كرده اشارت ايدوب طعمه شمع اوله جفلى تلميح ايلدى *
مرويدركه ابولبابه دن بوكونه هفوه صدور ايديجك در حال نيه اوغرا ديفنى
ييلوب حواس وشعور نيه عقله فنور عارض اولدى الله ورسولنه خيانت
ايلدم ديه رك استرجاع كان حصار دن چيقوب حضور نبوى به مشوله قادر
اولماق طوغرى عزم مدينه ايلدى * مسجد شريفده اولان راستوانه يه
كندويي محكم بندايدوب طرف ثواب مستعان دن توبه ملك قبوليله وثيقه
ازادى احسان اولمده كجاش ورميوب ومن بعد بنوقريظه بولنديغى
محله نقل قدم ايلماك اوزره عهد ايلدى * اوقات صلوتده حليله مى كاوب
حل بيوند و نمازى ادا ايلد كد نصكره نيه بندايدرايدى * بوخير معروض
حضور سيد البشر وليحق * اكر درگاه كبريادن استغفار استرجاسنه بوجانبه
كبيدى كندى ايچون غيث ومدد راعف و عنايت استدعايدردم * اما
بومر نه نصكره فرمان ربانى صادر اولمده من عند نفى اطلاق احتمالى
بر طرف دريورد يلد * التى كون بوم نوال اوزره تجرع زهرابه صبر ايله جاتنه
جبر ايدوب ليله سابعده حضرت رسول الله ام سلمه حجره سنه شرف نزول
ارزاني بيور مشرايدى * امين وحى وتنزيل حضرت جبريل وقت معرده
كرمه * وآخرون اعتراف ايدونهم خلط و اعلاصالحا و آخر شيعه اعمى الله ان
يتوب عليهم * ايله نازل اولمده ابولبابه نك توبه مى مظهر عز قبول اولديغى
معلوم حضرت رسول اولمده كال انبساط لادن نيسم بيورديلد * ام سلمه
بارسول الله هميشه حضرت منان لب بر طربكزى خندان ايلسون سبب
نيسم ندر ديوشوال ايلد كده * حضرت رسول بسم عليه الطيف التسليم
ماهب النسيم توبه لبابه نك مقبول بدر كاه رب رحيم اولديغى تفهيم
بيورديلد * هنوزايت حجاب نازل اولماق ام سلمه اذن نبى ذى المرحه ايله
ابولبابه يه واروب تبشرايدى * خلق بندى كجاشا ايتكك شتابان اولمده

ابولبابه راضى اولموب اطلاقى دست عنايت بيوست نبوى به تعليله
عين ايلدى * امام صف انبىا عليه لوايح النجيا حضرت تلى صلوة جفر
اداسيچون مسجد شريفه تشریف لرنده كندى بدمؤيد ليله كجاشده بندابى
ابابا اولديلد * فائده * وتيرة نيزه اوزره ابولبابه نك قبول توبه مى نص
صريح ايله ثابت اولمشدر زير ايشان الهيمده ترجى صيغه سبله تعبير نص تحقيق
اولديغى انصاف كرده اهل تفسير در * نكمله * بيود خذلان اثر انجام كار
حكيم حضرت سيدالابرار اوزره حصار دن بدر اولوب بجوى بيد سوزاللى
نفر رجال ويك نفر ذرارى ونسوان اولمده بوموجب فرموده مستعد داروكير
اولملى بسته زنجير ايدوب * عبد الله بن سلام رضى الله عنه نسا و اطفال
وصنوف الحمد و اموال ضبطنه تعيين بيورلدى * منوال بحر اوزره جمله بنى
قريظه زبون مريخه استيصال اوليجق اعيان اوس درگاه محمد الاقباله كلوب
بارسول الله بوطائفة بي امانه زمان جاهليته همعهد و پيمان اولوب اكرچه
حسام اسلام رشته علاقه به انصام و بر مشدر * اما چونكه حليف خزرجيان
اولان بنوقريظع حقه شفاعت عبد الله بن ساول قرين شرف قبول
اولمده كستاخانه بارگاه رافت دستكاه دن بونلرك دخی قتل و اهدارندن
اعماض بيورلدى * مستعد ادر ديوقرع باب تيارا تمليله حضرت عليه السلام
بوماده به سزدن بر مى دىحق حكم نصب اولمده راضى اولور ميسر بيورديلد *
جمله بنى نعم بارسول الله ديوان طهار صورت رضايديجك حضرت سالار
انبيا اول حاكم حقانيت اتخاسيد القيله سعد بن معاذ در بيورديلد * سعد
ايسه خلال محكمه خند قده زخمال اولمده بالضروره بوغزادن تخلف
ايدوب حضرت محلى اللهم بالذات عباد سنه شرف رقدوم اولق ايچون
مسجد شريف قرينده رفيدة نام جراحه خيمه سنده تمكين بيور مشرايدى *
بركره اوسى واروب سعدى فرمان واجب الانعان رسول الله دن كاه
اند يلد بر مى كجه سوار ايدوب عزم درگاه رسالت ايلديلد * اثنای راهده
بابا عمر و بنوقريظه حقه ننده مدد كار اولوب احسان و شفقتله يا وريار
اولمكزى جمله من تيار ايدرز ديور هر چند صرف انقباس رجا والتجالت ايلديلد
ايسه سعد قطعا شق شفه جواب ايتيوب آخر كار بيرار اولمده * لقد ان لسعد
ان لا تاخذنه فى الله لومة لائم ديوجواب قطعى و بردى * ركاينده اولملى بو
براعت مقال دن مقصود سعده اتقال ايتليله واقوماه ديوا ايلديلد * سعد
ابن معاذ درگاه ملاذ بنى عباد قريش وليحق حضرت مسند طراز نيسالت
وانال مجلس غاص المجد والاجلال لرنده بولنان اصحاب كرامه قوموا السيدكم

فازند تعبیر به سعدی استقبالی استتزال ایلمری بایسته امر به ورمغه *
 مهاجرین و انصار با جله قیام ایدوب ایکی جائیلوصف بسته تحیت و سلام
 اولدیلر * بوگونه اجزای مراسم توقیر ایله سعدی مجاس خطیره کتوردیلر *
 حضرت صاحب الخصال و المفاخر بر سرش حال و شانله سعدی مطیب الخاطر
 یوزدقدنصکره احکیم فیهم یاسعد تعبیر به توقیر طه حقه حکمی دستور
 العمل اولدیغنی افاده یورجیق سعد رعایت رسم ادب ایدوب الله ورسوله
 احق بالحکم دیدی * تکرار حضرت سید الا برار قد امر لک الله ان تحکم فیهم
 یورمغه سعد سرور و برده امتثال اولوب اوسیان خطابا حضرت رب العالمین
 ایله عهد اولسوننی که بنم حکمدن تجاورا یتیمه مزیدی * جله هی اولسون
 دیومته هدا اولدیلر * بعده قبله الاقبال طرفنه متوجه اولوب تعظیم و تقضیما
 هجته توجیه خطابدن اجتهابله یا یو جانیده اولنلر نه یورردیدیلر *
 حضرت خیر عالم یاسعد بوخصوصده هر نه کونه حکم ایدرسن بزم دخی
 حجت قبولزده مثبت و محکم اولور یورددیلر * اندنصکره توقیر طه به توجه
 ایدوب شزدخی بنم حکمه راضی میسزدیدی اندن دخی نه دیدیلر * پس
 سعدامدی بندخی حکم اندمکه بی تراخی و مهلت رجالی بدرقه شمشیر ایله دیار
 عدمه رجعت و نسا و اطفاللری سی واسترقاق و اموال و اشیا لری غزات
 اسلام بیتده قسمت اولنوب املال و عقارلری زمزمه مهاجرنه خصوصیتله
 تقویض اولاندیدی * فرقه انصار یاسعد بوغزوده بزدخی موجود اولوب
 مهاجرین قرینداشلر من کبی بذل مجهود ایله لیزی استثنائلی سبی نذر
 دیجیلر * سعد بو وسیله ایله زمزمه مهاجرینک کافه مؤنت و سکنا لری
 اوزرکدن بر طرف اولوب مزدن مستغنی اولور دیدی * حضرت برکیده
 مرسلین یاسعد اجتهاد که صد آنرین که حضرت احکم الحاکمین دخی بالای
 هفت اتمیاته صفحه لوح محفوظه بویه قلم قضا چکدیکي هنگام معرده
 جبریل امین اخبارا یتشیدی یوردیلر * یورأی اوزره قرار داده اولنوب
 حسب الاشارة بالجمله سلاحلری جمع اولندی * بیل بشیموز قبضه شمشیر
 و اوجیوز زره و ایکی بیل نیزه و شیموز سپره بالغ اولغله مجموعی ضبط اولنوب
 و بیرون کنجباش حوصله ارقام دواب و مواتی بر آورده دست اغتنام
 اولندی * بوغزوده نائل شرف معیت اولان نسوان اهل اسلام ایچون
 قبل القصة بر مقدار مال غنیمت افرازا اولنوب و سیایادن ریحانه بنت عمرو
 حضرت صدیق اذات و انلری ایچون اسلاف ارمکین لایله استخدام
 یوردیلر * اگر چه رقبه سنی رقبه رفتن اذاد ایدوب جلی بند اسلام اولغله

هر هفت نکاحله ده پیراسته اولمنی اراده یوردیلر * امار یحسانه ملک عین
 اوزره بقاسنی رجایه تمکله فسخ عزیمت اولندی * عقار و املاک بی قریطه
 مهاجرنه تخصیص اولندقدنصکره باقی اموال لری بعد اخراج الخمس پیاده به
 برسم و سوار اولنلر بررکندیلر ایچون وایکیشرا تلی ایچون اولن
 اوزره اوجزه هم اعطا اولندی * اول انشاده سعد بن معاذ رضی الله عنه
 حضرت تلبیل زخی ملتئم اولشیکن سبب نیل درجه شهادت اولن ایچون
 منفجر اولغله متاثر اروضه رضوان طرفنه خرامان اولدیلر * ثابت العجة
 اولان حدیث شریف نبوی اوزره قدوم روح بر فتوح سعد ایله استبشارا
 عرش مجید اهترازه کلوب واعزازا یتش بیل فرشته جنازه لرینه حاضر
 اولدیلر * اعلای شوکت دین و ابدای خزی و ذلت کافرین ایچون اسارانی
 دست و کردن بسته بیل کتوروب * رجالی اسامه بن زید و نسا و اطفالی
 رمله بنت حارث نجاری خانه لرنده حبس اولدیلر * بعده بازار کاه مدینه ده
 عریض و عقیق رخندق حفر اولنوب بر موجب امر سید الانام حضرت
 مرتضی وزیر بن عوام رضی الله عنه ما حد بلوغه رسیده اولنلری قوج قوج
 کتوروب صدمه تیغ عدوتد میرایله بن خندقی اولین پایه بنس المصیر
 اولدیلر * بعده اول خاکسار قهر و مذللتک لاشه بد طیفتری اوزره طیراق
 چکوب انتظار نامی نظاره حیفه کریمه لرندن ضیانت اولدیلر * و مبالغه رجاله
 بالغ اولنلری گروه سیایه ادراج اندیلر و انلری چله کریسان و کبیر
 بریشان فوچه و افسانه درون مدینه به غلظه افشان اولدیلر * نسوان بی
 قریطه دن نیاتنه نام فاجره زوجی اوله بحق ملعون بندنصکره قالمسون دیو
 لعینه من بوره دلالت ایتمکله بالای دیواردن خلاد بن سبویه اوزرینه
 برد کر من طمانی القیای تمکین اول مرد سعیدی * هیدایلدیکچون نازبان
 سیف شرعه اسفل السافلینه طرد اولندی * بعده بالجمله سیایا نجد ولا یقنه
 ارسال و انده فروخت اولنوب به الرینه اسب و سلاح اشتراو بین المسلمین تقسیم
 اولندی * نزول آیت حجاب * یوسنه مبارکه ده اتی البیان زینب بنت جحش
 جنایتنک منسلک سلاک امهات المؤمنین اولدقلری او انده آیت حجاب نازل
 اولوب ازواج مکرمه نا محرمانندن احتجاب و اجتناب اولدیلر * فرضیت
 حج بیت الله الحرام * سنه من بوره ده که خامسه هجریه در حج بیت الله الحرام
 فرض اولندی * چهور سنه سادسه ده بهضار ناسه ده امام اعظم رحمه
 الله عاشره ده فرض اولن طرفنی اختیار اولدیلر * بهضار قبل الهجرة
 شوننه * ذاهب و مستغرب و اشدر * حادثه افک عائشه الصدیقه * حضرت

صدیقه دن روایت اولندیغی اوزره غزوة غرای بنی المصطلقدن عود اولوب
مدینه یه قریب بر منزله نزول اولندقد * تباشیر شفیق نشر علایم فلق ایتمکه
نما زایدکی دم ضرب کوس رحیل اولیجی حضرت صدیقه دفع حاجت
طبیعی ضمنده معسکر دن بدر اولوب بعد الفراع ارامگاهلرینه مراجعت
ایلدی * مکرکه جزیع بماییدن کردنده اولان اون ایکی درهم قیملو قلاده
انده دوشمش تفقد ایچون تکرار عودت ایدوب بولدقد نصکره کاوب کور
دیکه بوله عسکر کیدوب منزل شویله خالی قالمش * حضرت صدیقه
صغیر السن اولوب جسمنده دخی هزال و نحافت اولغله هود جلری تحمیلنه
ما مور اولنلر فرق ایتموب هودج ایچره ظنیه یوکلدوب عزم راه ایتمش *
دو قوب افتقادی رزملا حظه سیله اول محله متوقف اولوب مختیرانه
هر طرفه نگاه ایدرکن رهن خواب رحل دماغندن مناع حس و شعوری
تهیب واستلاب ایتمکله اول حال اوزره یاقوب قلدیلر * تاکه نامز دمحافظه
ساقه جیش اولان صفوان بن معطل اسلمی مقر عسکری جستجو ایدرکن
اول محله کلوب نور فرستله حضرت صدیقه بی ادرال ایلدکده * اواز بلند
ایله استرجاعی باعث انبیا اولوب فی الحال دوه سنی اناخه ایلدی * حضرت
صدیقه مقنعه سنی باشنه چکوب دوه به سوار اولدی * حضرت صدیقه
حنیف بالله ایدرکه صفوان استرجاعدن غیری حرف واحد نفوه ایلدی *
صفوان مهارشتری بردوش ایدوب وقت هاجرده عسکر اسلام نازل
اولدقلری مقامه واصل اولدیلر * کشتی فضول آویختنی جهول ابن ابی بن
ساول دائم اکندی شرمه شرمه متی اولان منافقین بد ملتله اردوی اسلام
بر طرفنه قوغق عادت سیئه سنی اولغله اتقاقی رهگذرلرنده بولمغین *
قرینلرندن بالاستفسار صدیقه وصفه وائی بلدکده حقلرنده افل و افترا به
جسارت و عسکر ایچره اشاعت ایلدی * راسخ قدم جاده ایمان اولنلر دن
حمله بنت جحش که ام المؤمنین زینبک همشیره سیدر و برادری عبیدوزید بن
رفاعه و حسان بن ثابت و مسطح بن اثانه دخی مکر شیطانیله اول منافقه
همزبان قذف و بهتان اولدیلر * رفته رفته بو خبر طرف سید البشره و پدر
وما صدیقه به واصل اولغله بحکم بشریت من یسمع یخلف فیه و استیجه خاطر
عاطری سوی متخذهش اولمغین ییلنلرنده راسخ البنیان اولان کاخ معاشرت
و قصر مشید مودت منزلال الارکان اولوب * حتی مدینه به وصولد نصکره
حضرت صدیقه بر ماه قدر صدمه می ضله نقض پسترا اولوب * حضرت
رسول الله طرفنندن مقدمه حالت بیماریده ارزانی * پیوردقلری نوازش

و ناطیف میران معناد شریفدن تطیف او انوب * انجیق احیانا سربالنده
کاوب مادرینه بونل حالی نیجه در دیو سوال وینه رجوع قهقری پیورلر
ایلدی * حضرت صدیقه ماجرادن غافل اولغله بومعامله دن خسته دل
اولور ایدی * حکمت ربانی اول ایام ستوده انجیامده بر ماه مذت میانه وحی
اسمانی فیصل پذیر اولغله حقیقت حال وابسته عقده اشکال قالدی *
حضرت سیدالابرار اول او انده اکثر احیانلرین سعادتخانه لرنده امر ایدرلر
ایلدی * برکون حضور مستوجب الخیر و لرینه حضرت عمر رخصتیافته
دخول اولوب بو خصوصده خلاصه اعتقادک تدریو استقصای ماده
صدیقه پیوردقد * حضرت عمر یار رسول الله جناب خدای بیچون سنل
وجود مطهری نشست و برخواست دیایدن بعض نایال محله قومه سی
احتمالیه مصون ایتمشکن * حاشا که برزن تردامن و وقاحت انتیاذات
قائض البرکاته همسر اولغله رضا و بره دیدی * بعده حضرت عثمان ایله
استشاره پیوردقلرنده جناب ذوالنورین یار رسول الله حضرت حق سبحانه
و تعالی مبادا بر نایال بره دوشه یا خود یا مال انسانی اوله دیو جسم منور اطفائی
کثافت سایه دن مبرایه و زمغله حاشا که ذیل ناموس محترم کزلی الوده لوٹ
حرم ایلیه دیدی * حضرت مرتضی به دخی مناسبت پیوردقد یار رسول الله
برکون جناب مغفر الموجود اتله ادای صلوة ایدرکن نعلین کزلی چیقار
دیگر کرده بر دخی مناسبت ایدوب * بعده زیر نعلین کرده اثر قاذوره اولدیغی
حضرت جبریل امین اخبار ایلدیکسی بزه اشعار پیورمشدیکز *
امدی عصمتخانه کزده بو گونه وضع نا صواب ارتکاب اولمش اولسه
احتمالیدرکه از عاجز باینده امر ذوالجلال صادر اولیه بونلرک جمله سی
منافقین ارجونه سیدر قطه اساس و مسای یوقدر دیدی * بو تسلیم لرایله
نوعا خاطر سعادت لرینه سکون و طمانینت حاصل اولدی * حضرت عائشه
دخی اول خللا لده بر مقدار افاق بولوب بر کیجه مسطح حاک والد سیه هنوز
درون شهرده مبرز اتخاذا و لتمامه خارج مدینه به چقدیلر * بولد کاورکن
من بوره تل ابائی از ارنه طولانی غله نفس مسطح یعنی مسطح هلاک اولسون
دیدی * حضرت صدیقه نیچون قرزند که دشنام ایدرسن خصوصاً اصحاب
بدر دندرد بویج ایلدی * بر مقدار که نصکره سیه ابائی طولانی غله
تکرار مسطحه سب ایلدی * حضرت صدیقه بنده لوم و منع صد دند اولغله
اول خاتون یا عائشه اکاسنل ایچون نفرین ایدرم دیدی * سینی سوال
ایلدکده مکرانلر ربانی مسعود اولما مشردیوب قلا ده قصه سنی بالتام

نقل واعلام ایلدی * اول ساعت اندام عایشه به رعشه جا عارض اولوب
 نخسته کی نکث ایلدی * صباحه قدر بیدار و ناله و زاری ایلده لری
 خونبار اولوب فردامی حضرت رسول الله تشریف واستفسار حاله خاطر
 صدیقه بی تلطف پیور دیلر * چند روز نظر فنده مرضی خفت پذیر اولغله
 مادر لری کندلی خانه لریشه عزیمت ایتمیشدی صدیقه دهخی اذن الوب
 مادر لری خانه سنه اعترام ایلدی * مادر لری سبب ویرودندن استفسار
 ایلد کده بونه افسانه در که نام بنم حقمده ارجاف ایلد لرو بکا اصلا شمام
 واشعار ایلدی بکزدیدی * والده سی دخی تسلیمت قصد یله الم چکمه اولغله
 اولور بر حیل خاتونک ضرائری اولوب شوهری کا جملہ دن زیاده مهر
 و محبت ایلده انک حقمده قدر و منزلتک تمجیس و علاقه و مودتک تنقیص
 ایچون کونا کون کلمات ایدر زیدی * وقعه من پوره نک شیوعی ضرائردن
 اولغله والده سنک بو کلامی انلاره افترا اولوب بلکه ظن و اشتباهه مبتی
 ایدی * حضرت صدیقه بر در لوحجاب و متسلی اولوب سبحان الله شعی
 بوضیه حضرت رسول اللهک و بدر مک سامعه لرینه بالغ اولدی دید کده *
 والده سی دخی نعم دیچیک آشدان دلدن بر آه عالم سوز چکوب روزن دید لرندن
 باشمیده اولان شراره اشک سوزشکر از قالدی که خاتمان وجودنی خاکستر
 ایدیه * اول هنگامده حضرت ابوبکر طبقه علیاده قران عظیم الشان
 تلاوته مشغول اولغله اواز بکاه صدیقه بی ایستد یچیک مادر ندن اصالی
 سئوال ایلد کده قصه افترا بی شعی استماع ایتمش اولغله اکا کریان و نالان
 اولور دید کده * حضرت ابوبکر بی اختیار کریان و محاسن شریفه لرینه لالی
 قطرات مرشک بریزان اولغله بشلدی * اول شب پر کرب و نصیده حضرت
 صدیقه بر لحظه خواب راحت کور محبوب صباحه قدر جمع کبی سوزان *
 و چشمه چشم لرندن چیچون اساخون روان اولوب پدر و مادر لریدخی دمسار
 کرب جانکداز اولدیلر * شدت کرب دن حضرت صدیقه برکنده جگر اولغله
 بر رمق قالدی * انصار دن بر خاتون دخی بولغله اول خاتون و سائر اهل خانه
 اهنک کرب هاباها یله خانه صدیقی مائمه رای اندیلر * اول هنگامده
 اتفاق سید تمامه علیه السلام حضرت قلی دخی تشریف پیوروب درگاه
 راقه پناه حضرت کبریاه جد و شاد نصکره یا عاتشه سنک حقمده بو کونه
 کلام ناهنجار سامعه می قره له بنی دلفکار ایلدی * اگر دامن حالک اول
 الایشدن بالذایسه نه بالجنباب منعمان عنقریب سکا اول لوک تمتمدن
 برات برات احسان ایدر * و اگر اغوای شیطان یله بوزله نفسانی سندن

صادر اولدیسه توبه و انابتله کند کی تخلیه غیرت ایلد که * و هو الذی یقبل
 التوبه عن عباده و یغفر و اعن السيئات پیور دیلر * جنباب صدیقه نک اول
 انده دموع دائم الهیوعی من دفع اولوب سئوال سید الثقلینک جوابی
 حواله جانب والدین ایلدی * انارج - و ابدن اظهار بحر اید بچک
 ناچار سوز کاب یار و الله یوار جوفه بی بنیاده لومدر که قرار داده ساحة
 الصفا ی فواد کز اولمشدر * قالدی که حق علیقدر بولکه تمتمدن دامن عرض
 و عصمت پاکدر * اگر اظهار برات ایلسم اعتماد یورمیه جقمه زوا کر حرم
 ناکرده یه اقرار ایدرسم نفسمه افترا ایتمش اولورم * بو خصوصده دیم الا که
 * فصیر جیل والله المستعان علی ماتصفون * انما اشکوا بی و حزنی الی الله *
 دیوب و ساده کربیه به سر نهاد اولوب باتدی * صدیقه دن من ویدر که اگر چه
 بی کاه اولدیغم حسب یله حضرت عادل کریم عز شانه بی توانمادن بری
 الذیل اید جکنه یقیمم و ارایدی لکن باره کترانده مخصوص قران عظیم
 الشان نازل اوله جق مرتبه دن کند می استصفا رایدیم نهایت الامر
 عالم منامده طرف سید الانامه اعلام پیور لاق ملحوظم ایدی * اول انشاده
 پدرم سوز کاب بنم خاتمانه نازل اولان بلیه دود مان عریدن برینه نازل
 اولدی * زمان جاهلیتده حقمزده سوز بولغله اراجیف شعی سویلنور
 اولدی * دیو حزن و نأسقه بکامتوجه اولدی * اول انده مرآت جمال
 سید الانبیاده امارت وحی خدا بدیدار اولوب ملمع الاشراف فیوضات ربانی
 اولان یشانی نورانی لری عرق برز کلاب امیر اولغله بشلدی * پدرم در حال
 بر محبتیاندن یصدق اولغله مبارک باشی التته قیوب ورداسیله اوزر لرین
 اورتدی * بن یو یابده پاکدامن اولدیغم حسب یله دروغده قطعا شایسته خلیفان
 اولوب لکن پدر و مادرم انجیلای و حیل طهر و حقیقت حاله قدر ضحرت
 و کربدن جان بر لب اولمشرایدی * معحاب مدرار وحی پرورد کار مجلی اولیجی
 کایر لک رخسار زنده بیدار اولان جهان مر و اید و اردانه دانه رشحات شبنم
 عرق لری سیله رک * تبسم حیات افزا ایلد مزده سکایا عاتشه حضرت دادگر
 بیهمتا عز شانه و علی سنی بو عاتله اقل طاقت فرسادن میرا ایدوب طهارت
 ذیل ناموسکه حضرت شهید غیوردن احسان شهادت شرف صدور ایلدی *
 دیوز مزه ساز بشارت عظمه اولدی لر * مادرم بکایا عاتشه بو عطیه قیمیه مقابل
 قالقوب حضرت رسول الله اظهار شکر کذاری ایلد دیدی * بشدخی
 بر مقتضای فرط نشو و سرور پریشان شده سامان شعور اولدیغم دن بی اختیار
 لا والله العزیز الجبار بوضیه ده حضرت حق و کریم مطلقدن غیری

فرد واحد دن متدارد کام * و درگاه عنایت دستگاه ربانیدن غیری به حد
و ثنا ایلم دیدم * حضرت خلاصه الموجود مسجد شریفه تشریف و منبره
صعود بیوروب طهارت ذیل صدیقه با سنده نازل اولان اشبو * ان الذین
جاؤا بالافک عصبه منکم لا تحسبوه شر الکم بل هو خیر الکم الی قوله تعالی *
اولئک مبرؤن مما یقولون لهم مغفرة ورزق کریم کریمه لری که سورة نوردن
اون ایت عظیمه در قرأت * و اطالاه زبان افک و افترا اید نلره ضربیه ثمانیه
حد قذف اقامت بیوردیلر * فایحه * بو کریمه به اجتناس اید نلره هر نری
بر رکونه و خامت عاقبت دوجا را ولدیلر * از جمله ابن ابی بن سلوک نقاتی
منتشر و رسوای اولغله بحال بدن طرد ایلدیلر * اولدی * و حسان بن
ثابت اخر عمر نده اعما و اشل البیدین اولوب و مسطح مکفوف البصر اولدی *
قاضی بن العذیم الحلبي رحمه الله حضرت صدیقه نل برأت ذمت و نظافت
دامن عرض و عفت لری حاوی و فضل و حیثیت و قدر و منزلت لری محتوی
بر قصیده انشاده اشا و حقا که بدایع روائع صنایع شعریه بی اجرا ایلدی
مطلعی بودر

* ماشان ام المؤمنین و شاقی * هدی المحب لها و اهل الشاقی *
مسطح بن ائاته حضرت صدیق خاله زاده سی اوغلی اولوب زیون فقر
و احتیاج اولدیغندن نفقه و کسوه و سائر مهمات ضروریه سنه حضرت
صدیق متکفل اولمشیدی * اقتضای قضایله هم زبان قذف و افترا اولغله
حضرت صدیق من بعد مسطحی خوان احسان بدن مطرود دست حرمان
ایتمل اوزره عین ایلش ایکن * و لا یاتل اولوا الفضل منکم و السعفان یؤتو
اولی القرین و المساکین و المهاجرین فی سبیل الله و لیعفووا و لیصفحوا الا تحبون
ان یفقر الله الکم و الله غفور رحیم کریمه سی نازل اولیق * حضرت رسول الله
یا ایها الکرالا تحب ان یفقر الله لک بیورمقله * حضرت صدیق و الله انی لاحب
ان یفقر الله لی دیوب بنه مسطحی حصه مند سماط بر و نوال ایلدیلر * لطیفه *
ابن مقری فرزند عافتک نفقه سنی قطع ایتمکله بو نشیده بی بازوب پدر شه
ارسال ایلدی *

* لا تظلم من عاده برولا * تجمل عقاب المره فی رزقه *
* فان امر الافک من مسطح * یحبط قدر النجم من افقه *
* وقد جرى منه الذی قد جرى * و عوقب الصدیق فی حقه *
ابن مقری دخی جوابنده بویات دلپذیری تخریر و فرزند نه تسمیری ایلدی *
* قد منع المضطر من مبینة * اذا عفی بالسیر فی طرقة *

* لا نه یسوی علی توبه * توجب ایصال الی رزقه *
* لولم یقب مسطح من ذنبه * ما عوقب الصدیق فی حقه *
* نزول ایت تیمم * و سنه مر قومه ده آیت تیمم نازل اولدی * حضرت
صدیقه دن مر ویدر که بقضاء الله تعالی حقه ظهرو ایدن الایش بهتان
شسته صابون عنایت حضرت منان اولدقد نصره بر غزوه اخری به برابر
هودج سوار عزیمت اولنوب انشای راهده بنه قلاده کردیم دو شمله * اول
منزله حضرت سید الانام صبا حقه قدر توقف و ارام ایدوب هر طرفه
جستجو ایچون ادمار سال ایلدیلر * پرده ظلام شب وجود نه مانع اولغله
سراج مهور منیر امداد نه توقیف اولندی * اول منزله ایسه اب و تاب
و طراوتدن اثر اولما مقله ادای نماز ایچون ایدست اله جق صوب اولغله یغندن
جمله اصحاب اقتساده تف و تاب اضطراب اولملریله بالاخره حضرت ابو بکره
و اروب احوالی اعلام ایلدیلر * حضرت صدیق پرچین غضب اولوب
خیمه مزه کلدیلر * اول حینده ایسه مسند طراز چاربالش رسالت حضرت لری
سر سعادت لری زانوی عاجز انده در خواب استراحت اولمشکرایدی *
حضرت صدیق دهنکشای عتاب اولوب بو بریه بی آبدن خلقل فنجره
واضطراب نه سبب سن اولدله هر سفرده خلقل باشنه مایه عنا و کدر اولانده
سن دیو غایت تهورندن تنه کاهمه برهشت اوردی * کرچه ضربیه سخت ایلد
منار اولدم ایکن حضرت سید الا برار بیدار اولسون دیو امسال نفقه
استقرار ایلدم * زیر حالت منامده ایکن سرور مایه شئونات ملکوتیه
مشاهده سنه مانع اولماق ایچون برکسه بیدار ایلزایدی تا که کندیلری منتبه
اولورلایدی * بعده خوابدن قالقوب توفی ایچون صوالقاس بیوردیلر
صوب اولغله اول انده * وان کنتم علی سفر ولم تجدوا ماء فتیمموا صعبا طیباً
کریمه سی نازل اولوب صوب اولغله یغنی برده تیمم جا ترا اولدی * و رای
تنق غیبیه دن بویله براطیفه بیبه ظهوریله جمله اسلامیان خرم و شادان
اولوب حضرت صدیق دخی سیاه کزای استعجاب اولوب ما اعظم برکه *
عقد دیو استعظام و استغراب ایلدیلر * نکاح زینب بنت جحش * رضی
الله عنهما زینبک و الله سی امینه بنت عید المطلب در مقصد ما حضرت *
رسالتاب زید ایچون اختطاب ایلد کلزنده زینب و برادری عبدالله راضی
اولوب بعده و ما کان المؤمن ولا مؤمنة اذا قضی الله ورسوله امر ان تكون
اهم الخیره الا به کریمه سی نازل اولغله * رشته اختیاری دست اراده سید
الاخیاره تسلیله مر عقد صورتیاب اولمشیدی * برکون حضرت رسول الله

ازید خانه سنه پر تو بخش تشریف اولوب زید آنده موجود اولما مقله نظره
اولیده جمال زینب مستحجب کورنم کله سچان مقلب القلوب دیوب عودت
بیوردیلر * زید خانه سنه کله کده زینب تشریف نبوی بی و کلام شریفی
زیده نقل ایلد کده در ساعث زینب دن ربه علاقه بی قطع ایتمک کت ایلد کله
درگاه رسالت پناهه کلوب تطابق باینده استه زان ایلدی * حضرت برکیده
انام سیدن استعلام بیورد قد * یار رسول الله خدا حق اندن خیردن غیر
نسبه کورمدم اما احیانا بکاسب و حسد بیله نخوت فروش اولوب
ولسانیه اذالیدریدی * حضرت رسول الله امسک علیک زوجک واتق الله
تعبیریه منعنه سعی بیوردیلر * اما اقتضای تقدیر مستحیل التغبیریه فانه
بذیر اولوب زید اتی تطبیق ایلدی * عدی منقضى اولد قد نصره حضرت
حبیب لایزال زینبی واروب بنم ایچون خطبه ایلد دیوزیدی ارسال بیوردیلر
بر موجب فرموده زید خانه زینبه واروب ارفه سی جهت باینده اولدیغی
حاله بازینب طرف نبویدن سنی اختطابه ماه ورا کلام دیدی * زینب بغایت
مسرور اولدی لکن درگاه قاضی الحاجات مناجات ایتمکجه جواب ویرم
دیوب همان نماز قیام ایلدی * فی الحال * واذ تقول للذی انتم الله علیه
واتعنت علیه امسک علیک زوجک واتق الله وتحنی فی نفسک ما الله عبده
وتحنی الناس والله احق ان تحنیه فلما قضی زید منها وطر ازوجنا کها انکیلا
یکون علی المؤمنین حرج فی ازواج ادعیاتم اذا قضاوا منهن وطر اوکان امر
الله مفعولا * کرمه سی نازل اولغله خصیه تزویج الهی ایلد اکتفا
اولتوب * بی تمهید عقد نکاح و بی مقدمه رخصت دخول زینب خانه سنه
تشریف بیوروب در ساعث اصحاب کرامی دعوت و ترتیب ضیافت
بیوردیلر * بعد الظهیر حضرت علیه السلام مقدمه قیام اصحاب کرام اولغی
نازکانه سبله متقی حرکت اولوب * اصحاب کزین مشغول صحبت اولغله
اطیفه به انتقال ایلدیلر * پس حضرت برکیده انام بالنفس قیام ایدوب
اوج کسه دن ماعد باجله اصحاب دخی موافقه عزیمت ایلدیلر * وقت
بسیه دصکره نه تجلی بخش تشریف اولوب کوردیلر که اول کسنه لهنوز
مستغرق لجه مصاحبت اولوب برلندن حرکت ایتماسلر * بته عودت
بیوروب بروقت دصکره انس مسافر لرل عزیمتلی اخبار ایتمکله تکرار
کلوب تشریف دخول ارزانی بیوردیلر * انس حضرت تلی دخی تخلیه
ایچون مصادرت ایلدیلر * اول خلایه یا ایها الذین امنوا لاتبدلوا بیوت
الذی الایه کریمه سی نازل اولوب ازواج مطهره متواری سر پرده احتجاب

اولدیلر * رفعمنه تعالی علی زید الاسلام و ذمه النبی الاعناق واتق الله ای
فی امرها ولا تظلموها ضار او تعلا وقد کان اوحی الیه بان زید سید طاهها *
وانه صلی الله علیه وسلم بتزوجها فو تب بوله تعالی وتحنی فی نفسک ما الله
عبده من عمل بانه سید طاهها فو تب بوله تعالی وان الله يظهر التطبيق بوقعه
من زید وتمامه فی فصل الخصائص من المواهب * نکاح جو بریه درنی الله عنما
مر سوم خامه پاکیزه ادا اولدیغی اوزره بیوم مطلق غزوه سنه وابسته سلسله
اسرا اولان نسواندن رئیس قبیله بنی مطلق اولان حارثک دختری بره
ثابت بن قیس ایلد عم زاده سی حصه سنه اصابت ایدوب * عم زاده سنک
حصه سنی خالد طیه ده ثابت خرما اشجاری مقابلیه اشترایتمکله رقبه
سنه تمام مالک اولد قد نصره طقوز اوقیه النون بدلی کاتبه قطع ایلدی *
اولدخی بدل کاتبه امداد رجاسه خیمه عائشه ده حضرت خواجه بندرگاه
عنايته کلدی * حضرت عائشه دن مر ویدر که بادی فطرده بره بی کورد کده
غایت حسن وملاحت صاحبه سی اولغله دروغه حقه غیرت عارض
اولوب * جائز که حضرت رسول اللهک نظری تعلفنده اراسته حلیه
رغبت اولغله شایان پیوره لر دیواندیشه نال اولدیفندن * حضور معالیه عنوان
نبوی به دخولی استعجاب ایلدم * واقعا انجیامنده طبق ملحوظ ظهور
ایلدی * چون پیشگاه فلک دستگاه عالیترینه رخصتیافته منول اولوب ثابت
ابن قیس کندی سنی کاتبه قطع و ایضا سنه بروجهله دستمایه اقتداری
اولدیغی اشعار ایلد رجاسه امانت سید الا برار اولد قد حضرت رسول الله
یا بره سکا اندن خیر لو بر معامله ارزانی اولسه محظوظ اولور میسن بیوردیلر
اولدخی استکشاف حال ایلد کده اولاد بدل کاتبی ادا و نانیاسنی پیرایه اردوا
جله اراشتمایده بیوروب * بره دخی یلک جانله رغبت و رضا کوسورمکله
در حال ثابتی حضور همایونه احضار و بره بی طلبکار اولد فرنده ثابت دخی
صمیم بالله رضادار اولغله همان بدل کاتبی ادا و اعناق و ناز ازدواجله سر
ایتم حاجتی بالا ترنه طبایق بیوردیلر * محرم شبستان نبوی اولد قد هنوز
حد عشرینه رسیده اولشیدی * مقدمه اسمی بره اولوب حضرت خیر البریه
جو بریه اینه تسمیه بیوردیلر *

نظرید ستاسار نجل مسلمة * شفعا کاشه ابو عبیده

نطقولی سکون طایله سار فعلنک ظرفیدر * زید مبتدا در اتران ایچون
تنبوی حذف اولندی * ستاسار فعلنک مفعول مطلقیدر سار جلده سی
خبر در * صار امیر مریه ست مر ات فی سنه نطسبکنده در نجل مسلمة تقدیر

عاطفه معطوف در نخل این معنایه در * شفا معقول مطلق در مرتین
معنایه در * عکاشه و ابو عید دخی تقدیر عاطفه معطوف در * بوییت
درت لایحه بی مستلزم * سریه زید بن حارثه ششمار * سریه محمد بن مسامه
دوبار * سریه عکاشه بن محسن اسدی * سریه ابو عید بن الجراح *
سریه زید بن حارثه ششمار * ولادت با سعادت آن الی یقه و زنجی سینه سنده
القی دفعه سریه زید بن حارثه واقع اولشدر * سریه اولی شهر ربیع الاول
جو مده بنو سلیم انماره سیدر * جو م فتح جیله مدینه به درت میل مسافه
بطن نخل توا حینندن بر ناحیه در سبی بودر که حضرت سیم سال را دنیا علیه
اتم الحیا زید بن حارثه بی بر جمع دلا و رایله جو م ناحیه سنی قرارگاه ایدن
بنو سلیمی ساحه سلامتدن دورا بتمک ایچون ارسال یوروپ * سریه قبیله
سندن * برخاتون دلا لیل به بر محله به آتش زن غارت اولوب بی حد اغنام
و انعام اغنام و نیچه لری داخل زنجیر اسرام اولوب حتی اول خاتونک
شوهری دخی مربوط سلسله اساری اولمشیدی * سالما و ناماعودت و نائل
شرقبوس سده سعادت اولاد قد نصکره * سرور نام خدمت شکوره سی
مقابلند اول خاتونه نفسی و زوجی انعام یوردیلر * سریه ثانیه *
جمادی الاولیده مدینه به درت میل مسافه کسر عینله عیص نام محله
ارسال یورولمشدر * سر یازان اصحابدن یوزتمش سوار نیزه گذار انتخاب
اولوب زید بن حارثه امیر سریه تعیین یورلد قد نصکره شامدن عزم جانب
بیت الحرام ایدن قافله قریشی تهپ ایچون ارسال یورلدی * عیص نام
محله وارلد فده کاربانه مصادف اولدیلر * بر حله کوه انداز اسلامیه رکه
قریش بریشان اولوب عمو ما المواللری نصیب دست مجاهدین دین اولدی *
خصوصا صفوان بن امیه نل و افر نسه سی اولمغه اولدخی مسبوله قالب
اغنام وادی * و نیچه لری دخی ربطند اسرام اولوب حتی شوهر زینب بنت
حضرت رسول الله اولان ابوالعاص بن ربیع دخی پیوسته قیود اساری
اولمشیدی * غزات ظفر سمات مستعد خاکبوس عتبه سعادت ایات اولد فده
ابوالعاص زینب جنابلرندن استجاره ایتمکله زینب اواز بلند ایلد ابوالعاص
اوزره اسدال ذیال جوار ایلدیکنی اعلان ایدوب * اول حینده سرور
کائنات مشغول صلوات اولمغه بعد السلام اصحاب کرامی وجهه کلام ایدوب
بنم استماع ایلدیکم صدای مزلدخی مسعود کز اولدی دیواستنبای یورد فده
اصحاب کرام دخی نم دیدیلر * حضرت علیه السلام معلوم کز اولسونکه
نقص قبضه قدرتمده مضبوط اولان خدای متعال حتی زینبک اجاره ایدد چکی

مشهورم دکل ایدی یوزد قد نصکره زینبه واروب سنک جوارنده اولانه بنده
اجاره ایلدیم یورمغه ابوالعاص دوشاخه اسردن خلاص اولدی * بده
زینب مضبوط ایدی مجاهدین اولان اموالک ردنی نیاز ایتمکله *
حضرت سیدالابرار صورت مساعده اظهار یورلد قد نصکره یانیه اگر می
منوام ولا تخاص الیک فانک لا تخاین له تعبیر یله ابوالعاصه حرمت و رعایت
ایدوب لکن فرقت دینیه سبیلله معامله زوجیتدن مساعدت ایتمک یانیده
توصیه یوردیلر * بعده اصحاب سریه به خطاب ایدوب یو آدمک طرفه تعلق
معلوم کز دراکر احسان ایدوب مال منسوبی رد ایدر سکز بنم دخی باعث
مخروط بنم اولور * اگر امتناع ایدر سکز مال عنیت اولمغه دین ربانیه سز لر
اندن احق والبق سز یور یچق * اصحاب اخیار شق اذلی اختیار ایلدیوب
طیب خواطر ایلد بالجمله اموالنی تسلیم ایلدیلر * سریه ثالثه * جمادی
الآخراده مدینه به او توز میل مسافه کشف و زنده ظرب نام چاه حواله سنده
ابواکرین اولان بنو ثعلبه اوزره شیردلان اسلامیه اندن اون بش مرد مقدامله
زید بن حارثه تعیین یورلمغه واروب علی الفقه شیعون ایلدیلر * اهل قبیله
بالذات موکب همایون کادی ظنیه سریه روبه کبی پریشان فده کوه و هامون
اولوب مجاهدین اسلام قتی و افر اغنام و انعام اغنام و جانب طیبیه اماله
لجسام ایلدیلر * اول کروه ضلالت اثر به مد تحقیق الخبر عقب کیر اولوب کن
غزات دین شتاب و سرعتله عزیمت ایتملر یله ادرا کارندن عاجز اولمیلر
خسران و خبیثله عودت ایلدیلر * سریه رابعه * جماد الاخره ده ورای راد
انقراده کسر حواسکون سین مهملتین ایلد حسی نام موضعی ماوی ایدن
جذام قبیله می اوزره بشوزنقر مبارز صفدر ایلدینه زید بن حارثه تعیین
یورلدی * سبی بودر که دحیه الکای رضی الله عنه مامورا قیصر روم
طرفنه عازم اولوب عودتنده بنو جذامدن هتید نام شقی و فرزند اوله
حق مادر بخننا چند نفر اشقیما ایلد * طریق دحیه بی قطع * و قیصر کرام
ایلدیکی و افر مال و کسوه سنی استلاب ایدوب قبیله مزبوره دن بنو خبیث
بو کیفیتی استماع ایلد کده ملاحظه انجام کار ایلد بی صبر و شکیب اولمغه
همان واروب اموال منسوبه بی اول معلوملر دن نزع و ینه دحیه به دفع
ایلدیلر * دحیه درگاه رسالت دستگاه وصولنده کیفیتی افاده ایلدی *
حضرت سلطان هر دو سر اعلیه اکمل التخیل یادخی بشوزنقر مرد
جلاد تکهر ایلد زید بن حارثه به دحیه بی ترفیق ایدوب بنو جذام اوزره ارسال
یوردیلر * شبروانه عزیمتله بر صبح اول کروه نابغلا حی بصوب هتیدی

و فرزند شقا پیوندی و ماده مر قومه ده همدست اتحاد اولادری نعمت
 حیانتدن نامر ادا ایلد کد نصکره * ییل شترویش ییل اغنام داخل زرینه
 اغتنام اولوب * یوز نفر ذراری و نسوانلری بسته زنجیر اسر اولدی * زید
 ابن رفاعة الجندی برقاج نفر کسه ایلد بارگاه کردون اشتباهه کلوب نظم حال
 ایتلرله * مقدمه ماسر فیاب اسلام اولد قده حقارنده نحریری محض غنایت
 اولان مکتوب اما فی بدلیته اعطا و رد اموال ایچون حضرت مر تضایی
 زید بن حارثه طرفه اسرا یوردیلر * سریه خامسه * سنه مر قومه رجبنده
 زید بن حارثه بر مقدمه ارضاعت اصحاب کرامله تجارت ایچون عازم جانب
 شام اولوب وادی القریه قریب وارلد قده فزاره قبیله سندن چند نفر حرای
 بر مکرو کیدر هرن زید اولوب کندو سنی و رفقا سنی هم محال میت اولنجه
 ضرب ایلدیلر ترک کار و بار حیانت ایلدیلر * ظنیه ال چکوب مامل کلر فی
 انتهاب ایلدیلر * اول اوغاد ناخاف بر طرف اولد قده نصکره زید و رفقا سنی رمق
 حیانتله قلوب افتنان و خیران مدینه به روان اولدیلر * زید اول ملا عین
 کین این اوزره غزاله بیکه اهلنه قریان ایتامل اوزره نذر و عین ایلدی * بنا
 برین بوماده به سریه اطلاق اولندی * سریه سادسه * ماه صیامده ماده
 مر قومه به مبنی زید بن حارثه وادی القریه تعیین یوردلدی * چون فزاریلر
 بوجه نحر طغیانلری معروض عتبه جلالت کستر او ایچق * سپاه ظفر
 دستگاه اسلامباندن بر جمع زید ایلد همراه قلوب اول طائفه کراه اوزرینه
 ارسال یوردلدی * شبروانه عزیمتله بر نحر ارامگاه ارباب شور و شربازده
 خیل ظفر فراولمغله * ولوله تکبیر ایلد اول قوم خنایر اوزره حمله شیرانه
 ایلدیلر * بیکه نمانده نیجه لرین طعمه شمشیر وزن و فرزند لرین دستگیر ایلدیلر *
 حتی عقیده قبیله اولان ام قرفه نام فاجره دخ زنجیر اسر گرفتار لردن اولمغله
 اول سلطه بیخیا و وفادار هرزه در دایم اطراف مستجمع الشرف سلطان
 الانبیاء اطال زبان قدح و از در ایدر اولمغله زید بن حارثه رضی الله عنه لعینه
 مسفوره نل دوشاخ شجره لعنت اولان ایکی پای نکبت و بی میثترین ایکی
 دوه به چار میخ ایدوب دوه لر جز اولند قده حبیب حیاسی کی کرباس جسم
 شقاوت انعامی ایکی شق اولدی * غزات اسلام سلامت و اغتنامه مدینه به
 مراجعت ایدوب زید بن حارثه وقوع حالی آستانه فک آشیانه به عرض
 و اخبار ایچون باب سعادت غائب نیجه ورودنده * حضرت پیغمبر ایشان
 کمال انبساط لردن برهنه جامه سعادت علامه لرین * حب ایدر لک سمت باب
 شانان اولدیلر * زیدی تقبیل و اعتناق ایدوب کفیتی استمطافی یوردیلر *

زید دخی ماجرای کساجری عرض و اعلام ایلدیلر * بعضی اهل سیرام قرفه
 ماده سنل امیر مریه سی حضرت صدیق اکبر اولد یعنی ثیت جریده اثر ایتشدر
 سریه محمد بن مسلمه * و سنه مر یورده محمد بن مسلمه نل سریه دوباره سی
 پیرایه جزا و دفع اوج اولشدر * سریه اولی شهر ربیع الاولده بنو کلابدن ضم
 قاف و فتح رایله قرط نام جماعتی غارتله مامور اولوب * او توز سوار تیره گذار
 ایلد شبروانه عزیمت و بر سر اول مخور رطل کران ضلالتی فساء صباح
 انذار بن صدمه سبله خوابدن بیدار ایلدیلر * اون نفری جسر تیغدن گذار
 ومن غیر معرفه سید اهل یمامه ثمامه بن اثال الحنفی گرفتار اولوب بقیه سی
 بی سپر راه قرار اولدیلر * یوزاللی دوه و اوجیوز قیون داخل حوزه اغتنام
 اولوب سلامتله مدینه طرفه رجعت ایلدیلر * رخسای خاکای عرش
 اسای اولد قده گرفتار زنجیر اسرا ایلدیلر کز کسه ثمامه اولمغله محافظه سی
 امر نده اتمام ایلدیه نزد یونسیه یوز مار ایلد اسطوانه * مجده بند ایلدیلر *
 حضرت نبی مختار بانه واروب ای ثمامه جناب قادر جبار جل شانہ
 عن الاشیاء والا نظار سنی زبردست سطوت انجک بنبی اقدار ایلدیمی
 یورد قده اولدخی تصدیق ایلد کد نصکره با محمد بنی قتل ایدرسن من در کیم
 قتل ایتش اولورسن اگر عفو ایدرسن مظهر کبر و ثنا اولورسن یوقا کمال
 مراد ایدرسن خاطر خواهل قدر امر یورلدیدی * حضرت سید ستوده
 اخلاق بر سوز و بلایوب بند فی حل و اطلاق یوردیلر * نور هدایت
 حضرت ذوالمنن زاویه دل ثمامه به لعه فکن اولمغله همان اغتسال ایدوب
 اثوابی تطهیر ایلد کد نصکره حضور مستوجب السمر و نبویه اظهار اسلام
 ایلدی * بعده یارسول الله مجاهدین دین بنی اخذ ایلد کده یمامه دن معترا
 چقمشدم شمدی نه کونه عمل ایدیم دیواسه فسار ایلد کده * حلال مشکلات
 انام دخی اعتمار ایلد امر یورملرله همان عزم جانب بیت الحرام ایلدی *
 مکده وصولنده تلبیه به مبادرت ایدیلر خذله قریش یا ثمامه بونه
 جبار ندر که دین محمدی به متابعت ایلد کد نصکره بزدن تحاشی و مبالات
 ایتیموب کادیکر دیو و عتیف و تقریر ایلدیلر * ثمامه المنه الله تعالی شرف
 اسلامه ممتاز عز و علا اولدم لکن من بعد طرف یمامه دن سزله بردانه کندم
 ارسال ایتیموب جمله کزی مبتلای جوع الکلب ایدیم دیوب یمامه طرفه
 عازم اولدی * یمامه کیلار مکه مترانده اولوب جمله حیوانی اول دیاره منحصر
 ایدی * فی الحقیقه ثمامه واصل یمامه اولد قده قوافل حیوانی قطع و مکده
 نقل غلادن جمله بی منع ایلدی * اهل مکه شدت خطدن بر مر تپسه به

واردی که علیرت تناول ایلدیلر علهرز و برشترا یله مخلوط قاندر * قریش
بودر چه ده مضایقه به دوچار و بلیه قحط و غلابه گرفتار و اولغله درگاه مراحم
دستگاه جناب عالی بنابر صله رحله امر بیورر لایدی * شمدی قطیعه
رحم هجرتی جانب جلی المناقب دن ظهور ایلدی * اجلا قدن جمله حرم خانی
هلاکه مشرف اولدی دیور فخر رفته عرش خال واستدرار بر و نوال ایتمه یله
حضرت سلطان الانبیا علیه من الصلوات اناها ثامه به ادرارات حبیبانلرینه
مانع اولماق باندده امر نامه اصدار بیورر لایدی * بعد برهه من الزمان عیامه
خلق العباد بالله ارتداد ایله افتاده هلاکه خسران اولوب مسیله الکذاب نام
متقول خانه حرا به متابعت صد دنده اولد قلزنده * ثمامه ثابت مر کردین
اولوب لغزیده پای اولنری ایام و امر ا مظالم لا نور فیه و انه اشقاء کتبه الله
علی من اتبعه منکم تعبیر یله نهی و تحذیر لایدی * سریه ثانیه * شهر ربیع
الاوله ینه محمد بن مسلمه مدینه به یکر می درت میل مسافه بفتح القاف
والضاد المشدده ذی القصة نام مقامی جای ارام ایلد بنو ثعلبه اوزرینه اون
مرد سوار ایله ارسال بیورر لایدی بر تقریب اکاه اولملر یله نکمن ایلدیلر
مجاهدین دین کاوب انلردن بر اثر یومامقله اولد قلدی محله نزول و تراغ بالله
خواب استراحت منهل و مشغول اولدیلر مکن کینه مترصد اولان یوز نفر
ملاعین همان حقیقوب دائره وارزه طابرای احاطه ایلدیلر * محمد بن مسلمه
خبردار اولوب تیز صیحه ایله اهل اسلام بیدار ایلدی * جمله سی قالقوب
بر زمان نضال ایله قتال ایلد کد نصر کمره سپاه مخالفت کتر لری نه اغترار ایله
یکبار سل سیف هجوم ایدوب محمد بن ماعد اسلک باد جمله کفر ایله شعوع
حیاتلری منطقی اولوب محمد دخی که بنندن زخدار اولغله رمق باقی ایله میانه
کشکانده کندوسی نهان ایلدی * ساز و سا بلری الوب کتدیله بعد زمان
و هروان مدینه دن بر مسلمان معرکه کاهه اوغرا یوب یوحالی کورد کده
استرجاع ایلدی محمد ایشید یجک حرکت ایتمکله اول طرح جرمی فی الحال
دوشنه الوب هزار زوروزار ایله مدینه به ایصال ایلدی * سریه عکاشه
ابن محسن اسدی * سنه من یوره ربیع الاولنده عکاشه بن محسن اسدی قرق
مرد لا و رایله بکسر العین المجمعه عمر بام جاه اوزره ارام ایدن بنوا سدیله
اسدن بر کرده اوزرینه تعیین بیورر لایدی * شتاب تامله کیدوب چاه من یور
قربنه وارلد قده مقدمه قدوم سپاهدن اکاه اولد قلدی حسیله فرار ایتمش
اولد یله عکاشه حضرت نلری شجاع بن وهبی تقدیم ایدوب اولد خانی انا رسوا نم
مشاهده ایتمکله دونوب عکاشه به خبر یوردی * همان عنان انکیز سرعت

اولوب کیدر کن بر مرد خوابیده به تصادف اولغله اندن احوال قوی
استفسار ایلدیلر * اول کسه دوا بلرین الوب علیاه دیار لرینه کرمان
اولدیلر دیدی * کلامنه توجیه سامعه اعتماد اولنوب نازیانه ایله ضرب
ایلدیلر شخص من یورنفسنه امان شرط یله جماعت مر قومه نل عم زاده لری
انساننه دلالت اید جلک اولغله راضی اولوب کندیلر * قتی جوق
جستجو اولنوب اثر ظهور ورا یتدیکنندن قلوبلرینه شبهه و خلیجان عارض اولغله
شخص من یوری قتل اید جلک اولد قلزنده تکرار امان خواه اولوب بر محل
من تفهمن سواد لرین ارات ایلدی * لجام بر رهجوم اولوب یوزدوه بولغله
جوبانلر فرار ایدوب دوه لروابسته مهارا غتنام اولدی * و شخص من یورک
سیلنی تخلیه ایدوب سالمنا غتنامدینه به رجعت اولندی * سریه ابو عییده
ابن الجراح * سنه سنه من یوره ربیع الاولنده عییده بن الجراح قرق نقر مرد
میدان جلاد تله ذی القصة نام محله ارام ایدن عن قریب مر سوم بر اعه
براعت نصیب اولد یغی اوزره اصحاب محمد بن مسلمه بی قتل ایدن بنو ثعلبه
اوزرینه تعیین اولندی * محطه قتال انقاللرینه وارلد قده اول زوبه منشان
شواحق جبال صعب المناله کرمان اولوب الشجق بر نفر کسینه به دسترس
اولغله اولد خانی بدرقه هدایتله فائز سلامت دنیا و اخرت ارلدی * جمله دراب
و مواشیلری تمغازه غلیل غزات و کافه اتمه بیوتلری مضبوطا کف کات
ظفر سمات اولغله سلامت و غنیمتله مدینه به رجعت و بعد الخنفس مال غنایم
بین اهل الخنفس پذیرای قسمت اولدی *

* کرز بن عوف بن عتیک بن امی * ابن رواحه علی غز و الحدی *
کرز کله می بیت سابقده ابو عییده اوزرینه عاطف مقدر ایله معطوف اولغله
وسار کرز تله برنده در * کذلک عبدالرحمن بن عوف * و عبدالله بن عتیک *
و عمرو بن امیه * و عبدالله بن رواحه * و علی بن ابی طالب * تقدیر عاطفه
معطوفلردر * و غز و الحدی بیه اقتضای مقامه مقرر کان قه نلک فاعلیدر *
امی لفظی بیه تصفیر ایله امیه دن مر خدر * کذلک حدی کله می تسو یغ
نر ورتله بعض کله ایله اکثفا اولغله راضی حدی بیه در تشدید یاه ثانیه ایله
حدی بامصغریه و تحقیقه مکة مکرمه به طقوز میل مسافه دم بر چاه باخود
بر شجر باخود بر قریه اسیدر * بیت مر قومه یدی لایحه مندر جدر *
سریه کرز بن جابر الفهری * سریه عبدالرحمن بن عوف * سریه عبدالله
ابن عتیک * سریه عمرو بن امیه الضمری * سریه عبدالله بن رواحه *
سریه علی بن ابی طالب * غزوه حدیبیه * سریه کرز بن جابر الفهری *

سنة من بوره جادی الاولی سنده سربه کرزین جابر واقع اولشدر * اصلی بودر که
عکلی و عریته دنیدی تقرید کهر استان سدره نشانه کاوب اظهار شمار
ایمان ایلد کد نصکره اشارت سید العالمین ایله صفه ده مکین اولدیله * اول
رهنط واجب السخط بریه نشین اولوب هوای حامیه یثرب زمینه مالوف
اولد قاری جهنم دن برلک خزان کبی چهره لری زرد و زار * واستفادن کدوی
زمستانی مشال بطنارنده ورم وانتفاخ بنیدار اولوب * سده چاره سازه
حاکمین ابراز ایلد کلرنده * طبیعت خامسه لری اولان البان و انوال شتران
ایله کند یله تدبیر و علاج ایتمک ایچون قبا به تابع ذوالجدر ناحیه سده ارسال
بیورلد قد نصکره * العیاذ بالله تعالی اول بد طبیعتلر سالک کرپوه ردت اولوب
اول چرا کاهده ری و چرا ایدن اون بش رأس اة وح خاصی کشیده عنة
غصب و شتریان اولان یسار نام غلام سید الانای دخی اخذ * و دست و پایک
بریده و زبان و دیده سده خارلر خلیده مالکله اول مرده سعیدی شهید ایلدیله *
اول بد کردار لرلک بوکارنا هموار لری رسیده شمع اشرف نبوی و ایچق بکرمی
نقر سوار ایله کرزین جابری تعین بیوردیله * دلالت فائزله اول شردمه شمر
و فساد ابریشوب جله سنی مسورین فی الاصفادا حضار درگاه ایت بنیاد
ایلد کده * قصاصای ساره اتد کلری کبی مثله اولنوب و کوزلری اتشین مسمار ایله
سمل و تصویر اولند قد نصکره سنکستانه القا و تشعبله ده عذاب لرلک دویالا ایلدیله
اول هنگامده انما جزاء الذین یحاربون الله ورسوله و یسعون فی الارض فسادا
ان یقتلوا و اویصلوا و اوتقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف و یتقوا من الارض
الایه کریمه سی نازل اولقله * من بعد سمل اعیان ایله تکبیل مرقوع اولدی *
خمس طیمه * دوه سودی تلین وادرار و تفتیح سده خصوصنده عجیب
الاناردی * خصوصاً حراری زائل اولماش بولله مزوج اولد قدده بغیات
مؤثر در * استسقا علتک منشائی سده اولقله علاج من یورایله امر بیورلدی *
سربه عبدالرحمن بن عوف * سنة من بوره شعبانده سربه عبدالرحمن بن
عوف واقع اولشدر صورتی بودر که * جناب افضل الناس علیه الصلوة و السلام
علی القرطاس حضرت قاری عبدالرحمن بن عوف حضور مستجمع السور و لرینه
اجلاس بیوروب * سر یافت اثر لرینه دست عنایت کستر لیه عمامه بند
اولد قد نصکره با عبدالرحمن فی سبیل الله غزو جهاد و کفار بدنه سادایله
حرب و قتاله بذل اجتهاد ایله * لکن مغنم خصوصنده خیانت و غدر دن
نجابت و قتل صبیان دن توفی و مباعدت ایدوب دعوتیه اجابت اند کاری
صورتده رتیب لری اولان اصبح بن عمر و السکابی دختر فی تزوج ایله دیو

توصیه * و معیننه بد بیوز مجاهدین تعینیه بیوروب دومة الجندل نام محله
سیاکن کلب قبیلله سی اوزرینه که جله سی نصاری ایدی ارسال بیوردیله *
ابن عوف دخی حسب امر العالی جانب ماموری وجهه امالی ایدوب قطع
صعاب و مهول ایدرلک محل ماموره وصولنده اوج کون اقامت و اول
جماعتی ضیافتخانه اسلامه دعوت ایلدی * روز نالنده مر کرده قبیلله اصبح
ابن عمرو جمع کثیر برله اجابت و نائل نوال هدایت اولوب بقیه سی جزیه اعطا
ایتمک اوزره تسلیم رقبه اطاعت ایلدیله * بر موجب فرموده سید ستوده
اوصاف عبدالرحمن * قاضی بنت اصبحی محرم شبستان نکاح و زفاف ایلدی
والوب مدینه به کوردی * فقهای سبعة و یکار تابهیندن ابوسله اول مهد
بر سعود فراشندن پیرایه قساط وجود اولشدر * سربه عبدالله بن عتیک *
وسنة من بوره ده عبدالله بن عتیک خیره ارسال بیورلدی * سبی بودر که
کذار شید بر اولدی فی اوزره عبدالله بن مسله و اوسیان دن رفقای سی کعب بن
اشرف نام یهودی فی اعدامله منظره مایاش سید الانام اولشرایدی * اوس
و خزیج میاتنده خدمات مستحسنه دینه اظهاری ضمیمه منافسه و غیرت
اولقله * بودقه خزر جیباندن عبدالله بن عتیک ملحه خند قدده تحزب
احزاب و طرف اصحابه ایصال خسارت بحساب ایدن ابورافع سلام بن
ابی الحقیق نام یهودی قتلنی منعهد اولقله اذن رسول الله خزر جیباندن
بش قمر مر دیسالت اثر الوب متوکلا علی الله عزم راه ایلدیله * مدهور
ابورافع خیریده بر حصن حصین ایچره مکین اولورایدی * عبدالله رفقا سبله
قطع منازل ایدرلک اخشام و قتی پای حصاره واصل اولدیله * خلق مری دن
دو نوب کروها کروه حصاره تواردا ایدرلرایدی * عبدالله همراهین بر محله
توقیف ایدوب اوله که بر طریقه دربان اغفال و درون حصاره کند وخی
ادخال ایده یم دیوب بالکتر چه باب حصاره متوجه اولدی * دروازه به بقین
کله * مده مقنعه سنی باشنه چکوب ساده کارلق ایدر صورتده بر کاره
چکلدی * اول خلایده خلق ایچرو کبروب طشره ده کند و سندن غیری
کسه قالدی * دربان و نیره ندای شخص مجهول اوزره با عبدالله چایل سنده
داخل اول که دروازه فی سدا یله حکم دیوند ایتمکله عبدالله دخی شنایان
درون حصاره القای جان ایلدی * دربان مفتاحی وضع اندیکی محلی
نشاندوب خلق مغلوب سپاه خواب اولد قدده دروازه بی کشاده ایدوب
ابورافع خانه سی سمتنه پانم ساده اولدی * اول ملعون عادی اوزره کندی
نکبتخانه سنده احبابله مسامره ایدرایدی * دست اخر مجلس اولد قد نصکره

عبدالله بر بر قبولی کشادیدوب که کلسون دیوارقه مندن بند
ایلدی * تا که ابورافع اهل و عیالیه بیتوت ایلدی یکی غرفه پایاته واروب
برخشب نردباندن دعای ابرار اساصعود و باب غرفه بی دق ایلدی *
زوجه ابی رافع کیمردیو استعلام ایلدی که عبدالله عارف لسان یود اولغله
اول زبان اوزره ابورافعه هدیه کتوردیم دیدی * خاتون قبولی اجوب
عبداللهی ایجری الی * درون غرفه دل ابورافع کبی مظالم اولوب ولعین
مهور اولاد و عیالی میباندند باغله بروجه و تشخصه امکان اولما مقین
با ابورافع دیوندا ایلدی * لعین دخی کیمردی بیگ صدا کلان طرفه برقلج
حواله ایلدی * دهشت و مسارعت سبیلله تاثیر اتمامکله ابورافع فریاد
ایلدی * عبدالله همان طشره به بر تاب اندی ابورافعه زوجه سی بوابن
عتیق صوتی دکلیدر دیدی ابورافع استغفاد ایلدی * بوخلالده عبدالله
ینه ایجری کیروب با ابورافع بونه صیحه دردیو استغفاد سبب فریاد ایلدی که
ابورافع بوغرفه ده بریسکانه وار بنی قلج ایله آوردی دی بیگ عبدالله تکرار
صدا کلان ستمه حواله سیف تابدار ایلدی * ینه اصابت ایتمیچکن تغییر
صوتله صورت اغائنه ده یاتنه واروب کوردیکه لعین ارقه سی اوزره یاتمش
همان قلی شکمنه زور دستله اوله بصدیکه استخوانلری صدامی مسجوع
اولدی * بعده فالقوب عجله ککیندرکن نردباندن دوشوب ایانی شکست
اولدی * تیر عصا به سبله بندایدوب کندی و نهی هلاک کنی ایستدیکه کتم
دیوب قبولی توفیق ایلدی هتکام نهرده ناعیلری سوراوزره جبقوب انی
ابارافع دیوندا ایلدی بیگ شب بخیر انجمن حیات اولدیفنی تحقیق ایتمکله هزار
زوروزار ایله رفقا سینه کلوب حضرت منتقم لایزال ابورافعی مظهر شمشیر
قهر و نکال ایلدی دیوب همان صوب طیبیه به شتابان اولدیلر * درگاه رفعت
شعله و صولارنده حضرت سید البشر افلحت الخ جوه تعبیریه استجلائی تجلی
ظفر یوریتی افلح وجهل یار رسول الله دیوب قصه بی افادما ایلدیلر * بعده
حضرت صاحب الایات علیه افضل الصلوات دست دوا پیوستلرله
عبدالله شکست اولان یاقینی مسخ یورمغله فی الحال درست اولدی *
مریه عمرو بن امیه الضمری * سنه ۳۰۰ یورده عمرو بن امیه سلمه بن اسلم ایله
قتل ابوسفیان ایچون مکه به بعث اولندی * ینه تعلیقا یوماده مریه ایله
تعییلا اولندی * سبی بودرکه برکون ابوسفیان قومته متوجه اولوب
حضرت محمد دامت لک و تنها اسواق مدینه ده احبارا عدا سینه تبلیغ احکام
رسالت اوزره اولغله برقدایی یوقیدرکه واروب برتقریه وجود بهبودی

اعدام ایلیه دیدی * براعرابی بوکلامی ایشیدوب ابوسفیانک تنهاسنه
واردی * بر مقدار کندینک جزائت و جلاد دندن بختله اتمام لوازم این خود
فروشی ایلدی کد نصرکه اگر بنم مهم و حاجته متکفل اولورسن بر عقاب اسلا
برخچر سرتیزم اولغله انکله بو مصیحتی ادا ایدرم دی بیگ ابوسفیان متعهد
اولوب ساز و سرانجامی اکمال و برشتر رهوار دخی و یروب کتمان امر ایله
توصیه بلیغ د نصرکه یثرب طرفه ارسال ایلدی * اعرابی برشب تاریکده
جبقوب قطع مرا حل ایدرک مدینه به داخل اولدی * حضرت امام جامع
دین علیه الصلوٰه فی کل حین بنوا شمل مسجد نده اولدقلری خبر اولوب دوه سی
بر محلده وضع و کندوسی پیاده جه طرف صاحب سعاده عزیمت ایلدی *
نظریال مصطفوی هیئت فتنا لبدوی به متعلق اولیجی بو شخصک فتنای
فتنا اشغال دلی منی بله فکر لا طائلدر * لکن حفظ حضرت باری میبازده
حائلدر یوریتی اسید بن حضیر اعرابینک حاشیه ازارندن طو توب
کیر و چکدی * ناگاه اول غدار لمدار اغتراری اولان خنجر اشکارا اولدی *
اسید همان کردندن طتوب اوله صدیکه جان خیبتی مقعدندن خروجه
بر رمق قالدی * حضرت رسول الله ای اعرابی راست سوبله ماده
ورودک و مجلبه موردک ندر یوردیلر * اعرابی بعد الاستیمان صورت حالی
بیان ایلدی * سبیلی تخلیه اولندقد نصرکه اعرابی سوزه کلوب یار رسول الله
بو آنه قدر فر دافریده جهشتدن شایه حذر درون شهادت مقرونه گذرا بتدی *
جناب منبع الجنابی کوردکده عقم زائل و عروق و اعصاب مترزل اولوب
بر خطوه حرکت قدرت و محاسن عالم قابلوب صورت دیوار کبی پادر کل قالدیم *
و مضرم عن ظهر الغیب نزد سعادت نکرده ظاهر اولغله نبی رب اولدیفکر
عند مده لایح و باهر اولدی دیدی * حضرت پیغمبر ایشان شکر افشان
تیسیم اولدیلر * چون ابوسفیانندن بو کونه وضع نامعقول صدور ایلدی *
حضرت شهنشاه ملکک صوری و معنوی علیه الصلوٰه من الملائک العزیز
القوی * عمرو بن امیه ایله سلمه بن اسلمی قتل ابوسفیان خدمته نامزد
ایدوب مکه به ارسال یوردیلر * بر موجب فرمان مختم الاذعان اول ایکی
منرباز جهان مکه به واروب دوه لرین خارج مکه ده پنهان ایلدیلر * بعده کیمه
وقتی داخل حرم محترم اولوب ادای صلوٰه و طواف ایلدی کد نصرکه جبقوب
ابوسفیان طلبنه کیدرکن کفاردن بریسی عمروی تشخیص ایتمکله ای اهل
مکه بو عمرو بن امیه درد یور فریاد ایلدی * ناچار اول ایکی مرد چالاک چابک
رفتار اهنک فرار ایلدیلر * یولده برر بر رایکی کافره تصادف ایدوب عمرو

ایکسفی دخی بر رحله استیصاله جانب سعیر ارسال ایلدی * بعده قریشل
ایکی جاسوسلرینه راست کلوب برنی قنیل و دیگر فی اسیرایدوب سلامته
مدینه به وارد و شرفیاب دیدارنی ذی الحامد اولوب قصه بی نقل و انبا *
و حضرت خیر البرایا کلمه بر تبسم اوله رق اصفا بیورر ایلدی * سربینه عبد الله
ابن رواحه * سنه من یوره شوالنده عبد الله بن رواحه رضی الله عنه خیره
ارسال بیورلدی * نکاشته پراعه تحقیق اولدیغی اوزره * ابورافع سلام بن
ابی الحقیق نام یهودی بدرقه نسیخ ابن عتبک ایلره هیده بادیه نابودی
اولدقدنصره * طاقه یهوداسیرین زرامه نام می دودی سر معقودا اتخاذ
ایدوب * اول لعین نابکاراخذ نارداعبه سبله بنو غطفان * و سائر قبائل
افساد و اغوا و طرف اسلامیه حرب و و غایه حت و اغرا اوزره اولدیغی
واصل سمع اشرف الزر و ابیجی * عبد الله بن رواحه بی اوج نفر دلا و رایله
ماه رمضانده نامی د خدمت تجسس ایدوب * انلاردخی حقیقت حاله مطلع
اولغله کلوب لعین مسفورله ابقا دنا نره فساد اوزره اولدیغی استان معالی
بنیان نبوی به اخبار ایلدیله * حضرت فرمانفرمای کشور محمد
واجلال مجدد عبد الله بن رواحه بی اوتوز نفر می دشیر افکن اوزرینه امیر
نصب و اسیر می دودله شجره زقوم وجودنی آشدان بحیجه و قودا بتل ایچون
ارسال بیورلدی * عبد الله همراهم ایلرله بر موجب فرموده رسول اله عازم راه
اولوب صورت دوستی ایلد داخل محاس اسیر اولدیله * مامور اولدیغی کلماتی
سزله افاده لید بنجه قدر بزم طرفدن سزله کج نظر اولمز دیدیلر * اولدخی
مقابله بالمثل ایلد کد نصره طرف دیوان رسالتدن منور ریاست خیر
کندویه احسان بیورله جغنی اخبار و بوطعه زعفر بیلده دام طبعه گرفتار
ایلدیله * اسیر کنندی قومیه مشورت ایدیلچک حصاردن خروجنه راضی
اولوب بوانه قدر طرف محمدیدن استعمال یهود سرزده شهود اولما مشدر
دیدیلر * لعینک دیده بصیرتی ملفوف عصابة حب ریاست اولغله * واقعا
حال دیدیکر منوال اوزره در لکن طرف محمدی به غوائل حرب و قتالدن
فتور و کلال عارض اولمشدر دیوب اوتوز شتر سوار یهودیله حصاردن
چقدیلر * هر یهودی به بر مسلم ردیف اولوب عبد الله بن انیس حصه سنه
اسیردوشمیدی * فرقه نام موضعه وصولرنده لعین نادم اولوب دست
خیانت پیوستنی شمشیر بن انیس صوندی * ابن انیس اول ملعونک
مافی الضمیرنی نفر من ایتمکله یا عدو الله غدر مساکنه می سلوک ایلد کدیوب
همان بر خمره تیغله مرهوا پرستی معلقن خالک هلاک ایلدی * هر کس

معتق اولدیغی بد فرجاملرین بر سیفله کار حیاتلرین رسیده حد ختام
ایلدی * انجیق بریسی فرار ایدوب بروجهله ادراکی ممکن اولما مقله رسیده
مفازة سلامت اولدی * بویام سرور انجیامله جین فرسای سده تریانظام
اولد قلنده حضرت رسول کریم قدس سره کما الله من القوم الظالمین بیوردیلر *
سربینه علی بن ابی طالب * رضی الله عنه سنه من یوره شعبانده قبیله
بنو سعد بن بکر خیره امداد ایچون لشکر مخوس الا ترهینه و اعداد
ایلد کلری و اصل سمع اشرف نبوی اولدقد * یوز نفر می دجنکار رایله
جناب حیدر ارسال بیورلدی * شبر وانه طی طریق ایلرله خیر اعمالندن
ارامکا هلری اولان فذلک نام قریه حوالیسنه وارلدقد * بر شخصه تصادف
اولوب اندن احوال کفاری استفسار ایلدیله * بابتد امتشبت دامن انکار
اولوب عاقبت ابعاد و انذار ایدر لک طرف کفاردن جاسوس اولدیغی اخبار
ایلد کد نصره امان شیطیه متعهد رهبری اولوب انک دلا لتیله بغته
شیخون ایلدیله * مقاومتنه اقتدار لری اولما مقله سیکبار اواره صحرای فرار
اولدیله * بشیور دوه وایکییل قیون قیصد دفتر غنیمت اولوب جناب کرار
حضرت سیدالابرار طرفنه سرعت سیرند تاشی خفته اسمیله نامدار بر ناقة
قریه التاج اصطفوا اختیار ایدوب * بقیه معنی بعد الخمیس بین الغزات
تقسیم ایلدیله * غزوه حدیبیه * سنه من یوره ذی القعدة سنه غزوه
حدیبیه ثبت جرائد مغازی اولمشدر * شمسواران عرصه سیر یوزمین اوزره
اجاله کیمت خبر ایلد شارد که * بر کیمه حضرت سیدالانام علیه الصلوة
والسلام عالم منامده اصحاب کرامله امنین محلقین رؤسهم و مقصرین داخل
حرم حرم رب العالمین اولوب مفتاحنی کنسیدیلری اخذ و طواف و وقفه
عرفاتی ادای بیوردیلر * بیدار اولد قلنده یورویای صادق بی اصحاب کریمه
نقل بیورملرله بالجله شاد و خرم اولدیله * بومرام اول عام نخسته انجیامده
میسرا و لقی اعتقادیله تهیته اهیه عمره گذاری به میباشرت اولندی * ماه
ذی القعدة نل غره سنه بیلک در تیموز یا خود زیاده جه اهل توحید و هدایتله
که ایکیوزی سوار ایدی * شمل بند عزیمت و این ام مکتوم نامه ترقیم منشور
خلافت قلندی * نینتری کارزار اولوب انجیق اعتماد اولغله همان سلاح
المسافر بر شمشیر استصحاب ایلدیله * ازواج طاهراتدن ام سلمه دخی
هودج ارای مرافقت اولدیله * هدی ایچون همرا و لسان دوه لر تقلید
و اشعار اولدقدنصره ذوالخليفة مسجدنده ایکی رکعت نماز ادا و احرام
عمره به اکثر اصحاب کرامله ایشما اولوب باب مسجددن دوه به سوار و قباله

مستقبل الایم ایکن لایکن لا شریک لک الایم ان الحمد و الثناء لله
والله لا شریک لک عبارت به تلبیه کان جانب بیت الله الحرامه روان
ولیدیلر بعض اصحاب کرام جعفره دده داخل احرام اولیدیلر طی مراحل ایدرلر
بر منزل بی اب و تابه کاوب صحابه کرام صومسز لقند منع القیض والانعام
در کاهنه تشکی ایلیدیلر حضرت مفیض البرکات علیه ابرک الصلوات
ایست الدقلری مطهره اوزرینه دست مکارم پیوستلرین وضع ایلد کده
فی الحال میانه انکشتلرندن اب زلال فواره مثال جوش و خروش ایلدی
حضرت جابر دن مر ویدر که جله من نوش و توشی ایلد کده نکره یوزین
کسه به ده کفایت ایدر ایدی عسکان نام مقام محط رحال عز و احتشام
اولد قده مقدمه استقامت ای احوال قریش ایچون ارسال اولنان شمرین
سفیان کاوب سپهسالار کتیه ابرار حضرت تریک مدینه دن نهضت و طرف
مکه به توجه سعادقلری مسجوع خاندیل قریش اولغله دخول مکه دن صد
و شریعه عزیمتلرین سدا ایچون احابیش و تقیضدن لشکر یحدا یله ذی طوانام
محمده ضرب طوبی ارام ایدوب طلیعه جیش کفار عیند خالد بن ولید
ایکیوز سوار ایلد کراع التمیم نام مقامده مقیم اولدیغنی عرض و اعلام
ایلدی حضرت شاه کشور دین عباد بن بشری معینده اولان دل و رانله
ازای حالده تعیین پیوروب وقت صلوة ظهر حلول ایتمکله کده دقلری
اصحاب کرامله صف بستنه قیام نماز اولدیلر کینکاهدن لشکر مشرکین
جماعت مسلمین صلوة اشتغاللرین خناده قریب مشاهده ایدیلر
خالد بن ولیده دریغا که فرصتی فوت ایلدک و رازندن عنان انکیز هجوم
اوانق کرلایدی دیوتاسف اتیدیلر خالد بر ساعد نصکره انلر نفوس
واولاد لرندن محبوبتر بر غار دیکره دخی اشتغال ایدر لر دیو اسلامیانک صلوة
عصره قیاملرینه توقیف ایلدی بین الصلوتین امین وحی خالق الکونین
فاذا کنت فیهم فاقت لهم الصلوة فلتقم طائفة منهم معک الایه کریمه سبله
نازل اولدی پس هنگام عصر حلولنده صلوة خوف ادا اولتوب انباز
مشرکین جماعت موحدینک بعضی ساجد و بعضی قائما کندی طرفلرینه
ناظر و راصد اولدقلرین کوریلک مضرع من کندیلر ظاهر اولمشدردیو
رفض داعیه هجوم اتیدیلر حضرت رسول الله خالد بن ولیدک بوکونه
سدا اولدیغنی معاینه پیور یحیی بزه بدلیل اولسه که دلالتله طریق دیکردن
عزیمت ایلسک پیور یحیی ناحیه بن جندب دلالتله بر صعب بولدن راهی
اولتوب عاقبت برارض مملکه به منتهی اولدیلر خالدک بواماله طرفلرندن

خبری اولمامه ناکاه اوزرینه وارلد قده یارای قرار و مقاومتی اولامغله راه فراری
منهج رها ییلوب احوال قریش ضلالت مر هو فی پیام قرب موکب همایونله
بازگون ایلدی لشکر اسلام حدیده بولندن امواج بحر رحمت کبی قوج
قوج عزیمت ایدوب حدیده به نازل پشته به ورود لرنده شمسوار میدان
رسالت حضرت تریک سوار اولدقلری قصوانام شتر رهوار بی صدور رخصت
زانورده قرار اولوب اطرافدن زجر اولند قه سفینه سینه سی لشکر فرسای
استقرار اولغله ایلدی وجوه اصحاب غالبه قصوایه کل و بی تابی عارض
اولدی دیدیلر پیشوای رهروان دین حضرت قلری قصواست و کلید دکادر
لکن محمودی فیلی کعبه اوزرندن منع ایدن رب جلیل قصوایه دخی شمدیلک
اولجانبه عزیمت رخصت ویرما مشدر تقسم قبضة قدر تنده مضبوط اولان
ذوالجلال حتی حرم الهی بی تعظیبه متعلق طرفدن نه طلب اوانور ایه
اسعاف و احسان ایدرم پیور دیلر فایحه فیمل محمودی دخولک
انجاسی مؤدی خسران انام اولدیغنی کبی اهل اسلامک بوصورنله مکبه
دخوللری بهر حال اهل مکه ایلد بینلرنده مطارحه قرعه حرب و قتال
وسفک دما و نهب انوالی مستلزم اولوب لکن عن قریب اهل مکه دن نیجهل
حائز بلغه اسلام اولوب اصلا لرندن نیجه نیجه اهل توحید و یقین ساحه
وجودده خرام ایلد چکی علم از لیده مسبق اولغله من طرف الحکیم اللطیف
قصوایو عزیمتدن توقیف اولندی بکبه پس بانبات حضرت خضر
کائنات قصوایه زجر پیور مغله فالقوب شاهرا هندن انحرافله اقصای
حدیده بر چاه قریبده نصب خیام ارام پیور دیلر اول چاهل صوبی
لشکر اسلامه کافی اولامغله فی الحال کف بحیل اساخت کیده اولغله خان
سوز عطشندن درگاه منهل العذب عنایتنه عرض شکایت ایلدیلر حضرت
صاحب المعجزات علیه اکل التیمات کندی ترکشلرندن بر اوق چیمقاروب
اشارتله اول چاهه القا ایلدیلر در ساعت اول چاه بی اب بله قعر نیاب
اولوب جیوش مسلمین سوز عطشلرین تسکین ایلدیلر اول انشاده قدیمی
اشنای صمیمی اولان بدیل بن ورقاء خزاعی بر قاج نفر خزاعیه ناله درگاه
رسالتله کاوب سبب احتمال متاعب سفر دن استفسار ایلد کده حضرت
صاحب سعادت دخی موجب حرکت انجمنی بیت الحرامی زیارت اولدیغنی
افاده پیور دیلر بدیل دونوب انجمن قریشه کاوب ای جماعت قریش
خواهتکز اولورسه معلوم اولان ماده بی مزه تقریر و اعلام ایده یم دیدی
سفهاه قریش استنکاف ایدوب عقلا سی اقبال ایتمکله بدیل مقصودنی

بی بدلی اعلام و اصلاح ذات البینه اهتمام ایلمدی * عروه بن مسعود ثقی
 قانقوب ای وجوه قریش سزک عند کرده یوانه قدر ساده حال و حرکت لکاله
 چرکاب تهمت اولدی بی دیدی انلار دخی لادیلر * امدی حضرت محمد
 جوابی معقول و خری بالقبولدرا کر بکادستور و بر سر سوزاروب حضرت
 محمد ایله یو خصوصه مکملد اید * عروه بن مسعود بر مکاه حضور
 فائض النور سید الکاتنه کاهوب ارتکاب کافه سفره باعنی سوال
 ایلمدی * حضرت رسالتاب بدیهه سویدیکاری جوابه انی دخی مجاب
 ایلمدی * بودفعه عروه انبان دهان تشنه ی بازایدوب یا محمد بکاسویه که
 کندی قومکاه محاربه دن سکا نه حاصل اوله * قدره کر جله سنی استیصال
 ایدوسن قطیعه رحمت ایتمش اولورسن * سندن مقدم کندی قوه نی هلاک
 ایتمش بر کسه وارمیدر * واکرم مغلوب اولورسن حال نه منوال اوزره
 اوله جفی بیاندن مستغنیدر باشکده اولان اخلاط ناسل درونلر نه عزم
 صادق عدوشکنی یوقدر * بن انلاری او باش کور یورم روز مضافه سنی اقتاب
 اساتک و تمهاقیوب کندیلر نبات النعش مثال چریشان اوله جقلری عیاندر *
 یومقوله ترهات عروه خدشه انداز خاطر صدیق اولمغه دایره تحملدن بیرون
 اولوب بی اختیار امصص نظر اللات اداسیه که اشنع تعبیرات سب و دشنامدر
 عروه به شتم ایلمدی * وای هرزه خای باوه درای روز ستیزه برزلی اهنل
 کر بایدوب بکا سوار عرصه نبوتی ترک ایدرز دیو مقبره زن لوم و تو بیخ
 اولدیلر * امصص کلمه سی مص لفظدن امر در * نظر فتح باوسکون طای
 هجمه ایله فرج زنانه فضله خندان اولان لحیم زانده در * لات اسم صنم
 طاقبدر والده سی مترانه تنزیل ایلمدی * عروه حضار مجاسدن بالاستفسار
 حضرت صدیق * کده یا ابابکر اگر مقدمه ذمه لازم کالان دیت
 خصوصه معاونه مالیه جهتندن اوزرمده اثبات یدمتک اولمسیدی یو
 زهر قهر کی تجرع ایتمز ایدم لکن مکافات لطیفی یوعنف کرده تحمیل ایدم
 دیدی * اثنای محاوره عادت دیرینه عرب اوزره عروه بی ادب حایه جمال
 با کمال اولان لحیه شریف پیغمبر بیمال طرفه اذاله دست کستاخ ایتمکاه
 مغیره بن شعبه که ماتد بهرام زره پوش و شمشیر بدست و رای ظاهر ظهیر
 امتده قیام ایتمسیدی * عروه یووضع بی ادبانه اقدام اندیکه تازیانه تیغله
 قهرید اندروردی * آخر تمام تیغ اندا اوروب انی شاسن سینه دن چن
 دوت قهر ایلمدی * مالک خانی عظیم علیه اعظم السلام حضرت قادی
 عروه بن مسعود کاه سندن العف و العفو کتبت فی ذلک

مساحت پیورر ایلمدی * عروه مغیره نل یو حرکت دلیرانه سندن دلتلک
 اولمغه بالا استعلام مغیره اولدیغی معلومی اولیجی * ای غدار هنوز بن سنل
 غدر فی اصلاحه سعی ایتمک اوزره هم حقا که حق ناشناس ایمش سن دیدی *
 مکر مغیره زمان جاهله تنده قبیله نقیبه دن متشعب بنوما لکدن اون اوج نفر
 سندن لات ایله بر مقدار هدایا ترتیب ایدوب اسکندریه والیدی مقوقس
 طرفه عزیمته نیت ایلمدی * مسوم عروه که مغیره نل عبد ررضا
 و برماشکن اصفا ایتیموب کندی * وصولر زنده مقوقس یونلری بر کلیسایه
 نزیل ورعایت واکراملری لوازمی تکمیل ایلمدی * چند روز امدن صکره
 حضور نه کتوردوب مغیره نل وقع و شاتدن سوال ایلمکده مال کیلر بوا دم
 یزدن دکادر اخلافتندر در عیله مغیره حقنده اکرام و انعام میزان اعتدال دن
 ناقص ظهور ایلمدی * اسکندریه دن جبقة قد نصکره حق رفاقة رعایتا
 همراهلرندن اثر مواسات مشاهده ایتیموب و قوم ایچره یو تقیصه بی اشاعه
 ایتملرله بکامسته و جب تعبیر اولور دیو اعدا ملر نه عزم تام ایلمدی * اثنای
 راهده بر جایگاه لطیفه نزول * و نوش شراب نابه مشغول اولدیلر * مغیره بن
 صداعم اولمغه یو کون محروم دوستکامی اوانق مزاجه ملاعدر نهایت
 صاقبلات خدمتنده یوانه هم دیوب جله سنی مست لایعقل ایلمد کدنصکره
 مجموعنک ساغر سمرزک شکست و مجلس عشرت زند کانیلرک * بیت *
 طلوع کش تر لایه دوندردی دوران صبحتی * جام صندی می دو کادی کندی
 ساقی قائمادی * مضعوتنه پیوست ایلمدی * بالجه اثواب و اسبابلرین الوب
 طوغری مدینه منوره به اعترام و وصولنده اظهار شعار اسلام ایلمدی
 حضرت سید الانام علیه الصلوة والسلام الحمد لله الذی هدانا لهذا السلام
 تعبیرله تر حبيب و تشکر پیورر ایلمدی * حضرت صدیق یا مغیره مصر طرفه ندی
 قسوم ایلمدی کزدیو استطلاع مقدم ایلمکده مغیره دخی نعم دیدی تکرار
 حضرت صدیق مالک کیون قنده دردیجک جله سنی مالک دوزخ جانیته ارسال
 ایدوب ماللرین تخمیس ایچون برابر کتوردم دیدکده * حضرت رسول
 یا مغیره اسلامک عندمده مظهر قبولدرا ما کتوردیکک مال غدر اولمغه
 نامقبولدر پیورر ایلمدی * بنوما مالک عشرت مغیره ایله محاربه به اغازا بتلرله عروه
 اطفای نائرة قتال ایچون اول اون اوج نفر مقتولک ورنه لرینه دیتلر فی
 ویروب نیم کیمده اولان غداره کینی هضویه نیام تسکین ایلمدی * عروه نل
 یو کایتی ماده مسروده به اشارت ایلمدی * ما حصل عروه بر مقدار دخی مجلس
 نبی به پوده انصاف ثنات وجود ایدوب اثنای مشافشه ده الحساب کرامل

سپه سالار اسلام طرفه ایلد کاری تعظیم واکرامی مشاهده وراه محبت
 واطاعتده جان سبار اوله جعفری معاینه ایدوب متعجبانه انجمن قریشه
 کادی ای سادات حرم بن مجالس کسری وقیصر و نجاشی به محرم اولدم
 خدا حق حضرت محمد اصحابک اند کاری اجلال و توقیر و رعایت و ادایی
 برنده کور مردم فرضا بزاق انداز اولسه شتابله الارین الله طنوب چشم
 وچهره لرینه ساییده ایدر لر * برخدمت امر ایلمسه تسابله شتابان اولور لر *
 توفی ایلمسه وضوئی اوزره مقابله ایده چل اولور لر * حضورنده اواز لرین
 پست ایدوب و غایت اجلال دن پیکرینه حدتله نظرا بتزلر * شویله فهم
 اند مکده جمله سی مست سلافة مرک اولد قچه نوبت تجرع صهبای فنا
 اکادکر * پس مناسب اولان انکله صلح اولوب زیارتنه مانع اولمیه سزادای
 عمره دنصکره عودت پیوره جعفر دریدی * رؤسای بنی کانه دن بری دخی
 استیازه برله درگاه رسالته عزیمت ایلدی * یقین کاد کده حضرت سر بره
 دان بوورود ایدن شخص تعظیم هدی ایدن قومند ریور معین اصحاب هدی
 دوه لر لقالد یروب ولوله تلایه ایل غلغلهرس زمین وزمان اولد یلر * اول
 کسنه سبحان الله یونلری کعبه دن منع ایتمک لایق و مناسب دکادر دیوب
 همان اورادن رجوع قهقری ایلدی * وقریشه یونلر هدی دوه لر نی تقلید
 و اشعارا تشکر یونلری عمره در منع اولتیق جائز دکادریدی * اندنصکره مکر
 زین حصین قریشدن اجازتله درگاه رسالته کلدی * قریب اولد قده حضرت
 صاحب المفاخر اشیو وارد اولان کسنه مکر زفا جردر پیورد یلر * اولدخی
 کلوب طرفیندن مطارحه قرعه رد و قبول اولنور کن قریش طرفیندن
 تمهید اساس صلح ایچون سهیل بن عمرو و کلوب حضرت رسول الله علیه
 صلوة الاله اتی کور یجک اصحاب کرامه سهیل الله امر کم تعبیر یله متفالا امر
 مهاده ایچون کادیکنی اعلام پیورد یلر * پس سهیل واصل حضور فائض
 النور نبوی اولتیق استراحت طرفین ایچون اصلاح ذات البین مقدماتی
 تمهید ایدوب رشتنه صلحی کاه حل وکاه تعقید ایتد کدنصکره اخر کار ماده
 مهادینه بوجه اوزره قرار ویرلدیکه * اون سنه مدت میانده مشارکه
 محاربت اولوب احباب واعد الاسود غائله و غااوله * و بوسنه العودا جد
 وادیتی مسلول قدم وید اولوب سنه اتیه ده عمره القضاءیه رضا ویرله * اول
 حینده قریش مکده دن چیقوب اوج کون اهل اسلام سلاح المسافر ایله
 مکده اقامت ایلد لر و بومنده قریشدن حرمه حیات اسلامه النجا
 الاله اولد یونلر کسین * و اولد یونلر کسین * و اولد یونلر کسین * و اولد یونلر کسین

اشرف کز دن صلحنامه تحریر پیور یله دیو ختم کلام ایلدی * اصحاب کرام
 سبحان الله یار رسول الله مسلمان اولوب کلنلری مشرکینه نیجه ویره لم واقعا بو
 وجه اوزره صلحنامه تحریر پیور یله جعفری دیدیکله * سید ستوده شیم صلی الله
 علیه وسلم حضرت نلری نعم من ذهب الیهم فلا رده الله ومن جاء الیهنا فردناه
 سیمل الله لکم فرجا و مخرجا تعبیر یله بوضع حکمت شعار سزی تبه افکاره
 دوشور مسون * حضرت پرورد کار عاقبت کار نصرت و فیروزی روزی ایلله
 جکدر دیو جیبره بند خواطر اصحاب ابرار اولد یلر * و قبائل اطرافده شرط
 معهود دستور العمل اولوب اختیار مرجع اولد دیو رخصنه بناء همان اول
 مجلسده بنو خزاعه داخل کروه مخلصین اولوب * بنو بکر لغزیه پای جانب
 موالات قریش اولد یلر * پس طرفیندن شرائط ایجاب و قبول رهین حصول
 اولتیق حضرت مرتضی مامور اولدیکه عنوان صحیفه صلحنامه بی فریده
 بسم الله الرحمن الرحیم ایلد توشیح ایلله * سهیل جهاند نشانی بو عنوان بینزده
 متعارف دکادر و تیره قدیمه اوزره باسمک اللهم تجر بر اولسون دیدی * تراغ
 لفظی بی معنا اولمقله مدعای سهیل مظهر نبیل اسعاده اولغین باسمک اللهم ایلد
 عنوانطر از اولق باینده امر پیورد یلر * نوبت رسم کاتب اسم سامی پیغمبر عالی
 منزلته کاد کده * حضرت مرتضی حسب الاشاره هداما صالح علیه محمد
 رسول الله سهیل بن عمرو یازوب * سهیل بود قعه تعصب و مفاهندن با محمد
 اگر سن حق پیغمبر اولد یلر * عند من ده محقق اولیدی ترلیخ و عناد ایدوب
 منفر و کرده مقام امتثال و انقیاد اولنور ایدی * امدی هداما صالح علیه
 محمد بن عبدالله عنوانده ترقیم اولسون دیدی * حضرت ختم الانبیاء
 والمرسلین علیه الصلوة و الافاضت السموات علی الارضین بن اظهار دین مبین
 ایچون فرستاده رب العالمین حق پیغمبرم منزلتکذیکر شان نبوته خلل
 ایرات ایلر دیوب * حضرت مرتضایه حل واصل حله امر پیورد یلر * جناب
 ولایت انما یار رسول الله قسم باقریننده دوسرا که ذات سعادت تکزدن وصف
 رسالتی ازاله و احماللم دیور رعایت ادب مستحب ایدوب بویابنده فرمان عالی به
 امتثالدن استعفا ایلدی * حضرت نبی ای اول کله بی بکا ارات ایلد
 پیوروب جناب مرتضی دخی کوستورد کده بالذات مباشر محو وائیات
 اولد یلر * و طرفیندن اسائی تهود ثبت و تذبیرا ونوب وثیقه مسالیه
 بو طریقده اوزره نظام پذیر اولدی * لا حقه * جناب مرتضی خاطر خواه
 قریشه تابو قدر مساعد دن سر جنبان قیج اولوب دود کبود حیرت مقعر
 دماغ حیت مساعنه صعود ایلدی * حضرت رسالت سیز واقف سر ضمیر

مرتضوی اولوب باعلی بومعامله حکمت مابین غوطه خور لجه استعجاب
ایلمسون برودم اوله که سن دخی بویله تسکینه عتیقه مبتلا اولوب تسکین
عبارت رزم ایچون ماده نراعی دلخواه خصم اوزره جسم ایده سن بیوردیلر *
واقعاً و قهراً صفینده دوسته و دشمن خلافت کیرا و اقله خواه ناخواه تحریر
اولانان صلحنامه به هداما مصالح علیه امیران و دشمن علی دیو تحریرک ساعد
رقم ایلیجیل * حرف کیران کینکام غدر اولان کاشنکان سپهبد شام * باعلی
سن مدعی مقتول اولوب صحیح امیر المؤمنین اولدیغک واصل درجه علم
الیقین اولدی * طوق فرماقی قلاده کردن جان ایدر دل دیو غناد و استکار
اوزره اصرار ایتمله شاه ولایت پناه سبابه کرای تفکر اولوب تبسم کان
ضدق رسول الله دیوبه هداما مصالح علیه علی بن ابی طالب یازلق اوزره
فرمان ایلدیلر * تکراره روزه خامه بدیع الاملاسه اولدیغی اوزره * داخل
حلقه اخلاصکاران اولان بنو خزاعه مقدمه بنو عبدالمطلب ایله همسو کند
اولشلار ایلی * سببی بولایدیکه مطلب که اولاد عبدمناف اولان هاشم
و نوفل و عبدشمس برادریدر وفات ایلدیکده بنو نوفل برادرزاده سی عبدالمطلب
افقیه موروثه سی مقبوض دست تغلب و اختصاص ایتمکله عبدالمطلب قوم
و تبارنه قتل و استنصار ایلدی * اولانلار عینکله سنک یئینه تداخل ایتمزدن
مساعده مدن حباعده ایلدیکر نده احوالی اولان بنو نجاره نامه ایله اعلام
احوال بر ملال ایلدی * بنو نجاردن یتیم سوار نیزه گذار کلوب نوقله
همشیرزاده منزه ملک موروثی ره ایلدیکک صورتده فصل ماده قاضی
ماشی الحکم حاکم حسمه محولدریدیلر * نوفل جسارت ایده میوب
عبدالمطلب رد و تاسیم ایلدی * اندنصکره نوفل دیگر برادر ای عبدشمس
اولادیه تعاون و تلاحف اوزره مخالف ایتمکله عبدالمطلب دخی بنو خزاعه
ایله متخالف اولدی * حضرت سید البشر بروحه عمر حدیقه مدینه منتقل
مصلحت مهادت ایکن بنو خزاعه عبدالمطلب عهدنامه سنی که وروب
حسب الاشهاد ای بن کعب جله محضر نده قرأت ایلدی صورتی بودر *
باسمک اللهم هداما مصالح علیه عبدالمطلب بن هاشم و رجالات عمرو بن
ربیع من خزاعه تعانوا علی التناصر و المواسات مابل یخبر صوفه حلقه
جامع غیر مرق الاشیاخ علی الاشیاخ و الاضاغر علی الاضاغر و الشاهد
علی الثائب و تعا هد و اوکده عهد و اوق عقد لای تقض و لا نکث ما اشرقت
شمس علی نبی وحن بقلاده بهیروما اقام الاخشیان و عمر بکک انسان حنف
ایلدول مدیریده * طلوع الشمس شد و ظلام الابل مداوان عبدالمطلب

دولده و من مهم و رجال خزاعه متکافئون متظان فرون فعلی عبدالمطلب
النصرة لهم من تابعه علی کل طالب و علی خزاعه الاصره لعبدالمطلب
دولده و من معهم علی جمیع العرب فی شرق و غرب و حزن اوسهل و جعلوا
الله علی ذلک کفیلاً و کفی بالله جمیلاً * پس بومنوال اوزره عهد نامه عبد
المطلب قرأت اولندقدنصکره حضرت رسالتاب بنو خزاعه به خطاب ایلوب
ما اعرفتی بحکمکم و انتم علی ما اسلفتم علیه من الحلف تمیز یله ابقای
موالات و تقریر موقوفه مواسات بیوردیلر * بنوخلاده ناکاه ابو جندل
ابن سهیل که مقدمه مسلمان اولوب پدری سهیل انی کرفتار بند اهین
ایتمشیدی * نره شیرکی زنجیری سوریه رک کند و سنی القای کتیه مسلمان
ایلدی * صحابه کرام استقبال و ادای رسم ترحیب و ایچال ایلدیلر * سهیل
انی کور یچیل برندن صحرایوب ضرب طبنجه خشم و کینله چهره دا بو جندلی
مشک اکین ایلدی * بعده با محمد اول ماده مصالحه اولق اوزره الوب کیدرم
دیدي * حضرت رسول الله دخی تصدیق بیوردیلر * پس سهیل کریماتندن
طوب کشان کشان کلدیکی جانبه جرایلدی * ابو جندل ایسه یامعشر
المسلمین تحول بر تو ددایتله دار الظلام ضلالتدن واصل سر منزل سلامت
اولمشکن درو امیدر که بنی تکرار نجه عداوته تسلیم ایله سزدیو فریاد
و قنای رسیده طاق نه طباق اسمانی ایدرایدی * برره اصحاب ایسه روزای
صادقه نبوی به جزم و اعتقاد لری مقتضای مکده دخول لری متحقق الوقوع
ایکن مایوس اولوب و حسب الظاهر دلخواه کافر اوزره معاهده و معاهده
اولند یغندن تابه به دوشمش ماهی کبی طبطب اضطر ایله بی تاب اولشلار
ایلی * ابو جندل وقعه سی دخی داغ بر بالای داغ اولقله از قالدیکه جیب
حبساتلری کریبان عاشق بی ثبات اساجا کخورده دست فنا اوله * حضرت
رسول الله دخی رقتله بغایت متاثر اولوب لکن حسب المصلحه میرم اولان
رشته مصالحه نل مصون نفس و خلل اولمچون یا با جندل صبر و تحمل برله
رجامند اجر و ثواب اول که عذریب طرف ایزد منانندن سکا و مکده اولان
اسلامبانه فرج و مخرج احسان اولنه جقه دردیو تسلیت بیوردیلر * حضرت
عمر آهسته آهسته ابو جندل ایله کامزن حرکت اولوب یا با جندل صبر
و تحمل ایله سلامت قریبدر قالدیکه بونلار مشرک در دملری خون کلاب
اسا غیر محترم در دیوب متوشخ اولدیغی شمیری ابو جندله تقریب ایدرایدی
لکن * ع * رقیبک قتل چوقدن یکدی اما اولدریو قدر * مؤداسی اول
عزیزت صادق مردانکی دست لیاقت ابو جندل دن ظاهرا اولدی چونکه

ماده مهاده منوال مشروح اوزره قرار داده اولدی * طرف دیوان رسالتدن
 اوج دفعه نحر و خلق اولتی باینده فرمان عالی شرفصدور بولوب استیلا
 کابوس حیرتله میربازان میدان محبتک برندن امتثال امر همایونه جنبش
 مبادرت ظهورا تمامکله کابن کار عز و اجلال حضرت تبارک رنل رخسار
 ناید ارلری شکسته باد انفعال اولوب * همانام المؤمنین ام شاه خیمه سته
 تشریف ایدوب یاتدیلر * ام سلمه جنابلری اوج دفعه سبب خجرت
 وملا لرندن استفسار ایدوب کمال اغیار و انفعالاتن قطعه کسای جواب
 اولدیلر * بعده هلاک المسلمون امرتهم فلم یفلو لمقتلان عنوان صحیفه
 حسبیال ایدوب اصحاب کرامک سر بیج فرمان مختم الاذعان اولدیلر
 اعلام ایدیلر * ام سلمه یار رسول الله یو یابده اصحاب کزین معذور یورولتی
 موافق رأی رزین ظن اولنور اولارین یوسنه مبارکه ده مکرمه به داخل
 اولتی مجزوملری ایدی * با صره تعالی شاهد مناجلوه نما اولدیلر یقندن بشقه
 ماده مصالحه دخی حسب الصورة * بر وفق دلخواه مشرکین اولدیلر یقندن
 جلد سی حیرتله مسلوب الشعور اولدیلر * سزاوار منصب کامکاری بودر که
 مطلوب سعادت کز اولان خصوصیت ذمت همت عمل تحمیل یعنی قوی فعله
 تبدیل یوره سزا اعتقاد عاجزانه موزره بر فرددن صورت تردد و غمون
 اولیه دیدی * فی الحقیقه حضرت رسول الله بر توفیقش بارگاه فلک اشتباه
 یوروب بالذات امر نحر و خلق ادا یور یجق اصحاب کرام دخی بی وثقه تراخی
 افتد ایلدیلر * وموی دلجوی سر سعادت اثر نبوی بی بطریق التبرکات اقسام
 و خرزجان اساحتظنده اهتمام ایلدیلر * اتمام مهام ایچون فضای حدیده ده
 اون طه و رکون ارام اولند قد نصکره دار الملک مدینه به اماله لجام اولنوب کراع
 الغنیم نام مقام مضرب خیام سپهر احتشام اولد قد سور کرمه فتح شریف
 نازل او اخله فاروق جنابنه تجلی بخش خطاب اولوب * با عمر یوکون بر سورة
 عنطیسه شرف نزول بولدی که تابش مهر منیر ایلد ملتحم الانوار اولان مابین
 المشرقین اکان بته پیشگاه نظر حقیقه عمده بی قدر و اعتبار در یوروب * بالجملة
 اصحاب کزین یومر ده فتح مبین ایلد کامبین اولدیلر * اولخلالده اصحاب پاکیزه
 نهاده لاد و زاده لرینده قلمت و نفاذ عارض او اخله دوه لرینی ذبح ایچون
 رجاء مندر خست اوللر لیله اخطار فاروقله بقیه ازواد لرین بر سفره ایچره جمع
 واحضار ایلدیلر * دعای مفیض الخیر والبرکت برله سیماط غنیمت اولخله
 جلد سی سیر اولوب * واو عیله لرین طولدر قد نصکره بر او تدر دخی فضل
 قالدی * مرویدر که مکرمه به دخولک تاخیری وماده صلح منوال

مشروح اوزره عقد و تصویر دغدغه ساز خاطر حیت ماثرفاروق اولخله *
 یار رسول الله بر موجب رویای صادق بالامن والسلامه طواف بیت خدا
 باینده مرده رسا اولمشید یکر انجازه وعد شریف وابسته عقده تسویف
 اولد یقنل حکمت خفیه ولطیفه غیبیه سندن برینده لری دخی بهره مند
 شرف عثور * یورولتی مر جود در یونیا زمندا اولخله * حضرت سید سر
 افر از اعر اول و عدم مقرر لایجاز یوسنه مبارکه به تخصیص اولندی
 یور دیلر * جناب فاروق دخی لایار رسول الله دیدی * حضرت سید البشیر
 امدی با عرج بریل امینک اخباری اوزره البته مکرمه به دخول
 شاد کام ومظهر طواف بیت الحرام اولمک زدر کار در دیوتسلت فرمای خاطر
 اصحاب اولدیلر * پس معلوم اولدی که خصوص فتح مکرمه هم رویای رسول
 کزین وهم اخبار جبریل امین ایلد متعین اولمشدر * عمرة القضاء سنده
 حضرت بر کزیده کافه خلق سر سعادت لری حلق اولنور کن اصحاب کرامه
 هذا الذی وعدتکم یوروب * وفتح سنه سی وفتح کعبه ید و ید لرینه تسلیم
 اولند قد هذا الذی قلت لکم و حجة الوداع ده وقفه عرفات ده هذا الذی قلت
 لکم یور دیلر * موصوب همایون اقبال روز افزونله مع ورة طیبیه به
 وصولند نصکره ام کثوم بنت عقبه بن ابی معیط که عثمان بن
 عثمان حضرت تبارک لام شیره لریدر قبل الهجرة حایه اسلامه زینت دار
 اولمشیدی * بر مر د خراعی رفاقتله پیاده جه مدینه به کلوب حجره ام سلمه ده
 حل منطقه مسافرت ایلدی * حضرت رسول الله کاه اولیچق ام کثومی
 ترجیب و توازش و اکرامله تلطیف و تطییب یور دیلر * عقیندن برادر لری
 عمار و ولید در کاه خیر الوامده کلوب حسب الشرط خواهر لری کندیلر تسلیم
 اوانه سنی التمام ایلدیلر * ام کثوم یار رسول الله احوال طائفة نسوان معلوم
 شرفه و انک زدر قلوبلری ضعیف اولور د اولند یقن صورتدن محضا افتتان
 دیندن خوف ایدرم دیو استرحام ایلدی * قرینه حال بایها الذین امنوا اذا
 جاءکم المؤمنات مهاجرات فامتنوهن الله اعلم بایمانهن فان علمتوهن
 مؤمنات فلا ترجعهن الی الکفار لانهن حل لهن ولا هم یحلالون لهن الا به
 کریمه سی جلوه نمای معرض نزول او اخله * اول قانون من خرف مؤمنات
 مهاجرات حقلرند دخی دستور اعمل اوقا احتمالی بر طرف اولدی *
 یونند ککره هجرت ایدن نسوان یثرب زمینه رغبت و با خود نشازت جهته
 و ادب امنیتی و اسلامیتندن برینل جازیه محبتله هجرت ایتمدیکنه
 استیلا ی اولنوب کریمه سی رسول ایسه مدینه دایه و مهری زوجنه

ادا اولور ایلدی * حسام فتح مکه قطع رشته صلح اند کد نصکره بوقاعده به
 دخی ضرب قلم نسخ اولندی * ام کاوم اراملدن اولغله زید بن حارثه تزوج
 ایلدی * ذکر اولنان اکیل مر صغ تنزیل ده مندرج اولان فزیده ولا تمسکوا
 بعضم الکوا فر منظور دیده اذعان مهاجر بن اولیحق مکه ده تخلف ایدن
 ازواجلین تطلیق ایلدیلر * ومکه ده مستهذقبض قبول اسلام اولنر مدینه به
 عنان بر اعترام اولق مر ادا تدیکه پنجه اشکینجه کفاره * کرفزار اولوب سیخ
 ازینله کباب اسادلخون ایلدیلر اول بوله دن ابوبصیر منظر تجلی هذابت
 رب نصیر اولغله * بر طریقه له کندوسنی مدینه به ایصال و خاکای کیمیا سایی
 نبوی به فرش ناصیه ایتمال ایلیوب عقبندن ازهر بن عوف واخمس بن
 شریف استردادنی متضمن مکتوب تحریر و خنيس عامری بدیله درگاه
 سیاد تمصیره تسیر ایلدیلر * دلالت طریق ایچون بر غلاملین دخی ترفیق
 ایلدوب سده قایم موصوله وصول لرنده مکتوبی تسلیم * والی بن کعب
 قرأت ایلدوب مضبوطی محاط علم نبی کریم اولد قده * بر موجب عهد سابق
 ابونصیر لر دی لازم ولا زق اولغله دست ارای صدق و وقاعده اوفی التخیایا
 حضرت تلمی * با ابانصیر قریشله بیخزده منعقد اولان حبل قریب الانحلال
 مصالحه به حواله مقرض نکث اولنوب بو وجهله جبین وفاداری داغدار
 غدر اولق لازم کاور * قریب با بوعغم نشاطه محول بو واقعاتن انبساطه مبدل
 اولوب حضرت فارح الهم والکدر سکا ومکه ده اولان مستضعفینه فرج
 و مخرج میسر یوره جفی نوشته لوحه قدر در * هله الحاله هذه قومک طرفه
 عودت ملایم مصلحه در یوردیلر * ابونصیر یار رسول الله بونده اخلاصکاری
 تکرار کفر تار و شاخه صوات کفار ایتلک سزارار مبدلر قورقر مکه مبتلای
 اقتتان اولورم دیواظهار ضمر اعت و نیاز مندی ایلدی * سید ولد ادم
 صلی الله علیه وسلم نه جواب سابقه جریحه قلبینه وضع مر هم یوردیلر *
 اصحاب کرام ابوبصیر به النجوا مر دیکتا احیاناً هزار مر دمدن خیر لواولور
 دیوزنا کمله مباشر لرینک اعدامنی ایما ایلدیلر * ناچار ابوبصیر قبیله دست
 رساقدار ایلدوب رفتای نام واقعه طرف بیت الحرامه متوجه اولدی منزل
 ذوالخليفة ده بر دیوار سایه سنده جلسه امایش ایلدوب مفاکهمه به اشتغال
 ایلدیلر ابوبصیر اعمال ضعت احتمال ایلدوب امتحان شهادت بهانه سبیل
 شیدان شمیرنی قبضه تسخیر المقله * همان قنای اسمانی کبی اوزرینه حواله
 وفی الحال کندی قلیله جان خبیثنی جانب جبهه اماله ایلدی * رفیق جنت
 و شکر ده صبر ابوب کف الامان وملاذدر دمنان اولان کنف جوار شاه

دو جهانه التجار جاسنه مدینه طرفه شتابان * و حضور همایونه القای
 جان ایلدوب هنوز طبطاب انبهار و خفقانده ایکن ابوبصیر مقتولت دوه سنه
 بنوب عقب کیرا و اقله اول انده معتدل درگاه نبوت عنوان اولدی * تقدیم شرائط
 تعظیم و توقیه ضوابط ادا و تفخیم نصکره یار رسول الله ذمت والا نهمتکره
 مر اولان وفای عهدی ایفا یوردیلر * بونده افکنده کرافتتان دین
 خوفیه امتناع ایدم المنة لله تعالی حضرت منی الملهکات بو عبد بیچاره به
 برات نجات احسان ایلدی دیدی * جناب رسول عالیجناب دهنکشیای
 استعجاب اولوب وبل امه محسن حرب لوکان معه رجال یوردیلر * یعنی
 پردلان رجال حربدن کندوسنه یارومدد کار بولسه عجب مر د نبردار ما ایلدی
 بعهده اذهب حیث شئت تعبیر یله مدینه ده اقامتی موافق رضای سعادت
 اولدی یعنی اشارت یوردیلر ابوبصیر مدینه دن چیه قوب طریق شامده معبر
 قوافل قریش اولان بر محله رکز نیره ارام ایلدی * پیام سر یازی ابوبصیر
 مکه ده منکنه اسرقسر کافر انده عصیر اولان یارانه منعکس اولیحق ابوجندل
 و تمش نفرد لا وری بدل مکه دن چیه قوب ابوبصیر کادیلر * غفار واسلم
 وجهینه وسائر قبائل متفرقه دن مهتدیان شاهراه اسلام اولنر کلوب وقت
 ایسرده اوج بوز مر د غضنفر فر مجتمع اولدی * و آمد شد ایدن کاربان قریشه
 رهزن اولوب مالارین تاراج وتالان و نفوسلین دلالت شمیرایله قائل هل
 من مرید جانیته روان ایلدیلر * ما حصل شیر پنجه عیش قریش بر طیش اولمیر یله
 ناچار ابوسفیانله استان محلد الاقبال طرفه ضراعتنامه ارسال ایلدوب
 صحیفه مهاده دن شرط فاسد استرداد ایسقاط اند کلر فی اشرا یله ابوبصیر
 وسائر یاران صداقتهمر مدینه به اجتناب اولتیق ضمنده نیاز مند همت
 رسالتنصاب اولمیر یله * فرمانفرمای کثور علواقتدار حضرت تلمی دخی
 ابوبصیر و ابوجندل مدینه به کلوب سائر لر دیار لرینه متفرق اولق پاینده
 امر عالی اصدا یوردیلر * مر ویدر که نامه نامی نبی تمای ابوبصیر مغلوب
 دستبرد سکره الموت اولدی یعنی حالده واصل اولوب مشاهده سبیله قریب العین
 اولد قده نصکره مالیده چهره استکانت و دیدار سعادت اظهاری شوق و حسرت
 ایلدوب هنوز قرآنه مبادرتده ایکن نه خنه نفیسه حیاتی رسیده ختام و عشق
 محمد یله کایما زکرن جانب دار اسلام اولدی * رضی الله تعالی عنه ابوجندل
 تجهیز و تکفین و اول محله کچینه صدق و یقین اولان وجود بهینلین
 دقین ایلدوب مرقدی اوزره بر مسجد بنا ایلد کد نصکره بر جمع مسلمانله عازم
 درگاه رسالت اقتران اولوب باقی یاران دیار لرینه بریشان اولدیله صورتیافته

کارگاه بیان اولدنی اوزره اوجوندلک ردی ماده سنی استنقال واستنساب
ایدن برزه اصحاب هر حالده امتثال امر عالی مستوجب خیر عظیم و مستجاب
نفع عظیم اولدنی عین الدقیق معاینه ایلدیلر * و پنج مسرود اوزره معمود
اولان صلح و صلاح باعث تکثر حرب و فلاح اولدنی دخی مشهوری
اولشدر * زیرا صلح سببیه کفار مامون اولوب اهل اسلامه خلطت و بعض
خارق عاده مجرزه و آثار مشاهده سببه قلوب سنگینیه ملائمت کلوب
کروه ها کرده شارح مستقیم دین قومه انسلاکله منهل عذب اسلام کثیر
الزحام اولشدر *

* الحیان غایه اظهار نکاح * ام حبیه و منع الزاح لاح *
الحیان و غایه اظهار حسب المقام عاطف مقدرا یله مطوفلدر * و فی سنه
نظاکانت غزوه بنی الحیان و غزوه غایه و وقع اظهار تقدیرنده در * الحیان فتح
و کسر لامله هر یلدن برقیله در * بیت مر قومه بش لایحه مندر جدر *
غزوه بنی الحیان * غزوه غایه * وقوع اظهار * نکاح ام حبیه * منع شراب *
غزوه بنی الحیان * مر سوم براغه بدیع البیان اولدنی اوزره بنو الحیان رجیع
وقعه سنه مر تکب اولدقاری سوء اعمالک حسب الاستحقاق جزای اجرا
اولتی دایما خاطر خواه سلطان الانبیا اولوب لکن * حدوث امر کالی
بومصلحت جزئی به عائق اولشیدی * سنه من پوره ربیع الاولنده ابن ام
مکتومی مدینه ده استخلاف وایکیوز مر دمیدان مضاف ایلر کاب عزیمه
وضع قدم همت یوبوب * اغفال اهل ضلال ایچون ظاهر اشام طرفنه
انماله لجام پیوردیلر * بعده راه راستدن انغار ایلر اول قوم بکطبعان اوزره
نسیم سحر اساره پیمای اولوب مشهد عاصم و سائر یاران مستظل شقه لوائی
سهادت اقتران اولدقده روحلک تحفه د عابره یادور جامند غیث هظال رحمت
جولد اولدیلر * ارامکاه بنی الحیان بازده سنابل الخیل اسلامیهان اولیحق
مکر مقدمه توجه موکب همایوندن خبردار اولمیلر شواهی جباله فرار
ایتمش بوانقسله هر طرفه سرایا ارسال و اول مخاذیجی جستجو ده لوازم
اعتمای اکل ایلدیلر * برمتق کورلما مکه قریشک ارکان حذورلرینه
ترزل ویرمک ایچون اسفانه واریلوب اندن مدینه به رجعت اولندی * غزوه
غایه * هنوز ماه من پور منسلخ اولدبن غزوه غایه دخی ظهور ایلدی *
بوغزابه غزوه دی قرد دخی دیرلر فتح الشاف والرا مدینه به اون ایکی میل
مقدمه برجه احمد در صورتی بودر که * حضرت سید الاراک بکرمی
رأس قریبه التناج شتر شیداری اولوب راعیسی ابوذر غفاری * غایه نام

محل ریفته ری و چرا ایتل یابنده استیذان ایلدیکه عینیه بن حصین اغاره سی
هجتندن ناشی رضاداده اولمز لاییدی * برکون زیاده جه ابرام ایتمکله
حضرت شاه لولالاکافی بل قد قتل ایتل واخذت امر ایتل و جنت تنوکا
علی عصاله تعبیر یله سرانجام کاری اشمار پیوردیلر * واقعا بوذر بروفق خبر
رسول جلیل الخاطر نواب مر قومه به ظاهر اولدی * وقعه دنه مکره
الجب که حضرت برکیده اختیار بکا بویه دیدیکه بن اهنک الحاح و ابرامی
شعبه دارا یدرم دیوتا سف ایدرایدی * کندودن مر ویدر که برکیجه محل
من پورده سرکران رطل خواب ایکن ناکاه عینیه بن حصین قرق تفر
واجب الحین اشقیایله وقت سحرده نجس اکبر کی شیخون ایدوب اوزر مره
حبقردی * او غلم مقابل اولدقده قتل و زوجه می سی و دوه لری دستر زده تپ
ایدوب کندی * اول هنکامده سلمه بن اکوع نیر و کمال الوب غماشا کتان غایه
طرفنه عزیمت ایتشیدی * بر قادمندن وقعه بی استماع اندکده طیبیه به
رجعت وثقیه الوداع اوزره حبیبوب اوج دفعه واصباحاه دیواستغاثه
ایلد کد نصرکه تل و تنها اول دلیریمه تا ماتد شیر عقب کیر کروه خنازیر اولدی *
باد صبا کی چیزه با اولمعه وقت پسیده ابریشوب بی تردد قشارندن تیر باران
ایلدی * هر تیره که کشاد و پررایدی خذها وانا بن الاکوع دیومباهات
ککان بیان نام و نشان ایدردی * کروه اشرا سلمه اوزرینه عنان انکیر قصد
و هجوم اولیحق فرار ایدوب ساحه سلامته حبیبقارایدی * یا خود بر درختی
سیرانوب زبان تیر ایلر ایصال پیام تدمیر ایدرایدی * رجوع علرنده بیلک قضا
کی بنه در قضا اولوب کما کان اعمال کما کان ایلرایدی * و بر تیری سیابان ضیاعه
کتیوب البته بر کافرید کهرل پوته جسم خبانت پرورنده کارکر اولورایدی *
وحسب الطريق شعاب جباله دخولارنده حواله اولان جبله حبیبوب
سنگ ارایدرایدی * نوموال اوزره اول سربازان جهان دنباله دود شمعان
اولوب اول کروه مکر و همی اول درجه ده تضییق ایلدیکه غارت ایدکاری
شتر ایل اکثری استخلاص ایلد کد نصرکه اشغال ایچون برر و توز عدد
نیزه و او توزدن متجاوز برده القای تمیلرله همان انلاری اخذ و هر برنی بر طاش
التنه وضع ایدوب بنه تعقیب و تعذیب ایدرایدی * بری طرفدن مدینه
منورده حضرت رسول مطاع سلمه تلک استصراخنی استماع پیور یحق
حسب الامر اسواق مدینه ده یاخیل الله ارکی عبارتیه ندا اولندی * ایندا
بوعنوا لیه ندا بوغزوه ده صدور ایلدی * پس جله سپاه اسلام سوار اولوب
مقداد بن عمرو مقدمه ارسال پیوردیلر * بجله دن اقدام مجر زین غایه

الاحزم الاسدي ابرشعله ساه اوكنه كلوب عنان اسندن اخذ واعد
 طرقتن تحذيرايه توقفني التماس ايلدي * محرز باسمله خد اورس ولنه
 وقبامت كونه ايمانك وارايسه بخله ميانه شهادته حبلولدن فراغت ايله
 ديكله سله دخي ارخاي عنان ايلدي * همسان برق خاطف كي ابرشوب
 عبدالرحمن بن عبينه نك اسني تعقيراندی عبدالرحمن دخي برنيزه اوروب
 اول اهل سعادت مامولي اوزره محرز شرف شهادت ايلد كد نصكره سمند
 محرزه تحول صددنده ايكن * ابوقناده ابرشدي عبدالرحمن ابوقناده نك
 اتني تعقيرايوب اول دخي برصدمه شمشيرايه لعين مسفوري معلق زن حفرة
 سعير * وكندي انايله اورتوب مخدول مقهورك اتنه سوارويته فراريدار
 عقبتن الفاراتدي * حضرت شهنشاه كشور نبوت مدينه ده ابن ام مكتومي
 اجلاس مسند خلافت * وسعد بن عبادي اوجيوز نقر دلاورايه تعيين
 حراست يورد قد نصكره كند يلري سائر صحابه كرام له سوار وولجام انكيز ناره
 صبار فنا اولد يلر * جامه ابوقناده ايله مسجي قنبل اوزرينه مرور ايلد كده
 اهل اسلام ابوقناده ظنيله استرجاع ايلد يلر * واقف سرائر كوئين
 حضرت يلري ابوقناده دكدره لكه مست رحيق تنغ ابي قتاده دريونكنه
 بي اشعارا بچون كندی شعاريله تعطيه ايتمشد يوريجيق * حضرت فاروق
 انوب اول ستاره بي رفع ايلد كده الله اكبر صدق الله ورسوله يارسل الله غير
 ابي قتاده ديدى * بعده نواحي خيبر دن ذي قردنا حيه سنده برجيل منصب
 خيام كرد و عمل اولوب بالجه سياه اسلام ملحق معسكر ثريا انتظام اولد يلر *
 ساه خاكاي عرش فرسايه جبين ساي اولوب يارسل الله فراريدار زبون آتش
 عطش اولغله اذن همايون اولور سه بوشده لري يوزنه درلير ايله عقيبكبر اولوب
 بقيه منهوي انتراع ايلد كد نصكره جمله سني ره پيماي جانب بنس المصير ايديم
 ديواستيدان ايلدي * مرور عالميان تبسم كان يا ابن الاكوع اذا ملكك
 فاسحج تعبيريله دم قدر تده رفق وملايمنه ارشاد يورد يلر * مظفر وقت
 فرصته عدودن انتقام المزم * سلمه رضي الله عنه تشكي كرتي ختكاي اذعان
 ايتمنك سبي بودر كه * اول كون هتكام غروبه قدر دامن تعرض اعداي
 لئامنن قصر يد اقدام ايتيموب تاكه برشعب منهله كلد يلر * نصيبي سلمه دن
 برقطره صوايحكمه اقتدار لري اوليموب تاب عطشه ينيه بي سپر راه اديار اولد يلر
 وصور لقتن ايكي راس انلرينه عي وكلال كلمكله ساه انلري معسكر ظفر
 پروره ايصال ايتشيدى * چون محل من يور مضرب لوای منصور اولدى *
 يباده وسوار بره ولده بشيوز و قول ديكرده يديوز سياه نصرت اثار فوج فوج

كلوب برون اسار تكام واول كچه انده ارام اولندي * سنيه سالار جيبوش
 اسلام عليه اسلم السلام حضرت يلري ابوقناده وسيله حقارنده خير فرسانسا
 ابوقناده وخير جالتنا ساه زمزمه سيله اول ايكي شهباز ممتازك فوق المرام
 اظهار تجلد واقداملرين سزاوار تحسين تام يورمقله * مر مغر تلرين بالاتر
 سبهر ميتافام ايلد يلر * وحسب الاشارة يوزنه بر جزور اعطاس اولوب
 نحر و تناول ايلد يلر * سيد خريج سعد بن عباده رضي الله عنه اردوي همايونه
 اون جزور برقاج بولك خرما هدايتك كده ذي القرده نام محله واصل اوليقي
 حضرت سيد الانبيا اللهم ارحم سعدا والسعد بن سعد بن العباد
 جواهريله مظهر صله دعاوتنا يورد يلر * انصار كرام يارسل الله سعد بن
 عباده سيد من وسيد زاده من درخط وغلا هتكامنده خاقي اطعام واقرا *
 وقوم وعشيرته هر خالده انجباد راعا نكله متحمل اعباء مشقت وعنا اولان
 خاندان اصالت احتواد ندر ديد يلر * حضرت سيد المرسلين دخي خيبر
 الناس في الاسلام خيبر هم في الجاهلية اذا فقهوا في الدين يورد يلر *
 اول ائنهاده زوجه اوزر برتقريله بنده اعداي بد كهر دن خلاص اولوب
 شتران منهويه دن عضبانام شتر دلكش اندام بر موجب اشنايي رام اولغله *
 اكاد وارومهارا انكيز قرار اولوب طائفة كفار خبردار اولمريله * واقر مسافه
 تعقيب ايليوب بروجه له ادر اكنه امكان اولما مقله خيبت وخسرانله
 روگردان اولد يلر * اثنای فرارنده اكر حضرت رها دهنده افكند كان كربت
 جل شانه * بكا يورر طه هوا كندن سلامت عنایت ايدرسه عضباني ذبح
 وكبد وسنا مندن تناول ايديم ديوتير نديوان پریشان ادين اوزره نذرومين
 ايلمكله * سلامته واصل موكب عز وحشمت اولد قدده صورت نذري عرض
 موقف مجد و رفعت ايلدي * حضرت بر كنده انام عليه الصلوة والسلام
 بئسما جزيتهم ان جلت الله عليها ونجالتهم انم تخونهم الا نذري معصية الله
 تعالى ولا فيها انما نافة من ابلي يورد يلر * بعده سعادته عضبايه سواروسله
 جنايتي شرف اردافله نازل نهايت وافتخار يوروب اقبال ومنقبتله مدينه به
 رجعت يورد يلر * يوسف جليل الاثر ده جان كي مدينه دن نهان اوللري همان
 بش كون ايدى سلمه به هم پياده وهم سوار سه بني عنایتله دوبالاشان توجه
 وعاطفت ايلد يلر * وقعة طهار * سنه من يورده * بعد غزوة الخديبيه حكم
 ظهار بيان اولندي * بعض اشنايان فن سير غزوة خيبر د نصكره ظهورنه
 امضا كش صل ائرا اولمشد در * سبي بودر كه اوس بن صامت رضي الله عنه
 ذاتنده پرفاني وضرب روستي الامتراج وغرب المزاج بر كسه اولغله بركون

حلیله سی خوله بنت ثعلبه به که عمرزاده سید بر ماده ضمیمه غضبه کلوب
 سن بکا والده ملک ظهري کبی اول دیدی * بونعیر بالتجوز دعامة بدن
 اولان جزو اسمنی کل اوزرینه اطلاق قیلندن اولغله جاہلینده حرمت
 مؤبدہ بی منضی اشد الفاظ طلاق ایدی * بعده طلب کارمر اودت اولدقدہ
 خوله تعفف ایدوب بوماده بی درگاه رسالت پناهه عرض ایتدی که شائسته
 وصال عظیم الاحتمال دریدی * برروایتده اوس نادم اولوب بولام جائز که
 دین اسلامده دخی موجب بینوت مابین اوله حضرت مشکاکشای جله
 ورادن بن واروب استغنا به حجاب ایدرم سن کیدوب حکمنی ستموال ایلہ
 دیوخوله بی ارسال ایلدی * اولدخی حجره صدیقه به واروب اول انشاده
 جناب صدیقه حضرت سید نبیلک سروکیسور لنگل غسل وترجیل خدمته
 مشغول ایدی * خوله یارسول الله اوس بنی تروج ایلدکده هنوز بن نورسته
 وغایت مالدار و قوم و تبارم پیشمار ایدی * الحاله هذه مال و جمال ذائل
 مضجع اولوب اقارب و متعلقاتم پریشان و اشبال و اطفالم فراوان اولدقدہ
 اوس بکا اظهار ظهار ایلدی دیدی * حضرت سرور انام باخوله من بعد
 سکا اوس حرام اولدی بیور یحیی * خوله فریاده اغاز ایدوب الهی فقر و بی
 نوابی و ضعف بدن و تنہای و عجز و افتقار اطفال صغار مدن درگاه راقبناهنه
 بت و شکوا ایدرم * اگر اطفالی اوسه تفویض ایدرم ضایع اولورلر * یاغده
 ایضا ایدرم جله سی نان در دیله جان و پر لر دیو کربہ وزاری ایلدکده * بی
 اختیار حرمتی نبوت اہالی سی دخی تأثیر رقتلہ اشکبار اولدی * اول انشاده
 حضرت صدیقه سر سعد افسر نبوت بر شقی غسل و شقی دیگرہ نقل
 ایتشدی * ناکاہ سیمای سیمای سامیلر نده اتر و حی غمیان اولدی *
 غب الانجلا کل بر تبسم لطافت فرما اولوب در ساعت اوس بن صامت احضار
 محفل سعادت و بوخصوصہ نازل اولان * قد سمع الله قول التي تجادلک
 فی زوجها و انت شککی الی الله والله یسمع تحوارک الایات کریمہ لرفی تلاوت
 بیورد قد نصکرہ بر موجب حکم کرد کار زمتنه لازم کلان عتی رقبہ به ایتدار
 برله امر بیوردیلر * اوس یارسول الله بوخصوصہ ید اقتدارم قاصر در
 یدی * حضرت سید الا برار متواتر ایکی ماه روزه دار اول بیوردیلر * اوس
 هر کون ایکی دفعه معده ه غدا راصل اولدخی باصره عطله عمارض
 اولور دیدی * حضرت برکزید انام التمس مسکین اطعام ایلہ بیوروب اوس
 مکر باوری کر مکاری یاری اوله دیدی * حضرت پیغمبر ایشان اکاعانت
 واحسان بیورمفلہ اول دخی التمس مسکین اطعام ایلدی * اسلامده

اول ظهار بودر * نکاح ام حبیبہ * رملہ بنت ابی سفیان بن حرب رضی الله
 عنہا مقدمه زوج اولی عیید الله بن جحش ایلہ هجرت ثانیہ ده حبشه به هجرت
 ایدوب عیید الله انده تنصیر ایلدکده نصکرہ مر داو لغلہ کندیلری ثابت قدم
 مرکز دین محمدی و لمغین * حضرت رسالت سیر تروج ام حبیبہ خصوصه
 نجاشی به که تاج و هاج اسلامه حاضر فر و ایتہاج اولشدی * برقطعه مشرقه
 کرامی تحریر و عروایله تسمیر بیوردیلر * نجاشی نامه رسول الثقلین برله قریر
 العین اولیحق فی الحال مرده ایچون جاریه سنی ام حبیبہ به ارسال ایلدی *
 بر قاج کیمه مقدم ایدم حبیبہ به واقعه سنده با ام المؤمنین عنوانیلہ خطاب
 اولغله مخترط سلسله الذهب ازواج طاهرات اولغله تعبیر ایتشدی * بومرده
 و صوانده کمال سرورندن اوزر نده اولان حلیانی مزدکانه ایدوب عقد نکاح
 ایچون خالد بن سعید وکیل ایلدی * نجاشی وقت عشاءه جله اهل اسلامی
 دعوت ایدوب حضور لر نده بوعبارتله خطبه نکاح قرأت ایلدی * الحمد لله
 الملائک القدوس المؤمن المہین العزیز الجبار * انهم دان لا اله الا الله وان محمدا
 رسول الله و انه الذی بشر به عیسی بن مریم علیه السلام * و بعد * فان رسول
 الله صلی الله علیه وسلم * کتب الی ان ازوجه ام حبیبہ بنت ابی سفیان فاجبتنا
 وقد اصدقتهما اربع مائه دینار * بعده امر ایلدی در تیموز دینار خالص العیار
 کتوروب مبدانه وضع ایلدی * خالد دخی الحمد لله احمده واستغفینه واستغفره
 واشهد ان لا اله الا الله وان محمدا عبده ورسوله * ارسله بالهدی و دین الحق
 لیظہره علی الدین کله ولو کره المشرکون * اما بعد فقد اجبت الی ما دعی الیه
 رسول الله صلی الله علیه وسلم * و زوجته ام حبیبہ بنت ابی سفیان * فبارک
 الله لرسوله علیه الصلوٰة والسلام جوایله امر نکاحی اتمام ایلدی * نجاشی
 اول دینار لر ی نه کندی جاریه سیله ام حبیبہ طرفنه ارسال ایدوب ام حبیبہ
 دخی الی التون قدم رنجہ اعطا ایلدی * فرداسی ام حبیبہ نل اعطا ایلدی
 حلیانی و دینار لر نجاشی امر یله اول جاریه کیر و طرفنه ابراد و وافر عنبر
 و زیاد اهدا ایلدی * و بحمدہ تعالی بنم دنیا جهنتده احتیاجم اولدی یقتدن
 ماعد اندام لباقم حلیه هدا یله برزبب وزینتدر * بکا احسانک همان کل
 صبرک کلزار بلاغ حضرت تلبینه طرف کتر اغدن تحف تحیت و سلام ابلاغ
 ایدوب دین مبینته اتباع ایلدی بکمی و حکم رسالتی معصوم مطاعم
 اولدیغنی الماع ایلده سن دیدی * و بوند نصکرہ هر کله کچه رجامند اولدیغم
 ماده بی فراموش بیورمیه سز دیو تکرار بتکرار نیاز کار اولور ایدی * نجاشی
 حضرت تری ام حبیبہ نل جمیع مهماتی رؤیت و تکمیل ایدوب همیره فاده سی

شرحیل ایلده صوب مدینه به تسبیل ایلدی * محرم شبستان نبوی اولدقد
 کیفیت خطبه بی و جاریه مرقومه نل * عراضه درود و تحفه تی عرض
 و تبلیغ ایلدی * حضرت برکزیده انام علیه اتم السلام تبسم کتان و علیها
 السلام و رحمة الله و برکاته بیوردیلر * منع و تحریم شراب * سال مرقومه که
 سادسه هجریه در تحریم شرب خبر یافته ایت کریمه نازل اولدی * سنه رابعه ده
 و نالنه ده اولدینی دخی بر ویدر لکن میانه روایانده کافه نزاع حقیقی
 مرقومدر * زیرا اوقات ثلثه من بورده ده انواع تحریمدن بر رونعی ناطق ایت
 کریمه نازل اولدی * و اوقات ثلثه مسروده دن مقدم و مؤخر بر ایت دخی نازل
 اولدله خرمه من لقی جماعیش ایت کریمه شرف نزول بولشد * اولامکه مکرمه ده
 خیر ایل امتنانی متضمن و من ثمرات الخیل و الاعصاب تتخذون منه سکرا
 و رزقا حسنا ان فی ذلک لایات لقوم یعقلون کریمه سی نازل اولدی * و من ثمرات
 کله سنده من حرقی ما قبلنده و ان لکم فی الانعام عبرة نسقیکم مما فی بطونه من
 بین فرث و دم لبنا خالصا سائغا للشاربین * کریمه سنده واقع نسقیکم دلائله
 مقدر نسقیکم فعلنه متعاقدر * تتخذون فعلی بضم النون نسقیکم قرآنه
 کوره اسفانی و یفتح النون نسقیکم قرآنه کوره سقی بیان ایچون سوق
 او انفس استیفا قدر یا خود من حرقی تتخذون فعلنه متعاقدر * منه کله سی
 مؤکد نظر قدر یا خود و من ثمرات کله سی تتخذون کله سنه صفت اولان مقدر
 ثمره ظنلن خبری اولغله * تقدیر کلام و من ثمر الخیل و الاعصاب ثمر تتخذون
 منه دعل اولور * ترکیبین اولینه کوره منه ضمیری عصیره راجع و ترکیب نالنه
 کوره ثمره عائد اولور * و اتخذوا ولان رزق حسدن مراد تموز و زیب و خل
 و دبس کی حاصلات لطیفه در * سکر کله سی فختینله سکر فعلنل مصدر یدر
 بحجاز اخره اطلاق اولندی * اهل اسلام مقدمای اشام اولوب بعد الهجرة
 حضرت نبی ذی شانندن ماعد اصحابه کرام کما کان کیت بادیا ایلده هم عنان
 اولدیلر * آخر عالم حضرت تباری بعثندن یکرمی سنه مقدم حق مکرملرنده
 شرب خرم محرم اولشیدی * کرچه مقدم و مؤخر ذائقه دار باده تراولما شد
 اول مانمائی عنهر بی بعد عبادة الا صنم شرب الخمر حدیث شریفی مؤید
 مدعادر * فی نفس الامر اول اب اتش نمادلسر و سامان شعوری بر باد ایلل
 فسادی اقدام مفا سندن اولدینی بعض اصحاب طبع سلیم معاینه ایتلرله
 نفسینه تحریم ایلدیلر * ثانیاً * نالنه هجریه ده اجله اصحابدن حضرت
 عمر و حمزه و سادین جلال اول ام خیانتندن مولد از الة عقول و سلب اموال
 کی بعض کجیفات و فطیعه به مبنی خروهم عیاری اولان قاردن

استقامت ایتلرله * ویستلونک عن الخمر و المیسر قل فیها اثم کبیر و منافع للناس
 و اثمها اکبر من نفعها * کریمه سی نازل اولغله * اکثر اصحاب اثم کبیر اولان
 سنه بی ارتکاب موقع صوابدن دور دردیودامن صهبادن دست افشان تعرض
 اولدیلر * قوله تعالی قل فیها ای فی تعاطیها اثم کبیر لاقضاء اثمها ترک المأمور
 و فعل المخطور * و منافع للناس من کسب المال و الطرب و الالة ذاذ * و ترید
 الخمر تشجیع الجبان و توفیر المروة و تقویة الطبیعة * ثالثاً * رابعه هجریه
 عبد الرحمن بن عوف بعض یاراننی دعوت و ترتیب بزم عشرت ایدوب *
 زور کیفیت باده ناله دماغ حس و شعور لری بیتاب اولغله * صلوة مغریده
 حضرت مر ترضی جماعت مسلمینه پیشوا اولوب سورة فاتحه دنصکره قل یا ایها
 الکافرون سورة سن اسقاط لآت تغیدن بشقه لیس لکم دین و لیس لی دین
 و تیره سنده سبق لسان ایتسکله * فی الحال یا ایها الذین امنوا لا تقر بوا الصلوة
 و انتم سکاری حتی تعلموا ما تقولون * کریمه سی نازل اولوب حالت سکرده
 نمازه تقریدن ممنوع اولدیلر * بعضلری نماز ایلده بیخیزه حائل اولان سنه بزمه لازم
 دکلدر دیوترک ایدوب * بفرقه اوقات صلوتده جامه زائقه لرک خون
 کبوتردن پالایلیوب بعد العشاء و الفجر نشسته نال اولور لایدی * رابعاً *
 سادسه هجریه ایکی سیده مبنی خطر ونهی وارد اولشد * اولاً * عتبان
 ابن مالک انصاری برقاج اصحاب کرامه ترتیب ضیافت ایدوب بر سر شتری
 بریان و بنت العنبی دخی در میان ایلش ایدی * کرما کرم اولدقد اقتضای نشوة
 مستی ایلده شرف انسابه متعلق مناشده اشعاره ایتدار ایلدیلر * اهل دایره دن
 سعد بن ابی وقاص کندی قومنل مدح و انصارلک نقص و قدحی متضمن
 بر قصیده انشاد ایتسکله انصاردن برسی نواله بزم اولان استخوان مرشتری
 سعدلک کله سنه حواله ایلکین کاسه سرنندن می کلکون کبی خون روان اولغله
 بشلیدی * سعد بو هیئتله در کاه رسالته کلوب عرض و شکایت ایلدی *
 ثانیاً * پیش ازان بر کون سید الشهداء حضرت حمزه نشسته دار رحیق مصفا
 اولغله حضرت مر تضائل ایکی ناقه سنی شمشر ایلده هلاک ایلد کد نصکره
 جکر لک اخراج و سنا ملرک قطع ایلدی * حضرت مر ترضی خبردار اولوب
 وارد قدده بشره حمزه ده کیفیت دیگر مشاهده ایتسکله شق شفه کلام ایتیبوب
 عودت و حضور رسول الله کلوب کردار حمزه بی حکایت ایلدی * حضرت
 رسول الله حاضر بالمجلس زید بن حارثه بی الوب و حضرت حیدر برابر طرف
 حمزه به متوجه اولدیلر * خین لقمانده برکزیده عالمیان حضرت تباری بوکار
 ناهم واره ایتدارک سبندن استفسار بیوردقد حمزه بر خشم و غضب اولوب

خارج طور ادب بعض کلماته دهنگشای مجسمت مستی و ایچق صاحب
سماعت حضرت قری همان قهقهه قرانه رجعت پیوردیلر * حضرت عمر باجله
بوفساداته باعث ام الحیات قدر الله بهم بین لنا فی الخریساتا فیا دعاسیله نیاز
مندر درگاه کبریا اولغله * یا ایها الذین امنوا اتقوا الحرام و المیسر و الانصاب
والازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه و لا کم تفلحون انما یرید الشیطان
ان یوقع بینکم العداوة و البغضاء فی الخمر و المیسر و یرصدکم عن ذکرا الله
و عن الصلوة فهل انتم منتهون * کریمه لری نازل اولغله * حضرت عمر انتمینا
یا رب دیوب همان اول ساعت فرمان مرور ملک رسالتله گوشه گوشه اسواق
مدینه ده الا ان الحرقه حرمت نداسیله من بعد اول تا محرم ناشیزه شیم هیزم
رجال دین اقوم اوقای محرم اولدیفنی اعلان و اشاعت ایلدیلر * میسر قمار
معناسته در * انصاب نصیب جعیدر پرستش ایچون مشرکینک نصب
اند کبری صنم معناسته در * ازلام جمع زلم در فتح زاولا مله ضم زایله ده لغتدر
قدح معناسته در که یلکسز غرسز اوقه دیرلر * جاهلیته شرع و ایچق
مصلحت ضمیمه انکله استقسام ایدر لرایدی * بووجهله که اوج اوق الوب
برینه امر فی ربی و دیگرینه من سانی ربی یازوب او جیحیسنه سنه یازملر
ایدی * بعده اوچنی بردن بر ظرف ایچره قیوب اجاله اند کدند کمره
لا علی التعمین برقی اخراج ایدر لرایدی * اگر امر فی ربی ایلده مسوم اولان
چیقارسه اول مصلحت مبادرت ایدوب و اگر نه سانی ربی مسوم اولان
چیقارسه فراغت سهم ثالث چیقارسه ینه وضع ایدوب فعل سانی تکرار
ایدر لرایدی * ایت خامسه دخی بوسنه ده نازل اولدی * سر مست سلافه خیر
بوشیوه ایلده اداره جام اثر ایلدیر که علی الاطلاق نهی و منع خبر باینده نازل
اولان نص قاطع موجبجه حکم حرمتی ازقه و اسواقده منادیلر اعلان
ایلدیکی او انده انس بن مالک شوهر مادری ابوطحله خانه سنده براقاج
احباب ایلده نوشانوش بادقناب هنگامه سنده ایکن * اواز منادی کوشزد
ابوطحله اولغله اشارت ابوطحله ایلده انس چیقوب ماده دن خبردار و بارانه
اخبار ایتمکله خم و پیمانه لری بخت و ارون لای کشان معارف کی سر نکون
ایلدیلر * پیمانه کشان مجلسدن بعضی احد ملحه سنده مست سلافه
سماعت اولان بعض مسلمانک ساغر معدله لری سرشار شراب اولدیفنی حالده
متوجه صوب نعم المآب اولد قلمین ید شهادت مناسبت ایتمکله * لیس علی
الذین امنوا و عملوا الصالحات جنات فیما طعموا کریمه سی نازل اولوب اول
سر کرمان زنجیل سماعت قبل التخریم متناول اولرله منظر نکال

اولیه جعفری بیان و بشارت پیوردی : قوله تعالی فیما طعموا ای تناولوا الطعام
الشامل للشرب * ایضا : زمان خلافت فاروقیده بر کون قدامة
ابن مظعون لب الای باده کلکون اولوب اظهار نزل مستی ایتمکله
حضور عالیه اینه احضار و حد سکر اجراسنه ابتدار اولند قدده * بوایت کریمه
ایله احتیاج صد دنده اولغله حضرت فاروق و ابن عباس رضی الله عنهم ایت
مر قومه کدشتکان امت مقفور ایچون عذرو عنایت و پیمانده کان ملت
میر و اوزرینه جختدر دیوب جلد ثمانینه حد سکره اعمال دست همت
اندیلر *

* سینا غزا خیر فذل القرى * قضایبیر من تین قد مری *
سینا قولی ظرف در مؤخر غزی فذلله متعلقدر * غزا الذی فی سنة ستین خیر
تقدیرنده در * فذل وادی القرى عاطف مقدر ایلده خیر اوزرینه معطوفلر در
قضایبیر من تین ایچون قصر اولمشدر * کذلک تقدیر عاطفه غزی جله سی
اوزرینه معطوفدر * و وقعت عمرة القضاء تقدیرنده در * بشیر مبتدادر
قدسی جله سی خبر در مرتین مفعول مطلقدر جله سی عاطف مقدر ایلده
معطوفدر بیت مر قومیش لایحه بی مشتملدر * غزوة خیر * غزوة فذل *
غزوة وادی القرى * عمرة القضاء * مرتبه بشیر دوباره * غزوة خیر *
ولادت باسعادتک التمشی سنه سی که سابعه هجریه در او اخر محرم الحرامنده
غزوة خیر صحیفه زیب مغازی سید البشر اولمشدر * امام مالک حضرت تارندن
او اخر سادسه ده اولدیفنی مریدر * و ابن حزم بوایت اوزره جزم ایتمشدر
لکن ابتدای سال شهر هجرت حقیقی اولان ربیع الاول اعتبار ایلده شقاق
میانته روایتین قرین التیام و اتصال اولور * خیر شام جهتدن مدینه به
سکز برید مسانه ده مزارع معبوره و حصون موفوردی مشتمل بر ولا یتدر *
هر برید درت فرسخ اولغله جمعا و نوزایکی فرسخ اولور عمالقه دن بانی مدینه
منوره اولان یتربل برادری خیر نام کسنه بنا ایتمکله اسمیله موسوم اولدی *
بعضلر خیر لفظی یهود لغتده حصن معنا سنده در حتی مشتمل اولدیفنی
حصونه خیار اطلاق اکامیندردیدیلر * شهسواران مضمار خبر بوزمین
اوزره عنان انکیر سمنند اثر اولدیلر که * مقدا اشارت اولندیفنی اوزره موکب
جلالت حدیبیه دن معبوره دارالمجره به معاودت ایدوب کراع الغمیم نام
محل و رود لنده سورة فتح شریف نازل و تفخات مواعید الهیه ایلده ادمغه
حواس مجاهدینه انبساط و قوت حاصل اولدی * واقعه ان سر اقرآنیه
ومغانم کثیره تاخذونها کریمه سندن مراد مغانم خیر اولدیفنی تنصیب

ایشان در پس شهنشاه معلا جاه سر بر اصفافا علیه اتم الصلوات واهم التحایا
 حضرت تری هجرت سرای قلات فرسارنده بکرمی کون مقداری
 اقامند نکره * ووقعه حدیده ده هپای جهاد اولان اجناد حیت نهادی
 استغفار و بالجملة نهیة اسباب کارزار ایتمک باینده فرمان عالی اصدار و جهت
 توجه تری یو و خیر اولدیفنی اشعار و بسفر دن مختلف اولنلر بهره دار غنیمت
 اولیوب و عزیمتدن مراد انجیق فی سبیل الله جهاد اولغله دار الخزانة
 متخیله لری آکنده شوق امتعه دنیا اولنلر بته ه مقدم می افتت اولسونلر دیو
 امری یوردیلر * سیاح بن عرفطه مکین مسند خلافت اولوب پرده نشینان
 جر مسرای نبوتدن ام المؤمنین ام سلمه جناب لری هودج ارای همراهی
 واستصحاب اولندی * عباد بن بشر بر مقدار میدان کارزار برله
 طلایه لشکر جزار تعیین یوردیلوب انشای راهده نا کاه جاسوس خیر یانه
 مصادقت اولغله گرفتار * و مورد ووردن استفسار ایلد کونده * انکار
 ایتمکله ضرب وایه ادخوف جان سر نهاد اولیق استیجان ایدوب بعد الامان
 خیر یان طرفندن جاسوس اولدیفنی اقرار و بیان ایلدی * و چند روز طرفنده
 کرچه کافری بنای ساحل منافقت و پایای فرنگستان شقاق و شقاوت
 خذول جهول ابن ابی بن سلول علت اتحاد ملت برله توجه اسلام یانندن
 خیر یانی خبردار * و سپاه اسلام ضعیف و قلیبی اشعار ایدوب بی محابا
 کار سازی حرب و وغا برله مقام مدافعه ده قیام ایلده سر دیو جنگ و جداله
 اغرا ایلدی * لکن مقدمه ما بنوقر یظه و بنوقر یظه قارنده سبق ایدن معامله
 سقوط کندیلر مدار عبرت اولغله حصار درون موهون الاساسلرینه
 جنود مجنده رعب و هراس مستولی اولغین بکیت و کیفینکری تجسس
 ایچون بنی ارسال ایلد یلیدی * عباد اول یهودی بی کشیده یشکاه رسالت
 و تقریری ایداع سامعه سعادت ایلد کده حضرت عمر قلی باینده استیذان
 ایدوب عباد زیر زنهاده اولدیفنی اخبار ایتمکله * غایت مصلحت قدر
 حبس و امر محافظه سی بنه عباد تعویض یوردی * ختام ملحمة خیر ده
 نطق فاروق کار کار اولشدر * مریدر که موکب جلالت عنان انکیر نشاب
 عزیمت اولوب بر کیمه رکاب و رحاله شایسته فتور و کلال مشاهده اولغله *
 سه ساله رمازه اصحاب علیه را موزالتها یا حضرت تری * عامر بن اکوعه که
 سامرین اکوعه عمی و برادر رضا عبیدر * حرک بن الرکاب تعویض برله هر
 جران را جیز اولسته اشارت یورمغله * اولدنی اشور جز عبدالله بن رواحه
 ایلده زمزمه و شوق انکیز رکاب ره پیمال اولدی *

* اللهم لولا انت ما هتدینا * ولا تصدقنا ولا صابنا *
 * فاغفر فداءک ما اقمینا * وثبت الاقدام ان لا قینا *
 * والیقین سکینه علینا * انا اذا صبح بنا انینا *
 * وبالصبح عولوا علینا * ان الذین قد بقوا علینا *
 * اذا ارادوا فتنه انینا * ونحن عن فضلك ما استغینا *
 بالجملة دوه لوجه کلوب سرعت سیر هیکامنده عاد تری اوزرد یونلرین
 اوزادوب سفینه هوا یافته کبی دریای ریک روانده جریانده بشلده سپاه اسلام
 شاد کام اولدیلر * حضرت سید حضور بر چک ریک دعاسیله قلب عامری
 معمر یوردیلر * جناب فاروق یار رسول الله خدا حق عامر شرفیاب شهادت
 اوله بقدر نولیدی یومانده ایلده یوعید مستند بکرمی دخی قبضتند اولیدی
 دیدی * زیرا سلطان انبیا حضرت تری موطن غزوات و نهرا یاده کیم خفته
 یو ادا ایلده جوهر یاش دعا اولدیلر ایلده اول کسه عاقبت نائل دستا به شهادت
 اولشدر * ار جوزه مر قومه نل عنوان مطاعی اولان اللهم لفظی امام مسلم
 روایتیدر * کرچه روایت دیگر اوزرد * لاهم یا خود و الله و بالله عنوان تری
 مقتضای میراندر * قوله اقمینا ای اتبعنا و المراد اکتسبنا و قوله فداءک
 ای نقدی انفسنا فداءک فیهی جمله معترضه بین الفعل و مفعوله * و قدی
 متعبد بنفسه * فاللام لتقویة و المراد انه یبذل نفسه فی رضا سبانه و تعالی
 فلا یردان معناه جعل المقدی نفسه بدلا عن المقدی عند توقع مکروه یلحق
 المقدی فیهومن اطلاق اسم المزموم علی الا لازم * تکمله * عامر خویش
 اولد قند نکره سرور سرافراز حضرت تری ناظم ار جوزه عبدالله بن رواحه دن
 دخی استرجاز یور ملرله اولدنی مع الزیاده نو اپرداز اولد قند نکره ابن
 رواحه نکدنی دماغ روحی اللهم ارجه نفقه سیله اراحه یوردیلر * و قعه
 مؤنه ده احر از شرف شهادت ایلدی * موکب همایون اقبال روز افزون
 ایلده طی دشت و هامون ایلده رک شهب کام منزله نام مقام منصب اعلام ثریا
 انتظام اولد قده بر ساعت بنجوی قدر اول موضعده تعزیز اولیوب امام
 صف اصفا انده صلوة تعبداد یورد قند نکره اول موضعده بره مسجد بنا
 یوردیلر * حالا مسجد منزله ایلده شهر نیاب و مصلی الاعباد اولان معبد
 و الاقبایدر * منقولدر که اول اثنا دره راحله خاصه نبویه بی زجر و تنفیر قاقوب
 بر جانب زما من سوریه رک مسیانه توجه ایلدی * حضار احدث و اعاده سته
 قیام اند کارنده حضرت سر بره دان حقیقت دعوه ساقانم امام موره مقایله
 تعرضدن کف یدای تلمیسه امر و اشارت یور یحیی موضع آخرده واقع بر صخره

سایه سنده زانورده زمین استقرار اولاده منزل اولدن مستنخا مرقومه نقل
وانده دخی بر مسجد شریف اتخاذ اولندی * بر روایتده محط اول حصون
خیبر دن نطبات نام قلعه به اوق منزلی اولدی یغندن بشقه نخاستان ارا سندن
اهل حصار لند غده اند از سپاه ابرار اولق ملاحظه سنه مبنی رأی حباب
ابن منذر ایله منزل ثانی به تحول اختیار اولندی * قول دیگرده خیبر یانه
بنو غطفان میانته حیلات ایچون محل منوره نقل بارخانه کلفت اولندی
زیرا خیبر یان القای ابن سلول ایله ابن ابی الحقیق ایله هودنه نامان یهود یلر
وساطتیه بنو غطفان دن مستد اولوب غائله استیلای اسلامیا فی ازاله اید زلر
ایسه نصف محصول خیبری غطفانیانه بدشکش ایملک شریطیه طرفلرینه
جلب و اماله ایدوب * طمع بلا سیه وافر غطفانیان امداد خیبر یان ایچون
عزم راه ایشلار ایکن و رازندن بعض اصوات خیول و حال استماع ایشلر
لشکر فیروزی اثر طرفندن عیال و ماللرینه تعرض اولتی احتمالیه عودت
وداعیه اعانتدن پای عزیمتی دامنکش فراغت ایلدیلر * بنو غطفان دن
رشته امید خیبر یان منقطع اولیحق مقتضای جبن جبلی یهود اوزره حصارده
ایچ اغریسی کی قرار و پس دیوار دن مطارحه حرب و مکاحه فی اختیار
ایلدیلر * و هر کیچه بر قاج سوار یلری چیقوب بیرامن حصار ی کنت و گذار
و نجس احوال سپاه نصر تشعار ایدر لرایدی * موکب محشم سر زمین
خیبره وضع قدم محترم بیوردقلری کیچه اقتضای حکمت الهیه ایله سر حله
خیبر یانک ادغه حواسلرینه انجزة ردیه غفلت استیلایدوب طلوع افتابه
قدر مرده صد ساله صفت بی حس و حرکت یا توب قالدیلر * حتی خروسلری
دخی آسوده دغدغه صیباح اولوب دواب و مواشیلری دخی فراموشکار
جنبش صباحی و شبیه صبحی اولشلرایدی * لکد کوی شعله خورشید
ایله بیدار اولوب هرری پزمرده روی و زولیده موی خفقان واضطراره
الات زراعتدن یسل و زنبیل بدوش منار علرینه عزیمت یتیلر در وازه
حصار دن بدرا اولدقلرنده * سواد عسکر سپید رویان دن باصرة بصیرتلی خیبر
و نظاره حیرتلی تیره و ایچق هول جانله و الله محمد و الخیس دیه رلامد اخل
حصاره کربزان اولدیلر * فائده * السنه اصحاب اصطلاحده خیس پنج
قطعه دن عبارت اولوب مقدمه * سافه * عین * یسار * قلبی * مشعل اولان
جیش عظیمده استعمال اولندی * تنه * برکزیده عالمین علیه الصلوة فی کل
جین حضرتتلی یهود یلری یووضع له مشاهده بیور ییقتی * الله اکبر خربت
خیبر اناذ انرا ناسا حقه قوم فساء صیباح المنذرین بیوردیلر * ساخنه *

خرابی خیبره حسم نبوی اول طائفه به الات هدم و تخریبه ملاقی
اولدقلرنده نشانی بطریق التفأل واقع اولمش اوله * یا خود خیبر ایشلک اشتقاق
کیمر جهتمدن خرابیه ساسیتی اولدی یغندن اخذ اولنه * یا خود صورت جمله
خیبره ده دعایه اوله لکن امام نووی وحی الهیه ده لوم نبوی اولدی یغنی تصحیح
ایشلدر * فتح الباری مؤلفک و یحتمل انه بطریق الوح تعبیری کلام نووی به
موافق * و اما انرا ناسا حقه قوم فساء صیباح المنذرین قول شریفی مدعای
من نووی مؤیددر * فائده * اقتباس قرآنی جوازیه یوحده و شریطیه
استدلال اولنور * تکمله * محرران دفترخانه بمالات جهان اسائی قلاع
خیبری یووجه اوزره ثبت جریده بیان ایشلدر که * مطلقا حصون ولایت
خیبر اوج نوعی مشتملدر بریمی حصن نطاة در که * حصن ناعم و حصن صعب
وقله جبل اوزره مؤسس حصن قلعه دن عبارتدر * بعده زبیرک حصه سنه
اصابت ایشلکه حصن زبیر ایله مشتملدر * ایکنجیسی حصن شقی
در که حصن ابن و حصن ابراه در اوجنجیسی حصن الکذیبه در که * و ذیقه
نصفیر ایله بودخی اوج حصندن عبارتدر * حصن قوص حصن وطیح
حصن سلام ضم سینله سلام دخی درلر * پس مجموعی سکن حصندن عبارت
اولدی فرمانفرمای ککشور اسلام علیه التحیه و السلام حضرتتلی *
استاد حصون نطاة اوزرینه توجیه لوی نصرت انجام بیوروب قلوب یهوده
القای و هن و فترت ایچون امر بیور مغله * نطانه متعلق خرما لقتن در تیزوز
خرما ایشلاری قطع ایلدیلر * بعده فراغتیه فرمان بیور مغله من بعده
تعرضدن کفید ایلدیلر * چون جمله دن مقدم نطاة بحاصره سنه شروع
ارالوب بر زمان طرفیندن تیر و خنده کله عظیم جنل ایلدیلر * برکون
یهودی فلاح سوق تازیانه قابض الارواحده حصار دن چیقوب هن بریشه
حرب و قتال اوزرینه هجومه بر تاسیصال اولدیلر * مردان میدان کارزار
دخی فارشولوب در حال نیجه کشتنی نابکارلری مسافر دارالیه و ایلدیلر *
اول کون سالار کتیه اختیار حضرتتلی ظرب نام اسب صبار فترت اوزرینه
سوار اولوب وجود بیوردیلری ایکی زره داودی ایله اراسته * سر ساعد
افسر لرنده مغرود دست جلاد نکستر لرنده نیزه و سپر نور ساهه ادوات حرب ایله
پیراسته اولشلرایدی * مر بازان عرصه شجاعتمدن محمودین سلمه اول کون
مکروظدن افزون تکاپوی جلاد تنون ایله بیتاب اولوب تأثیر حرارت افتاب
و کرائی اسلحه دخی ضمایم اسباب نا توانی اولماقه * حصار ناعم مردان
جنگ کندن خانی اولمان احتمالیه سایه دیوارینه النجای ایلدی * مکرر مر حب

با خود کدانه نام یهودی مترصد کیمسکه فرصت ابدی * بالای سرد یواردن
بر سنک دست اسپای کرانوزنی سر محموده بروجله حواله ایلدی که بیضه
مفقوری هشتم ایدوب جلد جبینی رخسارنه باز کونه قناع ایلد کد نصکره
بیضه دیده عالم دیده می برندن طشمره بر تاب ایلدی * اصحاب کرام
اول حالتدن اکاه اولوب پدشکاه نبوت دستکاهه ایصال ایلد کارنده *
بالذات دست عنایت پیوستلریه پوست پدشایستی محل اصلیسنه تسویه
بیوروب بر عصابه ایلد کسر مرنه جیره بند اولدی * چند روز مرورنده
متأثر عازم دارالسرور اولدی * روز هفتم حصه رده قلعه نامدن حارث نام
بر عایت جیقوب بر مدت میدانداراتی و دایسته تک و پوی **کرازانه**
ایلد کد نصکره حله شیرانه حضرت کرار ایلد و بر راه دارالبوار اولدی *
بعده قرن دانی مر حب که شجاعی تسلیم کرده ابطال قبائل عرب درمیدانه
کیروب * شعر *

* قد علمت خیرانی مر حب * شاکی السلاح بطل مجرب *
* اضرب احیانا و حیثا اضرب * اذا الحروب اقبلت تلعب *
رجزیه مبارزانه طرید و جولان ایلدی * همان عامر بن اکوع باد صبا کی
برندن تو پوب بیت *

* قد علمت خیرانی عامر * شاکی السلاح بطل مقام *
دیه رک مر حبه مقابل اولدی بری برینه شمشیر ایلد خصمانه حله ایدوب
مر حبک تبغی عامرک سپر نه و عامرک تبغی شتابدن **کندی زانوسنه**
اصابت ایتمسکه همان حله ال کون شهادتله عازم روضه رضوان اولدی *
خلق گفتکویه دوشوب عامر کندی نفسی هلاک ایتمسکه نائل رتبه شهادت
دکدر دیمیلرله برادری ساهه خلق یورسقه قیل و قالی عرض درگاه دیموی
الجلال ایلد کده * حضرت سید الکوزین انه لشهد و ان له اجرین پیوردیلر
* تکرار مر حب نعره هل من مبارز ایلد میدان پر و لوله شور و شغب ایتمسکه
حضرت رسول کریم شولیمه بر غریم مقابل اولدون دیوامر پیور یجق * ساهه
اناله انما الموتور مقابله رخصه خواه دخول میدان اولدی * موثر اول کسسه
دوکه اقرارندن بری مقتول اولوب هنوز اتفقاهی اخذ اولیمه حضرت
رسول الله فقم البدانهم اعنه علیه تعبه یله اجازت و دعا ایدوب ساهه دخی
میدانه افتخام و شیرانه آهنک الخسام ایلدی * بر قاج حله گذراشد نصکره
ساق مر حب بر ضربت تیغ ساهه برله دونه اولوب مبتلای طبطاب اضطراب
ساق مر حب بر ضربت تیغ ساهه برله دونه اولوب مبتلای طبطاب اضطراب

ساق مر حب بر ضربت تیغ ساهه برله دونه اولوب مبتلای طبطاب اضطراب

مر حب خیرانی برادر م کبی سنده تخرع ایلد دیوب صار شدی * بعده جناب
حیدر کرار اولد زبکانه تصادف ایدوب دلالت ذوالفقار ایلد ایصال دارالبوار
ایلد کد نصکره ساز و سبکی استنلاب ایلدی ساهه حضور عالی جامع المعالی به
کوب مر حب بنم اولدی شکارم اولوب لکن ازافه تلخی هلاک ایچون
ارخا ایشیدم دیدی * حضرت بر تفضی دخی تصدیق مدعا ایدوب
ساز و سبکی ساهه به تسلیم ایلدی بعده مر حب برادری یاسر نام کافر اتقام
مر حب اخذی ایچون بیت

قد علمت خیرانی یاسر * شاکی السلاح بطل قادر *
دیوار جوزه کنان بکران ران میدان اولوب * نعره هل من مبارز ایلد طنین
اندازیمه اسمان اولد نعره زیر حضرت نلری مقابله به ابتدار ایلدی * زیر
مادری صفیه بنت عبدالمطلب یار رسول الله قور قورم فرزند می قتل ایدر
دیومناعت نیازنده اولیق * حضرت سر برارای لولال لیلکه فرزندک
انی افتاده خال هلال ایدر پیوردیلر * واقعه یاسر رهبری سیف زبیر ایلد
دارالسعیرده مسافر اولدی * حضرت سید العسائین زیر حنقده کوه رنشار
ساباش و تحسین اولوب * قدالک عم و خال لکل نبی حواری و حواری الزبیر
پیوردیلر چند روز طر فیندن بالذات غنایم محاربات وقوع بولوب * آخر کار
اول حصار استوار دستباری کرار ایلد فتح و تسخیر اولندی * اهل حصار دن
بقیه السیوف اولد هر از رصه و بکله حصن صعبه نقل سواد ثقات ایلدی *
اولدخی ایکی کون حصار و تضیق اولد کد نصکره * جناب بن مندره با شریله
نزع اولوب در و تنده ذخائر و افره ظهور * و بر خاله زبیر مننده خنق
و دیابه و تیغ و سپر کی حرب ادواتی و انقله دفتر غنیمته دستور اولدی *
حصار من یوردندخی تخلیص رمق جان ایدن ملاعین بد پیمان حصار قله به
کریران اولدی * غزات اسلام اول حصار دائره سنده دخی اوج کون متوانیا
اشعال نائرة حرب و خصام ایلدی * روز نالنده بر یهودی استیانه بارگاه
جلالت عوانه کلوب دلالتیلر زیر زمیندن قلعه به جاری اولان صوری قطع
اولوب بوجله یهودلری کرتار کرب و اضطراب ایلدی * بر کون جله می
بالا اتفاق حصار دن جیقوب ایش کی دایران اسلام اوزره هجوم ایلدی *
سیاهه ساین دخی مقابله ایدوب اول بدست میکده ضلالتلری سرگران
شرب ایود خاشی ایتم ایچون پیانه پیای تیغ دشمن کندی اولوب * ساغر
سیف الماس رنگ لعل فشانق بزم رزمده جام هلالی کی اداره واجاله و خون
دشمن دونی جرعه اسادشت و دلمونه اراقه و اساله ایلدی * آخر کار همت

دشمن دونی جرعه اسادشت و دلمونه اراقه و اساله ایلدی * آخر کار همت

قواضی ابطال ابرار برله اول حصن محکم دخی طرف اسلامیه مسلم اولدی
 دهده شق حصون اولان شق حصن ابی محصور اولوب سر یازان میدان دین
 فرزانه و مر دانه اقدام ابود جانه ایله یکدهن زمره ساز تکبیر اولوب بیکار
 نور ایمان و ارفاقشام حصار ایله دیر * تخلیص کریبان وجود ایدن تحاذیل
 بیود حصن برایه جان آید دیر * حصار من یور خلق بغایت تیر انداز اولمیرله
 اسلامیان اوز ره تیر یاران ایله دیر * حتی بر تاب اند کیری تیرک بریسی جامه
 با کیره نبوی به اصابت ایلدی * صاحب المعجزات علیه افضل الصلوات
 حضرت تری زمیندن بر قبضه خالک الوب اول خاکسار بر خسار طرفه حواله
 و نثار بیور مغله * باذنه تعال چشم و جهره ادبار لری غبار الوده خوف
 و انکسار اولوب * اقدام اقدام لری تر زلز طاری و عروق و اعصاب غیرت
 و اهتمام لری رخاوت و قلمل ساری اولمغله * اول هنگامه مر دان اسلامیان
 هجو ملیده علاوه اسباب پریشانی اولمغین * حصار من یور دخی تیسیر رب
 قدر ایله نزع و تغیر اولندی * درو شده فحاش و خفاردن اوانی بی شمار
 بولمغله امر صاحب شریعتله بعد الغسل استعمال اولندی * بقیه اهل حصار
 حصون کتیبه دن قوص نام خصاره فرار ایدوب حصار من یور اعظم
 و احکم حصون خیر اولمغله * بکرمی کون صبح و شام اعمال ادوات اقدام
 اولنوب انجاس منده اولدخی زور سر پنجه جلادت کرار ایله قلاع اسلامیه دن
 شمار اولندی * صفیه بنت حی بن اخطب حله سیبایای قوصدن اولمغله
 ازل محله محرم شبستان نبوی اولددر * بعد و طبع و سلام محصور سپاه
 اسلام اولوب اون درت کون حصار و تفسیق خصوص منده کار سازی سعی
 و اهتمام اتمام اولمغله عاقبت منینت نصیحه مبارک اولمغین قلوب وود کند
 استیلا ی رعیب و هراسدن تب زور غود اولمغله * تقود و اتمه واسطحه و سائر
 اجناس اموال دن بر ستمه المیوب انجی جامه بکنار لره موطن اخرایه
 جلا ایل اوزره غریب و استیجانی رسیده قید ایمان ایتمکله * شمشاه کشور
 ایمان علیه الصلوات فی کل الزمان حضرت تری دخی شرط من یور اوزره برات امان
 احسان بیروپ صورت کتم اشیه باده رسم امان ترقین و اجرای مجازا تری
 منوط مشیت سید العالمین اولق اوزره عقد رشتنه عهد ایله دیر * بوجه اوزره
 بیود خیر حصار دن بد را اولوب فردای سرور برارای اصفه علیه لواج
 انجاسیا حضرت تری مقدم بر الطاف لره حصن قوصی مغبوط جنت
 بیورده رتی و فنی امور خیر مسلم دست استبداد تصرفی اولان کمانه بن
 بیج احضار موقف خطاب اولنوب عندنده مودوع اولان کنج ابو الحقیق

نصیریدن که کنج رذیل پوست شتر نشانه اص العیار * و عقود انواع جواهر
 و اجناس حلی فاخر دن عبارت ایدی * استکشاف بیور دیر * مکر شاهد
 ظفر جانب اسلامیه جلوده کراوله جفنی استیقان ایله کده بر محله
 دفن و نهان ایلمشیدی * کمانه جواب سید الا برارده کنج معهود مهمات
 کارزاره مصروف اولدی دیو کربوه کیر خلاف اولمغله * حضرت واقف
 سر اترد و جهان با کمانه اگر یو باده دروغ بی فروغ غل نمایان اولور سه دمک هدر
 اولوب سطر اما نکه کشیده خط بطلان اولسونی بیور دقه اولدخی تسلیم
 کردن رضا و قبول ایلدی * قاضی محکمه دین علیه الصلوات فی کل حین
 حضرت شیخین مکر مین و جناب علی المرتضای قید سبیل شهادت *
 و متعینان بیور دبد ملتدن دخی اون نفری استشهاده ایله نکاشته ذیل حجت
 بیور دیر * اخبار برید آسمانی ایله اول کنج شایکافی معلوم رسول ربانی
 اولمغین * جم غیری ایله واروب موضع مکنوزی حفر * و بعینه ظاهره اخراج
 اولمغله حبس معقوده عهد کمانه ده اثر غدر غسان اولمغین * کالباحت
 عن حقه بظلمه مثلنه مضرب اولوب چرکابه دم فاسدی ناردان شمشیر دن
 اجرا * و عیال و اطفالی وابسته سلاسل سیبایا اولدی * مال مر قوم که اون
 بیل التوله مقوم ایدی و سائر غنایم که خارج حوزه تقویم مقومین ایدی *
 جمع اولنوب حضرت مصطفی علیه اصفی التعمایان نفس انفسلی چون صفیه
 بنت حی بن اخطب اصطفای بیور دیر * بیت آئیده کیفیت ازدواجی تفصیل
 اولنور انشاء الله تعالی * افراز خمس شرعی نصکره بین المسلمین تقسیم
 اولندی * مهمه * معلوم اوله که همت جاذبه شمشیر اسلامیه بر آورده قبضه
 اغتنام اولان مال مغنم تخمیس اولند قد نصکره * خمس ائلافه قرآنیهای
 و مساکین و مسافرین بینلرنده توزیع اولنوب * باقی اربعه اخسای دخی
 امام اعظم رحمه الله عندنده پیادیه بر سواره ایکی سهم اولق اوزره بین الغزاة
 تقسیم اولنور * و امام شافعی علیه الرجه عندنده پیادیه بر سواره اوج
 سهم اعطا اولنور * ذکر اولسان لحمه خبیله غزات مسلمین بیل ایکبوز
 پیاده و ایکبوز سوار اولانله * اربعه اخسان اون سکر حصه اعتبار
 اولنوب امام شافعی روایتی اوزره هر روز تیره بر سهم اعطا اولندی *
 زیرا اون ایکی سهمی علی السویه بیل ایکبوز پیادیه و اوج حصه ایله التیمی
 ایکبوز سواره و برلدی * امام اعظم عندنده سواری اوچبوز تفر اولمغله
 ایکبوز حصه ایله بنه التیمی ائلاره اعطا اولندی * و حدیثیه و خیر
 وقعه لنده حاضر اولان مجاهدین بهره مندقل و غنیمت اولوب یا لکز

ایلدی ر... عود نده درگاه خلافت پناه کلوب عرض کیفیت اید بچل
حضرت عمر منبره چیه قوب جماعت مسلمینه خط بابا یورد خیرک عبد الله
ومطهر بن رافعه و عبد الله بن سله ایصال اند کاری ماهنت و خسارتلری
مرد ایلدی کد نصکره حضرت سید الانام علیه انمی السلام اول ملاعین
خیانت انجاملره افرکم ما اقر الله تعالی بیور مشلر ایدی * الحاله هذه حضرت
جبارک حکم ننی واجلاسنه سزاوار اولدی بیلر دیکل بالجله انصار و مهاجرین
تصدیق کلام امیرالمومنین ایلدی بیلر * ومقدمه لایقی دینان فی جزیره العرب
حدیث شریفی دخی جناب فاروقه بالغ اولمشیدی * متن حدیثه واقع
جزیره العربدن مراد بعض جزیره اولان ایالت حجازدر * زیرا آخر کلام
سید سرافراز اولان ان عشت لا خرجن الیه و النصارى من الحجاز حدیث
شریفی مخصصدر * حضرت عمر رضی الله عنه یهود خیبری اجلایلدی کده
بعض سنک جزیره العرب داخلندن اولوب * لکن حجازه متعلق اولمیان ارض
نیمایه کتلمی دخی مؤید اولور * ملک حجاز مکه و مدینه و یامه دن عبارتدر *
طائف مکه یه خیبر مدینه یه متعلقدر * ارض مرقوم نجد و تهامه مباحی
حجاز اولمغه حجاز ایلد موسوم اولدی * چون حضرت عمرک اجلایه نصب
نفس عزم و جزملری مسوع یورد خیبر اولایق بنو حقه قتل بریه و دی
خاکای فاروقه جمین سالی اولوب * یا امیرالمومنین حضرت محمد بزى
دیار مرده تمکین بیور مشیکن تعدی جناب سعادت اخراج و از عاجزه نیت
بیور مشلر دیکل * حضرت عمر دخی اتطن انی نیت قوله صلی الله علیه
وسلم لان کیف یل اذا خرجت من خیبر و مدو یل قلو صلک لیله بعد لیله
بیور یق یهود منفور هذه هزیله من ابی القاسم دیدی * حضرت عمر
کذبت باعد والله دیوب دخول و خروجلری کونلندن ماعدا اوج کون
مهال بیوردیلر کندیلر یلک و یود قتل و نصارای نجرانک دخی قیمت ماللری
و بریلوب جلوسنی اما کن اخری به طرد و اجلای یوردیلر * بعده مهاجرین
و انصار ایلد واروب عهد نبویه اولدیغی کبی اصحاب ههسان اوزره تقسیم
ایلدیلر * بدیهه * ثروتیان زماندن حجاج بن علاظ السلی اول اثنائه تجارتله
جانب مکه یه جازه ران عزیمت بولمغه مفخر کائنات علیه الخرا الصلوات
حضرت تلیک ساحه تیره نال خیبره برتو بخش فتح و ظفر اولد قلمی خبری
مسیحی اولایق * بارگاه فلان اشتباهه رومال و شرف اسلامه بخناز دستایه
عز و اجلال اولد قد نصکره * یا رسول الله اکثر اهالی ام القریه منکرده متفرق
مطلوباتم اولمغه مایه دار دین مبین اولدیغی استماع اند کارنده تعصب

کافر بیلری ادای حقوقه دامنگیر اوله جفی درکار اولمغین * اذن شریفک زوله
مکه یه واروب مالی استخلاص ایدیم * اما حسب المصلحه بعض کلمات
ظرافت ایات نفوه نه رخصت نیاز ایدرم دیواستیدان اید بچل * جناب
برکزیده عالمیان اشارت ابروی اجازت بیوزملریله جانب مکه یه عنان انکیز
مسارعت اولدی * متقولدر که بدخواهان قریش سلطان الانبیا
حضرت تلیک طرف خیبره توجیه لوی غزای بیورد قلمی کوندنبر و پیام انهم زام
سپاه اسلامه چشم و گوش اولوب * آیند کان و روند کاندن تجسس اخبار
ایدلر ایدی * حجاج بن علاظ دخی مکه یه وصولنده علی العاصه برکروه
سبکه مغزان پریشان فطرت بر محله حلقه بند جمعیت اولوب * آیات و قده
خیبریه منجر اولدی دیه رک احوال خیبری در پیش مناسبت ایشلر *
حویطب بن عبد العزی ایلد برکروه اهل اسلامک ظفر باب اولماری طرفنده
وعباس بن مرداس ایلد بر فرقه سی سمت خلافت اولوب طرفین یوزراس
دوه رهنبله عقد ندب ایدلر * حجاجی کورد کلر نده اسلامیا نله خیبریان
احوالندن نه خبر نیلورسن دیواستفسار ایلدیلر * حجاج شیوه ناز کانه ایلد سزه
موجب انشراح درون اوله جفی بر پیام بشارت غوغم واردید کده ایکی جانبندن
طنوب مدد بران اقدام بزى مبتع و خرم ایلد دیو نیاز ایلدیلر * حجاج دخی
معلوم اولسونکه سیف خیبریا نله شیرازه محمدیان پریشان اولوب اکثر اصحابی
طعمه شمشیر و حاشا محمد دستگیر اولدیلر * و خیبریان سز لری دخی حصه دار
شرکت انتقام ایتل ایچون بو طرفه کتور مکه عزم و حزم ایلدیلر دیکل *
بید ماغان قریش عقیده یهود اساسی اصل و اساس اولان یومر دده مخزیه
مساسدن شادان و رقصان اولوب طرف طرف هذا محمد بقدم به علیکم
نداسبله درون ام القریه غلغله بخشا اولدیلر * اند نصکره حجاج بالجله طرافت
اموال اسلامیان تاراج کرده خیبریان اولمغه ذم سکان مکه ده اولان مالی
جمع و تجارت طرافت مسارعت ایتزدن اقدام واروب رخصت یه ایلد اشتراینی
جازه قدوم اولمغه * یوبایده اعانته کزی رجا ایدرم ذید کده * رسم مزدکانی
مقامنده وقت بسیرده جمع مطلوباتی جمع و تسلیم ایلدیلر * بو خبر وحشت
اثر کوشنزد حضرت عباس اولد قده متناع صبر و آرا می نالان و فرط
حیرتدن قالب بیجان اولوب * هله بر تقریب حجاجه تنها جه ملاقی اولدی *
اشاعت ایلد یکی پیام برد هشتک حقیقتندن استکناه ایلد کده اول مرد آگاه
یا عباس حقیقت حال موافق دلخواهدر لیکن بر مقدار صبر برله نفعسته
جبار ایلد لا محاله سنی کوروب راحه الارواح اصولندن سکا بر نفعه دلکش

نویسار تله بخشنده انشراح اولورم دید کده * عباس بر مقدر خوشدل
 اولوب عودت ایلدی * تمام امور فی رؤیتد نصکره عزیمتی هنگامنده عباسه
 واروب اوج کونه قدر کتانی توصیه ایلد * نصکره * با عباس مرده
 اولسونکه حاله مغر عالم حضرت تلی بالجه قلاع خیبری فتح و تسخیر و اموال
 و املاک رین بین المسلمین تقسیم ایلدی * و ذات معالی مانوسلرین دختر
 وائی خیبر صفیه ایله عروس اولدیغی حاله ترک ایدوب کلدیم دیوب جمله
 ماجرای بیان ایلد کد نصکره * عباسه و داع ایدوب سمت مقصوده روان
 اولدی * حضرت عباس مسرور و شادان اولوب اوج کون سعادتمانه لرنده
 آرام و روزگار مده البسه فاخره ایله جسم لطیفه زینت تام و پروب *
 و عصای عاصی اشامل در کف ایلدی کی حاله انبساط قلبه مسجد حرام
 پیرامنده طوافه آغاز ایلدی * سه هاء قریش عباسک بوضع فی جلد
 جل ایله خنده زن استهزا اولدی * اتمام اشواط طوافد نصکره انجمن قریشه
 کلوب * ع * الجبل القاصف لا یرخرجه العواصف * ثابته می صدمه
 تدبیر حوادث دیویدن جبل شامخ ذات نبوی به شائبه زین و زوال طاری
 اولدیغی عنوان صحیفه مباهات اسلامیه ایلد کد نصکره * جوی شعیب
 اسلامیه انحصان حصون خیبر حرکانه شرک و ضلالتدن پال و شغشغه
 هججه رایت محمدیان برله اول سرزمین مستضی و تابناک اولوب * حتی ملکه
 خیبر صفیه بنت حبیب بن احطب دخی شرف ازدواج مصطفوی به مظهر
 اولد * دیو واقع حالی کاسع و اوعی نقل و انبیا ایلدی * سرکشتگان قریش
 با عباس بوقرطه خبری سکاکیم اوبره کوش بشیر ایلدی دیوبین الجدد
 و الهزل استخبار لرنده * سزنی کهنه شراب فریله بد مست ایدوب بوقرطه
 مالی استخلاص و محمد لا حق اولان مرد خاص یعنی حجاج بن علاظ
 دیدی * واقعا بر قاج کون مرورنده اوازه دبد به فتوحات ولوله انداز مسامع
 کائنات اولد * قریش حجاجل بود سیاه سندن چاکچالک و بویام
 دل و زاهل اشراکدن مشرف هلاک اولدی * فایحه * حجاجل نصیر نام
 بر فرزند دلبندی اولوب ظاهرده زیور حسن و هم سالیله اراسته اولدیغی کبی
 باطنده دخی حلیه صلاح و تقوی برله پیراسته ایدی * عهد خلافت
 فاروقیده مادر حجاج بن یوسف الثقفی اشبوییت *
 * هل من سبیل الی خرقا شریبه * ام من سبیل الی نصیر بن حجاج *
 نشیده سبیل زمزمه ساز اولدیغی سامعه فاروقه عکس انداز اولیجی * نصیر
 ثقی و اجلاسی بایسته فرمان ایلدی * نصیر موجب ثقی اوله جق جرم

ناکرده

ناکرده سندن استفسار ایلد کده * واقعا بویاده دامن احوالنده نقطه رشاشه
 جتعه و تهمت یوقدراسکن لا طهر فی الله ان لم اطهر دار الهجرة منك
 بیوروب نصیری اجلا ایلدی * بومقاله به مبنی عروقه بن زبیر کون حجاج بن
 یوسف الثقفی بی یا ابن الممنیه تعبیرله نشانه تشابه تعبیر ایلدی * غزوه
 فدلک * غزوه مر قومه عقبنده مدینه به ایکی مرحله مسافه ده به فتحین فدلک
 نام قریه دخی بطریق الصلح فتح اولندی * دهقانان مزارع اخبار بوزمین اوزره
 قخم افشان انا را اولد * که سالار جیوش ابرار علیه النجیه مآدار اللیل
 و النهار حضرت تلی * اقبال و اینه خطه خیبری بازده رکض خیل جلادت
 ایلدی کی خلایه محیصه بن مسعود الحارثی بی اهالی فدلک ولیمه العرس
 اسلامه دعوت ایچون ارسال بیوروب * اولدخی بر موجب امر عالی فدلک
 اهالی بی مائده دین محمدی به دعوتیه استدار * واجابت ایتمد کبری صورتده
 یا مال جیش سطوت اوله جقلری اشعار ایله ترهیب و انذار ایلدی *
 سیکسران فدلک بوجه اوزره جوابداده ثقیل الوزن خفیف المال
 اولدی که * الحاله هذه خیبریان اون بیکن زیاد دلیران اولوب خصوصاً
 عامر و یاسر و حارث و مر حب کبی هم لوانلر اولقله سیاه اسلام انلار ایله
 مقاومت ایلک بیرون دائره عقول و اوها مدردیو امتناع و استنکاف ایلدی *
 پس بحیصه بوجواب ایله عودته بمادر تده بعض عاقبت اندیشان دست
 اعتذار ایله دامتکبر رجعت اولوب * با بحیصه بعض اکابر من برله مشورت
 ایدوب خلاصه ارا لرین عرض ساحتیه بیان ایدنجبه قدر ثانی و تاخیر ایله سز
 دیوینار مندا اولدی * اول انشاده ناعم قلعه سنل فتح و تسخیر خیبری شایع
 اولقله قلوب فدلکانه خفقه خوف و خشیت عارض اولغین * مثبت دامن
 استیجان اولوب منهینلرندن نون بن یوشع نام بیودی بی چند نفر ریش سفید
 روسیاهانله رجای مهادنت ضمتده خاکبای حاجتروای نبوی به ارسال
 ایلدی * مجلس سیدالابرارده تعاطی کفت و شنید بسیار د نصکره متصرف
 اولد قلدی املاک انصنی مفوض جانب بیت المال اولق اوزره قطع رشته
 مقال و عقد رتبه سلم صلاح اشغال ایلدی * بومنونال اوزره مستر اولوب تاکه
 دور خلافت فاروقیده نصف دیکریدخی طرف بیت المالدن اشتر اولندی *
 غزوه وادی القری * حضرت مهر سپهر محمد و مشرف غائله خیبری بر طرف
 ایلد کد نصکره وادی القری اوزرینه توجیه لوی نصیر التوای بیوروب یهود
 وادی القری بر مقدر خار و خاشاکه حشرات ایله زعم فاسد لر نجبه سزاییده رود
 سپاه ظفر سمات ایتلک سوداسنه دوشدیلر * حضرت شاه رسل هادی سبیل

عليه الصلوة ما تأس الجزه والكل ابتدا اول سر كشتگان باده غوايتي صراط
مستقيم هدايته دعوت بيوروب * اول بنه در كوش غفلت را جا بدين مجازيت
ايتاريله بحث ثاني اولان جدل وقتاله مبادرت اولندي * طرف اعدادن
بر خود نماميده كيروب مبارز طلب ايلد كده زير حضر تلي مقابل اولوب
برضربه ايله كار حياتي رسیده خد مات ايلدي بري دخی كيروب اولده
ذوالفقار كردن حصه متاخنه نائل اولدي * برناكار دخی كيروب
ايلد جانه نك سلافة سيفيله مست جاوداني اولدي * اند نصكره هن بران بيشه
شجاعت بيكار حله ريز صوات اولوب هنگام غروب دك نائرة كارزار شعله دار
وبازار حرب وپيكار برقرار اولدي * فردامي بنه طرفيندن اهنگ جنك
اولوب اخر كارزور بازوي اقتدار ايله قريه مني بوره دخی نزاع و تسخير و چاروب
شمشيرايله لوث وجود دشمنان بدسربردن تنقيه و تطهير اولندي * مال غنيمت
بين الغزات قسمت اولتوب مالك بمالك رحم و عنايت حضر تلي انلاره دخی
يهود خيبر كي تحمیل منت و ككندی مزارع و مزارع ابلانده على طريق
المنافقه علمدار اجرت نعيم بيورد يار * متقارب وادي القري تيمارا الي سي
فتوحات متعاقبه دن سامان زده شعور و نبات اولمريله * دست مسكنه نله
قرع باب من حمل تمليله ييازلي اوزره سكه رقيه لينه ضرب جزيره ايله نقره
مفشوش حيا تلي مامون اتش شمشير اولوب * كما كان برلنده ابو اوملاك
واعقار زري ايدى تصرفلنده ابقا اولندي * عمرة القضاء * بوعمره بي عمرة
القضيه و عمرة الصلح و عمرة القصاص ايله ده موسوم ايلديله * سنه حديديه ده
بيت الحرام دن صدايله عند الخنفيه فاسد اولان عمره بي قضا و اجر عمره بي
متضمن اولدي بيجون عمره القضاء ايله مسمما اولدي * اما صدايله عند الشافعيه
عمره بي فساد عارض اولمزالديكه بومسئله نك مبناي اختلافي عمره بيجون
اجراميند اولوب بعده صد و زوجوع بولنسه عند الخنفيه قضا لازم هدي لازم
دكدر * وعند الشافعيه امر برعكس در * پس شافعي به كوره حضرت
نخر كائنات قريشله مقاضات يعني مصالحه ايتكله قضا ايله تسميه اولندي *
بناء عليه عمره الصلح ايله ده موسوم اولمندر * قضيه ده قضا مناسبه در *
و عمرة القصاص ايله ده تسميه نك وجهي بودر كه چون حضرت رسول الله
ذكر اولندي بني اوزره ذي القعدة ده مصدود اولوب * عام قابله وجهه اتني البيان
اوزره عمره القضاء عن يملري بنه ذي القعدة ده اولمقله هنوز حرمت اشهر حرم
باقي اولوب * روايت امام بخاري اوزره الات حريله خروج اولندي بختدن
اسلاميان هنك حرمت شهر حرام استيجان ايتاريله * الشهر الحرام

بالشهر الحرام والحرمت قصاص فن اعتدى عليكم فاعتدوا عليه بمثل
ما اعتدى عليكم واتقوا الله واعلموا ان الله مع المتقين كرمه سي نازل اولوب
سنه سابعده كفار هنك حرمت ايتاريله قصاصا هتكند هجنت اولندي
بيان بيورلدي * قوله تعالى والحرمت قصاص احتياج عليه اي كل حرمة
وهي ما يجب ان يحترم ويحافظ عليه بيجري فيه القصاص فلما هتكوا حرمة
شهركم بالصد فافعلوا بهم مثله وادخلوا عليهم عنوة واقبلوهم ان قاتلوكم
كما قال فن اعتدى عليكم فاعتدوا عليه بمثل ما اعتدى عليكم * وعمره
قضايه الات حريله اعتزام اولتوب بعده قريش تامين اولمقله غزوة الامن
دخی اطلاق اولندي * خلاصة مقال سرور ستوده خصال حضر تلي *
سنه ستين هلال ذي القعدة مي كوشه ابروايله هنگام حركتك حلواني ايما
ايار كده * اصحاب كرامه بنه همام سفر به ايجون فرمان * وسنه ماضيه ده
حضرار مصالحه حديبيه دن كوشه كير زاوية عدم اولنلردن ماعدل بر فرد
تخلف ايتامل ايجون تنبيه بيوريلوب * وانلاردن غيري طواف بيت
الحرامه احراميند آرزو اولان اصحاب دخی قبالة ييازلي نه امضاكن مساعده
عنايت اولمريله * ايكي ييل مؤمن خالص الطوبيت اماده نمضت اولديله *
منشور خلافت مدينه ابوذر الغفاري نامنه ترقيم بيورلد قد نصكره * هدي
ايجون التمش رأس بدنه پيل پيكراختيار واعناق قريش جلوديا خود نعال
تقليد ايله هدايا اولد قريش اشعار ايدوب * تههد خدمتلي ن ناحيه بن جندب
جناينه سپارش بيورديله * وعامة كات غزاتك ادوات كارزاري برصندوقه به
نعيه اولتوب محافظه سنه بشري بن سعد نامن داوودي * ويوزراس اسب
صبار قنار احضار اولمقله لوازم مهماملري محمد بن مسلمه عهد اهتنامه
تفويض بيورلد قد نصكره * برآن ميان اقترانده اقبال وسعادته
نمضت * وذوالحليفه دن در مسجد شريفه برلشمن احرامله جسم نازنين
انداملرينه بر كونه دخی ايراث لطافت ايدوب * اواز تليبه عالمكيرايله طنين
انداز سهر راثير اولديله * اسبان واسلحه محافظه سنه مامورا اولان بشر
ومحمد كهر برينه برجي همراه بيوروب * بر مقدمه مقدم بشروموكب
مختتم ايلديله * مي ويدر كه مزار الظهران نام من حله به ورودلنده هرزه كردان
قريش دن چند نفر اولمقله بولمقله * اسبان واسلحه ايله مقدمه سپاهي
كورد كارنده محمد بن مسلمه دن استكشاف سنيره حال ايلديله * اولدخی بكرة
فردا مقدم افتاب اوج اصطفابرله اشبو محل رشك فلك زحل اوله جفتي ايما
ايتكله * اواركان قريش سر اسبه اولوب هروله اضطرابله مكه جانينه

شتاب ایدیلر * بالجمله قریشیان بصدقه پیام ناکه ظهور برله مسلوب
 الشعور اولوب * مکرزین حفصی تفحص حال ایچون ارسال ایدیلر *
 رهگذر سیدالابرارده ایستاده جای انتظار اولوب جناب شهریار ملک
 اسلام * موصوب عز و احتشامه اول محل واصل اولیجی * بیشگاه فلک
 دستگاهه متول ایدوب * یا ابالقاسم بالجمله پیرو برنا اعتقادنده تحقیقه منبیه
 شانکر خط خطای غدردن معرا اولوب و یوانه قدر طر فزدن غدر و نکنه
 دائر راثر سرزده وقوع اولامشیکن مغافصه اوزر منزه لشکر کش هجوم
 و اغتیبال اولق نیه مینیدردیو بسط مقدمه سؤال ایدلی * حضرت سرور
 عالم دخی بامکرز حالیا مکرز عهد و پیمانده ناستقدم اولنوب داعیه مکاحفت
 دخی شعبه اهنک عزیمت و حرم حرم بیت الحرامه اسلمه ایلد کیر من دخی نقش
 بسنه صفحه نیتزد کلدلر * الات واسلمه لاجل الاحتیاط استعجاب اولنمندر
 میور یجی * مکرز حقا که جوهر بر و وفامودوع کنجینه ذات اصالت
 احتوا کردردیوب قریش طرفنه معاودت * و جواب رسول عالیجنابی
 ابلاغه مسارعت ایلین جلد سی و ارسته دغده نیم و تشویش اولدیلر *
 وحسد و منافستلرندن طواف سیدال عبدمنافی کورمه لم دیوکار لری
 مکه دن چیقوب شعاب جبال اطرافه نقل ثقلت وجود ایلدیلر * سلطان
 کافه وضع و شریف حضرت لری جلالت راسلمه بی بطن نایج نام مقامده
 تخلیف و برمه دار مردعد و شکاری * محافظه سنه تعیین و توقیف *
 بیورد قد نصکره قصوانام ناقه لرینه سوار و حشم اسلام متوشح حسام
 اولوب * اول ماه سیمای مجد و اعتباری هباله و اراحاطه * وهدی هدایت
 انتماری کشیده پیشاپیش اوله رق اوازه تلبیه ایسه ولوله بخشای ساحة
 بطحای * وزلزله افزای قلوب مخاذیل اعدا اولمغه * بوکوکیه عظمت و دبده
 کروفر جلالتله * معلای مکه دن مقابر معلایه مخدر فذیه کدأ دن حرم
 شترم خدایه سیلاب رحمت متسلل الورد اساتوار ایدیلر * اول حالتده
 عبدالمعین رواجی رشی الله عنه زمام کیر راجه تبوی اولوب اواز بلند ایلد
 * خلوا بنی الکفر عن سبیل * خلوا فکل الخیر فی رسوله *
 * الیوم نضربکم علی تزیل * ضرب بایزید الهام عن مقبله *
 * ویدهل الخلیل عن خلیل * یارب انی مؤمن بقیل *
 * اعرف حق الله فی قبوله * قد انزل الرحمن فی تزیله *
 * فی صحف بتلو علی رسوله * بان خیر القتل فی سبیله *
 ارجوزه سبله زمزمه پیر اولمغه * جناب فاروق اعظم جلیت حق کوبیلری

مقتضای * یا ابن رواجیه حرم پرورد کار و حضور سیدالابرار موقع نرم
 اشعار اولق سزاوارمیدردیو چهره نمای استنکار اولدقده * حضرت
 خیر الانبیا کافشان تبسم حیات افزا اولوب * باعمر شوق ابن رواجیه کسل
 و برمه که بو محله اندلستان مقالی پویه قلوب کفاره نبل تیردن گذرانتردر
 پیوردیلر * بعده تلبیه ایدرک حرم مکرمه واصل اولوب * دست
 مکارم پیوستلرند اولان جو کانه حجر اسودی استلام * وحوالی بیت
 الحرامده مراعات رمل واضطباعله را کجا عضدیمینی کشف ایدوب اشواط
 طوافی اتمام پیوردیلر * صحابه کرام دخی اقتدا ایدیلر * قریشدن بر طائفه
 جبل قینقاعدن شیوه طواف اسلامیه باقوب مهاجرینی حمای یثرب زبون
 و ناتوان ایتمش دیملرله * بوکلامری اخبار جبریل علیه السلام برله معلوم
 سرور انام اولیجی * اشارت علیه لری اوزره تقیصه جویان دشمنانه اظهار
 تجلد و اقتدار ایچون فرقه ابرار اشواط ثلثه ده رمل و هروله به درکار اولدیلر *
 بورسمه مجلدانه جنبش فرزانه اصحابی مشاهده اند کارنده * یونلار هیئت
 سایه لرندن افزونتر زور و قوته مظهر اولمشلر * آهوکچی برتاب ایدر لر دیوطن
 سالقرنی الفی ایلدیلر * بعد تکمیل الطواف مر ویه قریب محله هدیله
 قربان و سر سعادتلرین تخلیق پیوردیلر * اکمال مناسک ایدلرک بعضی
 حراست اسلمه و خیول ایچون بطن ناچه ارسال پیوروب * حسب الامر
 انده اولنلردخی کلوب عمره لرله اتمامله یکام اولدیلر * اوج کون سعادتله مکه
 مکرمه ده فرش سجاده اقامت پیوریلوب * دردنچی کون هنگام ظهرده
 حویطب بن عبد العزی بر موجب شرطه مادنه انقضای مدته بنأ * بعد ازین
 ساحة جرم دن طی بساط ارام پیورلق مقلیه درگاه ابدی الاجلاله کادکده *
 امر سید نبیل ایلد ابورافع ندای رحیل ایدوب * همان اول کون مکه دن
 حرکت و طیه طرفنه توجیه لواای عزیمت ایلدیلر * سریه بشیر دوباره *
 سال من یورده ایکی دفعه بشیرین سعد الانصاری سریه سی برابره صحائف
 میرایا اولمشدر * سریه اولی ماه صیامده اتوزنفر مرد جنگا و رایله قریبه فذل
 قریبده تمکن بنومره اغاره سنه تعیین پیوریلوب * بر موجب فرموده
 ره پیوده اوله رق ارامگاه لرینه قریب وارلدقده * سوا لرینه تصادف اولنوب
 جوابا نردن اصحابی سؤال ایدیلر * ما والرنده اولمیبوب نوادیده متفرق
 اولد قریب اخبارا تفریبه سوا لرله اکتفا و مدینه جانینه رجعتنا اولدیلر *
 فرار ایدن جوابا نلردن بریسی اهل قبله بی کیفیندن انگاه ایتمکله بالجمله سوار
 انغارای عتبه کیه سببا ابرار اولدیلر * شهر یکام بر محله بادد بورکی قفارین

الرب طر فیندن مر امانت نیباله حرب وقتاله اغاز ایلدیله **صیبا اولدوله**
اسلامیانی قلنی معاینه اند کلرندن بشقه تر کشاری دخی فارغ اولغله
یکسره کوره مجاهدین اوزره هجومه برانستیمسال اولدیله **مجاهدین دین**
دخی ابراز غیرت ایدوب ایش کبی اول جهنمیانه مقابل اولدیله **لکن لشکر اهل**
طغیان فراوان اولغله یارای مقاومت بیرون عهده وسع و طاقت اولغین *****
اکثر مر دان اسلام بدرقه شهادتله عازم دارالسلام اولوب چند نفر بحروح
نا توان عطف عنان ایلدیله **امیر سریه** بشیر رضی الله عنه قطب و انابت
وبرقرار اولوب نیزه و شمشیر ایله خبیلی مدت دارو کیر ایلدی *** کثرت زخدن**
بد تنده جای انکشت قالمیوب عاقبت کعبنه بر زخم مهلاکات اصابت ایتمکله
بیمحال حرکت اولوب *** هلاک اولدی** ظنبله **مکتدی** یلر شب تارده معالیه
بیشمار ایله فذل قریه سنه القای رخت وجود ایدوب انده زخنه تیاره مشتعل
اولدی *** بر مقدار افاق** بولوب مستعد قدرت مشی و رفتار اولغله قالمیوب
مدینه یه ورود ایلدی *** سریه ثانیه** **سنة** من بوره شوالنده سرزمین
غطفاندن بفتح الباء النخانیه و سکون المیم بن نام محله عین بن حصن نام
یهودی فزاره و عذره قبیله لرندن جمع کثیر پیدا *** و مدینه** منوره غارتنه
تحریرک سلسله فساد و شقا اوزره اولدیغی مسعود سلطان هر دوسر اولدقه *****
اوجیوز نفر مر دمبارز اوزرینه بشیری امیر نصب و ارسال بیوروب *****
طی مر احل ایده رلک منزل مر قومه واصل اولدقلرنده قتی وافر دو اب
ومواشیلرینه ظافر اولوب ایکی نفر چوبانلرین دخی گرفته ارنجه اسرا ایلدیله *****
انلاردن اهل قبیله نل ارامکاهلرین تحقیق ایدوب اوزرلرینه وارلدقه
فرار ایتش بولغله اقصای دیارلرینه قدر واریلوب موقع قتال اولمامقله
مدینه یه امانه لجام عودت اولندی *****

*** خرم ابوبکر عمر غالب * و خاتم رسل بکتاب ذهبوا ***

وسری خرم و ابوبکر و عمر و غالب و صبیخ خاتم له علیه السلام و رسل سنة
بکتاب سنة ذهبوا تقدیرنده در *** رسل و کتب** کله لرنده وزن ایچون سین و تا
امکان اولندی *** قال** بکه ظفر یاب اولدیغی زنجیه زده ذهبوا عنوا نیله در
لکن ملو و ملو ملام اولان ذاهب اولغله اوصورنده رسلک مجموعنه جهت
اتحاد بیروب و خبرده صارفعانی تضمینه احتیاج اولنور *** و اگر فی الحقیقه** ثبت
ناظم ذهبوا لفظی ایسه رجز شمر دن معدود اولدیغنه کوره بیت من بوره
عیوب قاقیه دن سناده التاسیس عیمی واردر *** بویتمده** القی لایحه مندر جدر *****
سریه خرم **ابوبکر الصدیق** **سریه** عمر الشاروق **سریه** غالب *** اغاز**

خاتم *** بعث رسل** *** سریه خرم** *** سنة** من بوره ذی الحجه سنده خرم بن ابی
العوجاء السلی رضی الله عنه الی نفر دلا و رایله بنو سلیم اغارتنه مأمور
بیورلدی *** مکر مدینه** ده جاسوسلری اولوب استراق خبر ایتمکله مقدمجه
واروب انلاری اگاه ایلدی *** انلاردخی** اطراف واکنا فدن حشرات کثیره
جلب و جمع ایدوب قدوم اسلامیهانه ناظر و حاضر اولدیله *** سپاه اسلام**
وصولرنده ایدو اسفرد و وسیع النوال اسلامه دعوت ایدوب *** اول** متمر درلر ایا
و مقاتله یه اجتر ایلدیله *** اثنای** مناضله ده مجدد امداد لری کلکله مجاهدین
میدان دینی حلقه وارداتر امدادار احاطه ایلدیله *** سر یازان** عرصه ایمان *****
دخی الحق که از دل و جان رستمانه اغاز کارزار ایدوب لکن لشکر کفار بیرون
حیطه عدو شمار اولغله جمله می دیبای کاکون شهادتله داخل منصه رتبات
الجمال جنت اولوب *** بشیر دخی** کثرت زخم و اوکاردن تودیع بحال و اقتدار
ایتمکله *** صورت** مواته قالمیوب هنگامه بر طرف اولدقلر تصکره مقاسات
من اخم بقیاس ایله مدینه یه ایصال جسم فلاکت ساس ایلدی *** سریه**
ابوبکر الصدیق رضی الله عنه *** سنة** من قومه شعبانده ابوبکر الصدیق
حضر تلری بنو کلاب اوزرینه تعیین بیورلدی *** وصولنده** اول سن بچه لرلک
بچه لر فی ضدمه سنل جلادت برله عوعوه زن سوی کوی خاموشان ایدوب *****
نیچه لر فی دخی وابسته ساجور امر ایدوب **کشان** کشان مدینه یه روان
اولدیله *** بوسریه** بنو فزاره سریه سنل غیریدر زبر امریه بنی فزاره سنه
ماضیه ده اولوب و اول هنگامه ده بغایت کدر و اضطرابه دوچار اولندی *****
وامیر سریه زید بن حارثه ایدی *** سریه** عمر بن الخطاب *** رضی الله عنه**
رسال مر قوم شعبانده فاروق اعظم اتوزر فر مر دمسلم ایله مکده درت مرحله
مسافه بحر نام محله هوازن اوزرینه مامور اولدی *** بنو** هلالدن بر رهبر
دلالتیله شبر وانه عزیمت اولوب توجه سپاه ظفر احتوا مقدمجه مسعود
زمره اعدا اولغله طی کهنه کایم قرار ایتمله لشکر اسلام بر مستفس بولیبوب
صوب طیبیه یه صرف لجام ایلدیله *** سریه** غالب *** سنة** من قومه رمضانده
غالب بن عبد الله اللی یوز اتوزر نفر مر د جاسوسلر ایله بطن نخل وراسته
نجد ناحیه سندن *** مدینه** یه سکر برید مسافه ده واقع میفه نام محله متوطن
بنی عوال و بنی عبد ثعلبه اوزرینه تعیین بیورلدی *** حسب** الامر طی منازل
ایلمه رلک قرار کاهلرینه واصل اولوب بر مقدار خصمانه جنگ ویکار دقصره
اشرا انلرندن قتی وافر کافر دارالبواره مسافر *** و بقیه** می همحال جراد منتشر
اولوب کرچه بر کسکه گرفتار سلسله امر اولوب لکن بیحد شتر و کوسفند قطار

اغنامه پیوند اولدی * بعد الهزم اسامه و بر مردان صاری نهیک بن مرداس
نام فراری بی تعقیب ایدوب ابرشد کارند لا اله الا الله دیکله انصاری کفید
استیصال ایدوب * لکن اسامه * الله اولان نیزه جانبستانه زمینه غلطان
ایلدی * عود تلرند حضرت رسالت پناه با اسامه اولادی لا اله الا الله
دید کد نصکره نیچون قتل ایلد لک دیو کشیده معرض خطاب عتاب پیوردقه
اسامه یار رسول الله اول کلمه منجیه بی منه و ذامت قول اولدی دیدی * حضرت
برگزیده کافه ابرار غیری بر حرفه ضرب زبان کفتار یسور میوب چند
دفعه کلام اری تکرار ایلدی * اسامه دن منقولد که کاشکی اول هنکامده
شرقیافته اسلام اولوب * هغه مرقومه می تکفیر ایچون صکره متثبت
ذیل اسلام اولانی تنی ایلیدم * بعده حضرت رسول پروردگار اسامه
ایچون استغفار ایلد کد نصکره اعتناق رقبه ایلد امر پیوردیلر * اتخاذ خاتم *
حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم معوث کافه انام و ما مورد دعوت
خاص و عام اوافله * ملوک سته عصری سورنوا هنک دین مینه دعوتی
متغیر * دیران دیوان نبوته شش قطعه نامه نامی * و مشرفه کرامی تحریر
اشارت پیوردیلر * رسم اکسان توانین سلاطین اولان بعض اصحاب کزین
مادامکه صحیفه کاتب * نقش نکین ایلد تزویق و تشییب اولغیه انظار
ملوکده رهین اعتبار اولمزدیوسده سپهر اتصاله عرض حقیقت حال ایتلریله
جناب ختمی پناه علیه صلوة الله اول اولاطلای خالصدن مفرغ بر خاتم اتخاذ
یوروب * زوینان اصحاب کرام دخی متابعه لک کشتلرین برانکشتلرین
زورین برله ترین ایلدیله * روز دیگر مبلغ وحی خالق القوی و القدر جبریل امین
استعمال طلال رجال امته شریکرده حضرت خدا اولدیقل اعلام و انهار
ایتمکله * در حال نزع و القا ایدوب اصحاب کرام دخی اقتدا ایلدیله * بعد زمان
نقره خالصدن بر خاتم اتخاذ یوروب نص سیننده اوج سطر دلشین که سطر
اول الله سطر ثانی رسول ثالث محمد نقش اولمشیدی * لکن عین مکرم و تسار
مختصرملری خنصرنده اولدیقی محل اختلاف در اصحاب کرام دخی هربری
نقره دن اختیار یله طاواعت ایلوب * لکن نقشدن بمنوع اولدیله * اول خاتم
مکرم عهد خلافت ذی النورینه قدر زور انکشت اعتبار خلف اولوب *
سال شهادت لرند زبیب عین مفر تلری ایکن * افتاده جاده اریس اولغله اوج
کون تقدا اولوب نام و نشاندن اثره ایان اولامشدر *

بقیه مرقومه من کبری و حاکم رت النجاشی هوز و نکحاک *

لام ایدم الی معنسانه دریت اولده ذمه و افلته منقدر * مقوقس

و کسری عاطف مقدرا یله معطوفلردر * کذلک النجاشی و هوزة تقدیر عاطفه
معطوفلردر غیر فاعل نکح نخر عالمه را جعفر * الی اطلاقیه در * مصراع
اول مره و ندر * یو بیتده الی لایحه مندر جدر * لایحه نکاح بیت ثانی به
مقندر مکتوب قیصر روم * مکتوب مقوقس * مکتوب کسری *
مکتوب حارث * مکتوب نجاشی * مکتوب هوزة * مکتوب قیصر روم *
صیغ خاتم ختمی پناهید نصکره * بر موجب امر نبی کریم * الی قطعه
مکاتیب شریفه ترتیم * و ختم مسکی الختامه نقیم اولند قد نصکره هر بری
بر سفیر اجزله تسلیم ایدوب بر کونده جموعی جهات مطلوبه به بعث و تسبیل
پیوردیلر * مکتوب قیصر روم دحیه بن خلیفه کابی به اعطا اولندی *
قایحه * قیصر لفظی لغت رومیده مشقوق عنه معنسانه در ملوک سالفه
روم دن برینک والده می حین مخاضده فوت اولوب * چنین کامل الخلقه
اولغله مادرینک بطنی شق و اخراج ایتلریله * قیصر ایلد تلقیب اولوب بعده
ملوک رومده لقب خاص اولدی * تکمله * اشومر سول الیه اولان قیصرک
اسمی هر قل ایدی کسر ها و دفع رای مهمله و سکون قافله حسب السفاره *
دحیه حضرت تلری مکتوب سعادتمحور به تختگاه قیصره وصول و وساطت
حجابله حضوره مثول ایدوب * نامه عفرین ختام سلطان الانبیایی
دست احترامله مالیده چشم و دهان ایلد کد نصکره ید هر قلد ابلاغ ایلدی *
عبادت مکتوب سعادت بودر * بسم الله الرحمن الرحیم * من محمد رسول الله
الی هر قل عظیم الروم * سلام علی من اتبع الهدی * اما بعد فانی ادعولک
بدعایه الاسلام اسم تسلم بؤذن الله اجرک مرتین * فان تولیت فان عدل
ائم الاربعین * و یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء یستأوی بینکم الا تعبد
الا الله ولا تشرک به شیئا ولا یخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله فان تولوا
فقلوا اشهدوا بانا مسلمون * قیصر روم حکم اسلامه معزول اولغله من نامه
نامیده ملک الروم تعمیرندن کذر پیوریلوب لکن جلب و تالیف ایچون
عظیم الروم عنوانله موثر اولندی * و سلام علی من اتبع الهدی کریمه سنک
مفهم و مننده تشریف سلام متبع هدایت اولغله خاص اولغله * تحفه سلامه
کافری بدایت غلله می بر طرفدر * دعایه اسلامدن مراد اسلامه داعی
اولان کلمه توحیددر * یا حرفی الی معنسانه در حضرت عیسی علیه السلامه
ایمانی اولوب خاتم الانبیاء علیه اکل النجاشی حضرت تلرینه دخی ایمان ایلدیکی
صورنده دوبالا اجر و ثوابه مظهر اولد جفی ایمان پیورلدی * یا خود کندیکن
مؤمن ارب رب ربی دخی ایمانه سبب اولد جفته مبتنی اوله اریسون کرچه

فلا حول معنائه اولوب لكن من اد مطلق رعایا در * جهل و خفالت شدنی
 و دینار منک ضعف قوتی سببیه انقیاد و امتثالده سر عتاری سائر دن افزون
 اولغله انلاره تخصیص یورلدی * علی اثم الارسیین کلام شریفی علیک
 مع اثم یقاتلک علی الکفر اثم تسبیب یقاتلک علیه فی بقائهم علیه تقدیرنده در *
 یا اهل الکتاب کلامنده اصیل حرف ند اولان ادعولک اوزرینه معطوف
 اولغله ادعولک بدعا به الاسلام واقول لک ولا تساعل یا اهل الکتاب
 تقدیرنده در * چون مکتوب بدیع الاسلوب محمدی قرأت و مضمون شریفی
 معلوم هر قل اولدقده * هیئت مکتوب سعادتدن هر قل اندامنه لرزه
 دوشدی * حضار مجلس گفتگویه بشلیدلر * بعده دحیه به بر مقام تعیین
 اولنوب رومیه نام بلده ده ملاذ ساققه و رها یین و موئل بطارقه و قسیمی *
 سیرا آخر تعیینی اوزره ضغاطر نام بر راهب مر تاض اولغله * کیفیت نامه
 صاحب رسالتی بر مکتوبله اگاهها و شان محمدین استقصا ایلدی * ضغاطر
 اخبار مسیحا و نطق انجیل اوزره منتظر اولان پیغمبر ایشان بودردیو تصدیق
 رسالت علیه بی مشعر جوانبامه تحریرا بمکله و رودنده بالجمعه عظمای نخاله
 مسیحیه بی احضار و قبولی بنیادیدوب ~~کنند~~ و می غرقه خاصه لرند مقرر
 ایلدی * و جمله سنه خطاب ایدوب ای معشر روم سرتک سعادت دارینه میل
 و رغبتکروار میگردید کده جلای یکر زبان تصدیق اولدقنده * امدی
 معلومکروالسونکه جناب روح الله علیه السلام بخله روز قیامت میاتنده
 بر نبی ایشان مبعوث اوله جقدردیو تبشیرا تمشیدی * حالا اعلام صوری
 و معنوی دلالتله اول پیغمبر عالی کهر بو ذات کرم الصفات اولدیفی شائیه
 شبهه وار تبا بدن میرادر * پس اکا منابعت ایتمک مستوجب فوز و نجات
 ایلدی * و مستلزم وصول سعادت سرمدی * اولدیفندن ماعدادوام
 ما ککرزه باعث و بقای عز و حرمت کزی مورندردیچیل * حمار و وحش کبی
 جمله سی سحر ایوب قیو طرفنه شتابان اولدیلر * هر قل بونلر ایمانندن نومید
 اولیجی مقصودم دین مسجاده نبات و صلاح کزی امتحان ایلدی * محمدی
 ایین عیسویه نابتقدم اولدیفکر عین البقین معلوم اولغله جهان جهان
 عنون و شادان اولدم دیو تغییر بختله جواهر پاش نوازش و تحسین اولغین *
 انلاردخی ایشاقوب سکوت ایلدیلر * بعده جانب جلیل المناقب سلطان
 الانبیاء هدا یانظیم ایدوب اگرچه بن نائل سعادت اسلام اولدم * اما
 مغلوبیم اظهار و اعلانه مانع دردیو ایمان خنی ادعاسنی متعین بر مکتوب
 دخی ترقیم و دحیه بی رعایت و تکریمه ارجاع ایلدی * حضور منحصرا لاجبور

نبوده مکتوب هر قل قرأت و مضمون محیاط علم عالی صاحب سعادت
 اولیجی * کذب عدو الله ایمن بمسلم مقابلله ثابت ظلمت آباد ضلال اولدیفنی
 اعلام * و هدا یایی کشیده منظره قبول اولدقند صکره بین المسلمین اقسام
 اولندی * معرکه آتیه مؤنه ده صف مؤمنین اوزره آتشیاریه کار اولغله *
 مغالنه سرانیده ثباتی بر وفق تکذیب سیدالا برار بدیدار اولدی *
 ابن حجر دن منقولدر که هر قل جامع الکلام اولان اسماعیل خطاب بلاغت
 نصابتک من یقنه واقف اولسه * پناه برده معقل دین محمدی اولوب جزای
 امر لسلامت دارینه شمولی حسیله فی الاجل و العاجل * هر جمله مهسالک
 و محافه دن مامون الغوائل اولور ایلدی * مکتوب مقوقس * روزی بورد
 حاطب بن ابی بلتعنه دخی مکتوب شریف اشرف البرایا برله عازم جانب
 ام الدین اولدی * عصر مرقومده مقوقس شاه ملک مصر جریح بن مینا
 نام کسینه ایلدی مقوقس لفظی لغته یبانی تطویل ایدن کسینه به دینور عرقده
 قبط مصر واسکندریه حاکم زینه لقب خا صدر * چون حاطب بر موجب
 امر بنی غالب مصر طرفنه متوجه اولوب * مکر اول استاد مقوقس
 اسکندریه ده انکار کزین چارباش ارام اولغین * حاطبه دخی اول جانب وجهه
 عزت اولوب وساطت حاجیه سفیر سلطان الانبیا اولدیفنی اعلام و انبیا
 ایلدی * مقوقس اول ایامده دریاه ناظر بر کاخ معللا اوزره مستقر اولغله *
 حاطبی حضورنه ایراد و لوازم ترحیب و انبساطی ایضا و انجیاد ایلدی *
 حاطب رضی الله عنه دخی اجرای فاعده ادب و تعظیم مکتوب مغالنه مکتوب
 سید المرسلین دست موقه ابلاغ و تسلیم ایلدی * صورت کتاب نبی زبیه
 الجناب بودر که * بعینه صفحه پیرای اثر مستطاب اولمشر * بسم الله الرحمن
 الرحیم * من محمد عبدالله و رسوله الی المة و قس عظیم القیمه * سلام علی
 من اتبع الهدی اما بعد فانی ادعولک بدعا به الاسلام اسم سلم بونلر الله
 اجر لمرتین * فان تولیت فعلیل اثم القبط * و یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه
 سواء بینکم الا نعبد الا الله ولا نشرك به شیئا ولا یخذ به منابعت الاربابا
 من دون الله فان تولوا فقلوا الله هدوا یا نامساون * بوجه اوزره نامه سعادت
 قرأت * و مفهوم هدایت مر سومی مقرون ادعان مقوقس اولدقده * حاطبه
 توجیه روی التفات و رغبت ایدوب * حضرت محمد نبی علی الحق ایسه *
 ایستاده مقام غنور و مخالفت اولنلری صدمت دعواتله نیچون خانه خراب
 حیات ایلزیدی * حاطب دخی معارضه بالمثل طریقه سبیل حضرت عیسی
 علیه السلام به نیچون چهره زندگانی معارضه بنی مشیت درشت دعا یله اوکار

میورمدیلر دیدی * برایکی دفعه دخی گفتار اولی تکرار ایدوب خوش
اولدی * بود دفعه حاطب سوزره کلوب زمان سالقه نجه مجبول غوایت
مفطور حقاقت کسینه لرحاشا ادعای الوهیت ایدوب * عاقبت طرف منتقم
وجباردن نکال و نکایت دوجا را اولد قلری معلوم کدر * لایق اولان سن حال
غیردن اعتبار ایلدوب غیره سنک حالت مذاکره و ایلما مقدر دیدی *
موقوفس یا حاطب حالیا برلر بر دین اوزره برقرار اولوب اندن افضل و بهترین
اولان این جلوه نمای عین البقین اولد قه * استدل لال بعد الاحتمال
دیدی * حاطب یا ملک بر سزای یا حکم رب العزت ناسخ ادیان سالقه اولان
ملت سمیعہ بیضا به ارشاد و دعوت ایدرز * حضرت خدای مستعان بودین
اسلامه شریعت متروکه به خیر مکافات احسان ایدرز * حجاب رسول
اکرم صلی الله علیه وسلم کافه ائمه طرف افریننده هشتده هزار عالم دن
مبعوث پیغمبر مکرم اولغه * بر موجب رسالت عامه قاطبه اعلی معاط
مبسوطه المواند نوجاشنی اسلامه صلاهی عام ایدرز * صوب والاوب
کرامتینه جلوه دن افزون تر شدت و حقانیت اظهار ایدن قریش بر طیش
و عنود و یهودی و دود اولوب * ملت نصارا جانب اعلای سلطان الانبیاء
ملل سائر دن آزید قرب و اتقاسی اولغه * خدای یلور که حضرت موسی
علیه السلام قدوم عیمی علیه السلام برله بشیریه حضرت عیسانک
مقدم شرف توأم محمد علیه الصلوٰۃ والسلام ایله بشیری برابر * و بر زم مری
قرآن عظیم الشانه دعوتی سزل اهل توراتی انجیله دعوت کز برله بکسان
و همسر در * قالدیکه هر پیغمبر ذیشان ادرالک ایلدیکه قوم انک امنی
اولغه * امر و دعوتیه امتثال واجابت محتوم ذمیریدرز * الحاله هذه سزل
خاتم الانبیاء علیه افضل التحایا حضرت تازی نکل زمان من افترا نکرینه ادراکله
شر فندا ولد بکز * کرچه مری دین عیسان نهی ایتمز لکن ملت سمعاه
احدی به اتباعه امر ایدرز دیدی * بوسه و نه طریقیندن چند نوبت
معاطات کوس محاورت و التوب * آخر کار موقوفس یا حاطب بندخی هر بار
حضرت محمدن روش و منش و کردار لری امتیاز و استخبار اوزره *
من هو داله امر و مرغوبان دن نهی میورمیبوب مهر و کهنات و کذب
و خیانت کی ردائل اعمال و مخافت اقوال الایشندن دامن ایمن
شنوانلری با کیزه تر * و اخراج خیابا و اخبار نجوم و املا و اسباب نبوت ذات
معاد تارنده جلوه کرا اولغه * تقدیمک بر خوشنجه قائل ایدیم دیو طرح
مجلس ایلدی * بعد نامه همایونی بر حقه آنیومی ایچره وضع و اوزرنی

مهر لیسو کثیر خاصنه اعطا * و محافظه منی بایده شرائط تنبیه و تان کیدی
ایضا ایلد کد نصکره اسلوب عربی اوزره بر قطعه رقیعه تحریر * و خاکای معلای
مصبوبی به ماریه و میرین نام اینکی جاریه و بکری ثوب جامه قباطی
و دستار وافر طیب و عود و نذ و مسک و سیل منقال دینار و چند عدد کاسه
بلورین و بر مقدار غسل بنهار و بر رأس دلدل نام بقله موزون اندام * و بر رأس
میمون ایله بنام طوناش اسب دلکش خرام * و بر رأس به غور ایله یا خود بنیه
تصفیر ایله عقیق بر له نامدار * هر کب طرفه روش خوش رفتار اهدا *
و حاطبه دخی یوز عدد زرخالص ویش ثوب جامه کراتیم اعطا ایلد کد نصکره
* اتباع امر نبوی صورتده قبطیان بکامطار و عندن روگردان اولوب
ملکمی مضارقت دخی میرون حوزه تحمل و طایفه قدر مقارن ایلله حاطبی اعاده
واقفال * و سرحد جزیره العربیه قدر معیننه برمه دار سواری ترفیله منزل
سلامته ایصال ایلدی * حاطب محل مر قومه و رودنده مدینه قافله سنه
قصادف ایتمکله * بالرفاقه معصومه طیبیه واصل * و عتبه فرقه فر علیا به
قرش جبین عبودیه شرف لا یتناهی حاصل ایلد کد نصکره * نامه
و هدایای عرض و تقدیم * و خامه زبان مقوقس ایله نوشته لوحه حافظه منی
اولان سطور کلانی بکان بکان کلل ناطقه صحیح الیمان ایله صحیفه منیغه
سامعه نبی کریمه ترسیم ایلد کد نصکره حضرت سید الانام علیه لوا مع الصاوة
و الاسلام ضن بملکه الخیث و لا یفاء بملکه کلام اصابت انسامیه صورت
مدعای امتثالی رد و استنکار و انجام حال بر کشته مالی اشما و بیوردیلر *
درگاه محلد الاقباله وارد اولان مکتوب مقوقس بودرز * بسم الله الرحمن
الرحیم * الحمد لله من المقوقس عظیم القبط سلام علیک * اما بعد
فقد قرأت کنایک وفهمت ما ذکر تخبیه و ما تدعو الیه و قد علمت ان نبیا قد بقی
و کنت اظن انه یخرج من انشام و قد اکرمک رسولک و بعثت لک بجماریتین
لهما مکان فی القبط عظیم ماریه و سیرین و عشرین ثوبا من قباطی مصر
و عمام و طیب و عود و مسک و نذ و الف منقال ذهب و قدح قواریر و غسل
من غسل بنهار و بقله و فرس منتخب مسرج و حمار * حضرت رسول علیه
الصلوٰۃ ما دامت الفروع و الاصول مقوقس هدیه سل شایان نظره قبول
یه و دیلر * ماریه قبطیه مایه دار حلیه ایمان اولغه * بوجه تسری و حوایه
شبهستان پیغمبر ذیشان اولوب * نورس نهال حدیقه صلیب سید الانام *
ایراهم علیه السلام * انک فراشندن ساحه بهمنای امکانه خرام ایلدی *
و خواهری سیرین برله خدمان بن ثابت کامین اولوب * و ثیاب مر قومه تن

بعضی به جیم نازنین پسر مکرزین تکفین اولندی * و کاسه منی بورتا اول اب
خوشکوار ایچون اختصاص * و بغله من سوم که سپید قام و دلدل ایله بنام
ایدی کشید تا صطل خاص اولندی * دلدلک ارکاک اولدیغی اتفاقا فکرده
محمد بن کرآمدی * آخرنده اولان تاه حرفی و حدی متضمنی * میانه غربده
آندن اقدم بفال استیعمال اولنما مشیدی * و دلدل اصل لغته کربید کار
جانور اسمی * استرمن بورقیر رنگا اولغله اسم من قومله موسوم اولدی *
و ده ورعین مهمله ایله متسوط در لون تراب معناسنه در مر کب منی بور
طبراق لوتسده اولغله یعفور ایله تسبیحه اولندی * صاحب شفا قاضی
عباضل غین محمد ایله ضبطی مهملدر * بنها کسریای موحده و سکون
نونه مصر قریه لرندن برقریه اسمی * انده بغایت اعلا و احلی عمل حاصل
اولور * ذائقه نبوی اول عسلدن محظوظ اولغله برکتیله دعا یوردیلر *
مکتوب کسری بنه روزمره و مده عبدالله بن خذافه السهمی کتاب عنبرین
نقاب رسول عالی جنابله فرما تفرمای کشور ایران خسرو پرویزین هرمن
نوشروان طرفنه روان اولدی * فائده * کسری لفظی خسرو و هریدر خسرو
لغت فارسیده سلطان عظیم الشان معناسنه در * بعده بالجله شاهان ایران
لقب خاص اولدی * و پرویز لغت فارسیده مظفر معناسنه در * پرویز
من سوم مقدمه قیصر رومله محاربه ایدوب رومیان اوزرینه غالب اولغله
مشرکین عرب مبتجع و شادمان و اهل اسلام مکذروپ زمان اولدی *
زیرا فارسین نور و ظلمت الوهیتی ادعا ایله مشرک اولوب * رومیان اهل
کتاب اولار ایله وحدانیت حضرت خدای بیهمتایی معرفت ایدیلر * الم غلبت
الروم فی ادنی الارض وهم من بعد غلبهم سیه غلبون فی بضع سنین کریمه سی
بویاده نازل اولدی * فی الواقع برمدند نصکره روم طائفه سی ایچام اوزره
غلبه و ظهور ایله اخذ نار ایدوب حتی غضب ایلدکاری صلیب لرین دخی
استرداد برله کامکار اولدی * قیصر روم ایچام اوزره ظفر باب اولد فدنصکره
ایفای نذری ایچون بیت المقدسه ماشیا عنیمتی خلاصه سفیر ایران عبدالله
این خذافه به تصادف ایتمشیدی * تکمله * اول سفیر هدایت سیمیطی ده از
و کورایدی رلشفتگاه نحوست دستگاه کسری به واصل اولوب بالواسطه پیام
سفارتی رسیده بمعبر ویر اولد فده حضور خذلان محصورنه احضار و ایشو
عبارتله که صورت علیه سی ثبت صحیفه انار قلعه شد * بسم الله الرحمن الرحیم
من محمد رسول الله الی کسری عظیم فارس * سلام علی من اتبع الهدی
وامن بانه ورسوله و اثم دان لا اله الا الله وحده لا شریک له وان محمد عبده

ورسوله * ادعوا لبدعایه الله عزوجل فانی رسول الله الی الناس كافة لا نذر
من کان حیوا و یحیی القول علی الکافرین اسم سلم فان ایات فعیلک اثم المجوس
انتهی * مکتوب سعادت نواسلوب اوزره قرأت * و خدای هدایت احتوائی
قرین اذعان پرویز رضالات اولد فده * اول ناعیز فی ادرال نخوت
و غرورندن کابل نامه سرور کشور لولا کی دست اذبارنا با کیمله چالک چالک
ایلدی * روایت دیگرده قبل القراءه عبدالله بن خذافه یدندن نامه مشکین
علامه تلک اخذی باینده امر ایدوب * عبدالله بر موجب فرمان رسالتیناه
یدید تسلیتی ایمان تکمله * نشینگاهنه تقریب و بالذفس نامه سعادت الوب
کاتب یدینه تسلیم ایلدی * عنوان نامه مکر مده اسم سائی نبی تمای
کندی نام نامبار کندن مقدم بیت اولغله * و هله اولاده ترتیب مبطور اوزره
میسوعی اولیحق لعین فیکال خشمناک اولوب * مضنون اطاعت قرولنه
قبل الاطلاع نامه فی مطاعی پرده ناموسی * کی چالک ایدوب عبدالله
بروجه استیصال بلده دن اخراجله امر ایلدی * مخذول بی ملنک سورت
غضبنه سکونت کلد کده عبدالله الهی التماس ایدوب عبدالله ایسه در ساعت
راحله سنه سوار و متوجه درگاه رسالتدار اولمشیدی * استانه خلعت
الاجلاله جبین فرسای ابتهاج اولوب وضع بی ادبانه پرویزی عرض موقف
ایهت امیر ایلد کده * حضرت شهنشاه باهر الجلاله مزق کتابی مزق الله ملکه
تعبیر دعای قاطع الا جابه سنی کردن ملک و سلطنته حواله ایلدی * عزیز
برتمق و باره باره ایتل معناسنه در * مقدماموت کسری نوشروان ماده
سنده قریب زمانده سلطه لری منقشی اولوب ملک و سلطنتی اسلامیه
منتقل اولدیغی تخریر اولمشیدی * ضدمه دعای رسول الله الی هذا الان
ملاکت ایرانده مستقر و بایدار دولت مستقره اولوب طوائف ملوک ایدی
تغلب و تصرفنده گذران ایتمکده در * هر ویدر که اول حیرتی ادب بووضع
بولجهبه قناعت ایتیموب کار بر خشم و تیرطبی غلبان و ابر بر نخوت و نظیری
تفسیده طغیان اولغله * کندی جانب جامع المشابیدن کاشته ملکوت
اولان ملک باذانه خطابا حالایثرب زمینده کابانکرین دعوائی نبوت اولان
ذات شریفی بهر حال تعیین اولنان مبارک راه مصحح و باطر فزه ارسال ایلیه سن
دیو اکید و شدید نامه تخریر وایکی سرهنکیمه تسبیح ایلدی * حسب الامر
باذان کندی قهرمان دیوانی اولان بانویه ایله انشای محمدن خرسره نام
کسنه بی جانب طیبیه بهر ویراه ایلدی * و کندی طرفندن دخی ساحه تسبیح
المساحه نبوی به سوی ایران روان اولار فی ملقن برغیقه تخریر و نامه پرویزی

دخی مصحوب باعث و تسمیر ایلدی * انلار دخی طی منرا حل ایلد کرسی
 مملکت ایمان یعنی هجرت سمرای منیع الارکانه و اصل * و مخصوص فرما
 نفرمای انس و جان داخل اولوب * شه نشاه ایران خسرو پرور مملکت باذانه
 نامه کوندروب اندن جناب رفعتی التماس ایلدی * اجابت یورلدیغی
 صورتده عسکر بیکرانه کلوب دیار کزی زبروز براتل درکار در مقابلله
 نامه لری عتبه علیه به تقدیم ایلدی * بوا انسانه غریب الفخ و امشمول علم عالم
 ارای سید الور اولیجق جوایبی فزدا به احاله یورلدی * اول کیجه ملطن اخبار
 اسمانی مبلغ احکام سبحانی جبریل امین مختل یدشگاه رسول رب العالمین
 اولوب سریره وقعه خسرو و خمران انجانی جانب سرور و نامه اعلام ایتمکله
 دم بامداد با نوبه ایلله * خرخسره احضار دیوان شرف آباد و انوب حضرت
 منتقم جهنم راجل شانه عن شائبه الاشباه و الا نظار جادی الاولین اونی
 کونی ذلنا کیجه بی ساعت سابعه ده شیرویه بی بدربد کهری اولان پرور
 ضلالت میراوز رینه سلطان الله الکلب علی الخنزیر و فی تسلط ایدوب * اول
 بدکاره بی ناب * شمشیر ایلله پاره پاره ایلدی * یورودی * و یومنه عونی حاوی
 باذانه برقطه مشرقه کریمانه ترقیم و بانویه به تسلیم یورلدی * بانویه دخی
 خرخره ایلله نامه بی الوپ واصل دارالملک عن اولد قارنده منیع ماء الحیات
 مهورات اولان دهان سید الموجودات دن اسفا ضمه ایلد کاری ذلال بیامی
 مشربه سامعه باذانه افراغ و نامه نائی هابونی دخی ابلاغ ایلد کزنده واقعا
 قسه قتل پرور مطابقی قبالة نفر و وخر بر اولورایه قطع سافیه بنو تارنده
 شائبه قیل و قال و تضدین و تسلیم دن غیریه به بحال فالمز دیوب طرف ایرانه
 نکران اولدی * بی الحقیقه بعذر روز ظرفنده شاه نوسکه مملکت عجم اولان
 شیرویه طرفدن پدرم پرور ایلله اکابر و اشرف فارس میبانه مافرت
 دو ووب انلار لاهلا کنه قصدا ایتمکله حیایه لر یاجون وجودی اعدام
 ایدوب حیایه متکا زین بر شوکت و احشام اولدم * کما کان حکومت عن
 طرفدن سکا بقا و تفریر اولمخله * اول دیار اهلایستدن بنم ایچون بیعت الوپ
 و پروردیغی طاب ایلدی * ذات معالی سامه رقم دیگرم صدر نه قدر
 اطاله دست تعمر حزن مباحث ایلله * من مضمر و تده مشال کلکله * باذان
 حقیقت حال و مجزیه بی باهر الکجه واقف اولیجق نبوت نبوت تارنده نقطه شل
 و اشکال فالنامه بی سکنه نزد مسلمان اولوب قار و یونده اولان کاشنکان
 اکسره دخی باطل قبول ایمان ایلدی * مکتوب سار * وینه یوم مرقومه
 شجاع بن وهب الاسدی نامه نائی رسول بی مدانی برله حاکم خطه شام

حارث بن ابی و عز الغسانی طرفه عزیمت ایلدی * اول ایامده حارث رابع
 اماکن معتبره جهان اولان غرطه دمشق نام مقام دلارامده هراج نشین
 عز و عنوان اولوب * شجاع ایکی با خود اوج * کون دربار تحو و سندن ارنه
 ملازمت ایدوب برکسته و ساطت و با خود پر سنده سبب عزیمت اولدی *
 هله عاقبت عزیمت نام حاجب ایلله اخر از فرصت ملاقات ایدوب دستنبوی
 دستان سفارت دستخوش سامعه حاجب ایلدی * حاجب همین روز ملاقات
 ایلد کد نصکره اوصاف کریمه نبویدن اسنطاق ایلدی شجاع دخی بر مقدار
 ایات نبوت جلاله سید الا براردن تلاوت ایلد کده حاجب اشک بران اوله رزق
 بن انجیل قرأت ایدوب اول کزنده کائناتک صفات سنیه سنی حال اسنک بیان
 ایلد بکک مشوال اوزره صبط و از بر ایدوب اکایمان کورمشیدم * لکن خوف
 سیاست حارث قدر بردن بحال اظهار در * وین اول افتاب صبح اقبالی مطلع
 افق شام ظن ایدردم * مکر مشرق شارقه طلعه لر ارض قرطایم دیوب
 شجاعه توقیر و اکرام ایلدی * قرطایم بر سیم بر ایدوب به لر عتده * بر بدز
 شجر من یور بادیه به تحف و رزق * ما حصل حاجله اتحاد ملت حسیله
 بکرنل انس و الفت اولوب تا که رؤیت امور مملکته مخصوص اولان
 یوم مهور و دخول ایتمکله * حارث ارقه سنده اکون ملکانه و پاشنده اکمل
 شاهانه دیوانه حقیق و ب صدر نشین مسند حکمرانی اولدی * حاجب
 دلالتیه شجاع نامه هابونی دخی حارثه ابلاغ ایلدی * ضرورت عبارت
 بود که نقش کنایه اثر قلمدی * بسم الله الرحمن الرحیم * من محمد رسول الله
 الی الحارث بن عمرو * سلام علی من اتبع الهدی * و آمن بالله و صدق رسوله *
 وانی ادعولک ان تؤمن بالله و بحده لا شریک له یبقی مملکت * اتمی نامه
 سعادت یو ووجه اوزره قرأت ایلد کد نصکره اول ایدوب بدین خشمکین اولوب
 نامه هم اهل خسته والی انداخته زمین ایلوب مملکتی بدن نزع ایتمکله
 کینه یارای احتطاعت و اردردی و حاشا ظرف سلطان الانبیایه بعض ناشرا
 ترهات الا سامه اجترای و در ساعت پراکنده خشم راتی جمع و یثرب زمین
 اوزره توجه ایلد بکک ایما * برله تجدید نضال اسبنان ایچون باد پروت
 نورله اشغال کوره فرمان ایلدی * و شجاعه دخی مشهود و مسموع اولان
 حلالی و ازوب اخبار و انهار ایلله دیوز جروت عتفه چهره نمای دفع و اوجا ولدی
 بعده بواحوالی قیصره اعلام ایدوب پیغمبر زیشان اوزرینه اعترام
 ضغتنده استیذان ایلدی * قیصره نامه حارث ایلناده کلفت عبرانیده
 بیت الله معنسانه اولمخله قدم شریفده علم اولمشدر واصل اولوب * قیصر

مضروته واقف و ایچق بوعز می فسخ ایدوب قدس شریفه و روده تحریک
 مهمیز مسارعت ایلده سن دیوامر نامه تحریر ایتمکله * حارث عابت
 قعد علی استه فاعده سنه ماصدق اولوب * شجاع دخی اتفاق حاضر
 بالمجلس بولمغه ضروری شجاعی قریبه دعوت و اظهار لطف و بشاشته
 هنگام اعتراف مندن استعلام ایلدی * شجاع دخی علی البحر و برادر جانب
 سید البشر ایلد جعفری خبر و برده کده * شجاعه یوز منقال انترن اعطا ایلدی
 * حاجب دخی قدر المیسور مهمام طریق قریبی ترتیب ایدوب استانه سعد اشیا به
 انخاف کادسته تحیت و سلام ایلدی * شجاع مدینه به کلوب حارث دن
 صدور ایدن او شجاع بی شعورانه بی عرض سده معلایلد کده حضرت
 مغرور ایدوب ایدوب ایدوب ای هلاک و هلاک ملکه پیور دیلر * و حاجبک پیام
 و سلامی تبلیغ ایلد کده صدق تعبه بریده تصدیق و تسلیم پیور دیلر * مکتوب
 نجاشی * وینه روز منورده مکتوب معالی عنوان رسول الله علیه و آله و سلم
 ضمیری ملک حبشه نجاشی طرفه روان ایلدی * بر دم فرخنده وصول
 بولوب تبلیغ نامه حضرت رسول ایلدی * عبارت بلاغت پروری بودر که
 خال رخسار نور و من اثر اولمشدر * بسم الله الرحمن الرحیم * من محمد
 رسول الله الی النجاشی ملک الحبشه * اما بعد فانی احمد البک الله الذی
 لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن * و انهم دان عیسی روح الله
 و کلمته القاهمالی مریم البتول الطیبه الحصینه * خلقه من روحه و نفخه
 کا خلق آدم بیحه * وانی ادعوك الی الله وحده لا شریک له و الموالاة
 علی طاعته و ان تتبعنی و تؤمن بالذی جائی فانی رسول الله * وانی ادعوك
 و جنودك الی الله عزوجل و قد بلغت و نجت فاقبلوا نصیحتی و السلام علی
 من اتبع الهدی * و هاشم مکتوبده حبشه ده هجرت تکرین اولان اصحاب
 کرام ارسالی دخی امر پیور دیلر * مکتوب سعادت محکوب بواسلوب
 مرغوب اوزره قرأت اولمشد قدس کرمه عمر و سوز کلوب ای ملک طرف
 ملکانه که خیر خواها نه کلام اولمغه توجیه سامعه اصفاء اعتبار ایلدی
 دین و دولت کرمه مستوجب خیر بیشمار در * جناب کزک طرف اسلامیه ارزانی
 اولان مهربانی و رأفت کرمه شوم و در که نفسزدن زیاده در * برده دخی
 جانب و الا منافک کرمه در کار اولان و ترق و اعتنا کنده نفس کزدن افزونتر در
 زیرا طر فکزدن بروفق مأمول هر یار نائل بر وادار اولوب * و اخنداش
 و احتیاط ایلد بکه ز حوادث روز کاردن زیر کف حمایت کزده آسوده حال
 ایلد * و بوند متقدم اوزر کرمه حجت و ثوق بهم اخذ باشد بوماده به

میافزده انجیل شاهد صدق و حاکم عدل در * یوحسه جناب کزک ختم الانبیاء
 علیه السلام باحضرت قری عنده مکاتی طائفة یهود که عیسی علیه السلام
 نزدده اولان وقع و حقیقه له و زاندر * حضرت سید الا را جناب بدن غیر
 بر قاج ملوک طرفه نامه را صادر پیور و * ترجی و تأمین و تأمل اجر مبین
 بایلزده سزای جمله سندن مختاری پیور دیلر * دیوناز گانه تمهید کلمات حکیمانه
 ایلدی * نجاشی باعمر و بن شهادت ایدر مکاهل کنابل بعثته منتظر
 اولد قری نبی اخر الزمان اول ذات عالیشاندر * حضرت موسایلد حضرت
 محمدی را کب الحمار عنوانله تبشیری حضرت عیسانک را کب الجمل وصفیه
 تبشیری کیمدر * اما الحاله هذه حبشه من اعوان و انصارم قابل اولمغه
 بر مدت دخی استمهال ایدرم تا که رفته رفته قنوب قاسیه لرین قابل ملایت
 و صدق و یقینله کنه به مر بوط مطاوعت ایده هم دیدی * فایحه * معلوم
 اولد که نجاشی اولک غیریدر زیر انک اسمی اصحمه در و اهل اسلام ایکی دفعه
 اکا هجرت و التیاز ایلد بلی و طرف نویدن کذار شد زیر اولدیغی اوزره
 ام حبیه جنابک تزویجی خسو صنده شرف و کانتله بکام و جزما داخل
 حدیقه الاسلام اولمشیدی * و عاده مهاجرین بایده طرف رسول کزیدن
 مأمور اولدی * و اکا حضرت نبی مفضل سادسه هجریه ده بردفعه سر خوان
 اسلامه دعوت * و بردفعه ام حبیه نک تزویجی بایده احاله و کالنی حاوی
 ایکی کره مکتوب عنایت محکوب ارسال پیور دیلر * لکن نجاشی مر قومک
 اسمی نام معلوم در و انک زمانده اهل اسلام دن حبشه به هجرت و کزدیسی
 نکام امر نده توکیل واقع اولدی * و مهاجرینک ارجاعله مأمور اولدی *
 و هیچ محرر اوزره اسلامه و عدا ایلدی * و شاه مغلایر رسالت اثیر حضرت قری
 نجاشی مر قومه سادسه هجریه ده نعیم اسلامه دعوت و مهاجرینک اعاده سنه
 غیرتلی بایده فقط بر نامه تحریر پیور دیلر * کرجه ایکی سیده حکم قرمای
 ملک حبشه اولوب نجاشی ایلد و سیم و طرف مستجمع الشرف نبی بسیدن
 عمر و سادسه مکتوب ارسالده و مکتوب شریفه تعظیم و توقیر ایلوب
 حقه آنوسی ایچره وضع و محافظه سی خصوصنده لوازم اهتمامی تقدیم
 ایلد که مشترک در و ایکی سنه ده در کاه ایلدی الا جلادن بالکزن بر نامه ارسال
 ایلد بلی * نجاشی نانیل صورت مکتوبی عنقریب ذکر اولدی * اما نجاشی
 اوله سادسه هجریه به قدر تحریر را انجوب سنه می قومه ده تحریر پیور دیلر *
 زیرا عمر و بن امیه انسان العیون صاحبک نقل و تحقیق اوزره اول سفیر در *
 و قال بکه نامه شرفه لامة نبوی تحریر اولمشیدیغی زمانده ایکی سیده

سقر لا طموش کفر و ضلال اولغله حکم شریعت محمدی اوزره مغزول ایکن
مکتوب سعاد تارده ملک الحبشه عنوانله خط ایله نکتہ می بودر که * یوزرک
دارالامن اسلامه قرب واجابتلری معلوم شریف نبوی اولغله حقارنده کمال
اجتلاب و تالیف و مهاجرینه مبذول ایلد کلمی * عیاط نوازش و اکراملرینه
مجازا تالطیف من یقنه مبینی بالقوة القریبیه من الفعل بالفعل منزلته تنزید
بیورلدی * حتی عجز و ک حضرت رسول علیه السلام ملوک سائرہ دن مأمول
ایلد یکنی سزدن مأمول بیورر کلامی سند مدعی تنویر ایدر * و کفر لری
جهتته نظرامتن کتاب مستطابده تحیت و تسلیه مظهر بیورلیوب بلکه
والسلام علی من اتبع الهدی عنوانله تعبیر اولندی * غایت الامر
نوع تالیفی متضمن اولغله خامه مکتوبه تحریر اولندی * ملوک سائرہ دن
اسلاملری فعله بعید قوده اولغله فقره مرقومه صدور مکاتبلرنده ثبت
بیورلشدی * بعد داشاه کشور اجتنابا حضرت تباری قبول غزوه سندن
انصراف و مدینه منوره به تحلی بخش طلعت میمنت انصاف بیورلدنصکره
تاسعه هجریه رجب المرجبده بوکون نجاشی عازم دارالامان اولدی *
دیوقاقوب عن ظهر الغیب صلوة جنازه ادا بیوردر قلمی اتفاق کرده اعلام *
ومتوفای موی الیه اصحمه ایله بنام وخامه نبویه ده ایکی دفعه طرفته
هجرت اصحاب کرام واقع اولوب و سادسه هجریه ده دیوان نبوتدن کندوسنه
ایکی قطعسه مکتوب تحریری دخی رسیده درجه صحت مالا کلامدر *
لکن تاسعه ده قدر معبر اولدیغی صورنده جانشینی اولان نجاشی آخره
سابعه ده مکتوب تحریر اولدیغی تصدیق دخی تصور ایلاز * مکرکه اصحمه
سادسه هجریه ده اسلامه مشرف اولوب و ام حبیبه بی تزویج ایلد کدنصکره
خلع اولغله برینه نجاشی دیگر جلوس ایتمش اوله * یاخود تاسعه ده قدر
مخلوعا قالمیوب نجاشی آخره مکتوب تحریر بیورلدنصکره ینہ مستند
حکومتہ اعاده * و تاسعه ده قدر قرار داده اوله یاخود سادسه هجریه ده اصحمه
بعد الاسلام وفات ایدوب نجاشی آخر منولی امر حکومت اولدقدنصکره *
سابعه ده اسلامه دعوت و مهاجرینه ارجاعه هم تباری بایند طرفته مکتوب
سعادت ارسال اولوب * قلت اعوان عذریله اسلامی امرنده جوینده
مهلت اوله * بعده توفیق الهیله کثرت انصاره نازل و معزوره اسلامه داخل
اولوب تاسعه ده وفات و ظرکات ثبات علیه افضل الصلوات حضرت تباری صلوة
الغیبه ایله روحنه بخشنده حیات اوله * بو توجیه کوزره نجاشی اوله صلوة
الغیبه و عیاب اولوب یاخود دروغی منشول یاخود دلتانده اطلاع مشمول

اولماقی محمدر * لکن سلمة بن اکوع رضی الله عنه حضرت تباردن مروی
اولان صلی رسول الله صلی الله علیه وسلم بنا الصبح ثم قال ان اصحمة النجاشی
قد توفي فی هذه الساعة * حدیث شریفی توجیه من بوری قاد حد * مکرکه
راوی مظهر صلوة الغیبه اولان نجاشی بی اول توهیمیه الحقام ایتمش اوله *
یاخود ثانیل دخی اسمی اصحمة اوله بمقامده مضطرب اولان اقوال
اعلامل تحریر و توجیهنده * مانع عقل قاصر و منتهای فکر فائز و تیره
مستوره در * خدما صفا دع ما کدر * بقه * سیر و اقدیده ثبت اولندیغی
اوزره نجاشی موی الیه طرفندن جوینامه شاه کشور رسالت بوسیاق اوزره
عنوان طراز دیباچه ضراعت اولدیغی رسیده نظر اولشدر * بسم الله الرحمن
الرحیم * الی محمد رسول الله من النجاشی اصحمة سلام علیه یابی الله من الله
ورحمته و برکات الله الذی لا اله الا هو * اما بعد فقد بلغنی کتابک
یا رسول الله * فاذا ذكرت من امر عیسی علیه السلام فوری السماء و الارض
ان عیسی لا یرید علی ما ذكرت تفرقائه کما ذكرت وقد عرفت ما بعثت به الینا
وقد قرنا ابن عمک و اصحابه فانه انزل رسول الله صادقا مصداقا فقد یا عیسی
و یا بعث ابن عمک و اسلمت علی یدیه و الحمد لله رب العالمین * انتهی التفروق
بضم الشاء المثلثة و سکون الفاء قع الترة * مکتوب هوذه * و ینه روزمر قومده
سلیط بن عمر و الامامی رضی الله عنه یرامع دیوان رسالتله اکسره عجم
طرفندن یمامه و الیسی هوذه بن علی حتی جانبته عازم اولدی * وصولنده
سلیطه رعایت و انعام مراسم ضیافتد نصکره نامه همایونی زیور دست اعظام
و فل ختم مسکی الختام ایلیوب * بو عبارت جانپور ایله که بعینم انیرانه
بحال شاهد اثر قلمشدر * بسم الله الرحمن الرحیم * من محمد رسول الله
الی هوذه بن علی سلام علی من اتبع الهدی * واعلم ان دینی سیظهر الی منتهی
الخف و الخاف فاسلم تسلم و اجعل لك ما تحت یدک قوله علیه السلام الی منتهی
الخف و الخاف رای ما تبلغه الایل و الخیل من الارض قرأت اولندقدنصکره
سلیط سوره کاوب ای هوذه سنی بوسیده استخوانلر و اشندان عذاب الیمده
کاب اساسوزان و نالان اولان جانلر مرکز سیادنه اجلاس و اشبو
ذرو شکوه له ممتازا زایلدی * قالدیکه سید حقیقی اول کسسه درکه قامت
ایاقنی خلعت کرانه ای اسلامه مزین و سر اسناد و لباقی تاج و عیاج
دیانت و تقوی برله مکمل و معنون اوله * الحاله هذه طرق فرمانفرمای
ملکت رسالتدن مأمور اولدیغم اوزره سنی عبودیت رب العالمیننه سوق
و هدایت و پرستش شیمان لعیندن غی و تحذیرده مبادرت ایدرم * قرین

مع قبول او در سه فیه و الا میانه کشف غطا و هول مطاع و منقلب رونما
 اوله جتی هوید اذ دیدی * هودیه یا لیلطینی مقام عز و سیادت یکه اید ندر
 سکا دخی بود سادله لوکانه بی ارزانی قلعه رسد خیم کی مظهر شرف
 و شان و نباهت ریاسته کما من ان اولور اید لذیوب * و ذهنت نشئت
 و پریشان شدن بجهت استجمام ضمیر و استحضار تدبیر ایتل باینده استمهال
 ایلدی * بعده مقبل مقبلان اولان استانه جلالت بنیانه یا محمد حلال بسط
 ساحه دعوت بیوردیفل سباط لذیذ الطعم هدایت حقا که اجل جمله نعمت در
 اما بنیم علم شاعری و خطابت طراز شریف شان و منزلت اولمغه کندی قلم
 حکومته وقع و مهابت و قلوب زبردستانده حیر و حقیقت و لایق سائر دن
 افزونتر اولمغین با کر محروسه ملک زدن برمه دار خطه نیک حل و عقد اموری
 بکاف و بیض و احاله و انوب * یه بی امی رسیده شایان مشارکت کور زسل
 طرف سعادت که برهنه سادتیست اولورم منهوم غایت و منته برقه رقیه
 تحریر * و سلطه خائزه و افره و البسه فاخره و برب درگاه امیر طر فقه
 ارجاع و تمیز ایلدی * اول مرزه لای بی ایدل هزیان محو مین و ترهات
 مجانب شدن عبارت اولان مضعون من خرقه ساه سی محاط علم عالی و نبوی
 اولده * لرسالی سبایه مافعلت باد و باد مافی ده بیوردی * سبایه فتح سین
 مهمله وای تحتانیه مخففه ایلد زمیندن بر قطعه به و خرما قوز غنه دیر *
 * زینب بقره بی برمله * هم نهی عن لحم حرمه *
 زینب لفظی معنی اولان بیت اول ضمیر زنده نکح فعلت معولیدر * بره تدر
 عاطفه معطوفه ز * هم لفظی ماضی مجهول در نائب فاعلی حضرت رسولدر *
 نهی فعلت فاعلی * کذلک حضرت خرقه عالمدر * عن لحم عن اکل لحم
 تقدیرنده در * جرجع حاردر * منعه تقدیر عاطفه لحم اوزرینه معطوفه
 بیت مر قومه التي لا یحه مندر جدر * نکاح زینب * نکاح بره * زفاف رمله *
 نسیم بیغمبر ایشان * نهی لحم حار * نهی نکاح منعه * نکاح زینب رضی الله
 عنهم حضرت پیغمبر علیه الصلوة ما طلع الشمس و لمع القمر * غزوه خیبر دن
 عودت بیوردی قدسکره زینب بنت حبی بن احطی تزوج بیوردی * بدر لری
 حبی بن احطی شبهه نسل هرون علیه السلام اولان بنو قریظه و نصیر
 و قبیلای قریظه را نیک شریفیدر * زینب جناب لری غنایم خیبر دن اصطفای
 کرده خرقه الا صغیرا و لعله صفیه ایلد نسیم بیوردی * نام پدر زینب ساد لری
 ارق دخی مریدر * حرم قلم نبویه خوانده سالار خوان شیرینکوار
 اسلام علیه الصلوة والسلام حضرت لری * نعمت عز و زین محمدری به دعوت

بیورمه ایلد ابراز صورت ابایدوب چند روز مر ورنده کردن حالی زینبده
 قلاعه هدایت اولمشدر * خرقه عالم حضرت لری حیر و تألیف ضمیر که لری
 ضمتده قوم و تبار لرینک جانب رسالت به اجتناسار ایلد ککری اوضاع
 ناهم و ار لری * کند و لری نه مجلبه نکایت و نکایت وادبار اولد یغنی ایراد ایلد
 اعتذار بیورمه * سر چشمه خاطر صفیه کرد کدورتدن صاف و جانب
 تبوی به بر کونه علقه دارا انجذاب و ابتلاف اولدیکه * ذات بهترین اوصاف
 مصدقوی نیک ما عدا می عین اعتبار ندره مشابه عتقای قاف اولدی *
 حضرت نبی صبی الا خلاق عتی صداق اولق اوزره حلی بند ازدواج
 اولوب * خیبر دن التی میل مسافه ضیا عده مر اودت بیورمه لری کرد نکش
 استغنا اولمغه نوعا مرآت دل نبوی زنده کیدیرا غبار و انفعال اولمشیدی *
 صهیانام محله واصل و دومة الجندل جانبینه مائل اولند قده * امر ولی الامر
 شش جهته چهره غای اطاعت اولوب امتناعه حسارت ایلد یکی محل
 نزدیکتر بود بر مرکب و دغل اولمغه * بر تقریر به پیرامن سیدالابراره مظنه
 ایصال مکاره و اکر ارا اولد یغنی اشعار لری اعتذار ایلدی * لیل زفافده
 ابویوب انصاری رضی الله تعالی عنه سلا حبوش دائرة بارگاه همایونی دور
 و طواف ایلدیه رکادای خدمت حراست کذاری ایلدی * علی السحر حضرت
 پیغمبر ابویوبی یتکام خیمه مکرمه ده کور یجک سبب حضور دن سوال
 بیوردی * ابویوب دخی بار رسول الله صفیه جناب لری هنوز حدیثه الاسلام
 اولوب بدر و شوهری و قوم و تباری قنطرة شمشیر قهر و ندمیر کزدن دیار
 عدمه کذارا غمزه سوی سعادت سو قصدندن اندیشه ایلد ترک حضور منام
 و مقام خدمت با سبایه قیام ایلدم دیجک * حضرت نبی مدنی *
 اللهم احفظ ابایوب کجایات یحفظنی * تعبیر به حقارنده دعا ایلد یلر * واقعا من
 و برکت دعای خیر لا نام ایلد ایام حیاتنده مدام نکاهیده و قایه رب لا ینام
 اولوب بعد وفاته مرقد متبر کنی دخی دار السلطنة العلیه محروسه قسطنطنیه ده
 اهل روم حراستی خصوصنده مرید اعتنا و روحانیتدن استشفای لری مظهر
 بلغه شفا اولورلر * نکاح بره * سنه مر قومه ذی القعدة سنه بره بنت حارث
 هلالی محرم شهبان نبی ذی القعدة و المعالی اولمشدر * مر سوم خامه
 بدیع الرسم اولد یغنی اوزره * خرقه کرام علیه الخرقه السلام حضرت لری معتبرا
 جانب ام اقرایه احرام بند توجه و اعزام اولد یغنی اتاده * مقدمه داخل محله
 خیبرده جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه حبشه دن عودت ایدوب *
 موجود موب سعادت اولمغه بره بی خطبه ایچون مکیه ارسال بیوردی لری

والماع ایلدی پیوردیلر * لکن بشرین بر این معرور رضی الله عنه قبیل
التخیر والمنع اول لقمة مله فی اخذ وبلغ ایتمش بولغله * اعاده سی دخی نامکن
اولدیغندن فی الحال بشره سی متغیر اولوب یرندن قیام ایتمکسزین متاثر
ضیافتخانه جاودانی جانبته اعترام ایلدی * همان حضرت سید الانام
گاهلندن احتیاج ایدوب حاضر مرخوان اولان اوج نفر صحابه کرام دخی
زهرلشدنی سببیللر لرندن اعضای سائر لرینه سرایت ایتمک ایچون
حسب الاشاره اوساط مفارقلرندن احتیاج ایلدی * مکر اول غداره
روز کار و مکاره مکر امور حمله کار بخاندیل یهود ایله بالاستشاره اول کونه
زهر دفعی التأثير تدارک ایدوب بواصر فطیع و کار شیع و بشیعه اجتناسار
ایتمشدی جناب رسالتدار علیه افضل الصلوة فی کل اللیل والنهار حضرت تبری
اول مکاره فسونکاری حضور جلالت انحصار لرینه احضار ایدوب *
بوضع غدارانه سنک سبب ارتکابندن استفسار پیوردیلر اول وقایع معصیت
شعار قطعاً معیت انکاره امله کفتمارایتموب بی باکانه پذیر و شوهر و قوم و تبار
بد کهر لرینک قتلندن بخله اخذ کیمه و نارداعیه سیمله یوم مامله به ابتدار
ایلدیم * اما بوملا حظه ایله که اگر سلطان ایسلک پنجه تغلب کدن تخلیس کریمان
اول نور * و اگر ادای نبوتک واقعا مطابق اولوب مانند صبح ثانی صادق ایسلک
بهر حال جانب لایزالدن اخبار و اعلام اولنماق امر محال دریدی *
اخذ انتقام منافی شیعه کرمه سید الانام اولغله نفس انفلسرینه سوء قصدی
مجازاتنده عفو و اغمازله مکافات پیوروب * لکن ورثه بشر میاشترت لرله
قصا صاشراب زهراب شمشیر اولندی * واسلامی خصوصی بین الاسلاف
موقع اختلافدر * نهی لحم حمار * و سنه مزبورده لحم حمار ادنی اکندن
نهی صادر اولدی * بنی آدمه انسیبتندن ناشی حمار انسی دخی اطلاق اولنور *
وحشی مقابلدر زیراجر وحشیه نل لحوی قطعی حلالدر * صورتی
بودر که لشکر اسلام قلاع خیبردن صعب نام قلعه نل حصار نه افراغ و سح
واهتمام اوزره ایکن بکرمی یا خود اوزر اس حمار قلعه دن چیهوب علی روایه
طشردده قلعه * بر کرده اهل اسلام اخذ و قتل ذخائر سببیللر استیلای شدت
کر سنکی و منحصه دن ناشی ذبح ایدوب طبعنه مبادرتده ارلدقلری رسیده
سامعه صاحب شریعت اولغله * بر موجب فرمان مختم الاذعان جابجا
منادیان لحم الحمار الانسی و لحم کل حیوان ذی ناب من السباع و ذی
شعوب من الطیور حرام نداسیلر غافله اندازمیانده عسکرین اولدی * معرور
انسان و جان مشرتلری ابتدا قدورک کسر یله امر پیوروب بدمه غسل و تنظیفی

بایبده فرمان ایلدی نهی نکاح منعه * وینه ملکه مزبورده نکاح منعه دن
منع صادر اولدی * فائده * منعه عرف شرعه ان تقول لامرأة اتعت بل
کدامده بکذا امن المال عیسارتیه معرفندر * نکاح موقت ایله فرق واردر
زیرا نکاح منعه نل صورت عقدنده اشتقاق جمعیله منعه به مشارک
تعبر بولغی متعبردر * اما نکاح موقتده شهود شاهدین و تزویج یا خود
نکاح اداری بولنوب و مدت معین اولق لازمدر * نکله * فتح مک
هنکامنده اوج کون مباح قلند قد نصرکه الی یوم القیام حکم حرمنده مستقر
الدوام اولدی * کرچه صدر اول اسلامده اباحت و حرمتی بایبده اختلاف
واقع اولوب بعده حرمتی خصوصنده بکریان وفاق اولدی * بعضی علما خیر
وقعه سنه عدم تحریم طرفنک رجحانی و حجة الوداعده حکم حرمک
نیرونی ادعا ایدوب * حتی سنه مزبورده اهل اسلام متعنهانی تودیع
ایتد کار بچون سنه الوداع ایله نسجه اولندی دیومرد سنه مدعا ایتشددر *
و بعضی فتح مک سنه سی تحریمیه امر صادر اولدیغنه ذاهب اولشددر *
لکن بومده بر منی بقدر زیر اوداع سنه سی متعنهانی تودیع بقای اباحتی
مسلتم دکادر * و عام فتح مک ده تحریمی خیبرده محرم اولوب فتح سنه سنه
قدر استمرار حرمتته منافی دکادر * زیرا فتح مک هنکامنده اباحتیه حکم
اولنوب بعده ینه حرمت سالفه سی ابقا اولتی جای مساعدر * غزوه تبوکده
وقوعی روایتی امام مهملی قوی اوزره اغرب روایاتدر * و داع سنه سی وقوعی
روایتی سال فتحده صادر اولان حکم حرمتی تا کیدد زیوخسه بعد الاباحه
مجرد احکم حرمت وقوعی مفید اولماده مذهب بعضی اوزره اوج دفعه
تحریمی اقتضا ایاز * و غزوه و طاسده وقوعی روایتی عام فتح روایتنه منافی
دکادر * زیرا غزوه و طاس دخی فتح سنه سی صحیفه زیب غزوات افضل الناس
اولشددر * بوقتدیر چه درت دفعه تحریمی واهمه سی دخی بر طرف اولدی *
امام شافعی ایکی دفعه حرمت ذاهب اولشددر * زیرا منعه دفعیری بردعه
محرم اولد قد نصرکه مباح بعده محرم اولان ماده معلوم دکادر پیوردیلر *
امام شافعی نل بولکلامنه انسان العیون صاحب نل حیات الحیوان مؤلفندن
اوج ماده که * قبله * و لحم حمار اهلی * و منعه در * ایکی دفعه نسخ اولدی
دیونقلی منافیدر * و بعضی حضرت سید الکائنات منعه خصوصتی
علی الاطلاق نهی پیورمبوب بلکه غلیبان توقان سببیللر ارتکاب فضیحه
زنا به بعضی اولیه حتی زمان و مکانه تخصیص پیوردیلر * حتی ابن
عباس رضی الله عنهما دخی بوجه اوزره اقتضا ایلدی دیدیلر * و بعضی

متعه بی اول نهی ایدن حضرت عمر در دیوب صحیح مسلم در بزار زمان سعادت
 اقران سید الکونین وعهد خلافت شیخینده روایت دیگر اوزره حضرت
 عمر دن نهی صادر اولجه قدر استماع ایدردن حدیثه که حضرت جابر دن
 مرید راستماله باشد * لکن بومذ هبل دخی مر دودتی ظاهر در *
 زیرا حضرت رسول الله عام او طاسده متعه بی علی الاطلاق نهی پیور دقاری
 صحیحینده منتهی * و ابن عباس حضرت نلری بوسرای سپنج فایندن عازم
 سعاد تخانه جاودانی اولمزدن مقدم تحریم متعه خصوص صند سائر صحابه
 کرام اتفاقه رجوع نلری رسیده رتبه صحید * کذلک مر ویدر که حضرت
 ابن عباس بر عرفه کوفی خطیب یافتم اولوب ای معشر المسلمین معلوم کن
 اولسونکه (مینه) و دم) ولحم خنزیر کی نکاح متعه دخی حرامد و پیور دیلر
 و حضرت عمر ک تحریمی مستند عامه صحابه کزینه منیدر * خلاصه کلام
 عصر صحابه کرام منقضی اولمزدن مقدم تحریم متعه باینده اجماع امت
 منعه قد اولمشر * فاحفظ هذا فرما لا ترام علی هذا الوجه * و معلوم اوله که
 رافضی طائفه سی امر خلافتده حضرت مر تضایی تأخیر ایلدیلر ز عجله
 اکثر صحابه بی حاشا تکفیر ایتلریله کتاب کریمی مبین اکثر سنت سینه دن بی بهره
 قالدیلر * بنابرین * متعه نل ایا حتمه بل که نکاح دن افضلیتیه ذاهب
 اولدیلر * سلاله سید جرجانیدن السید میرزا محمد دوم الاصفهانی * الذواقض
 فی الرد علی الرافض * نام تالیفنده ایراد ایلدیلر که کراهان روافضه دن برینه
 متعه بی نکاح اوزره تفضیل کز لوجهی ندرمع هذا اهل بیتدن بر فرد
 بالطرفین متمتع اولد قلیتیه اتفاق ایدرسن * پس مذهب کزه کوره اهل بیت
 افضل ترک ایتش اولوردیوسوال ایلدیلر * مهیوت اولوب اداره حرف
 جوابه اقتداری اولدی * و منتهی ولد که خلفای عباسیه دن مأمون خلیفه
 تشیع ایدوب شعار عباسیون اولان لباس سوادی اخراج و علویون کی علامت
 خضر ایلد متزین اولدی * و امر ایلدی اسواق بغدادده متعه نل حانی معلن
 جاجا منادیلرند ایلدیلر * قاضی بغدادی بی ابن اکثم علیه ازجه یوحادثه بی
 استماع ایلد کده همدان درگاه مأمونه شتابان اولوب متغیرا حضور نه داخل
 اولدی * مأمون خلیفه بشرة یحیاده اثر تغییر و انفعالی کور یجیلر سیندن
 سوال ایلدی * یحیی دخی دین اسلامده حادث اولان تحلیل زنا باینک
 ندای هوشربا سبله بی شعور با که مر حله زندگانیدن دور اولمده رمق سیر
 قالدی * و یحیی خلیفه متعه زنا میدردیو استغنا ایلدی * یحیی نم زنادر
 دیدی * خلیفه دلیل التماس ایلدی یحیی ایلدلی کتاب الله و سنت رسول

اله در * اما کتاب الله قد افلح المؤمنون الی قوله تعالی و الذین هم اقربهم
 حاقظون الا علی ازواجهم او ما ملکت ایمانهم فانهم غیر ملومین فمن استغنی
 وراء ذلك فاولئک هم الماعدون کریمه سید * یا امیر المؤمنین طریقه متعه ایلد
 تزوج اولسان مرأه ملک یمنیدر دیدی خلیفه لادیدی * یحیی حکم الهیله
 وارثه و موروثه عنها اولوب اولاد کند و سنه ملتحق اولان زوجه میدردیدی *
 ینه خلیفه لادیدی * پس یوابکی حکمدن متجاوز اولان فرقه عایدینددر
 دیدی * اما سنت نبوی امام زهری اسناد صحیحله حضرت مر تضادن
 امر فی رسول الله صلی الله علیه وسلم ان انادی بالنهی عن المتعه و تخزیمها
 بعد ان کان امر بهما من شریقه روایت ایلدیلر * حدیث منیدر دیکیلر *
 خلیفه حاضر بالمجلس اولان سائر علمایه امام زهری مر ویاتندن یوحديث
 شریف اسلوب مهور اوزره سنل دخی مضبوط کز میدردیو استفسار
 ایلد کده * انلاردخی یکدهن زمنه پیرای اقرار اولیحق خلیفه استغفار
 ایدوب امر ایلدی * تکرار متعه نل تقریر تحریمی باینده ند ایلدیلر *
 * مهاجر اشعر حبش روم دوم * س خالد عثمان عمرو جاعز و *
 مهاجر کله سی مبتدادر اشعر و مابعد تقدیر عاطفه معطوفلردر * جاء نعلی
 خبر در وزن ایچون مقصوددر * افراد رابطه مذکور یا خود کل واحد اعتبار نه
 منیدر * اشعر و قبیله اشعر تقدیرنده در * حبش ضم حاوسکون یا ایلد
 جمع حبشی در * روم وزن ایچون ممنوع صرف قدر جمع رومی در * دوس قبیله
 معهوده در * مصرع اول مر هوندرویت مر یوریت اتی به ویت مر قوم
 ظاهر اسکر و فی الحقیقه ایکی لایحه بی منضمندر * زیر اشعر یون و حبشیون
 و رومیون و دوس یون مهاجر نله بالرفاقه و خالد بن ولید عثمان بن طلحه
 و عمرو بن عاص ایلد بالمعیه و رود ایلدیلر * و روده مهاجرین * مر سوم براعه
 بلا غنقرین اولدیغی اوزره سرور انبیا علیه افضل التحایا حضرت نلری
 ام حبیبیه نل بالوکاله تزویجی و زمره مهاجرینک ارجاعی باینده طرف
 نجاشی به امر نامه ارسال پیوروب اولدخی اجرای مأموریتیه قیام و مهمات
 طریققرین اتمام ایدوب معزز او مکر ما استانه بخلد الاقبال جائننه ارسال
 ایلشیدی * قائد الجیش اسلامیان علیه الصلوة مدی الدهور و الا زمان
 حضرت نلری فلاح خیبردن کتیه نام قلعه حصار نه مشغول ایکن * جعفر
 بن ابی طالب و ام المؤمنین ام حبیبیه و سائر مهاجرین حضرت اتی و قبائل یمندن
 اشعر قبیله سنه منتصب ابورده الاشعری و ابوموسی الاشعری و برادر نلری
 و بر جمع التمس ایکی تقریر متلبس لباس صوف یعنی عبایوشن حبشی و سکر نلر

روی و دوس قبیلہ سندن سکسان خانہ کہ ابوہریرہ حضرت تری انلارده
داخل ایدی * متوجه درگاه رسالت بنا اولوب خلال راہدہ غدا لقی
الاحہ محمد او حربه * مقالہ نو بردار اشتیاق اوله رق کاوب خاکای عرش
اسای سرور اصفیایہ جبین فرسای اولدی * انلارہ نور زہنور دایکن
منزہ مدان رازنامہ کائنات علیہ لوا یح الصلوات حضرت تری * اصحاب کرامتہ
منزلہ بر قوم متواردا ولیور کہ رقت قلبی تری منزلدن افزہ تر دیور دیلر *
بعد الورود جناب خیر الوالد والمولود حضرت تری * اشعریان و دوسیانک
بہر مند مغنم خیر الوالد فی مناسبت پیور مغلہ مال غنیمتدن انلارہ دخی حصہ
افراز اولندی * ابوہریرہ حضرت تری نام اصل سندن در کار اولان اصول
اختلاف اون ایکی شہبہ بہ منشعب اولشدر * اشہری عبد الشمس بن عامر در
بعد الاسلام عبد اللہ ایله نامدار و ابوہریرہ کنیہ سبیلہ قرین اشتہار اولدی *
فی الاصل قبون چوبانی اولوب بر معتبر کرہ سی اولغلہ دائماً نیکلہ انس
وملاعیہ سی ابوہریرہ ایله اکتسابی بادی اولدی کندیلر دن منقولدر *
شرفیاب اسلام اولد قد نص کرہ صفہ نشین اولوب مهاجر بن کبی تردد بازار
وانصارا ساعمارت بسا تین وغرس اشجار ایله اشتغال ایتیموب دائمی ملازم
حضور سید الور اولغلہ جلہ اصحابدن زیادہ حفظ احادیث وضبط سنت
خیر القدییم والحديث ایشدر * و آخر مدت معاویہ دہ سہ و خستین سنہ
سندہ یتیم سکر باشندہ ایکن اشبو محنتکدہ فنادن کاشنیرای بقایہ توجہ
وارتحال ایلدی * کتب احادیثہ اول ذات شریفدن بشیمل او جیوز یتیم
درت حدیث شریف منقول و منبند رضی اللہ تعالی عنہ * قدوم خالد
بن ولیدی * سنہ من یورہ دہ خالد بن ولید عثمان بن طلحہ الجلی و عمرو
بن عاص رضی اللہ عنہم ادا ی عمرہ القضاء نص کرہ آستان بلند ایوان نبوتہ
کاوب عرض ایمان ایلدی * و سہ کش ابروی شاہد خبر یور سہہ ہر اہ ساز
جمال نو عروس اثر اولشدر کہ * حضرت خالد بن ولید کندورینل کرداب بحر
قعر ناباشرا کدن دستبازی غواص ہدایت افرینندہ آب و خاکہ سمیت
ساحل نیجات توحید و املا مہ انجذ ایلدی بوسبیاق اوزرہ تہل و نیسان
ایشدر کہ * بر کون ظلمت سرائی دروغندہ نیرافراز انوار توفیق پرورد کار لامع
و بر توتار اولوب * استجمام خاطر و استجماع اسباب تأمل زاخیرہ حضرت
محمد ک معارف عیدہ سندہ حاضر اولوب * بین الامثال شجاعت جرات
ضرب المثل و فی نفس الامر ماہیتہ ماہیہ اقدام و شہادت ثانی طبعی
و خامس من اچم اولدی فی دستور العمل ایکن * برجنگاہدہ بارای مقاو متہ

امکان و قدرتم و ایوب جلہ سندہ خواری انکسار و ہر غملہ مخدول و مذلل
اولدی غمزدن ظاہر اثبات و حقیتنی ادعا و اعتنا ایلدی بکمز آیین * کالمشق
علی الماء * و کالتقش فی الہوا قیبلندن اولدی فی عیان * و روز بروز علم
علمستان دین محمدی * و توستہ طاق نہ رواق زہر جدی اولغلہ * رفتہ رفتہ
مانند مہر منیر چہا نکیر اولہ جفی نمایاندردیوملا حظہ ایدوب * اکامتقارب
شم سوار میدان ملکوت علیہ الصلوۃ من صاحب الجہروت حضرت تری
قرو شکر و پیغمبرانہ ایلہ عمرہ القضاء توجہلری واقع اولغلہ * بندخی اعیان
قریشلہ کنارہ کیر وادی غیبت اولشیدم * ہادی المسالک حضرت تری
ادای شعائر و مناسک پیور دقلری خلالہ برادر م ولید بن ولید کہ مرافقت
نبویلہ محرز شرف و شکر ف مدید اولشیدی * یوزمین اوزرہ یکا بر قطعہ
مکتوب شفق اسلوب نصیحت معصوب ارسال ایلدی کہ * بنم برادر م
سن عقلای زمان و حال اکہان و دقیقہ شناسان جہان میانشدہ مانند ہلال
رمضان مشار بالینان * و منظور عیون عالمیان ایکن * ہو گونه کرفتہ محقق
خری و خذلان اولہ رق ایام حیاتک منسلخ اولوب * اقتاب دین محمدی
افاضہ سبیلہ بدر منیر اسار و شنارد و جہانندہ مظہر عز و علی اولیہ سن *
حضرت سید الا برار علیہ الصلوۃ مادامت الدہور والادوار سنی بندن
استہ سار پیور و بندخی توفیقہ تعالی قریب ارطہ ہولناک ضلالتدن
رہا و دارالامن اسلامہ دخوللہ رہین فوز و فلاح دنیا و عقبی اولہ جینی
حاصل اولدی * بعدہ سرور سریر رسالت حضرت تری دہنکشی لطف
و عنایت اولوب خالد کبی عارف و ہشیار شرف اسلامی ادرال واسطہ عارای
مہ ولہ سی دکادر * اگر اسلامی قبول ایدوب بزمہ یار و ہمدم اولسہ شجاعتی
سبیلہ ظہر اسلامہ قوت و پای اشرا کہ و ہن و نکابت و کندی حقنہ دخی
خیر بی نہایت حاصل اولور ایدی * و شائستہ رعایت و تکریم و جلہ بہ کندوسنی
قدیم ایدزدیم پیور دیلر * بنم برادر م نسیم و مرغدن استعارہ سیروبال ایدوب *
علی جناح الاستجمال موکب ہمایونہ ورود و وصول امرندہ لوازم غیرتی
اکمال ایلہ سن * پس حق کترانندہ بوجہ اوزرہ شرفصد و رایدن کلمات توجہ
ایات افضل الوجود اتدن جہان جہان سرور و شادان اولوب * اتفاق
اول کیچہ عالم منامدہ شویلہ مشاہدہ ایلد مکہ کو یا اوارہ تنکنای بادیہ
بیاب و ناب ایکن فرجہ یاب خلاص اولوب بر معمرہ فراخ و سبزیندہ
جلوہ امترازہ بشلدم * بعد الاقباس مضیق شریک و ضلالتن رستہ
و فسخ سرائ اسلامہ پیوستہ اولہ جہلہ تاویل ایدوب * دوبالاشوق

و انجذاب به درگاه رسالت جانبیه تصمیم عزم ایدم همراه طایفه بیکان بکان
صفوان بن امیه و عکرمه بن ابی جهله و ارباب اظهار مافی الضمیر ایلدیکمده
ایکسیده روگردان اولوب * عاقبت عثمان بن طلحه الحنظلی بخانه شد خزام
موافقت ایتمکله * بالرافقه مرحله همدیه ورود منزه عمرو بن عاص جنبانه
دوچار اولوب * مکر اولدخی اسلام اراده سیله درگاه رسالت پناهه رونماده
اولی آرزو سنده ره پیمای تختگاه نبوت ایمش * پس اتفاقه جانب طیه به
اعتزام و انطلاق ایدوب غره صفر الحیدره ظهر حیره نام مقام مستنخ راحله
ارام اولدقده * حضرت رسول الله قدوم عاجزانه منردن آگاه اولیجی
سر چشمه خاطر ذار لرری سرشار نشاط * و جوشان بهجت طاسط اولوب *
حضار مجلس قرسی مجالس لینه خطا بار منتکم مکه بفلاذ کیده های یعنی
اهل مکه چکر پاره لرری سزل جانبیه القا ایلدی * و روشلری پس برادر و لید
برزی استقبال ایدوب * بربرارای کشور و ما ارسلناک حضرت تری قدوم مکرزدن
بغایت منشرح و فرحان ایلد * الیایز کس چشم ترا کشفه ارلری اکشوده
سمت انتظام اولمین بران اقدام تقیل قدم مکرملری شرفی احرازه رفع
قادمه اقدام ایتمکله * اهم مهمان در دیوان ایستگاه * شتاب نامه
نادی سعادت تباری بنجاد شمول عالیله به چهره سالی منول اولدیفمزده
کلبرک رخسار لرری رنک افشان طراوت و انجلا * و لعل لب تابدار لرری شکر
بریزان تبسم روح افزا اولوب * اولاناز بوی سلام و تحیت عرض و تحافنه
مبادرت ایلدم * طوطی شکرستان بلاغت حضرت تری دخی طلاق وجه
و جلیله تسلی باینده ناطقه برداز عنایت * و جواهر تبار ترجیب و ملطف
اولد * طرف باهر الا جلال نبویدن بوکونه توجه و اقبال مشهودم
اولیجی بی اختیار گفتار در برابر شهادت پیرایه زبان اقرارم اولمشدر * خلاصه
اب و خالک حضرت تری الحمد لله الذی هدانا لی هذالک ای خالک سنک معدن ذاتنده
جوهر رشد و رقیبت من کوز اولدیفی معلوم ایلد * رهبر عقل سلیم سنی
سائق صراط مستقیم اولمغی امید ایدردم پیوردیلر * بندخی لیکشای
ضراعت و ابتهاج اولوب * بار رسول الله ایام جاهلیتده محض نادانی و جهالت
سبیل موطن عتو و عصیان و معارک تباهی و طغیانده بولنوب کونا کون
اوضاع متمرذانه و اطوار کسنا جانیه اجتنارم اولدی * حالا عیون
کریمانه دن مستند عادر که الواث جرایم سالقه شسته آب عفو و وفقت اولی
باینده درگاه قابل التوب غافر الخطیئاته دعا و رجا پیوزله دید بکیده *
رحمة للعالمین علیه الصلوة مدی الدهر و الحین حضرت تری * الاسلام یجب

ما قبله * یعنی قبل الاسلام قرن ارتکام اولان ضباب کفر و اعتساف تنسم
نسیم اسلام ایلد پذیرای انفتاح و انکشاف اولور بشارتیه * قلب بر حرارت
اب افشان مسرت اولدیلر * اکامترادف عثمان و عمرو دخی کلوب اعلان
شهادتله عرض ایتان ایلدیلر * لکن عمرو بن عاص رضی الله عنه حبشه ده
نجاشی بدیده شرفه داسلام اولد * بودفعه حضور سید المرسلینده بنیان
ایمان و یقیننی ترصین ایلدی * نجاشی مظهر صحت نبوی و امامتله تابعی
زمره سنه ملحق اولمین صحابی دست تابیده مسلمان اولمق جمله غرائب دن
معدود در نزد رسول الله صلی الله علیه و آله و عمر و رسالت و مبدان داری جهنتدن
عزاز اقران و سر فراز همکنان ایلدیلر * موی الیم حضرت انک کرچه
اسلام لرری نامنه اعتباریه هجریه ده واقع اولوب لکن او اخر سابعه حقیقه
اولان صفر الحیدره و قری لایسه سی بر دخی سابعه و تابعی ساکننده مختلط
ایلد * و عمرو بن عاص نجاشی بدیده اسلامی خصوصی کندیلدن بوجه
اوزره منقولدرکه * اوائل حالمده اهل اسلامه جمله دن زیاده بقیض و کینه دار
و دین محمدیدن نهایت درجه ده محجوب و برهیز کار ایدم * بدر * واحد *
و خندق * ملا حارنده اثبات وجود و ابراز سعی نامعدود ایتشیدم * برکون
استحلاب فکر و اتق و استحضار تأمل صادق ایدوب بونسق اوزره خاطر مه
ساخت و مفکر مه لایح اولدیکه * ع * سال نیکوزیم بارش پیدا است * و فقی
بهر حال حضرت محمد قریش اوزرینه غالب و مظفر اولوب جمله سنی زبردست
اطاعت ایتمی امره مقرر در * هله بن بر زمان گوشه عزلتده از و احوال
عالمی دورین بصیرتله تماشا ایدیم دینوب مالک اولدیم مالی جمع و ادخار
و کندی قوم ایچره از و اختیار ایدوب * اختلاط اخلاط ناسدن کناره
کاغذ مثال بریده مقراض اعتزال اولدم * حدیثه صلی و قوعنده تکرار
مرآت متغیله مده بوصورت ملا حظله نمایان اولدیکه * حضرت محمد لا حرم
سال آینه حلوننده کافه احتیایله داخل حرم حرم اولمق در کار و افعاله * مکه
و طائفده بزه بسط حصیر پاره ارام و تمکن ایلد جل بر محل قالیه جفی
بیدارد * همان معقول و مناسب اولان تمیددن طی بساط اقامت
و بر طرفه تل رخت کلفت ایلکدر دیدم * و وجدانده کافه قرشیان مائل
سمت ایمان اولسه لرینم بوجه جهل اسلامه ماله پیکر رکون ایلدیه حکم
قرار یافته ایدی * پس بیکار و هوادار اولوب هر خصوصه بنی مشیر
و مشاریدن اقرب قوم و تباری جمع و بوملا حظله می پیشهاد مناسب
واکر حضرت محمد قریش اوزره غالب اولورسه طرف نجاشیده بوانق

زیر قهر محمدیده اولقدن اسم و اسم پدر و اگر امر بر عکس اولور سه برقریشل
از قدیم مذهب و مشرب جهنمه معلوملری اولان کسه لر زدیونجاشی طرفنه
نقل پنجاه ثلث ایتمکه ارشاد و دلالت ایلدم * انلاردخی نورانی استصواب
ایدوب بنله هرکاب موافقت اولدیله * پس نزدنجاشیده معتبر اولان وافر
مختیار تدارک و ترتیب ایدوب برکون حبشه طرفنه سوق مطایای عزم
ایلدی * وصول زده بزه نجاشی فوق المأمول اعزاز و ترفیل و افاضه بر تو
الغافل دایره مالمزی تکمیل ایلدی * و بنندن بغایت محظوظ اولغله ایل و نهار
ساغر وارندیم بزم صحبتي و باده صفت کرما کرم مجلس انس و الفتی ایلدی *
تا که عمرو بن امیه ضمری جانب نمودن سفارتله کلوب نجاشی بی جشن
اسلامه دعوت ایلدی * بن میانه قریشه احراز نام و ناموس ایتمک
سوداسیله عمر و کتله هوسدار و فضولانه طرف نجاشیدن مساعدیه
خواستکار اولدم همان چهره ده دست غضبه بر طبنجه سخت اوروب انف
ودماندن نهر مرخاب اساخون روان اواغه بشلدی * یوحالنه تقید ایاموب
کنندوسی دعوت رسول رب العزت لیل زن اجابت و بالجله حواشی
و اشباعله اسلامه کلوب مختار سعادت دنیا و آخرت اولدیله * قرینه حال
بوکونه ملاحظه جائل مجال بال اولدیکه * حضرت محمد صادق و مصدق
نبی حسنی و رسول ربانی اولدیغنی کافه عرب و عجم استیقان و استیناس
ایدوب جلای شمشیر حکمت سیر فرورده امتثال و اقتباس ایلیم * بن بالکیز
کردنکش عناد و مخالفت اولق عجب حرکت جهولانه و جنبش لایعقلانه
در دیوب * افق دروغدن دخی نور هدایت لامع الاشراف اولغله همان حضور
نجاشی به متول ایدوب * پای ملک حضرت محمد شمدی جناب کز نبوتنه
صمیمی شهادت ایدر میسر دیدیم * نجاشی دخی بی حضور احکام الحاکمینده
شهادت ایدرم * یا عمرو کل بنم کوهر نعمی قرطه کوش قبول ایاموب
دین محمدی به اتباع * و ملت بیضای احمدی بی اسوه مطاع ایل * خدای
بیون حتی جناب کلم علی نبینا و علیه السلیم کوکبه شکن مویکب
فرعونیان اولدیغنی کبی * عن قریب الزمان اول ذات جلیل اله عنوان دخی
کروه مخافه بنی بر زده سامان ایلک شمس و امسین عیاندر * دیدی بندخی
ای ملک حالیامر برارای تحت کاه اصطفاغایه رواع الصلوات و بدایع التحایا
طرفنه ایصال تحفه اسلام ایلکه متوجه اولدم * جانب اجل المناقب
نبوتینه و لاله بکادستنداده بایست اولور میسر دیدیم * اظه بارشیر
و بشاشه الهی اوزادوب بندخی عقد بیعت و جمال حامی اب و تاب اسلامه

رنل بسنه لطافت ایلدم * نجاشی در ساعت امر ایدوب بر لکن کتوردیلر
چهره خون الودعی کندولری غسل و تنظیف و خلعت فاخره ایله تشریف
ایلدیلر بعده مجلسندن چیتوب قوم بنی لباس ملوکانه ایله کور بچک نجاشی
طرفندن غالبامه و لکزه دسترس نبل اولدی بکزدی و اطهار سرور و انبساط
ایلدیلر * بندخی یومجلسده عرض امل نابعل اولغله مجلس دیگره مرهون
ایلدیم دیدیم * انلاردخی استحسان ایلدیله * پس بر تقریب مفارقت * و لیجان
بجمر طرفنه خطوه بر زمساعت اولدم * توفیق موصل المنابرله بر سفینه
مهیا بولغله * همان سوار و شعبه دن چیتوب بر راحله اشترا و طرف طبیعه
الغارا ایلدم * هده به وصولده خالد بن ولید و عثمان بن طلحه به مصاف
اولوب بالاتفاق رخسای خاکبای نبی کریم الاخلاق اولق میسر اولدی *
* ساهکه حنین طائفاسری * شجاع کعب اشملی بواشعرا *
بیت سابقه ضحنده واقع غز و اقلنک ضحیر جمعی سیدالانام و صحابه کرامه
راجعدر * سالفظی فی الحادیة و الستین موقعه در * حنین و طائفه تقدیر
عاطفه معطوفلدر * کعب و اشملی و ابواشعر * کذلک عاطف مقدرا ایل
معطوفلدر * اشملی وزن ابجون حرف تعریف و تنوین و پای ثابته نبی
اسقاط اولندی * کذلک ابواشعر در همزه حذف اولندی * الف اشعرا
اطلاقیه در یویننده یدی لایحه مندر جدر * غز و مکه مکرمه * غز و حنین *
غز و طائف * سریه شجاع بن وهب الاسدی * سریه کعب بن عجر
الغفاری * سریه سعد بن زید الاشملی * سریه ابوعامر الاشعری * غز و مکه
مکرمه * ولادت باسعادتک الشمس برنجی سنه سنده که نبوتک بکرمی برنجی
و هجرتک سکر بنی سال میامن اتصالدر * غز و مکه معظمه شمه دانه درج
الدرر مغازی پیغمبر غازی اولمدر * صورتی بودر که سابقا نکاریده اوزنل
غریب التصویر قلم اولدیغنی اوزره مصالحه حدیبیه نقوش و روطنل بر نقش
دخی یوزمین اوزره مطروح ایدیکه * مسجد الجامع جوار رسالتی التجایدنلر
قریشک صدمه قوارع تعرضندن مصون * کذلک کنشت غوایت سرشت
قریشانه انما ایدنلر * ضربه شمشیر دخل اسلام یاندن مأمون اوله * بنابرین
مجلس مسالوده بنو خزاعه بارگاه جوار سلطان دو جهان انتساب *
و بنو بکر بیت الخلاه جوار قریشانه انجذاب ایلشرایدی * اما قدیم الایامدن
بوقبیلتن میاستنده مختصمت دیرینه اولوب دائمایندرنده تندباد حرب
و مکاحفت توران * و موج پیدری جنک و مناوشت هیجان اوزره اولوب *
البغض بنوارث حکمی اوزره عداوت اصول شعوب فروغلرینه میربان

و انتقال ایدر لایه پناه زنده منوات و معادات غیر فارالذات ایدی * لکن
ظلم و ردوات اسلامیه * بینارین فاصل و کند بر اعظم مشاغل شواغل
اولمغه * بروقتد بروخسام اختصامتری در نیام قالمشیدی * صلح
حدیبیه و نصکره دخی ایکی سنه بوجال اوزره بی قبل و قال کذرومبانه اسلام
و کفارده دخی مغایر عهد و پیمان بروضع و اثر ظه و رایادی * تا که سنه ثالثه
شعبانده بر کون بطن قبیله بنی بکر اولان بنی نضانه به معتری بره نشاعر
هرزه چانه * وزبان بریدی حاشاشام حاشا طرف عمدوح خدایه حرف انداز
هجو و از در اولمغه * خزاعیاندن بر غلام معادات اتسامک کوینزدی
اولمغی * برضربه سنک غیرت اهنک بر له لعین خذلان پهره بی مسخدن
حقیقه ش سگ خون الای ایلده همچهره ایلدی * اول کافر بدنه ایدنی بکره
استغاثه و فریاد ایتمکله * غلام حیت اعتماد دخی بنو خزاعه به استیجاد
ایلدی * بنو خزاعه مسفله مکده و تیر نام ابیکر اوزره خیمه زن اقامت
اولمغه * بنو بکر ها یچه کین دیرینه بر پشت نکاور تهور اولوب * مشرکین
قریشدن دخی استعاره آلات قتال واستعداد رجال ایلدیلر * روبه نشان
قریشدن مترصد بانک خروس فرصت اولان صفوان بن امیه و عسکوه
ابن ابی جهل و سهیل بن عمرو و حویطب بن عبدالمزی و شیبه بن عثمان
خواص و اتباع علیه هتک پرده پیمان ایدوب * چهره بی بهر لری پوشیده
براقع تشرعلی و جدالت کربکر یانه اختلاط و منافصه خزاعیان اوزرینه
حواله کابوس هیاط و میاط ایلوب * خزاعیان غافل بولمغه بریشان
ویکرمی علی روایه بکرمی اوج ادملری سیلاب سیف بکر یانه وادی عدمه
جریان ایلدی * لکن ابوسفیانک بوقضیه نامرضیه ده خبر و مند خلی اولوب
علی قولی قدحجه انکله استشار اولوب بروجه له رضاداده اولمامشیدی *
حارث بن هشام زیاتندن بوقعه فضجه قرع سامعه ابی سفیان ایدیمیک *
بن بوماده ناده به نه حاضر و نه غائب اولدم * بوقطن عهدک و خامت عاقبتی
در کار * و سر فلاکت ترمزه ایجاب بلا و استیلاب عنا ایلده چکی اشکار در *
خدا حق بویام وحشت انجمام منعکس جانب اهل اسلام اولمغی حضرت
محمد لا محاله انتقام خلفه سانی زهت جبار تکزده تقریر ایتیموب قریبا
دار و دیار مزی موطنی خیل قهر و تحقیر ایلده چکی غیر سنیر در * خصوصاً
همسر بالین از در اجم اولان هند بنت عقبه دوزن کیچه رو یاسنده مشاهده
ایتمش که کویا جانب جمعوندن مکبه مانند چگون بر سیل خون روان اولوب
خندمه نام موضعه منتهی اولمغه بر مدت رکوت و ارامد نصکره ناپیدا اولمش

دیوضربه

دیوضربه زن چهره تأسف * و ریشخوار تحسرو تلهف اولدی * منق و لدر که
فردای رفته و تیرده * بدیل بن وزقاء الخزاعی قرق نفر زخخوردده دشنه
غدر ایلده ملازدمندان و ملجأ مستندان اولان استان بلندایوان نبوته
نجائب ران تظلم و اشنگا اولدیلر * ام المؤمنین حضرت میمنه رضی الله
عنهما بولسلوب اوزره تشبیه کار کار روایت اولمشدر که * اول کیچه ماه سپهر
نبوت بنم شمع شبستان نویم اولوب * جانب منو ضادن خرامنده خلونکه
عالی اولد قمری حالمه * خود بخود اوج دفته ایل و اوج دفته نصرت قهریری
زبان معجز نشانلرندن سر زده طهر و اولدی * بوکینه بار رسول الله بویه هنگام
نیشبانه کیچکه مکالمه به ده ساز اولور سز دیوسه و اله جاسار عده یامیونه
بنی کعبه یعنی خزاعه نیک را جزیدر که بوشب پر شور و شغیده غارتزده بنی بکر
و مخنخورده غدر قریش اولمغله * بزم جانمزه بت شکوه تظالمه استیثانه
ایتمکله اکا اجابت ایلدم بیوز دیلر * اوج کون مرورند نصکره حضرت
یدشوا ی جماعت اتقیما * علیه اجمع الصلوات و المم الخصال * صلوای خیری
اد ایلوب * مجداینده اصحاب کزیتله حلقه بندانجمن ایکن * ناکاه عمرو
ابن سالم خزاعی قرق تفرخزاعیانله نالان و دیده کریان ایستاده موقوف معل
ارکان اولوب * مخاذیل بکریان و غداران قریشاتک تیغ غدر و ستارندن
کوردکاری زخم دلشینی بوقعیده تئیر ضمیمه برداشته معروض
مرحمت آیدین ایلدی *

- * یارب انی ناشد محمد * خلف اینا وایه الا تلتدا *
- * انا ولد ناله وکت الولدا * تمت اسلمنا فلم تترع یدنا *
- * ان قریشا اخافوا لک الموعدا * و تقضوا مینا قل الموکدا *
- * هم یتنونا بالوتیر هجدا * و قتلونا رکعنا و مجدا *
- * وجه لوالی فی کد ارضدا * و زعوان لست ادعوا حددا *
- * وهم اذل و اذل عددا * فانصره الله انصر الیدنا *
- * و اذع عباد الله یائی مددا * فیم رسول الله قد تجردا *
- * فی فیلق کالجرجیری من یدنا * ایض کالیدریم و اصعدا *
- * ان سیم خستنا و جهه تریدا *

مطلع قصیده ده اولد کله منی تلوددن ماخو ذرد قدیم و مقیم معنایه ذر *
یتنونا یتدن مشتقد ربیت شیخون ایتل معنایه در * و تیرتای مشیانه
ایله مارای خزاعیان اولان ابیکر ایدیلر * هجده بخودن جمع اسم فاعلدر
هجو دوزم معنایه در * کدامله کده بر عقبه در * فیلق عسکر عظیم

معناست در * سیم کلمه سی ماضی مجهول در سومدن مأخوذ در سوم
برگشته به مذلت ایصال ایتم که دینور * خسف ذل و حقارت معناست در *
تربد تغیر معناست در * مشرع جوی مرحت * و منبع رود شفت
حضر تری * ترکس دیده لرندن زاله فشان اشل رقت اوله رقت نصرت یا عمرو
این سالم تعبیر به سل سیف شهیر انتقام بیور جعفری ایما * و جراحات قلوب لرینه
وضع مرهم شفا بخشا ایلد یلر * شاخ شجره رو ایند رکه * سرگشته بختان
قریش کند یی دلر یله بنیان راحتلرین هادم اولد قلوب لرینه نادم سادم اولوب *
کفه میران کبی سینه لرین سنل ناسغه دو کسکه بشلد یلر * عاقبت بوقتقل
رتقی و بو خرقل رقتی دستبازی غیرت ایی سفیانه احواله ایدوب * بو کوره
ناکه التهاب فساد لشفله پیامی حرارتس جانب اسلام اولمزدن مقدم
مدینه به دواسه ران مسارت اولوب * صلحی تجدید و مدتی تمدید ایلر که
اهتمامی نیاز ایلد یلر * ابوسفیان دخی غلامیله بر پشت رکاب شتاب اولوب
هجر تکاه طرفنه رو بر راه اولد یلر * چاره ساز بیچار ککان حضرت تری نائرة
علو خیز درد خزا عیانه رشاشه باش تسلیمت و اطمینان اولوب * طیب جنان
ایله اعاده بیورد قد نصکره اصحاب کرامه منوجه اولوب * حالا ابوسفیان
تجدید پیمان و غناید زمان نیازنی سر رشته مکر و احتیال و روپوش غدر
و اغتیل ایتمل صدد یله طرفه رد پیمای قدوم اولمده در * لکن خسران
و خبیله رجعت ایلر که چکر بیورد یلر * منقولدر که ابوسفیان و اصل بطن
عسکان اولد قد مدینه دن عودایدن خزا عیانه تصادف ایدوب * خاکدای
سلطان الانبیاء رفیع رفعة اشتکاتند کارندن استقصا اند کده * انلاردخی گم
و اخفا ایدوب وجهه مسالو که لرینه عازم اولد یلر * ابوسفیان سر عتله
میرکارینه کلوب خرما چکر دکارین کور یچیل درگاه مخلد الاجلاله
ورود لرنی تحقیق ایلدی * پس سوروب طوغری دختر سعد اختراری
ام المومنین ام حبیبه جنابنل خانه شرف آشیانه سنه القای رحل ثقلت
ایدوب کاپسترسید الهم والعرب اوزره قعود قصد یله خطوه جنتان سوء ادب
اولیحق * یام حبیبه اول فراس رفرف طرازی نور دیده دست اعتراف ایلدی *
ابوسفیان ام حبیبه دن بوضع ناما مولی مشاهده ماید یچیل * یام حبیبه
بفرایشی بند غمی دروغ ایدرسن بو خسه بنی فراشد غمی دیو ستموال ایلد کده *
ام حبیبه جواب ندید بلکی فرایشی سندن دروغ والوده لوث اشرال اولان وجود
بد بود کدن صیانت بلیغ ایدرم * زیرا بو پستربالک عیاس بدن سر مراری لولال
اولمده * سکابای افامت اولتی بوجهله رواد کلدردیدی * ابوسفیان

بومقال اتشین مالدن پرسوزانقه سال اولوب یام حبیبه بزدن مبعادت
ایلد کدنصکره عجب بد خوی و درشت زبان اویش سن دیدی * ام حبیبه
لا بلکه هادی المذنبین جل شانہ بنی شرف هدا یله کادین * و جل حالی
حلیه عالمی ای اسلام برله ترفیش و تزیین ایلدی * حالیا سن قریش کبی قبیله
جلیله نل اسوه سی اولوب * کوه کوه ادعای فراست و کیاستله اوازه بخش چار
جهت اوراق زعمنده ایکن * ساخته ایدی صناعات اولان مع و بصردن
عاری * ونفع و ضرردن عاجز و بری بر سنل پاره به بر سنله اضاعه راس
المال زند کانی ایدوب کند کی خزی و خذلان ایدی به گرفتار * و ذل و هوان
سیرمدی به دوچار ایتمل اوزره سن دیدی * بو کلمات تحمل ستاندن خاطر
ابوسفیان کوره اهنکران اولوب یام حبیبه جاده آبا و اجدادم اولان
طریقندن تنگ یله شرعه شرع محمدی به می سلول ایلدیم دیو کمال خشم و غضبه
خانه دن بد راولوب * حضور سید البشر ده اندامهای ثقلت انما اولدی *
سلطان الانبیاء علیها افضل الشایا حضرت تری راعی قدومندن استنما
بیورد قد * بن حدیبیه صلحنده حاضر اولدیغیم سبیل مدت مصالحه قلیل
عقد اولمش اولمقین شمعی عهد صلحی تجدید و مدتی غناید رجاسته غر تکب
متاعب سفر اولدم مقابلله صند و نه دهان بر مکر و مکید تن کشاد * و بووجه
اوزره متاع کسمخر من خرفه زمینی پیش نهاد ایلد کده * سرورد و ججهان
حضرت تری بابا ابوسفیان باعث کد سفر همان بوماده میدر بیورد یلر * اولدخی
نعم دیدی تکرار سیدالابرار حضرت تری بو خسه بر خادش می واقع اولدی
بیور یحیی * ابوسفیان معاذ الله تعالی بالان جمله من ثابت قدم مرکز صلح
و هیدان اولوب شروط و عهد و معقوده مرزی کبابغنی طروق نقص و خلادن
صون و حمایت یابنده پابرجای اهتمام اولتی اوزره بزیدی * بر کزیده قاطبه
اخیمار حضرت تری کذلک برلر دخی اول عهد و پیمان اوزره برقرار اولوب *
سر محافظه شرائط صلحه بذل اقتدار ایتمل اوزره بیورد یلر * ابوسفیان
بنای مختلج الارکان سلم و صلاح حکم و اصلاحه دائره چند اعمال
مهندسکاری احتیال ایلدیه * بانی مبانی اسلام طرفندن موافق مرام
بر جوابه بکام اولدی * عاقبت یاس و خبیله خانه صدیق اکبره نقل کثافت
ایلیوب * بو خصوصه مانلاردن استشفاع و استجاره ایلدی * بار غار
بلند اعتبار حضرت تری جوار فی جواره صلی الله علیه وسلم تعبیر یله بویابده
مالک اختیار مخصوص اولما غله * امر مستو لنک انفاذنده عدم اقتدار لرین
زریعه اعتذار ایلدی * ابوسفیان که زعمجه متکا پیرای مستند عن و عنوان

بکنور ایدى * سائل در بدر کى دورا بوابه قیام ایدوب * حضرت فاروق
و ذوالنورین و علی المرتضی و فاطمة الزهراء و قرة العین حسن و حسین * و سایر
اشراف مهاجرین و انصار حضرتانکه بیکان بیکان مراجعت و التیام ایدوب *
خائب و خامر بجهل سندن عودت ایدى * آخر کار جناب حمید زکراة النجی
ایدوب یا ابالحسن بکار بر سر اذق اما نکهده تعیین مکان ایلوب هم جناب
مصطفیادن مد توفیق میثاق ضمیمه ناطقه جنابان استدعا اول دیدى *
حضرت مرتضی یا اباسفیان * کار از دست رفت * اول خصوص زمانى
گذرا ایدى * شمدى سن زبده قریش و عمده بنی کنانه سن شانه شایسته
و صلاح حال طرفینه بایسته بوندن انسب و اصوب تدبیر یوقدر که * رجال
طرفینی کنند جوار که الوب و مجمع اصحابه یا معشر الناس انبای جانی
کهف الامان زنهارمه الدم دیوا اعلان ایلایه سن دیدى * ابوسفیان کمال
حیرتندن لطیفه مرتضی بی جد و حقیقته حل ایتم که * واقعا مسجد
شریفه واروب * اواز بلند ایلایه ای الناس مردان طرفینی زیر سایبان
جوارمه الدم ظن ایتم که برکنه اخفای ایلایه دیوب که طرفنه عنانگرای
ققول اولدى * حضار اصحاب قفا سندن خنده زن استیجاب اولدى *
ابوسفیان مکه به واروب کیفیتی نقل و بیان اید بیل * جمله اهل مکه بر جواب
شافی و پیام کافی ایلایه کلمه * علی بن ابی طالب سنی هزل ایتمش دیو تنقه
و تخمینی اید بیل * ابوسفیان مکه به معاودتنه متعاقب * شاه سریر اجنبیا
علیه اکل الخایا حضرت تلى * نهانی تهیئة اسباب و غایدوب بعده وصیت
کناتله مرام شریفترین مجاهدین دین حنیفه انبیا یورد بیل * و اطراف
و اکثافده اولان غفار و انجیع و اسلم و اسد و سلیم و مزینه و جهینه و کعب
و کنانه قبائله و امر علیه نشر اولوب * بعضلى دار الملائک طیبه ده و بعضلى
خلال راهده و مسکر همایونه و ملحق اولدى * و سد طرق جواسیس ایتم
ایچون * سبل و مسالک ادم مرتعین یورد قد نصکره * اللهم خذ العیون
والاخبار عن قریش حتى یبغتهم فی بلادهم * دعاسیله جاسوسلرین اخذی
و قریشک غفلتیچون درگاه قاضی الحجابانه ارسال بیل * مناجات اید بیل *
اگرچه برکنه اهل مکه بی تقریر و تحریر ایلایه بود فرماتلفرو و قوعندن
اکاه ایتمک باینده دیوان رسالتدن تنبیه اکید صادر اولوب * لکن اقتضای
قضا و قدر برله حاطب بن ابی بلته * حضرت سید البشر کسفر را اولد قلی
مشعر * اعظم قریشدن مهمل بن عمرو و صفوان بن امیه و عکرمه بن ابی
جهل طرفنه برقیقه نمر بر * و قدسید ابوبکر و بنی بنی بن هاشم بن عبد

منافل ساره نام بر مغنیه جاریه سی مدینه به کلوب * حضرت سید الانام
اسلام و یا خود مهاجرین طرفه سیله کلدیو سبب ورودندن استعلام
یورد قد اولدخی افندیلرینک رختبرد حیات اولد قلی حسیله ضرورتیه
دوچار اولد بخی اشعار ایدى * سرور و علا بابه حضرت تلى این انت
من شبان مکه تعبیر یله مغنیه اولد بخی کنایه یورد قد * اولدخی بدروقه
سند نصکره اهل مکه شیونزده اولغله برنده داعیه شوق و نشاط قایموب ساز
سرور و بختلى ناساز و مزمار حذور و عشرتلى گرفته اواز اولمشدر دیدى
بیمبر دیشان حضرت تلى بنی عبدالمطلبه امر یوردوب وافر عطیه احسان
اید بیل * حاطب بن بلته رفقه سر قومه بی من یوره به اعطا اولدخی کیسومی
ایچره اخفای ایدوب مکه طرفنه ره پیمای اولدى * اما حدود و الحلیفه بی
هنوز تجاوازا ایتمشیدیکه * مبلغ اخبار امانی * برید سعید سجانی جبریل
امین نازل اولوب * سر برقه نهنه مکته و بی تبیین ایدى * سلطان الانبیا
حضرت تلى همان جناب مرتضی وزیر بن عوام و مقداد بن اسودی اماده
تعقیب ایدوب * روضه خاخنه و صولک زده ساره به ملاقی اولور سر * حاطب
طرفندن خبر عزم و سفر منی معاننده برقیقه سر بمهر مکته و اولغله اول
ورقه باره بی آورده دست تفحص ایلایه سر دیو سبارش یورد بیل * انلاردخی
بر موجب فرموده ره پیوده اولوب واقعا محل مشارده اول مکاره به دوچار
و مکته و نهفته بی طلبکار اولد بیل * ابتدا انکار ایدوب بعد الانذار کیسومی
اراسندن جبهه واروب تسلیم ایدى * مکتوبی الوب پیشگاه افضل الوریه
ابلاغ اید بیل * بو عمارتله که من حاطب بن ابی بلته الی اهل مکه *
اعمال ان رسول الله صلی الله علیه وسلم قد توجه الیکم بجهش کالیل بسیر
کالیل و اقسام بالله لو سار الیکم و حده لیمصرنه الله تعالی علیکم فانه منجزله
ما وعدکم فیکم فان الله تعالی ناصره و وایه و قد احببت الیکم ان تکون لی
عندکم یدیکم کتابی الیکم * قرأت اولد قد نصکره حاطبی دیوانخانه بخلاله
استحضار و بواصر نامرخی به اجسارندن استنطاق یورد قد بیل * حاطب
بیماره تمام لرزش شرم و حجابله یار رسول الله قسم بخدای جهان افرین که
بیمده تعالی ساحة دروغه نهر زاییده رود صدق و یقین جریان ایلایه *
کردنفاق و خاشاک ارتداد ایلایه متکدر اولدى * و قریشدن مفارقت
ایده لی انلارک بیکانه کیه بمبتلى روضه فواد مده سر خیر ظهور اولوب *
انجی محاط علم عالم ارای سعادت کز در که * سایر مهاجرین کبی بنله میمانه
در بشدر ایلد قد قرأت یوقدر که پسماندگان اوزر به طجناح حیات ایلایه لر *

بنابرین * دلالت فکرتنا صوابه بواصری از کتاب ایلده مکّه بوقتقریله
 قریش اوزره تحمیل منت ایلیم * تا که هنگام اقتضای آنده اولان والده من
 حیاتی خصوص صندّه اهتمام ایلیم * بودخی مجزومدرکه اراده رب جلیل
 من بعد قریشک تخذیل وتنکیمنه تعلق ایتمکین * بنم بوزر پیارم انلاره
 تمور بازوی امان اولیمه جفی نمایاندر * لکن علی ای حال بوجحه بندن
 صادر اولغله نه کونه معامله جز ترتیب اولور ایسه وجه استخفاف مرتبه
 چون وچرادن برتر در دیوب مقام رضاده سرفرو برده نسیم اولدی *
 خطایوش امت حضرت تری اعذار حاطی تصدیق وقبول بیوروب * لکن
 حوصله حیت فاروقه کنجایشیدیر اولما مقله * یارسول الله بونه جسامت در که
 کتمان سفر امرنده مبالغه کز حدی تجاوزا تشبیه کن انجامی مستوجب محاذیر
 عمدیده اوله جفی جنایتیه تصدی و محامرت ایلیمه * بویکینه به رخصت ارزانی
 بیوریلکه که برضربه تشبیه ایلیمه وجودی نابود آیده هم دیودرخواست دستور
 اولدقده * حضرت رسول الله * انه شهید بدر او مایدیک لعلی الله اطلع علی
 من شهید بدر افعال اعمالو ماشتم فقد غفرت لکم * کلامه حاطب سزاوار
 دوشاخه عتاب وعقاب اولمدیغنی بیان بیوردیلر * بومقال غریب المال
 اتش اندازدل فاروقی اولغله * دیده لرندن باران کبی سرشک انفعال سیال
 اولوب * الله ورسوله اعلم دیوب متشبه دامن اعتذار اولدی * مقارن حال
 بریدلایزال اشبو * ایها الذین امنوا لاتخذوا عدوی وعدوکم اولیاء تلقون
 الیهیم بالموذالی قوله تعالی فقد ضل سواء السبیل کریمه سنی انزال ایلدی *
 موافق فتح الباری بویکونه کشا پنده قفل اشکال اولمشدرکه * جناب فاروق
 حاطی بعد تصدیق النبی علیه السلام قتل واعدامه اقدام لیرینک وجهی
 بودرکه * شدت صلابت دینی و قوت حیت یقینیه مقتضای * فرمان
 مختم الاذعان نبویدن سرمو سرپیچ اطاعت و امتثال اولنلیرم حال
 مستحق قهر و نکال ظن ایدوب * لکن حکم من بوزر جداتده یقینیاتدن
 اولما مقله * قتلی باینده استبدان و اظهارینه مخالف اضماری ظم و رایتکله *
 منافق اطلاقه شایان ایلدیلر * و حاطب رضی الله عنه کریحه ظاهر اجهت
 غدرده بوانوب * لکن وجه مشروح اوزره منج ضرر اولیمه جفی بالتأویل
 مرتکب اولمشدر * و کریحه مرقومه کندیلک منقبت و ایمانته شهادتی متضمن
 اولدیفی وارسته کلمه تفصیلدر * مریدرکه چون مهمات سفریه بروقی
 مرآم ترتیب و انعام اولغله منشور خلافت مدینه ابن ام مکتوب رضی الله
 عنه نامه ترغیب بیورلد قد نصکره * نامه هجریه ماه صیاهنل اون سکر تبحی

علی روایه ایکنی علی قول او تنبی مبارک ایلده کونی مدینه طاهره دن فل
 رابطه اقامت * و ظاهر صحرا به نقل خیمه خنات بیورلدی * بوسفر قیریوزی
 اترده جمله مهاجرین و انصار موکب کواکب شمارده موجود اولوب فرد
 آفریده تخلف ایلدی * محل من بوزرده استطلاع سیاه نصر پناه اولاندقده
 زمزمه مهاجرین یدیه بوزر مجاهدین اولوب اوجیوز قیری شهرسوار * و فرقه
 انصار درت ییل مرد جلاد تشعار اولوب بشیموز قیری زین زین سمند
 صبار قنار ایدی * و قبیله مزینه دن ییل نفر دلاور جنگاور کابوز قیری
 خیال عرصه شجاعت ایدی * و بنوا سلم در تیه وز دلیر مسلم اولوب اوزر قیری
 فارس میدان سطوت ایدی * و ایکی ییل دلاور دخی انشای طریقه ملحق
 معسکر هدايت رفیق اولمشدر * خلاصه کلام اون ییل نفر سیاه صولت
 کسرت برله که *

لها عدد الرمل المبر علی الحصاب * ولکنه عند اللقاء جبال

مضمونی درع اندام جلادت ارتسام لیردر * سبیل عزمم اساجاری جانب
 ام القرا اولدیلر * مباینه قدید و عسفانده کدیده نام ابکیر * مرکز رایت محترم
 و محجم حشم محشم اولدقده * خرق عالم صلی الله علیه وسلم حضرت تری افطار
 بیورم لیرله * سیاه ابراردخی بالجله افطار ایلدیلر * عم سید الناس حضرت
 عباس رضی الله عنه مقدمه دستور نبویه مکّه ده اقامت و اشتغال خدمت
 سقیات ایدوب * اول خللده اختلال حال قریشی احساس اینکله *
 بالاهل و العیال درگاه دیومحی الاقبال طرفنه خرامنده مهاجرت و ارتحال
 اولمشیدی * مرحله جحفه ده موکب همایونه ملاقی اولغله * امر رسول
 الله تکلفاتی مدینه به ارسال ایدوب کندیلری * ملازم رکاب خورشید
 تنال مصطفوی اولدیلر * منزل ابواء نقش سنابل الخیل سلطان الانبیار له
 سماء ذات البروجه غبار غبطه فرسا اولدقده * حضرت رسول الله
 ابن عمی و لبان حلیه دن برادر رضا عیسی ابوسفیان بن حارث بن عبدالمطلب
 و فرزند جعفر وینه عم رسول الله اولان عاتکه نل اوغلی عبدالله بن امیه
 معسکر همایونه لاحق اولوب * مقدمه ماه سپهر نبوت حضرت تریینه
 برج حرم منزل * و نشر نوردعوتیه مشغول اولدیفی اوقاتده * اول ایکی سل
 هنش بدسماتک عوعوه رنجش و ازار لری حدی گذارایش اولغله * جناب
 رسالت صیبرانلاردن بغایت متفرد لکیر اوغله * خاکبوس سده سعادتیه
 رخصت ارزانی بیورمدیلر * ام المؤمنین ام سلمه جناب لری هود جانشین
 مرانقت اولغله شفاعت قیدنده اولدقده * شاه دوسرا حضرت تری لاحاجه لی

همه تا بپایان روز در جای خود بماند. و آن یکی سیم کار به روز کار و جبهه
 او طیار لرزه تعاقب غشاوه یاس و حرمان اولد یغل استعمار اید یجل
 ابوسفیان بوجله خروش انکیز لجه افغان اولد بکه اگر قبالة اعتذارم قرین
 قبول اولد بوقبل پای مقبول انس و جان ناقابل و مقبل مقبلان زمین
 و آسمان بوقبله قاطبه عالمیان اولان استان بلند ایوان نبوت که مقبل قبول
 شرف و شاندر بوقبل اقباله بوسمه متقبل اولورسه خدا حق اشب و طفل
 بی کناهله دست بدست اواره بیابان فنا اولوب * اچ و محتاج کار و بار حیات غری
 سپرده کف تاراج ایتل مقدمه صحیحه الانتاج در بوسه فیما بین طرفین
 وزان اولان بکو نه صرصر این و فریاد موج انکیز رفت قلب مر جته نهاد
 ندوی اولد * بحر سیاه کنه کدشند لری دغم و رسم سید عفو و عنایت اولوب
 ایکسده موقوف جلالت چهره سا و حضور فائز انور و سرور اصفیاده
 اظهار کلمه هادله حائر عز و علا اولد بکه * منقولدر که سوابق کستارخی
 ابوسفیان سبل نظاره سی اولد بکه * افتاب جمال محمدی به رفع نکایا ایتل که
 مقتدر اولد بکه * شعبه اصول روایت اندر که قدیم مرحله سنده مهاجرین
 و انصار و سائر جنود مجنده نصرت اناره تقسیم الویه و ریایات * و تعیین طرق
 وجهات میورلدی بعد از آنکه رفاهت توفیق مالک الممالک برله طی مراحل
 و مسالک اولوب * هنگام عشاء مرحله منظران مضر بخیام مجد
 و عنوان اولد بکه * حسب الامر اعلی جلالت سپاه اب هیجان عدد در لجه
 اون بیل محله ایقاد نیران ایلد بکه اگر چه اول و قه قدر قریش بی بصر مقدم
 عسکر جلیل الخطردن بچهر اولوب * لکن ارتکاب ایلد کاری اعمال سینه
 و صنیه شبنم زردیه لری * مجازاتنی کورمک خوف و خجالتیه ترساند و بیرون
 حومه شعور و ادراک اولد بکه تکرار استیمن رجاسه ابوسفیان طرف طبیه به
 ارسال ایلد بکه * ابوسفیان و بدیل بن و رفاه و حکیم بن حزام سوار اولوب
 ره نورد جانب هجر تسمای اولد بکه * پرده ظلام شب ده منظران مشرف
 پشته به صعود لرزه * مال حالدن بچهر اون بیل محلدن اولد بکه * انکیز
 دفعه شعله نمای با صرصر لری و ایلی کانون حواس لری پردود حیرت اولوب *
 تبارک و تعالی باده بکه هر سینه بویان و اب اساهر سو به جریانه
 بشاد بکه * مکر حضرت عباس اول کیجه انبوهی سپاه اسلام مشاهده
 سندن بوملا حظه به دو شعله بکه * اگر سالار خیل انبیا حضرت تلی * بولشکر
 خورشید کوه و کواکب شمار ایلد صبحدم غنوه مکه اوزرینه هجوم
 ایدر رسد ام القرا جنین القایدوب قطعا سواد قریشدن ارتقالبه جتی اظهر *

والی آخر الدهر نام و نشان لری صیغه انانسیه نایله متروک و مهور اولوق
 امر مقرر در * بوحر کندن کاشکی آگاه اولوب بر ساعت اقدام سایبان استیمنه
 ایصال جان ناتوان ایلد بکه لرایدی * دیوب بقله بیضای نبوی به سوار و پهر
 سومکه به راهی جستجو سینه در کار ایدی که * ناگاه ابوسفیان اوازی پرده
 صما خنی قرع ایلدی * همان یا با احتضله دیوند ایتل که ابوسفیان دخی
 صدای عباسی استعمار اید یجل * یا با افضل سینه سن دیوب بکه بکره مطیه ران
 ملاقات اولد بکه * یا با افضل بونه سیاه زنه جانبیه روبراه اولد جقد در دیدی *
 حضرت عباس و یجل یا با احتضله بوعسکر سلطان الانبیا در که قریشی
 فروز سینه آتش شمشیر ایتل قصد یله شعله فراز توجه اولمشدر در * سن هنوز
 هرزه کردادی غفلت سن دیدی * بومقال آتشین خواهر من شعور ابی سفیانی
 خاکستر فنا ایتل که * مدد یا با فضل بور و طه جانب و زجر کدازدن طریق
 نجات ندر دیوب کین هر اسان اسالزان اولد بکه بشندی * عباس دخی یا با سفیان
 قبل الاستیمن اگر نیجه سختگیر اسلامیه کرفتار اولورسن * بلا امان جسمی
 بیگانه جان اید چکری امر مستباند * همان بکار دیف استر تسلیم اول که
 سنی ملجا عالم و ملاذ کافه ام اولان درگاه رسالت ایصال ایدیم دیوب *
 ابوسفیان استرداف و حکیم و بدیل جانب مکه به انصراف اند بکه * حضرت
 عباس ابوسفیانله مبانه لشکر کاهه و رود لرزه ره کذار لری قنقی محله دوچار
 اولد بکه * بویله ناهنگام ارد و ایچره کشت و کذار ایدن کیمدر دیوب قالقوب
 شعله انشاه امعان نظر ایدر لرایدی * جناب عباس اید بکل استیمناس
 ایلد کارنده عم محترم سید الناس امش دیوب دست بر سینه ادب و تعظیم اولور
 ایدی * تا که عبور لری فاروق اعظم خیمه می پیشگاه منتهی اولد بکه ردف
 عباسده ابوسفیان کور یجل * بحمد تعالی امان و ایماندن بری بود شمن
 خدای بولدم دیوب شیر غرنده کبی بر تاب ایدوب * قتلنه بارگاه رسالتدن
 استحصال رخصت قصد یله خیمه نبوی به شتابان اولدی * عباس دخی
 مافی الغیمیر فاروق تفرس ایتل که لجام انکیز سرعت اوزب اقد مجده درگاه
 دیموچی الملو و الاثاله ایصال ایلدی * عقبندن تبع بدست فاروق اعظم
 حضرت لری داخل خیمه مکرم اولوب بار رسول الله داشته اولد سر کرده محاذیل
 کنار و پیشکار و پیشقدم فرقه فجار ابوسفیان به روز کار در * الحاله هذه
 خلعت امان و ایماندن برهنه اولد بکه همان رخصت ارزانی میور یله که دلالت
 شمشیر شمر بقله روبراه جانب * بچین ایدیم دیوب مقام حرص و انتقامده
 پای انصار تثبت و تسکین اولد بکه * حضرت عباس بار رسول الله فرط لطف

و عذاب کفره اعتماد و کمال رحم و رأفت کفره استناد بر لهانی زیر زنه سارده الوب *
 جوار کفرانه تمهید بده درگاه عطا وقت دستگاه ایصال ابدام دیچک *
 سرور کافه ابرار حضرت تری ای عم بزرگوار ابوسفیان یو کچه کند *
 رحل کده سپرده با سمان حفظ و نگاه ایدوب * علی الصباح بنه احضار
 ایل به سن اول زمان حکم حاکم قدر نه ایسه اجرا سنه مظهر اولور بیور مغله *
 عباس دخی تابش کندی خیمه سنده ابوسفیان وابسته سلسله مرکان
 ایلدوب * هنگام صبح آورده پیشگاه بیغمیر دیشان ایلدی * شهنشاه
 خطه خلق عظیم حضرت تری ابوسفیان اماله نظره التفات و تکریم ایدوب *
 و یحک یا اباسفیان الم بأن لك ان تعلم ان لا اله الا الله * یعنی وحدانیت خدای
 بیعتی اقرار ایل به جل زمانک قریب اولدی بیور دیر * ابوسفیان
 ایسه رمال بیابان دن فراوان جرم و عصیانته مجازات اقرار داده سیف بی امان
 ایکن * بویله محله جانب نبویدن بوجهله توجه کریمانه ارزان
 بیور دیر * کور یحک * همان بی اختیار بدر و مادرم فدای سر سعد
 افسرک اولسون * طرف اشر فکزه بندن صادر اولان بیرون حد و شمار
 اوضاع کسناخی و عشار مقابلی بویله دم فرصتده معامله مجامله
 بیور مز زهی حلم زهی کرم شمدی بقینا معلوم اولدی که اگر حضرت خدای
 بیچوندن غیری براله دخی اولدی * بکا ایصال عون و منفعت ایدردی
 دیدی * بنه قاضی محکمه شریعت حضرت تری و یحک یا اباسفیان الم بأن لك
 ان تعلم انی رسول الله یعنی وقت کلدی که بنم رسالتی تصدیق ایل به سن
 بیور دیر * ابوسفیان بدر و مادرم فدای ذات ستوده سماتک اولسون راست
 بود که بوانه قدر محبت نبوتکه دائر ضمیر کچه هم و نام صیده شائبه شل
 و اشکال جوال ایدی دیدی اگر چه ابوسفیان بومقوله روش انصاف و جنبش
 اعترافله کناره کعبه اسلامده دور و طواف ایلدی * لکن هنوز مرادق
 اسلامه داخل اولما مغله حضرت عباس یا اباسفیان نیچه بر بیرامن معصومه
 شهادتده کردان اولورسن * بران اقدام پناه برده حصن حصین اسلام اول
 یوخسه شمشیر فاروقیدن نجات منصور کلدردی بدوش زن ابرام اولیجی *
 همان بی سکنه توقف کلمه شهادت کینور و بخالص و محاص مسلان اولدی *
 حضرت عباس ابوسفیانک اسلامندن کویا که مجسم نشاط و مجسمه انبساط
 اولمغله * میان مکینانده ابوسفیان مایه شرف و شان اولق ایچون * اثر توجه
 سادات و امامه تلاف و عنایت یازند اولمغین * شاد اقلیم رسالت حضرت تری
 من دخل دار ابی سفيان فهو آمن * ومن دخل دار حکیم بن حزام فهو آمن *

ومن دخل المسجد فهو آمن بیور دیر * ابوسفیان و ما تسع الدار والمسجد *
 یعنی خانه ایل مسجد تقدردم اله جق دیچک * شاه معلایا سمر صطفی
 حضرت تری * بلال ایل مواخی اولان ابور و یحه به برلوی نصرت التوا و ربوب
 من دخل تحت لواء ابی رويحه فهو آمن بیور مغله * ابوسفیان هذه واسعة
 دیدی * پس ازین سرور کزین علی الصلوة مدی الدهر والجن حضرت تری *
 عباسه اشارت بیور دیر * که * ابوسفیان رهگذر لشکر ابرار لبر جای
 تنگنا سنده توقیف ایل به * تا که فرو شکوه چند خدا * و کوبه کوه
 مردان کشور کشا * بالجله جلوه نمای عین اعتباری اوله * حضرت عباس
 دخی بره و جب امر مخضر الناس ابوسفیانله بر عمر مناسبده طور و بامواج
 بحر محیط اسبا کذران ایدن افواج جیوش اسلامیان غاشا ایلدیر * هر فرقه
 و هر قبیلده عبور لرنده او جردنعه یکدهن وهم اواز کلبانک تکبیر ایل
 سهر ائیره غلغله انداز اولور لرایدی * ابوسفیان نام و نسبت لرندن پرسیان
 اولوب حضرت عباس دخی تعریف و بیان ایلد که متجهانه مالی و لبی فلان
 دیر ایدی * مقدمه بخنود رب محمد خالدین ولید رضی الله عنه ایدی *
 هزار نفر دلیران بنی سلیم ایل کذر ایلدیر * انلاری متعاقب کوه مهاجرین
 مجاهدین دین ایله زیرین عوام رضی الله عنه کروزه و احتشام برله سرور
 ایلدیر * انله مترادف بی * کعب بده منینه و جهینه و کنانه و اشجع
 القصة کوهها کروم سیاق محرر اوزره کذر ایلد کد نصکره * جناب اولین
 خلقت * آخرین بعثت سالار کتیمه انبیاء مهربان ملک معصومه هدی * علیه
 اکمل الصلوات واجل التحايا حضرت تری * موکب خاص قنک کوبه
 و خورشید علم و آلائی والای کز زمان دبدبه * و ملائک خدم و قدسیان
 حشمی ظهور ایدوب * اعیان مهاجر و انصار دن پنجه زار دایر نامدار که *
 ایکی بیک فقری سراسر زره پوش اولمغله کویا که صف اندر صف امواج بحر
 نیلگون دیکان ایش کاور * و ذات جلیل الصفات نبوی بالای نافه و نوابه
 شرفنا اولوب جانب عینلرنده اسبق مهاجرین صلیقی اکبر * و سوی
 یسار سیرایینلرنده اشرف تقیای انصار اسیدین خضر * و سائر ارکان
 دیوان جلالت * و نقد کران و کب سیادت * حلاق دیده و ار اول انسان
 العین عالمیان دایر امداد محیط اولوب * در کاب قرنا ب عالم لرنده سیار اولان
 احباب نباهت و اعتبار ایله شکر یاش صیحت اوله ورق تجلی بخش ظلفت
 اولدیر * و بدر که اول روز با صبر مسوز کفار دملوی انصار سر سعد بن عبادیه به
 سایه سای افتخار اولمغله * خدای ابی سفيان کلد کده غلغله تکبیری عالم کیر

سند احنف کندی او غلغل الذین طوب ترزی به کادی * بوبنم او غلغل برین
وفات ایدرمم کوهلکی بونه تسلیم ایله که مدیون قالمیه سن دیدی * بوبنم ایدرمم
ترزی به قنایچین جیمین دخی اظهار ایلدی * نغمه * برکون قیس جنبانه
بر پیره زن قات موشدن اشتکا ایلدی * قیس مقصودنی تفرس ایدوب *
زهی نازکانه شکوه احتیاج در بیتکده موشی تکثیر ایدیم دیوب خانه پیره
زنی اجناس ذخائر ایله مال ایلدی بوقصه به قریب برکسته برور قیاریه
بامیر المومنین اشک و المیک الشرف یازوب ملوک امویه دن عبدالمک
ابن مروانه عرض ایلدی * عبدالمک صاحب عرس خالک امرامنه انتقال
ایدوب * زهی ظریفانه استماحت واستعطاد ردیوب اون ییل درهم اعطا
ایلدی * ندما سی دقیقه دن سوال ایلد کلرنده عرس خال صاحبندن شرف
ونجایقی سیمیه خلق تحت قدرتمنده اولیان نسته طلب ایدر لر * واعتذار ایلسه
اصفا ایتمز ردیوب کشف قناع ایهام ایلدی * تکلمه * بعد از آن حضرت عباس
ابوسفیان مضیق توقف دن کشایش ورمکله * ابوسفیان شتابکنان مکده
گلوب قدوم سپاه بیکران اسلامیه سیانی خبر ویریل * جمله سی کیه مهر
جانخورده کبی بی اب و تاب ویرهمزده تلاش واضطرار اولدی * مریدر که
موکب همایون ذی طوی نام مقامی هم کوکبه سپهر مینا کون ایلد کده *
سالار جیوش ابرار حضرتلری تفریق جنود نصرت موعوده انتظار
ایدوب * ابتدای برین عوام جنبانه فرمان ایلدی * زمزمه مهاجرین
وسا بر معیتند اولان مجاهدینله نثیه کد آدن که جانب معلات مکده در
منطوق اولوب * رایت خاص نبوی برین عرصه چو نده نشانده * و موکب
همایون محل من یورده شرف غنوم قدوم اولد بقیه بر خطوه تجاوزا نیمه ربعد
خالدین ولید جنبانه امر ییوردیلر که * قبائلدن بر جمع ایله مسافله مکده دن
متوارد اولوب رایتلرین منتهای عمارت مکده برکرا ایلدی * و قطع اسل سیف
قتال انجبوب انجیق بعض سرکشان قریش بر طیش قلب مجنه جدال
ایلد کلری تقدیرده * حدم مدافعیه متجاوزا ولید جق مزینه مناشویه
مرخص یوردیلر * خالد بن ولید دخی حسب الامر بر کوره انبوهله
محل من یورده * زخیل اقدام یورد قلزنده * صفوان بن امیه و عکرمه
ابن ابوجهل و مهمل بن عمرو بر فرقه سیکسران برخاسته بویانه خندمه نام
موضعده * دراه خالد اولق زعیله کر مسازهنکامه کارزار اولدی * لکن
جناب سواد که ارشاده شارقه شمشیر تابداره حائل اولوب * طرفه العینده
بکرمیدن متجاوزی افشاده مغالیه یوار و معادسی تار مار اولوب * کیمی

سورخ اختفایه خزان و کیمی بوادی و جباله کریران اولدی * منقولدر که
چیره دستان صنعت کفر و طغیاندن جماس بن قیس نام کسنه دخی عکرمه
وصف وائل زیر رایت استغفارنده اثبات وجود ایتل داعیه سیهله آماده
اسباب قتال اولیجق * مسئله مستور الاسلام اولان خاتونی متوخی سلاح
اولسند سینی سوال ایلد * کده * قتال محمدیان ایچون اولد یعنی افاده
ایلدی * خاتونی ای جماس خدای متعال حتی اکافر دافریده نل یارای
مقاومتی حیرامکاندن بیرون در دیوب دامنه کیر عمانت اوانی مراد ایلد کده *
جماس ای خاتون مقصودم اسلامه اندن برنی کفر تار ایدوب سکا خد متکار
ایتمک ردیوب شما بر بجانب جنگاه اولدی * عبدالهزیه هر برینه بر سورخ
موش قصر محمداندن معتبر * و برکنام روبه کاخ سمناردن عالیتر اولد کده *
جماس دخی رخان رخان ثقیه باب حیاطنه القای جان ناتوان ایدوب *
خاتوندن پنهن اوله جق مکان طلبنده اولد کده * خاتونی قنی بکا کنوره
جکک خادم ایا بدشکاه بایده می توقیف ایلد * دیو خنده زن طنز و طعن اولیجق
جماس و تیره نظم اوزره بوجوابله کویا اولدی *

* انک لونه مدت یوم الحندمه * اذ فر صفوان و فر عکرمه *

* واستقبانه اباب سرف المسله * یقطع کل ساعد و جبهه *

* ضربا ولا تسمع الانغمه * اهم نهیت حوله او هممه *

* لم تنطقی فی الاوم ادنی کلمه *

ارجوزه مر قومه ده واقع جمعه کاسه مر معنا سنده در * ونغمه فهم اولن بیان
صوتدن حکایه در * نهیت نون و هارای تخمائی ونای فوقانیله ارسلان
صداسیدر * هممه جلقومده متردد اولان صوتدر * مرور عالم صلی الله
علیه وسلم حضرتلری طلبه عز و علا ایله نثیه کدایه اعتلا یوروب *
اطرافه حواله شاهین نگاه ییورد قلزنده * و میض البرق شمشیر * وشعله
نیازل و تیر معاینه ایتسکله * علایم حرب و التحام اولد یعنی معلوم شریفلری
اولیجق تفحص احوال یوروب * خالد بن ولید الاینده اولد یعنی اخبار
ایلدی * بعد از وضع الحرب اوزار هاموچ شریان * کفا حدن استلواح
ییورد قلزنده خالد حضرتلری بد اقتال جانب قریش بر ضلالتن روغما اولوب *
هر چند اطفای نائرة محاربه آب افشان سعی و غیرت اولد مسه مفید اولدی
دیوب خطا عذرا ایلدی بوند نصکره تکرار قتالدن نهی اصدار یوروب بلوب انجیق
بنو خزاعه وقت عصره قدر که حرم محترمه رخسنداده جنل و چهار اولان
زماندر * ایله و تیره افتصاصیه * هنگامه سازدار و کیر اولدی * الحاصل

خوافی خفته دل چهره در رخسار معنای در خفته مغرب و مشرق در
 قائم مغرب معنای در عجاج طبراق صاورمق معنای در جحف جیش عظیم
 معنای در قذف الارجا بعد الاطراف معنای در جلب کثرت معنای در
 عمر مرم جلوه و وفرت صاحبی عسکره دیورزها مقدار معنای در منجیل
 جاری معنای در ویم و حسن و ملاحت معنای در جحف زلزله واضطرابه
 دیورزها و افتخار و تکبر معنای در فرق خوف معنای در جذل سرور و
 شادمانی معنای در اختیار کبر و خرام معنای در راعنه جمع عناندر عیس
 دوه دیورانشیال دود و قور و غنی یوقر و قالد رمقه دیورثی که سر نای مثله
 ایله ایکی قات معنای در جذل ضمیمه جمع جدید در چهار شتر معنای در
 اهلال کسر همزه ایله ج ایدن کسسه لیل قولنده اوازنی بلند ایتمکه دیور
 نهلان نای مثله ایله بر جیل اسبدر * تهلیل لاله الا الله دیکدر * ذوب
 اریملک معنای در * یذیل بر جیل ادیدر * تهلیل یوم مقامه خوف
 معنای در * ذیل بر مر دکی و تخافت معنای در * شعی ضم معنای در *
 صدع شق معنای در * قذف رمی معنای در * شعوب جمع شعب در *
 قبیله معنای در * شعاب جمع شعب در طریق جبل معنای در *
 زترارسلان صدا سبدر * انساب جمع ناب در کوبل دیشنه دیور * اصل
 جمع اصل در اگری معنای در * جوی حرقت قلب معنای در * هبل
 فحینه مادرو ولد فی ضایع ایتمکه دیور المام نزول معنای در صفح اول
 عه و وصف ثانی اعراض معنای در * طوائیل جمع طوائیل در عداوت
 معنای در * طول منت معنای در * مقبل قبوله معنای در * مقل جمع
 مقله در مردم چشم معنای در * انج اناحه دن ماضی مجه و لدر * تقدیر
 معنای در * واشج اصل معنای در * وشج شجر رخ امیدر * نسج
 بکاه معنای در * لطف فحینه احسان معنای در * تکهله *
 شهنشاه بارگاه اصطفاء علیه اصنی التخیایا حضرت تبری * صلوه ظهیری
 ادا ایلد کد نصره صوب صفایه فیض بخش تشریف اولوب * بیت شریفه
 مشرف بر محله درگاه اجابت پناه کبریا به دستکشای دعا * و خیل مدت
 عرض نیاز و استدعا یوردیلر * اطراف سروشی مطاف عالیله انصار
 کرام بری برینه شاه ملکیت بهمت حضرت تبری * اهل مکه به معادله عفو
 و عنایت یوردیلر * غالبی وطن ایملرینه مجذب الببال اولوب بری
 در دهر ان طاقت شکنله شوریده حال پیوره جعفر در دیو حسمال ایلدیلر *
 حضرت سید الورا تمام دعا دکنصره پیلرنده متداول اولان شجودان استقصا

پیوردیلر * ابتدا انکار ایدوب بعد الا برام ابراد مرام ایلد کلمنده *
 حضرت ختی پناه * معاذ الله الخیا بحیاکم و الامان مما تمکم * زلال تعبیر به
 اخباری اوام دل مستم انصار پیوردیلر * و محل من پورده بالجله رجال
 و نوان قریش کلوب من دانی بالذات کتیبده حوزة وسع و استطاعتی
 اولان امور و خد ماتده اجرای لوازم جمع و اطاعت * و زنا فی جناب فاروق
 اعظم توسطه شرک بالله و سرقت و زنا و قتل اولاد و افل و افتزادن مجانبیت *
 و امر معروفه عصیانیدن مباعدت ایتمک اوزره عقد بیعت ایلدیلر *
 با کوره باغ روایتند که * جهله صور تبرستان قریش سخن حرم محترمه
 مواضع عدیده ده اعداد ابامه موافقت زعمیه * او جیوز انش عدد شجر
 و جردن مصنوع اصنام نکوهیده اندام نصب ایدوب * اقدام اهلیله
 امر بزر صاصله استحکام و تمکین و بر مشلر ایدی * رسول بالحق و نبی مطلق
 حضرت تبری * قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا * کریمه سن
 تلارت ایلیه رنید مبارک رنده اولان قضیه سینه سینه اشارت پیوردیلر *
 قفاسی اوزره و قفاسه اشارت پیوردیلر * خود بخود سینه سی اوزره
 افتاده خاله و ان اولدیلر الحق فارورده دن ساخته بر صم خزاعی که بالای بیت
 علیاده تندیسه اسانقله نماییدی شکیه ولایت من تصویده لکنر قاصم الظاهر
 امانت نبوی به یاری تحمل اولما مغله * جناب من قضی حسب الامر دوش
 سعادت و دوش سلطان الانبیاء با صوب صم من توری غلطیه دخالت حنارت
 اند کد نصره * نزول تدریجی بدن نازکترین رسول کریمه باعث امتدادی
 از ارالور ملاحظه سیه جدار میر ایدن زمینه پرتاب ایلدی * قدم به تبری
 بهیده خاله حرم اولد قده غنچه اب اعلینی کشوده نسیم تبسم شکرین اولغله *
 سید ستوده اوصاف حضرت تبری سبب تبسمندن استکشاف پیوردیلر *
 یارسول الله بویه محل رفیع بدن پرتاب ایتمشکن ینه اقدام آزرده رنجش
 والام اولدیفته تبسم ایلدم دیدی حضرت رسول جلیل الاصلک الم وقد
 رفعل محمد و اتزل جبریل پیوردیلر * نادره کویان زماندن بریمی مناسب مقام
 یوفریده ابدا ری کشیده سلال اللال نظم ایتمکاه پیرایه اکلیل اثر قلندی
 * قبل لی قل فی علی مدح * ذکره تخمد ناراموضده *
 * قلت لا اقدم فی مدح امری * ضل ذوالالب الی ان عبده *
 * والنبی المصطفی قال انا * لیل المعراج لما صعد *
 * وضع الله علی ظهری یدای * فاحش القلب ان قد برده *
 * و علی و اضح اقدامه * فی محل وضع الله یده *

ودرون بیت شریفه مر سوم اولان انصار ویرملائکه بی و ابراهیم و اسمعیل
علیه السلام صورتلرین از عاج و احیاء الیدیلر * صورت مشار الیهما
پیشگاهلرنده از لام وضع از انش اولغله * حضرت رسول الله علیه الصلوة
الاله * قائلهم الله والله لقد علموا انهم عالم یستقیمان فی یور دیلر * بعده
دزون بیت مکر مه نور هدی کبی فیض ارای دخول اولوب * اصح اقوال
اوزره دور کت صلوة تحبته شجره بنده مبادرت اولدیلر * غزوة حنین *
وسنة من بوره ده غزوة حنین پیرایه صحایف غزوات سید الکونین اولمشدر *
حنین بنیه تصغیر الیه بازار کا جاهلیت اولان ذی المجاز الیه طائفه قریب
بروادیلر * علی قول مکه به اوج مرحله مسافنده بر صواسمه در * غزوة
من بوره غزوة هوازن ایله ده موسومدر * بنو هوازن حنیندن منزه ما
اوطاس نام محله قرار * وانده دخی ترتیب کارزار اولغله * غزوة اوطاس
ایله ده نامداردر * سیبی بودر که بهون الله تعالی فتح مکه مکر مه تیسیر کرده
اراده حضرت خدا اولوب * لوی شوکت اسلام بالار و سپهر مینا فام
اولغله * اطراف و اکنا فاده ایواکین اولان احشام و قبائل * سر بزمن
اجابت و فرمان جهنم طاع نبوی به تسلیم رقبه اطاعت الیدیلر * انجق
هوازن و نشیف افتاده و رطد عناد عنیف اولوب * بنو مالک عنو و استیکاره
اصرار * و حضرت رسالتدار برله حرب و بیکاره هوسکار اولدیلر * پیشوای
قبیله هوازن مالک بن عوف النصری * و سر کرده عشرت نفیس کنانه
ابن عبد یالیل ایدی * زعملر شجه مهمات بایسته جنگ وجدال برکان
اولدیده * سائرمة عینان قبیله ایله عقد ایچمن مشورت ایدوب * حضرت
محمد طراهی اوزره قریشی در زیر عشر * و مکه بی آورده قبضه تحفیر
ایله کله من بعد روی توجهی بزم جهته تحویل * و برزله توصیل تنکبه
و تنکیل ایله جکی امر مقرر در * امدی تدبیر حسن و رأی مستحسن
بودر که نهضت محمدیدن مقدم برزواروب رجل و خیلانی باعمال جمال شور
و ویل ایده لم دیوب * اول ابنای ناخلف جانب ام القرایه جان در کف روان
اولدیلر * قبائل متقاربه دن مر ضعه نبوی حلیمه سعدیه قبیله سی * و نشیر
و چشم قبیله لرینک مجموع خلقی * و بنو هلالک بعضی موافقت ایدوب *
همان هوازن دن کعب و کلاب نامام ایکی شخص تخلف ایدیلر * انلاردن
ماعداء برزدر مختلف اولدوب حتی سر کرده ای مالک بن عوف که هنوز
عمری اتوز بالغ اولمش جوان سریم و الیدی * انلر رأی مخفی قبیله بایند کریر

بنی جشمدن سال عمری یوزیکرمی یا خود یوزاللی علی قول یوزیمش بلکه
ایکجه وزه متناهن * درید بن صه نام پیرساخوردی دخی هه راه ایلدیلر * پیر
من یوز کرچه پیره زن دنیا کبی کهنه اولوب ارکان بنیان وجودی وهن و ذبول
پیری یله بی تاب و نوا * و جام روزنه چشم جهان بینی زنل بسته علت عنا
ولشیدی * لکن ذاتمه دهات عربدن ستاره ضمیر و شهاب تدبیر پیر کار
زموده * و کرل باران دیده ایدی * اوطاس نام محله و رود زنده درید من یوز
ورود کاهلرندن استه کنماه ایلد کده * اوطاس اولد یعنی ایناس ایلدیلر *
دریدنم مجالس الخیل لا خزن ضرس ولا مهل دهس دیدی * خزن سکون
زای مجمه ایلد صلب و سخت یزدینور * ضرس فتح صادمه و کمر رای
مهمه ایلد ایری و خشین ته لی یزدینور * مهل دوزیردر * دهس فتح دال
و کمره ایلد اول یزدینور که نه صافی قوم و نه خالص طبراق اولد * بعده مالی
اسمع رعاء البعیر و نهاق الحیر و بکاء السغیر و یعار الشاة و حوار البقر دیدی *
انلاردخی مالک رأیله اهل و عیال و دواب و مواشی و سائر احوال و اوقا لمزی
استحباب ایلد * مقدمه دائره امر و رأیندن بیرون خطوه زن نه صلب
و مخافت اولماق یابنده * بزلی کشیده سلسله شرط و پیمان ایلد کده * ناچار
بوخص و صده مطاوعت کار اولدق دیدیلر * درید بونی ایشید ییجک مالکی
استه مارجه و یوتد پیری استه جان و استه غار ایدوب * ای مالک سن بر ذات
جلیل الصفاته پابرجای مقام معاذات اولیور سن که کافه عربی باعمال *
و تلوب عجمه مهاجتی ایراث زلال ایدوب * یود ججاری سیف قهر واذلال
استیصال ایلدی * پس بوکونه دشمن کش ~~کش~~ و رکش اوزیرنه جلله
اهل و عیال و مال و منال * استه عیالیه عزیمتک مناسبی ندر دیدی * مالک
بووجه اوزره کریوه توجه سه سالک اولدیکه هنگام مصافده انلارظه
عسکرده و لیجق * هم مدار غیرت و اقدام * وهم پابند کرز و انهم زام اولور
دیدی * درید بو توجه ناو جیبی ایشید ییجک رویی ضان خدا حق منهر می
بر سنه رت و اقبال ایتمک غنیمت الاحتمالدر * اگر فرصت سنل اولور سه اشجق
سکاء و منفعت اهل سلاح و ارباب حرب و کفاحدن اولور و اگر عکس قضیه
ظاهر ایدر سه وقت رسوایی و فساد حتمه دوچار اولتی در کار در دیدی *
رویی ضان صبیغه تصفیر ایلد کوچک چوبان دیکدر رای مصغیر *
ضان قیونه دیر لر بده کعب و کلابی سئوال ایتمکله تخلفلرین خبر ویرد کده *
معلومه کز اولد و که بوعزیمده اقبال و معادیت منزدن مساعدت ایلدی *
زیرا ایدر ذمت و مظافت ارایدی انلار بهر حال بومع که ده اثبات وجود

ایمان امر محال ایدی به کاشکی انلار کی سزادخی بوتکاف بی معنایه
 گرفتار او ایوب هر کس مخلدنه باید اراولیدی * دید کد نصکره موجود
 اولان اعیان قیادتدن استفسار ایلد کله * عمرو بن عامر وعوف
 ابن عامرک معسکرده حاضر اولد قلمین خبر الدفده * انلارک دست
 افتدار لری مایه خیر و شر و امانت نفع و ضرر دن تی دریدی * بعده مالک
 نواده هوزنی عسکر دشمنه پیشکش ایلد * بلکه معقول و مناسب اولان
 قوم و دیار لرنده واقع حصون و منیه لرده انلاری حفظ ایدوب سن حرب
 و ضرب اربابله عزیمت ایلد سن * اگر نسیم فوز و نطفه سنک طرفنده وزیده
 اولور سه * انلار سکا لا محاله رسیده اولور * و اگر خلا فی ظهور ایدر سه
 اهل و عیال * و اموال موقع سلامنده بولنور دید کده * مالک رأی درید ایلد
 عامل اولغه منتزل اولما مغل * عناد ایدوب درید بیر قوت اولغین دماغنه
 و من و اختلال طاری اولمش محوم کی نامنظوم * و میرسم آسانی مفهوم
 کلمات ایدو بوردیوب میاتندن تیغنی اخراج و کندی سینه سنه وضع ایدوب *
 ای معشر هوزن اگر بکا کر بسته اطاعت و انقیاد اواز سکر خداحقی
 اشی و سیفه نفسمه حیف ایتک مقرر دریدی * هوزنیلر مالکدن بوکلای
 استماع و رأیندن سر بیج امتثال اولد قلمی حینده جان خبیثه قصد ایدو
 حکمتی استطلاع ایلد کارنده * مالک هالک اولد قد نصکره ریاسته چسبان
 کسه اولیوب * درید ایه بوکون دنیا یارین آخرت وادینه کیش بیر عمل
 مانده و نایبنا اولغه * بروجله اسوه امور اولغه لیاقتی قائم شدردیوب
 اندن وجه توجیهی صرف و اماله * و کافی الاول رشته تدبیر مصححین
 قبضه استبداد مالک سپرده و احاله ایلدیلر * درید بو وضعدن منفعل اولوب
 کرچه بزم یو هنکامه طفلانده حضور من منافی ضابطه حزم و شعور در *
 لکن بولند یغمز حسیله خارج خطیره ناموس و حیندردیوب بوار جوزه ایلد
 مترنم اولدی *

* بالبتنی فیها جذع * اخب فیها واضع *

* اقود قطار الدفع * کاهاشاة صدع *

بعده هوزنیلر متوجه اولوب * مالک بنله عقد ربه عهده ایلد بیکه قطما
 رأیه مخالفت ایلد * شمدی مشهور کزوجه اوزره تقض حیل ایمان ایتکله
 من بعد بکا عنایتساب عود و قفول اولانی موجه و معقولدردیوب متنی
 مراجعت اولیجی * منت پیشمار ایلد توقیف ایلدیلر * بینه مالک که خطاب
 ایدوب چون بنم رای مشروحی قرطه کوش قبول ایلد باری برمه دار

مرد دراز ما انتخاب ایدوب بر موقع مناسبه در کین ایلد که * سپاه اسلام
 بزم اوزر من هجموم ایلد کده قفولین امله بر شانت ابراث ایلد لریدی *
 اولدخی تعلیم ایلد یکی موال اوزره بر مضیق شعبده و انر سواری تمکین
 ایلد کد کله تنبیه صفوف ایدوب * سوار لری مواجه عسکر اسلامه
 تعیین ووزارند * پیادگان * بعده شزان اوزره طائفه سوان * باند نصکره
 صف صف انواع دواب و مواشی تمکین ایلدی * و جله سپاهنه عسکر اسلام
 ظهورنده کرد باد اساکوزا چدر میوب * یکفنان حله و هجموم ایتلری بایندو
 تنبیه ایلدی * بعده لشکر اسلامی تجسس ایچون اوج نفر بیل چیره بار سال
 ایدوب بر زماند نصکره جاب و سوار ترسان و لرزان شناه کنان عودت ایلدیلر *
 مالک کیفیتلرندن استفسار ایلد کده عسکر اسلام ایچره بر صنف سپید
 جامه * ایلدی سوار عظیم الهیکل مهیب الصوره طائفه مشهوره اولوب *
 خداحقی اگر اوزر من هجمه بر رضوات اولور لر یسه تقیت عرصه مقاومت
 خارج مضمار استطاعتدر * همان بو محندن رجعت ملایم بخت و دولت
 در دیدیلر * مالک سز لر بیدلان عربدن برالای چبان کسه لر سزدیوسر زانش
 و عتاب ایدوب * کند بیسی چهره چسار تنه قطعارنک تغیر ویرمندی *
 هر ویدر که هوزنیلرک بوضع دلیرانه سی قرع سمع پیغمبرانه ایلد کده *
 احوانین تجسس ایچون عبد الله بن ابی حدر السامی فی فرستاده
 پیوردیلر * اولدخی واروب احوان و ککب قیادتلرین کماهی افتخا ص *
 و مفروض معرض خاص معالی اختصاص ایلدی * اول خبالده
 اسلامیاتدن بر کبسته وزره چیلدن جمعیت که سار طرفنه ارسال جاسوس
 نگاه * بر صورت ترتیب و تدبیر لرین استکناه ایتکله * درگاه رساله
 کاوب * یار رسول الله هوزنیلر اسباب حرب و رجال دهن و ضرب جهتدن
 فروشکوه و خطرات قلمی بی حساب اولوب * باطله اهل و عیال و اموال
 و ائقال لرین دخی استیجاب ایلدیلر * بیل * شاه سر برهت حضرت قلمی
 تبسم ایدوب انشاء الله تعالی جله سی غزاق اسلامه غنیمت اولد جند و پیوردیلر *
 پس حسب الاشاره مجاهدین دین دخی اینه قتاله مباشرت ایدوب *
 صفوان بن امیه دین که هنوز بیکر حرج و بالی داغدار نفاق ایدی * بشرط
 الضمان یوز عدد وزره و سیار بر مض ادوات و اسلحه * و نوفل بن عبدالمطلبدن
 اوج بیل نیزه استعاره اولندی * اکیال عده و عناد اولد قد نصکره * رکاب
 عزیمته پانهاد * و حشمت و دارات پیغمبرانه ایلد متوجه عدات بقات
 اولدیلر * غنیمت امنیه سبله مکیدن مسلم و مشرک و منافق ایکی بیل کسه

موکب همایونه ملحق اولدیله * منقوله برکه مالک بخندول سپاه اسلام دن
مقدم وادی حنیفه موصول اولوب * غزاة دین رهگذرینه جایجا نیراند از
درکین ایلدی * همسالار از ازار حضرت قری ذل سوار * و مبارک اوقه زنده
حضرت داود علیه السلام هنگامه قتل جالوتده متدرج اولد قری
سعدیه * و ذات الفضول نامان زره لر * و مر سعاد قسمر لنده بیضه و مفر *
اینها و اقباله قطع سهول و نلال ایلدیله * متحده کفار مقرب
اولد قریله تقسیم الویه و ریایات * و تنظیم صفوف صفوف قیروزی سماء
بنیادرت بیوروب * و لوی مهاجرینی جناب مرتضیه * و لوی خزر جی حباب
این مژده * و لوی اوسنی اسیدین * حصیره تسلیم * و شجاق شیر فله دوش
سعد بن ابی وقاصی شریف و تکریم بیوردیلر * کلام رکام اسلامیان *
بانتدخدا کافران * بلکه خیال قلب حاسدان غایتده نکل اولغله * سیکل
اعتزام بیرون وادی نامکان اولغین * وادی حنیفه طرق شنادن عازم اولدیله
* شجره منقعه * و صیتری منشعبه الاغصان اولوب ظلام خرد نور صبح وار
وادی حنیفه انحدار اوزره لیکن * بوفرصت دخی علاوه مکیدت اعدای
بد طیف اولغله * و ترصد کین کین اولان ربات مشرکین * هر گوشه دن
کمان غدرو خضومته * کساد بیوروب * اسلامیان اوزره قبضه واحده دن
تیرباران ایلدیله * طلقای مکیدان مدخول الاسلام اولان فرقه ثمام *
زمان تخذیل محمد زید یوب * و لوی عناق کرای ادمار اولدیله * صفوف
مسلیمه دخی کسر و پریشانی عارض اولوب بی اختیار اهتک طریق فرار
ایلدیله * سرور انام حضرت قری جانبیمینه اماله لجام ایدوب موکب
جلا لجامده همان منعمینان اصحابدن شجین مکرمین * و جناب مرتضی *
و حضرت عباس * و فرزند کریم فضل و ابوسفیان و ربیعہ ابنی الحارث
این عبدالمطلب * و معتب و همراه اولان ال کرام و برقاج نفردخی سائر صحابه
کرام قالدیلر * حضرت عباس مستحکم زمام دلدل اولوب * میانه کفاره
اقتحامدن متع ایدر ایدی * ابوسفیان بن حارث رکاب قرنای طنوب کفاردن
سیدالابرار اوزره کز و اتصال ایدن لر * و فرشته کافله سقر مقر اولور ایدی
حتی بعد انتضاء الحرب هواز تبار شکام کارزارده سپید پوش * و ابلق
سوار * سر لنده سرخکون دستار * طره لر میانه دوشلرینه مسدل *
ارض و عایینده بز عسکره هایت کسرمعاینه ایدر دلدل * انلارک خوفندن
مزلکه قتاله جرأت ایلنه مز ایلدیله * و لوی * و لوی * و لوی * و لوی *
یک ملائکه کرام حاضر اولد ایلدی * و بنو نصریدن شجره نام کسینه اسباب

دارو کیره سکونت کاند کد نصر کیره * مؤمنینه دم بیکارده سپید پوش و ابلق
سوار بر صنف عسکر انجم شمار مشاهده ایلدیله * سر لار انلار * نسبت کو با که
بدینده نقطه حال مشابه سنده رؤیت اولتوردیکز * برکی سر حله اول عسکر
قتل و اهلاک ایلدی * حالیا کور ز رانلار تیره به کندیلر دیوشوال ایلدی *
اصحاب کرام شجره نکل کلامی عرض درگاه سید الانام ایلد کارنده
انلار ملائکه عظام ایدی بیوردیلر * مهمه * قتال فرشتگان وری حصابکی
ملحه ده واقع اولمشدر * بری بدر و بریسی حنین ملحه سیدر * تکمه *
صدر صفة صدق و صفا حضرت قری سپاه اسلامک بورمه تفرق و انحرامی
کور یجیل امر بیوردیلر * حضرت عباس بلند اواز ایلدیله یامه شمر الانصار
یا اصحاب السمر میا اصحاب المیزه دیو حله جنود خدایه ندا ایلدی * فاطمه *
عمره فتح سین و ضم میله اول شجره مدر که خدیجه غزوه سنده انک التبه به
رضوان منعه عدار ایلدی * و سورده قریه به تحفه عسل و جوی بودر که مدینه
منورده اول اول سورة عظیمه نازل اولوب * کم من فته قلیله غلبت فته کثیره
آیت کریمه سنی مستل ایدی * و ندای عباسه امر لنداعیسی بودر که *
حضرت عباس بغایت بلند اواز ایدی * حتی طباهر مدینه دماواخر لیلده
چمل سلع اوزره حقیقوب مکرز میل مسافه غایه نام مجلده اولان خدمتکارینه
ندا و اماع ایدر ایدی * و ته * حضرت عباسدن می ویدر که بواسطه اوزره
ندا ایلدیله کمد خدای متعال حتی آوازی استماع ایدن اهل اسلام قیونلر
قوزیلرینه نه کونه حننله شمایان اولور رایسه * لیلک لیلک دیه رله طرقة
اولجه تاخت انکیر مسارعت اولدیله * حتی برسی دوه سنی صرف والویه
قادر اولامه سلا حتی الوب دوی تسیب ایلدی * موکب همایونه متوارد
و محشدا اولد قد نصر کیره * امر سلطان * و سر سائله جنکه مایشرت *
و اقباله نائرة حرب و مناوشت اواموب * حضرت نبوتنصاب تنور رزم
و تکابک مروجه جنبانی شوق اصحابه التها بل کور یجیل * الان جی الوطیس
بیوردیلر * و طیس تنور معناسنه در یومقال بدیع المال شدت قتال موقعنده
ابرار اولنور * علی طریق المثل ابتدا زبان بلیغ الیمان نبویدن صادر اولمشدر *
اول انشاده سلطان الانبیا حضرت قری پرشته اوزرینه صعود بیوروب *
و بدیدم صوت عالی ایله انالذی لا کذب * انا ابن عبدالمطلب اداسیله نبوت
و کذب مانعت الجمع اولدیغنی ایما بیورور ایدی * عبدالمطلبه اعتراک سیدی
بودر که عبدالمطلب مرد مشموز اولوب * ویدر مکرملری حیات عبدالمطلبده
و ذات ایشکاه عرب حضرت رسول عالی نبی اکانت ایدر ایدی

* فائده * اشبه و کلام شریف کچھ صورت جمع و نظم شدہ شرف و در ایدوب *
 لکن فی الحقیقتہ شہر دین معدود کار * زیرا اولاً جہ و عرو ضیق عندندہ
 و جز شعرا فاسانندن د کلام * ثانیاً خلیل مذہبندہ کہ مذہب صحیح در کچھ
 و جز شعرا مخصوص در لکن مفہوم شہر دہ قصد دار کاندن اولفہ * ذکر او انسان
 کلام شریفہ قصد منہ مدد قالیکہ یو توجیہ دخی غیر وجہ در زیر اقرآن
 کریمہ قصدہ مقارن کلام موزون واقع اولشد * ثانیاً ب خفا جی شفا ی
 شریف شہر چندہ اعتراض مرقومی بوجہ اوزرہ دفع ایاشد کہ * شعرک
 مفہومندہ ہر بی ماقبل و ما بعد ندن متصوذا لا نقطاع اولاق دخی معتبر در *
 لکن ذہن فائز مترجم فائزہ لایح اولور کہ * مفہوم شہر دہ دار کاندن اولان
 قصد دین مقصد * کاندن صادر اولان کلام * ہر دہ شعر دینی قصد
 ایاشد کہ * کرک اقرآن کریمہ و کرک کلام مزبورہ بوجہ ثبت مقصود * کلام
 * تہ * سیاح اسلام سیاق بحر اوزرہ شیر غزندہ کبی خنار بر کفار اوزرہ
 هجوم و افتخام * و انارہ غیر حرب و انتقام ایدوب * صاحب الایات الباہرہ
 علیہ التحیۃ زاہرہ حضرت تلمیذ دخی زمیندن بر تہ خالہ اخذ * و شہادت
 الوجہ دیہ رک کفار خاکسار طر فتمہ نشر و حوالہ بیوردیلر * ایصال ربانیہ
 جملہ افراد مشرکینک دیدہ و ذہانتلری غبار الوداد بار اولوب * در ساعت رعب
 و دہشتلہ رو براہ ہزیمت اولدیلر * و مار میت اذ میت و لکن اندر می کریمہ سی
 بویادہ نازل اولدی *

* ورمی بالخصی فاقصد حیثا * ما العصا ندرہ و ما الالفاء *

یعنی سید جلیل الآثار حضرت تلمیذ رمی مال ایہ اولکونہ لشکر بیشمار ی
 و ظہر تہر و دمار ایددی * پس حضرت موسائیل تبکیت تہرہ و تہندہ
 عصای مکر مارندن ظہر زایدن مہرزہ رمی حصی مہرزہ سنہ نسبت
 قبولندن دور در زیر اعصای موسی صورت نمیانہ تقلب چہیلہ جمال
 و عدی ساحرینہ و شایہ و ملائمدر * زیرا تہرہ نکل دخل جبل و عصاری
 تمثال جمیدہ و مختل اولانددر * یونندن ماعد اعصای موسائیل جمال
 و عصی ساحرینی ابتلاعی تفرقہ بخش بچیت اعدا اولوب * ہاکہ اشتداد
 عنو و عنباد لرینہ باعث اولدی * امارمی حصار و جہ مشروح اوزرہ قہر
 و انہزام دہستانی مورث اولشد * عبرت * مقدمہ اوادی حینہ توجہ
 انما سندہ لشکر اسلام ریک بیابان اما بیرون خدا جہا اولوب * و کمال مرتبہ
 مرتب و مسلح شیوہ دایرانہ و وضع بیاد رانہ اوزرہ اولمیلہ * صدیق اکبر
 حضرت تلمیذ بوزرہ عدہ و عتاد اجداد بلا دہ تہادہ * کہ انداز ظاہری اولوب

بوملمندہ ہر بزمہ غلب اعدا اولاق خارج عرصہ امکاندر دیمشایدی *
 منہل العذب دل نبوی بو کلام مغرورانہ دن متکدر اولوب * حتی بادی
 امیر دہ انہزامہ بادی بو کلام اولدینی مریدر * و یوم حنین اذا عجبتمکم
 کثر تمکم فلم تغن عنکم شیئاً و ضاقت علیکم الارض بما رحبت ثم ولیتم مدبرین
 کریمہ سی بومعنائی مبین در * و خلال ہنگامہ دہ خواجہ دبستان حقیقت
 حضرت تلمیذ موسی علیہ السلام فرعون بی عون طرفنہ متوجہ اولد قلمی
 ہنگامہ * قرأت ایلدکاری دعای شریفہ ملازمت بیوردر لایدی * اول
 دعای غریب الاثر بودر * کنت و نکون وانت حی لا تموت تمام العیون
 و تنکدر النجوم وانت حی قیوم لا تاخذہ سنہ و لا نوم باحی یا قیوم * نقش
 کتابہ روایتدر کہ اثر انہزام مکہ بہ راصل اولیق * مکیانندن ہنوز بنیای
 ایمانندہ رساخت اولمیلر کونا کون بیہنی ہذیانہ مجاہرت ایلدیلر * از جملہ
 ابوسفیان * کناہ سی قداح جاہلیتہ ہنوز مشہور اولدینی حالہ
 مہر و میمان ساحل بحرہ قدریتشیموب جملہ سی قنطرہ تہندن گذار ایلدہ
 جگاری در کاردر * خدا حق ہوا زیلر غالب اولدی دیچک * صفوان کہ
 اول اواندہ مشرک ایددی * دہسانک سنل و خالہ خذلانہ متصادم اولدون
 دیدی * صفوانک دادر مادر بیسی دخی کلوب بوکون سحر باطل اولدی
 دیچک * صفوان اکادہ اغزل قور یسون خدا حق قریشدن بکار کسنہ
 حاکم اولاق ہوا زن حاکمندن ہم تر و البقدر دیدی * بر کسنہ دخی تہ صفوانہ
 کلوب مزدہ اولسونکہ لشکر محمدی منہزم و تار مارا رلدی * من بعد جبر
 و التباہی بیرون دائرہ عتول و اوہامدر دیدکدہ * جملہ خشم صفوان ہیجان
 ایدوب * یکا اعرابک ظہوریلہ می تبشیر ایدرسن * قسم بخدا کہ عندمدہ
 قریشیانندن برینک حکومتی اعرابدن برینک حکومتندن افضل و اجلدر
 دیدی * عکرمہ بن ابی جہل دخی حاضر اولفہ * عسکر اسلام قبول
 جبر و التباہی ایچہ جکی سنل دست اراد تکدہ د کادر * بلکہ جملہ امور زیر
 پنچہ مشیت رب غیوردر * بنیان راسخ الارکان شوکت محمدی بو حادثہ دن
 قطعہ مار خنہ پذیر و ہن و خلل اولمز * بوکون بوزرہ صورت باز کونہ نمودار
 اولدیسہ یارین تہ ظفر و نصرت * کندیلرینہ بار اولہ جقدر دیدی *
 مہیل بن عمرو عکرمہ دن بوجواب با صوابی ایشیدیلک * یا عکرمہ سنل
 خلاف محمدیدہ عقد ایلدیکل عہد و بیمان * حدیث الزمان اولفہ * ہنوز
 خاطر نشاندن در دیچک عکرمہ سوزہ کلوب یا یارنید انصاف ایلہ لم
 کہ بر زبرالای سر ہم و امفشوش الارا * غافل و غابی اشخاص ایلک خیر و شر

ونفع و ضرر مأمول او انجمن اجبار و انجبار و نحوه به پرستش نفع عجم
 نازنین ایلایدن * پیغمبره تعالی حضرت محمد سید و رطه خزی و خد لا ندن
 رها بولاق دیدی * پس تابید حضرت جبار ایله جانب اسلام میاند نصرت
 و فیروزی بدیدار * و لشکر کفار نار مارا ولوب سید الا برار حضرت تیری تدبیر
 اعدا خصوصه صرف مقدور اتمل ایچون سپاه اسلامه افسر بیورم ایلله *
 عقبه کیرا ولوب ادرانه ایلدکاری کافری قنطره الحیدر شمشیردن بکوردیلر *
 اطفال و ذراری به تهرضدن عمنوع اولمیلله * انلاره طاله دست تصدی
 ایلدیلر * انس بن مالک حضرت تیرین عی ابوطلحه بالکرتباشنه بکرمی نفر
 کافرید * کهری رسته سلسله امر قمر ایلدی * ربه عین رفیع درید
 این صه به که اوصافی تفصیل اولمشیدی * بنشوب نسوانن ظنیه زمام
 راحله سندن طوتدی * دقت ایلدیکه برپیرنایندار * درین ربه به مرادک
 ندریدی * اولدخی سنی قتل ایلدکدر دیکل * ربه عین نظام و شاستدن
 استفسار ایلدی * ربه به دخی انار ربه عین رفیع السلی دیوب شمشیر ایلله
 اوردی * کارکر اولما مغله درید استمزا وجهله مادرک سکا عجب نامناسب
 سلاح توشع ایلش * مؤخر حادن بنم تیه می الوب انکله ضرب ایلله
 واستخواندن رفع و دماغدن حغن ایلله * زیرازمان جلاد غزده بواسلوب
 اوزره ضرب ایطال رجال ایلدک * و مادرکه وارد قده درید بن صه بی قتل
 ایلدم دیو خبرور * بوقلمله چوق نسوانکری حیات ایلشیدم دیدی *
 پس ربه دریدی قتل ایلدوب واقعه مادر نه ملاقی اولد قده دریدک سبارشی
 اوزره قتل ایلدی * مادری دهنگشای تقریب اولوب یورعه تذکیر مت
 یلد کد نصکره * اکا کرام اتمل مناسب ایدی دیدی * ربه ای مادر
 رضای خدار رسول اندن اهم واقعه دریدی * مریدر که منرم اولان
 لشکر که ارتد روز کردن بر فرقه بیان غلله به * و بر فرقه مالک بن عوف ایلله
 طاقه کبران و بعضی او طاس نام محله موضع اولان انجال و انقالاری
 طرفنه شتابان اولدیلر اهل اسلام بروفق مرام بکام اولد قده نصکره رحال لر نه
 رجعت ایلدیلر * حضرت رسول الله بالذات خالین ولیدی چسجیو ایلدک
 کثرت زخدن بیتاب رتوان * مؤخره رحانه مستند بواجق زخلمنه قیسان
 دهان خیانت افزا ایلله مره مسای ایلله * در ساعت نائل مایه عافیت
 اولدی * یورلحه ده جانب اسلام میاندن فقط درت نفر مرده شمشیر
 اولدیلر * پریمی موالی بنی هاشم دن این بن عبدالمهدر که این ام این در
 ایکجسی بنو اسد قبل سندن برید بن زهه بن اسود بن عبدالمهدر که

جناب نام اسب جو خنک لکد کوی سرکشانه سید * منازرا عازم انالیم بقا
 اولدی * اوچنجیمی انصار دن سرافه بن حارث عجلایدر * در دنجیمی
 اشدر یوندن ابو عامر الاشدریدر * و طرف کفار دن تمشدن مجبور کشتی
 نابکار مکب ممالک یوار اولمشدر * بدیده * هدی نبوی موالی ابن القیم
 علیه الرحه یوزمین اوزره قائم مرکز تحقیق و تبیین اولمشدر * که * چون
 حضرت باری عزاسمه * رسول کریمه بعد فتح المکه اجناس ناس فوج فوج
 کلوب داخل حرم دین اسلام * و امر و فرماتنه عامه عرب مطیع و متقصاد
 اولد جملری وعد و اعلام بیورمشیدی * و انده دفع مکه صورتنه بر حصول
 * و تنسیق و تنظیمی حدای کاله موصول اولد قده نصکره * عیون ناسده شان
 سیدالنبی مردخی بالا ترا ولوب * دین مبینک فوز و نصرتی قراوان * و غنائیم
 و غیره اهل فتح ایچون نعمت شکران اولد جفتدن ماعدای جمعیت و شوکتلری
 مسبوق بالمثل اولوب * مقابله و مقابله مملری بیرون عهد طاقه عرب
 اولان لشکر بیکرانک رسول الهی طرفندن منظره تهر و نکات اولد قلمین
 اظهار و اعلان دقیقه سته مینی * اقتضای حکمت احدیلر هوازن
 و هوا دار لرین قلوبی مقبوض دست ارادت ربانی * و نایب برای به طه دایث
 صمدانی اولمیلر * سرور انام ایلله شفا صحت و مناوشنه قیام ایلدیلر * بعد ذارین
 فتح مکه در توفیق تعالی مدار فتح جیل الشیخ ذات جلیل نبوی اولوب *
 ایدی و سرمدی رخصت داده نزاع و قراع او ایمان بلده محرجه کمدیلرینه *
 حلال بیورباق خصیصه ذات باده الا جلالتاری اولان سرور کائنات مغفر
 موجودات علیه اسم الشیخات حضرت تیری * هنگام دخولده خاضعا و خاشعا
 سر بر حل سجود و انتمال اولوب * سائر اهل اسلام مریدانای اینهاج
 وایتسام اولدیلرینی حالده داخل اولمیلر * و هله اولیده انلاره اذافه تلخیا به
 هزیمت و اعتبار ایلدک لری عده و عده لری سورتنه ایراث نوع * کسر
 و منقصت اتمل حکمتنه * و کندیلر کثرتنه و اعداد اعدانک قائمه بظن
 ظاهر یله شیوه مغلوبیت خاطر * کثرتار لری اولمیان طرفه فوز و نصرت
 * ع * انما النصر من الله فلا یبغی الرجیش * مؤدای الشیخ جانب
 خیر المناصر من منجلی اولوب * مؤید من عند الله اولمیلر بوجهلادل خزی
 و خمرانندن محمی الاطراف و منظره نکال متتقم قهار اولمیلر دخی *
 مشاهده صورت فوز و فلاحدن بعد الا کشف ارباق حکمتنه و رسولنه
 توفیق عون و ظفر الشیخ طرف خالق القوی و القدر دن اولوب * موجب
 عجب و پنداری اولان کثرت سپاه اولدیلرینی حکمتنه مینی * اولکونه شیوه

حق ظهور و قولی تمام مرتبه مکسور اولاد قد نص کره * انزل الله سكينته
 علی رسوله و علی المؤمنین و انزل جنود الم تر و هاء * منطوق شریفی اوزره ایداع
 جوهر جزائله جبر خاطر کثیر و بشیدل جنود اسمانی امداد یله اعد الزین قهر
 و تدبیر یوردیلر و طرف پرورد کردن سزاوار اولان خلعت عالمی یاری
 و اسمعاده انجق چسبان قامت ضمه فارش کسکه کان عباد اولد یغنی * و نزدیکان یمن
 علی الذین استضعفوا فی الارض و نجه لهم ائمة و نجه لهم الوارثین کریمه سی
 موجبیه * ارباب بصائر اعلام و اراء دقیقه سی دخی بوباید مقتضای
 حکم خفیه الهیه دندر * تهمه * سرورایام حضرت تری آورده دست اغتنام
 اولان مال غنایمی بدیل بن و رقاء الخزاعی بدیدر مکه به برید مسافه ده واقع
 جعرانه نام محله ارسال یوردیلر * تا که انده حفظ اولوب موانع بر طرف
 اولاد قد نص کره غزوات بینلر نه تقسیم اولانه * غزوة طائف * و سته مرتبه ده
 غزوة طائف واقع اولمشدر * طائف مکه مکرمه به ایکی مرتبه مسافه
 تربله در * هوامی بغایت لطیف و معتدل * و فواکه و ثمار ی فراوان
 بر معموره مینو نشاندر * مقدماینا ایلد کارنده اطراف نه سور کسیده
 اولوب * بعد الا تمام تشید و تمهید ایچون جوانی طواف ایتلر یله
 طائف ایلد تسبیحه اولندی * بر قوله حضرت ابراهیم علی نبینا و علیه
 السالم * اهل مکه نل ثمراته مزروق و متعم اولمری شمشده دعا ایلر یله *
 امر ربانیه جبریل امین اول بقعه بی شامدن علی قول فقه کاه ملاک یمن اولان
 صنعایام و لا یتدن تلح * و محل مزبوره نقلی خللده بیت الحرام اوزره طواف
 ایتدر دیککی وجه تسبیحه اولمشدر زمینی فتح و اووسکون جیم مشده ایلد وج
 ایلد موسومدر عالمی دن ارل سرزمیند ایتدا نازل اولان کسه نل اسمیه
 تسبیحه اولمشدر * طرازیده ککک بلاغت پرداز اولدیغی اوزره * مالک
 ابن عوف بر جمع مخاذیل کفار ایلد طائف طرفنه سم طافی ککی
 جان اوب و وصولارنده ریش بلده به برونی مرام استحکام نام و برد کد نص کره
 ینه حصار غنوا و استیکبارده قیام ایدوب اماده قتال و خصام اولدیلر *
 بوخبر بالغ سمع سید البشر اولیجق * خالد بن ولید دی یل نفر دلا و ایلد
 مقدمه عسکر تعین یوروب * اکامتعاقب بالذات نهضت و طرف
 طائفه توجیه رکاب عزیمت یوردیلر * خلال راهده بر مزارع و داولقله
 ابوقبیله ثقیف اولان ابورغال نام کسه نل نبرد کره ابرهه حاشا کعبه
 معظمه بی هدم و تخریب قصد یله یوسخته کاد کده * صورت اطاعت اظهار
 ایدوب * ابرهه به بدلیل دخی ترفیق ایلدی * بعد زمان فوت اولد قد

کند و سبله یله بر نه ال زرین دفن اولمشیدی * نبش اوانسه بوانقی ملحوظدر
 یوروبقله * اصحاب کرام فی الحال نبش ایدوب اخراج ایلدیلر * بعده حسب
 الطريق بر مرد ثقیف بستانه سرور اوانوب * صاحبی درون بستانده واقع
 سقیفه به متحصن اولقله * سلطان الانبیا حضرت تری چیمر سه اوزرینه
 هدم اولنوردیو خبر * و ندر و بابا و غردا تمکله * حسب الامر هدم
 اولندی * ما حصل طی * مول و او عار ایدر لک و اصل سم حصار اولد قد *
 اهل حصار کثرت اسباب کارزار و مناعت و رصانت حصاره اعتادا * مقام
 ستیز و استیکبارده پابرجای استقرار اولد قلمین * زبان تیر ایلد طرف
 اسلامیانه تقریر و بیان ایلدیلر * لشکر اسلام دخی سنل و خدنکله اهلک
 جنک ایدوب * اول امر ده سپاه ابراردن چوق کسینه زخدار * و اون
 ایکی نفری شهید ا مهتر جانب تم اقرار اولقله * حسب الامر اوردوی
 هه مایون حصاره بعد بر محله که حالا مسجد طائف در نقل اولندی * مدت
 حصاره پیشوای جماعت اصفیا حضرت تری غازی ام سلمه و زینب رضی الله
 عنهم ما خیمه لری میاتنده ایدور دیلر * بر کون خالد بن ولید میدان کیر و ب
 تکرار تکرار مبارز طلب ایلدی * طرف کفاردن بر فرد سرغون اولیوب *
 اخر فراز حصاردن عبدالل که سر کرده ثقیف سخیف ایدی * بر زم طرفدن
 بر کسینه خطوه بر عرصه مبارزت اولمز * قالدیکه چند ساله اجناس ذخائر
 و انواع اسباب قتاله درون حصار مالادر * تکمیلنه قدر حصارده
 استظهار ایدوب به ده صغار و کبار من یکبار تسبیغ نابدار من ایلد چیقوب
 بر متنفس قائمینه کوشش و اهتمامده بذل جله اقتدار ایتل قرار داده
 رأی زردیوندا ایلکله * ناچار خالد بن ولید اوردویبه عودت ایلدی *
 اند نص کره اشارت نبویه متخبر که طفیل دومی آفی البیان ذی الکعبین
 سریه سندن رجعتنده جلب ایشیدی * نصب اولوب درون قلعه به *
 کله لر بر تاب اولندی * و نقایان اسلام یانندن چند نفر بهادران پوست بقردن
 ساخته دیابه لرا یچره خزیده زیر حصار اولوب * ملاعین دوزخیان بالای
 حصاردن اتشین مسمار لر بر تاب ایلر یله * دیابه دن کذارا تمکین ناچار
 دیابه دن چیقوب کیرویه رجعت * و ارفه لرندن تیر باران ایلر یله بر مسلمانی
 دخی نشانه ناول شهادت ایلدیلر * زجر و تنقیص ایچون لشکر اسلام
 امر سرور انامله اطراف قلعه ده اولان با غلر ک قطعنه مبادرت ایلر یله *
 بالای حصاردن الله ایچون رعایت رحم ایدوب با غلری قطع و اتلاف
 اندر مه د بود مدمه سازینار اولر یله * منیع لطف و احسان حضرت تری کفید

اولفق باینده فرمان یوردیلر بعد از امر سرور عباد ایلده حصاردن قاجوب
طرفه انجالیدن بنده آزاد اولور دیو طرف طرف ندا اولغله * اوندن
مجنار و زعمان بر رتقربله چیه قوب خیم خیم دفخر عالمه الخاق و رتق
رقبتدن اطلاق اولدی یلر بعد زمان اهل طائف فرمان جهات مطاع نبوی به
استسلام و قبول فیض اسلام ایلد کارنده غلاملرین التماس ایتلرله * اذلار
عتقای الهی اولمیرله سزله سلسله رقتن کزدن رها یافته اولمشدر یوردیلر
خلال محاصره ده عینده بن حصین نه قیلری اسلامه دعوت ایچون حصاره
عزیمت ایتکه استیذان ایدوب بعد الاذن درون حصاره واروب کوره یم سزی
حصار کزه تقید و اهتمام * و مردانه سعی و اقدام ایلله * خدا حق
اسیردن زیاده حقیر و پایمال اولمده بر دیوب رجعت ایلدی * مهبط وحی خدا
علیه افضل التحایا حضرت نلری * عینده دن استنطاق مقال یوردیلر *
اول دخی اهل حصاری خوان لذیذ الطعم اسلامه دعوت * و اتش سعیر ایلله
ترهیب * و نعییم جنته ترغیب * باینده صرف انقاس مقدرت ایلدم دیو یکل
رسالتاب حضرت نلری * یاعینده دروغ ارتکاب ایلد دیوب تقوه ایلدی یکی
کفتار نایب بخاری تقریر یوردیلر * عینده صدقت بار رسول الله دیوب توبه
و استغفار ایلدی * مدت محاصره اوز سکز کون متعادی اولوب * فتنی
خصوصنده اداره مفتاح اذن فتاح واقع اولمده * خوله بنت حکیم که
زوجه عثمان بن مظنه و ندر * بارگاه رسالت دستکاه مشول ایدوب
بار رسول الله اهل طائف اوزرینه هجوم و استیصاله مانع وارمیدر که بو گونه
طریقه مهولت و تانی به اعتسای یورر مزیدی * کذلک فاروق اعظم دخی
بورجه استفسار یورمده * سیدالابرار حضرت نلری طرف حضرت
جباردن رخصتیافته حرب و پیکار اولدم یورمیرله * فاروق اعظم
بالاستیذان ندای رحبلی اسماع سوامع همکنان ایلدی * اصحاب کرام
حضرت نلری قبل فتح الطائف نه وجهله منعطف اولم دیو پیچ و تاب
ایلمیرله * شاه اقلیم رسالت حضرت نلری امدی واروب اهمل محاربت ایلد
یوردیلر * اصحاب کرام خود بخود زیر قلعه به واروب کیروداره قیام ایتلرله
چوق کسینه زخم دار اولوب حتی ابوسفیان بن حربل دیده سنه پیکان
اصابت ایتکه * بیضه تنی طشره اوغرا یوب النده حضور سعادت محصور
نبوی به کادی * طبیب درد مند ان حضرت نلری با ابوسفیان عندنده چشم
کافی الاول احتیاب اولقی معتبر یوخسه * عبون جنتدن بر چشمه صفا
پروری محبوب بر دیو یوق * ابوسفیان شق ثانی به ارتضا ایلله بیضه چشمی

زمینه القال ایلدی * قایجه * او اخر خلافت صدیقه بر مولد محمه سنده
غزات اسلامی طقات روم اوزره * الله الله عباد الله انصر و الله ينصرکم اللهم
هذا يوم من ابائل انزل نصرک علی عبادک قالله حث و تحريض ایدرکن *
دیده دیکری دخی مصاب اولدی * اولخلالده دارالخلافة العلیه ده
حضرت صدیق و اصل مقام تحقیق اولوب * فاروق اعظم حضرت نلری
مسند ارای خلافت اولغله * خالد بن ولیدی سرعسکر لکدن عزل *
و ابو عبیده بن جراحل مرکز سپهسالاری به نصی باینده بریدار سال
یوردیلر * هنگام اشغال کورقه قتالده واصل اولغله * سپاه اسلام یوانی
الوب سبب ورودندن استعمال ایلد کارنده اقتضای وقت اوزره طریق خرم
و احتیاطه سالک اولوب مجدد اسیرله امداد متوجه اولغله * بشیر ایچون
تقدم ایلدم دیوب ماموریتنی کتم ایلدی * خالد حضرت نلرینه ملاقی اولغجه
سراما موریتنی اخبار ایتکه * حضرت خالد دخی لازمه احتیاطی
درپیش ایدوب ختم محمه به قدر اخفا ایلدی * باوری حضرت قیوم ایلله
سپاه روم مهزوم اولوب * غنایم جمع و اوج یکل تفرسده اشد ادفن
اولمده قد نصکره * حضرت خالد امر نامه فاروق اعظمی ابو عبیده به تسلیم
ایلدی * بر موجب منشور فاروقی * ابو عبیده زین صدر امارت اولوب *
مژده نصرته ابو جندلی طرف طیه به ارسال ایلدی * تکه * چون سپاه
ابرار کثری حصار طائفده مجروح و وجهله اقداملرینه دروازه ظفر
نام فتوح اولغله * یاس و حرمانله کشمکش تلاش واضطرار ایلد قلدلری
مشهد سلطان الانبیا اولیجی انا قافلون انشاء الله تعالی یورمیرله *
جله سی شادمان * و با یجا کوچ مهماننه برزده دامان اولدی * رسول
کریم حضرت نلری انلارله شریعت تغیر و انقلابلرینه استیجابله تبسم بر
شکرین اولورلر ایدی * اول او اتده لا اله الا الله وحده صدق وعده و نصر
عیده و هزم الاحزاب وحده مقالنی تکرار * و هنگام ارتحال و استقبالده
اثبون عابدون لر بنا حامدون کلامنه ملازم کار اولمیری باینده امر یوردیلر
* بدیهه * جامع کلمات صوری و معنوی اولان ذات جلیل الصفات
مصطفوی به امعان نظر و انعام حق بصراولنه که * ملاحم و معارکه
عزیمت لرنده اسباب ظاهری اولان رجال و ادوات حرب و قتاله تشبث *
و رجوع لرنده اسباب مر قومه دن اظهار تعری یوروب * قهلی فقط فاعل
حقیقی به اسناد یوررلر ایدی * بو وجهله حضرت حق جل شانده عند وجود
الاسباب و عدمها فاعل متوحد و مؤثر حقیقی منفرد اولوب * لکن مکفی

ابتلا و خبیثی طیبیدن تمیز * و صابر بنه اجر بحساب توفیه ایمل حکمته
 مبنی * و سائط و اسبابه تسکانه مبتلا اولد قلری اشعار یورر لایدی * حتی
 اصحابدن بعضی صدمه دعا ایله خانان ثقیف بر باد اولسنی اراد ایلد کده *
 اللهم اهد ثقیفاد عاسیله دست برداشته درگاه جواد اولد یلر * فسبحان
 من ادبه فاحسن تأدیه و بعثه رجه ضلی الله علیه وسلم * تکمله * ما حصل
 شاه تختگاه بعثت حضرت تلی * حصار طائفدن مراجعت یورروب *
 ذی القعدة نل بشیخی نجیس کونی جمرانه نام مقام لمعه کاه اعلام ثریا ارتسام
 اولد قده * هوازن مسلمین قدملرینه مترقب اولن اوج کون انده فرش بساط
 اقامت * و حسب الاشاره بدیل بن ورقانک حنیندن * و ابو موسی الاشعری
 حضرت تلی نل انی البیان او طاسدن * و سائر سپاه اسلامیانک طائفدن
 جلب و اراد ایلد کوری اموال غنایم جمع * و خیط و مخطوطه و ارنجه کیده
 برنسنه قالمش ایه رد ایلد و نلر دیوچا بیجا مناد یلر ند ایلد یلر * بر مرد
 انصاری بر کوله رسته موین کتورروب * یار رسول الله پشت اشترمد و کار
 اولغله * و رخنای اصلاح ایچون الم شدم دید کده * خرق عالم حضرت تلی انده
 اولان نصیب سنل اولسون یور مغله * اول کسه بکاده لازم دکلد * دیوب
 توده غنایم ایچره القایلدی * عقیل بن ابی طالب دخی بر سوزن الوب
 زوجه سنه و بر مشیدی * ند ای ایشید یجل الوب مال غنایم وضع اتدی *
 و بر موجب فرموده نبی عالم ساد جله مال غنایم و سبایا کشیده سالک تعداد
 اولغله * الی بیلک نفر ذاری و نسوان * و بکرمی درت بیلک دوه * و قرق
 بیکدن زیاده قیون * و درت بیلک اوقیه کومش * و سائر دواب و مواشی
 و اموال و اشیا خارج حیطه عدوا حصایلی * تخمیس اولنوب خسدن
 مؤلفه القلوب مسلم و کافرنه اعطای یورلدی * ابو سعید بن ابی ذر و قرق و قیه
 کومش و بر دکنه کمره اوغلاری یزید و معاویه ایچون دخی حصه التماس
 ایتمکله * یوزدوه و قرق و قیه کومش انلاره ده اعطا اولندی * ابو سعید بن
 جوحانی * و بر یجل یار رسول الله بدر و مادرم سکافدا و اسون * زمان
 جنگده هم هنگام صلحه کریمین و نهایت کرم بودره جزا الله خیر ایدی *
 حکیم بن حزامه دخی یوزدوه انعام اولنوب * ایکی دفعه یوزدوه دخی
 استدعا ایتمکله * و جویوزدوه اعطای یورده نصکره * یا حکیم هذا المال
 خضر حلومن اخذه بسجادة نفس یورلله فیه و من اخذه باسراف نفس
 لم یبارکله فیه و کان کالذی یا کل فلا یشبع و الید العلیا خیر من الید السعفی
 یورددیلر * حکیم ایکی یوزدن کف یلایدوب اولکی یوزدوه به خرسند

اولدی * و یار رسول الله سنی حق پیغمبر بعث ایدن خدای ذوالمن حق *
 الی الوفاة جناب رسالتا ایدن ماعد افر دافریده دن برنسنه انتقاصنه اعمال ید
 ابتدار ایتیم دیوعین ایلدی * واقعا خلافت شیخین مکر مینده طرف
 عالیبرنه بطریق النبی عائد و مختص اولان حق مخصوصلرین حکیمه هبه
 ایدوب * لکن بروجله انهاب ایلدی * و اشراف قریشدن حارث بن کلهده
 و دادر ابو جهل حارث بن هشام * و عبد الرحمن بن بزع و سمیل بن عمرو
 و حویرطب بن عبد العزاکبی متعینان قریشه و افرع بن حابس نجیب و عینیه
 ابن حصن فزاری به یوزدوه احسان یورددیلر * یوزدن مادون انعام اولمان
 حددن بیرون اولغله موجب تطویل اولد یفندن اقتصار اولندی * و بیدرکه
 عباس بن مرداسه الی دوه و بر لکله اشبوا بیات شکایت احتوا ایله استقلال
 نصیب ایلد یکنی ایما ایلدی *

* لکانت بهایا تلافیهتم * بکری علی المهر فی الاجرع *
 * و ایضا طی الحی ان یزددوا * اذا جمع التماس لم اجمع *
 * فاصبح نهی و نمب العیید * بین عینة والا فرع *
 * فاکان حصن ولا حابس * یفوقانی مرداس فی جمع *
 * و ما کنت دون امری منهم * و من تخفض الیوم لا یرفع *
 * و قد کنت فی الحرب ذارأ یم * فلم اعط شیئا لم امنع *
 مطلع ایات اولان یتنده واقع بهایا لکله می جمع بهادر نایقه مونسه معناسنه دور
 تلافی تدارک معناسنه در * و کشیددیرایله حله معناسنه در *
 مهر ضم میله اتک طایینه درلر * اجرع قوملو و تبه لو بره دیرلر * و جوع
 نوم معناسنه در * عیید بنیه تصغیرایله عباسک فرسی اعمیدر * و مومنه *
 معلوم اوله که فرقه مؤلفه القلوب اوج صنف ایدی * بر صنفی کندوسی *
 و کندوسی سبیلله قوم و قیله می مسلمان اولن ایچون تالیف اولنور ایدی *
 صفوان بن امیه کبی * ابیکنجیسی حدیث الاسلام اولغله مرکز اسلامده
 تثبتی ایچون ابتلاف اولنور ایدی ابو سعید بن حرب کبی * او چنجیبی
 فتنه و فساد لرینک دفعی ایچون موقع تالیفه اراد اولنور ایدی * بعض
 مؤلفه نل بنیان اسلامی استحکام بولغله حدم مؤلفه دن خارج اولوب *
 لکن علمای سیریدا تلی اعتباریله انلاری دخی ذکر ایلد یلر و بعضلرک حسن
 اسلامی معلوم اولما مغله ظاهر حال مقام تالفده باقی اولما یدر * اشبو
 فریقینک هر برنده حالتین مزبورینک بریسی مظنه اولوب بلکه فی نفس
 الامر ظن اولسان حالتک مقابله متصف اولن احتمالیه فرقلری اصعب

من خطر القتل در * بوقدر رجه کند و در اسلام نقل اولسان کسه حقه ده
حسن ظن و جل خیر ایلک واجب در * حتی انس رضی الله عنه حضرت تارندن
مزید که بعضی کسسه را احسان امنیه سیده درگاه رسالت پناه که کوب عرض
اسلام ایدر لر * وجداننده جوهر اسلام * دنیا و ما فیمادن محبوبتر اولد بخه
عودت ایلار * تته * بقیه غنائیل که اربعه اش سدر توزیعی استد عاسیه
طرف طرف * روزنامه از دحام ایلدیلر * اول مرتبه که ظاهر شریفی
بر درخته منتهی و مستند اولوب شاخه ردای منیفلی او بخت اولغله *
ردائی ردائی ایها الناس فوالله لو کان لی مثل شجرة تامة نعم القسمة علیکم
ثم ما الفیتونی بخیر ولا اوجبا تا ولا کذا یا یوردیلر * بعده راحله علیه لری
سنا مندن برقبضه و بر آلوب * ایها الناس غنیمت کز دن و اشبو و بزه دن بکا
اشجق خمس عائد اولوب اول خمس دخی نه طرف کز مر دو د اولور یوردیلر *
اندن صکره جلد سنی تقسیم ایدوب هر پیاده به دور زد و به خود قر قریون *
و هر سواره و ابکی دو به خود یوزیکری قیون اصابت ایلدی * بعض
مناقلر بوقسمیده عدالت اولدی دیوه دیان ایتلر به رسیده سامعه سلطان
الانبیاء و لیلک کمال انفعال و تأثر نندن رخسار مظاری زلف شکن کل زیبا
اولوب * بن اسویه و تعدیل ایلدیلر کیم ایلدیه جکدر * حق جل و علا
برادرم حضرت موسایه رحمت ایلسونکه بوندن زیاده جور و اذاک و روب
ینه صبر و تحمل ایلدی یوردیلر * ظاهر امر ادهم یونلری قصه فارونه
اشارت در * اجمال قصه * حضرت کلیم الاله ابن عمی قارون نام وارون که *
افلس من ابن المذنب * و افقر من عربان * برکدای بی سروسامان ایدی *
دستیاری همت حضرت موسایه مالک مال و منال اولوب * وفرت و فقر
و مال موجب طغیان و ضلالت اولغله بر فاجره به مجمع بنی اسرائیلده جاشا
حضرت موسی بنیله زنا ایلدی دیو افترا ایدرسن سکاشوق در مال و بررم
دیو فرشته ایتسکه اولدخی در عهده ایلدی بعده قارون بوه بکر و مکید فی
بنو اسرائیلده افاده ایلدی * اندن صکره حضرت موسایه واروب قومک
فلان حمله شمع اولغله چیقوب امر معروف و نهی منکر ایلدیه جل و قنذر
دیو تذکره بر و ترغیب ایتسکه حضرت موسی دخی مجمع معهوده واروب
یا بنی اسرائیل بر و موجب امر جلیل سارقله قطع ید و مفتقر به ضرب و محصنا
زنا ایدنلر رجم و ازاده نکاح اولان زانیله حد زنا اولوق اوزره یوزد * کنک
اورمق حکم شرعیتدر دید کده * قارون بیجیا و باطل یا موسی سندخی
بوانه الی ارتکاب ایلدیکان صورتده حکم مرقوم قنند داخل اولور یسن

دیدید * حضرت موسی بندخی بو حکمله محکوم یور یجق * تکرار قارون
یا موسی بنو اسرائیل منی فلان فاجره ایلدیه زنا ایلدی دیو لر دیدید حضرت
موسی اول فاجره نل احضار ایلدیه یوردیلر * لیدی الحضور یا فلان توراتی
انزال ایدن حضرت ذوالجلاله بین و بررم که قارون کلامنده صادقدر
دید کده اول فاجره چون بکایین ویردک شهادت ایدر مکه دامن حاکم بولکده
تهمندن پاکیزه در * لکن قارون بکاشو ابکی کیه ایتدیه اعطایو بکونه
افترا به اغرا ایلدی دیوب ایتدیه ایلدیه مملو و ختم فارونه محتوم ابکی کیه
اخراج ایلدی * همان حضرت موسی سجده به واروب درگاه رب غبوره
فرش جبین ایتسک ایلدی * هنوز سجده ده ایکن یا موسی زمینی قبضه
ارادت کده مسخر قیلدم دیو جانب افریننده زمین و اسماندن وحی نازل اولغله
حضرت موسی سجده دن قلوب زمینه امر ایلدی * قارونی خسف
ایدوب حالا هر کون قامت انسانی قدر غور و هو و طایمک اوزره در * تته *
ذوالخوبصره التیمی نام کسسه دخی درگاه رسالت کوب یا محمد عملکی
مشاهده ایلدم دیدید * حضرت رسول الله دخی چکونکی مشاهده سندن
استکناه یور یجق منی بوقسمیده عدل ایدر کوردم دیدید * خلاصه
آب و خال حضرت تلی غضبناک اولوب * و یحک صفت عدل و داد بنم جوهر
تهادم اولمجه کیمده بولتور یوردیلر * همان حیت فاروقی متبع اولوب *
یا رسول الله دستور کرم ایلدیه شو منافی قتل ایدیه یم دید کده * حضرت
رسول الله یوردیلر که با عمر اندن کف ایدر عرض قبل که عنقریب بوندن
شبهه لری ظهور * و امر دینده کمال تعمق ایدوب عاقبت کاندن تیرک خروجی
کبی خروج ایلدیه جکدر در * تیرک بیکانه نظر اولور بر نسنه بولغز بعده
چوپند نظر اولور بینه بر نسنه بولغز صکره * کز نه نظر اولور بینه عاری
بولور * یعنی اول طائفه از دین و ایماندن متجرد اولور * وفی روایه
الحججین من حدیث ابی سعید * دعه فان له اصحابا یحقر احدکم صلوته
مع صلوته و صیامه مع صیامه و یقرؤن القرآن لا یجیا و زراتیم بر قون
من الاسلام کما یمرق السهم من الرمية یطرا لی نصله فلا یوجد فیه شیء ثم یطرا
الی قدذه فلا یوجد فیه شیء قد سبق القرب والدم رقیسهم رجل استود
احدی عضدیه مثل ثدی المرأة یخرجون علی حین فرقة من الناس انهی *
ترافی جمع تر قوه در بیون حلقه سنک ککنه دینور * و وفی خروج معناسنه در
قد دفع فاف و ذالله اوق یلکنه دیر لاشبو حدیث شریف مز یوزد و الخوبصره
نسلندن خوار جل ظهورنه اشارت در * تته که ینه ابو سعید دن مزوید زکد *

بوحديث شريف قم منيف نبويدن جوهر جان کي پيرايه سامعه
 جنان اولوب صفين و فقه سنده صف اميرالمؤمنين علي المرتضى برله
 بندي نجي پاي بجاي حضور اولمشيدم * شاهد ظفر طرف باشرف من تضرع
 جلوه کرا وليحق * اشارت عروبن العاص ايله سه سالار شام من عطف سمع
 احتيال اولوب * لشکر من تضرع به تفرقه سازا ختملال اولوق داعيه سيله
 امر ايلدي * نيزه راوزه محض شريف وضع و بيشا و بينکم ديو طرف طرف
 ندا ايلدي * واقعا مقدمه مکيد تلي منج اولوب * اصحاب من تضرع نري
 حکم الهي به دعوت ايتليله من بعد حرب و اختصاص بزه حرام اولدي
 ديو تغري در نيام * و قطع سبيله جوي حسامه آسياب قتاله سکونت
 و ارام و برديله * امام علي رضی الله عنه هر چند مکرو و دسيسه عمر و اولديغي
 تفهيم ايلدي لکن قطعا مفيد اولوب اشتررضی الله عنه اشتر مرست کي
 شامباني استيصال و اکثری جراد مثال منتشر نوادی و جبال ايتمکه *
 اشتری رد و منع ايلديک صورتده لا محاله ستمکه مقاتله ايد زديو ابرام *
 و مقام عتو و طغيانده قيام ايتليله حضرت کرا ناچار اشتراک جنکدن
 کف يدايدوب * عودتي باندده امر عالي اصدار يورديله * طرف
 من تضرع نبويدن ابو موسی الاشعري و صوب معاويه دن عمرو بن العاص
 تحکيم ليله مصالحه اولوب * صاحب قصه من قوم ذوالخويصره نل
 فرزندان پسندی حرق و اسودکه * بروفق تعريف نبوي سر ساعدي
 هم شکل رأس پستان ايدی * هوادار ليله حکم انجی خدا نکدر مخلوق
 تحکيم ايتمکه * حاشا ارتکاب کفر ايلديکز بوهفوه بي اعتراف ايله توبه
 و انابت استيناف ايد رسکز * يته من کز مطاوعت کزده ثابت قدم اولورز *
 و الا ستمکه منابده ايد زديو خروج ايلديله * بوجهندن اول طائفه خوارج
 ايله نسيمه اولندی * پس ذوالخويصره اصل شجرة الضال خوارج اولدی *
 اميرالمؤمنين امام علي کرم الله وجهه طائفه من قومده دن نوميد اوليحق *
 ناچار قتاله ابتدار ايلديله * خارجيلر حرق وى اجلاس پوست امامت
 ايدوب جله من اول سرکرد بقتانه کربند مبايعت اولديله * ابتدا روح خبيث
 اسامه شکل شکل امام * حرق وى بي مذهب و بدنام اولشدر * طائفه
 مسفوره من تکب کباري تکفير * و جبط اعمال و تخلف في الشرايله حکم
 ايدرلر و دار اسلام ظهور بکا تر معاصي و انامله دار کفره منقلب اولورز عتده
 اولوب و جاعته اقامت صلوتدن تيري ايدرلر * من ويدرکه سيدالابرار
 حضرت نرنگ بوغز و ده الطاف عليه * و ارفاد صفيه لري صناديد قریش

وړسای عربيه انحصاری جهته دن * انصار کرام صورت ظاهرده بر مقدار
 آزرده خاطر اولمريله * ميانلرنده ناملايم کفتک و بديدار اولدی *
 حتی به غلری عطایای نبوي قریش و عربيه متخصص اولوب هنوز تبه غلرمزدن
 جوي خونلری روان اولوق اوزره در * بواحسان اگر بر موجب فرمان واجب
 الاذعان رباني ايسه * متردي ردای صبر و تسليم اولوب * و اگر فرجه صبيحه
 سلطان الانبياء صافه می ايسه استغاث ايد زديد يله * سعد بن عبادده
 بومقاله بي ايصال درگاه عز و سعاده ايلدکده حضرت رسول عاليه قدر با سعد
 سن نه طرفده سن ديواستفسار يورمقاله * سعد دخی همحال انصار اولديغي
 اشعار ايلدي * بناء عليه آفتاب اوج رسالت حضرت نلری امر يوروب *
 بالکفر فرقه انصار ثرياوار بر محاده عقد جمعيت ايلديله * رسول کبريا
 حضرت نلری اول انجمنه بر تو بخش قدوم شرف اختوا اولدقدن صکره *
 درگاه خالق الجن و الاناسه حمد و سپاس ايدوب * بعدده يامعشر الانصار سزله
 طرفدن شومعه و له بعض مقانه نام بخار کوشمزدم اولشدر * قالدیکه بن مزی
 هرزه کردیسان غي و ضلالت بولدم * بنم سيمله حضرت هادی المصلين
 عز شانه مزی و اصل کعبه رشد و هدايت ايلديمی * قامت زند کانيکز کرا تبار
 فقر و احتياج له کان اسادوتا ايکن * عنايات امهامله مهم بهی کي راست
 و زبور سامان و ثروته اراست ايلديمی * و بر بریکزه دشمن جان ايکن *
 حضرت خدا بنم بدله يته کزه وصاله محبت و التيام القايدوب * جله کزي
 عضو واحد کي متحد ايلديمی * و مزی احسن اسماء اولان انصار الله و انصار
 رسول الله اسميله ممتاز * و جله دن سرقرار ايلديمی * يامعشر الانصار سزله
 بر قبضه خاله منابه سنده اولان حطام ناچيز ديو سبيله چشمه درونکزي
 متکدر ايد يورسز * قالدیکه سزله خلاص ايمانته کمال و ثوق و اعتماد
 اولوب طائفه قریش قريش العهد و حديث الاسلام اولد قلندن بشقه *
 ملاحم و معارک عديده ده تبع اسلامياندن چاشنی چش مصائب فراوان
 اولمريله تالیف قلوب قصد بده موجود اولان غنایي انلازه مناسب کوردم
 يامعشر الانصار راضي دگيسز که * خلق خانه لرينه دوه و قيون ايله کيدوب *
 سزله خانه کزه رسول الله عودت ايله مزی * اگر محلي خلعت هجرت
 اولمشيدم * بندي فرقه انصار دن اولوردم * جنج ناس بر طرفه و انصار
 بر عتده سالک اولسه مسلك انصار وجهه نبوند نارمدر اللههم ارحم الانصار
 و انباء الانصار يورديله * انصار کرام لسان سيد الانامدن بومقاله رفتمالی
 کوش ايديجل * بي اختيار جله می اشکبار اولوب * يک زبان اتفاق جله من

هر حالده امر شریفه اطاعت و امتثالده علی ساق الوفاق اولوب * منع
واعطاف و رد و ایضا کز راضی و کافه حکمه کز متراضی و متقاضی اولمشد رز
دیوانه ر ثابت صدق و اخلاص ایلدیلر * هر ویدر که امر قسمت رسیده
حدت اولدقده * حصار طائفده اولان هوازینلردن اون درت کسه ایله *
سرورانام حضرت تلیک عم رضا عیلمی ابورقاء زهیر بن صرد کلوب *
مسلمان و مستقیض نعمت ایمان اولدقده نصکره * یار رسول الله برزقبا نل
عرب یکنده کرم نفس و علونسله ممتاز اولوب * مبتلا اولد یغمر ذاء الفضال
احداث روز کاره علوم رسالتشعار عالیلی اولغله * الحاله هده محل اعانت
و مستحق عنایت اولمشد رز دیودست نیاز ایله قرع باب انجاءه اغاز ایلدیلر *
بعده خطیبی قیام و بنسق اوزره عطف و فحوی رسول و نعام اولدی که *
یار رسول الله حنین و هر که سنده گرفتار بند سی اولان طائفه ده سزک عنایت
و حالات و متکفل خدمت حضانتکرا اولان نیجه مخدرات اولوب * حارث
ابن ثمره یا خود نعمان بن منذر که مشاهیر امرای عرب بندر * بزه رابطه بند
حقوق رضاعت اولدقده نصکره * جانب جلیل المناقب کز دن مشهور و دمن
اولان نوازل انلار طرقتدن بزه نازل اولسه * حقم زده عواطف و عوارفلی
مأمور اولوب جناب سید المرسلین ایسه خیر المکف و این اولغله مطلع لطف
و عنایت اولان ذات عالی منزلتدن بریق بارقه کرم و رافت و اصل درجه
عین البقیه در دیوب بونشیده ایله منظومه استرقادی مستزاد ایلدی
* امن علینا رسول الله فی کرم * فانک المره ترجوه و ندخر *
* امن علی بیضا قد عافها قدر * ممزق شلم فی دهرها غیر *
* امن علی نسوة قد کنت ترضعها * اذ قولک تملأه من مخضه الذرر *
* ان ان تدارکها نساء نضرها * یا ارجع النیاس علما حین یختبر *
* اذ انت طفل صغیر کنت ترضعها * و اذ تریک ما نأی و ما نذر *
* لا یجده لنا کما شالت نعماته * و استبق منا فانامه شر الزهر *
* انال شکر للنعماء ان کفرت * و عندنا بعد هذا البوم مدخر *
* انامو مل عفوا منک نلبسه * مدی البریه ان تفور و تنصر *
* فالبس العفو من قد کنت ترضعه * من امهاتک ان العفو مشهر *
بوصونه * جانب نبی شادل الاطافدن استعطاف ایلرله * سرورانام
حضرت تلی بیتر بن کلام اولد که * مفهومی صادق و واقع الحاله مطابق
اوله * بن قنیم غنایم خصوص فی منزل قدومه کز ترقیب چند روز تاخیر
ایلیشیدم * بعده قدوم کز دن قطع امید ایلدی که * تقصیر میبدرت اولوب *

و هر کس اختیار قسمت ایلدی بیورد قد نصکره * اموال و سیایادن برقی
اختیار یکنده تخیر بیورده غله * انلاردخی سیایای اختیار ایلدیلر *
سید عالمیان حضرت تلی بنم و بنوعبد المطلب حصه لرینه اصابت ایدن
سزله هبه و احسان اولسون بیوروب * و حسب الاشاره بعد صلوة انظهر
جمله سی قیام و علی رؤس الاشهاد اعلان اسلام ایلد کد نصکره * ای معشر
مسلمین بجهده تهالی میانه من جهت جامعه دین محمدی ایله پذیرای التیام *
و قبالة شایم و صاله قبول ملت امدی برله پیوند تام بولغله * سلسله امره
گرفتار اولان اطفال و عیال اولان اولاق وردی باینده اخوان مسلمینه حضرت
رسول کز بنی تشفیغ * و جناب منیع الجناب نبوی به یاران موحد بنی
شفیع انتخاب ایدیه رز دید کارنده * پیشوای اهل دین و مقتدای اصحاب یقین
حضرت تلی * درگاه بهمان افرینه حد و ثناده نصکره * ای معشر اسلام
اشبواخوان کز نائب و مسلمان اولوب کلدیلر * و سیایا اموال یکنده کندیلر
تخیر ایلدی که سیایای اختیار ایلرله * سزله جبر و اکراه بوقدر طبیب
نفسیه دلخواهی اولنلر احسان ایلسون * بنم و بنوعبد المطلب قبضه
اغتنامی اولنلر کندولر یکد زبور بیقی * بالجله زمرة انصار و مهاجرین ابرار
یک زبان بزم دخی ایدی استیلا بزمه اولنلر حضرت پیغمبر دیشان کدر دیدیلر *
اما قرع بن حابس که بنو تمیم بنی و عینه بن حصن که نزاره نل صاحب
کلامیدر بزوق و عز بواجبتدن متجانبدر دیدیلر * کذلک عباس بن مرداس
بنم و بنو سلیم یکنده اولنلردخی بوضابطه تحتیه مندرج اولمز دید کده *
بنو سلیم انی تکذیب ایدوب بزم داخل ایدی تولیت اولنلردخی جانب رسول
الله خاصدر دیدیلر * بعد المجلس عباس بنو سلیمه بنی قنید و تقطیع
ایلدی که زدیوتقریع ایلدی * پس ازان برکزیده انس و جان حضرت تلی هر کیم
مجاناردرا حسان شرفه نائل * و بومر و نه قائل دکل ایسه * هر اسیر
مقابلی از قدیم عائد حصه فی خاص اولان اموال دن التي رأس فریضه
اعطاییده بزم بیورده غله جمله اصحاب کرام بوضاصده اهتمام سید الانامی
مشاهده ایلد کده * بالتلوع الصاف مطلوب اولان افراد سیایای رد و تسلیله
مسئول لرینه اسعاف * و استجلاب رضای رسول ستوده اوصاف ایلدیلر *
اشقی بزیره زن عینه یکنده اولوب * بین القبله حیثیت جلیله صاحبیه سی
اواق قیاس بیهاسیله * فدای بیره راضی اوایوب بوزدوه استفادسی
صد دنده اولغله * زهیر کند و سینه خنده ها و الله ما فوهایا بر دولا ندها بناهد
ولا بطنها بوالدولا زوجها بواجب دولا درها باص کد دیدی * یعنی دهانی

طراوت انگیز و پستانانی نوخیز و فقدانه زوجی محزون و خیری افزون
مقوله می دگلدی * فائده * آفتاد کراولسان فریضه دن مراد * زکونده
موجود اولان بعید در رب المال اوزره مفروضه اولغله فریضه مطلق اولندی
* تکریم * سرور انبیا حضرت تلی هر براسیرک فامتنی بر خلعت قبطنیه ایله
حالی و کاسه درونلرین ماء الحیوة تلطیفات و فیه برله مالی بیوردیلر * قبطنیه
قافل ضمیمه قبط مصره منسوب ابیاسدر * ضم قاف تغییرات نسب
قبیلندندر * بعده عینه متجمله سنده مصور اولان * شکل عقامتنی تصدیق
ایتمکله * التی فریضه به راضی اولوب اول پیره زنی زهیره تسلیم و الحاح
زهیر ایله آئیندخی بر جلعه قبطنیه ایله تکریم ایلدی * انمار دوحه
روایاتندندر که * جمله اساراده حضرت رسول الله خواهر رضا عیلمی
شیما بنت حارث اولغله * رسالت اب حضرت تلی به رضای لسان اولدیغنی
اشراب ایلد کده * رسول عالیجناب حضرت تلی * ساعد شیما به بر نشان
اولغله صدق مدعایه کافی برهاندر بیور یحیی * شیما بلی یار رسول الله هنگام
طفولینه اثر دند انکر دزدیوب کشف و ارات ایلد کده صدق دعوائی نمایان
اولغله * سرور انبیا حضرت تلی ردای سعادتلرین بسطایدوب شیما به نوازش *
و حال خاطرین بر سش بیوردقد نصکره طرف اشرفلرند مکث و ارام برله
و حقه اعتزام بنده تغییر بیور مغله * شق ثانی سنجیده میران امانی شیما
اولغین * نهی در ملک رسالت حضرت تلی * تجیه بر وقت تبعی خصوصنده
بذل تقدینه همت بیور و بر جاریه و غلامی داخل منصفه ازدواج
ایلد کد نصکره * شیما به علاوة رزیه احسان و عنون و شادمان و طنی جانینه
روان بیوردیلر * اول جاریه و غلام ذریه لرندن سلاله کثیره سرزده کریهان
شهود * و خرامنده خبیان وجود اولمشدر * هر ویدر که شاهد اقلیم بعثت
حضرت تلی عز و جلالتله * جمرانده اون اوج کون بسط طنفسه اقامت
بیور نقد نصکره ذی القعدة نل اون ایکنجی اربعا کونی تحت وادی جمرانده
واقع دره کنارنده مؤسس مسجد شریفدن احرامبند * و معترا مکرمه به
نوجه و عزیمت بیوردیلر * مناسک عمره بی بعد الاکمال مراجهت و حلق
مر سعادت بیوردیلر * لکن سوق هدایا بیور مدیلر * اند نصکره رهبری
نابیدر بانی * و باوری توفیق صمد ایله * بالجد و الاقبال کریمی ملکات اجلاله
بر توفیق طاعت مینت اشتغال اولدیلر * بیور منیع النفرده طبعه دن
مضار تلی یتیمش التی کون اولدیغنی رسیده جد صحتدر * سریه شجاع *
رسنه من بوره ماه ربیع الاولانده شجاع بن وهب الاسدی رضی الله عنه

سریه سی واقع اولمشدر * هوارندن بنی عامر انار سینه مامور اولغله *
یکرمی درت فقر غزات جلالت اثر برله شروانه عزیمت * و هنگام مجرده
اول طلمنیانی بسوب زیور بر ایلدیلر * بر موجب امر سرور انام طلب
اموال خصوصنده وقت و اهتمام اولغیوب * همان دسترس اولنان بر مقدار
نعام و انعام مضبوط قبضه اعتنام اولغله سالما انعامدار کاه رساله عودت
ایلدیلر * وصوللرند یکنلرند تقسیم اولوب * هر برینه اون بش دوه اصابت
و هر دوه اون بش قیونله تعدیل اولندی * سریه کعب * کذلت سنه من بوره
ربیع الاولانده کعب بن غیر الغفاری سریه سی واقع اولدی * خطه شامدن
وادی القری و راستنده ذات الطلاح نام محله ممکن برکوه نایفلاح اغارتنه
اون بش نفر مرد کفاحله کعب بن غیر تعیین اولوب * موطنلرینه قریب
وارلد قدیمه ماطاته سر سومه استعارا اوزره اولدقنلرندن ناشی مدینه ده
جاسوسلری اولغله * مقدحجه اخبار ایلدوب جمله سی حاضر و قدوم مجاهدینه
منتظر ایلدیلر * وصوللرند باسلا مده دعوت ایلدیلر * اجابتدن روکردان
و مبارزان اسلام اوزره تیرباران ایلدیلر * انلار دخی قتاله مبارزت ایلدوب
لکن ملا عینک و فرقی مانع مقاومت اولوب * کعبدن ماعدایا جمله یاران
نجوم صبح دیده کبی و رای پرده عدمه نهان اولدیلر * کعبی دخی همحال
اصحاب اولدی ظنیه تقیدایلیوب کندیلر * شهنشکام قافه و معانات بی
پایانله مدینه به القای روان ایلدی * سلطان الانبیا حضرت تلی بغایت
منفعل اولوب محمد داسوار بشمار تعیین و اسرا بیوردیلر لکن اول گروه مکروه
ماتند غول بیابان وادی آدم نارساده پنهان اولغله * ناچار غزات ابرار سمیت
دارالهجره به معاود تکار اولدیلر * سریه اشهلی * فتح مکه مکرمه عقیمنده
سعد بن زید الاشهلی قدید اوزره مشرف مشعل نام چیلده واقع اوس
و خربل منات نام صغری کسر ایمل خدمتنه مامور اولغله *
یکرمی نفر مت شکن دلاور ایله واروب کسر نه مبادرت ایلد کارنده
دروندن بریشان کیدو بر برهنه عورت ظهور و ردف کبی سینه سن ضرب
ایدرل صدای و بلی ایله نوحه ساز دورادور اولدی * سه حضرت تلی اول
ام نساد مشرکین اولان لعیننه بی یکن اشاره تیغ اتشبار ایله دونیم و روح
خیمتنی تسلیم مالک جیم ایلد کد نصکره صنم من بوری شکست و انعام
ماموریتله استان نبوی به پیوست اولدی * سریه ابو عامر الاشعری *
ملحمة حنین اثنا سنده ابو عامر الاشعری سریه سی واقع اولدی * سر سوم
براعه باهر البراعه اولدیغنی اوزره * خرمن جمعیت اعدا * بر باد صر صر قنا *

و بخاندیل مشرکین ضلالت انما * مظهر تفرق ابدی سبا * اولوب کیمی
ما و الزنه * و کیمی طائفة * و برقرقه سبده حنین و طائف میباشد و او طاس
نام محل انوات وجود لیل القسای انجاس ایلدی * امیر سرایای اصفیا *
علیه اصفی النجایا حضرت تلی * ابو عامر الاشعری بی برقه دار مردن درازما
برله که * عامرک برادر زاده سی ابو موسی الاشعری * و عزاده سی دخی
کروه سربده ده داخل ایدی * او طاس طرفه ارسال یوردیلر * و صولورنده
لشکر کفاردن اون برادر یکان یکان ابو عامر اوزرینه عنان انکیز حله و هجوم
اولوب * ابتدا هر برقی صراط مستقیمه دعوت * و امتناع اعلی الله الم اشهد
دیوب جام هلالی شمشیر ایلد اشرا ب تلخابه مرک * کابو کیر ایدر ایدی *
او تکیسته ده بومثال اوزره دعاهمه مبادرت ایلد کده * حیلد روپانه ایلد
اول شیردلی اغفال ایدوب * اللهم لفظی زیارت اولور ایکن ابکی اللین بسط
ایتمکله * ابو عامر مسلمان اولدی ظنیه اللهم لا تشهد دیوب رجوع
و انصرافه ایتد ارنده * اول ملعون کراه فرصت بولوب برضربه جانکاهله
اول مردی اشباهی نباه ایلدی * همان ابو موسای استخلاق * و سده
سنبه معالی انصاف نبوی به تحیت و دعا التحاف * و روحی تحفه استغفار برله
یاد و تذکار بیورملری رجایی * و اسب و سلاخی جانب شریقه لری نه اهدای
نمیتده وصیت ایلد * کدنه کده * اول مرد سید متاثر اشهد اولدی *
ابو موسی رفتی الله عنه شیرز کیمی همان عزات سطو و نشانله بکعبان * کرازان
کفار تم کاران اوزره لجام برز هجوم * و طرفه اعینده صف ثبات
و قرار لری تار مار برز و نچد لری عرصه تیغ دمار ایلد کدنه کده غنیمت و افره
ایله معسکر همایونه معاودت ایدوب * درگاه رسالت پناه ره خسای ضراعت
اولد قارنده * خال و کفیتی و ابو عامر لوصیتی عرض عنیه سعادت ایلدی *
سید الارار حضرت تلی روح ابو عامری هدیه استغفار * و اللهم اجعله
من اعلی امتی فی الجنة دعاسیله حائز بلفه فتوح و مسار * ابو موسای دخی
خدمت مشکوره سی مقابلی * اللهم اغفر له ذنبه و ادخله یوم القیمة مدخلا
کریم * صله دعاسیله مظهر لطف بشمار یوردیلر *

* طفیل عبدالله زید قیس بو * عیمده ثنی خالد ابو *

سری الطفیل تقدیرنده در * حرف تعریف محمد و قدر * ما بعد لری تقدیر
عاطفه معطوفه در * مدراج اول مردون بیت * عیمده ثنی ابو عیمده کله
منده بولقظنک * مزه سی حرکت سبیل یا خود قیسل سینه نقل اولدند قند کده
حذف اولندی * ثنی کله سی تقییددن ماضی مجهولدر * خالد سربده خالد

تقدیرنده در * بیت مر قومده الی لایحه مندر جدر * سربده طفیل *
* سربده عبدالله * سربده زید بن حارثه * سربده قیس * سربده ابو عیمده *
سربده دوباره خالد بن ولید * سربده طفیل * و سینه من یورده طفیل بن عمرو
الدومی سربده سی واقع اولمشدر * شاه مرر اصطفی * علیه ابلغ الصلوات
واسیع النجایا حضرت تلی * و قه حنین عقیبنده طرف طائی و جهة بر طائف
یوردیلر * حکامده * طفیل بن عمرو متعینان دوسیماندن عروین
حکمته نل خشیدن ساختنه ذوالکفین نام صنم نامحترمی شکست ایتمک
خدمته نامزد * قومندن دخی استعداد ایلد باینده امر و وصیت یوردیلر *
حسب الامر نسیم دعای رسول الله یدن استعارة معرفت سیر ایدوب * محل
مز یورده و صولاندی توفیق و تاخیر کسرتنه ایتد ارنده * و اول شکل تبیحک چهره
فصیحته *

* یاذ الکفین است من عباد کا * میلادنا اقدم من میلاد کا *

* انی حنیت النار فی قواد کا *

مقاله آتش افشان اوله رق احراق بالنار ایلدی * بعده قومندن در تیوزنقر
دلاور ایلد * معسکر همایون طرفته عزیمت * و روز چارم قدوم اسلامیه ساند
خاکبای کیمیا سای نبوی به فرش جبین ضراعت ایلدی * و ادوات جنگدن
اولان مخفیق و دیابله زری دخی * کشیده درگاه رسول ایدوب * سبابش
و تحسین نبویه سرافتخاری سپهر انیره موصول اولدی * کفین تشدید
قاله کفیل تشیه سیدر * ارجوزه من یورده وزن ایچون تحقیف ارنمشدر *
سربده عبدالله * و سینه مر قومده ماه رمضانک بکر منی * کونی عبدالله
بن ابی حدره الاسلمی سربده سی واقع اولدی * موسی الیهدن منقوله رک *
کندی قومندن ایکیز درهم مهر مقابلی برخاتون تزوج ایدوب * عسرت
حالمندن ناشی کنجینه جواهر بز و انضال * علیه التحیه بالغد و الاصال
حضرت تلی درگاهنه النجاس * و استرجا ایلد بکده سید الارار حضرت تلی
کیمت مهر دن استفسار یورمقله بندخی تعیین مقدار ایلد بکده ناحیه
بطعادن استفساده دراهم ایلد کز نه نائل ثروت اولمز من * الحاله هذه مدار
اعانت اوله حق مایه عیددر یورملریله بندخی آستان سعادت لرنده چند روز
بسط حصیر باره قامت ایلدم * بر کون چشم قیله سی اعیانندن رفاعة
ابن قیس یا خود قیس بن رفاعة صوب طیبیه به سوء قصد ایلد قومندن جم
غفیر و جمع کثیر برله کلوب غایه نام محله نزول ایلدی * بویسم واصل سمع
سید الا نام اولیق بکا ایکی کسینه همراه و تجسس ایچون طائفة مر سومه

طرفه رو را ایلدیلر * و معتق با سوار اولق ایچون بر ناقة مسبله اعطای
 ییورسلرله کمال هزارلار نانی قنبه بر منک سابه قدیمی دوشد کده سنائی
 نقش زمین اولغله مهساری غارینه القبا و رشاک السلاح عازم سوی اعدا
 اولوب اصغر ارشده اول سیه کاران مجمعه رسیدون بر طرفه و رفیه قلم
 جانب دکرده تکه ناله شمس الغروب اساتابید اولق * و رفیه قلمه طرافه
 تکبیرایله محمده کفاره شد و تاختی کورچیل * مزدخی سمت اخر دن ولوله بخش
 تکبیر اوله رق هجوم ایلله مزدیوتیه ایلدم * بو حال اوزره زمان فرصته
 مترصد ایکن اتفاق چوبانلار دن برینک مر عادن بطو عود تنه مبنی
 سر کرده هنگام ایس وایسلی اولان قیس البنه چوبان مزبور بر حادثه به
 دوچار اولمشد که بوانه قدر بدیدار اولادی دیوب تغله شمشیر و تفتیش چوبان
 ایچون اول شب فیرده دامنه کبریکر ای فسیح المسیر ایچق بعض هوادار لری
 همیسا اولق صد دنده اولوب قیس ذنده پردل مر دبطل اولغله مر افقته
 دست و رو بر میوب بکانه به عکاهی طرفه روانه اولدی ستمزدن عبورنده
 بر ناوله خارا کذار ایلله افکنده حفره اله و ایلدوب تیر دست سر شقا برستی
 قطع وایکی طرف دن طمطمه تکبیرایله هجر مزده امداد چند عنایت ربانیه
 سواد خرکله جمعیلرین فشق ایلدوب قی وافر اغنام و انعام اغنام و مسرت
 مالا کلامه رخسوده سده سعادت ارتسام اولدیفه مزده اون اوج دوه ایلدوب
 شاد کام و رهانیده قید و ام ایلدیلر * سریه زید بن حارثه و سته مزبوره جادی
 الا وایسده زید بن حارثه رضی الله عنه امارتیه دوتیه سریه بی حال جمال
 سرایا اولمشد رموته ضم میم و سکون همزه و فتح نای متناه ایله مضبوطدر
 همزه نل و اورمی به انقلابی دخی جائزدر علی الوجهین و ایلدیه رسم اولغی
 لازمدر خطه شامده کرک قریبده بر موضع امیدر سبی بودر که سلطان
 سلاطین جهان فرما نفرمای کون و مکان علیه السلوه مادامت الازمان
 حضرت لری * طرفدن حارث بن عمار لازدی قیصر روم جانبیه سفارتله
 عزیمت ایلدوب * حسب الطريق موته نام محله وصولنده * امرای قیصر دن
 شرحبیل بن عمرو الفسانی مانند بلای ناکهانی حارثه سد سبیل اولوب *
 بعد الاستفسار سفیر بنی جلیل اولدیفنی یلده کده * اول ذات والافدری
 عرضه تیغ غدرا ایلدی * سفرای سرور انبیا ایچره حارثدن ماعدا
 برکسه نل قتل نقش مخافت احداث روز کارا و لما مشدیه بو خبر شورش اثر
 مخدش سمع سید البشر اولیچق * اوج ییل نفر مردان شیاعت ککر
 اوزرجه زید بن حارثه بی سر عسکران و تبیین بیوروب * زید بن حارثه

دلالت سیف شهادتله عازم خلد برین اولدیفنی حینده جعفر بن ابی طالب
 مردار * اولدخی جانب قدحه طیار اولدیفنی صورتده عید الله بن رواحه *
 امیر اشکر ابرار اولوب * انک دخی روح برفته و حی روح و رحمان اولدیفنی
 زمان عسکر اسلام شور ایلله برقی اختیار * وانک رأی و امر بنیه
 متابعنکارا و اسونلر دیوتیه * و مقل حارث بن عمره و صولکر زده موضع
 من بوده عنانکش ارام و درنک * و کفار بد کرداری نوال عز الزمان
 اسلامه دعوت اهل ایدوب * امتناع لری حینده درگاه رب میندن
 امتناعته قباله مبادرت ایلدی بانه توصیه بیورد قد نصره * یدم وید
 لریله معقود اولان لوی یضایی دست زید بن حارثه تسلیم * و تبیه الوداعه
 قدر تشیع و انده جمله سنی تودیع ایدوب * دم عودنده تقوا ایلله نصیحت *
 و صومه نشین اولان عزاکر زینلرله و نسوان و اطفال و یرقانلر قتل
 ورد ملرندن و اشجار و انیمه نل قطع و هدملرندن نهی و تحذیر امر زین تقیم
 ایلد کده نصره * اغز و اسم الله ذلوا عدو الله وعدوکم بالشام تعبیر ایلله
 تسبیر بیوردیلر * پس اشکر اسلام اشعه مهر منیر اسامتوجه سمت شام
 اولوب ارقه زدن انتخاب کرام دفع الله عنکم وردکم صالحین غامین دعواتی
 دهمدار خیس ظفر انیس ایلدیلر * اول هنگامه بنسیم رفته لجه سلیقه انیقه
 عید الله بن رواحه همچنان ایدوب * اشبو فریده بی انداخته ساحل بیان
 ایلدی *

* لکنی امثل الرحمن مغفرة * و ضربته ذات قرع تقذف الزبد *

* او طعنه بیری حران مجهزه * بحربه تنفذ الا حشاء و الکبد *

* حتی یقولوا اذ امر و اعلى جدتی * ارشده الله من غاز و قدر شدا *

سپاه اسلام طی خرون و مومل * و قطع صحاب و ذلول ایدرک اعمال شامدن
 سعان نام مقامه مرکز لوی نصرت انتیام ایلد کده * هر قل که قیصر رومدر
 ارض بلقادن باب نام محله ماتند ضیاب عذاب یوزیلر روم و یوزیلر متصمره
 عربانه نازل اولدیفنی خبری بالغ سوامع اسلامیان اولیچق * منزل مزبوره
 ایکی کون لیت و اقامت * و قدح زناده مشورت ایلدیلر * بعضلر مرتبه وفرت
 اعدایی عرض یدشکا سلطان الانبیا ایدوب * امر جدید یا خود امداد
 عسکر ایلله ازرقه نایید ظهورینه مترقب اولغی مناسبدر دیدیلر * لیت غاب
 الکفاحه عبدالله بن رواحه دمدمه سطوتله غران اولوب * ای معشر اسلام
 یوسفردن علت غائبه معلوم کزدر که نیل رتبه شهادتدر * بزم کثرت عده
 و عتاد سبیله قطعا اعدای بد نهاد اوزره غلبه و ظفر من جلوه کرا ایلدی *

بلکه طرف ربانیدن مکرم اولدیغمزدین مکرم شرفله جمله مشرکین
و کفار ایله کارزار ایدوب کوی فیروزی ربوده چوکان اقتدار من اولور ایدی
بس لازمه شان دیانت بودر که * یکدل و یکجهت عزم رزم و مقابلت
ایدوب * رتبه شهادت و رتبه عز و نصرتدن استغفای نصیب مقدر *
و استغفای رضای خدا و پیغمبر ایدر زدیوب مجاهدی تشجیع ایتمکله *
جلدی اتحاد جنائله مانند میل بیابان سوی دشمنانه روان اولدیله *
مشارف نام قرانیه وصول لرنده لشکر اعدایه التقاء اولوب * سیاه اسلام
موتنه جانینه محاراز اولدقدنصکره خرکله کفار مقابل صف پرداز اولدیله *
فی الحقیقه جیوش مؤمنین حشرات کافرینه نسبت کره ناره مقابل برلعه *
یا خود نائرة جهته محاذی برشته مشابه سنده ایدی * لکن غیرت دینیه
و حمت یقینیه سبیل فی بال و پر و راغزو غایدوب * مطارحه تیر و پیکان *
و مقارعه سیف و شنانله اهنل و اول قضای فسیحه الارجانی دیده اعدایه دل
منافق کبی تیره و تنل ایلدیله * انشای دار و کیده سر عسکر جلا دشمن اولان
زیدین حارنه شهید و عازم از امکاه جاوید اولقله * علی جعفر بن ابی طالب
الوب اشقر بادپایه مهمیز * و انقیای کفار اوزرینه عمان انکیر اولمشکن *
تدشیر نبوی اوزر شهادتی مجزوی اولقله * کفار قلمسون دیواشقری عفر
ایدوب مانند صقر سریه یوم و غراب اولان فرقه روم و اعراب اوزره جمله
ایلدی * قایحه * ابتدا فی سبیل الله عفر اولان یعنی سکر لسان فرس اشقر
مر سومدر * تته * سیف سلوله قی چوق کافر ی مخذول ایلد کدنصکره *
بین ایملری بریده سیف حیف اولقله * علی صول الله الوب بر مقدمه دخی
اول وجه اوزره جنگ و پیکارده بذل اقتدار ایلدی * بعده صول الی دو شکله
علی اغوشنه الوب نه اظهار جنبش مردانکیده حق بودر که اعدا و احبابی
انکشت کزای استعجاب ایلدی * اول سر بازیم مال بر زمان دخی اول حاله
حرب و قتال ایدوب * آخر بر کفرک تبع اهانتله نائل درجه شهادت *
و همای روحی بالکشی اوج شهادت اوافله * علی عبداللہ بن رواحه الوب *
اول شمسوار عرصه شجاعت * میدان دلاوریده اثاره غبار سطوت
ایلد کدنصکره * پیاده اولوب و افر مدت اعمال ادوات مبارزت
ایلد کدنصکره * اولدخی صده مندم شهادت اولقله * عسکر اسلام
برهمزده اصحاب ارام اولوب حق به نسی راه انهمزده متوجه اولدی *
عتبه بن عامر رضی الله عنه بوجالی کورینجک * ای معشر اسلام مقبله لاله
اولان مدبر اهل لاله اولمندن افضل و احسن * و وجوب ذکر * مختص در

دیه رک کلمات مشحونه ایله بنه جلای پاینده مقام ثبات ایلدی بعده عانی ثابت
ابن ارقم الوب یا معشر المسلمین بر سر دار اختیار ایلد دیوندا ایتمکله *
انلاردخی کندوسی مناسب کورینجک امانت امارته غدم لباقنی اشعار
ایتمکین * جلایه رأیله خالد بن ولیدی انتخاب ایلدیله * پس امر من عسکری
عهده خالدده مقرر اولیجی * اول دایری عدیل روز سابع مضافده ساقه
عسکری مقدمه * و مقدمه فی ساقه مسافه تحویل * و میمنه فی میسر *
و میسر فی میمنه مامنه تبدیل ایتمکله * لشکر کفار سپاه ابرار امداد کادی
اعنة سادله پای تندرلی مترزل * و بنای تندرلی مختل اولوب * اول
شورش هنکامنده یکبار عسکر اسلام دخی جلایه و اقتحام ایلدیله * یازده
تعالی جلایه سی رویقفا اولوب * دلیران اسلام دخی مسافه بعدد عقبارندن
منقل اولیوب غیر مسبوق المثل و خارج از حیطه عقل و نقل کافر قتل
ایلدیله * امام بخاری علیه رحه الباری بالسند الصحيح * خالد بن ولید
حضرت تندرل روایت ایدر که * محمده موتنه ده یدمده طغوز قبضه شمشیر
شکست اولوب * آخر بر تنغ یما یله ختام و یردم دیدیله * بودخی رشیده رتبه
صحتدر که * حضرت حق جل شانته بختاب رسول اللهی وقعه مزبوریه
مطلع ایتمکله * حسب الاشارة الصلوة جامعة نداسیله اصحاب کرام مسجد
شریقه مجتمع اولیجی * منبر منور اوزره صعود بیوروب * صدق دیده لرندن
اولوباز مرشل اولدینی حالده * اوج دفعه یا ایها الناس باب خیر
یورددنصکره * منزله اشبوغازی عسکرک جانی خیر و یریم یوزیجی *
صحابه کرام ساهه لرین برداشته سوی سید الانام ایلدیله * واقف رازنامه
عالمیان حضرت تری بوسیاق اوزره ده نکشای بیان اولدیله * لشکر اسلام
کفار لثامه ملاقی اولوب * بر مدت مطارحه مکاشفت ایلد کدنصکره
زیدین حارنه نشوان رحیق شهادت اوافله * روح چون درگاه حق غفاره
استغفار ایدم * یزدیوامر بیوروب * بعده علی جعفر اخذ و منوال مشروح
اوزره جمهرک و عبداللہ بن رواحه نل شهادت لر فی اخبار و استغفار زله
امر یورددنصکره * علی خالد المشر * خالدیم ترین عباد رب العزت
مرد صاحب عشرتدر * و سیوف الهمیدن بر سیف مناولد که حضرت
حق جل و علا نکه که مار و منافقینی مخذول ایلدی * بعده عون خالق القوی
و القدر ایله سپاه اسلام منصور و مظفر * و کفار بد فرجام مهزوم و مدمن
اولدیله دیو تبشیر یوردیله * قایحه * یو اعدایه نیر سبیلله حضرت خالد
سیف الله ایلد کدنصکره * جعفرک ذائقه مندم شربت شیرین کوار

شهادت اولاد قلمی کون خاطر نواز قوم و تبار حضرت قلمی جعفر ک حلیه سی
 اسماء بنت عمیس خانه سنی تشریف * و اولاد جعفری نوازش و تلطیف
 میوردند و نصکره * شهادت جعفری اخباری و ریحی * اسماء جناب قلمی
 بی اختیار توجه عالم کبرایله و لوله بخش ~~ص~~ کنند و اراولوب * نسوان محله
 مجتمع و نازله اسمایه مطلع اولیجی * برابر دمساز کرب و زاری اولدیله * نخر عالم
 صلی الله علیه وسلم حضرت قلمی یا اسماء فریاد ایلده و زیاده سوز سوز ایلده و مشت
 ناسفله رخسار کی ضرب و نخریش ایلده دیو نصیحت ایلده کد نصکره * ازواج
 مطهراته مشغول شیون اولان ال جعفر ایچون طعام ترتیب ایلاری باینده
 فرمان * و حضرت منان عز شانه جعفره ایکی قولار ندن عوفش ایکی شهر
 احسان ایدوب * الان فسخه سیرای بنانده طیران * و دلخواهی اولان
 مقاماتی سیران ایتل اوزر مدرد یو حال تره مال جعفر طیماری بیان میوردیلر *
 دره سجه روایانند در که * جناب جعفر ک جسم منور لنده یتمشدن متجاوز
 زخم اولوب جمله سی طرف قدامدن اصابت ایتشیدی * زهی ثبات
 و شجاعت زهی مردانگی و سکینت * چند روز می ورنده معسکر فیروزی
 اثر طر فندن یعلی بن امیه بن عامر ماء انعام وود * و شرف و سی عتبه علیه
 ایلده احراز سعودنا محمد و ایلده کده * صاحب المعجزات علیه افضل الصلوات
 حضرت قلمی * یای علی احوال و سر ~~ک~~ گذشت کزی سن یکای خبر و بررسن
 یو خسته بن مکای اخبار ایدیه می و ریحی * یعلی جواهر بره کلمات نبوی به
 دامن کشای کوش اولافله * طبق الحلال صورت قتالی تقریر میوردیلر *
 یعلی لب کشای ایتال اولوب سنی حق پیغمبر ارسال ایدن خدای متعال حق
 صورت و ماده قضیه ده بر حرف نقص و زیاده میوردیدی دیدی * سرور انبیا
 حضرت قلمی جناب قادر بیمنه ساجل شانه و علا * بستر زمینی طی ایدوب
 جله و قایعی نظر کا همه جلوه ایلدی میوردیلر * عزات اسلام قرب طیبیه به
 ورود لنده * سرور انام علیه السلام حضرت قلمی بالجه سجابه ~~ک~~ کرامله
 استقبال * و قدوملرین تلقی بالا بحال میوردوب * رجال طرفین دیدار
 همه کرا ایلده قریب العین اولاد نصکره * احتساب کزین بافرارون فرورم
 فی سبیل الله دبه رله مرزاش مجاهدین ایلده کده * سید المرسلین حضرت قلمی
 هم لکرا روت تعبیرله مثلبه شماره فرار دن تبرئه و تنزیه * و میدان صدق
 و ثباته پای افشار استقرار اولاد قلمیه تنبیه برله شانه بن تنویه میوردیلر
 ایدی * احتساب ~~ک~~ کرامت فرار دن مراد قلمی خالد بن ولید رضی الله عنه
 سر ~~ک~~ کرا اولاد قلمیه خرمه قنار جنگا هندن در کشار اولمشلر ایدی * حضرت

رسول الله صفت فراری قلمیه ذکر اولنان انجیا زری محضات ترتیب صفوف
 ایچون اولد یغنی اشعار و اثبات می و رر لایدی * مریه قیس * و سال من بورده
 قیس بن سعد بن عباده رضی الله عنه مریه سی واقع اولدی * شاه بترپ
 و بطحاع علیه افضل التحایا حضرت قلمی * نکاشته خامه شیرین ادا اولد یغنی
 اوزره جهرانه دن مکة مکرمه به انصراف لنده * قیس بن سعد بن عباده بی
 در تیمور سوار نیزه ~~ک~~ کذا اوزره امیر نصب ایدوب * ناحیه بن سکا فندن
 صد انام قلمیه اغار تنه تعیین میوردیلر * اول خلا لده زیاده بن حارث الصداتی
 و زود * و خاکبای کیمیا ساسی نبوی به رخسود اولاد قد نصکره * منتهی نهضت
 اولان مریه و جهمه سندن استقصا ایتکله * ~~ک~~ کندی قلمیه سنه
 متوجه اوله جعفری خبر ایچق * قلمیه سی طر فندن درگاه رسالت
 دستگاه و افتاد اولد یغنی افاده ایتکله * مریه سیمه قنانه نام محارن
 اعاده اولندی * بعده زیاده قلمیه سنه عودت ایدوب اون بش کوند نصکره
 اون بش کسه ایلده تکرار استنسان شرفداره کلوب منحت اسلامه بهره دار
 اولدیله * مریه ابو عبیده بن الجراح * سال می قوم رجب المرجبنده
 ابو عبیده بن الجراح رضی الله عنه مریه سی واقع اولمشلر * اهل سیریبانی
 اوزره سید المرسلین علیه صلوة الملائکة المعین حضرت قلمی * ابو عبیده بی
 اوچیموز نفر دلا و رایله جهنمه دن بر قلمیه غار تنه تعیین می و زوب * منتهای
 سیر و سفر عسکر مظفر * ساحل معنسانه بکمر السین سیف البحر اولغله *
 سریه می قومه مریه سیف البحر ایلده نامدار در * و زاد و زواده لرینه نفاذ
 عارض اولغله * خطب تناول ایلده کارندن ناشی سریه الخطب ایلده قرین
 اشتهار در * امام مسلم رحمه الله روایتی اوزره بخاذیل قریش غدار * می سوم
 براعه شیرین ~~ک~~ کفنار اولد یغنی اوزره * بنو بکره اعانتله حیل المتین صلح
 حدیبیه بی کسته تار ایلده ~~ک~~ کد نصکره * کار بانلرین نهب و تالان ایلل
 ایچون اوچیموز نفر مرد جنگا و رایله ابو عبیده تعیین میوردیلر * ساحل بحره
 قدر و اربانده ذخیره لری تمام و مواند و واعبد کبار عصر اساکنام اولغله *
 مقدمه هتکام توجه و اعترامده * سرور انبیا علیه افضل التحایا حضرت قلمی
 ابو عبیده به اعطای میورد قلمی بر همیان خرمادن هر کون بر خرما توزیع *
 و چند دفعه مض ایدوب اوزرینه صوفوش ایدر لک اون بش کون یو حال اوزره
 امر ارایام ایلوب بعده انقاس معدوده ~~ک~~ کی اولد یغنی رسیده حد ختام
 اولغله بالضروره فتح خای معجمه و پای مو حده ایلده خطبه که اشجار یادی دن شجر
 سلم بر اغیدر * صوایله مبتل ایدوب تناول ایتکله بشلدیلر * اول پیراق بهینه

بلوط میراغی کبی غایبده خوشن و خاردار اولمغله * لب ودها نلری سیننه عاشق
 کبی چا نکال و شرحه نالک او اغبین * من بعدا نکلک تغدی به ده امکان قالمدی *
 قیس بن سعد رضی الله عنه جزیره خلقنک برندن مدینه ده ادالتمک اوزره
 هرری بروسق یعنی الشمس صاع خرما بدلی بش رأس جزیری یعنی یوغزلنه جق
 دوه اشترا ایدوب اوج کونده اوج رأسی ذبح * وعسکر اسلامی اطعام
 ایلدی * دردی کون امیر سر به ابو عبیده یاقیس سنک مال مخصوص
 اولوب ودرک سعد دخی ادایلیه جکی غیر مجزومدر دیومنع ایلدی * اول
 اثنا ده سوق رزاق حقیقی ایله دریادن عنبر نام بر ماهی کشتی اندام * انداخته
 ساحل اولمغله بر ماه مدت انک الحمله تیش ایدوب بدنلری کسب بمن وقوت
 ایلدی * قایجه * ماهی مزبورک عظم جسمی اول مرتبه ایدی که برضله فی
 نصب ایدوب * بر درازنداشتر سوار باغ اوزره قاقوب نه ضلع مزبور ایله
 همسر اولدی * وهر خانه چشمی کویا که برج حوت ایدی * درونده اون اوج
 کسته متواری اولوب بری برینه مضایقه قعود ویرمد کارندن بشقه *
 اعین نظاردن نهان اولدیله * تکمله * پس عرض اصلی اولان قافله به یا خود
 قبیله به تصادف اولمغله بی غافله کمد و خصام * طرف طیه به تحویل
 بجام ایلدیله * شرفیاب عز حضور فائض الذوره بوی اولد قلند * جمله
 سرگذشتلرین خصوصاً ماهی مرقوم ک * کیفیت وصفه تی نقل و بیان
 ایلد کارنده * رسول بالحق حضرت تلی جناب رزاق مطلق عز شأنه * اول
 ماهی فی منزله رزق تعیین ایلد یورد قد نصکره * جنندن بقیه وارمیدر
 دیوشوال یورمه له * باقی قلان لحنی جانب عالیله ارسل * وبالذات
 تناول یوردیلر * سر به خالد بن ولید دوباره * وسنه مزبوره ده خالد بن ولید
 رضی الله عنه حضرت تلی بن ابی دقعه سر به لری واقع اولمشدر * سر به اولی
 فتح مکة عقبنده بت شکن مشرکین علیه التحیه فی کل حین * حضرت تلی
 طرفندن مکة طمانت میسائنده واقع * شله نام موضع مد نشاند دست
 اشراک اولان قریش و بنو کنانه نل عزیزی نام صنم کر به اندام و نایا کار سنک
 خدمته نامزد اولوب * اتوز نفر سوار ایله شل مزبوره وصولنده * صنم
 سر سوم اوج خشب هر اوزرینه مینی اولمغله خشب لری قطع ایتکین منهدم
 اولوب * بعدا ودرکزید نابرابر حضرت تلی یانل * دیج برننه مشهور
 ولدی * بر استفسار یورمه له * خالد دخی برننه کومدم دیچیل * یا خالد
 هنوز صنی منهدم اولما مشدر یوردیلر * بناء علیه * حضرت خالد تکرار
 حضرت ایدوب صنم * ودر اوزر بل * یق صوات ایلد کده * جوق

بریشان کد و سیاه اندام بر رهنه عورت نمایان اولوب * باشنه خال افشار
 اوله رق فریاد و فغان ایتکه بشادی * همان حضرت خالد *
 باعز کفرانک لا یحسانک * انی رأیت الله قداهانک
 دیه رک اول ملعونه بی بر اشاره تیغله ایکی پاره ایلدی درگاه رسالت پناهه کاوب
 کفیتی خبر وورد کده * داشته عزیزی اول ملعونه ایدی هلاک اولمغله * من بعد
 وجهه اهل اشراک اولمز یوردیلر * سر به ثانیه * هدم عزیزی خدمتی ادا
 ایلد کد نصکره مسله مکة جهنمه بر سر حله مسافه یالم ناحیه سنده ممکن
 عبد القیس قبیله سندن بر بطن اولان بنو جذیمه بی طریق اسلم اسلامه سوق
 وارشاد ایتک ایچون * سنه مزبوره شوال مکرمنده حسب الامر الی
 مهاجرین و انصار دین و بنو سلیم قبیله سی خلقندن * اوچینوزالای نفر دلاور
 ایله عزیمت ایلدیلر خوانسا لار نعمت اسلام علیه انعم السلام * حضرت تلی *
 فتح مکة نصکره * مطامیر و طاسلامه صلاهی عام ایدوب * اطراف قبائل
 اول مائده بر قافله به دعوت ایچون بعوث و سرایا رسال * و منع شیار
 و قتال یورمیلر * حضرت خالد دخی کف جدا لاله امر و تنبیه یوردیلر *
 اول ایامده قبیله مزبوره کندیله مخصوص نمیشسانام ابیکر اوزره ارامکیر
 اولمیلر * خالد جناب لری معیننده اولان سیاه جلاد تنضایله اول ستمه عازم
 اولوب * قرارگاه لری نه قریب وارلد قد قدوم عسکر دن خبردار ایلدی *
 قبیله مزبوره خانی ذاتلرند شید الشکیه ضعب العطف خوئی و سرکش
 کسه لراولوب * حتی یوسیدن بین العرب لعنة الدم ایله ملقب اولمشلر ایدی *
 و یوندن بشقه مقدمه خالد بن ولیدک عی فاکهی و عبدالرحمن بن عوفک
 بدر فی و بنو ساعدن مالک بن شریذی ایکی برادر یله قتل ایلد کارندن نامی
 مستهرا اولمیلر * همان جمله سی * مؤرخ صلاح اولوب خالدی استقیال
 ایلدیله * خالد انلارک دین و ایتلرندن استفسار ایلد کده * برز مسلمانلر
 حضرت محمد انان * ووروب مساجد بنا و لوات پنجگانه بی جیا عتله
 ادا ایلد رزیدیلر * خالدیه بو گونه سلاح چوش اولمقدن عرض ندرید کده *
 عربدن بر طمانت ایلد * سب مزده شفاق و معادات اولمغله * سیر لری طایفه
 سر قومه ظن ایتشیدک دیدیلر * میساجیه اعتذار لری مؤثر اولمغله
 امر ایلدی * جمله سی سلاحلرین توز و بری بر سنک اللزین ارقه لرندن بوند
 ایلد کد نصکره * هر بر امیری اصحابک برینه تسلیم ایلدی * علی السخره
 سنک قتل و تدمیری پاینده ند ایتدر مکة * بنو سلیم * کندی ضبط
 و حبس لرنده اولنلری قتل ایدوب مهاجرین و انصار ارامتاع و امیرلرین اطلاق

اولدیلر * بنو جندعه دن برکسه کاوب صورت حالی درگاه خلد الاقباله
عرض و اعلام ایلد کده * سیدالابرار حضرت تری حصار مسلمندن خلد
بوضعنی استنکار ایدن اولدی بی دیواستفسار ایلد کده * اولدخی بی برافه
اللون من یوع القامه کسینه استمجان ایلدی * خالدا کادشنام ایتمکله
خوش اولدی * بعده برطویل القامه * رخ چهره کسینه دخی ممانوت
صد دنده اولوب اکادخی ازاز ایلدی دیچیل * فاروق اعظم حضرت تری
بارسول الله خدای متعال حتی انلارک بریسی قرزندم و دیگر ایلد بده
نک علای سلم دریدی * ما حعل خالداک بوشیوة ناجعلی محرم * برادر
لاهوت حضرت تری بنک معلوملری اولیجی * متوجه بحراب ملکوت
اولوب * ایکی دفعه الهی خالداک بوضیعه سندن بری یم دید کد نصکره *
حضرت مرتضی به وافر دوه و کومش اعطا ایلدوب بنو جندعه به عزیمت *
وبالجملة دیتلری و تلف کرده اولان اموال و اشیا رانی * تودی به برله تبرئه دمت
ایملک یا بنده امر پیور دیلر * حضرت مرتضی دخی واروب مبلعه کلا بلیینه
قدر عقل و قضا ایلد کد نصکره * برمه دار فضله مال قالمغله ایدخی ضایعات
هم به به مقابل کندیلر اعطا ایلد کله جمله سنی تطیب وارضایدوب درگاه
رسالته معاودت ایلدی * وصولنده کیهیتی خبر و بریحان * سیدالمرسلین
حضرت تری باعلی اصابت و احسان ایلد ببنده درگاه احدیتی اولدیغم
رب العزت حتی بومعامله لطف امیرک * عندمده جرنعمه دن بهی قرمری
تویلدوه دن مقبول و معتبر اولمش در دیوستایش و تحسین پیورد قد نصکره *
ینه جانب قبله به استقبال و دودست سدره پیوستلری من فوع بارگاه لایزال
ایدوب * اوج دفعه الهی خالداک بوضیعه دن بری یم پیور دیلر * خالدا
بوهنگامه دن نصکره جانب محتوی المحامده عائد اولوب * ابتدا عبد الرحمن
ابن عوف ملاقی اولغله یا خالدا سلامده صنیعه جاهلیته داغدار عیب و عار
اولدک دیوتقریر و تشیع ایلد کده * خالدا یا عبد الرحمن بدرک انقامنی
الدم دیوجواب ایلدی * عبد الرحمن بویابده دروغ پیفروغ ارتکاب
ایلدک * پدر من قاتلی بوندن اقدم دلالت شمیرمه کذارنده جانب عدم
اولدی * ووسلم جاهلیته مقتول اولان شخص اسلامده حکم قصاصی
اجرا اولورمی دیدی * خالدا تکرار سوزه کاوب یا عبد الرحمن بنو جندعه نک
سالت شاهراما سلام اولد قلمی سکا کیم اعلام ایلدی دیدی * عبد الرحمن دخی
بالجملة اهل مریه نک توار اخبار لایله معلوم اولدی دیچیل * خالدا کردونه
شعوره بی محبت دیگره اداره ایدوب * قبیلله من بوره نک ناخت و تارا جلری

یا بنده دیوان رسالتدن بکا خطاب فرمان عالیشان شرفورود ایلدی دیدی *
عبد الرحمن یا خالدا ینه لسانی دروغ پیوده ایلد الوده ایلدک * سن محضاعک
فاکهک انتقامنه مبنی بوضیعه شنیعه به دست الای ابتدا اولدک
دیواضام و اسکات ایلدی * حضور نبوی به متولنده شاهه مر براضطفا
حضرت تری * یا خالدا بنم اصحابی لسانه الوب انلاره تعرض واذایله *
خداحقی وادی احدی مستوعب التونک اولوب راه الهیده جمله سنی بذل
و انفاق ایلدک * اصحابدن برینک اول و اخرن سارده اولان سیرلرینه ادرالک
ایله مر سن * یعنی انلاره همسار و همسایه و لطفه ایماقتل بوقدر پیور دیلر *
اصحابدن مراد شریفلری زمرة سابقه و ندر * عبد الرحمن بن عوف دخی
عرصة اسلامده محرز قصب السبق اولان فرقة علیه دندر * حضرت خالدا
و خصوص مزبورده کمد وسیله متوافق و متحد اولمش دخی صحابه دن ایکن *
وتیره مزبورده اوزره افعال مالا ینبغی به مصدریتلری ملائسه می بیگانه
حرمرای صحبت منزلته تنزیل پیور دیلر * و بوحديث شریفک مفهوم
منیفه متقارب * لا تسبوا الصحابی قلوا انفق احدکم مثل احد ذهباً ما بالغ
مد احدهم ولا نصیغه * وارد اولمش در * یعنی بنم اصحابه سب و دشنام ایلمک
نفسم قبضة قدر تنده بزبون اولان خدای بیچون حتی * اگر سزدن بریکز
احد طاعنی قدر فی سبیل الله التون انفاق ایلدک * اولدک و انفاقک انلارک
برمد یا خود نصیق مقدار انفاق ثوابه بالغ اولمه * قائده * مدله ظنی ضم هم
و تشدید دال * همه ایلد برونوع کیمله درک * بررطل و ثلث رطل استیعاب
ایدراهل مجاز عندنده * وایکی رطل استیعاب ایدراهل عراق عندنده *
و برصاع درت مددر * و رطل صاحب قاموس عندنده اون ایکی اوقیه در *
و هراوقیه قرق در همدر * فایحه * امام سبکی علیه الرحه حضرت لرندن
منقولدر که شیخ تاج الدین ابن عطاء الله اسکندری بنیانک مجامن و عظنده
دهان حلوالیه لرندن مسعود عم اولدی که * ذکر اولشان حدیث شریف عصر
سعادت نصکره کالان امته خطابدر * غائب ناموجود حاضر منزلته تنزیل
اولمش در * زیرا بعض تجلیات نبویه ده امت آتیه دن به ملک اصحاب
کرام خالنده اطاله زبان ایلد چکاری لایح و منکشف اولمش در * و حدیث
مرقونک منطوق و مفهومنده اصحاب کرامک جلالت قدر و مرتبت *
و نبالت شان و منقبه لرینه مدانات و مقاربت طمع و داعیه سنی قاطع و رادع
تجیل و تمویه اولدنی رارسته کافه تبیین و تنبیه در * حقا که اصحاب کرام
علیهم الرضوان الی یوم القیام حضرتانی * اشبه مشرق اولدیغم زمیات

بیضای احمدی و شریعت غرای محمدی بی وجه سهولت و صدق و استقامت
امت آتیه به تهنیت و تسلیم ایدوب * و زمان سعادت ده حق جهاد ایدوب
مجاهدت * و مالا و بدناسی و غیرتله دین مبینی بر تو آفتاب اساطیر جهان
و جهانیا نه نشر و اشاعت * و عصر عالیبری هنوز رسیده حد انقضا و لمزدن
مقدم * اکثر بلاد معموره فتح و تسخیر و شعله باصره سوزش شیر لیل
هزار هزار دیار ظلمات اباد کفاری اضیاء و تنویر ایدوب * حتی سفیر لری
اسفار صبح اساطیر زمینده بلاد چین مفتی * و شرفنامه نام و شان لری
اول سرزمین دخی مبتج و مندهی اولشدر * مهمه * حضرت خالد بن
و نه محرر اوزره صادر اولان وضع من بوراجتمادی اولمله * اعتذار لری
جلوه کر معرض اصفا اولشدر * زیر انبیل سر قومه خلقنه ملاقاتلرنده دین
و اینلرندن استفسار ایلد کده * اسلمناد یعرب صبا ناصب اناد علیله
یو کلا ملری حسب الظاهر هزل و استمزایه جل ایدوب * وطن من یورنی
سلا حبوش اولملری تا ایدایتم کله کفر لرینه ذاهب اولمله * قتلاری
خصوصی امر ایلد یلر * نهایت کمال تحری و تثبیت ایتمیوب اولباید
استیصال ایلد یلر * استیجانه مبنی حضرت رسول الله صلیه عندن اظهار تبری
بیورد یلر * شیمین مزبوریننه بناء قصاص ترتب ایلیموب * حکم شرعی اوزره
دم محفون قصاص و دیتدن برنی مستوجب اولوب * بوماده ده قصاص
مرتب اولما مقله دیت اقتضا ایلدی * و حاکم حکمده خطایی سبیل
اقتضای دیت کندی ماله متوجه اولیموب * بیت المالدن لازم کله
سلطان الانبیا حضرت لری دیت مقه و لاری بیت المالدن ادا و نهاء علیه
امارتی ابقایورد یلر * هر حالده حقارنده تعظیم واجب دندر *

* قنادة غالب عمر ومنبر * رسل العلاء عمر وشجاع * حضروا *

ابوقتیاده و غالب و عمرو حذف عاطفه خالد اوزرینه معطوف اولفته *
وثنی سریه ابی قتاده و غالب و عمرو تقدیرنده اولور * منبرکله می مقدر
صنع فعلتک نائب فاعلیدر کذلک رسل مقدر ارسلات فعلتک نائب فاعلیدر
الملا بد لدر عمرو و شجاع معطوف لدر * حضر و افند و امعناسته در لازمی
ملزوم اوزره اطلاق قبیلته نذر * زیر او فود علی وجه الحفاره حضور
معناسته اوافله وفادته حضور لازمدر * لکن - ضوره وفادت لازم
دکلدر * و ضمیر جمع غیر مسبوق المرجع اولفته مبهم اولدیغیمون بیت آئیده
بدل ایله بیان اوامشدر * بویقنده ییدی لایحه مندر چدر سریه ابوقتیاده
اوایلده عمر بن قیس اب دوارمه سریه عمر و دوارمه صنع منبره عمارت علامه

مسفارت

سفارت عمرو * سفارت شجاع * سریه ابو قتاده دوباره * و سینه من پورده
ایکی دفعه ابو قتاده بن ربیع الانصاری سریه منی واقع اواسط در * سریه
اولی شعبان معظمه اون بش نفر مبارز ایله نجد مملکتدن ارض محاربه
متوطن غطفان قبیله منی اغارتنه مأمور اولوب * ماه **کبی** شبروانه
ضیعت و صبح صادق اسما بر بحر اول تیره دلان اوزره شراعه سیوف
محاربت ایدوب * مصادف اولدقلری قتل و تدمیر ایلده **کک** نکره *
ایکی وزدوه و ایکی یل قیون و وافر سیای ایله عودت * و اون بشنی کون عتبه
علیه به فرش چین ضراعت ایلدیلر * بعد اخراج الجنس هر برینک حصه
سنه اون ایکی شردوه اصابت ایدوب * و هر دوه اون ایکی قیون ایله تعذیل
اولندی * امیر سریه ابو قتاده سهمنه بر کنیزک اصابت ایتمکله * رسول
عالیجناب حضرت تلی استیاب و و مقدمه جهت فی الهیمن اول ظهور
ایدن جاریه بی اصحاب کرامدن برینه و عذیوره من اولمغه انجاز و عدا ایله
کامیاب ایلدیلر * سریه **ثانیه** * اوائل ماه صیامده مدینه به اوج برید
مسافه بره وضع یا خود بر جبل اسمی اولان اضم نام محله مأمور اولدی *
اصلی بودر که شامسر رسالت حضرت تلی گذار پذیر اولدیغی اوزره قریش
اوزره غزایه نیت بیوردقده * اهل مکه بی اغفال ایچون ابو قتاده بی سکر
نفر دلا و رایله محل من پوره ارسال بیوردیلر * ابو قتاده دخ بر موجب
فرموده ره پیوده اولوب * سید قبیله خندف محلم بن جشمه الابی دخ برابر
ایدی * خلال طریقه سید قبیله قیس اولان عامر بن الاضبط الاشجعی
اصحاب سریه به تصادف ایدوب * دلب اسلام اوزره انحناف کلدسته سلام
ایلدی * اصحاب دخ نسلم ایدوب انجق محلم ایله میانه لرنده سابقه تناسف
اولمغه همان هجوم ایدوب * تیشه غدر ایله بنای عمر عامری عامر * و متاع
و بعیر فی استلابه کین **کک** گذشته سنه ظافر اولدی * محل مأموردن ققول
و ذی شب نام موضع وصول لرنده * و کب سه سادک که طرفه من ضی
معه و علری اولیجق صوب مدینه دن عنایتاب * و بین المدینه و الصفره
سعیانام محاده **کک** متحق معسکر نصر غاب اولدیلر * خاکبای کیمیا سای نبویه
شرقیاب اولدقلرنده * محلم ایله عامر قصه منی عرض - ضوره نبع الجناب
ایلدیلر * قرینه حال * بالیها الذین امنوا اذا ضربتم فی سبیل الله فتباینوا
ولا تفرقوا لولم یکن الله لکم السلام - **کک** و **کک** الیه کریمه منی نازل اولدی *
منزل حنین موکب سید الثقلین برله پرزب وزین اولدقده * امام صف اصفیا
علیه اصنی الصلوات و التحایا حضرت تلی * صلوة ظهری ادا ایدوب بر درخت

سایه سنی وجود لطافت خود را بر بدنش مظالم طوبی بیورجی * عینه بن حسین
 قیام و دم عامری طلبیده اقدام ایلاری * افرع بن حابس عامر که قومه خطاب
 ایدوب عامر که دینی و بره لم الی دوه بوراده والی دوه دخی مدینه ده
 ادا ایده لم دیدی * عینه دینه راضی اولوب بزم نسوانک تجرع ایند کلری
 زهرابه خزن واندوهی نسوان محله دخی اذاقه و تخریم ایلد کجه فراغت
 احتمالی یوقه دیدی * حضرت رسول الله دخی افرعل رأینی مناسب
 کور مکه بعد انبیا والی دینه راضی * والی دوه محل من بورده والایمی
 مدینه ده ادا اولغنه متراضی اولدیلر * بعده محلی قوم و خویشاوندی
 استنابه واستغفار ایچون حضور سیدالابرار احضار ایلدیلر * محلم بر سر چرده
 دراز قد کسینه ایدی * وقصاصه منتهی اولغنه پوشیده شمار فاخر اولمشیدی *
 بکا ایلر که کاوب پیشگاه رسالته متول ایدیچون * مرور انام حضرت تری
 امیندن استعلام بیورده غله * اولدخی سامعه زدنوی اولان جنحه به نهوده
 سر تکی محلم بند کردر * بارگاه رب غفوره توبه کار و طرف اشرف کزدن *
 نیازمند استغفارم دیو عرض ضراعت ایلد کده * سلطان الانبیا حضرت تری
 دودست سدره پیوستلرین * برداشته درگاه کبریا ایلدوب * اوج دفعه
 اواز بلند ایلد اللهم لا تغفر لی بیور دیلر * محلم دامنه سرشک چشمی سیله رله
 قاقوب کندی * یددی کوند نصکره شب بخیر مجلس رتد کافی دیکله * قومی
 تجویز و تکفین و دفین مطموره زمین ایلدوب * لکن هر قدر دقن ایلدیلر
 ایسه * اغوشن مادر ترا ده کن ایلیوب چنین اسامشیه من اردن طشره
 منبوز اولور ایدی * بویو کیفیت معروض سده سعادت اولاقده کردار شقا
 و شرته صاحب کزدن افزون و اشدی زمین قبول ایلر * لکن حضرت رب
 العزت جل شانهمزله لا اله الا الله کلمه شریفه سنک قدر و حرمتی اعلام
 وارأت بیوروب * من بعد وحدانیت الهی به اقرار ایلدوب بن مسلمانم دینلر
 حقنده بود عامل دن کمال خوف و محبانیت اوزره اولمکزی و عطا و نذ کاد
 بیورمق حکمتنه مبنی * دست مشیت قادر بیخونله انداخته بیرون اولمشدره
 وارله فلان قبیله شعبه دفن ایلد بیورمغه * بر موجب امر عالی محل
 معهوده دفن ایلدیلر * حضرت رسول الله محلم حقنده استغفار ایلد کلری
 دخی مریدلر * وزه یان ستر جسدنه متحمل اولد یغنه منافی دکادر * زیرا
 شهب مامورده و ده دفعه امر بیورده دزد کرم استغفار لاری ختملر * و محل
 مزبورده بعد الدفن سنیرا لقی سده مرقومی تنویر ایلدیلر * لکن شعب مزبوره
 قیس قن اوغش نکته دیکر دشمنلر * مریمه غالب دوباره * و سینه

من بورده ایکی دفعه غالب بن عبد الله اللیثی رضی الله عنه مریمه سی
 واقع اولمشدر * مریمه اولی * صفرا خیرده بکرمی به قریب مبارز ایلد
 بین الحرمین بدید ورتسده کدید نام محله قاطن بنو ملوک اغارتنه مأمور
 اولدی * قدید نام منزله وصولنده حارث بن مالک بن برصاء الیثی به تصادف
 اولغله * کرفتار سلسله امر ایلدیلر * حارث بن مستفیض نعمت اسلام اولاق
 آرزو سبله آستانه نبوی به عازم ایدم دیدی غالب سنی بوراده حسب الاقتضاه
 برکون بر کجه مقید البقا ایلدیلر * اگر صحیح مسلمان ایسلنه مانع صکره
 استخلال ایلدیلر * والا مکر کردن امین اولمش اولور زدیوب اللری بن بند ایلدیلر
 اوزرینه سوید بن خنری نکجه بان ایدوب منازعه ایلدیکه حینده اعدامنی
 سبارش ایلد کد نصکره به یحای صوب مأمور اولدیلر * یونس خورشید
 شکم ماهی مغریده نابید اولدیغی هنگامده واصل بطن کدید اولوب *
 وادینک بر جاننده تکمن و اختفا * وچندب جهنی بی تجسس احوال
 اعدا ایچون امر ایلدیلر * چندب جنایندن مریدر که * اخشام دشمن
 اوزره مشرف بر پشته به چیقوب منبطحایغی یوزم اوزره یا قوب قاشا ایلد رکن *
 ناکاه کنار نخیمده خیمه زن ارام اولنلردن بری کندی زوجه سنه خطاب
 ایدوب * اشبوتیه اوزره بر شیخ محسوس اولغله کاب اولاق مختل اوغین *
 اوای و اوغیه به قید ایلدیدی * زوجه سی دخی تقضی ایلدوب جله سی
 برنده در دید کده * خاتوندن تیرو کانی طلب ایدوب سوادنی نشان وایکی تیر
 جکر دوز بر تاب ایتکله * بریسی دیده مه و دیگر دوشه اصابتله بنی
 همعال تندیسه بیجان ایلدی * لکن بن صبر و تحمل و مکارده تثبت ایدوب
 قطع عادت و حرکت ایلدم * شباعتی کور یجک ایکی دانه تیری بیابان ضباعه
 اندم * جاسوس اولیدی * بهر حال حرکت ایتامک امر محال ایدی *
 صباح اوایق * تیرله تعجیل ایلد که کلاب مضغ ایلدیه دیو خاتونه تنبیه
 ایلد * کد نصکره فراغته غنوده بستر راحت اولدیلر * چندب طائفه
 مرقومه نل سر کران رطل خواب غفلت اولدیلرین کور یجک دو قوب یازانه
 اختیار ایلدی * همان مضافصه اوزرلرینه * هجوم ایدوب کیستی قتل
 و کیستی اسیر ایلد کد نصکره * غنایم کثیره ایلد عودت ایلدیلر * انشای
 راهده مرقوم حارث لثی بی دخی الوب طرف طیبیه به متوجه اولدیلر *
 ارقه لرندن طائفه مرسومه اطراف قبا تله استصراخ ایتکله * مور و مار کی
 خارج حد شمار جفره کفار عقبه کبر سباه ابرار اولوب * قدید نام محله ادرالک
 وینلرنده همان بر دره قالمشیکن بفرمان افریننده اب و خال بر سیلاب غریب

وعظیم ظهور ایدوب میانترین حجاز اولمغه زمزمه و حیدین سرم منزل
سلامتی فائز اولدیلر * اول کون جواسمانده سبب عادی باران اوله جق تغیر
و محابدن اثر نیاب ایکن * محضاً لا یخطر علی قلب بشر صعدانی به
مظهر اولدیلر * اول قوم کمره چشم حشر تله نگاه ایدر لکسمانده تیه خذلان
اولوب فرقه اسلامیان فریح و شادان صوب مدینه به روان اولدیلر * سالما
غایب استن رسالته واصل اولوب خدمت لری عندالرسول منزاوار سبابش
وقبول اولدی * بووقعه تل نظیری اتی الیمان قطبه بن عامر لکسمال ناحیه
سند بنو حنم اوزرینه اولان سربه سنده دخی واقع اولمشدر * سربه ثانیه *
ینه صفر الخیرده ایکموز نفر مر دغضنفر فرایله خلال وقایع سالفه ده بیان
اولندیغی اوزره * فذل قریه می قربنده بنومر دهن اصحاب بشیرین سعد
الانصاری مصابنه تعیین اولندی * خدمت مر قومه به مقدحجه زیرین
العوام نامزد اولوب * ذکر اولندیغی اوزره غالب غالباً آیب اولمغه * منشور
اطارت اسم غالبه تحویل اولندی * حسب الامر صوب مأموره متوجه
اولوب ارامگاهلرینه مقرب اولیجی * بر محله فرش سجاده ارام * واتف
استواکی قامت دلارالرینه قیام ویروب * درگاه خالق الجن والانس * حد
وسپاس بقیاس ایلد کد نصره جمله مجاهدین دینه توجیه خطاب ایدوب *
ای معشر مسلمین ذات احدیتی تقیصه مشارکت و مشایم تدن مقدس و مبرا
اولان جناب کبریا دن خوف و خشیت * و قبل رسول اللهیدن منصوب
و معین امیر اولدیغیم حسیله هر حالده بکا اطاعت ایلیمه سز زرامطاع اولیمان
امیر شوریده ذهن اولمغه * امور مأموره سی لاحماله عرضة اختلال اولور *
خصوصاً حضرت رسول الله یوردیلر که امیرمه اطاعت ایدن کسه بکامطع
واکعصیان ایدن بکا عاصی اولور دیو نصیحت ایلد کد نصره هر برینه رتیق
مخصوص تعیین ایدوب واحدهما اخرون متفق و متفرق اولوب و علی
الاقتضار قبقر کزدن استه ساراواند یغکر زده مبادا که لادری دیه سز وجه کر
هم اواز نکیر اولدیغکر حالده هجوم ایلیمه سز دیو تنبیه و ناکید * وینلرنده
متامت کلامنی شمار تعیین ایلدی * بعده قضای مبرم اساجیم اعدایه نازل
اولوب اطراف اربعه دن غطفه تکبیر ایلد * شمیر بکف هجوم * وصادف
ولد قری شخاذیل بهره حبانندن شحروم ایلدیله بقیه سبوقلری مانند عقول
اشفتکان اطراف وکنافه پریشان اولوب * هنگامه کیروداره سکونت
کاد کد نصره * غالب اسامه بی طالب اولوب کورمکله * بر ساعند نصره
طه و ندم باعث غیبتدن سوال ایلدی * اسامه دخی خربت خائف رجول

فعل ینهم کم بی حتی اذا ضربته بالسيف قل لا اله الا الله * یه نی کریمکن
دشته ناندن برینه عقیق کیر اولدم فرار ایلدیکی برده بنی استمزاله * کله * ثوب
شمیر ایلد ضرب ایلد بکیده لا اله الا الله دیو و حدایت رب العزقی اقرار ایلدی
دیجیلر * غالب استمجان ایتمه کله اسامه دخی پشیمان اولدی * ما حیدل
داخل قبضة اغتنام اولان اغنام و انعام و سائر سبایا و اشیا الیله * حدایت
مدینه اولوب * آستان مجد آشیان رسالته وصول لرنده * کیفیتی و وضع
اسامه بی معروض درگاه ایت و وصول ایلدیله * شام تمامه علیه الصلوة
الی یوم القیامه * حضرت لری * یا اسامه لا اله الا الله دید کد نصره اولادی
نیچون اعدامه جسارت ایلد لکسمیوروب * اسامه دخی بار رسول الله خوف
تیغدن تعوذ ایچون اظهار ایمان ایلدی دیجیلر * پیغبر ذیشان حضرت لری
یا اسامه ایل قلبی یاردکی که صدق و کذب سکا نمایان اولدی ییوردیلر *
اسامه نیاز مند استغفار اولوب سیدالابرار حضرت لری کلام اولی تکرار
ییورر لرایدی * اسامه دن می ویدر که اواقدر کرفت اضطراب و افکنده بیچ
و تاب اولدمکه مکفر اولقی ایچون کاشکی اول کون مسلمان اولدم دیو غنا
ایلدم * مهمه * ذکر اولان معاهده لا اله الا الله دید کد نصره حضرت
مستلزمدر * حتی اذا ضربته قولى اراده فعانى تضییله * حتی اذا اردت ضربه
تاویانه محتاجدر * اذا قم الی الصلوة قیلندن اولور * سربه دوباره عرو
بن العاص * و سینه مزبورده ایکی دفعه سربه عمرو بن العاص رضی الله عنه
واقع اولمشدر * سربه اولی * سربه ذات السلاسل ایلد مهر و قدر * طائفة
مشرکین فراره مانع اولقی ایچون سلسله ایلد می تبطل اولمیرله ذات السلاسل ایلد
تسجیه اولندی * بعضی جمع کفارده اولان رمال جابجیامترا کب اولمغه *
سلسله هیئتده اولدیغی وجه تسجیه اولمشدر دیدیلر * بعضی عندند * بجل
مزبورده سلسل نام صواولدیغی سبب تسجیه در * باعث سربه بودر که قبیل
بنی قضاعه دن بر طائفة مدینه به اون می حله مسافه وادی القری و راستنده
عقد جمعیت و طرف طیبه به ایصال ملوثة خسارته جسارت قیلندن اولد قری
بالغ جمع صاحب سعادت اولیجی اعیان و باجرین و انصار دن اوج یوز مرد
کافر شکن و دشمن شکار اوزره عمرو بن العاص جنابنی امیر نصب و تعیین
ایدوب * چه چیتکاه مشرکین طرفه ترسیل ییوردیلر و کب سربه ده اوز
رأس اسب منتخب مستحب اولمشیدی * شیروانه عزیمت ایدوب محتشد
اعدایه قریب وارلد فده و فرت عداوت * عوع غزات اولمغه * رافع بن مکث
جهنی فی استداد ایچون جانب مفیض الاستجاده اعاده ایلد یلر طهیرام دستگیر

عالم صلوات الله علیه وسلم حضرت تری مجدداً ابو عبیده بن الجراح مهاجرین
اولین و انصار کن شدن ایکی و زجاده بنه ارسال یوردیلر شیخین مکرمین
حضرت تری دخی داخل افراد امداد ایدی * معسکر طغرل پروره الخاقاننده *
ابو عبیده امامته تقدم اراده سنده اولمغه عمرو بن العاص یا اباعبیده سن بزه
انجی مدد ایچون تعیین و الخاق اولمغه * امارت حقیقی بنم عنوان منشور
استعداد اولمغه * سکا لازم اولان بکا اقتدا و انقباض ایدیلر کدر دیو محاوره به
اناز ایدی * سپاه ابی عبیده دن بر جمع یا عمرو سن معیت کده اولان عسکر
میرسن * ابو عبیده بنم امیر من دریدی * ابو عبیده انجام مناظره مؤدی
مشاجره اولمغه جغنی تبقن ایدیچک * یا عمرو سید نبیل علیه صلوة الجلیل
حضرت تری * بو خدمتی ذمته تحمیل یوروب * درگاه رسالت دستگاه لرندن
مضارقتن اواننده کیسه سامه مد ایداع یورده تری جواهر و صایانک حبه
اخری بودر که صاحب عمره ملاقات کده متطاول اولوب تنازع و تدافع دن
مجاہدت ایلیمه سزرس خدای متعال حتی سن بکا مخالفت ایدرسن بن سکا
مطابعت ایدرم دیوب دغدغه امارتی فراغت * و امر عمره طوع و تبعیت
ایلدی * چون اعتقاد امداد و انجاء فوادی سبیل اشکر اسلام فوت
و شوکتی من داد اولمغه * شمشیر خورشید ساطعت اباد دیار ایدیه متوجه
اولدیلر * بلا دبیله * که احوال عمرو بن العاص دخی انده ابو ایدر لر *
وصولارنده دیدیه مهابت اسلامیان زلزله بخش قلوب دشمنان اولمغه *
یشگاه لرنده بولان مخاذیل کروه کریران اولوب * سلسله عزیز تری
نهایت بلاد بلایه منتهی اولدقده * انده بر فوج کفار سواد ایدار اولمغه *
برمه دار مناضله ایلد کد نصکره کز شیرانه ایل اول کروه خنار بری تار مار *
و اغتنام اموال بیشمار ایدوب * محل مر قومه چند روز اقامت * و استماع
اتد کاری جمعیه ارسال کیمیه فیروزی منقبت ایدوب * طرف طرف غارت
و جنال و اغنام لرین که و زوب ذبح و تناول ایلدیلر * سپاه اسلام منزمینی
تعقیب مر ادا ایلدیکه عمرو رضا و بر محبوب * و اول اوانده و اغایه الغایه بارد
اولمغه * شدت برودندن بازار بیتابی کریمت بولمغن * یا یقصاد نار ایلک اراده
سند اولمغه * نه عمر و مانع اولوب * هر کیم اتش یقار سه انی اتشه قذف
و القاید رم دیو محکم یساع و تنبیه ایلدی * حدت مر ما سبیل عسکره
اضطراب و خجرت روغما اولوب * منع عمر و ابسه * جرة فواد صبر و تحمل
ولمغه * یعنی اشرف مهاجرین بو خصوصه عمر و ایلد منافقه ایلدیکه
عمر و زبک کا طاعنه مامور اولدیکه کز حبیبله بهر حال کافرا ایدم *

امتنال واجبه ذمت کز در دیو مغالطه ایدر ایدی * بو کیفیت مسجوع فاروق
اعظم اولیچق * بر غضب اولوب عمرو طرقة توجه صد دنده اولیچق *
حضرت صدیق اکبر یا عمر سید المرسلین حضرت تری عمرو له امور حریبه دن
خبر اولد یغنه مبنی انی * مر عسکر نصب و تعیین ایلدیکه * اکا مخالفت
نامه قول بلکه منافی رضای حضرت رسول در دیو منع ایلدی * اتفاق
بر کیمیه عمرو و محتم اولوب * احتیاط کرامه حالی اشعار و اغتسال ایلدیکم
صورته شدت سرمدن هلاک اولمغه * در کسار در دیوب توفی و نیم
ایلدوب * صلوة بخیری جماعت مسلمین ادا ایلدی * بعده قزو و غنائه کرسی
تمکنت ایمان طرفه صرف عنان ایدوب * مقدحجه عوف بن مالک قردوم
اسلامیانی اخبار ایچون تقدیم ایلدی * عوف جناب تری مدینه به وصولنده
سرور کائنات حضرت تری مشفق صلات اولمغه * باب منبع الجناب دن
السلام علیک یا رسول الله و رحمة الله وبرکاته دیو عرض عراضه تحیت
ایلدی * مخبر موجودات علیه اخبر التحیات حضرت تری عوف بن مالک
اولیمه سن یور یچق * اولدخی نعم بانی و امی یا رسول الله دیدی * غیب الاقاء
سید الانبیا حضرت تری احوال سر به دن استبای یورمغه * ما جرای کما جرای
خبر و بر یچک * ابو عبیده به سایاش و شوا حقه نده رجسته دعا ایلدیلر * بعده
سپاه اسلام کلوب شرفیاب غن حضور سرور انام اولیچق * رسول کریم
الاخلق حضرت تری حسب الظاهر مستغرب اولان اوضاع بوالجهدن
یکان یکان استنطاق یورمغه * عمرو دخی ابتدا آتش انقادنه دستور
و بر دیک منظره اعداده قات اعداد من نمایان اولمغه * صکره اطراف دن
استنقار ایلد تعقیب و سپاه اسلامی تضییق و تنکیب ایلیمه جکری ملا خطه
سنه مبنی اولد یغنی انما ایلد کده * رسول ذیشان حضرت تری استخسان
یور دیلر * بعده جماعت مسلماننه جنبا امامت ایلدیکدن امتسال * و اندن
دخی استرفاع قناع اشکال یور دقده * عمرو یا رسول الله سنی حقه بعث ایدن
خدای ذوالمنن حتی اغتسال ایلدیکم تقدیرده شدت برد سبیل عرضه تلف
اولمغه * زبانه العمر ایلد بر دشدیده مصادف اولدم *
حضرت حق سبحانه و تعالی و لا تله و ابایدیکم الی التهلكه یورمغه * جای
هلاک اولمغه جغنی مبقم اولمغه * نیم رخسینه مراجع اولدم دید کده *
حضرت رسول الله تقسم یور دیلر * مریه ثانیه * فتح مکه عقبنده ماه
صیامده مکه به اوج من حله محله واقع بنو هذیلک برستش ایلدکاری سواع
نام صنم مهمل هدمنه مبعوث اولدی * حسب الا من محل مزبوره واروب

سدنه بخانه سبب قدمدن سوال ایلد کده * عمرو دخی بافرمان تبا جریان
نبوی بت شکنده کدی کنی اشعارا تنکله * خدا ملر هدم سواع باینده
قدرتک معدومدریدی * عمرو حقیقتندن استفسار اید یجیل * رئیس سندن
سوزه کلوب هر کیم اکاسوه قصد اید رسته بهر حال اتی دفعه و منع ایدردیدی *
عمرو بو هیکل ساخته کور را بشیدرمقوله سمیدردیوب یدمؤید لریله ضرب
وشکت * و امر ایلدی بخانه بی دخی خاکه پیوست ایلدی * بعده خادم
هر قومنه کونه مشاهد ایلد دیجیل * اولادخی تسلیم ایدوب هدایت
رب الانامله سادن بیت الا صنام ایکن ساکن کعبه الاسلام اولدی * اتخاذ
منبر * و سنه مزبوره ده خطیب منبر لاهوت * امام محراب ملکوت * علیه
الصلاة مادام الناسوت حضرت تری ایچون منبر استصناع اولدی * مقدمه
خطبه قرائت پیورد قلزنده محرابک * جهت بیننده شاخ خرمدن مصنوع
براستوانه اتکایورر ایدی * جماعت مسلمان متکثر و مزدحم اولوب اراز
شیرعلری هر کسه واصل اولمیه حق درجه به بالغ و ایچق * بالا اتکاس منبر
شریف اتخاذ اولندی * حضرت رسول عالیقدر ابتدا منبر اوزره چیتوب
خطبه تلاوتنه ابتداء پیورد قده * شاخ مزبور ماتد عاشق معجور ناله وانینه
بشلیوب * احصام کرام حضرت اتی بر قاعده ظاهری کوش اید یجیل * تأثیر
رقتله طرف طرف کربه به اغاز ایلدی * همان تی ذیشان حضرت تری منبردن
نزول ایدوب مبارک اللریله اول درختباردی درکنار ایلد کده ناله می ساکن
اولدی * و اشبو حنین جذع حقنده وارد اولان حدیث شریف متواتر در *
بخاری و مسلم * حضرت تری تخریج ایلدی * و اوندن متجاوز صحابه کرام
روایت قبلدیلر * قایحه * صاحب اصل مرحوم اشبو اتخاذ منبر و حنین
جذع وقعه سنی ولادت با سعادتک الی در دخی سنه سنده ثبت و بیان
ایشیدی * الشمس برنجی سالد دخی ایرادینک وجهی معلوم اولدی *
مکر که بعض کتب سیرده اتخاذ منبر ایکی دفعه واقع اولدی * مقدما طیندن
بعده خشیدن استصناع اولندی مسطور اولمده کامیابی اوله * لکن بو کونه
وصفنه تعرض ایلد یکنندن ماعد اول صورتده حنین جذع ایکی دفعه
واقع اواق اقتضایدر * تته * منبر هر قوم اوج پایه بی مثل اولمده صاحب
الاسام المود حضرت تری * فرار منبر صمد ایدوب اوچنی پایه ده قعود *
و ایکنی پایه بی فی حاله القعود والقیام قدم مکرملریله هر رتبه شهر مینقام
پیورر ایدی * حضرت صدیق دخی زمان خلافتلر تده ایکنی پایه ده قعود
ایوب * حالتین مزبوره تیده پایه زیرینی پای زیرینله تریین ایدرلر ایدی *

فاروق اعظم حضرت تری * پایه پاینده جالس وقدم محترملری زمینه داتس
اولور ایدی * حضرت ذوالنورین دخی اتی سنه مقام فاروقیده قرار ایدوب
بعده موقف رسول الله صاعدا ولدیلر * و منبری قطیقه پوش اجلال
ایلدی * طایفه لاجقه * خلفای عباسیه دن متوکل خلیفه بر کون ندما سنه
خطاب ایدوب حضرت عثمان حقنده خلقک لوم ایلد * کلمی مشالین
بریمی بودر که * شحین کرمین حضرت تری تأدیام مقام رسول الله
خطبه تلاوت ایتوب * حضرت عثمان قرعالبده قرائت ایلر ایدی دیجیل
عباده حاضر بالمجلس اولمده * یا امیر المؤمنین * الحب که حضرت عثمان
طرفنه تشکر ایلد کز لازم ایکن طرف دیگرده بولور سزدیدی * خلیفه
مدار تشکر اوله حق مادی استنطاق ایتکله * عباده یا امیر المؤمنین *
اگر حضرت عثمان دخی شحین مکر زمینه افتخار لری تدلی و نزول ایلد * لیدی *
شمعی جناب خلافتک برزله قهرچاه جلولا ده خطبات ایدرلر ایدی
دید * چاه جلولا فارس ترابنده زیاده سید عمیق بر تویدر * تکله *
معاویه بن ابی سفیان زمان توایلر تده * طرفندن مستولی مدینه اولان
مروانه خطابا منبر شریفی شامدار سال ایلک باینده نامه تحریر ایتکله *
اولدخی قلمنه مبادرتده جوق عباده بر بخارده ظلم طی و رایدوب روی عالم قلب
منافق کبی دیچور اولدی * و جابجیا کواکب نمایان اولمده بشادی * ازقه
واسواقده خلق من حیث لا یصیریری برینه متصادم اولورلر ایدی * مروان
بو حاکمک مهیج شورش و فترت اوله جفتی تفرس ایتکله * اعمال لطائف
الحیل ایدوب * همان شجار احضار و اوج قدمه دخی ضم * و قدیمه نبوی بی
بالا سنه وضع اندردی * و منبری از عاجه یادی بودر که * حضرت معاویه
بکاتحریر ایلدی که جماعت مسلمان متکثر اولمده خطیبی کوروب و خطبه بی
استماع ایلر یچون اوج قدمه دخی ضم ایلد * سن * دخی اکرینا اولمده دار
الحاق ایلدم دیو تسکین قیل و قل ایلدی * بعده امویه دن عبدالملک و ولید
دخی شامه نقلی میراد ایلدوب یتنه حادثه اولی هویدا اولمده علی حله ایضا
ایلدی * بعد زمان عباسیونندن مهدی حج نیبیلد عازم حره بن محترمین
اولوب * مدینه به وصولنده امام مالک * حضرت تری نه منبرک هیئت اولی سنه
اعاده اراده سنده اولد یفتی افاده ایلد کده * امام مالک دخی منبر هر قولک
ماده سی ایلدین اغاچنسدن اولوب بعده یواغاجلری دخی ضم ایلدی *
ال اورلد قده متسافت اواق غالبدر دیکله * مهدی دخی فراغت ایلدی *
سفارت علاء بن الحضرمی * و سنه مزبوره ده ملک ثلثه به طرف هادی

السبلدن ارسال رسل یورلدی * ابتدا جمرانه دن عودتده حاکم بحیرین
 منذرین ساوی العبدی طرفه ملک عذیم الزوال اسلامه دعوتی متضمن
 دیوان رسالتدن برقطعه نامه سعادت علامه تحریر * وعلاء بن حضرمی
 رضی الله عنه وساطتیه تسمیر یورلدی * وصولنده نامه بی تسلیم ایدوب *
 خدای هدایت اختواسی معلوم ابن ساوی اولیجق * درساعت مسلمان
 وقلم و حکومتده قاطن بعض زیردستان دخی داخل حوزه ایمان اولد یار *
 علیه کمال رعایت واجرای رسم مهماننوازی و حرمت ایاد کد نصکره *
 درگاه معالی اشتغال طرفه اقبال * و خاکبای سدره سای نبوی به برقطعه
 شراعتنامه املال و ارسال ایلدی * صورتی بودر * یارسول الله ان الله
 تعال اعطانی بک نعمة الاسلام و قرأت کتابک علی اهل البحرین فاسلم بعضهم
 و ابی بعضهم و فی ارضنا محجوس و یهود فخرنا کیف نعم الله علیهم * مضعون نامه
 معلوم سید تهمامه اولیجق * تکرار طرف منذر یوم مضعون اوزره برقطعه
 امر نامه تحریر اولندی که * مطیع اولمده شریعت مطهر دینی تعلیم * و یهود
 و مجوس طائفه لرین جزیه به قطع و مجوس برله تناکدن و ذبیحه لرین تناولدن
 منع ایلده * صورت شریفی بودر که زیب صحیفه اثر قلندی * بسم الله الرحمن
 الرحیم من محمد رسول الله الی المنذرین ساوی سلام علیک اما بعد فانی اذکرک
 الله عزوجل فانه من ينصح فانما ينصح لنفسه و انه من يطيع رسلی و يتبع
 امرهم فقد اطاعنی و من نصح لهم فقد نصح لی و ان رسلی قد اتوا علیک
 خیرا و انی قد شفعتک فی تولد و انزل للمسلمین ما اسأرا علیه و عفوت عن اهل
 الذنوب فاقبل منهم و انک مهمان تصلح ان نغزلک عن عملک و من اقام علی
 یهودیت و مجوسیته فعليه الجزیه و لا تناکروا المجوس و لا تأکروا من ذیابحهم
 * سفارت عمرو بن العاص * **الحمد لله** علیه یتسهال مر قومه ملک عمان جعفر
 و برادری عبد بنی الجندی طرفه خوان نهی النوال اسلامه دعوتی
 مشتمل * دیر دیوان رسول والا کعب * ابی بن کعب خطبه مرقوم و محتوم
 نامه سعادت مازوم استعصایله * **بسم الله** * عمرو بن العاص روانه اولوب *
 عید دیگر برادری جعفر نسبت صاحب رشد و ریت اولغله * مقدم عید ایل
 ملاقات ایدوب نامه کار علامه ایکسینه خطاب اولدیغنی اشراپ
 ایلدی * عید برادریم جعفر بندن اکبر اولغله * سنی اکا ایصال ایدهیم
 دید کد نصکره * ماده سفارتندن استعصایله ایلدی * عمرو دخی سزلی شریک
 و قاتل دن منز و میر آید * واحد حقه می ایمانده دعوت و اخلاص ایلدی *
 جعفر بن العاص * **الحمد لله** * عمرو بن العاص * **الحمد لله** * عمرو بن العاص

قولک بیتده چل نجیب اولدیغنی معلومدر * بدرک اهل وقع و صاحب
 حیثیت برکسه ایدی * نه معامله ایلدی دیدی * عمرو دخی کفر و ضلالتله
 رحلت ایلدی * کاشکی مسلمان اولمش اولیدی * بند دخی انل کی الوده لوت
 غوایت ایدم * بحمد تعالی صابون لکه شوی اسلامه باله و با کیزه اولدم
 دیوانه شکران ایمان ایلدی * عبد مسلمان اولدیغنی محلی استغهام
 ایلکله * عمرو دخی نجاشی محضرنده نائل فیاضه اسلام اولدیغنی تمام
 القصه نقل و اعلام ایلدی * عبد نجاشی جنابنک بو قدر قوم و رجال و اساقفه
 و رهبانیه صاحبی ایکن مسلمان اولدیغنی بغایت استغراب ایلدی * بعده
 سوزه کلوب یا عمر و راست سوبله که آدمه دروع نار و اواندن افضح برنقبصه
 اولدیغنی امضا کرده پیر و برنادر دیجک * عمرو با عبد بنم لسانم من اصل الایش
 کذبیدن پاکیزه تر * خصوصاً نهمت کذب مخطو و شرع مطهر در دیدی *
 پس عید سئوال ایلدی که نجاشینل اسلامی قبول ایلدی کی قیصرک معلومی
 اولدی * عمرو دخی حتی نجاشی طرف قیصره پیر سنه و بره کادیکی خراجی
 دخی قطع ایلکله * قیصر اصل ازبانه المیوب معامله بال سکوت ایلدی *
 قیصرک برادر لری نجاشی سنک بند کاتکدن ایکن خراجکی قطع * و دین
 محمدی به اتباع ایلدی * حال سنک بورسه مسامحه و انعام ضل نیه مینمدر
 دیوانه عریض ایلد کارنده * قیصر جوابنده بر دینه رغبت ایدن آدمه نه کونه
 معامله ایدهیم * بخدا حق ملکمه ضنتم اولسیدی * بند دخی نجاشی ایل
 ه معال اولوردم دیدی دیجک * عید دیدی که یا عمر و سوبلدیکن کلای
 بر خو شجه نامل ایلد عمر و خدا حق راست سوبلدم شائبه کذب و خلافدن
 بریدر دیدی * عید بود فعه امر و نهی نبویدن استفسار ایتکله * عمرو دخی
 علی التفصیل بیان ایددیجک * زهی دین معقول و این مقبولد * اگر برادریم
 جعفر یوباید به نه * بیای موافقت اولسه * استنان ایدی الاجلاله و اروپ
 بیعت و اطاعت ایدردک * لکن معلومدر که اول ملکته ضنت ایدوب متبوع
 ایکن تابع اولغه نزل ایلز دیدی * عمرو و اگر برادرک مسلمان اولورسه نه
 سلطان انبیا حضرت لری ملک کنی کند و سنه ایضا * و اغنیای رعایا سندن
 صدقاتی الوب فقراسنه اعطایلدردیجک * عید صدقه ندر دیوسئوال
 ایتکله عمرو دخی بیان ایلدی * سوامی دخی ذکر ایددیجک عید خود رو نبات
 و نه چردن رمی و میاه میذوله دن سنی اولنان سوام مویشیدن دخی النورمی *
 بعید المری دیارده اقامت و اهل کثرت و حشمت اولان رعیتیز بو خصوصده
 اظهار وجه امتثال ایلده حکاری عذیم الا حتمالدر دیدی * عمرو دن

مرید رکبه * عبد دوم خبری جعفره تبلیغ و ایصال ایلمشکن * ملا فاعه
 رخصت اولامغه چند روز است و اقامه نصکره دستور صد و ریه حضوره
 متول ایلام * مجلسنه دخوله خدام را یکی قولادن اخذ ایدوب لا ابالیانه
 رفتار دن منع صد دنده اولیجی اطلاقه امر ایتمکله * بندخی طریقه معتاده
 اوزره واروب بر طرفه قمودایلک داعیه سنده اولدیفنده * رنساوبرلیوب
 قائم اولدیفم حاله باعث ورود مدن سئوال ایلدی * بندخی مکتوب شریفی
 دست ادبله اخراج * و اجرای اوزم نظم ایدرک جعفره تسلیم ایلدم * بعد
 قض الختام قرأت ایدوب * برادرینه دفع ایلدی * اولدخی قرأت ایدوب
 واقف مفهوم و مزیت اولدی * عبارت شریفه می بودرکه بعینه اطراز
 صحیفه منیفه قلندی * بسم الله الرحمن الرحیم * من محمد عبدالله ورسوله
 الی جعفر و عبد ابی الجندی * السلام علی من اتبع الهدی * اما بعد ادعوا
 بدعایه الاسلام * اسما تسلموا * فانی رسول الله الی الناس كافة لا نذر من کان
 حیاً و یحیی القول علی الکافرین * وانما ان اقرت بما بالاسلام و لیتمکوا و ان ایتموا
 ان تقر بالاسلام فان ملکک زائل عنک و خیالی تحمل بسا حکمتک و تطهرت و فی
 علی ملکک * نامه عز تعالیه بوسیاق اوزره قرأت اولند قد نصکره * قریشل
 احوالندن استفسار ایلدی * عمرودخی کیسی طوعا و کیسی قهر الحاله
 هذه جمله می فرمانبر سرور جن و بشر در دیدی * بعده حاله ساملازم درگاه
 محمدی اولان زمره دن استعلام ایلمکله * عمرودخی دهنگشای حسن
 جواب اولوب * عامه انام و كافة خواص و عوام راغب دین اسلام اولوب *
 هدایت رب العالمینله عقول سلیمه و اذهان مستقیمه لری نور و ظلمت و رشد
 و غوایتی تمیز ایتملرله * قبول دین رسول الثقلین ایتمکله نائل سلامت
 دارین اولدیلر * حالا عظمای زمانده سز دن غیر کسی قالمدی * اگر سز
 دخی مسلمان اولار سکر ملاک قسیم الا طراف کز بازده خیل متبع الاکناف
 اوله جغی بی اشتباه * و مسلمان اولدیفمکز صورتده رسیده سلامت دنیا
 و آخرت اولوب وینه مسند ریاست کزده کما کان انکار کزین و سادۀ عز و عنوان
 اوله جعفر و وارسته کافه کواهد ردیدی * جعفر عمرودن بوجواب باصوابی
 کوش ایدیلر * ملا حظه ایچون بر کون استمهال ایلمکله * عمرودخی جعفر
 برادری عبد طرفه توجیه اولدی * عبد یاعروبر ادرم * آکنه ذات
 ایلمز مه اسلامی قبول ایلمی مر جوا الحضور لر دیدی * فردامی عمر وینه
 درگاه جعفره واروب رخصت یافته دخول اولامغه * بنه عبد مجلسنه
 عمر وینه ایلدی * بعده عمر وینه درگاه اولدیفم * جعفر عمر وینه

لوزمین اوزره خطاب ایلدی که * بن تحت بد تصرفده اولان ملکمی سیکانه به
 تفویض ایلدی کم صورتده * ضعه فای عرب عدادندن اوله جغم در کردی *
 قالدیکه حضرت محمد کد عسکری بعد مسافه شیبیه بودیاره وضع اقدام
 ایتمیوب * کد کوری حینده مرز بوم حکومتم خلق شدید الشکجه جنکاور
 دلاور اولمزلر * اشکر اسلام انلاره مقاوم اولمجه جغی بدیدار دردیجک *
 عمر و جعفره لزوا هر کلماتدن استشعام بوی یاس ایتمکله * علی الصباح جانب
 معین النجاده عودت ایلیمه جگنی الماح ایلدی * عمر و لرجعتنی تحقیق
 ایدیلک * برادری کندوسیه خلوت ایدوب * علی السحر عمر و ی حضوره
 احضار * و برادریه برابر رفع انگشت شهادت و اقرار ایلدیکه نصکره *
 عمر و ل معینه عسکر تعین و ارسال ایدوب * بروجه شریعت غرایب لر ندنه
 حکم و صدقه و زکوٰۃ لرین اخذ خصوصنده * و مخافت ایدن لر زجر و تنکیلی
 یابنده علی السکرل اعانت ایلدیلر * سفارت شجاع * ملک غسان جبه
 ابن ایهم جانبته سور بر سرور اسلامه دعوی متضین مکتوب شریفه شجاع
 ابن و دب الاسدی رضی الله عنه مأمور اولوب * فرین رسول و تبلیغ نامه
 رسول ایلد کد نصکره * بوسیاق اوزره نصیحه اغاز ایلدی که * یا جبه سنک
 قومک نبی اخی مکی حضرت لر فی کندی دیار لری اولان مدینه به نقل و ابراد
 ایدوب * دین مبینی قبول و جله اموزنده و سجع و طاقن لر ندنه اولان باری
 و معا و نلرین مصروف و مبذول ایلدیلر * حالا متقلد اولدیفمک دین کندی
 ابوا جدد ادل ایینی اولیوب * روم طائفه سنه مجاورتله جرجواری نصرانیت
 ایلدک * اگر کسرایه ضاف و مجاور اولدیک البته مجوسیتته متبادر اوله جغف
 ظاهر ایدی * الحاله هذه شرفیاب اسلام اولسکز بالجملة اهل شام سکا
 اطاعت و طائفه اروام طرف کدن خوف و خشیت اوزره اولورلر * اگر انلاردن
 بوضع معامله و غوغون اولار سه انلاره دنیای فانی مصیب * و سکا آخرت باقی
 نصیب اولورلر * ثواب خدا خیر باقی دردیجک * جبه یا شجاع خدا حق اکثر
 خلایق خالق السموات و الارض جل شانۀ امر نه اطاعت ایلدکاری کبی *
 حضرت محمد کد دخی حکم و فرمانته اظهار روی طواعیت * و قول طرف
 یا هر الشرف محمدی به انبذاب * و خدمات علیه لر ندنه بذل تقدیمه توان
 و تاب * ایلد کارندن بغایت محظوظ و ممنون اولدم * فوتدن مؤنه وقعه سنده
 قیصر بنی اهل اسلامه جنک و التمام دعوت ایلدی * بن امتیاع ایلدم *
 قالدیکه الحاله هذه حقیقت و بطلا فی معیار یقینده مر جوا اولامغه * بر مقدمه
 دخی نامل ایدیم دیواستمهال ایلدی * بعده مسلمان اولوب اسلامی دشر

صوب معلول نبوی به عریشه شمر بر * و هدایای و افره تجیه و تسبیح
ایلدی * زمان خلافت فاروقی به قدر می که اسلامده نایب قدم اولوب *
اولخلالده معاذ الله تعالی زایع صراط سداد یعنی افتاده و رطه ارتداد
اولدی * روایت دیگرده امیر المؤمنین فاروق اعظم رضی الله عنه
حضرت قلی بنک زمان خلافت ازنده اسلامه راغب اولوب * طرف اشرف لرینه
ورود ایتک ضمتده استمندان ایتکله حضرت عمر دخی زیاده منبسط
و مدبر و اولوب * و مدبر لرینه اجازت و اظهار انبساط و بشارت ایلکله *
جبله دخی خواص و مقرب لرینه بنوب دارالخلافت طرقتنه عزیمت ایلدی *
مدینه به تقریر لنده امر ایلدی * بالجمله خدم و حشمی مر صاع و محشم
اندره سوار اولوب * البسه فاخره ایله مترین اولدیلر * کندوسی دخی فرقی
برعالمها تاج پرانته ایله راسته و اوزر فی ملکانه جامه لر لرله پیراسته ایدوب
پورسه دارات دایر و روز و کوسه نظاره سوزایله مدینه به داخل اولدیلر *
مدینه نل صغیر و کبری تمشاشسته چیقوب هر کس تعجب و تحسین
ایلدیلر * مقدمه می حضرت فاروق ترجیب و نوازش و ناطقه له تطیب
پیور دیلر * دخول موئمه دای حج شریف ایچون حضرت فاروق ایله معا
طواف بیت الله الحرام ایتکله احرام بند مر افقت اولوب * مزاجه
طواف اثنا سنده بقائه تعالی قزاره قیله سندن بریدی جبله نل طرف
ازارنه بصوب نزع ایتکله * جبله غصبه کاوب برسله ایله قزاری مر قومک
دندان و خیشومی مهشوم ایلدی * قزاری دخی پیشگاه عدالت دستگاه
فاروقیده بیت شکوایدوب * جبله اوزرینه استعداد ایدیلر * حضرت
عمر جبله به نیچون بویه ایلدک دیواستطاق ایلدکده * جبله دخی قصد ایله
ارامه بصوب منزع ایلدی * اگر بیت عنیقک حرمتی اولمیدی ضرب تیغله
روحنی از هاق ایتکله مقرر ایدی دیدی * حضرت عمر با جبله چونکه سن
اعتراف ایلدکله ارضای خصم قیل * یاخود اتقیاد قود ایدوب اولدخی
سکا برسله اوزسون پیوردی * جبله با امیر المؤمنین بوکسه سوقة ناسدن
اولمغله * بنه تسویه اولوب چهره ملکانه لایحه زن اولمق مناسجه در دیدکده
حضرت عمر با جبله بینکزی اسلام تسویه ایتکله * من بعد قتل و من نل
تقوا ایله نایب اولوردیدی * جبله با امیر المؤمنین بن امید ایدردمکه * شرف
اسلامه مشرف اولیق جا هدیه اولان عزندن افزون عزته نائل اولم *
چونکه خلاف مامول ظهور ایلدی * بن نه تنصیر ایدرم دیدی *
حضرت عمر با جبله مقننای اسلام بویه در * اگر تنصیر ایده جل اولور ایتک

بندی * سرید و شکری بریده تیغ ایلدکدر * اردردیدی * پس جمله
دک صبه * قدر دلت و بر * یا رضای خدم یا خود استرضای قود ایله
حنور که کاورم دیدی * حضرت عمر امیران خوصی بدخته کده در
دییچون * قزاری دخی مهلت و پردی * کیمه اولیق اتباع و اشباع ایله
بنوب فرار * و قیه ضرورم اولان هر قل طرفنه واروب تنصیر لرله گرفتار
خزی و خسار اولدی * هر قل قدوم جبله بی استعظام ایدوب * رنماعه
الاسلام ملکانه اگر م ایلدی * مقولدر که هر قل بحر سپید ساحلنده
لادیه العرب قبرنده جبله نام قصبه بی که ابراهیم بن ادهم رحمه الله انده
آسوده در * جبله ایچون بن ایلدی * مر سوم راعه باهر البراعه اولدینی
اوزر قوم جبله دن مر اداوس و خزرجدر که انصار کرامدر * اوس و خزرج
اینا حارثه بن ثعلبه بن عمرو من یقین عامر ماء السماء بن حارثه الفطریف
اولوب * جبله دخی ابن جفنه بن عامر ماء السماء اولمغله * سلسله قرابتی
عامره منتهی اولور * سال ولادتک الی ایکنی سنه می مبداء اسلام انصار
کرام بمختصده تفصیل اولندی * بنی سده مارب اولان سباده دخی بونلرک
اجدادندندر * قصه سده مارب * اطراف بوادی و جبلدن دمیدم خطه ماربه
سبل عظیم ظهور ایتکله * تغریب عمرانات ایتککین * مر قوم سبا که ملک
مارب ایدی * همت کثیره ایله حدید و حجر دن مابین الجبلین برسد سدید
بنالیدوب * وقت حاجتده مر روعا تیرن اسقا ایچون بعضه افوق بعض نیجه
مخارق * و مقدار معلومدن افزون سبل کادکده اطراف ارضه و دریاه صرف
واجرا ایتک ایچون نیجه میازیب دخی ترتیب ایتشیدی * اولادندن عمرو
من یقینا که کمال کبر و شخوتندن ناشی بردخی اعاده یاخود احاد ناسدن بریسی
اکتساب ایلسون ایچون هر روز و شب کیدیکی حله و کسای باره ایوب منق
ایتکله من یقینا ایله ملقب اولمشیدی * جالس مسند حکومت اولدقده
برکانه دن سدل انهدام ایلدکده مارب خراب ارنه جنی زمان قریب الحول
اولد یعنی استماع ایتکله * علامتدن سؤال ایلدی * کاهنه دخی سدل
دینده جز دید کاری فاره که ترکیده کوسنیل دیندن دوبه در * مشهود
اولورسه سدل خراب اوله جنی مقرب اولوردیدی * برکون من یقینا سدل
اطرافنده بر جز عظیم * و دیکه الار یله زمینی حفر و تقلیب صخر ایدر *
من یقینا تمجیر اولوب کاهنه بی تصدیق ایلدی * من بعد نقل و جلایه شد نطاق
عزم واعتسایدوب قبائل از دایله بند حزام ارتحال اتدی * جامه خیابانی
عزوق دست اجل اولدقده نصکره اوغلی نهامه لایس خلعت امارت اولوب *

اندر زمانه قبائل از دل شیراز به قتلری متفرق اولدی * همدان و دوس
 قبیله سی عراق طرفه * و سائر لری شراة و عمان جانب لری نه عازم اولوب
 جفته بن دماء السقاء دخی شام طرفه اعترام ایلدی * و آنکدخی جفته عمری
 مرشار اولوب تماشای جمال حیانتدن غمض جفن ایلد کد نصکره * اوغلی
 حارثه متولی امر قبیله اولوب * قیصر دین استیجاشده اوغلری اوس و خزر جی
 الوب یسرب جانب نه قرار ایلدی * انصار کرام مزبور لک نسلندن منتصب
 اولدی * بعده ارسال الهمیله سبل العرم ظهور ایدوب سد مزبوری هدم *
 و مدینه مآربی تخرب ایلدی * اهل مآرب پیغمبر لری تکذیب ایدوب افتابه
 پرستش ایتمک لکال مر قومه مظهر اولدی * قصه لا حقه جبهه * جبهه
 قیصر نژدنده نائل اعتبار اولوب بونل اوزرینه نیجه ایام مر وراتد کد نصکره *
 حضرت عمر رضی الله عنه هر قلی اسلامه دعوت ضمنتده سفیر ارسال
 ایدوب * سفیر عمر طرف قیصر دین * مصالحه برله مجاب اولغله * عودت
 و حضور فاروقیده شرف مشولله کسب سعادت ایلد کده * عمر رضی الله عنه
 احوال روم و هر قلدن سفیری استنطاق ایدیمک سفیر امیر المؤمنین چونکه
 قیصر دین مصالحه برله مجاب اولدم * عود و انصرافه استیذان ایلد بکده
 قیصر دیدیکه * ابنای اعما مکزدن جبهه نام بر کریم الذب کسند دینمزدراغب
 اولوب دیار مزه کادی * انکله ملاقات ایلد کی بن لادیدم * پس قیصر
 واروب انکله ملاقی اولد قد نصکره عودت قیل دیدی * بنه علیه جبهه نل
 اولد یغی محله واردم کوردم که بر مرای رفیع البیان و منیع الارکان قیوسنده
 یقیاس دربان * و پرده داران صف بسته عز و عنوان اولمش * و رب انکجه
 راده المؤمنین جبهه نل قیوسنده * کورد بکم شعت وجهی قیصر لک
 قیوسنده کوردم * و قما کد ماذون اولوب ایچری به دخول و حضور جبهه به
 مشول ایلدم * کوردم که قوایردن مصنوع بر سر برزین قوایم اوزره انواع
 زین و زینات ملوکانه * و فرو شمت پادشاهانه ایله مربع نشین صدره مقبت
 اولمش * بنی * و ریجیل میشوش اولوب فرحبا اهلا و سهلا دیوا کراما
 و تریدیق بر اوزره تکلف ایلدی * بن استعفا ایدوب رسول الله صلی الله
 علیه و سلم مسکان مذهبه جلوسدن برزلی نهی ایلدی دیدم * جبهه نعم
 صلی الله علیه و سلم و کن فی قلبک من الدنس و التیال علی ما قدمت دیدی *
 و امر ایلدی بکا بر خشب کرسی کوردیلر قعود ایلدم * بعده مواند زرین ایله
 حاشای عین ایدوب طعام کارب وضع اولندی * بن تا اولدن کف ایدوب *
 تکلیف ایلد کده اوائی ذهب و فضه دن اکل و شربی فقر عالم صلی الله علیه و سلم

نهی ایلدی دیدم * جبهه ینہ نعم صلی الله علیه و سلم و کن فی قلبک من الدنس
 و کل ما احبت دیدی * و بکا حشاش خلج و زجاج برله طعام کتورتدی *
 بعد الطعام اون نفر خادم انواع جواهر ایله مر صم اون عدد کرسی نژدین
 کتوروب عین و شمائله وضع ایلدی * عقبندن اون حسنا جواری کلوب
 هر بری بر کرسی اوزره قرار ایلدی * بعده روی دلارامی شمس ضحان اضخی
 بر کتیر لر عشاء * باشنده مر صم تاج * و تبه سنده حجم حمامه ده بر مرغ
 و صاع النده بر التون جام * درونی مسک و غیر مقتوله ملو * وصول النده
 بر کومش جام درونی کلابه لبریز * مقابله جبهه به کایچک باشنده اولان
 مرغ صغیر ایلدی * در حال مرشار کلاب اولان جام سیمینه انوب پروبالی
 کلابه تراند کد نصکره * جام زرینه ده کوروب ریش و جنا حلین تمام معبر
 ایلدی * بعده طیران ایدوب تاج جبهه اوزره موضوع اولان صلیب مجوهره
 قونوب بال و پرند ملزوق اولان کلابه * مسک و غیر منقوش اولنجه قدر
 تر فرف ایدرک جبهه اوزرینه رش و نثر ایلدی * جبهه شدت سرورندن پیراهن
 حیات مستعاری اوله جق در بسته صغیر اولوب * تمام مر تبه خنده کبان
 عیننده اوزران جواری * باله اخلاکت سادیو خطاب ایلدی * انلاردخی
 عودلرین الارینه الوب اشموایساتله بدل کی ترغه اغاز ایلدی
 * لله در عصابة نادمتهم * یوما یخلق فی الزمان الاول *
 * یسعون من ورد البریض علیهم * زاحاتصفق بالرحیق السلسل *
 * اولاد جفته حول قبر ایهیم * قبرین ماریة الکرم المفضل *
 * یحسن الوجوه کریمه احسانهم * شم الانوف من الطراز الاول *
 * یعشون حتی ماتهم کلابهم * لایستلون من السواد المقبل *
 جبهه تمام مر تبه فرحناک اولوب بکادیدیکه بوا یساتک ناظمی معلومک میدر
 بن لادیدم * جبهه رسول الله صلی الله علیه و سلم حضرت تلیکن شاعری
 حسان بن ثابت رضی الله عنه در دیدی * بعده شمائله اولان جواری به
 بالله ابکمنا دیو خطاب ایلدی * انلاردخی سازلرین الوب بوا یساتک نفی
 ایلدی *
 * لمن الدار اتفرت بهمان * بین اعلی الی مولی العمان *
 * ذالک معنی لال جفته فی الدهر * محلات الحادثات الزمان *
 * قد اراقی هنالک دهر مکینا * عندی ذی الشاج مجلسی و مکانی *
 * و دنالقصیح فالولایه یظمن * سر اعامکله المرجان *
 * نکات امهم و قد نکاتهم * یوم حلاله ساره الحان *

اولدرد بکا ایلدی که اشک دیدی سی صفا نندن سیلان ایلدی و بکا و کائنات
ایدوب بویات دخی حسانکدر دیدی * و کندیدی کیه کنان بویاتی نشاد
وندامت صنیهی ایراد ایلدی *

* تنصرت الاشراق من عار لطفه * وما كان في الوصيرت لم يانسر *

* تکلفی فیما لاج ونحوه * وبعث الله الیهین الصبیحة بالمور *

* فیما لیت ای لم تدر فی وایتهنی * رجعت الی الامر الذی قال لی عمر *

* وایلهنی ارعی الخناص بفرقة * وکنت اسیرانی ریهة او مضر *

* وایلهنی بالشام ادنی معیشتی * اجالس قومی ان هب الجمع والبصر *

بعده احوال حساندن سوال ایلدی * بنزدخی الیوم حیاته در اکن ضحیف
هرم و سن شیخوخندن ناشی و قلت ذات یلایه عمایه مبتلا اولدی
دیدیکمده * بر زمان متأسف اولوب صکره خزینه دارنه امر ایلدی *
بشیوزدینار هرقلته * ویش ثوب اقمه رومیه احسار * وکندی دوشنده
اولان قسای ملوکانه سن دخی علا و ایدوب حسانه ایصال * و سلامی
تبلغ الیه دیوامانت ایلدی * اما یا ایدیر المؤمنین جبهه نلک بو حالی مشاهد *
وحضرت رسول الله صم شریفی یار اولدقچه تصلیه و تعظیم ایلدیکنی
ملاحظه ایدوب * هنوز محبت اسلام قلبنده جایکیردر * سیما * انشاد
ایلدیکی ایات سوه فعلته نادم اولدیغنه برهاندر دیو جسارت حاصل ایدوب
اسلامه رجعتی طمعیله و یحک یا جبهه سن فضیلت اسلامی فهم و ادراک
ایمانکن * بچیدر که ینه قبولندن امتناع ایدرسن * نیچه کسه لر سنک کبی
اولوب وجوه مسایله سل سیف عدوان ایتشلا راکن * بعده ینه اسلامه
رجعت ایدوب و اسلاملی مقبول اولدی دیدیکمده * تبسم ایدوب یا اخ
العرب شکر و اسلام بکائنات بعددر بکر بواکی شرطه که بریسی
حضرت عمر کریمه سنی بکاتر و یح * ایکنجیسی کندید نصکره امر خلافت
بکاتقلید اولاق اوزره ضامن اولورسن اسلامه رجعت ایدرم دیدی *

بندخی تزویج ماده سنه راضی اولدم * لکن امر خلافت جسارت ایده
مدم دیوختم کلام ایلدی * حضرت عمر رضی الله عنه امر خلافتده
متعمدا و اوق کرل ایدی دیوانظم سار تاسف ایلدی * بعده حسانه دعوت
ایچون آدم ارسال اولوب * سبب دعوت نه اولدیغی معلومی دکل ایکن
حضور عمر دخول اندکده * بن ال جفته رایحه سنی استشمام ایده یورم
دیدی * حضرت عمر دخی نعم هنوز جبهه بن ایهم طرفندن کلان آدم
خاسر در یچیل * حسان ای برادرزاده سنکاه بکامبعوث اولان هدیه یی

ویریدی * سفیر سنل ندن معلوم اولدی بنده سکا هدیه اولدیغی دیچیل *
حسان * جبهه عصبه کرامتدرد * جاها بنده بن افی مدح ایتشیدم اولدخی
عهد ایتشیدیکه بنی یلنلردن هر کیمه ملاقی اولورسه بکا هدیه ارسال ایلده *
ایقای عهد و بنده ثابتدر * البته سنکاه ده بکا بر هدیه کوند رمشدر دیدی *
پس سفیر هدیه سنی حسانه تسلیم ایلدی * حسان محفل فاروقیدن بویاتی
انشاد ایدرک منصرف اولدی *

* ان ابن جفنة من بقية معشر * لم يعد هم ابنا وهم باللوم *

* لم ينسني بالشام اذ هور بها * كالا ولا متصرا بالروم *

* يعطى الجزيل ولا يراه عنده * الا كبعض العطية المذموم *

اما حضرت عمر سفیرک تقریرندن متأثر اولوب جبهه نلک اسلامه رجعتی
امیدیلده سفیر من بوری امر خلافتده ضامن ایدوب تکرار قسطنطنیه یه
ارسال ایلدی * لکن سفیر قسطنطنیه یه دخول ایلدیکی کون * خلق
جبهه نلک جنازه سندن منصرف اولورلرایدی سفیر بوحالی کورروب ان الشقا
غلب علیه دینه رلک مدینه یه رجعت ایلدی * والله اعلم بحقیقه الامور *

الیوم ارتود طائفه می جبهه نلک انبیاع و اشیاغی ذریقتدن اولاق اوزره
متقولدر * کویا جبهه سفیر موی الیه غار غلبنا ان نعود دیوب کلام من بوری
تغیر ایلده ارتود اولمش ازل * فقه * و تیره مشروحه اوزره جبهه طرفته شجاع
ابن وهب حضرت تلیک سفارقی اعلامدن ابن هشام و بعض فحولک مختاری
اولوب * بعض علماء انما ارسل الی الحارث بن شهر الغسانی عسارتله که ادات
حصر اولان انک کله سنی مشعل اولقله * حصر مقصود ایهه مضمون کلام
نقی و اثباتی متضمن اوللق ملا بیه می * سفارت شجاعی انجق حارث طرفته
تخصیص و اثبات ایلدوب ما بعد ادن نفی ایتشدر * بعضلر دخی الیه ما عنوا نیله
حارث و جبهه یه ده عزیمتته ذاهب اولمشدر * لکن ابن هشام قوی مثبت
ارقله متقدمدر * و اگر حصر مقصود اولرسه کلامین یلننده منافات اولمز *

قول ثالث که ایکسینده ده عزیمتی نا طقدرد * مراد مکتوب واحد ایل یا خود
ایکی مکتوبله زمان واخذده که سنه سابعه محر منک اولیدر * ایکسینده
اعتراف ایلک ایهه مرض صحتدن دوردر * زبر اول او انده ملک غسان حارث
اولوب سال فتح مکینه قدره مقام زندگانیده لایث ایدی * بعد وفاته جبهه
جانشین اولدی * پس صواب اولان بزم ذکر ایلدی بکمز اوزره شجاع بن وهب
سابعه ده حارثه * و ثامن ده جبهه طرفته سفارته عازم اولمشدر * والله اعلم
بحقیقه الحال

حضرت نری کا خطاب ایدوب باجد بزمہ برابرہ واصفر جہاد نہ عزیمت
ایدوب بن یوسف مہارہ اول نامر دیوسیاق اوزرہ سرد جواب سردا بلدی کہ
یار رسول اللہ بن زندوست کسہیم بنی اصفر نکار لرین کورینج
عنان اختیارم ربودہ دست هواو کر بیان اصطبارم جا کجورده بنجہ
حسن و بہ اولہ جفی مجزوم اولمفلہ افتادہ ورطہ افتتان اولہ جفم عند مدہ
نمایان اولمفلہ بنی تخلفہ رخصتی نیاز ایدوب دیواسفعا تسکله پیغمبر
ذیشان حضرت نری آدن روگردان اولدیلم * ومنہم من بقول انذنی
ولا تفتنی الا فی الفتنہ سقطوا وان جہنم لمحیطہ بالکافرین * کریمہ سی النک
حال منیافقہ سنی بیان ایلدی * واعراب قبیلہ غفاردن طہ سانیہ قریب
بد بختلر کلوب یوسف سعادت اژدن تخلف ضمنندہ اعذار فاسدہ ایراد ایلدیلم
سید الکائنات حضرت نری انلاردن دخی صرف روی التفات یوردیلر
وجاء المذرون من الاعراب لیؤذن لهم * کریمہ سی انلار حقندہ نازل اولدی
وبعض منافقین استیدان ایتیموب محضاً جرأ علی اللہ والرسول تخلف
ونکول ایتیلر * وقعد الذین کذبوا اللہ ورسولہ سیصیب الذین کفروا
منہم عذاب الیم * وعیدی انلار حقندہ نازل اولدی * وفقرای اصحابدن
یدی کسہ کلوب یار رسول اللہ رکاب مستطابده غزایہ عزیمت اقصای
امنیتز اولوب لکن را حله من اولما مغلہ بردوہ احسان یورلمق مستعد عادر
دیونیا زمند اولد قلزندہ رسالتاب حضرت نری سزری ارکاب ایلہ جل رکاب
قالمدی یورمغلہ * انلار نومید اولوب * سوز حیرتہ بکا ایدرک عودت
ایلدیلر * ولا علی الذین اذا ما تولوا لکنہم قلت لا اجد ما احکم علیہ تولوا
واعینہم تفتیش من الدمع حزنان لا یجدوا ما یفقون * کریمہ سی انلار
شانندہ شرف نزول ایلدی * بنابرین * اول طائفہ کز بن بکائین ایلہ ملقب
اولدیلم * ما حصل عدہ وعتاد سفرہ مکمل اولوب * محمد بن سلمۃ الانصاری
اجلاس مسند خلافت * وحضرت مرتضی امہات مؤمنین امور فی
رویت ایچون تخلیف واقامت یورلد قد نصکرہ حسب الامر لشکر اسلام
نبیہ الوداعہ مجتمع اولدیلم * اوتوزیلک علی قول قرق یلک وعلی روایہ
شمس یلک مردنیزہ کذار اولوب * اون یلک نقری اسب سوار ایدی
رئیس المنافقین جہول و مخذول ابن ابی بن سلول کندیلک اتباعی
ویہود و منافقین بن خلفاسی برلہ معکر ہما یونل مسفلہ سندہ بشفہ جہ
نومشیدی * موصکب جلالت نہضتہ مبادرتہ مخذول خزی ابن
ارباب مسلمین قصدیلہ حضرت محمد یوسرت حال وقت منالہ بولہ شدت

جرہوا دمنندہ بلاد بعیہ المری بہ کیدوب بنی اصفر ایلہ محار بہ داعیہ سندہ
اولہ جتدر * انلارک جتکفی ملاعبہ ظن ایدر * اعتقادم بودر کہ جملہ سی
کرفتار زنجیر امر اولور لر دیوب * اشباع و ہوادار لر بہ رجعت وسوہ نام
یہودی خانہ سندہ عقد جمعیت ایلدیلم * یوخبہ بالغ سمع سید البشر اولیحق
بر مقدار مہر دانشین صوات برلہ طلحہ بن عبد اللہی * کوندروب اول
دوزخیلر اولدیغی خانہ من یوری احراق بالنار ایلدیلم * ضحاک بن خلیفہ
نام منافق ظہر داردن اقتحام ایدر کن * دوشوب ایای شکست اولدی *
ماعدہ بخازیل امرار بنی سپرہا فرار اولدیلم * قرینہ حال ضحاک مر سومل
انشاد اندیکی مقالدر *

* وکادت ویت اللہ نار محمد * یثیبت بہا الضحاک و ابن ابیرق *

* رطلت وقد طہقت کبش سوہلم * انوح علی رجلی کسیرا ومرتقی *

* سلام علیکم لا اعود یملہا * باخاف ومن تشکل بہ النار یحرق *

منافقین زمرہ سی حضرت مرتضی مستقل سلطان الانبیاء اولمفلہ * ہمراہ
وانمدی دیونہ سراتد کاری ار جوفہ واصل سمع مرتضوی اولیحق * سلا حنی
الوب موکب ہمایون جرف نام جا بکاہہ نزول ایلدیکی خلالہ * معسکر
نصر تقرونہ ملحق اولوب * بارکاء رسالتہا عہد عرض اراجیف منافقین
ایلدی * سید المرسلین حضرت نری یوردیلر کہ * باعلی مہر علی اولان
مقالہ کذبہ منافقیندر * بن سنی ال کرام نظارتیچون تخلیف
وتوفیف ایلدم * دوتوب مامور اولدیفل خدمندہ اہتمام ایلہ * باعلی راضی
دکلمین کہ سن بنم جہتمہ نسبت ہارون موسی منزئندہ اولہ سن * نہایت
بند نصکرہ پیغمبر یوقدر یورمفلہ * حضرت مرتضی متسلی و منشرح
اولوب رجعت ایلدی * بوندن غیر غزوہ دہ تخلفلری واقع اولدی *
فایحہ * حضرت موسی علی نبینا وعلیہ السلام مبقاتہ توچہ ہارندہ برادر
مکرملری ہارون علیہ السلام حضرت نرین استخلاف یورمغلہ * حضرت
مرتضی دخی اول مرتبہ بی احراز ایلدی * و یوسفردہ خلاصای مسلمیندن
کعب بن مالک * و ہلال بن امیہ و مرارہ بن الربیع کبی بر جمع بلا عذر
تخلف ایلدیلم * و خلال راہدہ واحد بعد واحد تخلف ایدر لر ایدی *
حضرت رسول اللہ فلان دخی تولی ایلدی دیوخبہ و برلہ بکہ * تقید ایلکر
اکر انلار دہ خیر واریسہ حق تعالی قریبا انلاری مزہ الحاق ایدر *
والا انلاردن سزلی تخلیف ایلدی یورر لر ایدی * و متہوم النفاق اولمیان
مخلصیندن ابو حنیفہ اثنای طرقدن حاند اولوب * بر روز بر سوزدہ خانہ سندہ

وارد اولدی ایکی زوجه سی اولغله هریری عربی شیرین صولوب سپور مشر
 ووزکی صوتیرد ایدوب و تفس اطعمه ترتیب ایتمیشلر ابوحنیفه
 یونی کوریکل بله غیرت دینیه سی هیجان ایدوب رسول عالی جناب
 حضرت تری الهویه هوای حامیه ایلد بیتاب اولوب ابوحنیفه ظل بارد
 و ماه مهنا و بانوی حسنا برله صفایاب اولق بیرون حد صوابدردیوب
 زوجه لرینه خدای بیهمناحق موصکب همایونه ملتحق اولدق
 بریکزل عریشه دخول ایتمک منصورد کادر همان بکازاد طریق تدارک
 ایلدیه سزیدی انلاردخی اعدادا تملیه الوب نسیم اساوزیده و تبول
 منزلنده معسکر همایونه رسیدارلدی هنوز اتخاقتدن مقدسجه اصحاب
 کرام کوردیلرکه عقب عسکر دن بر سواره توارد اولبور سیدالابرار
 حضرت تری نه اخبار ایلد کارنده کن اباحنیفه پیورب و صوانده
 یار رسول الله و الله ابوحنیفه در دیدیلر کلوب کفیتی خبر ویریکل حقد
 خیرد عایوردیلر ابوذر غفاری نکل راحله سی بیتاب اولغله پسمانده موکب
 جلالتماب اولوب ناچار حوایج ضروریه سن استعجاب و عقب عسکر دن
 شتاب ایلدی طرف رسالتداره ابوذرک تخفیفی اشعار ایلد کارنده مقیم
 اولمک کزاکر وجودنده خیرد وجود ایسه حضرت ملت متعال انی سزه
 ایصال ایدروالامری اندن مسترح البال ایلدی پیوردیلر تبوکه نزول
 پیورلدیغی آنده دوردن شیخ ابوذر غفاریان اولغله اصحاب کرام یار رسول الله
 بر پیاده کیموردید کارنده حضرت رسول الله کن اباذر پیوردیلر مقرب
 اولیق و الله ابوذر دیدیلر حضرت لانی بعده علیه السلام رحم الله اباذر
 عشی و حده و عوت و حده و بیعت و حده یعنی حق جل و علا ابوذر رحمت
 ایلسون یالکزیورر و الکرز وفات ایدر و یالکزیوت اولتور پیوردیلر
 بدیعه حضرت صدیق اکبر رضی الله عنه جانب عقبایه نقل
 وجود کرامت پرور ایلد کد نصکره ابوذر شامه ارتحال ایدوب
 حضرت ذی النورین خلافتیه قدرانده اقامت ایلدیلر فی ذاتہ عالم و عامل
 و حقکوی و متصلب فی الدین و ولومه لا تمدن فی مبالات اوافله والی شام
 اولان معاویه جنابنک بعض اطوارنه اظهار صورت استنکار ایتمکله
 خلیفه طرقتنه شکایتنامه ارسال ایتمکین حضرت ذی النورین ابوذر
 ریده به اجلا به و انده اوالا ایلدی یاننده زوجه و غلامندن غیر بر فرد
 یوغندی مرض موتنده شمع حیاتم یف زده صرصر ممت اولیق بنی غسل
 و تشیم یز و تکفین ایلد کد نصکره اخرین من کب ناسوت اولان تابوتی

مر راهه وضع وابتدا عبور اید نلره تعریف ایلدیه سزید و وصیت ایلکله
 انلاردخی وصیتی اوزره عمل ایلدیلر مکر عبد الله بن مسعود رضی الله عنه
 بر جمع ایلد عرافدن عمره قصدیلر مکه مکرمه به عازم اولمشلایدی تابوت
 اوزرینه مرورنده غلام ابوذر اولدیغی اعلام ایلکله ابن مسعود کربه
 وزاری ایلدیه رک صدق رسول الله عشی و حده و عوت و حده و بیعت
 و حده دیوب جمله سی نزول و نمازنی ادا و اول کج تقوایی زیرنا کده رمس
 و اخفا ایلدیلر تمه و اثنای راهده راحله نبوی غائب و بر طرفه هارب
 اولغله بر منافی حضرت محمد ادعای نبوت ایدوب ایمانندن سزله خبر
 ابلاغ ایدر شمعی دوه سی قنده اولدیغی ادرالک ایلز دیوهر زه لای اولغله
 هذیان مرسوم نور نبوتله حضرت رسول الله معلوم اولمین اصحاب کرام
 متوجه اولوب بر کسه شوکونه تقوه ایلدی قالدیکه بکار نسته بی عالم
 الغیب جل شانه اعلام ایلدیکه بنم معلوم اولمز شمعی وخی الهیله متیقن
 اولدیکه دوه فلان وادی شعبنده زمای بر شجره پیچیده اولمش طورر
 واروب کنورلدیو امی پیورملرله واروب محل مشارده اول هیئت اوزره
 بولوب کتوردیلر و حسب الطريق کسرحای مهمله و سکون جمیله حجر نام
 موضعه که دیار نمود در می ورلنده حضرت رسول الله ردای شریفیلر
 سر سعادت نلرین تسجیه ایدوب و راحله لرین اسراع پیوردیلر و اصحاب
 کرامه امر و وصیت پیوردیلر که تقض لرینه ظلم ایدن قومل دیار لرینه گذار
 ایلدیکه کزده مصاب اولد قلمری قهر و نکال ربانی منزله دخی اصابت ایلامل
 تضرعیه کربیه ناله اولدیغی کز حالد کذرا ایلدیه سز القصه اقبال و سعادتله
 منزل تبوکه واصل اولوب آنده اولان چشمه عین انصاف اینای زمانه کبی
 و امانده فیضان اولغله محسوس اولان چند قطره ضویندن حضرت
 رسول الله اعتراف ایدوب بعد المضمضه بنه درون چشمه به القای پیورمغله
 در ساعت غلیان ایدوب اشک چشم کبی روان اولغله بشلدی و منزل
 من یورده ایلد نام بلده صاحبی یخنه بن رقبه اهل جریاء و اهل اذرح و اهل
 مینا ایلد بار کاه رسالتله فرش جباه ضراعت ایلدیلر اسلام عرض
 اولمقد قد نصکره جزیه اوزره عقد مصالحه اولندی یخنه طویل جلیله
 خاصه بر استرناز کتر کشیده ایدوب سلطان الانبیا حضرت تری دخی بر رده
 تشریفله شرفیما پیوردیلر و امر نبویه اشبو غنقه ترقیم ویدینه تسلیم
 اولندی بسم الله الرحمن الرحیم هذا منه من الله و محمد النبي رسول الله
 لیخنه بن رقبه و اهل ایلد و اساققتهم و سارتم فی البر و البحر لهم ذمه الله و محمد

النبي ومن كان معهم من اهل الشام واهل اليمن واهل البحر * فن احدث
منهم حد ثاقفه لا يحول ماله دون نفسه وانه طيب لمن اخذه من الناس وانه
لا يحل ان يمنعوا ماء بردونه ولا طريقا يريدونه من بر وبحر * وجرباء واذرح
اهل السنه ده اشبو وثيقه تحرير يورلدی * بسم الله الرحمن الرحيم * هذا
كتاب محمد النبي لاهل اذرح وجرباء انهم آمنون بامان الله وامان محمد وان
عليهم مائة دينار في كل رجب وافيه طيبة والله كفيل بالنصح والاحسان
الى المسلمين * واهل مينار ربع انمار سنويه لري اوزره عقد رسته مهاده ايلديلر *
قائه * ايله فتح همزه وسكون باي تخمانيه ايله طريق حجاج مصر به ده واقع
عقبه جنبه بريله در * وجرباء شامه برقر به در * اذرح * فتح همزه وسكون
زال معجه وضم راي مهمله ايله كذلك شامه برقر به در * مينادخي برقر به در
* تته * چون تبوك منزلي قدوم لطافتلوزوم نبوي برله برجهت ورشكيد
كلزار جنت اولوب * يكرمي كونه قريب انده خيمه زن اقامت اولند قد نصكره
مهيچ سفر اولان خبرك بيساس اولديغي معلوم اولغله * شاه * كشور
رسالت حضرت تلي شام اوزره واريلوب * كفار ايله مقاتله اولتق امر نده
اعيان اصحاب * كرامله عقدا نجهن مشورت بيورمغله * فاروق اعظم
حضرت تلي يار رسول الله * كطرف رب العزت دن ماموريت وارايسه
البته ارخاي عنان عزيت بيوراني واجبه ذمت در ديچك * حضرت رسول الله
يا عمر اكر مامور اوليدم سر كاه مشاوره ايلماز ايدم بيورديلر * پس حضرت
ابن الخطاب بوزمين اوزره دهنكشاي جواب اولديلر كه * يار رسول الله لشكر
روم جمعيت اوزره اولوب * الحاله هذه انلاره قريب ورود ايلدك شوكت
وهيبه كز قلوبلر يته ابراث خديشه وخشيت ايتكم به بودفعه بومقدار ترهيب
وترعيله اكتفا اولتوب * بوند نصكره مترقب ظهور امر خدا اولتق مناسب
ظن اولتور ديچك * جوهر با كيزه غبار راي عمر سنجيده ميزان خاطر خير
البشر اولغله * سفر شامدن فراغت * وطرف طيبه تحويل لجام معاودت
اولندي * خلال راهده تين فلان اسابز عظيم الجته ازدها نمايان اولغله *
خاق توحش ايدوب بر طرفه مخاز اولديلر * اول ازدها را حله سلطان الانبيا
جنبه * كلوب وافر مدت پيشگاه رسالت دستگاه عاليده قائم البت
ايلد * كد نصكره كناره جكيلوب يته قائما كويا كه منتظر سلام اسلام
اولدي * پيغمبر جن وبشر عليه الصلوة ماطلع الشمس والقمر حضرت تلي *
اصحاب * كرامه متوجه اولوب بوازه هامة لومكز اولدي ديواستقضا
بيوريجق * انلار الله ورسولي اعلم در ديديلر * نبي نيشان حضرت تلي مكه ده

بكا كلوب قرآن * كريم استماع ايدن سكرتقر جنبان كروهند ندر *
بونوا حيد ساسا كن اواغله حقوقه رعايله كلوب تساميم ونحييت ايلدي *
سزله دخی عرض سلام ايجون ايستاده قام اكر امدر بيوريجق * اصحاب
كرام حضرت اتي وعليه السلام ورحمة الله وبركاته ديوتلم ايلديلر * فابحه *
كرجه اصحاب سير * مكه ده وفود ايدن طائفة جنی سكرتقر اولتق اوزره
ثبت ايلديلر * لكن * روايت صححه اوزره يدي نقر در * ولادتك النبي
سنه سنه طائقدن رجوع بيوزوب مكه به برمر حله ساذه نخله نام موضعه
تشر يفرنده نصدين جنلر دن يدي نقر جن رخساي خاكساي خير الناس
اولوب عودت ايلديلر * قومنه ملاقاتلر نده خبر و برملر ايله اوچموز نقر جن
كلوب مكه ده درگاه رسالته فرش جين ايدوب حضرت سيد المرسلين
چونده انلاره قرائت قرآن مبين ايلديلر * تته * وینه خلال عودت نده
منافقيندن اون ايكي على قول اون درت يا خود اون بش نقر مخاذيل بد كهر
میانلر نده بوجه اوزره مشورت و اتفاق ايلديلر * كه * حسب الطريق
مدينه ايله تبوك بيننده اولان عقبه دن * كذرايد را يكن * برتقريله
راحله نبوي به يناشوب زعمر نجه رسول عالى القدر حضرت تلي حاشا اشاغي
القا ايله لر * مسفور لر * بوداعيه * قسد تلي وحى رب العزله معلوم شاه
* كشور بهشت اواغله * شهنكام عقبه هر سوم دامننه ورودلر نده *
حسب الامر بونسق اوزره ندا اولندي كه * تنها جه سيد حضور حضرت تلي
عقبه دن عبور بيوروب * سائر اجناس سپاه اسمعيل واسع اولغله بطن
وايدن روبراه اولر * پس سرور ملاك رسالت حضرت تلي عقبه دن عزيمته
مبادرت بيوروب * بر موجب فرموده عمار بن ياسر قائد وحذيفه سائق
اولديلر * اثنای عقبه ده ناگاه ضبابه * كي غشيان محسوس اولوب *
كد كده لرندن راحله نبوي رميده اولغله * اوزرندن بعض امتعه دخی ساقط
اولدي شاه سر بر لولاك حضرت تلي غضبناك اولوب * حذيفه به طرد
وتبعيدلر يابنده امر بيورديلر * حذيفه بومرتبه انفعال نبوي بي كوريجك
نجه سبل اول مخاذيلك وجوه راحله لر يته اليكم اليكم باعد والله ديه رل
ضرب ايتكم بشلدي * چون خدعه لري نمايان و ترتيب اندكاري مقدمه
مكيدت نتيجه پذير اوليه جني عيان اولغله * همان بطن وادي به شتابان
اولميرله حذيفه دخی ركاب مستطابه رجوع ايلدي * پيغمبر عاليشان
حضرت تلي يا حذيفه بوقوم مقاتل اذعان ايله يباد * كي ديواستفسار
بيوردهده حذيفه شهنكام اولوب وبله ي برقع پوش اولميرله تشخيص

عليه الصلوة في كل الزمان حضرت تلي خالد بن وليد في در تيز بکرمي نفر
 شهنشوارايه دومة الجندل حصار نه تعين * وحصار من قوم حاکمی اکيدر
 ابن عبد الملکی که متصرفه عربند در * بقرو حش صيد نه مشغول ايکن
 ملاقي اوله جعفر بن تميمين بيورديلر * حضرت خالد حسب الامر حصار
 من قوم جانبنه عامه اولوب * نطی من اجل ايدرلک برشب مهتابه حصار من بوز
 سمته واصل اولديلر * اول کيچدا کيدر فرار حصارده کاش دروازه مشرف
 قريه سنده پست نشين راحت اولغله * ناکاه برکاو کوهی کلوب شاخيره
 دروازه حصاری خل اتمکه بشلدي * خاتونی بونی کوريجلک ياکيدر
 بوشکارگاه عالمده بويلا باغله کلان شکار کوردکی دیدی * اکيدر لادیجل
 خاتونی به شعی بگونه به ملکاهه کلش صيد عظیم تسبيب فضای اهل مال
 اولق مناسميدريدی * اکيدر لاله والله ديوب برادری حسان وچند نفر
 اتباعيله سوار اولوب حصار دن بدر * وعقبکير بقراولديلر * اول خلalde
 سپاه اسلامه مصادف اولميرله همان شیرزکي خالدا کيدري پنجه استيصالنه
 اختطاف * و حسان مقابله سودا سنده اولغله وجودنی ازاله واز عاف ايليوب
 بقیه می درون حصاره هزار روز و زارايه اتقای جان ایلديلر * خالد رضی الله
 عنه اکيدره کراسترسل چانکه امان ویروب سنی درگاه رسول الله کوتره يم *
 اما حصاری آچوب بره برادر لوعناد و مخالفت ایلينه سن دیدکده اولدخی
 راضی اولغله * برابر زیر قلعه به کادیلر * اکيدر لاله مضار نام برادری درون
 قلعه ده اولغله قرن دانی بن دایمزه کوريجلک قیوی اچمقدن امتناع ایلدی *
 اکيدر * طرف خالددن رجاستند اولدیکه بر ماده اوزره عقد صلح ییوريله *
 تا که برادری دروازه بی کشاد ایلینوب و معاجانب نبوی به رونهاد اولدیر *
 و امر نبوی نه کونه ضادر اولور ایه تسلیم کردن اقتیاد ایلدیر * حضرت
 خالددخی قبول ایلینوب ایکی یلک دوه وسکیزوزات و در تیزوز * کیم زره
 و در تیزوز نه به قطع اتمکه فتح رواج حصار ایلدی * بعده ایکیستی ذخی الوب
 رخسای خاکای سیدالورا اولدیلر * حضور فائض النور نبویه التزام جزیه
 اتمکله دیوان رسالتدن یدلر نه وثیقه اعطا وسیدلری اخلا اولاندی *
 اکيدر لاله اسلامی خصوصنده بین اهل السیر اختلاف واقع اولمشدر *
 لکن هقدم اسلامه کلوب زمان خلافت صديق اکبرده مرتدا اولغله میانه
 قوانن توفیق اولمشدر * حتی وقعه من بورهده شرفیاب اسلام اولدیفنی دیوان
 عالیدن شرفیافته صدور اولان مکتوب سعادت معصومک بسم الله الرحمن
 الرحیم من محمد رسول الله لا کيدر حین عذاب الا الاسلام و خلع الانداد

والاصنام مع خالد بن الوليد سيف الله في دومة الجندل واكفهم ساعنوا له
 صادر اولمى تايد ايدير * خلافت صديقده معاذ الله تعالى من تد اولغله نه
 حضرت خالد اول بليد معاندى حصار و بعد الاخذ فرستاده حصن بوار
 ايلدى * مريه وليد * و سال من قومده وليد بن عقبه بن ابى معيطه سريره می
 واقع اولدى * سرور * کز بن عقبه الصلوة مانع زدينه المبین حضرت تلي
 وليد بن عقبه بی استيفای مال صدقات اتمک ايجون قبیله خزاعه دن *
 بنو مضلقه تعين ییوردیلر * وليد لک قدومندن خبردار اولیجی محضاه قدمنه
 اظهار جندل و شباشت * و امر الهی و نبوی به تعظیم و اطاعت قصديله
 یکر می نفر کسبه دوه و قیونلرله استقباله استجبال ایلدیلر * کرچه جله می
 مسلم اولوب مساجد شریفه بنا و اظهار شعائر اسلام ایدر لرایدی * لکن
 وایدايله بینلارنده معادات جاهلینه اولغله وليد بونلارلک بگونه جمعيله
 ورودلرین کوريجلک ملاحظه دیکرله متوهم اولغین قبل القاعودت * و درگاه
 رسالته فرش ناصیه ضراعت ایلد کدنصکره بنو مصطلق بنی قتل قصديله
 سلاجیوش تلقی ایلدیلر دیواخبار اتمکله * حضرت رسول الله دخی اعماد
 ییوروب اوزر لر نه عسکر تعین ایال اراده سنده اولغله * بنو مصطلق استماع
 ایندیلر بر قاج نفر تعین لر استان محمد الاقباله رومال ایتها اولوب *
 یار رسول الله وليد لک قدومی مسموع عز اولیجی محضاتکره استقباله شتابان
 اولنوب قبل الملاقات عاند جانب معادات ایات اولغله * حقه زده عجمنا
 بر صدمه ضرر حادثه ایلد دریای خشم نبوی تموجنه مبنی امر نامه وروديله
 عودت ایلدی ملاحظه سیه مستغرق لجه حیرت اولمشدر ز * اتش قهر و غضب
 الهی و رسول اللهیدن خدای متعاله استعاذه ایدر زردیو بسط * کيفيت
 ایلدیلر * رسول بیم مال حضرت تلي استطلاع حقیقت حال ايجون نهانی
 خالد بن وليد ارسال ییوروب انلارده عیالیم اسلام مشاهده ایدرسل
 ز * کوانلرین اخبذ واستیفا * والا کفاره اولان معاده لی حقه لرنده
 اجرا ایلینه سن دیوتیه ییوردیلر * خالددخی هنگام غروبده مأوا لینه واروب
 مغرب وعشاء اولنلری * و عوی اواغله ایمان و اسلام لیرین تحقیق و اذعان
 اتمکله * زکوانلرین جمع و قبض ایلد کدنصکره عودت و وقوع علی *
 بقدر رسده معادات ایلدوب * اولوجه لک ایلدک حرکتی محض توهمه مبنی
 اولدیغی متعین اولدی * یا ایها الذین امنوا ان جاءکم فاسق بینه فمینهوا *
 کریمه می بویا بده نازل اولدی * بعده پیغمبر ایشان حضرت تلي * عباده بن بشر
 چخا لیرین اخذ صدقات * و تعلیم شریعت و قران ایلک ايجون قبیله من قومده

ارسان بیوردیلر * واید موی الیه حضرت عثمانک لام برادریدر بیورد
 خلافتلرنده * کوفه یه والی نصب ایدوب صلوٰه فجر ی جماعته درت رکعت
 قبلدر دقد نصکره * باستر سکر زدن زیاده ایدیم دیدیکی بالغ سمع ذی النورین
 اولمله عزل ایلدیلر * منریه قطبه * وسته من بفرده قطبه بن عامر بن حذیفه
 دکر می نفر دلاور ایله اعمال مکه دن شم تای تحتانی و فتح رای مهمله ایله
 تربه نام محله قریب بیشه یا حیه سینده متکین ختم قیله می اغارتنه نامزد
 اولمله * ووضو للرنده بینلرنده عظیم محاربه واقع اولغین * زخدار اولدق
 کسه قالمیوب احراکار تاید عز زحمار ایله مجاهدین ابرار منظر ظفر اولوب
 اعدای بدکر دارمهور و مدمن اولملریله * قتی وافر کوشقندو جمال و تسوان
 واطفال استلاب ایدوب * متراجع درگاه رسالتاب اولدیلر * هر بریتل
 حقه سینده در در دودا صابت و هر دوه او زرقون براه تعذیل اولندی *
 * علامه عکاشه علی هدم * آلی اجماع لاتین رجم *

سیری علقمه * وعکاشه * وعلی بن ابی طالب * وهدم النبي مسجد الضمرا
وآلی النبي علیه السلام * واج النبي ایا بکر * ولأعن النبي ای امر باللعن *
ورجم اثنين ای حکم برجهما تقدیرنده در * بیت من بوزده سکنز لایحه
مندرجدر * سیریه علقمه * سیریه عکاشه * سیریه علی بن ابی طالب *
هدم مسجد ضمرا * آیلاه رسول الله * احتجاج ابی بکر الصديق * امر لعان
ماده بجم * سیریه علقمه * وسنه من بوزده علقمه بن مجز رضی الله عنه
سیریه منی واقع اولدی * باعنی بودر که جده خلقی دریاده بر مقدار حبشه
قورصا ندری کورملریله * استان جلالت انار بنوی به اعلام و اخبار
ایلد کارنده * سلطان کشور اجلال حضرت تری دخی اوچوز مبارزایله
علقمه بی ارسال پیوردیلر * سفینه لره بنوب طائفة من قومیه طرفیه
یاد بانکشای صوات * وجزیره لر مه قدر کشتی ران عزیمت اولدیلر * دوردن
سباه اسلامی معاینه ایدیلر * جمله سی متولی سوی ا دیار اولمریله * طرف
طیبه به اماله سکان عودت ایلدیلر * حین رجعتده بعضی اسلامیان استیصال
ایتمریله * علقمه حضرت تری * اوزر لر بنه عبد الله بن حذافه المصمعی
جنابلرین امیر نصب و تقدیم ایلدی * بر متر لده اصطلا ایچون آتش ایضا
ایتمریله عبد الله ذاتسده مائل مزاح اولغین بروجیه لطیفه بکا اطاعت کز
ایلدیله کندی کزی شو آتش ایچره نالیدر سز دید کده * بعنلری جده
جنابلرین امیر نصب و تقدیم ایلدی * بر متر لده اصطلا ایچون آتش ایضا
ایتمریله عبد الله ذاتسده مائل مزاح اولغین بروجیه لطیفه بکا اطاعت کز
ایلدیله کندی کزی شو آتش ایچره نالیدر سز دید کده * بعنلری جده

مهر و رض سده معا لیمع سور او ایچ * من امر کم بمعصیه فلا تطیعوه حدیث
شریفه و عایه معصیتده اولوالامر اطاعتدن نهی یوردیلر * سریه عکاشه
وسنه مر قومه ده عکاشه بن محسن * رضی الله عنه بنوعذر و بنوبلی
علی روایه عذره اشتر اکیله بنو کلب و بنو فزار قرار کاهلری * اولان حساب
نام محله تعین و ارسال اولندی * ظاهر اوقعه بی مشتمل اولم یوب یا خود
اختلافانی متضمن اولم * صاحب اصل بوندقد رایله اکتفا یا بلشدر *
سریه علی بن ابی طالب * وسنه مزبورده ربیع الاخرنده * اسد الله الغالب *
علی بن ابی طالب کرم الله وجهه * طی قبیله سنل ضم فاکون لامله
فلس نام صفرین کسر * و قبیله مر قومه بی نهب اتمل خدمته مأمور
اولم * حسب الامر یوزشتر سوار * والی اسب سوار * مرد نامدار ایله
سیاه و سپید ایکی لوی سعید کشیده موصف ظفر بنید * اولدیغی حالده
جانب مأموره عزیمت ایلاریلر * علی السحر اول قوم غفلت اثری بصوب ضم
مر سومی هدم و احراق ایلد کد نصر کره * بعد سیایایله اغتام و انعام کیره به
دسترده اغتنام اولدیلر * بین العرب مخار و محاحله ضرب مثل اولان
حاتم طایینل دختری سفانه دخ فرقه سیایاده ایلی * بتخانه خزینه سنده
عرب میانسده نامدار و رسوب و مخدوم و عیانی اسلریله قرین اشهار اولان
اوج قبضه تیغ نابدار * و اوج مر صعر زره دخ بدست سیاه ابرار اولم *
رسوب و مخدوم طرف حضرت مصطفایه اصطفی اولنوب * بعده عیانی دخ
داخل عداد اسنان خدایکافی اولم * لشکر اسلام سالماغانا * استان
ثریا انتظامه واصل اولوب کیفیتی تقریر * و سیایایی عرض پیشگاه فلک مصیر
ایلد کارنده * سفانه فی ذاتهار قارور زانت و تمکین و شهناسمت صاحبیه
ارمغه * وضع مجلدانه ایله ایستاده حضور تیوی اولوب * یا محمد بنی ازاد
ایتمکله بین العرب مستقر اولان ناموس خاندانمزی و صون شمانت
بیور مرکزی نیاز ایدرم * زیر این دودمان اصانت یاد کاریم * بن حاتم طائی
دختری کم کد پدزم دماری به فی عرض و ناموسی حمایت * و گرفتار محنت
و عنایه قل ایله عنایت * و جابعلری اشباع * و عریانلری اکسا * و مهم جانلری
اطعام ایلر ایدی و بر حاجتمندی قطع مایوسا اعاد مایتمدی دبیجک * سرور
عالم صلی الله علیه وسلم حضرت قری یوردیلر که * ای جاریه بود کر ایلد یکن
مؤمن خصالدر * پدر لک مسلمانم دارالبقا اولمش اولیدی * روحه رحمتله
دعا ایدردم * بونل پندری مکارم اخلاق سور ایدی * مکارم اخلاق مقبولتر
درگاه حضرت خلاق اولمغه بونل سیبانی تحلیله ایله سزد بومر یوردیلر *

به الاطلاق اسرار زاده را هفت مهبایدوب اعاده پیوردیلر * شامده
 پیوردی عدی بن حاتم ملا فی اولدهنده سرگذشتی بیان ایلدی * وفود
 خلانده برادر سئل ورودی ذکر اولنوران شاه الله تعالی * هدم مسجد ضرار *
 سبی بود که محله قباده انصار دن بنوعمر و بن عرف نام * اخلاص پیشه
 بطمله بنوعمر بن عرف نام تقی اندیشه بطن سیا کن اولر ایدی * جهول
 و مخدول ابن ابی بن سلولک خاله زاده سی ابو عامر دخی اول * کروه مکروه
 داخلندن ایدی * ابو عامر مسفور جاهلیته تنصرایدوب پلاس تلبسیله
 اظهار شعار تلبیس ایتمکله * ابو عامر الراهب ایلده شهر تیاب اولوب * بعده
 نبی صادق علیه السلام * اول منافق ابو عامر الفاسق ایلده تلقیب پیوردیلر
 مقدما سلطان هر دو سر احضر تلمی شبیه به هجر تلمنده راهب مسفور
 حضور سعاده وفور نبوی به کلوب * جانب الیهدن کتوردیکانه کونه
 دیندر دیو ستوال ایلد کده * حضرت رسول الله دخی دین حنیف ابراهیمدر
 پیوردیلر * لعین بی مات حال بن دخی اول شریعت اوزره یم دید * کده *
 حضرت رسول الله پیوردیلر که سنک ظن ایلد کاک داکدر * بن یضاه تقیه
 اولدینی حلاله کتوردیم * کافر مرسوم حضرت رب الانام کاتبی طریدا وحید
 و غریبا اعدام ایلسون دیدی * خرق عالم صلی الله علیه وسلم حضرت تلمی
 دخی نم پیوردیلر * احدهم الحجه سنده مرسوم ابو عامر * کندی قومندن
 الی تفرگشتی ایلده طرف رساله کلوب * یا محمد سنکله مقانله ایدن طائفه به
 البته معیت و معاونت ایلک لازمه ذمت * کافر تلمردیدی * واقعا
 اول غوایت اوزره مثبت اولدی * تا که هواز تلمر وقعه حنینده منزم
 اولدنده * اول تلمکار شام جانینه فرار ایلدی و اندن کندی قوم مسحق
 اللوی اولان بنوعمر طرفنه نهانی نومضون اوزره مکتوب تلمر ایلدیکه *
 بن قیصر طرفنه واروب بیحد عسکر استعجاب و مدینه اوزره عزیمت ایلک
 قرار داده نهن ملعت اناسام اولغله * سزردخی مبلغ وسع و مقدر تلمر
 اولان ادوات واسلحه تدارک ایدوب حاضر و مهبای اوله منزم * و بنمچون
 بر مسجد که معشاده دیر یخیر اوله جقد رینا ایلده منزم * اول زمزمه دغل دخی
 موحبیه عمل ایدوب شاه خطه بعثت حضرت تلمی قبوله غزاسنه یاد رکاب
 عزیمت اولد تلمی هنگامه اول طائفه غیر خائفه درگاه نبالت پناهه کلوب *
 یا رسول الله شدت شناده تلمر کیجه لرده اصحاب علل و اعذار ایچون بر مسجد
 شخصوس بنالاندک * آستان مکرمت بنیان نبویدن مسئولد که قدوم
 مسد تلمر مکرز ایل اول مسجدی شرفنا * و بنم ایچون خیر و بر کتله دعا

پیوره منزدیچکن * صدر صفة صدق و فلاح علیه التحیه فی المساء و الصباح
 حضرت تلمی * حالیا بن جناح سفر اوزره یم انشا الله تعالی بهداله و دد اموالکر
 انجیح اولانور پیوردیلر * غزوه من بوره دن رجعت اولوب مدینه به بر ساءت
 مسافه ذی اوان نام منزله شرفور و دزنده * حضرت جبریل نازل اولوب *
 والذین اتخذوا مسجدا ضرا را و کفرا و تفرقه یابین المؤمنین و ارضیادالمن
 حارب الله و رسوله من قبل و یحلفن ان اردنا الا الحسنى و الله یشهد انهم لکاذبون
 کریمه سنی درت آینه قدر ابلاغ ایلدی * هادم بنیان کفر و ضلال حضرت تلمی
 فی الحال مالک بن الدخشم و عن بن عدی * و برادری عامر بن عدی
 جلیلدرینه واروب * اهل طالم اولان مسجد معهودی تخریب ایلده منزدیو
 امر و ارسال پیورملرله * انلاردخی واروب احراق بالشارا تلمرله اهلایسی
 متفرق اولدیلر * مهبه * مرقوم ذی اوان همزه مفتوحه و واورانف
 لینه ایلده مضبوطدر * بکری علیه الرحمه دن منقولدر که * محل من بور
 اروان نام چاهندستیلد ذواروان اولوب استعجاله رای مهبه ساقط اولمق
 غالیدر * و مفسرین کرام ایت مرقومه تفسیرنده ذکر ایلد کرمی معنای
 شریفک مجملی بودر که * زمزمه منافقین صور تلمر مهبی بنا ایدوب دروننده
 امام محراب دین حضرت تلمرک ادای صلوته ایلانی نیاز ایلدیلر * که *
 تلمیم کرده لری اولان فساد و کفر و عنادله ترمیمه مدار اوله * کن حق
 سبحانه و تعالی رسوائی مشغله غزاسیمیلده انده نماز قیامدن مصون ایلدی *
 قوله تعالی ضرا را * یعنی اول مسجد ایلده اهل قباده و منلرینه مضاره
 ایتمک ایچون * و کفرا * یعنی اضمار ایتدکاری کفره تقویت ایچون * و تفرقه
 بین المؤمنین * یعنی مؤمنلریننی تفریق ایلده * که انلار مسجد قباده
 صلوته ایچون اجتماع ایدرلر ایدی * و ارضیادالمن حارب الله و رسوله من قبل *
 و اندن مقدم الله تعالی و رسوله محاربه ایدن ابو عامر فاسقه انتظار ایچون *
 و یحلفن ان اردنا الا الحسنى * یعنی انلار البته بین ایدرلر که بر بنسای مسجد
 من بور ایلده انجیح خصلت حسن اراده ایلدک که صلوته و ذکر و مصلینه توسعه در
 والله یشهد انهم لکاذبون * الله تعالی شهادت ایدر * که انلار عین لرنده
 کاذبلردر * و قهه ایلده * و سنه عز بوره ده قهه ایلده واقع اولوب حضرت
 رسول الله بر ماه مدیت از وراج مطهره دن عزت پیوردیلر * ایللا و بین
 ایتمک معنایسنه در * صورتی بودر که بر کون رسالتاب حضرت تلمی حقه
 بخت عمر بن الخطاب حجره شریفه لرنده و ساده پیرای عز و استراحت اولوب *
 حفصه جنابلری بالا ستندان بدر مکره لری فاروق اعظم زیارتسه اعترام

ایستگاه رسول به ممتاحضرت نری نهان لغین جاریه لری ماریه قبضه بی
طلب و انده خلوت پیور دیلر * بعده حفصه غودت و ماریه بی نزد رسول
اللهیده رؤیت اید بجلت احساس کیفیت ایستگاه بیرون حجره ده توقف اید و بی
ماریه خد قد نصکریه ایچرویه دخول ایدوب * یارسول الله ازواج سائر بیتنه
بنم حجره مده و روزنوبتده و فرام اوزرنده ماریه ایله خلوتک وجهی ندر دیو
غیر تمدن پر خشم اولوب کریمه اغاز ایلدی * حبیب رب مجید حضرت نری
حفصه بی تطیب قصد یله باحفصه تر کس چشم شبنم ریز مرشک
اولسون که * من بعد ماریه بی تقصه تحریم ایلدم * سنک صفای خاطرک
بنم دلخواهم در پیوروب * و یوسرک کتانی نمندده تخلیف پیور دیلر حوصله
حفصه به یوسرک کنجیده اولموب حضرت عائشه ایله بینلرنده کمال مصافات
اولغله * یا عائشه بحمدده تعالی ماریه دن رها بولدی دیو بطریق التبشیر کیفیتی
تقریر ایلدی * حفصه نک وجه مشروح اوزره افشای راز ایلدیکی * باوخی
الهی معلوم رسول اللهی اولغله * بنایت منفعل اولوب بر ماه مدت حله زواج
طاخراندن عزات پیور مق اوزره بین ایلدی بکرمی طقوزنجی کون حجره
صدیق بی مقدم نشارت مرشد لریلر رشک معلاقه صریحست ایلد کارنده *
حضرت صدیق یارسول الله حلف عزات مدت بکاهه به معلق اولغله *
حال ابن یکان یکان سبجه شمار روزان و شبان اولمده یم * بوکون تمام بکرمی
طقوزنجی کوندر دیو بچیل قدوم لری حکمتندن پرسان اولیجی * حضرت
رسول الله یا عائشه بوآی بکرمی طقوزکوندر پیور دیلر * ایچاخ صدیق اکبر *
وسنه من بوره ده مرور نام علیه انی الصلوة والسلام حضرت نری صدیق اکبر
رضی الله عنه جناب لرین امیر الحاج الکرام نصب ایللریله * ذی القعدة ده
علی قول ذی الحجة ده اوچبوز نفر حاج کرامله جانب بیت الله الحرامه احرامیند
اعترام اولدیلر * بش رأس هدی دوه می استعجاب ایلوب * رسالتاب
حضرت نری دخی بکرمی دوه مراد پیور دیلر * بر موجب امر عالی حضرت
صدیق عزم طریق ایلد کد نصکریه * اوائل سورة برأت نازل اولغله * مجمع
حجاجده علی رؤس الاشهاد تلاوت ایتمک ایچون حضرت مر تضاپی
عنبنام نافه خاصه به سوار * وعقب حجاجدن بعث و تیسار پیور دیلر *
بعض اصحاب کرام بوخدمته ده صدیق اکبر مظهر اولوب مخصوص عهده
مر تقوی به تقویس پیور دیلر * نرندن استکشاف لرنده * حضرت صدوق
ارسلان کرمده * و یوسرک کتانی نمندده تخلیف پیور دیلر حوصله
حفصه به یوسرک کنجیده اولموب حضرت عائشه ایله بینلرنده کمال مصافات
اولغله * یا عائشه بحمدده تعالی ماریه دن رها بولدی دیو بطریق التبشیر کیفیتی
تقریر ایلدی * حفصه نک وجه مشروح اوزره افشای راز ایلدیکی * باوخی
الهی معلوم رسول اللهی اولغله * بنایت منفعل اولوب بر ماه مدت حله زواج
طاخراندن عزات پیور مق اوزره بین ایلدی بکرمی طقوزنجی کون حجره
صدیق بی مقدم نشارت مرشد لریلر رشک معلاقه صریحست ایلد کارنده *
حضرت صدیق یارسول الله حلف عزات مدت بکاهه به معلق اولغله *
حال ابن یکان یکان سبجه شمار روزان و شبان اولمده یم * بوکون تمام بکرمی
طقوزنجی کوندر دیو بچیل قدوم لری حکمتندن پرسان اولیجی * حضرت
رسول الله یا عائشه بوآی بکرمی طقوزکوندر پیور دیلر * ایچاخ صدیق اکبر *
وسنه من بوره ده مرور نام علیه انی الصلوة والسلام حضرت نری صدیق اکبر
رضی الله عنه جناب لرین امیر الحاج الکرام نصب ایللریله * ذی القعدة ده
علی قول ذی الحجة ده اوچبوز نفر حاج کرامله جانب بیت الله الحرامه احرامیند
اعترام اولدیلر * بش رأس هدی دوه می استعجاب ایلوب * رسالتاب
حضرت نری دخی بکرمی دوه مراد پیور دیلر * بر موجب امر عالی حضرت
صدیق عزم طریق ایلد کد نصکریه * اوائل سورة برأت نازل اولغله * مجمع
حجاجده علی رؤس الاشهاد تلاوت ایتمک ایچون حضرت مر تضاپی
عنبنام نافه خاصه به سوار * وعقب حجاجدن بعث و تیسار پیور دیلر *
بعض اصحاب کرام بوخدمته ده صدیق اکبر مظهر اولوب مخصوص عهده
مر تقوی به تقویس پیور دیلر * نرندن استکشاف لرنده * حضرت صدوق
ارسلان کرمده * و یوسرک کتانی نمندده تخلیف پیور دیلر حوصله
حفصه به یوسرک کنجیده اولموب حضرت عائشه ایله بینلرنده کمال مصافات
اولغله * یا عائشه بحمدده تعالی ماریه دن رها بولدی دیو بطریق التبشیر کیفیتی
تقریر ایلدی * حفصه نک وجه مشروح اوزره افشای راز ایلدیکی * باوخی
الهی معلوم رسول اللهی اولغله * بنایت منفعل اولوب بر ماه مدت حله زواج
طاخراندن عزات پیور مق اوزره بین ایلدی بکرمی طقوزنجی کون حجره
صدیق بی مقدم نشارت مرشد لریلر رشک معلاقه صریحست ایلد کارنده *

باخود تقض عهدهی متضمن اولسه اقراریدن برکسته بی اکامتولی ایدرلر *
بوخسه سائر احکام علیه تبلیغنده چند دفعه عترت سنیه دن اولیان صحابه
کرام تعیین اولمشدر * حضرت جابر دن مر ویدر که صدیق اکبر عیقده عرج
نام محله ورود * و جماعله صلوة بخرا داسنه قیام اولنوب * تکبیره الافتتاحه
رفع ایدی مبادرت آنده و رادن صوت عضبامسموع عز اولغله * بزدن صکره
حضرت رسول الله حج اراده سیله قادمه جنبان تشریف اولدیلمر لمحو ظمیل
حضرت صدیق توقف ایلدیلمر * جناب مر تضاپی کور بچیل امیرام رسول
تعبیر یله جهت توجیه لرندن استفسار ایتمکله حضرت مر تقض دخی
بل رسول بقرأة برأة علی الناس یوم الحج الا کبردیو سورة برأت قرآتیه
مأموریتله ورود ایلدیکنی اخبار ایلدی * بعده طی مراحل ایدرلر مکة
مکرمه به واصل اولوب * یوم ترویبه دن برکون اول صدیق اکبر حضرت نری
علی ملاء الناس خطبه اوقیموب * امت محمد مناسک حج شریعی تعلیم ایلدیلمر *
یوم نحرده اجناس نام مناده مجمع اولوب * انلارک بعضی مسلم و بعضی
مشرک ایدی * و مشرکینک بعضلریله میانه پیونده رشته عهد و پیمان منعقد
و بعضلری ردای عهد و پیمانندن منجر دایدی * و عهدک بعضی مدتدن مطلق
و بعضی مدت محدودده ایله مقید ایدی * اول کون حضرت مر تقض حجره
العقبه عندنده قیام ایدوب اواز بلند ایلدی * ایها الناس انی رسول رسول الله
الیکم دیوندا ایلدی * خلق ماده رسالتدن استقضا ایلد کده * حضرت
مر تقض سورة برأت اولندن اوزعلی قول فرق آیت کریمه تلاوت ایلدی *
بعده ابوهریره رضی الله عنه * بریلوک صحابه کریمله طرف طرف جنته ایچق
مؤمن داخل اولور * بیت الخرامی عرباناکسه طواف ایلدون * و یوسنه
دفعه صکره کفار حج ایلدون * و میانه ده عهد اولموب باخود عهدهی نقض
ایلمش باخود هنوز عهدهی استواردر * لکن مدتدن مطلقدر باخود مدتله
مقیددر * اما منقضی اولمش باخود درت آیدن نقصان قالمش اوله * ما حصل
اشبه و اقسام خسه بی مشتمل اولان طائفة مشرکین مأموریتیه واصل اولق
ایچون درت آی امهال اولنوب * مدت عهدهی نقضاسنه درت ای باخود
زیاده قالمش * و هنوز رخنه کیر نکث و نقض اولمیا انلرک زمان عهدهی
تقریر * و ایضا اولمشدر دیوندا ایلدیلمر * و قد ما مشرکینله عهد عام یوسباق
اوزره معقود اولمشدیکه * بیت الحرامه منوجه اولنری صدق و منع اولموب *
واشهر حرمده فردا قریده مخوف اولغله * بعده بنو نضیر و بنو کنانه دن
بر طائفة نک ما عذابی باخود بنای عهدهی * هدم ایتمکله ایدی * فسبحوا

فی الارض اربعه اشهر کرمه سی منظوق اوزره ترخیص اولنان
درت ایلک مبدای روزندا اولان یوم نجر دن اعتبار اولمغله ذی الحجه تک
عاشر ندن ربیع الاخر تک عاشر نه قدر مدت اولور * بعضار عندند ذکر
اولنان آیات کرمه تک وقت نزولندن معتبر در که ماه شوال در * بوکه کوره
شوال و ذی القعدة و ذی الحجه و محرم اولور * لکن مذهب من جو حدر * زبرا
آیات من قومه حضرت صدیق اکبر خواجه نصیر نازل اولدی * حضرت
صدیق اکبر خواجه مشهور اوزره ذوالقعدة ده یا خود ذوالحجه ده واقع
اولدی * و منبایات باینده نازل اولان آیت و اذان من الله و رسوله الی الناس
یوم الحج الاکبر کرمه سیدر * اذان اعلام معناسنه در * فعال و زنده افعال در
آمان و عطا کبی * و یوم حج اکبر دن من ادیوم عید در * زبرا یوم من قومده
تمام حج و معظم مناسک و شعاری اعمال و ادا اولور * اعلام دخی یوم من بورده
واقع اولشدر * حتی من ویدر که حضرت پر کزیده عالم صلی الله علیه و سلم
وداع سنه سی یوم نجرده حرات عندند و واقف اولوب هذا یوم الحج الاکبر
بیوردیلر * و حج شریف دن فتنه مشترکین * یا ایها الذین امنوا انما المشرکون
نجس فلا یقرؤوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا * کرمه سبیله ممنوع اولدی
طائفه مشترکین ظاهر او باطنی قدر در * زبرا ظاهر زری لوث کفر و ضلالت
و باطنی خبیث کینه و عداوتله اوده در * خذلهم الله تعالی * قصه لعان *
وسنه من بورده ده قصه لعان واقع اولشدر * فرمانفرمای ملکیت بعثت علیه
افضل التحیه حضرت نوری غزوة تی و کدن عودت بیورد قد نصکره * والذین
یرمون المحصنات ثم لم یاتوا باریعة شهداء فاجلدوهم ثمانین جلده و لا تقبلوا لهم
شهادة ابدا و اولی لهم الفاسقون * کرمه سی نازل اولمغله خطیب منبر رسالت
حضرت نوری جمعه کوفی منبر اوزره علی رؤس الاصحاب تلاوت بیورد قلزیده
عاضم بن عدی الانصاری ایاع اوزره * فالقوب * یارسول الله تقسم سکافدا
اولسون برکسته زوجه سبیله بر احنی آدم کوروب اول کسته شاهد احضار
ایدنجه اول احنی اتمام بصلحتله عزیمت ایلده جکی در کار * و غیره اخبار
ایلده مظهر منبریات حد شرعی اولوب * و بین الاسلام فاسق ایلده شهرت عا
ومن بعد شهادتی ثبت سبیل قبول اولمق فضا حته دوچار اوله جقدر * بحج
دشکار حال دریدی * جمعه آیه دن مقدم عویر من حارث الجعفی الانصاری
عنه کلوب خانم خوله بنت قیس شریک بن سمحار له زنا یدر کن کوردم
دیددی * دردی دخی بنوا عمام ایدی عاضم استرجاع ایدر که حضور نبی مطاعه
کلوب یار سواند جمعه کوفی استماع ایلدیکم ماده شمدی بنم باشمه کلوب

خاتماده ظهور ایلدی دیوب عویرک نقل ایلدیک قضایه بی بیان ایلدی
سید الا برار حضرت نوری اوچنی دخی احضار ایدوب * یا عویر الله ذوالجلال دن
خوف ایلدوب عزادک اولان خاتونکه بهتان ایلده بیور یحی * عویر خدای
متعال حق شریکی خاتونک اوزرنده کوردم * و درت ایدر که اکابر بان ایلدم
حالا زنادن حامله دریدی * حضرت رسول الله خوله به توجیه خطاب
ایدوب * یا خوله الاهدن خوف ایدوب ارتکاب ایلدیک صنیعه شنیعه بی بکا
خبر و بیور یحی * خوله سوزه کلوب یارسول الله عویر ذات سده من دغیر
اولمغله بوکیجه شریکه طویل الذیل مسامره ایلدیکمی کور یحی غیرتدن
غاشی بکا بوکونه قذف ایلدی دیدی * بعده شریکدن دخی استنطاق
اولند قد اولدخی خوله بی تصدیق ایلدیکه * رسالتاب حضرت نوری یا عویر بیننه
ایراد ایلده یوخسه سکا حد قذف ایجاب ایدر بیور یحی * عویر یارسول الله
خاتونکله تنه ابریکانه مشهود اولسه بیننه ایزادی نه کونه ممکن اولور دیدی * سید
الابرار حضرت نوری نه مقال اولی تکرار بیوردیلر * اخر کار عویر یارسول الله
سنی حق یغیر بعث ایدن خدای عذیم الانظار حتی دامن مقام الایس
افترادن پاکیزه تر در * طرف ربانیدن متضرع در که یوباید ظهر می حد ضربه
سندن و ارسنه ایلده جل آیت کرمه انزال بیور در * سرور انبیا حضرت نوری دخی
اللهم افق دعا سبیله یوعقدده تک التحلاتی در که عالم الخبایدن استدعا
بیور دریلر * والذین یرمون ازواجهم ولم یکن لهم شهداء الا انفسهم فشهاده
احدهم اربع شهادات بالله انه لمن الصادقین والخامسة ان لعنة الله علیه ان کان
من الکاذبین ویدرأ عنها العذاب ان تشهد اربع شهادات بالله انه لمن الکاذبین
والخامسة ان غضب الله علیه ان کان من الصادقین * کرمه لری نازل اولمغله
حسب الامر الصلوة جامعة تداسیله جماعت مسلمین مسجد شریفده جمع و صلوة
عصر ادا اولند قد نصکره * رسول منیع الجناب حضرت نوری عویر توجیه
خطاب ایدوب * یا عویر خدای متعال جل عن الشبهه و امثال سزل
خصوصده آیت کرمه انزال بیوردی دیوب قیامیه امر بیوردیلر * عویر دخی
ایستاد مقام اتممال اولمغله بالیقین * اشهد بالله ان خوله لراية وانی لمن
الصادقین * اشهد بالله انی رأیت شریکاً علی بطنها وانی لمن الصادقین * اشهد
بالله انها الحبیلى من غیرى وانی لمن الصادقین اشهد بالله ما قریتم منذ اربعة اشهر
وانی لمن الصادقین لعنة الله علی عویر ان کان من الکاذبین * عبارتیه تخلیف
بیورد قد نصکره * خوله دخی فالقوب اشهد بالله ما انا زانیسه وان عویر ان
الکاذبین * اشهد بالله ما رأی شریکاً علی بطنی وانه لمن الکاذبین * اشهد بالله انی

الحلی منه وانه لمن الکاذبین * اشتهر ببلاته انه مارأى علی قاحشة قط وانه
 لمن الکاذبین * غیب الله علی خرقه ان کان من الصادقین * تعبیر به تخلف
 اولندی * بعده میانترین تفریق بیوردیلر ماده من قومه عقده اشتباهه
 قالغله حضرت رسول الله بیوردیلر که * مشیعه خوله ده مودوع اولان جنین
 شوصفت اوزره منولد اولورسه عویمر صادق * وشوشمال اوزره اولورسه
 خوله نل معالی واقعه مطابقدر * جنین معمود قد من ماده ساحة وجود
 اولدنده اوصافی ادعای عویمری مصدق اولغله * سلطان انبیا حضرت تلمری
 کوردکده بویاده حکم قرأ فی مسبوق اولسیدی خوله به معامله دیکر اجرا
 اوافقی مقرر ایدی بیوردیلر * مهمه * وتیر مشروحه اوزره نفس اما نله فرقت
 امام شافعی عندنده فسخ نکاح در * امام اعظم عندنده تفریق قاضی ایل
 طلاق در * نته * وجه محرر اوزره لعان ایتلک سبب نزولی ماده عویمر اولدی فی
 مختار به من علمادر * قد انزل الله فیک وفي صاحبک حدیث شریفه * نل
 ایلدیلر * اما جهور علماء عندنده باعث نزول هلال بن امیه در که غزوه توکدن
 مختلف اولان اصحاب ثلثه دندر * زوجه سنی شریک بن سمی ایلد قذق
 ایلکله آت لعان نازل اولوب واسلامده ایتدالان انلار حقه ده عیان اولمشدر
 وحديث من قومی قد انزل الله فیک وفي صاحبک ما نزل فی حق هلال
 معنایله تاویل ایلدیلر * زیرا حکم قرأ فی عام اولغله خصوص سبب معتبر
 دکادر * امام نووی علیه الرحمه بوجه اوزره توجیه ایلدیکه * آیت من قومه
 مختلدر که هم عویمر و هم هلال ماده لنده نازل اوله * ملحوظ در که ایکسیده
 وقت متعارفه سؤال ایدوب * حضرت رسول الله هر بریک ماده سنده
 اللهم افتح دعایله استفتاح اشکال بیورمغله * آیت کریمه نازل اولوب وهلال
 لعان امر نده عویمر سابق واسلامده ایتدالان ظاهر حکم لعان اولان هلال اوله
 منقولدر که بکون سعد بن عباد در کاه نبویدن استفسار ایلدیکه * یارسول الله
 برکسنه زوجه سبله براجنی بی زنا ایدر کور دکده اول اجنبی بی قتل ایتکه
 مسامح وارمیدر * سلطان الانبیا حضرت تلمری لایبورمغله * سعد یارسول الله
 سنی حقه بعث ایدن خدای متعال حق معاذ الله بن اویلجه * کورسم بی
 تراخی قتل ایدرم دیدی * مغر عالم صلی الله علیه وسلم حضرت تلمری صحابه
 کرامه ایشد بیورمیدر * سینه سینه سینه سینه سینه سینه سینه سینه سینه سینه
 جانب نبوی به جمارت رد و مخالفت اولوب * بلکه غیرت جلیس سنی اخبار در
 حق شاه * کورمیش حضرت تلمری انه لغیر وروانا غیر منه والله اغیر منی
 بیوردیلر * و غیرت کله بایده بوجه * حدیث شریف دخی وارد اولمشدر * لا اغیر

من الله من اجل ذلك حرم الفواحش ما ظهر منها وما بطن * ولا احب اليه
 العذر من الله ومن اجل ذلك ارسل الرسل مبشرين ومنذرين * ولا احب اليه
 المدح من الله ومن اجل ذلك وعد بالجنة * ليكثر سؤال العباد اياها والثناء
 منهم عليه * بویاده طرف من تضرع به معز اولان فراندایساندندر
 ان سعد الغیور * والنبي اغیر منه * واله العرش اغیر * هکذا خبر عنه
 وجمار الوحش یخصی * ابنه کیلا یخنه * جرد السیف لرأس * طارت الخوة منه
 قصه رجم * وسنه مزبوره ایکی کسنه رجم اولمشدر * برسی ماعز بن
 مالک در که در کاه رسالت دستکاهه کلوب یارسول الله بی تطهیر قبل دیدکده
 * حضرت سیدالاراز و یحیى زجوع واستغفار ایله بیوردیلر * بر مقدار
 کتدکده نصکره سینه عودت ایدوب کلام اولی تکرار ایلدی * سینه جواب
 من قومه بحجاب اولدی * ما حصل درد نچیده یا ماعز سنی ندن تطهیر ایدیم
 بیور یحیى * ماعز دخی بی زنادن بالک ایلدیدی * خرق عالم حضرت تلمری بوادم
 بنحو نمیدر بیورمغله مجنون اولدیغنی خبر بیوردیلر * خراسنه عمال ایدرمی
 بیوردقده حضاردن بری دهاتنی استشمع ایدوب ازبوی خرا اولدیغنی
 افاده ایلدی * پس سرور عالم حضرت تلمری یا ماعز بلکه اشارت ایلدک باخود
 تقیل ونظر ایتلک اوله بیور یحیى * ماعز لاندیدی * حضرت علیه السلام
 امدی وقاعی ایلدک بیورمغله * اولدخی نعم دیوار ایتکله * بر موجب
 حکم شرعی رجم اولندی * ایکی باخود اوج * کون مرورنده حضرت
 رسول الله اصحاب کرامه متوجه اولوب ماعز بن مالک ایچون استغفار
 ایلبه مزخدا حق بر توبه ایلدیکه جله امت محمدیین لنده توزیع اولنسه مجموعنه
 کفایت ایدر بیوردیلر * ایکنجیسی از قبیله سندن برزن عامدیه در که * استان
 مخلد الاقبال نبوی به کلوب * یارسول الله بن زنا ارتکاب ایلدم نیاز
 ایدرمکه بی بوکناهدن تطهیر یعنی حد شرعی نه ایه اجرا بیورمیدر * بیچل
 مغر عالم حضرت تلمری اول خاتونی رد ایلدی * فردای سینه کلوب قول اولی
 تکرار و غالبی ماعز کی بی دخی تردید بیورمغله * خدای لم یزل حق حالا بن
 زنادن حامل دیدی * حضرت رسول الله وضع جل ایدنجیه قدر صبر ایله
 بیوروب بهر الوضع اول خاتون طفلی اوب حشور نبوی به کاری اشته وضع
 جل ایلدم دیو طفلی ارات ایلدی * حضرت علیه السلام کیدوب بوطفلی
 ارضاع ایله بیورمغله دونوب کندی * بعد الفطام سینه حضور سیدالانامه
 کلوب اول طفلک لنده برنان پاره اشته یارسول الله سوددن کسلدی وانلک
 تناول ایدر اولدی دیدی * پس صاحب شریعت حضرت تلمری اول طفلی

بر معلمان تسلیم بیورد قد نصکره امر ایلدی * بر حفره حفر ایلدی * اول
خاتونی سینه سنه قدر رس ایلدی * سنکسار ایلدی * خالد بن ولید
حضرت تری اول خاتونک باشنه بر طاش اوروب کنیدی یوزینه فان مترشش
اولغله خاتونه دشنام ایدیجک * حضرت رسول الله بیوردیلرکه * یاخالد
صقن سب ایلله نقسم قبضه قدر تنده محکوم اولان حضرت قبوم حق اشبو
خاتون بر توبه ایلدی که اول توبه به صاحب مکس یعنی باج و کرک الان کسه
مظهر اولسه نائل مغفرت اولور بیوردیلر * بعده امر بیوروب تجیهیز و تکفین
اولند قد نصکره نمازی پیشوای محراب دین حضرت تری ادا بیوردیلر * رضی الله
تعالی عنها *

مات معاویه کسری ذوالجیاد * ابن سلول ام کثوم النجا
وفی سنة سب مات معاویه وکسری ذوالجیادین و ابن سلول و ام کثوم
والنجاشی تقدیر نده در * مصر احوال و ثانی صنایع بدیع به دن صنعت اکفای
مشغلدر * زیر اذوالجیاد ذوالجیادین کله سندن * والنجا النجاشی لفظندن
اکفای اولمشدر * بیت مر قوم التي لا یحی فی متضمندر * وفات معاویه * مردن
کسری * وفات ذوالجیادین هلاک ابن ابی بن سلول * وفات ام کثوم
بنت الرسول علیه السلام وفات نجاشی * وفات معاویه * و سنه مزبوره ده
معاویه اللبثی رضی الله عنه جانب عقبایه عازم اولدیلر * سلطان انبیا
حضرت تری غزوة تبوک کده اولدقلری انشاده موی الیه مدینه ده متوجه
دارالبقا اولوب * مفخر هر دوسر حضرت تری تبوک منزله صلوة جنازه سن
ادا بیوردیلر * ابن کنیردن مر ویدر که * بیبقی علیه الرحه بالاسنادانس
رضی الله عنه حضرت نازندن روایت ایشدر که * برز تبوک ملحه سنده رکاب
مستطابده موجود اولوب * بر کون افتاب عالم اراجمال جهات تاب
رسول الله اسام سبق اولمان شععه وضیایر له طلوع ایشکله * نیر برج
اجلال حضرت تری جبریل امیندن حکمتی سؤال بیورده * جبریل امین
یا رسول الله مدینه ده بوکون معاویه واصل اقای رحمانی اولغله امر ربانیه
یتشیلک ملائکه کرام نازل و نماز نه حاضر اولدیلریدی * حضرت رسول الله
معاویه نلک بو معامله تکریمه جهت استحقاقندن استکناه بیورده * جبریل
امین لیل و نهار سورة اخلاص شریف تلاوته مواظبتکار اولغله یوشم رفقه
مزاوار اولدی * اگر مر ادعای اولورایسه بساطارنی طی ایده یم نمازی ادا
بیورده * نزد یجک * نبی مفضل حضرت تری اقبال بیورده * با امر خدا طومار
ساهره منظوی اولوب نمازی ادا بیوردیلر * بیبقی بو حدیثی طریق اخردن

دخی روایت ایدوب بعده نکارتبه حکم ایلدی * مردن کسری * و سنه
مر قومه ده اکاسره عجمدن شهریار بن شیرویه بی امر ای قتل ایدوب یوران
نام دخترنی سر بر سلطنته اجلاس ایلدی * وفات ذوالجیادین * و سبال
مزبوره تبوک منزله عبدالله ذوالجیادین المزی قضای شحب زندگانی
ایلدی * موی الیه مزینه قیله سندن اولوب قد ما مشله هدایت جناب
کبریا یله دارالظلام کفر و ضلالدن رها بولغله * قوی کند و سنه شصت
واحددن سهام انداز عداوت و جله مالی شحب و غارت ایتلرله همان اوزرنده
یحیاد نام برشال غلیظ اولوب * بالاخره آستان ایدی الاحشام طرفنه
اعترام ایلدی * مدینه به تقریرنده یحیاد مر موی ایکی پاره ایدوب برنی ازار
و دیگرنی رد ایلدی * مدینه به داخل اولدیغی کعبه مسجد نبویه بیتوت
ایدوب بعد صلوة الفجر شرفیاب دیدار سعادت دار نبوی اولدقه * سید
الابرار حضرت تری نام و شاتندن استفسار بیور یبقی مزنی عبدالعزی اولدیغی
اخبار ایشکله * رسالت هر حضرت تری امتی تغییر ایدوب عبدالله ذوالجیادین
ایله تسبیح بیوردیلر * و کند و سندن بغایت توجه و التفات بیورده * ظاهر قرب
مکانت اولوب * دائما حضور عزت تصویر ملازمت و قرآن کریم تلاوته
مشا برت ایلدی * موکب همایون معتبره تبوک غزوه سنه عزیمت ایدوب
انده حمایه مبتلا و چند روز صکره عازم دارالبقا اولمشدر * بالنفس شاه
علین مسند حضرت تری مزارنه مانند قندیل رحمت نازل اولوب شیخین
مکرمین حضرت تری نه برادر یکری بکا اسدال ایدک دیو امر بیورده * انلار
دخی ایکی طرفندن طنوب اشغی ادلا ایلدیلر * سلطان انبیا حضرت تری
لحه ایداع بیوردقلری حالد * الهی بن عبدالله قولکدن راضیم سنده راضی
اول دیودعا ایلدیلر * عبدالله بن مسعود یو کلام شریفی ایشیدیلک کاشکی
صاحب مزارین اولدم دیو غنا ایلدی * هلاک ابن ابی بن سلول * و سنه
مزبوره ذی القعدة سنده ابوالجباب عبدالله بن ابوالخارث بن عبد که ابی بن
سلول ایله مشهر تقاق و ماعت مجبول کب جهول فرد فضل خیر بخذ ولدر
متواری خالک تیره نالک هلاک اولدیغی منقولدر * سلول مر سومک والده سی
امیدر * خزاعه قبیله سندن ام ابی مالک بن سالم بن غنم بن عمرو بن خزرج در
مسفر ابن ابی بن سلول مسبوق الذکر اولان ابوعمر فاسق ابن خلد سیدر
حباب حای مهملک نلک فحیه هالک مر سومک فرزندیدر صکره حضرت
رسول الله عبدالله ایله تسبیح بیوردیلر * مسفر ابن سلول * جاهلینده خزرج
بیننده وقع و شان صاحبی اولغله اهل قبیله کند و سنی حاکم ایتک صد دنده

اولوب * حتی بر من صبح تاج مهیا یابد یلر * هجرت نبوی وقوعه شرف
 دنیوی اولان حکومت غائله سی باطل اولغله جانب جلی المناقب محمدی به
 بغض و حسد ایتمکین منافق اولمشدی * نفاق سیبیل شرف دینی و سعادت
 اخروی دن دخی محروم اولغله خسرا دنیا والاخره صدمه سنه مظهر اولدی سنه
 مرقومه شوالی او اخر زنده خسته اولوب یکر می کون اسیر فراش اولغله کاه و بیگاه
 حضرت رسول الله خانه مرسوم عاقبت تباهه تشریفه عبادت یوررلایدی
 حتی حالت احتضار زنده دخی بولنوب یا عبد الله بن سنی یهود محبتندن
 منع ایتمیدم سوز می اصغلا یلدل * بر روایتده طائفه یهوده محبت اخر سنی
 هلاک ایلدی یور یحیی * اولدخی عبد الله بن زراره انلاره عداوت ایدر ایدی *
 ینه پنجه منسبه موتدن ره یاب اولدی * قالدیکه حالوم و سر زدنش وقتی
 دکادر * کرم ایدوب بنم غسله حاضر اولوب وجود یهود کرمه اس اولان قیس
 شریف کرایله بنی تکفین * و نمازی بالذات جناب جلیل الصفات ادا *
 و روحم ایچون استغفار یوره سزدیو نیاز کار اولدی * چون سنل راه خذلان
 اولان وجود شقوت افتراقی منهج حیاتدن مطرودا لیجی * رسول کرم *
 صاحب خلق عظیم * علیه التحية والتسليم * حضرت تلی مخدول مقهور لک
 رجاسنه اسعافله پیراهن ایملرین تکفین ایچون عنایت * و نمازنده مبادرت
 یوردقلرنده * فاروق اعظم حضرت تلی * یار رسول الله اول منافق نمازنده
 واقعا حاضر اولور میزدیو مستغربه سئواله تصدی اید یجی * رسول جلیل
 الخطر حضرت تلی ایمر حق جل و علا بوخصوصده بنی * استغفر لهم
 اولان تستغفر لهم ان تستغفر لهم سبعین مرة فلن يغفر الله لهم * کریمه سی
 موجب پنجه بخیر ایلدی * و انل ایچون بتشدن زیاده استغفار ایدرم یوروب
 نمازنی دخی ادا * و دفته ده حاضر اولدی * اول آنده * ولا تصل علی احد منهن
 مات ابدالا تقم علی قبره انهم * کفر و ابائده و رسوله و ما تو اوهم فاسقون *
 کریمه سی نازل اولغله * من بهدکروه مکر و منافقین اوزره نمازندن ممنوع
 اولدی * منقولدر * که مقدمه مکرکه بدرده حضرت عباس مملوب
 اللباس اسیر اولوب ستریدن ایچون بر پیراهن اقتضای تمکله * بالا بلند اولغین
 بر کسنه نل پیراهنی قامت والا نه منته راست و موافق کلیوب * مرسومک
 پیراهنی مطابق اولغله اعطا ایتشدی * ستوده صفات علیه اصنی التحیات
 حضرت تلی قصد مکافاتله قیص سعادتمانلرین احسان یوردیلر *
 بومعامله سزندن اصحاب کرام استعلام ایلد کارنده بنم پیراهن وصلوات
 اکامفی و مقید اولمز * خدای مستعان حتی امیدم بودر که بوسیله یلک منافق

مسلم مخلص اوله یوردیلر * فی الحقیقه طرف نبویدن بومعامله له بالمجاهده
 صدوری وسیله سبیل یلک منافق زمره مخلصینه لاحق اولدی * بدیهه *
 مرسوم ابن سلول یتش باشندده حفرة سعیره حلول ایلدی * تنه که صدر
 الدین قنوی * علیه رحمة الملك القوی * حدیث اتی الیسان شرحده ذکر
 ایتشدی * پیغمبر رسول الله صلی الله علیه وسلم ذات یوم بالمعجم مع اصحابه
 اذ هم معا و اذ * فقال اتدرون ما هذا * قالوا الله ورسوله اعلم * قال هذا صوت
 حجر کان علی شفیرجهم * فسقط فیها من سبعین سنه یهودی والان وصل
 الی قعرها * فاتم کلامه علیه السلام * حتی سمعوا الصراخ فی بیت عبد الله
 بن ابی بن سلول * و اذا عمره سبعون * یعنی بر کون سرور انام علیه الصلوة
 والسلام حضرت تلی اصحاب کرامله مسجد شریفده حلقه بنده ارام ایکن *
 ناکاه بر عظیم طراقه مسجوع اولغله * مظهر مظاهر اسرار حضرت تلی
 بو طراقه ندر * یلورده سزدیو استفسار یور یحیی * صحابه کرام دخی
 الله ورسولی یسلوردیو ادیبانه اسنه علام ایلرله * بلبل کارار و مایسطق
 عن الهوی حضرت تلی * یوردیلر که جهنم کارنده بر حجر عظیم و ایددی *
 جهنم دوشوب یتش سنه در که قعرنه واصل اولما شیدی * شمدی واصل
 اولغله انل طراقه سیدر * بو کلام حکمت استقامتلی هنوز رسیده حرف
 ختام اولما شیدیکه * ابن سلول خانه سندن اوز نوحه ظهور ایلکله *
 اصحاب کرام واقف مزیت و مرام اولوب * حساب ایلدی که ابن سلول یتش
 باشنددر ک اسفله نزول ایلش * اشبوا اشارت علیه تأمل و امعان اولسه
 دقایق عیدیه می مشتمل اولدیغی متبیین اولور * اولانم قست قلوبکم من بعد ذلك
 فهی کالجارة و اشد قسوة * کریمه سی موجب پنجه مرسومک قسوت قلبیه
 نظر ایجرایله تعبیر اولندی * زیرا قسوتک معنای صلابته مقارن غلظتدر *
 ماده حیزده اولدیغی کبی * بود کلو عبور و ما ثردن متاثر اولما مغل * تعریض
 و کنایه دن عدول اولنوب عین حجر یتله حکم اولندی زیرا کفر فی اظهار ایدن
 کافرک قلبندن منافقک خصوصاً سکر سنه سکر ماه حضور رسول الله تردد
 و ملازمت * و اصحاب کرامله اختلاط و الفت ایدوب * قرآن کرم استماع و بوقدر
 خوارق عادات آیات بینات معاینه ایتشیکن * ینه قطعاً قلب مکدر ینه اثر
 صفوت عارض اولمیان منافق مسفورک قلبی افسی و اغلظ اولدیغی بدیهیدر *
 طائفه منافقین * کمال خباثتلرندن ناشی * ان المنافقین فی الدرك الاسفل
 من النار ولن تجد لهم نصیرا * نص شریفی اوزره جهنمک طبقه سفلا سنه
 سزاوار اولدی * طائفه مزبوره اخبت فرقه کفاردر * زیرا کفر و ضلالت

اوزرینه استمراء بالا سلام و خداع للمسلمين مكارهني دخی ضعیفه ایملریله *
 دوبالا کافر اولملریله جمله کفارک تختنده مظهر عذاب ابدی اولدیلم * نایا *
 یتیم سنه دنیور درون دوزخه هابط اولوب قهر نه شمدی واصل اولدی
 تعبیریله * مسفورک ولادی کویتد نبروتدی فی الذاری موجب درجه نفاقه
 ترقیسنه اشارت یورلمشدر * نالشا * قهر جهنمه سقوطنده ظاهر اولان
 طراقه عالم دنیا به نظر المحسوساتدن اولموب * امور معنویه دن ایکن
 جمله نل مسوعی اولق ابدع بدایعدر * وهو القادر علی کل شی * وفات ام کثوم
 بنت النبی علیه السلام * سنه من بوره ده ام کثوم بنت رسول الله علیه الصلوة
 والسلام روضه اریضه بهشته خرام ایلدی * همسر ذی النورین اولمه بغایت
 محزون اولغین * پیغمبر عالیشان حضرت تلی * لو کان عندی ثالثة
 لزوجه کها یا عثمان یوردیلر * تفصیلی ماده نکاحنده کذران ایلدی *
 وفات نجاشی * سنه من بوره رجیده الحیمه قاضی و داع خدم و حوانی
 ایتمکله * رسالتاب حضرت تلی اول کون اصحاب کرامه توجیه خطاب ایدوب
 برادر کز اصحمه ملان بقایه ارتحال ایلکله نمازی ادا ایلیمه لم یورمغله * حسب
 الاشارة جمله اصحاب کرام معیت سبدا لانامده مصلا به خروج * وترتیب
 صفوف اولوب درت تکبیر ایلنجاشی ایچون صلوة الغیبه ادا یوردیلر *
 نجاشی من حومک تفصیل قصه می سال ستینده کذرا ایلدی *

کتاب قیصر مخلفونا * وفود هاتسع واربعونا

کتاب قیصر وجود مخلفون و وفود هاتسع واربعون وفدا تقدیرنده *
 وفود هاتسعیری سنه من بوره راجعدر * اضافتی ظرفیه در * الف مخلفونا
 واربعونا اطلاقیه در * وفود وفدا جمعیدر * وفدا اسم جمع و افدر * رکب
 وراکب کبی * امام نووی بیانی اوزره وفدا اول جماعتدر که عظمه طرفنه ارسال
 ایچون اختیار اولنه * بیت من قوم اوج لایحه بی مشتملدر * مکتوب قیصر
 روم * احوال مخلفین * بیان وفود * مکتوب قیصر * سنه من بوره ده
 * سالار اسلام علیه الصلوة والسلام حضرت تلی منزل تبوک کدن حص
 م بلده ده متککن اولان قیصر روم طرفنه نامه تحریر و تسییر یوردیلر * نامه
 سعادت علامه نل وصولنده دفعه اولی کبی جمله بطارقه واساقفه سنی جمع *
 و باب قصری بند ایدوب * ای گروه نصاری دعوی نبوت ایدن ذات شریف
 شمدی بوخته قریب کلوب و طرفنه نامه ارسال و برتری اسلامه باخود جزیه
 و قشاله دعوت ایلش * قلدیکه کتب سماویه ناطق اولدی فی اوزره جمله کزل
 معلومی در که * موعود بیعت اولان پیغمبر اخر زمان بو ذات عالیشاندر *

و ملکت کزی نزع ایلیمه چکدر * حالا بزم ایچون ایکی طریق واردر *
 یادیننه تبعیت یاخود جزیه و خراج تسلیم رقیه طواعیت ایل کدر دید کده *
 جمله سی بردن قالدوب سن بری نصرا نیی ترک ایدوب حجازدن کش بر مر د
 عربی به بنده اولمه سوق و دعوت ایده یورسن دیوشنمع ایدرک * باب غرقه به
 بیان اولدیلمر * قیصر اول بد کهر لادن یورضی مشاهده ایدیک طشره ده
 طائفه روی افساد و بنیان سلطنتی بر باد ایلیمه چکدر فی تیقن ایلکله * دامن
 مدار ایه تشبث ایدوب * بنم محضام ادم سزیه امتحاندر * شمدی دیکر زده
 ثبات و صلابت کز بقیه نامعلوم اولمه طرف کزده دوبالا توجه و محبت ایلدم
 دیوشن و ثنا و هر برین رعایت و نوازشله اسکات و ارضای ایلدی * اول
 شردمه ضلال دخی ایناتوب مجدد اسرف و برده زمین ایتمال اولدیلمر * بعده
 بر مکتوب ترقیم ایدوب تنوخ قبیله سندن بر اعرابی یدیله فرستاده درگاه نبی کرم
 ایلدی * اول اعرابی به امتحان کونه اوج نسنه سپارش ایلدی * ابتدا
 ملاقات کده یکا مکتوب تحریر ایلدیکنی ذکر ایدرمی * نایالیل و نههار یحیی
 ایراد نالشا کتفینی ییتنده اولان علامتی کشاد ایلدی دیدی سفیر مر سوم دخی
 درگاه رسالت پناهه کلوب مکتوب قیصری تقدیم ایلد کده * شاه خطه
 مجد و اجلال حضرت تلی * مکتوبی زانووی مکرملری اوزره وضع ایدوب
 سن نه قبیله دن اولورسن دیوشنوال یورمغله اولدخی تنوخ قبیله سندن اولدیغنی
 افاده ایلدی بعده * سید الارار حضرت تلی جدنا ابراهیم علیه السلام ملتی
 اولان دین اسلامه رغبتک وارمیدردیواستفسار یورمغله اولدخی بن بر قومک
 سفیری و بر قومک همدینییم * انلاره مراجعت ایلدیکه دیندن رجوع ایلیم
 دیچیک * حضرت رسول الله تبسم ایدوب * انل لاتهدی من احببت
 ولكن الله یهدی من یشاء * کریمه سنی تلاوت یورددنص کبره * یاخ التلوخ
 بن کمرای عجمه نامه کوندردم نامه می عزیزق ایتمکله * خالق الافلاک
 جل شانهد قهر و نکاله عصابه وجود و سلطنتی چاکمال ایدر * و هر قل طرفنه
 مکتوب تحریر ایلدم * مکتوبه تعظیم ایتیمکله مکتوبم یاتنده قلدیکه
 ملکی دخی پاینده اولور یور یحیی * سفیر هذه احدی الثالث دیوب ترکشدن
 بر تیراخراج و اوزرینه قید ایلدی * بعده امر صاحب سعادتله معاویه جنابلری
 مکتوبی قرأت ایدوب یا محمد سن بری عرضی دعوات والارض اولان چمنه
 دعوت ایده یورسن * امدی جهنم نیرده قالدور دیوشنوال تحریر اولمغله *
 حضرت رسالت پناه سبحان الله نههار تقاد منده لیل نیرده قالدور یور یحیی *
 سفیر مر سوم ایلدخی ثبت ایلدی * بعده سید نبیل حضرت تلی اصحاب کرامه

موجه اولوب * بوسفیری کیم نزل ایدر بیور مغله برمی دانصاری الوب
برده راکه رکده نصرکه * سلطان انبیا حضرت نلری یاخ انتوخ دیوند ایلمکله
اولدخی دونوب حضور ایت محصوره مثلنده * مبارک ارقه لرندن حبوه
رداسنی حبل ایدوب * سپارش اولنان ماده یه کلوب نظر قیل بیور مغله
سفیردخی کشفین مکر مین بیتنه نکاه ایدوب * خاتم نبوتی مشاهده ایلدیلر *
وعود تنده قیصره کیفیتی نقل ایدوب ملکته شحاحله پائنده کفر و ضلالت
اولدی * احوال مخلفون * سنه من قومه ده غزوه توکدن مدنی و اعرابی
مخلفون قصه سی واقع اولمشدر * معلوم اوله که مطلقا مخلفون
من بیورون سکر صنفدر * صنف اول * شخافه مأمور و ماجور لردر * بریمی
محمد بن مسلمه در که مدینه ده اجلاس مسند خلافت اولندی * و بریمی
حضرت مر تضا در که * امور سعادتخانه نبوی عشتیقه مأمور اولدی *
صنف ثانی * اصحاب عذر در که مالا ویدنا سفر بر اولغه لیاقت و افتداری
اولیان فرقه در * جهینه و منینه و بنوع ذره قبیله لری کبی که مجموعی سکسان
ایکی نفر کسه لرایدی * صنف ثالث * بسکاون سبعة در که فقرای مخلفیندن
معدود اولوب * لکن حزن و بیکاری سیبیه انلار دن مقیم اولمشلرایدی *
طرازیده کلک بدیع النقش اولدینی اوزره هنگام عزیمته حضور نبوی به کلوب
رکاب مستطابده بولمقی نیازنده اولیحق * راحله قالمدینی اخبار بیور مغله کر به
وزاری ایلده راجعت ایلدیلر * ولا علی الذین اذما اتوا لقتلهم قتل لا اجد
ما احکم علیه تولوا و اعینهم فقبض من الدمع حزنا ان لا یجدوا ما یتفقون *
کریمه سی انلار لک شاتنده نازل اولدی * بعده اول رهط عز تنصا بدن ایکی نفری
حضرت عباس و اوجنی حضرت عثمان و ابیکسی یامین بن عمر و النضری تعهد
و استعجاب ایلدیلر * صنف رابع مجتزون در که * بلا عذر و لا استیذان بلکه
جراة علی الله و الرسول تخلفه مخذول اولدیلر * عبد الله بن سلول و سائر
منافقین کبی * حین تخلفه ارجاف مسلمین ایچون انقا ایلدکاری هذیان
مقدمایان اولمشیدی * و قد الذین کذبوا الله و رسوله * الایه کریمه سی
منطوقه فاعدون بونلاردر * صنف خامس * دخی بونلار کبی منافقون در *
لکن تخلف ایچون اعدا فاسده ابراد ایلدیلر * جد بن قیس کبی که * شهسوار
عرصه ملت پیشا حضرت نلری جلاد بنی اصفرده بزه همپا لور میدن
بیور یحیی * اول نامر دسپکار بنوا صفر دختر بن پیشدارا اعتذارا تمکله *
منظهر اعراض سیدالابرار اولمشیدی * بنوا سدر و غطفان دخی عدم قدرت
و کثرت عیال کبی اعذار و اهیه بیایله مخلف اولمشلرایدی * و جاء المعذرون

من الاعراب لیؤذن لهم کریمه سی منصوص اولان معذرون بونلاردر *
بعضر عندنده بنوعا مرین طفیلدن بر طائفه در که عزیمت صورتنده طی قبیله
سبله صبا غزده عداوت اولغله * احراز فرصت ایدوب خانمانزه هجوم و غارت
ایدر لر دیویسط معذرت ایلدیلر * فائده * ذکر او انان آیت کریمه ده معذراته طی
اسم فاعلدر تعذیردن مأخوذدر * يقال عذرفی الامر بتشدید الدال اذا اوهم
ان له عذرا و لا عذر له * یعنی عذر نده حق اولمبانه معذراته طلاق اولنور *
یاخودا اعتذاردن مأخوذدر * فاناله قلب اولنوب ادغام اولند قدم حرکتی
ما قبله و برمشدر * يقال اعتذارای مهد العذر * صنف سادس * معترفون
در که بویابده صادر اولان زبغ و اعتساف لرینه اقرار و اعترافا تمکندر * و اخرون
اعترافا بونلار تقیم خلطوا عملا صالحا و اخر سیئاعسی الله ان یتوب علیهم *
کریمه سی انلار حقنده نازل اولدی * و انلار یدری نفر کسه در * ابولبابه
و اصحاب یدر * بلا عذر تخلف ایدوب مخلفین حقارنده نازل اولان و عید
مبعوع لری اولیحق کندولر فی اسطوانه فمجد نبوی به نده ایلدیلر * شاه مسند
بعثت حضرت نلری غزادن عودت بیور دفته سنت سنبه لری اوزره حقیقه
داخل اولوب و رازنده ایکی رکعت نماز ادا ایلد کد نصرکه * بونلار احوالندن
استفسار بیور مغله * اصحاب کرام دخی بونلار مخلف اولمباین زجر الا انفسهم
کندولر بن بیور سعه مر یوط و مشدود * و التحلال خصوصتی ناخن عنایت
نبوی به تعلیقه رشته عهد و پیمانلرین معقود ایلد کلر بن اخبار ایتد کلر نده *
سرور کزن حضرت نلری بشدخی حقارنده امر الهی صادر اولد بجه حل ایلم
دیویمین ایتملر لیه * اولحال اوزره قالدیلر * بعده ذکر او انان آیت کریمه نازل
اولوب توبه لر نلک مقبول بدرگاه ثواب اولدینی متحقق اولغله * دست همت
مستغفر لره ایاب اولدیلر * عسی کیمه سی که ترجمه معناسنی متفهمدر طرف
الهدین ایجاب دالر صنف سابع * و اخرون مرجون لامر الله اما به نهم و اما
یتوب علیهم و الله علیهم حکیم کریمه سی موجب بجه مر چون در که کعب بن مالک
و مرارة بن الربیع و هلال بن امیه در * کعب جناب لرندن مر ویدر که * کریم
الحائل حضرت نلری مدینه واصل اولد کد نصرکه * حضور عالیرینه مائل اولدم
بنی * و ریحان غنیمانه منبسم اولوب بنی پیشگاه سعادت لرینه احضار *
وسبب تخلفدن استفسار بیور مغله * بنه خی مر تعبایو کونه بسط مقال
ایلمکه یارسول الله عز و سعادتله بو غزوه غرایه تمضت همایون و قوعنده *
قوت و قدرتم ازید من الا قدم اولوب بر وجهله عذر و علمت بو غیدی * جناب
دعایا بنابدن ماعد ابر کسه اولمیدی فن جلدده مهارتم تقریری خطایات

و شعر با نیدن بعضی مقدمه معذرت سرد و بیانی سه مرتبه بجهت مؤاخذه سندن
تخلیص کریان ایلک ممکن ایدی لکن خدا حق حضور مکر متداره قطعا بسط
اعذار ایلیم * زیرا معلوم در که اعذار واهی و ایرادیه قلب مکار منهاد کزه اعتماد
و برسم * صاعقه قهر و غضب الهی نجات بولیه جنم در کار و اگر طوغریستی
سوی رسم آزرده دل اوله جگر زید ادر * لکن همه حال عفو و عنایت
رب لایزالدن مایوس دگام دیدم که * پیغمبر عالی شان حضرت تری سن
راست سوبلدک امدی وار کندی شغل کده اول کوره لم * حق کده
نه کونه امر الهی صادر اولور و یوردیلر * و مرارة بن الریبع * و هلال
ابن امیه دخی نوم معامله اوزره جواب ایتلر * امر ممالوی نزولنه معلق
اولدیلر * بعده دیوان رسالتدن بوسباق اوزره فرمان عالی شرف صدور ایلدی که
بواج کسه ایل اهل اسلام معاشرت و مصاحبتدن تیری ایلر * حسب
الامر افلازدن جمله مسلمین متجانی و متجانب اولوب تصادف ایلد کارنده
کاره کیر اولور لایدی ناچار مراره و هلال خانه لینه قیایوب قطع ابریره چقمق دیر
ولیل و نهار کیره و زاری ایدر که گوشه نشین اندوه و اکدار اولدیلر * لکن کعب
بجاعتنه حاضر و ازقه و اسواقده سائر اولور لایدی * بر کسه کند و سنه عرض
سلام و کلام ایتزایدی * کعبدن منقولدر که بومخت عظمی و بلیت کبری وجه
مشروح اوزره متعادی اولوب * فبختسرای عالم باشمزه تسل و تار اولدی
بر کون عزاده و وجه له دن زیاده محب مخلص اولان بوقناده نل خانه می
دیوارنه حقیقوب * السلام علیک یا ابا قتاده دیدم * خدا حق رد سلام ایلدی
یا ابا قتاده سکامین و بر مرکب بنم الله و رسوله محبت بوقیدر * سن بوکه شهادت
ایتز میسن دیدم * قطعاشق شفه جواب ایلدی * اوج دفعه تکرار مد نصکره
آئی الله و رسولی یلوردیو جواب ایلکله کریان و نالان عود ایلدم * اند نصکره
بر کون باز ادره کشت و کذار ایدر کن * اول هنکامده شامدن بر مردن بطی
ذخا رجب و سوق مدینه ده فروخت ایدر ایدی * برینک دلا تیلر بنی بولوب
یدمه بر مکتوب اعطا ایلدی * مطالعه ایلدم که * ملک غسان حارث بن ابی
شمز علی روایه جبله بن ایهم برفندن مبعوثدر * مضبوطی بوذر که حالا
بیمبرک سکا جفا اوزره اولوب احباب و اشنار کی سندن جدا ایلدی کی مسعود
اولم * سن ذلت و هوایه لایق و ضیاع و خسارنه مستحق کسه اولم دیل
معلوم اولمخین * بران اقدام طرفه و روده اهتمام ایلر * سن * بروجهله رعایت
و احترامک جهتنده تقصیر و توانی اواز * مکتوب مزبوری سباق محرو اوزره
قرأت ایلدیکمده * بالکلیه ساز و سلب شعورم بریشان و قبه اسمان کویا که

منهار سرفی سامان اولدی * بودخی بلای دیگر دیوب همان برناواد کاشده
احراق بالنار ایلدم * انقصه بودرد و مختلفه قرق کون مرور ایدوب بعده
زوجه لر مردن دخی اعتزال ایلک باینده امر همایون صادر اولم * بکاتیلغ
ایدن کسه یه زوجه می تطبیق ایده بمی دیو سوال ایلد کده * اولدخی وقاع
و قرباندن ممنوع اولد یغری افاده ایلدی پس بر موجب امر عالی زوجه لر مزه
تقریدن دخی مباعده ایلد * بو حال فخر مال اوزره اون کون دخی
مرور ایدوب * الی کون تمام اولم * الی برنجی کچه می که صاحب سعادت
حضرت تری ام سلمه رضی الله عنها حجره سنده بیتوتت بنور مشر ایدی * ثلث
اخیره توبه مزله قبول و عفو و عنایت ارحم الراحمین مشمول اولد یغری
ناطق * و علی الثلاثة الذین خلفوا حتی اذا ضاقت علیهم الارض بما رحبت
و ضاقت علیهم انفسهم و ظنوا ان لا ملجأ من الله الا الیه ثم تاب علیهم لیتوبوا
ان الله هو التواب الرحیم * کریمه سی نازل اولم * ام سلمه جنایتری بنم طرفه
محسنه و معینه اولم * سید الا برار حضرت تری توبه مزله قبولی
اخبار یور یحی * اول انده بشیر فی استیذان ایتکل * مسند ارای نبوت
حضرت تری هجوم نام حضور که مانع اولور دیو اجازت و برمدیلر * سرور انام
حضرت تری بعد صلوة الفجر توبه مزله قبولی اصحاب کرامه اعلام یورم *
ایداغ مسرتده تعجیل ایچون جزه بن عمرو الاوسی برچیده دامان مرعت
اولوب * جبل سلع اوزرندن اواز بلند ایلد یا کعب مزده دیوند ایلدی * توبه ملک
قبولنه بشارت اولد یغری ادرالک ایلوب * همان سر بر زمین شکران اولدم
ارقه مدده اولان ایکی جامه بی اکامزده می ایلدم * اندن غیری لباسم اولم *
تیر بوقناده دن ایکی جامه استعاره ایلوب حضور مستوجب الحضور
همایونه شتابان اولدم * بولده کروها کرده اصحاب کرام کوب توبه ملک قبولی
تهنیه ایدر ایدی * مسجد شریفه دخولده کورد که صدر صفة صدق و صفا
علیه و علی اله اصفی النجا یا حضرت تری * ما هتأب اسایر ایه بخش مسند معلا
اولوب * صحابه کزین مانند پروین اطراف معالی اکتافنده مجمع اولمشلر ایدی
همان طلحه بن عید الله قالقوب بنی استقبال * و رسم تهنیه و مسالطه بی
اکمال ایلدی مهاجرینده اندن غیری بر فرد بکا تر حیب ایلوب * و طلحه نل
بومعه له می اصلا خاطر مدن فراموش اولمز * ما حصل حضور همایونه
مشمولده وجهه و جیه نبویدن شعبه بشر و مسرت برق و لمعان ایدوب * کمال
انشر اخرندن کل کی خندان اولمشلر ایدی * بنی کور بجل یا کعب * زده سکا که
حین ولادتم تبر و بویه بر یوم سعید اوزرینه دایر اولدی یور یحی بندخی

پارسل الله بومنت عظمی * ومو هبت کبری * طرف اشر فکردنی بوخسه
جانب رب لطیفدنی تجلی ایلدی دیدیکمده * رسول بیدانی حضرت تری
طرف ربانیدن شرف صدور ایلدی بیوروب * ذکر اوائمان آیت کریمه فی تلاوت
بیوردیلر * یارسل الله اذن شریف کز برله بوعنایه نشکر اجمله مالی تصدیق
ایده بیدیم * یا کعب بر مقدارنی نفقه عیالک ایچون امسال و بر مقدارنی
ایضا ق ایله بیوردیلر * وسعد بن اسد هلال بن امیه به * وسلطان بن سلامه
هلال بن ربیع مژده رسا اولدی * صنف نامن * ابتدا تخلف ایدوب بعده
مهرکرمایونه ملحق اولنلدر * ابو حنیفه و ابوذر غفاری کبی * تنه که
جائری بیان اولندی * بیان وفود * وسنه من یوره ده درگاه رسالت دستکاهه
هر طرفدن ایلمجه لرموارد اولمشدر * مجموعی التمشدن زیاده اولوب واکثری
سینه من یوره ده ورودا تمکله سنه من قومه به نسبت اولندی * بو مختصرده
حسب التیسر قرق طقوزی ثبت اولندی چونکه قبائل عرب بیلننده قریش
قبیله سی ارمه نبیله و جرثومه جلیله دن اولوب و اهل حرم اولغله جله دن محترم
اولغین اطراف قبائل انلارک سرانجامارینه دوربین و دور شنید اسادیده باز
و سامعه پرداز اولشار ایدی * وقتا که اهل اسلامه حرب و قتالده افرانغ
وسع و مجال ایدوب * آخر کتار تاید ملان جبار ایله مغلوب و مدمن *
واهل اسلامه مکمل فتنی مبسر * و قریش و هرازن فرمانبر اولوب مسندارای
نبوت حضرت تری * عظمت بیکرانه و فرو شوکت به قمبرانه ایله تبوکدن
عودت بیورمقله * من بعدا سلامیه مقاومت بیرون حوزه مکنت اولدیغی *
جمله عندنده متحقق اولغله * بر موجب و عدربانی فوج فوج کلوب قبول
فیاضه اسلامه استفاضه کامرانی * واستفاده شرف جاودانی ایلدی لر *

تقیف عامر تیم فروه رسوله تمام کعب عذرة

قدم وقد تقیف و بنی عامر و بنی تمیم * وقدم فروه بن مسیلک المرادی *
و رسول فروه و تمام و کعب و قدم و قد بنی عذرة * تقد برنده در * رسوله ضمیری
کرچه فروه به راجعدر * لکن استخدام طریقله من ادفروه جذامیدر *
بیت من یورده سکر لایحه مندر جدر * وقد تقیف * وقد بنی عامر *
وقد بنی تمیم * وفود فروه * وفود سفیر فروه * وفود ضعام * وفود کعب *
وقد بنی عذرة * وقد تقیف * غزوه تبوکدن عودا اولند قد نصکره ماه صیامده
کرمی مملکت اسلام مدینه السلام طرفنه * وفود قیله تقیف و رود ایلدی *
کتار بیدر اولدیغی اوزره * سرخیل انبیا علیه السلام اهل التی حضرت تری *
محامره طائفدن مراجعت بیورد قد نصکره عروه بن مسعود و دنهاقی طائفدن

خروج ایدوب * عقب سپاه اسلامدن مدینه طرفنه شتابان اولدی * موکب
مختشم مدینه به وصولدن مقدم ایشوب * حضور سیدالانامده اظهار
اسلام ایلد کد نصکره * قومنه مراجعت ختمده استیذان ایلدی * بنی باهر
الاجلال حضرت تری بیوردیلر که * یا عروه قومک اسلامه راضی اولمبوب *
روی اقبال که سل سبقت عداوت و قتال ایدر لر عروه یارسل الله قوم بکا ابرکار
لزند یعنی اول اولاد لزندن ازید مهر بیا نلدر دیدی * پس اجازه قومی جانبینه
رجعت ایدوب وصولنده بر محل مر تقعه صعود * وقومنی سرخوان اسلامه
دعوت ایلدی * هر طرفدن اوزرینه تیر باران ایتملریله * شهید اعازم
دارالجنان اولدی * عروه نل شهادتی مسجوع سعادت نبوی و ایچی *
عروه نل منلی صاحب بس مثلنه موافقدر * زیر قومنه اتعوا المرسلین
دیلمکه کندوسنی قتل ایتملر ایدی بیوردیلر * بوقعه دن چند ماه من ورنده *
بنو ثقیف کوردیلر که اطراف واکافرنده اولان باجمله قبائل کعبه اسلامه
داخل اولوب * شوکت دین محمدی بر مر تبه به بالغ اولدی که مقابله و مقاومت
حیرامکانده * ابراز صورت ایتمکدن قلدی * پس تدارک حال ایدوب بعض
متعینانله کانه بن عبدالملی استان دیموی الا فضاله ارسال ایلدی لر * مدینه
جوارنه ورودلرنده مغیره بن شعبه اشقی به تصادف ایتملریله * مغیره قدوملرین
اخبار ایچون شتاب نامه درگاه رسالت عنوان طرفنه شتابان اولدی * اثباتی
راهنده صدیقی اکبر حضرت تری نه دوچار اولغله * حضرت صدیقی باعث
سرعتدن استفسار ایلد کده * مغیره دخی اخبار ایتمکله کندولری تشریر
ایتمک ایچون عین و بر مکله مغیره بنه قادمین طرفنه رجعت * و صدیق اکبر
حضرت تری قدوم تقیباتی عرض سده سعادت ایلدی * مغیره تقیقلره
نخبت اسلامی تلقین ایدوب * انلرد آب جاهلیت اوزره عم صبا حاتعیریلر
تحت ایدر زدیو ابا ایلدی لر * استان متبع الارکان رسالته ورودلرنده * قرآن
کریم استماع * و صلوة اسلامی مشاهده ایتملریچون مسجد ل بر ناحیه سنده
کندولره برقه ضرب اولنوب انده ارام ایلدی لر * چند روز مر ورنده مسلمان
اولوب طرف نبویدن نماز اسقاطنی نیاز ایتملریله * حضرت رسول الله نماز
اولیمان دینه خیر یوقدر بیوردیلر * بعده ربان و شرب خردن ممنوع اولماغی
رجامند اولمیرله مساعده بیورلمبوب * بعده لات نام صنم نکوهیده انداملری
اوج سنه به قدر بقا و لغی اسند عال ایلدی لر * ایا بیورلمبوب نهایت برایه منزل
اولمیرله کادخی روی رضائات اولغدی * بعده دستور ایله قوملری طرفنه
مترجم اولدی لر * کانه رفقا سنه قوملرندن ابتدا کتم اسلام و تخوف قتال

واختصاص ایلک اوزره وصیت ایلکله وصولر زنده * حضرت محمد صاحب
السیف شدید الشکیمه اولغله جله به ضرب شمشیر ایلک غالب ومستولی اولوب *
برنده لانتک هدمبله امر * وریاوزنا وخریدن نهی ایتکله * برقبول ایلک
قتاله اماده اوله سزدیدی * البته سپاه بیکرانله اوزر مره کلسی مقرر دزدیدی *
ایکی اوج کون مرورنده ملاحظه عاقبتله قلوبلری کلام مورخیت اولغله
انلاره نه مدینه به قفول ایدوب * مطلوب محمدی هر نه ایه تلیقی بالقبول
ایلیه سزدیوالتاس ایتلرله * اسلامه کلدکاری اخبار ایلدی * سبب کمانی
استفسار ایلد کارنده حضرت حق سبحانه و تعالی * قلوبلر کزدن نخوت
شیطانیه بی نزع ایتل ایچون توقیف ایلدله دیدیلر * پس جله سی مواقتله
مسلمان اولدیلر * بعده طرف المع الشرف نبویدن ابوسفیان بن حرب ایلک
مغیره تعیین اولنوب * ورودلر زنده مغیره هدم صم ایتل ایچون یدنه بر عظیم
بالته الوب بتخانه طرفنه عزیمت ایلدی * نسوان طائف برهنه سرکریه
وزاری ایلکله رک شمدی مغیره البته لانتک قهر نه دوچار اولور اعتقاد ایلک
عقبندن روان اولدیلر * مغیره رفقا سینه متوجه اولوب شمدی تقفیلری
سزه اخو که ایدیم دیوب بالته ایلک صم ایلک اوزرینه صعود و ضرب به ایدارنده
بر صحنه نعل نفسی زمینه القسا * و بیوشانه بی حس و حرکت یاقوب قالدی *
طائفیلرک ولوله مسرتلری عالم کیر اولوب مغیره لانتک صدمه سینه دوچار
اولدی دیوبری برینه بشیر ایلدی * بعده مغیره لانتک باشی اوزرینه کاوب نه
کونا مشاهده ایلدله هدمنه قادر اولدکی * اکامعادات ایدنی هلال ایدر
دیدکی دیوطمن و تقریبه اغازلر زنده * مغیره خنده زنان قلوب هی اینر
ونادانلریم مرادم سزلی استه زادر * حق تعالی سزلی تقبیح ایلسون * اصنام
اطلاق ایلدیکر کز سنه حجر و مدردن عبارت ددیوب همان بتخانه لنت
قبوسنی کسر * و بالته ایلک لانتک هدم ایدوب * تقدرا اموال و ارایسه قبض
ایلد کد نسکره مدینه به کلدیلر * وفد بی عامر * سنه منی پوره ده وفد بی عامر
دخی وفود ایلدی * قبیله منی قوم نه نل رؤسا و ابالسدری اولان عامر
ابن طفیل و اید بن قیس و جباری بن سلمی نام کسنه زایدی * منی سوم عامر
طرفندن سوق عکاظده دائم بر منادی پیاده و ارایسه ارکاب * و کرسنه
و ارایسه اشباع * و خائف و ارایسه تاملین ایدیم دیوند ایدر ایددی * و ذاتده
صباححت و وجاهت صاحبی بر شخص ایدی * طرف رسالته غایت عداوتندن
ناشی انشای راهده رفیق اولان ایدر کراهله که اید نام بر شاعر مشهور
برادریدر پورمه مقاوله اندیلر که * عامر حضرت رسول الله مکالمه ایدرکن

اربد غلبه سیمفله حضرت رسولی ضرب ایلک * حضور نبوی به شول
ایلد کده * ابتدا عامر انبان فتنه اولان دهاتنه کشاد و پروپ * یوزمین اوزره
خرمهره پاش کلام اولدیکه * یا محمد بن طرفکره شوق و آرزو ایلک ورود ایلدم *
بی کندیکه یار و صدیق اخذ ایلدیدی * پیغمبر دیشان حضرت تلی
و حدایت حق اقرار ایمان ایلدیکه * بیرون درجه امکاندر بیوردیلر *
پورمه ترهات مقاله حضرت پیغمبری اشغال زعمنده اولوب * و ایلک
حرکتیه مترصد ایدی * کوردیکه ایددن شاتیه عمل یوقدر ورزادان ملکوت
حضرت تلی دخی کلامنه جوابدن سکوت بیوردیلر * پس مایوس اولوب امدی
واروب لشکر عظیم جمع و کاوب سنکله اهنک قتال ایدیم دیوب کندی *
ارقه سندن سید المرسلین حضرت تلی اللهم اکفی عامر بن الطفیل دیوتشیع
نفرین ایلدی * لعین من سوم طشره جقد قد نصکره ایدنه زبان سرزنشله
نیچون قرار داده اولان نیرنل مکیده نه صورت و برمدل روی زمینده بکاسندن
مهیپ و مهول کسه کور غزایدی * یوند نصکره سندن قطعا استه مارا ایلیم
دیو عتاب ایلد کده * ایدیا عامر بیضیه ضربه قصد و توجه ایلدم سنی بتله
حضرت محمد بیتنده متخلل کوردم دیدی * خلال طریقه عامر کردندن
طعمون اولوب بنو سلولدن برخاتون خیمه سنده پلاس نشین مسافرت ایکن *
دارالبواره مسافراوله جفتی تیقن ایتکله * یا بی عامر غده کفده البعیر و موت
فی بیت سلوایه دیوب همان نیزه سن اخذ و اسینه سوار * و هر طرفه طرید
و جولان ایدرکن معلق زن حفره تیران اولدی * فایحه * کلام منی یوربین
العرب مثل اولوب دفعه ظهور ایدن ایکی بلیه موقعنده ضرب اولنور * تله *
رفیق تلی قومنه ملاقی اولدقه ایددن احوالی استفسار ایتلرله * حضرت
محمد بزی بر معبود عبادته دعوت ایلدی * حالا منی ایلر که یاتنده اولوب
بر تیر ایلک کندوسنی قتل ایدیم دیدی * بر یا خود ایکی کون منی ورنده دوه سنی
چکوب صحرا ده کیدرکن * ناکهان بر صاعقه اسمانی نازل اولوب دوه سیمله
برابر خاکستر اولدیلر * وفد بی نیم * و سال منی پوره ده وفد بی نیم ورود
ایلدی * اون نفر سر کرده لری که قیس بن عاصم و عطار دین حاجب و زرقان
ابن بدر و افرع بن جابس دخی برابر ایدی * عینیه بن حصن سربه سنده
ذکر اولندیغی اوزره * سیبا یا تخلصی ایچون در کاه نیا تپناهه کاوب *
معبد شریفه دخولر زنده * حضرت بلال اذان ظهر اوقیوب * جماعت
مسلمین منتظر تشریف سید العالمین ایدیلر * مسند ارای نبوت حضرت تلی
هنوز درون خانه سعادتده اولغله * منی پورون باب رفقا به واروب *

اواز بلند ایلده با محمد طهره بیورلکه تنگه سنگله مشاعره ایلده لم * بزم * مدح جزین
وقد جز عاروشیندردیدیلر * رسالتنامه حضرت تلمی یونلازلک اصوات
کستنا خانه سندن رنجیده دل اولوب افتاب وار مطلع دردن ابرازیدارتابد
ایلدیلر * بعد ادا الصلوة یونلاری حضور عزت ایا تلمی نه احضار ایدوب *
من کذب ارتکاب ایلدیکز انجیق حضرت حقلم مدحی زین وزعی شیندر *
قالدیکه بن شعر و خرایله بعث اولندم * امامز منینمرا اولدیکز ی تقوه ایلد
بیورمغله * خطیبلمی اولان عطار دقالبوب قبیله سنک شرف و مغزنی
متضمن بر خطبه انشاد ایلدی * انسان العیوندن نقل وثبت اولندی فی اوزره
صورتی بودر * الحمد لله الذی له علی الفضل وهو اله الذی جعلنا ملوکا
و ذهب لنا اموالا عظاما نفعل فیها المعروف و جعلنا اعزاهل المشرق و اکثرهم
عددا فن مثلنا فی الناس السنا و فی الناس و الو فضلهم فن فاخر فلیعد
مثل ما عددنا و انالوشننا لا کثرنا و انما اقول قولی هذا لان یا تو اتمثل قولنا
وامر افضل من امرنا * بعد الفراغ امر سرور ملک بلاغ برله ثابت بن قیس
بن شماس رضی الله عنه بر خطبه قراءت ایدوب عطار دی حکم بلا غمله الختام
ایلدی * صورت خطبه بودر * الحمد لله الذی محمد به و نسته عینه و نؤمن به
و تمکل علیه و نشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و نشهد ان محمدا عبده
و رسوله دعی المهاجرین من بنی عمه احسن الناس وجوها و اعظم الناس
احلاما فا جا بویه * و الحمد لله الذی جعلنا انصاره و وزراء رسوله و عزالدینیه
فحقن تقاتل الناس حتی یشهدوا ان لا اله الا الله فن قالها منع مناماله و نفسه
ومن اباضا قاتله و کان رحمه فی الله علینا هینا اقول قولی هذا و استغفر الله
للمؤمنین و المؤمنات * ایلده قبیله مر قومه خلعندن بر شاعر دخی قالقوب
بویایق انشاد ایلدی *

* نحن الکرام فلاحی بعداد لنا * نحن الرؤس و فینا یقسم الرفع *

* اذا بینا فلا یابی لنا احد * انا کذلک عند الفخر نرفع *

امریه قمبر عایر تلمی حسان بن ثابت حضرت تلمی دخی بویایق برله اجابت
ایلدی *

* نصرنا رسول الله و الدین عنوة * علی رغم عات من بعید و حاضر *

* و احبنا زنا من خیر من و طی الحصار * و امواتنا من خیر اهل المقابر *

مدد افرغ بن جابس قالقوب بویایق مفرق قسما قله منیرم اولدی *

نصرتکم ایضاً فی الناس قبیله ایلدی * اذا خائفوناً عند ذکر المکارم *

فا تار من الناس من کل معشر * و ان لیس فی هاراجا کدارم *

بعدینه اشارت سلطان الانبیا ایلده حضرت حسان بویایق کوی اولدی *

* بنی دارم لا تفخروا ان فخرکم * یعود و بالاعند ذکر المکارم *

هبلتم علینا تفخرون و انتم * لنا خول مایین ظئر و خادم *

بوره مناشده اولندقد نصکره * خوانسالا رماده شریعت حضرت تلمی

انلاری * طاعنیم اسلامه دعوت بیوروب * قیس و افرع اجابت * و متمم

نوال عز و منقبت اولدیلر * سید البشر حضرت تلمی قیس حقنده هذا سید

اهل الوری بیور دیلر * منقولدر که حلم ایلد مثل اولان احنف بن قیس جنا بلیر نه

بوصفت حلمی کیمین استفاده ایلدک دیو سئوال اند * کلزنده * قیس

ابن عاصم دن اخذ ایلدم دیدی * بر * کون فنای دارنده محتبیا قومنه *

بر ماده نقل ایدر ایدی * ناکاه بر تاج کسینه انری بغلور بر آدم * کتوروب

حضورنده اقامه * و یومغول برادرزاده کدر که فلان اوغاسکی قتل ایلدی

دیو خبر و بر دیلر * اصلا کند و سنه شایسته نغیر کلبوب * حبوه سنه انحلال

و کلامنه سکنه * تحلل عارض اولدی * بعد تکمیل المقال برادرزاده سنه

متوجه اولوب * سیئه ده بولغش سن قطع رحم ایلوب حقه عاصی اولمش

سن دید کدر نصکره * دیکر اوغاسنه قالقوب عزاده کی الطلاق و قرنداشکی

دفن ایلد * و مادر که اوغلنک دیتنه بدل یوزدوه اعطا قیل دیدی * و سنه

منقولدر که زمان جاهلیته بنو قیم خط و غلابه دوچار اولملرله * معصومه

عراقدن بر طرفده ابو ایلک نیازیله * حاجب بن زراره بی کسری جانبینه

ارسال ایلدیلر * فساد ایدر لر ملا خطه سیله کسری دستور و بر ملک طرفنده

اولیحقی * حاجب بن منکفل اولورم دیدی * کسری سکا کیم منکفل اولور

دید کده اشبو کیم رهن اولسون دیوب کسری دخی قبول ایلدی * پس کاتی

ارسان ایدوب کدی * بر مدت تعیین اولنان محله اقامت ایدوب بعده

ما وای قدیم لرندما نار عمار دیدار اولغله * نقل و عسودت ایلدیلر *

و سر موفساد لری ظهور ایلدی * حین رحلتلرنده حاجب کلوب فلک رهن

ایلدی * کسر ادن ارکان دولت حاجبک رهنی قبول جهتی سئوال

ایلد * کلزنده * بیکر حاجبده علام صدق و وفا مشاهده ایلشیدم دیدی *

بعض شعر امتظر فا اشبویتله منقول اولمشدر *

تره و علینا بقوس حاجبها * زه و قیم بقوس حاجبها *

و فود قروه و سنه مر قومه ده فروه بن مسیک المرادی ملوک کنده دن مفارقت

ایدوب * رخسای درگاه رسالت اولمشدر * قبل الاسلام مر اد قبیله سیله

همدان قبیله سی میاتنده منازعه اولغله * بینلرنده یوم الردم تعبیر اولنان روز

معهوده محاربه ایدوب همدان قبیله سی ظفریاب اولغله مراد یلری وفقی المراد
برباد ایشلایدی * سیدالابرار حضرت تلی فروه دن سئوال یوردیلر که روز
من یورده قومکه اصابت ایدن بلیه دن متاثر اولدکی اولدخی یار رسول الله اول
گون قومک دوچار اولدیغی نائبه کیمک قومنه اصابت ایلسه متاثر اولزدیدی
حضرت رسول الله اما ان ذلك لم یزد قومک فی الاسلام الا خیرا یوردیلر *
بعده فروه فی مراد وزید قبیله لرینه عامل نصب ایدوب قبض صدقات ایچون
خالد بن سعید بن العاصی دخی ترفیق ایلدیلر * حضرت سلطان الانبیا
متوجه جانب بقا ولید قرخدا نده قلمشدر * فروه آستان رساله عنوانه
اشبور نشیده ایله زمزمه پیر اولدیغی حالده قاده جنبان ورود اولمشیدی *
* لما رأیت ملوک کتبه اعرضت * کالرجل خان الرجل عرق نسائها *
* فرکت راحلای اوم محمدای لرجو فواضها وحسن ثوائها *
وفود سفیر فروه الجذای * وسنه من یورده فروه الجذای طرفندن سفیر وفود
ایلدی * فروه دخی الله عنه مقدمه مقبصر روم طرفندن قلمر و ملک کنده اولان
مرزبوم عربده والی اولوب * بعده شرفیاب اسلام اولغله * سده رسالته
برقطه ضراعتنامه تحریر * وفوضه نام بریاض استر و یغفور نام بر حجار
معتبر و ظرب نام بر اسب مفتخر * و برمه دار زر بفت جامه هدیه سیله بر سفیر
تسیر ایلدی * قبصر فروه نل اسلامی استماع ایدیکل طرفنه احضار *
وجبله ازار ایدوب دین محمدیدن رجوع ایدرسل ینه ولایتکی ایقالبه یم
دیدی * فروه ابا ایدوب ای ملک سنکدخی معلوم کدر که عیسی علیه السلام
قدوم سرور انامی تبشیر ایلدی * انجی سن دوامکه ضفت اید یورسن دیدی *
قبصر غصبه کاوب اول مرد سعیدی شهید ایلدی * وفود ضمام بن ثعالبه *
وسال من یورده ضمام بن ثعلبه انجیدی وفود ایلدی * سر برهنه * صوتی
شفیده * و مال کلامی نافهمیده کسه ایدی * دوه سنی پیشگاه مسجد شریفده
بغایوب اجری کیددی * صاحب المقام لمررد حضرت تلی دین شادیده
متکشفه و دایملایدی * ضمام کاوب حضرت رسول اللهی سئوال
ایلد کده اصحاب کزین دخی سید المرسلین طرفنه اشارتله هذا الامر تنفی
دیوارات ایلدیلر * فنده * ادر حمره شرب اییش دهنا سنده در مرتفق
دیرسکی نوزده سنده دیکدر * پس ضمام ایدری کاوب * محمد طرف
اشرف کزدن مبالغه و جملله بعض نسنه لرسئوال ایده حکم منفعل اولمه
مزدیدی * کرم السجیه علیه اکر التیمه حضرت تلی دخی رخصت ارزانی
یورده ضمام بوزقی اوزره فتح کلام ایلدیکه * یا محمد بزه جانب شریف کزدن

سفیر کاوب الله ذوالجلال طرفندن مرسل پیغمبرم دیودعوا یورمشدر
واقعیدر دیدی * حضرت رسول الله واقعدر یوردیلر * بعده یا محمد سکامین
ویرر که حضرت رب العزت سکامر ایلدیمی که وحدانیت الهی به اقرار
ایدوب اشرا کدن مباعدت * و آبا و اجداد منک معبود اتخذا ایلدکاری
اصنامدن صرف وجهه عبودیت ایلک یا بنده برزله امر ایلله سن دیدی *
وسول اکرم حضرت تلی اللهم نعم یوردیلر * اندن ضمام صلوة و صوم و حج
وزکوته امر یوردیدی * نبی شترم حضرت تلی هر برنده نعم یوردیلر *
جمله سندن فارغ اولیجی اسلامه کاوب قومی طرفنه رجعت ایلدی *
سرور انام حضرت تلی ضمام حقنده نقه الرجل یوردیلر * ضم قافله صار فقیه
معناسنه در کسرا یله فهم معناسنه در * قبیله سنه واصل اولد قده اول کلامی
لات و عزایه سب و دشنام ایلدی * قومی ایشدر ییل خوش اول یضمام *
اندیشه ایتمز مین که برص و جذام و جنون هر ضلیمه مبتلا اوله سن
دیدیلر * ضمام ای نادان لر حیف * مزه که یورده جوهر شعور و ادراک کدن
بی بهره قالدیکز * انلا رنقع و ضر و خیر و شزه قادر کلدرد * خدای منعال
حضرت تلی جناب محمدی بزه ارسال * واکا کتاب انزال ایلدی * وانکله نیمه
ضلاتدن خلاص ایلدی بن شهادت ایدر که الله تعالی واحد در * شریک
و نظیردن منزهدر * و محمد حق پیغمبر در * طرف محمدیدن بن سزه نیجه
اوامر و نواهی * کتورم دیدی * قبیله سی خلقی بالجملة مسلمان اولوب
اول دیاردخی تابش خورشید دین محمدی برله مشرق الانوار اولدی *
وفود کعب * وسنه من یورده کعب بن زهیر بن ابی سلمی وفود ایلدی *
یدری داغاهل کتابله معاشرت ایتمکله * و انلا ردن نبی مطاع حضرت تلی نل
قرب * معذرتن استماع تبشیری * برکیت یورده مشاهد ایدر که آسمان دن
بر رشته دراز نازل اولوب * کتد و منی اول رشته فی تناول قصد ایدوب
الکن دسترس اولدی * بعد از آنکه تبااه مدرک زمان رسول الله اولماغه تعبیر
ایلدی * و اولادنه هنگام بعثت محمدی به رسید اولد نازنده ایمان و اسلامه
وصیت ایشیدی * و تبا که سندارای رسالت حضرت تلی طیبه به مهاجرت
یورد قده کعب ایله برادری بچیرری غنم ایدر لایدی * بچیر کعبه دیدیکه سن
غنم محافظه سنه اشتغال قبل بن محمد و اروب احوالی سنجیده میران چشم
اعتبار ایده یم * پس کعب قالوب بچیر طوغری در کار رسالته کلدی * واقف
حقیقت خال اولیجی بی توقف مسلمان اولدی * بچیر ل اسلامی بالغ مع کعب
اولد و ایشوا یاتی تحریر و بچیره تسیر ایلدی

* الا بلعنا غنى بغير رسالة * فهل لك فيما قلت ويحك هل لك
 * فقال بها الماسون كاساروب * فانه لك المامون منهم او علكا
 * ففارق اسباب الهدى واتبعته * على اى شئ وب غرك ولكا
 * على خلق لم تلف اما ولا ابا * عليه ولم تعرف عايه اخالكا
 فان انت لم تعرف فلست باسف * ولا قائل ان ما عثرت لعالكا
 مامون من ادخر عالم حضر تلیدر * بينلر نده مامون تعبیر ایدر لرایدی *
 انهل انهل الدن ماضی در * اول مرتبه ده صوابچورمك معناسنه در *
 علكا كلكه سنده عل علدن ماضیدر * مرتبه ثانیه ده ایچورمك معناسنه در *
 وب وبل معناسنه در كلكه عذابدر * لم تلف لم تجد معناسنه در * اعالك بر كلكه
 دعائیه در كه دوشن كسینه سه ساله سالقه سن دیچك برده استعمال اولنور *
 جبیر مکتوب كعبی سلطان اقلیم رسالته ارأت ایلدوب مامون لفظنی استماع
 اید یچك مامون والله یوردیلر * بوند نصكره انشاد ایلدیكى قصیده رده
 امهانی بنت ابوطالبه تشبیه تمككه * سرور انام حضر تلری تغیر عام ایدوب
 دمنی اهدار ایلدی * موكب سعادت طائفدن رجعت ایلد كده * بچیراشمو
 ایات نصیحت ایاتی تحریر وكعب طرفنه تسیر ایلدی *
 * من مبلغ كعبا فهل لك فى انى * تلوم علیها باطلا وهى اخرم *
 * الى الله لا العزى ولا اللات وحده * فتجو اذا كان النجاء وتسلم *
 * لى يوم لا ينجو ولس يفلت * من الناس الا طاهر القاب مسلم *
 * قد بن زهير وهو لا شئ دینه * ودین ابی سلمی علی محرم *
 ذیل ایاتنه مكنك فتح اولنوب واهالیسندن هجور رسول الله جسارت ایدن
 اشخاص قتل * وشعراى قریشدن بقیة السیوف زهری وهیره نام زیوفلر بلاد
 بعیده به کران اولغله * سكا دخی سمع خلاص خارج مفارقه اماكن اولغین اكر
 جوهر جانك سكالازم ایه كهف الامان اولان استان عظمت بلیان نبوی به
 التجا اول كعبه الاقبال طرفنه مانند كبوتر بال كشای اعتنا اوله سن * قبل
 الاسلام وقوع عیافته اولان هفوات وزلاته نظر یورمیبوب جله سنی عفو
 یوررلر دیو تحریر ایلدی * كعبه بومكتوب واصل اولیچق * مزینه قیله سنه
 التجا ایدوب * انلاردن صورت قبول مشاهده ایتمامككه * قبائل سائره به
 پناه اوراوب برندن زانی * حایه منظر اولما فله * فصحیح سرای عالم باشنه
 طار * وروزشن كوزنه شب تار اولدی هر طرفدن اعدائی دخی * كعب
 مقولدر به رله عیانت وارجاف ایتار ایلد * اخر بار مدینه منوره به انتای جان *
 ویرمردجهنی خانه سینه مهمان اولدی * صاحبخانه دلائله معجده شریفه

كوب كوردیكه * عین الانسان علیه الصلوة مذی الا زمان حضر تلری *
 انسان العین اسایر تواند از مقام عز و احتشام اولوب * اصحاب كرام دخی
 مانند حذقه * دائرة زاهره لنده حلقه بند مجد واحترام * وزهره القمروار
 باصره لرین بدر جمال مجدی به برداشته * وكشكول ساقعه لرین مائده
 حدیث احمدی به افرشته ایلشیر * كعب طوغری نه سال كارا نبوت طرفنه
 متوجه اولوب * بی تكلف حضور عالیلرینه بوس * ویدنی ید مؤید نبوی
 اوزره وضع ایدوب یار رسول الله كعب بن زهیر طرف اشرف فكره تا بیا مسلمان
 استیجانه ككشد * سطور ناموزون جرائع ضرب قلم صمغ و عنایت ییوریلور
 ایه * واروب خاكای سعاده استخار ایدیه یم دیدی * معجز عالم حضر تلری
 دخی تم ییورمقله * كعب اول بیچاره بونده واره دردیوموقف جلالت
 وضع جبین مسكنت اید یچك * حضرت رسول الله شومقالاتی تفوه ایدن
 كعبدر ییوردقدنكره * طرف صدیق اكبره متوجه اولوب * بچیره ارسال
 ایلدیكى ایاتی استنشاد ییورمقله * حضرت صدیق دخی قرآنه آغاز ایدوب
 * ع * فقال بها المامون كاساروبه مصر اعنه كلكه كعب بن اویله
 دینم یلكه * بیت * فقال ابوبكر بكاس رویه * فانه لك المامون منهم او علكا *
 دیدم دیدی * نه حضرت رسول الله مامون والله یوردیلر * اول انشاده
 بر مر دانصاری یار رسول الله بكابرو جنبان دسنور اولور سكر * اشپود شمن
 خزانیه مهوور ایدیه یم دیدی * شاه سرربلاغ حضر تلری اندن كوشه كیر
 فراغ اولق واجبدر * زیراتابنا زاعا كلدی یوردیلر * بعده * كعب نظم
 ایلدیكى قصیده نصیده بی كه مطایع بودر
 بابت سعاده قلی الیوم مقبول * متمم اثرهالم بقدم مكبول
 حضور سعادت نهاد نبویه انشاد ایدوب نوبت قرأت اشبو
 ان الرسول لسيف يستضاء به * مهنده من سیوف الله مسلول
 یلته رسیده اولیچق * پیغمبر عالیشان حضر تلری برسیدیل جائزه اوزرنده اولان
 برده مكرملرین احسان یوردیلر * پناه علیه خالاقصیده * مرقومه قصیده
 برده ایلد نامدار در * فایحه * معاویه جنبیلری اول برده بدلی كعبه اون یلك
 درهم عرض ایدوب * كعب بن برده نبوی بی كسبه به ایتار ایللم دیو ابا
 ایلدی * كعب قضای نجب ایلد كد نصكره * معاویه وارنلرینه یكرمی
 یلك درهم * كوندروب اشتر ایلدی * ملول امویه متوارث اولوب
 دوانلری منقضی اولدقدنكره * اول خلفای عباسیه اولان سقاخ خلیفه
 اوجبوزلر ونه اشتر ایدوب * بطنا بعد بطن متوارث اولدیلر * ركوب

و جلوسلر نده تبرکاموز لر نه الورل ایدی * مقتدر بالله قتل اولندیغی حینده
 اوزرنده بولمغله آلوده خون اولمشیدی * روایت دیگه کرده خلفای
 عباسیه نل نائل اولد قلی برده شریفه * ایله اهلنه توکده اعطای سوریلان
 اما نسامه به مقارن احسان اولنان برده در * بو تقدیرجه کعبل برده سی
 انتضای دولت بنی امیه ده مقعود اولمشدر * و خلفای عباسیه عندنده اولان
 برده تاتار و قعه سنده ضایع اولق غالبدر * تمه * کعب رضی الله عنه
 ذکر اولنان قصیده ده مهاجر بن حضراتی دخی ذکر و مدح ایدوب * انقارسم
 اولندیغی اوزره مردانصار نل کلامنه منفعل اولمغله * انصار کرامدن سکوت
 ایلوب * بلکه السود التبایل بیتنده نوعا مانه اسان تعریض ایلدی *
 سلطان الانبیا حضرت تلی یا کعب انصاری دخی ذکر ایتش اولبدلر انلارده
 محل مدح و ثنادر سورمغله * مخصوص مدیحه انصاری متضمن بر قصیده
 دلارا نشاد ایلدی مطلعی بودر *

* من سره کرم الحیوة فلم یزل * فی مقنب من صالحی الانصار *
 وقد بنی عذره * و سنة من نوره ده بنوعذره قبیله سندن اون ایکی کسه درگاه
 سپهر اشتباهه وفود ایلدی * شاه شیکاه اجلال حضرت تلی نام و نشانلرندن
 سوال یسورد قدده * قضی برادری عذره اولادندن اولدیفمز ملائسه سی
 میناغزده رابطه رحم و قرابت وارد دید کلرنده * بنی لطیف حضرت تلی
 ترجیب و تلطیف یسوروب چله سنی رطب هدایتله مرطوب الجنان *
 یعنی ذاتقه کیرفا که ایمان اولدی * سیدالابرار حضرت تلی عنقریب شامل
 فتح اولوب قیصر روم اولان هر قلل متعین بلادنه فرار ایده چکنی تبشیر و اخبار
 یسوردیلر * بعده منظر اجازه و اکرام اولد قلی حالدده دستور سید * صورایله
 وطنلری طرفنه مراجعت ایلدی *

* داری بصری عبد اعشی مره * عین اذرح جرباه فی سالیله *
 و قدم وفد داری تقدیر نده در * اترانا ممنوع صر قدر * و وفد بصری *
 و وفد عبد القیس * و وفد اعشی بن مازن * و قدم وفد بنی مره * و بنی عین *
 و وفد اذرح * و جرباه * و مینا * و ایله * تقدیر نده در * اذرح فتح همزه ایله
 اولوب وزن ایچون وصل اولمشدر * بو بیتده اون لایحه مندر جدر *
 وفد داری * و وفد بصری * و وفد عبد القیس * و وفد اعشی * و وفد بنی مره *
 و وفد بنی عین * و وفد اذرح * و وفد جرباه * و وفد مینا * و وفد ایله * و وفد داری *
 درگاه معالیم و نبوی به ایکی دفعه وفد قبیله داری وفود ایلدی * دفعه اولی *
 هجرتدن مقدم یدی نفر که که ابوهند و تمیم و برادری زعم بر ایلدی *

و رخسای خاکبای سعادت اخنوا اولد قد نصکره * آفتاب شوکت محمدی
 جهانگیر * و شهاب شمشیر ایله اقطار اقطان ربع مسکون برآورده قبضه
 تسخیر اوله جغنی تیغ ایلمیله * خطه شامدن بر مقدار اراضی نیاز ایلدی *
 تعمینی رأی لرینه مفوض یسورمغله * بیلر نده اعمال هندسه مشورت ایلدی *
 تمیم قدس شریف ولایتی التماس ایده لم دید کده * ابوهند جواب ایلدی که
 محل من بور کرچه الحاله هذه مضافات ایالت محمدن اولوب * و ملک عرب اوله
 جغنی بی شایسته اشتباهدر * لکن بر لزه ملک تمام اولماق غالبدر * پس تمیم بیت
 حیرون قضاسنی استندعا ایده لم دیوب و چله سنی انده قرار داده اولمغله * شاه
 ملک دوسرا حضرت تلی بر قطعه ایدیم اوزره اول مرزومل غلبه کنامه سن
 تحریر ویدلر شه اعطای سور دی صورتی بودر * بسم الله الرحمن الرحیم *
 هذا کتاب ذکر فیه ما وهب محمد رسول الله للدارین * اذا اعطاه الله الارض
 و هب لهم بیت عینون و حبرون و المرطوم و بیت ابراهیم علیه السلام الی
 ابد الابد * شهید بذاک عباس بن عبد المطلب * و خزیمه بن قیس * و شرجیل
 این حشنه * بعده بو وثیقه بی عند کرده حفظ ایدوب مدینه منوره به هجرتی
 استماع ایلدی ککرده کله سر دیو تنبیه یسوردیلر * دفعه ثانیه * بعد الهجرة
 درگاه رسانده کاوب شرفیاب دیدار سعادت اولد لرنده * فرمانفرمای کشور
 اصطفی حضرت تلی محمد داوود غمغه انقه بی تحریر و کمدیلر اعطای یسوردیلر *
 بسم الله الرحمن الرحیم * هذا ما انطی محمد رسول الله الخیم الداری و اصحابه *
 انی انطیتکم بیت عینون و حبرون و المرطوم و بیت ابراهیم علیه السلام
 برده تم و جمیع ما فیهیم طبیعت و نفقت و سلط ذلک لهم و لا عقابهم من بعدهم
 ابد الابد * فن اذاهم فیه اذاه الله تعالی * شهید بذاک ابو بکر بن ابی خنیفه *
 و عمر بن الخطاب * و عثمان بن عفان * و علی بن ابی طالب * و مغیاونه
 بن ابی سفیان * بدیعه * تمیم داری جناب رسول پروردکاری به بوسایق اوزره
 بروقه غریبه نقل ایلدی که * تطویع طایفه قدرایا بحر ابرجابه بادبان کشای
 عزم و سفر اولوب * ع * تجری الراح کلا تشهی السفن * فصفه سی
 باد مخائف ظهورا تمکله * روی دریا لجه خاطر مترجم بینوا کی پرشورش
 و هیجان * و سفینه لری باشند قره سپرده دست روز کاری امان اولوب *
 و افر زمان بوحال اوزره خیران و سرگردان دوران ایدوب * عاقبت کشته کشن
 جزرومد ایله بر جزیره منتهی اولمغله جبله من ساحل سلامت اقصای جان
 ایدوب * صوط لیل هر سوئی خستجو ایدر کن * بدی فی سرایا موین بر شیفن
 غریب الشکل و عجیب الهمیه به تصادق اولوب * نام و شایسته لستفسار

ارشد قدس سره بکاج ساسه دیووردیدی * بوجزیره ده سبب اقامتندن استخبار
اولدقدقه بن سزله خبر و برهم لکن درون جزیره ده بر شخص دیگر اولدقدقه
اکاواروب استعلام احوال غریب انال ایلده سیزدی مکه * جزیره درونته
دخول اولدوب تکووردلکه واقعا بر شخص مهیب و مهول بشد کراندل
مغلول اولمش * بزنی کور یجیل حال و محلازدن استقصا ایلدی * بیزیت
زمیندن اولوب فورته سیله بوجزیره ده ورود مری بیان ایدر یکم زده *
خطبه من پوره دن تشعه بخشای ساجه امکان اولان پیغمبر عالی شان
احوالی که کونه دوردیدی * بیزدی شمدی عامه انام اکایمان واستسلام ایلدیلر
دیدیکم زده * حقه برنده محسن خیر اولان خصلته عمل ایلدیلر دیدی * بعده
بیکار است خیر و برلکه بخل بیسان مقرر اولدی دیدی * بیزدی نیم حالا
فائضه القلوب قدر دیندیکم زده * بر کره اهوکی و ثوب ایدوب بکاخر وجه اذن
اولدیدی * بسبب غریبه چاقوب طبعه دن ماعدا روی زمین باعمال ایدردم
دیدی * حضرت بی مطاع تمه من بومنه بی استماع بیور شقی امر بیوردیلر
چون جماعت اصحاب کرام شمعند جمع اولوب * خطیب منبر رسالت حضرت تری
بر خطبه بلیغه قرأت میورد قدس بکره * تمیم داری بکاشو کونه بر سر گذشت
نقل ایلدی * تحذیرت بیوروب طبعه دیدیکی مدینه در * واول شخص دجالدر
بیوردیلر * این عبد البر رحمة الله وحدث شریقی روایت ایلد کد نسکره *
روایت الا کابر عن الا صاعرا اولان احادیث شریفه دن اول تخریج اولنان
بیحدید دیدی * وفدا اهل بصری * و سینه من قومه ده بصری نام قریه
اهالیستندن اوج کینه کلوب مقداد بن عمره زبیل اولدیلر * چند روز
اقامت و تعلم احکام شریعت ایلد کد نسکره * طرف شاه رسالتندن مظهر
نشر بخلعت اولوب وطنلرینه رجعت ایلدیلر * وفد عبد القیس * سینه
من بنی مده عبد القیس قبیله سندن که پیشینده بر قبیله عظیمه دراون انی نفر
کشته روزی ایلدیلر * جاور و نام نصرانی که کتب معاوی به انتسابی واریادی
داخل کرده وفدایدی * من بورتقدم ایدوب یا محمد بن دینی ترک ایدوب
سینل دینی کی اختیار ایلد * آثم اولیه جفمه متکفل اولور میسن دیدکده
* حضرت رسول الله بن متکفل بجانب هادی المصلین سنی اندن افضل
دینه قرین ایلدی بیور مقله * جاور و رفقای مسلمان اولدیلر * وفودا عشی
وسال من قومه اعدی بن مازن عبد الله الا غورد رکاه جلالت اثر نبوی به
وفود ایلدی * مادر جب المرجده جلب ذخایر انجون همجر جانیته عزمت
ایدوب کدومی ایلد لکن * معاده نام خاتونی خانه سندن فرار و مطرف

بن نهمله النجا ایلوب انل یاننده قرار ایلدی * واعشی بعد العود خانه سنی
خاتوندن خالی کور یجیل * غب التبع نزد مطرفده اولد یغندن خبردار اولدله
مطرفه واروب ای عم زاده خاتونی مکا عاده ایلد دیوانه اس ایلدی * اولدخی
انکار ایدوب بنده اولسه ده ویر من ایدم دیوروی طلب مطرفه سد باب اسعاف
ایلدی * مطرف صاحب وقع و حیثیت اولدله اعشی مصارعه منازعه به
مقتدر اولماقین * استان مخلد الا قباله رخسای ایتمال اولوب یوایات
ضراعه الله عرض حال ایلدی *

- * یاسید الناص و دیان العرب * اشکو الیك دربه من الدرب *
- * کالد میة العنساء فی ظل الشرب * خرجت انیها الطعام فی رجب *
- * فاحلفنی فی نزاع و حرب * اخلفت الوعد و اظمت بالذنب *
- * وقد فتنی بین عصر مؤثب * و هن شر غالب لمن غلب *

رسول عالی نسب حضرت تری اخر مصر اعده تصدقا و هن شر غالب لمن غلب
بیوردیلر * بعده دیوانه و تندن خاتون من پوره نل رد و تسلیمی باندده مطرف
طرفه امر نامدا صداری بیوریلوب * و صولنده یامعاده فرمائنده نبوی
شر فصدور ایتسکله بهر حال سنی اعشی به رد و تسلیم واجبه ذمت ایتمال مزر
دیچک * معانده دخی بنی رنجیده ایتمال اولد اوزره متعهد اولدقد نسکره
تسلیم ایلد دیوب * واعشی دخی بر منوال ملتس متعهد اولدله خاتونه دسترس
اولدی * وفد بنی مره * سال مر قومه وفد بنی مره دخی وفود ایلدی *
رتیساری حارث بن عوف ایلد اون اوج کینه کلوب بن ولوی بن غالب اولدیلر *
یار رسول الله جناب سعادتله میا تخرده رابطه قرابت وارد دید کارنده * خازن
کنجینه اسرار عالم صلی الله علیه وسلم حضرت تری * جواهر پاش تبسم
اولوب * دیار لری احوالندن استفسار بیوردیلر * انلاردخی حبیب و غلادن
اشتکا * و طرف نبویدن استدعای دعای تمه لریله * رسول کبریا حضرت تری
دست سدره پیوستلرین برداشته در کاه مضیض الاله بیوروب *
اللهم اسقهم الغیث دیواستسقا ایلدیلر * بعده هر برینه اوزرا و قیه و حارثه
اون ایکی اوقیه فضه احسان بیوریلوب دستور ایلد منصرف اولدیلر و طنلرینه
واصل اولدقدقه بالاستسسال تحقیق حال ایلدیلر که * روز دعای رسول اللهیده
مدرار رحمت الهی نازل اولوب * مراتع و مزار علری چهره کریمان آسا
طراوت اولمش * وفد بنی عیس سال من پورده وفد بنی عیس دخی وفود ایلدی
عیس پای موحده ایلد مضبوطدر * اما نوله عنس اسود العنسی قبیله سیدر *
عنقریب انکدخی وفدی بیان اولنور انشاء الله تعالی * قبیله من پورده دن

اون اوج کسه کلوب یار رسول الله طرف عالم کزدن تعلم قرآن ایدن قرآن قرآن
کلوب هجرت ایتین مسلک اسلامی صحیح اولمزدیو خبر ووردیلر * مدار معاشمز
اولان اموال و مواشیمز اولمغله * اگر واقع حال منوال مشروح اوزره ایسه
انلاری بیع و هجرت ایلیمه لم دید کارنده * سلطان انبیا حضرت تلمری * اتقوا الله
حیثما کنتم فلن یلتکم من اعمالکم شیئا * یعنی قنده ساکن اولور سکر
حضرت حقدن خوف و خشیت اوزره اوله سکر * بوطور اوزره اولد قچه سکر
اعمال کزدن بر نسنه نقص ایلر یوردیلر * بعده خالد بن سنان العباسی
ذریاتندن سئوال یئورمغله * انلار دخی بر کریمه سی قلوب اولدخی وفات
ایتکله سلسله سلسله سالیله سی کسته پذیر اولدیغنی اخبار ایلدیلر *
حضرت خیر القدیم و الحدیث اول ذات شریفک حاتئی اصحاب کرامه شهادت
ایدوب و حقلرنده انه نبی ضیعه و مه یوردیلر * فایده * ایس یینی و بین عباسی
علیه السلام نبی متنبیه بر حدیث شریف دخی روایت اولمغله * خالد و غیر
حقلرنده وارد اولان حدیث شریفک صحتی تقدیرجه حدیث ثابته واقع نبی
عنوائی مرسل ایله تقید اولمغله محتاجدر * و خالد علیه السلام حضرت تلمری
تفصیل حالی فصوص شیخ اکبرده فصیحی قیلنده بس و طدر کار و شروحنه
مراجعت اولنه * وفدا درج * و جریاه * و مینا * و ایله * اردوی همایون تبوک
منزلنده ایکن ادرج و جریاه و مینا و ایله وفدی وفود ایلدیلر * تبوک و قعه سی
خلالنده حاکمیری کشیده رتم قلم بدیع المقال اولمدر *

* کلاب حیر اسد دومه * زید حارث تحجیب کنده *

وفد بنو کلاب * و رسول ملک حیر * و وفد بنی اسد * و ملک دومه الجندل *
و وفد بنو زید * و بنو حارث و تحجیب و بنی کنده تقدیرنده در * زید صیغه *
تصغیر ایلد در تحجیب ضم تائی فوقانی و کسر جیمه در * کنده کسر کاف و سکون
نونه در * بیت من بورده سکر لایحه مندر جدر * وفد بنی کلاب * و وفود
رسول ملک حیر * وفد بنی اسد * و وفود ملک دومه الجندل * و وفد بنی زید *
وفد بنی حارث * و وفد قبیله تحجیب * و وفد بنی کنده * و وفد بنی کلاب * و سنه
من بورده و وفد بنی کلاب و وفود ایلدی * امید بن ربیع دخی داخل زمره
وفد ایلدی عتبه فرقه فرقه فرقه فرقه فرقه فرقه فرقه فرقه فرقه فرقه فرقه
یار رسول الله صلی الله علیه و آله جانب تابنا کدن کلوب بری فاکه لایذ
الظم اسلامه دعوت ایلکله * جمله من اجابت ایدوب و بالقریضه الشرعیه
اغنیامزدن صدقاتی اخذ * و فقرامزه اعطای ایلدی دیدیلر * و وفود رسول
ملک حیر * و سنه من بورده ملوک حیر طر فلرندن نائل کو کبة اسلام اولد قلمی

درگاه رسالت ضراعتنامه ایل اعلام ضمتده * مالک بن کعب مراده بی ارسال
ایتملرله دیوان نبوتدن دخی جمله سنه بسمله و جمله ایله صدر اسلامه کلوب
مشرکینی قتل ایلدیکر مکر معلوم اولمغله * مظهر هدایت سبحانی اولمشمز *
ومن بعد * صلاح و تقوا * اوزره اولوب الله و رسولنه اطاعت * و صلوة
مفروضه بی اقامت * و زکواتی و خمس غنیقی و مهم و صبی نبوی بی ایتا *
و مؤمنین طرفنه عائد اولان و واقفدن صدقه و مخالفدن جزیه بی اخذ و اعطا
ایلیه سزدیو امر نامه تحریر و تفسیر یوردیلدی * فایده * حیر کسر حای مهمله
و سکون میم و فتح بای تختانیله عن ما کننده بر عظیم قبیله در سلطان عن اولان
سیف ذی یزن فوت اولد قد نصکره حارث بن کلاب و نعمان و معافر و همدان
و ذرعه بن سیف ذی یزن تسلطن ایتملرله * طوائف ملوک اولدیلر *
وفد بنی اسد * و سال مر قومده و وفد بنی اسد و وفود ایلدی * حیر اربن ازور
و حضرت بنی عامر و وابسه بن معبد و مر ض انتقال نبویه ادعای نبوت ایدن
طایفه بن عبد الله بر کر و اسد یانله استان جلال نشان نبوی به کلوب *
بعد التحیه و التسلیم حضرت بنی اوزره فتح کلام ایلدیکه * یار رسول الله
دیار من بلیله خط و غلایه دوچار اولوب * هنوز جانب جلی المناقیدن امر دعوت
شر فور و ایلما مشیکن * بویله وقت تنکی و خیر تده بلاد مندن مفارقت
ایدوب و بنی اسد * و وفد بنی اسد * و وفد بنی اسد * و وفد بنی اسد *
سنه یه کلوب اسلامی تبوک ایلد دیو نوره ایهام امتان ایتمکله * بنون عابک
ان اسلموا قل لا تمنوا علی - اسلامکم بل الله عن علیکم ان هداکم للإیمان
ان کنتم صادقین * کریمه سی نازل اولدی * بعده طرف نبوتدن عیافت
و کهانت خصوصلندن سئوال ایتملرله * صاحب شریعت حضرت تلمری
انلاردن نبی یوردیلر * فایده * عیافت طیور قبیله تطایر قبیله معناسنه در
کهانت اخبار عن الغیب معناسنه در * قعه * مقرر نبوتده بر مدت اقامت
و تعلم احکام شریعت ایلد کنده صکره * مظهر تشریف رسول اللهی اولوب *
وطنلری طرفنه رجوع ایلدیلر * و وفود ملک دومه الجندل * و سنه من بورده
دومه الجندل و الیسی اکید بن عبد الملك الکندی النصرانی و وفود ایلدی *
غزوه تبوک عقبنده خالد بن ولید سریه سی خلالنده احوالی کذران ایلدی *
وفد بنی زید * بین العرب شجاعت وجودت طبیعتله نامدار اولان عمرو
ابن معدی کرب ایل * قبیله من بورده دن بر طائفه کلوب مسلمان اولدیلر *
مقدماموی البدع و همشیره زده سی قیس مرادی به سن قومک مبساتده
صاحب عزت و شان اولد یغز حبیله برابر مدینه به عزیمت ایلیمه لم * کوره لم

اگر حضرت محمد حق پیغمبر باشد معلوم اولور * والا باری احوالنه اطلاع حاصل اید ز زیدی قیس ایلا داند کد نص کره رأی عمروی تسغیه ایلدی * بعدد عمر و عازم سوی نبوی اولوب حضور مع النور مصطفویده نائل شرف اسلام اولدی * خبر اسلامی قیسه بالغ اولیحق عمروک اهل کنه عزم ایدوب عمرواگاه اولدوده بر قاج ایسات دلپذیرانشا * و قیس جابینه ارسال ایلدی اشهر *

* اید حیوونه و برید قتل * غدرک من خلیفک من مراد *

بیاتی اول ایسات چله سند ندر بعد زمان صنعای یمنده ادعای نبوت ایدن اسود عسی ایله سالک مضله ارتداد اولوب صکره ینه مسلمان * و بنا بقدم مقام ایمان اولدی * زمان خلافت شیخینده فتوحات کثیره ده بولنوب میدان مبارزت دینیه ده ابراز غیرت و فیه ایلشدر * وفد بنی الحارث * و سنه من پورده ده نجراندن وفد بنی حارث بن کعب وفود ایلدی * مقدمه مالک ملکک اجلال حضرت تری خالد بن ولید اسلامه دعوت ایچون قبیله مر قومه به ارسال بیوروب * عناد و لجاجه تری تقدیرده رخصتین قنال اولغله * حضرت خالد دخی حسب الامر بر مقدار سوار ایلد واروب اول طائفه نلک هر طرفنی احاطه * و ایها الناس اسلموا و ادبوا بهرک سر منزل سلامت اسلامه سوق ایتمار به * بی تردد بجهله می مسلمان اولدیلر * حضرت خالد بر مدت انده اقامت و تعلیم احکام شریعت ایلوب * کیفیت حالی خاکبای نبوی به عرض ایلکله * انلردن بر قاج نفر کسه الوب کلک باینده دیوان رسالتدن فرمان مختصم الاذعان صادر اولغله * بر موجب امر همایون چند نفر متعینانلریله که * و ذوالغصه قیس بن حصین دخی برابر ایدی * سده سعادت اشتغال رومال اولدیلر * سید الانام حضرت تری تلقی بالا کرام ایدوب خلال حبشده انلاردن استعلام بیوردیلر که * جاهلینده سز که طرح ترعه خصوصت اید نلر نه خصالتنه تشبیه همیشه نقشیند ظفر اولور اید یکزدیوشوال بیورمغله *

پارسل الله ابتداء اتفاق ارای همگان اولوب بنیان مرصوص کبی صورت اتحاد من شائبه رخنه و خللدن بری اولد قد نصکره * فردا فریده به غدرو ظلم ایایوب و آغاز عداوت بزم طرفدن بنیدار اولمز ایدی * دیبیک حضرت رسول الله تدلیق ایدوب بعدد قیس بن حصین اوزیرلرینه امیر نصب بیوردیلر و ظنلرینه وصولدن درت ماه صکره رسول یمدانی حضرت تری واصل اقای رحمانی اولدیلر * من پور قیست کردتده بر غصه اولغله ذوالغصه اطلاق ایتمار ایدی * وفد نجیب * و سال من پورده نجیب قبیله سی وفدی وفود * ایلدی * نجیب کنده دن بر قبیله در * اون اوج کسه کاوب ماللر نلک رکافنی

برابر کنوردیلر * صاحب سعادت حضرت تری اطهر پادشاست بیوروب قدوملرین ترجیب و توازش و تکریمه تطیب بیوردیلر * استصحاب ایلد کازی مال زکو تدرین یدشگاه فلک دستگاه نبوی به عرض و تقدیم ایلد کزنده *

رسول بسم حضرت تری ینه بونلاری دیار کره کورتوب کندی فقرا و مساکینکز ینلرنده تقسیم ایلده من پورمغله بارسل الله فقرامنه قسمت ایلد کد نصکره فضله سنی جانب معالی استناده ابراد ایلد کد دیدیلر * ومدت اقامتلرنده هر بار احکام شریعت غرادن استفسار ایدرلر * زمان پسیرده تعلم امور دینیه ایدوب منتهی رجعت اولد قیلرنده * باعث تکویرایام و لیال *

حضرت تری * مجله عود تلرندن سثوال بیورمغله * قبیله من واروب دیدار نابدار سید انقلین برله قریرالهمین اولد یغمزی تبشیر شوقی جاذبه دروغزا و لمشدر دیمار به انصراف لرینه رخصت ویریلوب * وفود سائر دن افزون اعزاز و اکرامه مقرون اولدیلر * هنگام وداعده سز دن کسه قالدیمی دیواستفسار بیورمغله *

رحلنر محافظه سنده بر نورسته جوان قالدی دیبیک * پیغمبر عالیشان اول جوانی بکار سال ایلده من پورمغین * منزل لرینه وار یحق ارسال ایلدیلر *

رخسای خاکبای حاجتروای نبوی اولیحق * بارسل الله انقاد رکاه ختمی پناه عزته رومال اولان جماعت مسلمندم * انلارلر مر امرینه مساعدت علیه شرف صدور بیورمغله * بنده دخی دلخواه عاجزانه مهاسه عاف کریمانه ارزاقی بیورلق مستند عادر دیبیک * سید الانام حضرت تری مطاوعندن استعلام بیور یحق * درگاه الهیدن بنمچون مغفرت و غنای قلب استدعا بیورده سز دیو نیاز کار اولغله * صاحب سعادت حضرت تری علوه مننی و دنیا به عدم محبتنی مشاهده بیور یحق * انبساط قلبله درگاه کبریاه دستکشای دعا اولدیلر *

مر ویدر که حجه الوداعده مغفر عالم صلی الله علیه وسلم حضرت تری * اول قومی کوروب جوان مر قوم احوالندن افتخاس بیوردوده * بارسل الله انل کبی صاحب قناعت کسه مشهود و مسموع عز اولمدی * ناس بجهله اموال دنیایی ینلرنده اقتسام ایلده لر * قطعاً ماله ینمکاه التفات ایلز دیدیلر *

حضرت رسول الله انی لارجوان یموت جمیعاً بیورمغله اولیس یموت الرجل جمیعاً بارسل الله دیواستنباه تلرله * سرورانس و ملک حضرت تری تشعب اه - واه و همومه فی اودیة الدنیا فله یدرکه الموت فی بعض تلك الاودیة فلا یالی الله تعالی فی ایها هلاک بیوردیلر * طوبای بهشت اصطفای حضرت تری خرامان جانب عقبای اولد قد نصکره * اهل یمندن بعض کسه لر مر تد اولغله *

جوان موی الیه قبیله می خلقنه حق و اسلامی تذکیر * و جنت و جهنم

تشیروتنه زیده اهتمام ایتمکله * قبیلہ سنک ثبت اسلامیه وسبیلہ
اولدی * بوگونه همت دینه سی بالغ سمع صدیقی اکبر اولیجی حضرت موت *
والیسی زیاد بن ولیده جوان مر قوم حقهده تککرم و توقیری مشتعل توصیه
نامه تحریر یوردیلر * وفد کنده * وسنه مز بورده وفد بنی کنده وفود
ایلدی * اشعث بن قیس الکندی ایله سکسان علی روایه انتمش سوار کلوب
حضور لامع النور نبوی به مشولدن مقدم کیسولرین سیر شیخ وار فدلک معلم
ومطر زبرد یعنی برله نوشیچ ایدوب داخل مسجد شریف اولدی * سلطان سریر
بعثت حضرت تلمی انلاری بوهیثله مشاهدیه یوریشی * سزل مسلمان
اولدیکز می یوروب انلار دخی المنسقه تعالی نائل شرف هدا اولمشدر
دیو اقرار اسلام ایلد کازنده * رسانسمیر حضرت تلمی به بولباس حریر زرد
یورمغله * همان جله سنی نزع و شق ایلدیلر * بر مدت اقامتد نصکرده
وطنلرینه رجعت اندیلر

* نجران غسان عدی فزاره * همدان خولان بلی رفاعة *

وفد وفد نجران وغسان الی اخره تقدیر نده در * بیت مز بورسکر لایحه بی
مشکدر * وفد نصاری نجران * وفد قبیلہ غسان * وفود عدی بن حاتم *
وفد بنی فزاره * وفد قبیلہ همدان * وفد قبیلہ خولان * وفد قبیلہ بلی *
وفود رفاعة * وفد نصاری نجران * وسنه مز بورده نصاری نجران
وفدی ورود ایلدی * نجران فتح نون و سکون جمیله بین الحرمین بریده در *
بانیسی اولان نجران بن زید بن شعیب بن یعرب ایله موسوم اولدی * درگاه
نهایت پناه نبوی به انتمش نفر سوارری کلوب * سرور نام حضرت تلمی
انلاره عرض اسلام یورمغله اول بید و نه لایا ایلدیلر * صاحب شریعت
بنا * علیہ السلام النجاشی حضرت تلمی اول سیم دلانه اسلامدن امتناع ایلدیکز
صورتده مزکله مباحلهیه مأمورم یوردیلر * مباحله اولدر که هر کیم
کاذب ایسه الشک اعتنقه منظر اولسون دیوا حدهما اخره نفرین و بد دعا
ایلمکدر * پس یئلزنده ابراه زناد مشورت ایدوب * بعضی دیدیلر که
معلوم کزدر که حضرت محمد صلیج پیغمبر در * برترم پیغمبر ایله ملاحنه
ایلدی الا که مر جله هلاک اولدی * خلاصه یئلزنده نیجه کفت و شنید واقع
اولوب آخرتار هر سنه صفر اخیر و رجب المرجبده بیکر حله و بیکر اوقیه فضه
بیرمک اوزره جزیه به کردند اده تسلیم اولمیلر * یئلزنده عهد نامه اعطا اولندی *
حین مراجعتده یئلزنده تسویه امور و مصالح انجون بر مرد مؤمن رجا
ایجاد * سید المرسلین حضرت تلمی عبیده بن الجراح رضی الله عنه جنابخی

هذا المین هذا الامه تعبيره تعین یوردیلر * وفد غسان * قبیلہ مر قومده دن
اوج کسه کلوب حضور مهج اخضور نبویه رفع انکشت شهادت ایدوب
مسلمان اولدی * قومز قرب قبصرده اولمغله املالک و عقار اتلرینه ضنله
برده عدم تبعیتلری غالب ملک و طرد دیدیلر * واقع قوملرینه واصل اولد قازنده
جمال حائلزنده آب و تاب هدایت معیون اولما مغله اسلاملرین کتم ایلدیلر *
وفود عدی بن حاتم * وسنه مز بورده عدی بن حاتم الطائی وفود ایلدی *
کندیدن منقولدر که * بن قوم و تسارم یئلزنده صاحب قدر و اعتبار اولدیغم
حبیله مربع که رسم جاهلیت اوزره ربع غنیمندن عبارتدرب کاعائد اولور
ایلدی ظهور دوات محمدی مسووم اولدی * لجه دروغ منکدر * و مبعده عیش
و حضورم منغنس و متغیر اولور ایلدی * و قضا که دیار مز یایمال خیل
دریاسیل ایلد کده * بن همدان زوجه می الوب نصاری شامدن همدینم
اولان بعضی اشناطرفنه النجاشی ایلدیم * همشیره م قالمغله اسیر اولوب شاه سریر
اجنباح حضرت تلمی معیولماری اولیجی اطلاق واکسا * وزاد راهنی
معدومیهما ایدوب تخلیه سبیل یورمشل طرفه ورودنده بکا بوجه اوزره
دهنکشای تقریر اولدی * یزای قاطع رشته رحم اولان غدار بیرحم *
خاتونی استنقا ایدوب بقیه ولایت اولان همشیره کی * بی دل اولملا ذلک
وفد ایلدک دیدی * بسط اعذاره ی افندار اولمغله * لایه ای خواهر سهد
اختر هر در لوطعن و تعبیره سزاوارم دیواستغفا ایلد کد نصکره * ذاتنده رشد
ورویت صاحبه سی اولمغله اوار و اخلاق محمدیدن استنطاق ایلدیکمده *
النه سکا طرف محمدی به عزیمت ایلمک لازمه ذمتدر * زیرا اگر پیغمبر ایسه
احراز صلب السبق فضیلت انتمش اولورسن * واکر پادشاه ایسه نه سن
حال قدیم کده ثابت و مقیم اولورسن دیدی * بدخی راخی استخسان ایدوب همان
طرف طیبیه به روان اولدم * امتنان معالی عنوان نبوی به مشولده عدی بن حاتم
اولدیغمی افاده ایلدیکمده * قنقوب بنی سعاده قخانه لرینه کوزردی * خلال
طریقده بر مجوز ضعیفه شاه ملکت رسالتی توقیف ایدوب کندی مصححنه دائر
دور و دراز تکلم اندی بن بو حالی کور یحیای بوزات شریف پادشاه د کلدردیم
بعده سعاده قخانه لرینه داخل اولوب بکابر و ساده وضع و جلوسله امر یوردیلر *
بدخی رسم ادب و اعظامه رعایتله سز یورک دیوا امتناع ایلدیم * تکرار تکلیف
یورمیلر * بالاخره اوزرینه جلوس ایدوب * کندولری جوهر کی ساده
تراب اوزره تشریف قعود ایلدیلر * بودخی شیموه ملوکانه د کلدردیم *
بعده بکا اوج دفعه اسلام تسلیم یوروب وافر مکالمه د نصکره شرف اسلامله

نازل عزمانا کلام اولدم و بنی فزاره سنه من بورده بنو فزاره وفدی دخی
 وفود ایلدی * خارج بن حصن ایلد که برادر عینه بن حصن در *
 و برادر زاده می جد بن قیس بن حصن ایلد که اصغر لریدر * بکرمی به قریب
 کسسه لر کاوب ایمان و اقرار ایلدی لر * خارج تقدیم ایدوب یار رسول الله بلاد من
 خط و غلامستولی اولغله * دواب و مواشیز هلاک اولوب صحر از من ده تاب
 و طراوت نایاب * و اولاد و عیال مزاجلقدن بیتاب اولدی لر * بزه افاضه مدرار
 آسمانی ایچون ربکه دعا ایلد و بزم ایچون ربکه شفیع اول * و بیلد دخی بزم ایچون
 سکاشفیج اولسون دیونا بخته کلام ایتمکله * رسالت پناه حضرت تلمری
 سبحان الله بن ربمه شافع اولنج کیم در که ربم که شافع اوله * لا اله الا هو
 العلی العظیم وسع کرسیه السموات والارض بیوردی لر * لا حقه * بومنا سنبله
 اشب و اطیقه شاخ اولغله قید اولندی * ریا کاران زماندن بریسی مر حوم
 ابراهیم پاشایه کاوب بوکیجه عالم رو باده حق جل و علا حضرت تلمری مشاهده
 ایلدم سزک ایچون دعا ایلد یورایدی دید کده * ابراهیم پاشا سوزه کاوب
 حضرت حق جل شانیه دعا ایلدیجک به کیم قبول ایلدیه جکدر دیو اول نادانی
 تعزیره جواله ایلدی * تته * بعده صاحب المقام المحمود حضرت تلمری منبره
 صعود ایدوب دم استسقاء عاده عائده السعاده لری اوزره * بیاض ابطنی
 بدیدار اولنج قدر دست رحمت پیوستلری * برداشته در کگاه مقیض البر
 والا حسان ایدوب * اللهم اسق بلادک و بهائمک و انشیر رحمتک و احی بلادک
 المیت * اللهم اسقنا غنما مقینا من یعامر عامر نه مطبقا عا جلا غیر آجل
 نافع غیر ضار * اللهم اسقنا رجه و لا تسقنا عذا با و لا هدم و لا غرقا و لا محقا
 اللهم اسقنا الغيث و انصرنا علی الاعداء دعا سبیله استدعای قبض سما
 پیوردی لر * ابولبابه رضی الله عنه بوکونه الحاج دعای نبوی بی کور بیلک *
 یار رسول الله خرما لر من هنوز من بدده در دیدی مر بد اهل مدینه استعما لی اوزره
 خرما قورتد قلمری موضع در * طرفیندن اوچر دفعه تکرار اولغله * اخر کار
 نبی مختار حضرت تلمری اللهم اسقنا حتی یقوم ابولبابه عربا یا یسد ثعلب مریده
 بازاره * تعبیر یله دعا ایلدی لر * ثعلب خرما تا جی دینده اولان خر قدر که اندن
 مجتمع اولان ماه مطر حریان ایدر * مر ویدر که امر مدر السحاب ایلد همان جبل
 سلع ورا سندن سبب شکسته برابر باره اهر و بالغ وسط سما اولد قده هر طرفه
 منتشر اولوب * اول کون یوم سبت اولغله اخر هفته به قدر متصل سلسله
 مطر مسلسل اولندر * ابولبابه بروفق دعای نبوی خرما بی صو کو تر تمک
 ایچون ثعلب مر بدی دعا ایلدی * بعدد خال کار * یار رسول الله کشتن

باراندن اموال المز هلاک * و سبل و مسال کمر منقطع اولدی دیمکله *
 سید البشر حضرت تلمری بنه بر تو بخش فراز منبر اولوب * اللهم حوالینا
 ولا علینا اللهم علی الاکام و الاطراب و بطون الاودیه و منابت الشجر *
 دعا سبیله اول سرزمیندن غائله بارانل بر طرف اولمچون استرجایه ورمغله *
 فی الحال تقاب محاب وجه مدینه دن منفش وچا کیده و اطراف و انجایه
 کشیده اولدی * وفده همدان * قبیله مر قومه دن مالک بن عطاء ایلد که مشاهیر
 شعر اندر بر جمع اوزر لر نده مقطعات خبرات * یعنی قصیر اثواب علی قول
 بر نوع مخطط البسیه و باش لر نده دستار عدنی و راحل نهیه و مهریه و ارجیمه به
 سوار اولد قلمری حالد درگاه رسالت پناه کاوب رخسای سده علیا اولدی لر *
 قائده * نهیه تشدید یا ایلد سوزد و ده دی نور * مهریه بمنده مهره نام قبیله به
 منسوب دوه در * که بغایت اعلا و اوزر * ارجیمه دخی همدان دن ارح
 قبیله سنه منسوب دوه در * تته * مقدمه ماشاء تشکاه نبالت حضرت تلمری
 انلاری اسلامه دعوت ایتمک ایچون خالد بن ولیدی ارسال یورمغله *
 التي ما مدت آتده اقامت * و سوز پر سرور اسلامه دعوت ایدوب * قطعا
 توجیه روی اجابت ایتماشلر ایدی * بعده حضرت مر قنزی بی تعیین و خالد
 معیننده اولان کسندردن مر ادا ایلدیکنی اوب عودت ایلک باندنه امر عالی
 اصداریه ورمغله * حضرت مر قنزی واروب معیننده اولان اصحاب کرامی
 خط مستقیم آساقف را حداثه * کد نصرکه * تقدیم ایدوب طبا تته
 مر قومه به نامه سعادت قرأت ایلد کده * جمله سی ادای مر ایم سمع
 و اطاعت * و یکده من زمزمه شهادتی واصل چار جهت ایلدی لر * بوخبر
 طرف حیدردن رسیده سمع سید البشر اولیجی * سجده کذارش کران
 اولد قد نصرکه السلام علی همدان دعا سبیله جائزه عرف بیما یان ایلدی لر *
 وفد خولان * و سنه من بورده خولان قبیله سندن اون نفر کسسه کاوب *
 یار رسول الله برزور امر ده اولان قوممز اوزر نه نافذ الکلم اولوب * و وحدانیت
 باری به مؤمن ورسوانی مصدق * و الحالته هذه طرف اشرف فکره ضرب آباط
 جمال * قطع اغوار در جمال ایلدی لر * المنبت لله رسول علیه السلام یزید ایلک
 میمر اولدی دیدی لر * وفدی بی * سنه من بورده قضا عه دن بر قبیله اولان
 علی و زنده بی قبیله سندن بر طائفه کاوب * رویفغ بن ثابت البلوی به نزیل
 و انک دلائله دخیل مجلس سید نبیل اولدی لر رویفغ طائفه مر قومه کندی
 قومی اولدیغی حنوره عالی عرف و نبوی به عرس و بیان ایدیجک * نبی لطیف
 حضرت تلمری مر حبابک و بقومک تعبیر یله ترجیب و تلطیف پیوردی لر * بعده

جمله می منظر نعمت هد او لغله رسول خدا حضرت تری * الحمد لله الذی
 هذا کم للاسلام * تعبیر یله درگاه کبریایه جد و نسا ایلد یلر * چند روز
 اقامتد نصکره اعزازوا کرامله و طنلری طرفنه اعترام ایلد یلر * وفود رفاعة *
 وسنة من بورده رفاعة بن زید مخزومی درگاه نبوتینا به بر غلام هدیه سیله
 رخسای اولوب * حضور پیغمبر ذیشانده مسلمان * و نائل عزت ایمان اولدی *
 عودتده طرف سلطان اقلیم بعثتدن قومی دعوتده مأمور یسور لایغنی متبتم
 بر قطعه یرلیغ بلیغ پیغمبرانه ترقیم * و کند وسنة تسلیم اولندی * صورتی
 بودر * بسم الله الرحمن الرحیم * من محمد رسول الله رفاعة انی بعثته الی قومه
 عامة ومن دخل فیم یدعوهم الی الله والی رسوله فن اقبل منهم ففی حزب الله
 وحزب رسوله ومن اذ بر فله امان شهرین * قومنه وصولنده جمله سی اجابت
 و تشبث دامن اسلامه احراز دستمایه سلامت ایلد یلر *

* طارق سعد سرد بجمله * غامد از دجش حنیفه *

بیت مر قومده سکر لایحه مندر جدر * وفود طارق * وفد بنی سعد *
 وفود سرد * وفد بنی بجمله * وفد بنی غامد * وفد از د * وفد اهل جرش *
 وفد بنی حنیفه * وفود طارق * وسنة من بورده طارق بن عبدالله قومیه
 آستان سعادت نشان نبوی به و افد * و داخل زمرة موحد اولمشدر *
 وفد بنی سعد * وسنة مر قومده قضا عه دن بنو سعد بن هذیم وفدی
 وفود ایلدی متبعین نردن نعمان ایلد بر جمع کاوی اول انشاده امام محراب دین
 حضرت تری مسجد شریفده مهل بیضا جنابنک جنازه نمازنی ادا به مشغل
 او لغله بر طرفه منخاز اولد یلر * مهمه * سرور انبیا حضرت تری مسجد شریفده
 مهل دن غیرى صحابه کزین نمازنی ادا یسور مد یلر * تمه * حضرت
 دفتر الموجودات بعد اتمام الصلوة * طائفة مر قومده بی کور یجک حضور
 منقبت محصور لینه دعوت و نام و نشان نردن مسئلت یسور دقلرنده * بنو سعد
 اولد قلمرن اخبار ایتلریله * سیدالابرار حضرت تری ستر مسلم اولد یکر می
 دیواستفسار یسورده غله * انلار دخی اقرار ایلد یلر * امدی تر نداشکرک
 نماز نه نیچون حاضر اولد کز یسورده غله * یارسول الله جناب منبع الجناب
 رسالتنه بیعت ایتزدن مقدم جائز دکل ظنیه متاخر اولدق دید کارنده *
 حضرت رسول الله نیرده اسلامه کادی کزایسه داخل عداد مسلمین اولد یکر
 یسور د یلر * بعد اسلام اوزره بیعت * و وطنلری طرفنه رجعت ایلد یلر *
 رحالرنده بر طفل صغیر تغلیف ایتلریله بعد الوداع نه درگاه ملائک اجتماعه
 عودت * و اول طفلی شرف بیعت سعادتله جائز مغفرت ایلد یلر * انلار

یارسول الله بر طفل ذاننده صغیر اولد یغندن ماعد اخذ متکار من در
 دید کارنده * حضرت رسول الله سید القوم خادمهم بارک الله علیه
 یسور د یلر * نعمانندن مر ویدر که اول طفل صغیر برکت دعای نبویه جمله من دن
 اقرار افضل اولوب * بعد زمان حضرت سید المرسلین * انی اوزر مره امیر
 نصب و تعیین یسور د یلر * وفود سرد * و سال مر قومده سرد بن عبدالله
 الازدی وفود ایلدی * از دشنوه قبیله سنک افضل ایلد یلر بر جمع ایلد آستان
 رفیع الارکان فضطفوی به فرش جبین ابتهال ایلد یلر * سلطان العالمین
 حضرت تری سردی قومی اوزرینه امیر نصب و تعیین * و قرب و جوار لرنده
 اولان مشرکین قبائل عن برله حرب و قتال ایتکه مأمور یسور مد یلر *
 حسب الامر جرش نام یلده بی که انده یغندن قبائل عدیده ساکن ایدی *
 جرماه مدت محاصره ایلد کد نصکره رجعت ایلدی * اهل حصار عودتی
 هزیمته جل ایلد جمله می سوار اولوب تعقیب ایلد یلر * شکر نام جبل فرنده
 یتشد یلر * همان سرد یونلری کور یجک عطف عنان صولت ایدوب اکثر فی
 یازده خیل خسارت ایلد یلر * مر ویدر که مقدمه جرش خانی درگاه
 رسالتداره از نیا اخبار ایچون ابکی کسند ارسال ایدوب * روزنامه
 من بورده سیدالابرار حضرت تری اصحاب اختیاره توجیه خطاب شکر بار
 ایدوب * عجب شکر نام جبل نه دیارده اولور یسور یجک * اول ابکی کسند
 قالدوب یارسول الله بزم دیارده کشر نام بر جبل وارد د یلر * سید البشر
 حضرت تری بلکه شکر در زیر انده حضرت حقنک نیمه قربانلری شجر
 اولنقده در یسور د قد نصکره * وقعه بی انلاره خبر ویدر یلر وطنلری به
 رجوع لرنده حال بر منوال اخبار نی به مال اولد یغنی یقن ایلوب *
 وقوملرنه وقعه مر قومده بی پیغمبر لاریب حضرت تری عن ظهر الغیب نقل
 و بیان یسور د یغنی افاده ایتکه * سده سدره مکاتنه وفود ایلد یلر *
 وفد بنی بجمله * وسنة من بورده بنی بجمله دن جر بر بن عبدالله الجلی یوزاللی
 نفر کسه ایلد مر جمع انس و جان * و منتهج برواحسان اولان موئل عظمت
 بنیانه وفود ایلوب * منظره اکر ام اسلام اولد یلر * وورد لرندن اقدیمه
 سیدالانام حضرت تری اصحاب کرامه بو طرفدن مزه بر خیر لو کسند وارد
 اولوبور * وجهه و جیهنده مسحه ملک وارد یسوروب * در عقب راحله سی اوزره
 جر بر ظهور ایلدی * مسحه ملک ایلد جالندن کایه یسور د یلر * نبی کریم علیه
 التحیه والتسلیم حضرت تری انلاره احکام شریعت مطهره بی تعلیم
 یسور د قد نصکره * جر بری یغند ذوالخصله نام صمک تخری خدمتته نامزد

بیوردی و یوزالی سوارا به واروب صتم می سوجی کسر ایلد که نسکره نه
 درگاه رسالت رجعت ایلد بلر و وفه دینی غامدین و سال می قومده دینی غامد
 قبیله سندن اون کسسه کاوب ابراز اسلام ایلد یلر * حین رجعتلرنده رسالتی
 حضرت تلی ائلاره احکام شرع منیری منتضی بر قطعه قباله نشر بر کنده لره
 تعلیم قران و امامت ایلک ایچون ابی بن کعب جنابانی تأمیر بیوردی *
 وقد از دوسنه می بوره ده از د قبیله سندن یدی نکر کسسه کاوب شرفیاب مجلس
 رسالت ایلد قلرنده * رسول کرد کار حضرت تلی اسم و رسملرندن استخبار
 بیورمه * ائلاردخی از د قبیله سندن مؤمن اولد قریب اخبار ایلد یلر * پیغمبر
 ذیشان حضرت تلی حقیقت ایمانلرندن استعلام بیوریق * اون بش
 خصلتدر بش خصالتی طرف اشرف کزدن ورود ایدن رسولدن تلقی ایلد *
 ویش خصلتیلده جاهلیته بزر مختلق اولمشیدک * ویش خصلتیلده
 عمل ایلک باینده جناب علی الجنباب امر بیوردی * حالا جله سینه اعتنا
 و اهتمام اوزره یز * تا که جانب چلی المناقب کزدن برینک تنقیص و تغییر نه
 دائر امر صادر اولمجه دیدیلر * حضرت صاحب سعادت اولار رسول * مزه
 ایمانله امر ایلد یسکی بش خصلت ندر دیدی * ائلاردخی الله * و ملائکه
 سنه * و کتبینه * و رسلنه * و بعد الموت بعث وقوعنه ایمانله امر ایلدی
 دیدیلر * نایابیم عمل ایلد امر ایلد یکم بش خصلت ندر بیورد قده * ائلاردخی
 لا اله الا الله کلمه سبله اقرار و حدایت * و ازین کلمه بی اقامت * رزق و عزیزی
 اینا * و صوم و ضای ادا و ن جهته اسبیل استغفار از ایه * بیت خدا
 ایلک کدر دیدیلر * نایاب جاهلیته سحیه کز اولان بش خصلت ندر بیوریق *
 و سعت حالنده شکر * و بلا نزلنده صبر * و قضایه رضا * و موطن نقاده
 صدق ادا * و ترک شتمات اعدا ایلد کدر دید کارنده * سلطان انبیا حضرت تلی
 یوزل حکم و عبادت * انعامه تلی سبیل احراز رتبه نبوت ایتمه * قریب اولمشلر
 بیوردی نسکره * مزه بش خصلت دخی زیاده ایدیم * تا که فعل کزدن قول کز
 موافق اید بکرم بش خصلت * مزه تمام ایلر اولد اکل و تنارل ایتمه چک کز
 جمعه مبادرت * و ساکن اولمه جفکزدن محلی بنا و عمارت * و فردا زائل
 اوله چن نسیان و ن مناسبت ایتمه * و مرجع و صبر کز اولان حضرت
 حقندن خوف و خشیت * و برابر کیدوب و انده مخلد اوله جفکزدن عمل جد
 و رغبت ایلد * مزه بیوردیلر * بعده اجازتله وطنلرته عودت ایدوب و صابای
 نیوی به رعایت * و عمل و اعتنا به مواظبت ایلد یلر * و فدا اهل جرش *
 کدر شرف ایلد * و ازین جوش خصلت طرف اشرف رسالت رسالت

ایلد کاری ایکی کسسه کاوب * شکر نام جامده وقوع عیافته اولان و تعه نل
 زبان مجز بیان نبویدن استماع ایلد کاری بعد العودت * اسی خلقنه افاده
 ایلد کزنده * استان معالی عنوان طرفته شیبان اولد یلر * و صوللرنده
 میرورانام حضرت تلی * می حبابکم احسن الناس و جوهبا و اصدقهم لقاء
 و انهم کلاما و اعظمهم امانتا نسیم منی و انما نکم و حی اهلهم حی * حول
 یلدهم * تعییر نرجیب را کرام ایلد یلر و فی بن حنیفه * و سنه فرموده
 فیو حنیفه دن انخاص کثیره کاوب مسیله الکذاب دخی داخل ایدی *
 حضرت محمد بنی خلف امر نبوت ایدر سیه کتد و سنه متابعت ایدرم ادعا سنده
 ایدی * حضرت رسول الله ید مؤید لینه بر جرید ابوب ثابت بن قیس
 بن شماس ایلد مسیله نل اوزرنده طوروب * شو جریدی بدن التماس ایلد
 ویرمل احتیالی یوقدر و حقه کده میرم اولان امر الهیمن متجاوز اوله میسن *
 اگر مسلمان اولم یوب که در سن الله قهر الهی به مظهر اوله جقسین * وین عالم
 رو یاده مشاهد ایلد یکم شخص سن اولد یغسل مقبدر * سنک جوابل
 ثابت بن قیس بن شماسه محولدر دیوب عود بیوردیلر * مقدما بر کزنده
 انبیا حضرت تلی عالم اولد مشاهده بیورمشلر اید * دست سعادت
 بیورمشلرند که و ایکی التون دلازل اولمشلر * تب نایا کاری متخشدش اولوب
 اول انده نفخ تلی باینده امر ایمانی * و براتیمک * و همان نفخ بیوروب
 ایکی سده ید و ایدلرندن بزن ایشیدی بوشاهدی خرامان روضه جنان
 اولد قد نصکره ایکی کذاب خرو جلیله تعییر بیورمشلر ایدی * بریسی صنعاء
 عنده اسود العنسی * و دیکری می سوم مسیله در * چون جله می حضور
 فی ارض النور نه ورده مسلمان اولوب و شلرته عودت ایلد یلر * و صوللرنده
 میرتدا اولوب مسیله اقامت نبوت و مفساز اولدی * صنعته برفار و ره ایچره
 بر بیضه اذخال ایتمکله انی مجزه انخیز ایدوب * و زعم باطلنجه قران کریمه
 نظیره بردازلق ایلدی * و متقول اولد یغی می مزه و مزیت کلامک بری بودر *
 لقد انعم الله الخلی * فاخرج منها نمته تسعی * من بین شفاف و حشی *
 بریسی دخی سورة کوثر نظیره سیدر * انا اعطیناک الجواهر * فصل لربک
 وهاجرین * ان یغسلک لرجل فاجر * یو جفران قومندن نیجه سفهات بعث
 ایتمکله باز اراده سنه کرمیت کاوب * اخر کار زمان خلافت صدیق اکبرده
 دیوان خلافتدن خلدین و اید عسکر بشمار ایلد اول ناب کار اوزره تعیین
 بیورمشلر * کثیره د نصکره لعین می سوم دهنرم اولوب * حریه
 و حش ایلد * و ازین جوش خصلت طرف اشرف رسالت رسالت

منتفق محارب مزینه * طی سلامان فتح غامه *

بیت من تورهیدی لایحه مندر جدر * وفود منتفق * وفد بنی محارب *
 وفد بنی مزینه * وفد بنوطی * وفد سلامان * وفد فتح * وفود غامه *
 وفود منتفق * وسنه من تورهده لقیط بن عامر بن صبره بن عبد الله المنتفق
 وفود ایلدی * وفد بنی محارب * وسنه مرقومهده وفد بنی محارب وفود ایلدی
 شاه سر بر اصطفی * علیه اصفی النخایا حضرت تری تبلیغ احکام خدا ایدوب
 قبائلی کشت و کذار بیورد قلزنده * قبیله من توره سائرین زیاده طرف نبوی به
 غلظت * و اظهار عداوت * ایتمش ایدی * بود فعه انلاردن اون کسسه کاوب
 حضور پیغمبر عالی مرتبه اعلان شهادت و جائزه ایلد ایلدی *
 وفد بنی مزینه * وسنه مرقومهده وفد بنی مزینه وفود ایلدی * نعمان
 بن مقرن المزی فی ایلد در تیره زفر کسه کاوب مسلمان ولدیلر * هنگام رجعت لرزنده
 سید البشر حضرت تری تزیید لری بایسته فاروق اعظمه امر بیورد غلامه *
 حضرت فاروق یار رسول الله جزئی خرمان غیر زاده موجودم یوقدر کفایت
 ایلدیه چکی معلوم دکلدردید کده حضرت رسول الله سن انکله بونلاری
 تزیید ایلد بیورمغله * حضرت عمر دخی جله سنی الوب خانه سعادت لرزنده اولان
 غرقه به اصعادات ایلدی * کوردیکه اول اقل قلیل خرما برکت نفس مفیض
 الا لاه برله جل اورق کبی غرقه بی املا تمش * اورق لوتنده بیاضه مائل سواد
 اولان دوم در هر کس بقدر الحاح ایدیلر * نعماندن مر ویدر که جله
 دنسکره بن اخذ ایلدم * کوردیکه هنوز بر خرمان نقیص اولغاش *
 وفد بنی طی * وسال مرقومهده وفد بنی طی وفود ایلدی * متعینلری اولان
 زید الخیل ایلد بر جمع کاوب خوان شهنی النوال اسلامدن بهره دار اولدیلر *
 زیدکیش رأس فرمی اوامره زید الخیل اطلاق اولنوب * بعده نبی وسم
 حضرت تری زید الخیر برله توسیم ایلدیلر * وحقننده بیوردیلر که عربدن فضل
 و مزینده شهر راوان کسند لر حشر ورمه کند کده جله سنل شهر تری ذات لرینه
 غالب بولدم * انجی زیدک ذاتی شهر تنه غالبدر * بعده وفود حقننده ارزان
 بیورد قری رعایت واکرام و تیره سی اوزره هر برینه بشر اوقیه * وزید الخیره
 اونایکی بحق اوقیه فضه اجازه بیورد قدنسکره * متمکن اولد قری خطه دن
 ایلد شلی دخی کند وسته قطع * و تملیک نامه اعطا و اعزاز واکرام و طمئینه
 ارجاع بیوردیلر * بعدا المافرقه زید الخیر حایه دوچار * و متا ترا عازم دارا قرار *
 اوله جفنی اصحاب کزینه اشعار بیوردیلر * واقعا خلل راهده حایه مبتلا
 و محو ما برد و سلام جانبیه ره پیا اولدی * قبیله بن اسود بر سنه کاملا نوحه

ایدوب بعده رحل ورا حله سنی الوب قبیله سنه * کوردی * زوجه سی
 ورا حله سنی کورنجه بر عظیم اتش ایقاد * و جله اثواب و انقانی مکتوب نبوی
 دخی داخل اولغله احراق بالنار ایلدی * وفد سلامان * وسنه مرقومهده وفد
 سلامان دخی وفود ایلدی * سلامان قبیله از دو قبیله طی و قبیله قضاعه دن
 بر ربطندر * ما نحن فیهم یطن قضاعه در * خبیب بن عمر و السلامانی
 ایلدی نفر کسه کاوب مسلمان اولدیلر * خط و غلادن اشکال تحلیله وسیله
 امال بر ایا حضرت تری * اللهم اسقهم الغیت دعا سبله درگاه کبریا دن استسقا
 ایلد کارنده * خبیب یار رسول الله یدمؤید کز مرقوع سوی ایمان بیوراسه
 اطیب واکثر اولقی اقرب وجدان عاجز اندردید کده * حضرت رسول الله
 تبسم ایدوب دست عنایت پیوست سامبلرین * بیاض ابیطبی نمودار
 اولنجه قدر برداشته درگاه مفیض الوطری بیوردیلر * اوچ کون اقامتد نصکره
 هر برینه بشر اوقیه فضه انعام اولنوب * بالا اجازه وطن لرینه عود ایلدیلر *
 وصول لرزنده روز دعای نبویه باران رحمت نازل * و براری و بوادیلر زنده چهره
 کریمان اسباب و تاب و طراوت حاصل اولدیفنی استیقان ایلدیلر * وفد فتح *
 وسال مرقومهده وفد قبیله فتح وفود ایلدی مقدمه اشرفیاب اسلام اولوب
 معاذ بن جبل جنابنه بیعت ایتمش ایدی * بود فعه ایکبوز کسه کاوب
 خاکبای مر اسپشای نبوی به بط پیشانی ذراعت ایلدیلر * متعینلرندن
 زراره بن عمرو یار رسول الله خلل راهده بر قاج غریب رویای هائله مشاهده
 ایلدم دیدی * سیدالابرار حضرت تری استفسار بیورمغله * حالا قبیلهده
 تخلیف ایلدیکم خاتونم بطندن بر اسقع واحوی جدی متولد اولدی دیدی
 فائده * اسقع اول نسنه در که سوادى جرته مشرب اوله احوی شدید السواد
 اولیان نسنه در * جدی او غلاق معناسنه در * تنه * داتده سرائر ملکوت
 حضرت تری سئوال بیوردیلر که * جاریه حامل ترل ایدوب کادیکر می * زراره
 نعم دیدی * امدی سنل صلیندن بر فرزند ظهور ایلدیه چکدر بیوردی *
 زراره یار رسول الله اسقع واحوی صفتری نه دلالت ایدردیچیل * صاحب
 مکارم سمیت حضرت تری زراره بی تهناسنه دعوت بیوروب * سر استنده
 مکتوم برص علای وارمیدردی سئوال بیورمغله * اولدخ سنی حق پیغمبر
 بعث ایدن خدای ذوالمتن حق بنده اول علت واردر * لکن بر کسنه نل
 معلومی دکلدردیدی * نخر عالم حضرت تری ایسته اوصاف من توره انل
 علایمیدر بیوردیلر * بعده ننه شوزه کاوب یار رسول الله ملک عرب اولان
 نعمان بن منذری کوردیم کویا که اوزر زنده قرطان و دلمجان و مسکنان

یعنی کوه لوباز و بند لوفیل کم کنند بلاز کار و ارادی دیدی * شاه مسند
رسالت حضرت تری ملک عربی حسن قیادت و عمران * رنار تله دلات
ایدر یوردیلر * بعده کیسوسی دوموی بریره زن مشاهده ایلدم که * زمیندن
سرزده ظاهر و ارادی دیدی * سلطان انبیا حضرت تری اول بقیه دنیا در
یوردیلر * بعده کورد مکمارضدن بر آتش پیدا اولوب * بناله او غلم عرومیان
سنه * حیالات ایلدی * و اول انشدن لطفی لطفی بصیر و اعنی اطعم و فی الکلیکم
و احدکم * ما کم دین * دیدی * فی ذی المناسخ حضرت تری اول
برفته در که اخر زمانه ظاهر اولور یوردیلر * زراره اول فتنه نل بیان
تحقیقت و کیفیت فی نیاز کار اوله صاحب البینات علیه این الصلوات
حضرت تری * یازراره اول برفته در که ناس اما مری قتل ایدری وروب * میان
اصاح شریفه لربن کشت ایدر لاختان اولوت انجبار و اختان اطباق
نارکی مشجر و مختلف اولور * اول ماده ده سیئه ارتکاب ایدن احسان اید
یورم ظن ایدری * و مؤمنک مؤمن عنده دمی صوابی کمکن زیاد شیرین
اولور * کرا و غلک فوت اولور سه اول زمانه سن مدرک اولور سن * والا او غلک
ادرک ایدری و یورجی * زراره اولدم برنجی عدم ادرال نه منته است دعا ایتمکله
منقخر اصفیا حضرت تری * اللهم لایدر که ما تعبیر یله دعا ایلدی * واقفا
کندوسی وفات ایدوب او غلی عمر و که تابه بدر * خلع و شهادت ذی النورین
وقعه سنده برابر بولندی * وفود غامه بن اثال الحنفی * و سال مر قومه
غامه بن اثال الحنفی قمر او جبر او فود ایدری * محمد بن مسلمه سیه سی
خلالنده بیان اولندی

سجده موت ابنه سری علی * خالد الاشعری و ثنی البجلی
فی السنة الثمانیة والستین وقع حجه علیه السلام وموت ابنه * و سری علی *
وخالد * والا شعری * ووقع مرتین سری البجلی تقدیرنده در * بیت مر قومه
الی لایحه مندر جدر * حجه اوداع وفات ابراهیم بن النبی علیه السلام * سیه
علی بن ابی طالب * سیه خالد بن ولید * سیه ابو موسی الاشعری * سیه
جریر بن عبد الله البجلی دوباره * حجه اوداع ولادت با سعادتک الشمس او چنی
و نبوتک بکرمی او چنی و رسالتک بکرمی و هجرتک او چنی سنه سنده حجه
اوداع واقع اولندی * بالجمله استه حلال و حرامی و سایر احکام اسلام بیان
و مناسک و شعائر حج مرتبی بود دفعه بندن علی الکمال تمام و اشکال و شبهها
تکزی استکشاف ایلده سز که * بوسنه دندن صکره ملاقی اوله من مزید
فاسده و دایر * حجه اوداع برله قسبه اولندی * و ما مرر ابلاغ

اولدیم احکام ربانیه بی سزه تبلیغ ایلدیم دیو استفسار بیورملیله * حجه
البلاغ ایلده نامدار اولدی * روز عرفه ده حضرت رسول الله موقوفه ایکن *
اليوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا *
کریمه سی نازل اولغله * جمله ناس مسرور و شادان اولوب * صدیق اکبر
حضرت تری واقف دقیقه اولغین * مسغرق بحر احزان اولدی * زیر ابوعالم
هستیده وجودی بود محمدی تمام دین مبین ایچون مستقر اولوب * لدی
الا کمال حکمت اصلی رهین استحصال اولغله * رفیق اعلی جانبیه ارتحال
بیوریله جفی معلومری ایدی * بوجه تله ج مر قومه حجه التمام دخی اطلاق
اولندی * حضرت صدیق بویاده تفردی فضل و مزینته دلالتده کافیدر
کرچه مقدم سلطان انبیا حضرت تری نیک حج عیدیه سی اولوب * لکن بوسنه
ذات جلیل الاوصاف لینه مضاف اولشدر * زیر اجاهلینده بهر سنه سال
شمسینک سیال قری اوزرینه زیاده سی اولان نسی که اون برکوندر * تاخیر
اولنه رق اتوزاوج سنه ده بردفعه یه مر کز قدیمه رجوع ایتمکله * سنه
مر قومه ده اتوزاوج سنه کامل اولشدر * بنابرین سید المرسلین حضرت تری
ان الزمان استدار که هیئته یوم خلق الله السموات والارض پیوردیلر *
وفات ابراهیم بن النبی علیه السلام * و سنه مر بوره ده نهال روضه الصفا
رسالت * غنچه کلزار فحایت و نبالت * حضرت ابراهیم بن رسول
عالمیزلت * زیننده روضه جنت اولشدر * حقنده شاه مسند نبوت
حضرت تری * لوبقی کان نبیا لکنه لم یبق لان نبیکم لانی بعده پیوردیلر *
و اول کون بامرہ تعالی کسوف واقع اولغله * ناس کسوفی وفات ابراهیم
معلول ایتمکین * واقف سرائر زیر بر حضرت تری * شمس و قریات
الهیہ دن بر آیت عظمیادر * بر فردک موت و حیاتدن ناشی منکسف
اولمز * یخن انلاری اول حال اوزره کورر سکز * کشایش بولنج قدر دعا
افتراع ایلده * پیوردیلر * سیه علی بن ابی طالب * و سنه مر قومه ده
ولایت یمنده * سرفرو برده مقام امتثال اولمیان قبائلی اسلامه دعوت *
و مخالف قتلری تقدیرده تازیانه شمیر ایله تعزیر لرینه مبادرت ایلک باینده *
درگاه رسالتدن اوچیز تغیر مر دجنکاور ایله علی بن ابی طالب کرم الله
وجهه تعین پیورلغله * حسب الامر ملکیت مر قومه وصولر نده
سبل بیابان اساهر طرفه اقرن ایدوب * غنائم پیشمار تحصیل ایلد کد نصرکه
قبائل مر قومه بی جمع * و ضیافخانه اسلامه دعوت ایلدی * اول شوریده
مذاق ان اجابندن روگردان اولملیله * ابتدا بالمناضله اهنک مقاتله اولوب *

بدنه شیرگران کبی سپاه دشمنان اوزره حمله ایملریله * یکریمی تقری مدبریه غدن
 گذرایدوب ماعداسی تاب آورمقاومت اوله میوب * شررمنطایرکبی
 هر طرفه منتشر اولدیله * جناب حیدر عساکرش تعقیب اولوب * مجددا
 اسلامه دعوت ایتمکله * جمله سی اجابت و شرف هدایتله مظهر عز و سعادت
 اولدیله * اقام ماموریتله عودت ایدوب سیدالانام حضرت تلیسک جانب بیت
 الحرامه احرامیندا عترام اولد قلمی مشعوی اولفله * مکله طرفقه عطف
 عنان * وجهه الوداعده مستعد لقای پیغمبر پیشان اولدیله * سریه خالد
 بن ولید * وسنه من بوره ده خالد بن ولید رضی الله عنه سریه سی واقع اولمشدر
 بنو حارث بن کعبی اسلامه دعوت ایچون نجرانه ارسال یورلدی * تفصیلی
 وفد بنی الحارث خلانده گذران ایلدی * سریه ابوموسی الاشعری * سنه
 مرقومه ده ابوموسی الاشعری برله معاذ بن جبل رضی الله عنهما تلمیم
 قرآن عظیم الشان ایلم ایچون بمن دیارنه ارسال یورلدی * ابوموسی غایتده
 خوش اواز * وجیدانقرآه اولمغله * حضرت رسول الله برکیجه مقدم قرآن
 تلاوتی استماع ایلمکله * کندیلرینه لورآیتن واتاسمع قرآنک البارحقة
 اوتیت من مارمن من امیرال داود یوردیلر ابوموسی دخی یار رسول الله استماع
 شریفکرم معلوم اولیدی * دخی تزیین و تحسین ایدردم دیدی * والمراد من
 من امیرداودما کان یغنی به فی قرآه الزبور * سریه جریر بن عبد الله الجلیلی
 دوباره * وسنه من قومه ده ایکی دفعه جریر بن عبد الله الجلیلی سریه سی واقع
 اولدی * سریه اولی گذارشیدیز اولدنی اوزره ذوالخصله نام صنم تحریفینه
 مامور اولدی * سریه ثانیه * ملوک طوائف یمندن ذی الکلاع والیسنی عرس
 اسلامه دعوت ایلمکله مامور اولوب * تبلیغ امر نبی عایشان ایلرکده *
 کندومی وزوجته سی صریحه بیت ابرهه الصباح اجابت ایدوب مسلمان
 اولدیله *

فی سداسامة افترا طلیحة * عنسی * مجاح مفتري الایمامه
 فی السنة الرابعة والستین * سری اسامة ووقع افترا طلیحة وافترا رجل عنسی
 ومجاح ومفتري الایمامه تقدیرنده دروزن ایچون الف افترا قصر ویای عنسی
 تقدیر اولدی * بیت مر تومده بن لایحه مندر جریر * سریه اسامة *
 افترای طلیحه * افترای عنسی * افترای مجاح * افترای مفتري الایمامه *
 سریه اسامة * سال ولادیک الشمس در دینی و هجر تک اون برینی سنه سی که *
 سنه حقیقه ولادیک الشمس اوچینی سالدیر * حب ابن الحب اسامة بن زید
 بن حارثه سریه سی واقع اولدی * سلطان الانبیاء * برهان الاصفیاء * علیه

انتم الصلوات واکمل التحیات حضرت تلیسک تجمیز یورد قلمی سرایانک اخری
 و خلیفه رسول الله صلیق اکبر جنابنک تنفیذ ایلدکاری امورک
 اولیدر * مر ویدر که شاه ملکت اجنبی حضرت تلی امر یوردیلر که * سپاه
 اسلام دیار رومه غزایتمک ایچون معدوم مهبیا اوله لری * فردامی که
 ماد صفر یکریمی اتخی کونیدر * اسامه جنابلرین طاب واستحضار
 یوروب * حضور جلالتهم حضور لرینه متوانده سنی اشبو عسکره امیر
 نصب ایلدم مصرع یدرک اولان ناحیه بلقاده ضم همزه وسکون بای
 موحد و فتح ثون و مقصوده ایله ابنی نام محله * کیدوب * علی السحر
 اولقوم مستحق اللوی بازده خیل خسارت * و خاتمانلرینه ایصال شعله آتش
 صولتله موطن و مقطنلرین * عالم و عالمیانه عرصه عبرت ایلده سن * تایدرب
 الاربابله اول طائفه ظمیراب ایلدیلر صورته * انده چوق اقامت ایلله *
 ولی رهبر و دلیل غزم * بیل ایلله و جاسوس تقدیمه استطلاع حالدن خالی اولم
 دیوامر و توضیه یورد قلمی کونل فردامی که یوم اربعه یادر مبتلای تابش سما
 اولدیله * ایرتسی خیس * کوفی مبارک ایدمجدر لیل برلوی فک فرساعتقد
 ایدوب * اغزاسم الله فی سبیل الله فقاتل من کفر بانه وصیقه اسامه به
 تسلیم یوردیلر * اسامه اول لوی نصرت اثوای الوب ادای مراسم تودیع
 ایلد کدنسکره * مدینه دن حقیقوب جرف نام محله نزول ایلدی * ابوبکر
 و عمر و سعد بن ابی وقاص و سعید بن زید و ابوعبید و قیساده بن نعمان و سائر
 وجوه مهاجرین معیت اسامه به تعیین یورلشلر ایدی * بعض ذوات
 که اراجناب اوزره اسامه نک امارتی خد و صنده کفت و شنیدایملریله * سمع
 شریف نبوی به رسیده و ایچق * مرآت خاطر فخر لری غبار اندودانقعال
 اولوب * کابرک مناج اطافت امتزاج لری بزمانیده یادجا ایکن * سرسعد
 افسر لرین بر عصابه ایله صاروب * حجره مطهره دن خروج * ونور چشم
 اسافر از منبره عروج یوروب * درگاه کبریاه ادای جد و نسا ایلد کدنسکره *
 اصحاب کریم و جهة خطاب ایدوب * یامعشر الناس اسامه نک امارتی
 خصوصنده بعضکرنک تفوه ایلدیکی مقانه کوشمزدم اولوب * مقدما پدیری زید
 مؤنه ملحمه سنده مظهر شریف امارت اولدیغنده دخی ضرب کلام
 ایتمشیدیکر * خدای متعال حی زید امارتله لایق ایدی * کذلک اوغلی اسامه
 دخی مستحقدر * و بنم سود کلر مدندر * سزله لازم اولان بنم امرم اوزره اکا
 انقیاد ایدوب خیبار کردن اولدنی حسیله اکا توسل برله استیصای خیر
 ایلله * یوردیلر * بعده منبردن نزول و سه ادخخانه لرینه دخول یوردیلر *

اول کون هجرتک اون برنجی سنه سی ربيع الاولک اونتی سبت کوفی
ایدی * تمام سربه خلافت صد بده واقع اولدی * افترای طلیحه * و سنه
من پوره ده افترای طلیحه بن خویلد واقع اولمشدر * یعنی ادعای نبوت هذیانی
حادث اولمشدر * من سوم طلیحه بنی اسد قبيله سنک سر کرده می اولوب * بین
العرب شجاعتمله نامدار حتی هزار سواره معادل شمار اولنور ایدی *
مقدمای قومندن بر جمله استان رسالته کلوب مسلمان اولمشرایدی *
بعد الرجوع ینه طریق حقدن الحیاد وحیدودتله دمساز ادعای نبوت
اولدی * سلطان هر دوسرا حضرت نری ضرار بن ازدی اوزر ینه تعیین
ایدوب * اول ائشاده لقای صمدانی به واصل اولغله نفیر دعوی بی اصولی
بر مقدار متغافل اولدی * بعده طرف صدیق اکبردن خالد بن ولید قتال
من تدینه تعیین اولنوب * یمامه به وصولنده طلیحه نل حشرات مجتمعه سنه
دوچار اولغله * طلیحه بی طلب بیوردیلر * هوادار لری بزم پیغمبر منی تحقیق
وازار ایله دیوالتاس ایلدیلر * نه حال ایسه طلیحه حضور خالده منول ایلوب
حضرت خالد باطلیحه خلیفه من ل سپارش بیوردیغی وصیت اوزره ابتدا
سنی کما فی السابق شریک وتظیردن منز اولان حضرت خالقل اقرار و حد
نیتنه * و حضرت محمد عبود رسولی اولدیغی تصدیقه دعوت ایدرم * قبول
ایدرسک بزده سنی قبول ایدوب سیوفزی درینام ایدرزیدی * طلیحه دخی
یا خالد بنده شهادت ایدرمکه * الله تعالی واحد در * و بن اللهک رسولی یم
حضرت محمد جبریل نازل اولدیغی کی یکاده ذوالنون نازل اولوردیدی *
زمان سعادت اقتران نبویه دخی ادعای بیوجهله اولغله * مسجوع
شریقلری اولیحق ملائکه اسماندن بر ملاک عظیم ذکر ایدر پیورمشرایدی *
اخرا کار محاوره مشاجره به مؤدی اولوب بینلرنده قتال عظیم اولغله * انجامنده
تاییدرب الانام ایله سپاه اسلام غالب ومظفر * ولشکر مخالف بدفرجام
مهرزوم ومد مر اولوب طلیحه بر تقریبه زوجه سنی الوب شام طرفند فرار
ایلدی * زمان خلافت فاروقیده ینه درگاه خلافت کلوب مسلمان * و پاینده
مرکز ایمان اولدی * و ادای حج شریف ایلد * کد نصرکه قادیبه وقعه
سنده نه به داملحق قدسیان اولدی * افترای عتسی غنس فتح عین مهمله
وسکون نوله یمنده بر قبيله در * و سنه من پوره ده اسود ذوالخار عیله بن
کعب عتسی که بنی مدلج سر کرده سیدر * ادعای نبوتی حادث اولدی * مقدمای
اسلامه کلوب حبه الرداع عقبنده مرتد اولدی فن * که هانت وشعبده
بازیده مساریق اولغله بیفرزان ناسه بعض امور غریبه وتخلیان بجیه

اطهار ایتمکله * اول گروه سبکسرا فی اضلال ایدرایدی ادعای نبوت
ایدوب بکاشهقی و شریق نامنده ایکی فرشته * کلور زعمنده ایدی دائما
نقاب پوش اولغله ذوالخار اطلاق اولمشیدی * یعنی بر خمار اول جاربدر کرداره
مسلط اولان وسواس امیدر دیدیلر * صنعا والیسنی باذان که تصبکرده
پیغمبر دیشان ایدی * شب پنخیر مجلس زندگانی دیچک لعین مسفور فرصت
بولغله * رفع لوی شقاوت واعوان * کثیره پیدا ایتمکله * یمنده
نقاره زن عتو و فضاحت اولدی * جانب سلطان انبیادن مراد قبيله سنده
عامل اولان فروه بن مسیک بوماده بی سده سینه به تحریر و اعلام ایلدی
معاذ بن جبل رضی الله عنه اول ائشاده یمنده اولغله * مآربه عامل اولان
ابوموسی الاشعری به ملتجی اولدی * اندنصرکه اول دوزخینک شریش
وطغیان منطائر اولغله بشلدی * وجبروا کراهله باذانک زوجه بی
اولان مرزبان کی فیروز دیلینک عم زاده سیدرتزوج ایلدی * سلطان
ملکت رسالت حذر نری معاذ و ابوموسی وسائرین دیارنده اولان اهل
اسلامه بای وجه اسود نامنده اولان روسیاهلک سوادفتنه سنی شعشعه بیض
صوارمله ازاله ایلبه * مزدیو فرمان اصدار وصنعاده بولنسان ایشابه دخی
اسودل بر تقریبه اعدامنه بذل اجتهاد * واقفضا ایدرسه جبر و همدان
قبيله زندن استمداد ایلبه من * وانلاره دخی امداد ایده * مزدیو امر نامه لر
تحریر و تسبیار بیوردیلر * ابتدای اسودل خاتونی مرزبان به امر اطلاق اولوب
بونه وضع بی غیرتیدر که پدر و زوجنی قتل ایدن شخصه همسر اوله سن دیو طعن
وتشبیع ایلد * کلرنده * مرزبان دخی عنده مده اسوددن مبعوض کسه
یوقدر * پنجه استیلا سندن تخلص کریسان ایلمکه چاره جویم حالیا
درون قصرده تنهانشین پسر خواب اولوب لکن جوانب قصرده وافر
پاسبان اولغله * شو جیره دن نقب لغم اولنسه صورت ظفر مقرر در دیوار انت
طریق ایتمکله تیز دست محل مشاردن نقبه استدار و میبینه وصولده
فیروز بلی ایله دادویه تقدم ایلوب * لعینی مسافر دارا ابوار ایلدیلر * حین
قتله ملعون صیحه ایتمکله * پاسبانلردرون قصره شنایان اولیحق * مرزبان
پیغمبر که وحی نازل اولیوردیومنع ایلدی * لعینه اغوا ایدن شیطانی
کله کده سسلخک عادت سینه می ایدی طلوع بخرده اذان محمدی اوقنوب
خلال اذانه اشهدان محمد رسول الله وان عیلت کذاب دیوندا ایلدیلر
بعده عسکر اسلام مقهور مسفور لاهوارلرین بالجله اعدام ایلوب وقوع
حالی دخی عرض موقف اجلال ایلدیلر * مریدر که حضرت رسول الله اسود

مسفور ساعت قتلنده * کیفیت من پوره به باوخی آسمانی آگاه اولغله * اصحاب
 کرامه بوکیجه اسودی برخاندان اصالت و دودمان نبالت بقیه منی اولان
 بر مرد مبارک قتل ایلدی بیورمغین * اصحاب کرام دخی استعلام ایتلریله سرور
 نام حضرت تری فیروز اولدی یعنی اعلام بیوردی برفر داسی نبی عیدانی حضرت تری
 متوجه ملک جاودانی اولغله مکتوب و خبر زمان خلافت صدیق اکبرده
 واصل اولدی * فایحه * ذکر اولنان اینادن مراد اولاد فرسدر * اول زمان که
 حبشه ده نجاشی طرفندن والی اولان ابرهه بمن ملکته استیلا ایدوب *
 ایدی ملوک حیردن اول مرزبوی انتراع ایلدی * سیف ذی یزن کسرای
 بحمه التجا واستمداد ایتکله کسر ادخی سیفه عسکر وافر وروبینه ضرب
 سیفله استرداد ایلدی * اندنصکره سپاه فرس یمده اقامت واهالیسیله
 محالطت و معاشرت ایتلریله امتیاز ایچون اولادرینه اینا اطلاق ایتشدر
 ایدی * افترای سجاح * مفتریلر برسی دخی سجاح نام بر عورتدر * ادعای
 نبوت ایدوب مخصوص مؤذن و نواب و منبر اتخاذ ایلدی * عطار دین
 حاجب اشبوییتی انک حقه انشاد ایلدی

* انصحت نبیتنا انی نطیف بها * واصبحت انبیاء الله ذکرانا *

افترای مفتری ایماه * مراد مسیله الکذاب بودخی دمساز دعوی نبوت
 اولوب * ذکر اولنان سجاح نام وقاحه تل اعوان و هواداری کثرت
 و بازار ادعائه کرمیت کایچک * عسکر بیکران تجهیز و مسیله ایله محاربه
 ایچون عمامه طرفنه عزیمت ایلدی * وصولده مسیله خبر ارسال ایلدی که *
 تنها جدا یکیز مجت نبوتلری در میان ایلده لم کوره لم لیاقت
 و حقیقت نه طرفده لایح اولور * سجاح واقعا شرط انصاف دخی بودردوب
 رخیله ده اخلا * و هر طرفدن اداره کوس محاورات هذیان اخلا ایدوب *
 عاقبت سجاحی تزوج و مهری مقابلی امتلندن صلوة جفرو عشایی تنزیل
 ایلدی * خالد بن ولید رضی الله عنه مسیله بی قتل ایلد کدنصکره سجاح
 شرف اسلامه اختیار فلاح ایدوب بعده قومنه التحاق * و معاویه وقتنه
 قدر نعمت حیاتدن تحصیل مذاق ایلدی * لطیفه لاحقه * منقولدر که
 سجاح ایله مسیله وجه مشروح اوزره خلوتده مباحثه ایدرکن مسیله آیین
 عربان اوزره بی سراویل اولوب و برقصه درازه مالک اولغله * خلال محاوره ده
 سجاح معاینه ایلدی که * بطوبت شهوانیه سی مجرای دهانتدن فوران
 ایتکله بشلوب * عاقبت عنان اختیار ریخته سر نجه هوا اولغله * انت
 نبی و هذه مجزئک * دیوکیرمقلقی تلیم و کندوسی تسلیم ایلدی

* مرض نقل لاریق الاعلی * صلی علیه الله حيث خلا

وفی السنة الرابعة والستین مرض نقله علیه الصلوة والسلام تقدیرنده در *
 حيث خلا فی الدنیا اوفی البرزخ اوفی الاخری سبکده در * کیفیت مرض
 نبوی خصوصنده مریدر که * برکیجه سرور انام حضرت تری ابوموییه
 نام غلامنه خطاب ایدوب * یا ایاه و یه اهل بقیع ایچون استغفار ایلد که
 مأمورا اولدم * بنده برابر کیمده سن دیوامر بیورمغیله * برابر کیدوب
 بقیعه وارلد قده السلام علیکم یا دل انقا برلین لکم ما اصبتم فیه مما اصاب
 الناس فیه لو تعلمون ما نجی کم الله تعالی به اقبلت الفتن کقطع اللیل المظلم یتبع
 اخرها اولها * الذخیره ندرن اول * عبارتیه شیت و تسلیم بیوردنصکره *
 یا ایاموییه معلومک اولسون که جاده خزائن دنیایک مفتاحلری و دیاده محمد
 اولمق و بخت بکا عرض اولنوب و فاتیح و خلود ایلد لقای رب العزت و جنت
 ینلرنده تمیز اولدم بیورده غله * ابوموییه یارسو ل الله پدر و مادر من نفس
 نفیسکزه فدا اولسون دیاده خزائن و خلودی اختیار ایدوب * بعده جنته
 دخولی اصطفای بیوره سز دیچک * سیدالابرار حضرت تری لا والله یا ایاموییه
 بن لقای رحمانی اختیار ایلدم دیدی فردامی سر سعادت لرینه صداع طاری
 اولوب حضرت عائشه جیره سند مشرف المزاج نشریف ایلدیله اول هنر کاده
 حضرت عائشه تل دخی صدای اولغله * وارا ساه دیوانین و اشکال ایدر ایدی *
 حضرت رسالتنامه بل انا و ارا ساه بیوروب لطیفه قصیده یا عائشه سکانه ضرر
 ترتب ایدر * اگر بندن مقدم وفات ایلدک بن سنی تجهیز و تکفین ایدوب
 اوزر که نماز قیلم و دفن ایلسم بیورده غله * حضرت عائشه جده جل برله متاثر
 اولوب و انکلاه خدا حق مراد کز بودر که بن روضه بقایه عزیمت ایدوب جناب
 سعادت همان اول کون بعض ازواج کز ایلد جرمده خلوت و صحبت بیورده لر
 دیدی * صاحب رسالت حضرت تری تبسم ایلدیله * و عید الرحمن بن ابی بکر
 الصدیقی حضور مکرر تدارعالیله احضار بیوروب * بکا بر قطعه کتف
 یعنی کورله ککی یا خود بر لوحه کتورتا که بندنصکره ابوبکر حقه ده اختلاف
 اولنامق یابنده وصیت نامه تحریر ایده بم بیورده غله * عید الرحمن دخی
 مأموری احضار ایتک ایچون حرکتیه مبادرتده * بنه سلطان انبیا
 حضرت تری یا ایا بکر حضرت رب العالمین و کروه مؤمنین سنک حقه ده
 اختلافدن ابا ایلدیله بیوروب * بعده بر خطبه بلیغه قرأت و اصحاب کرام
 ینلرنده فضل و مزیت صدیق اکبری بیان * و جمله به اشاعت و اعلان
 ایلدیله خطبه مر قومه اراده بیوریلان وصیت نامه به بدل اولمق غالبدر *

با کوره نخل روایت در که مر ضلیرك اشندادنده اصحاب کربن مقرر سعاد تلزنده
مجمع اولغله * رسالت سیر حضرت ناری بکافلم ودوان کنورك سزله وصیت
نامه تحریر ایدیم * تا که بند نصکره طریق حقدن اعتساف ایتمه سز
بیورمغله * فاروق اعظم وجود نبی اکرمی صیانتنا طبع لطیف نبوی
اشنداد در دایله آزرده اولغله * بره قرآن کریم کفایت ایدر دیدی * حضارك
کیمی موافقت و کیمی مخالفت ایلمکله * میان تلزنده قیل وقال پیدا و اغین *
حضرت رسول الله طشره حقه ملری باینده امر بیوردیلر * و صاحب مکارم
خلیفت حضرت ناری هنگام مر ضلیرنده دخی قسم ازواج طاهرات خصوصنه
رعایت بیوررلایدی * پلک مشند اولیجق بالجمله حلائل مکرمانی جمع ایدوب *
حضرت عائشه حجره سنده استقرار اولغی ضمننده التماس بیورمغله *
جمله سی راضی اولوب * مبارک اللزین فضل بن عباس ایله حضرت مرتضی
دو شلرینه وضع ایدوب * رأس شریفاری معصوب ایاقلرین سوریه رله حجره
عائشه به تشریف بیوردیلر * منقولدر که وجعلاری مشند اولدقده بر فاج
قوییدنیدی قریه صوصو کنوردوب اوکیه لرین حل ایتمکله سزین کنوروب
اوزریمه دوکه سز اوله که بر مقدار خفت بولوب امتیه وعظ ونصیحت ایدیم
بیورمغله * حسب الامر صوتی احضار * و مجردن مصنوع بر طرف ایچره
اجلاس ایدوب * اول صولری مبارک بدن ایتمه کفایت ایدر دینجه قدر صب
ایلدیلر * ماه مزبورك دفع سمومده مدخلی اولغله خزانیه حضرت ناری انکله
مد اوایوردیلر * رسول اکرم حضرت ناری وقعه خیرده تناولنه ابتدار
بیوردقاری شاه معصومه نل اثر سمی جسم مکرمنده باقی قالوب * اول ائشاده
مشند اولمشیدی * وسعادت شهادتی دخی احراز ایچون متاثر اعازم دار البقا
اولدیلر * بعده سر سعادتاری معصوبامسجد شریفه تجلی بخش طلعت منیر *
و فر از منبری رشک سپهر انیر ایدوب * درگاه حضرت کبریا به ادای جد
و شاد نصکره شهدای احد ایچون خیلی دعا واستغفار ایلدیلر * بعده
حضرت حق سبحانه و تعالی عبادندن برنی دنیا ایله لقاسی بیتنده تحبیر
ایلمکله * لقای رحمت انتقاسی اختیار ایلدی * دیجک حضرت صدیق
اکبر ذات انور لرندن مکئی اولدقغه انتقال ایتمکله بکا ایدرک نفوس
واولاد مز ذات مکارم نهاد کرده فد اولسون یا رسول الله دیدکده * حضرت
رسول الله ثانی قبل یا ابابکر بیورمغله نصکره * ای معشر ناس صحبت و مال
جهتله جمله دن زیاده ابوبکرکله ممنونیم اهل ارضدن خلیل اتخاذ ایلیم
ابوبکر ای اخذ ایدردم بیوردیلر * بعده مسجد شریفه کساد اولان ابوابل

جمله سی سد اولنوب حضرت ابوبکرکله قبوسی علی حاله کساد مقامی
باینده فرمان ایلدوب * یینه سعادخانه لرینه تشریف ایلدیلر * مر ویدر که
مرض نبوی مشند اولیجق انصار کرام سبنداسا آتش اضطرابه
دوشوب * مراحمه وحیران * شعله جواله * کی اطراف مسجدی
طوف و دورانه بیلدیلر * حضرت علی و عباس و فضل و سوقت نبوی به
داخل اولوب * انصارك احوال پر ملال لرین اعلام ایلدیلر * سید الانام
حضرت ناری ککد و مشقت نامله قیام * و مرتضی و فضل اموز لرینه اتسکا
و عباس پیشگاه لرنده مبارک ایاقلرین سوریه رله * مسجد شریفی غیرت دار
السلام * و قدم زیرین منبری هر رتبه فک میناقام بیورمغله * اصحاب کرام
مسجد شتابان اولوب * در ساعت شمع اقبائیه جمع اولدیلر * درگاه واحد
بیمتایه ادای جد و شاد نصکره * ای معشر ناس مسوعم اولدیکه بنم
ارتحال مدن خوف و تلاش ایدر ایتمسز * اسلاف انبیای عظام مدن بریسی
امتی بیتنده محله اولدی که بندخی سزک میانکرده محله اولیم * معلومکز
اولسونکله بن حضرت حقه لاحق اوله جنم * و شرف لحوقه جمله دن زیاده
مستقیم * سزه و صیتم اولدر که مهاجرین اولینه حرمت و رعایت ایلیمه سز *
و مهاجرینه و صیتم بودر که سزکله حسن زندگانی و معاشرت ایلیمه
بیورمغله نصکره * و العصر سوره سن تلاوت بیوردیلر * بعده ای مهاجرین
وانصار جریان آموز قضا و قدرت پرورد کاره مشوطدر * مؤجل اولان مر ای
تجلیل یافته سی یوقدر حق سبحانه و تعالی فردا فریده نل عجله سی ایچون
تجیل ایلر * و هر کسه که قضای الهی به غالب اولغی هوا سنده اوله *
بهر حال مظهر قهر و نکال ذوالجلال اوله جغی بی شائبه اشکالدر *
وز عجله طرف ربانی به اخذاع ایتمک سودا سنده اولورایسه لاجرم کندوسی
مخدوع و مخدول اولغی وارسته قیل و قالدر دیوب * فهل عسیتم ان تولیتم
ان تقصد وافی الارض و تقطعوا رحاکم * الایه * کریمه سن تلاوت
بیوردیلر * بعده ای معشر مهاجرین سزله انصار حقدنه وصیت ایدر مکله *
انلاره داغ نامعامله بالجماله اوزره اوله سز زیر انلار سزله احسان ایلدیلر *
سز لری دیار لرینه کنوروب مسکن لرنده ابواب * وجهت دهیشت لرنده تشریک
ایدوب و تعیشده کمال عسرت و مضایقه لری و ارایکن سز لری نفسلری اوزره
ایثار و اختیار ایلدیلر * معلومکز اولسونکله هر کیم انصار اوزره حاکم
اولورسه کرکدر که انلارک محسن لرندن اعمال خسته بی قبول * و مسیئر لرندن
عفو و تجاوز ایلیمه * و جمله کرک معلومی اولسونکله بن سز ره رؤف و مشفقیم *

و سر زیننه کالاحق اوله جقه سز * موعده من جو ضدر * هر کیم کنار حوضده
 یکاملاتی ارزواید رسته مالایعیندن یدولسانی کف ایلسون * ای معشر
 نامس لامحاله ذنب و معصیت سبب تغییر نعمت و موجب نقص رزق
 و قسندر * اگر خلق یار و مطیع اولور ایسه پادشاه و والیری دخی اول صفت
 اوزره اولور * و اگر عاقی و فاجر اولور ایسه کذلک انلارده اول اطوار و اخلاق
 اوزره اولور * و بدم حیاتم حقه کرده خیر اولغله * کذلک مما تم دخی خیردر
 یوردیلر * فائده * خیر اقلی صفت مشبه اولوب اقل تفضیل بینه سیه
 اولما غله مفضل علیه اقتضاسیه اشکال وارد اولمز * تبه * بعده بینه
 سعادتخانه لر بینه تشریف یوردیلر * من ضلیمه تمام ثقلت عارض اولوب
 مسجد تشریفه مکنشیری اولمچق امامتی حضرت صدیقه تقو و رض یوردیغله
 اون یدی و قنده امامت ایلدی صلوة بخیر رکعت ثابته سنده مقدادی
 بجه و راحه تری دخی اقتدا * و رکعت اولای منفرد ادا یوردیغله *
 بر یغمیر امتندن برینه اقتدا ایلدیکه قبض اولمادی یوردیلر * انش رضی
 الله عنه چنانکدن من ویدر که * سیدالورا حضرت تریک واصل لقای رفیق
 اعلا اولد قری کون که * ماه ربیع الاولک اون ایکنجی مبارک اثنین کونی *
 خلق صلوة بخیره شروع ایدوب * حضرت صدیق امیر نبویه امامت ایدر
 ایدی * سید البشر حضرت تری * پرده در سعادت تقری رفع یوردیغله *
 کوردنکه مبارک وجه و جبهلری کاغده دوغش * صف اندر صف امتک
 قائم عبادت اولد قری کوز بیک بغایت منبسط اولوب تبسم یوردیلر
 جماعت مسلمین دیدار سید المرسلینی حسن اید بیک کمال فرح لرندن ناشی
 نماز دن مغر ف اولوب * طرف اشرف لرینه شتابان اولغله اغاز اید بیک *
 نبات و انما لری ضمتده اشارت یوروب * و پرده بی اسجاف ایلدیلر *
 دره کابل روایتدر که سبت کونی بریدوسی جلیل حضرت جبریل
 علیه السلام نازل اولوب * یا محمد حضرت رب العزت بی سکا رسال ایدوب
 حالک سندن اعلم ایکن تشریفات کرم مزاج سعادت کی استفسار یوردیلر *
 حالک پیچهدردیوادای خدمت عبادت ایلدکده * حضرت رسول الله
 یا جبریل بل مغموم و مکروم یوردیلر * بعده احد کونی کلوب بینه
 کالاول سوال خاطر ایلدوب * و اول جوابه مجاب اولدی * اثنین کونی
 قابض الارواح عزرائیل علیه السلام ایلد برابر کلوب * حضرت عزرائیل
 قبوده بکت و حضرت جبریل مروت سعادته منقول ایلدی * استفسار
 حال و خاطر دسکره * حضرت عزرائیلان قبوده اولوب اذن شریف لرینه

منتظر اولدیغنی * و جناب عالی لرندن ماعدا فرد افریده دن یوردیغله
 استبدان واقع اولدیغنی افاده یوردیغنی اذن شریف صادر اولغله *
 حضرت عزرائیل دخی داخل حضور بی نبیل اولوب * عرض تحیت
 و تسلیم ایلدکده نصکره * یا محمد حق تعالی بی جناب رفیعانه ارسال
 ایدوب * و امر یوردیلر که فرمانده امتثال ایلیم * رضای بمن اقتضای
 متفکر اولور ایسه * روح برقت و حکمری قبض ایده بم * والا رجوع ایده بم
 دیجک * حضرت رسول الله نبویه میدر یوردیغله * حضرت عزرائیل
 دخی تم نبویه مامورم دیجک * سید جلیل الخطر حضرت تری جبریل
 امین طرفته نظر یوردیغله * یا رسول الله حضرت باری عز شانه نقای
 شریفه کرمه مستنا قدر دیجک سلطان انبیا حضرت تری امدی یا عزرائیل
 مامور اولدیغنی امری اجر اقل یوردیغله * شهر اعظم و اجلال اوزره
 روح مطهر بی بی مالی * اعلا ی علینیه ایصال ایلدی * عابنه الصلوة
 و السلام * الی قیام الساعة و ساعة القیام * دم احتضارده حضرت غائسه
 وصفیه و فاطمه ابو بکر و عمر و علی اطرف لرینه آدم لر ارسال ایدوب *
 اتفاق بر سیده حاضر اولدی * حکمت خدا هیر تده مدینه به دخول لری
 وقت که عقب زوال افتادیلر * بر تو بخش عالم بقا اولدیلر * و آخر کلام لری *
 الصلوة و ما ملکت ایمانکم * قول شریفی اولمشدر * من ویدر که اول جان
 جهان واصل عالم جان اولنجه * مخدرات مطهرات ناله و زار و نوحه خارا
 کدازه دمساز اولوب * اوازه نعی و فغان لری مسجد شریفه بولسان اصحاب
 کرامک مسوع لری اولمچق * جله سی آشفته و حیران و دم بسته و سرگردان
 اولوب * کیمی لایعقل کیمک لسانی منقبض و کیمک عقلی مختل و مغشوش
 اولغله * مجنون کبی هذیان سوبله که بشلدی * اصحاب کزینک کویا که
 باشلرینه قیامت قویدی * فاروق اعظم حضرت تری سراج و مددهوش
 ابانغ اوزره قلقوب خداحق سید الکائنات حضرت تری وفات ایلدی *
 زمره منافقین ایدی و السنته سن قطع ایلدیکه اقلیم بقایه عزیمت ایلر *
 هر کیم رسول الله وفات ایلدی دیر ایسه طعمه شیر شمشیر ایدرم * بلکه
 موسی علیه السلام مناجاته عزیمتده اکادخی وفات ایلدی دیشلر ایدی *
 فرق کوند نصکره رجعت ایلکاه * حضرت رسول الله دخی رجعت
 یوردیلر دیو طرف طرف صیحه زن ابعاد و تحریف اولور لرایدی * حضرت
 عثمانک دلی طوبی لوب لال اولدی حضرت مرتضی زینکینا سا حرکتی بیحال
 اولوب اولدیغنی محله قالی بیجان کبی قالدی * اول هنکامده مکر حضرت

صديق كندی محله سنده ایدی * بو خبر دلدوز و پیام عالمسوز مسعودی
اولی حق چشمه چشمنزدن نهر سرخاب اسالک خونین روان ایدر کلوب
بحال با کمال سلطان هر دو سرادن رفع ردا * و جبین دینارینه بانی واهی
طبت حیا و مبتدیه رله جبهه فرسا اولد قد نصره * ال و ازواج مطهراتک
و مسجد شریفده اولان اصحاب کرامک کافون قواد رینه آب افشان تسلیم
اولغله * ملتهب اولان آتش اندوهلرن نوعان سکین * و قلوب خافقه لرن
بر مقدار توطن ایلدی * بعده منبره جیقوب حد و نیلای محتوی بر خطبه
انشاد ایلد کت نصکره * ایها الناس من کان یعبده محمد افان محمد اقدم مات دیوب
وما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم علی
اعقابکم ومن ینقلب علی عقبیه فلن یمضی الله شئنا و سیمضی الله الشاکرین
کریمه سن تلاوت ایلدی * فاروق اعظمدن مر ویدر که خدا حق کویا که
برایتا کریم یی بن اصلا استماع ایلام شیدم * بوند نصکره بجه اصحاب
انتقال رسول رب الاربابه اعتقاد و اطلاعه استرجاع ایلدی * بعده منبردن
نزول ایدوب اهل بیت تعزیه و تسلیه ایلدی * اول خلاصه بالجملة اصحاب کرین
صديق اکبر جنابنه بیعت ایدوب سند خلافتنه تمکین ایلدی * امر
خلیفه ایلد فجهیز و تکفین خدمته مبادرت اولوب * حضرت مرتضی
و عباس و فضل و قثم غسل مخصوصه مباشر اولدی * محله قباده غرس
نام قوینک صوبی بغایت لطیف اولغله حضرت رسول الله دائماً اندن
نوش ایدر ایدی * اول صودن کتور و بیدی مشک صوایله غسل ایلدی *
اولا اوج دفعه خالص صوایله تانی سدر ثالثا کافور ممزوج صوایله غسل
ایدوب * محوله نام قریه عاییده معمول و بنیودن منسوج اوج عدد
میاض ثوبله تکفین اولد قد نصره * تعیین بیور دقلری موضعه نقل
وسر راوزه ابقا اولوب * کعبه خانه سعادت اوله حق اصحاب ابرار *
فوج فوج کلوب منفردانگار کذا اولدی * ابتدا رجال احراز بعده نساء
احراز * بعده اطفال * بعده عید * بعده اما * کلوب هر بری در در
تکبیر ایلد ادا ایلدی * دعا خصوصه اصحاب کرام مشاوره ایدوب بعده
شان رسالته نمایان اولان اشبهودعا اوزره قرار داده اولدی * اللهم
انا نشهد انک صلی الله علیه وسلم * قد بلغ ما نزل الیه * ونصح لامتد *
وجاهد فی سبیل الله حتی اعز الله دینه * و تم کلمته * فاجعلنا الهنا
من تتبع القول الذی نزل معه * واجمع بیننا و بینته * حتی نعرفه و نعرفنا به *
فانه کان بالمؤمنین رؤف رحیم * لا ینفی بالایمان بهیدا ولا لا یشترى به غنا *

ابوطلحه زید بن سهل که حصار انصار دندر لحد ایدوب ابو عبیده بن
الجراح که حصار مهاجر بندر قبرده شق ایدر ایدی * صحابه کرام کیفیت
حفرده اختلاف ایتلر یله * حضرت عمر علی روایه حضرت عباس
ایکی سنه ده ادم ارسال ایدوب * کیم اول بولنورسه مر قد امجد نبوی
اول حفر ایلسون دیدی * ابوطلحه سبق اینمکله لحد ایدوب اول کنج
رسالتی انده دفن * و طقوز کریم ایلد بنا * و امر تدفینی

رسیده حدانته ایلدی * صلی الله علیه وسلم *

و شریف و کرم و مجد و عظم دایما ابد الابدین

و علی آله و صحبه الماجدین * و ذریته

و ازواجه و اصهاره و انصاره و عشیره

و جمع امتنه * و ادخلنا فی شفاعته

و احشرنا فی زمرة تحت لوانه *

و ادخلنا معه الجنة *

اعظم به المنه

امین

۲

هذا آخر ترجمة سير الحلي المشتملة على اخبار خير البرية واصحابه ذوی
النفوس الزكية وقد تم طبعها واینگ طلعهها بمطبعة صاحب السعادة
الابدية والهمة العلية مولانا الحاج محمد علی باشا ادام
الله دولته وایده عنایت و وصولته علی ید مصححها الفقیر
احمد افندی قرق کسه وی فی واسط شهر ذی الحجة
سنة الف و مائین ثمان و اربعین من هجرة
من له العز والشرف

